

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله ربّ العالمين، و الصَّلوة والسلام على سيّدنا و نبيّنا محمّد
«صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ»، و على اهل بيته الطيّبين الطاهرين
المعصومين «سلام الله عليهم اجمعين»، سيّما بقيّة الله الاعظم
حجّة بن الحسن القائم المهدي «صلوات الله و سلامه عليه»، و لعنة الله
على اعدائهم اجمعين، من الآن الى يوم الدّين.
آمين يا ربّ العالمين.

فاطمة الزهراء
وَلِيَّةُ اللَّهِ وَحُجَّةُ اللَّهِ
سومين شخصیت عالم خلقت

جلد سوم (فضیلت شانزده تا هجده)

تألیف:

نیّره السّادات علوی حسینی

فهرست

- فضیلت شانزدهم: وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها حُجَّةُ الله و وَلِيَّةُ الله است، لذا مانند ائمه معصومین علیهم السّلام مخزن علم خداوند متعال می باشد، ۹
- فضیلت هفدهم: فاطمه زهرا سلام الله علیها حُجَّةُ الله و وَلِيَّةُ الله است، لذا در رحم مادر با مادر بزرگوار خویش سخن می گوید، و مانند سایر ذوات مقدّسه معصومین علیهم السّلام بلافاصله پس از تولد، شهادتین را بر زبان مبارک خویش جاری می سازد..... ۱۳۷
- فضیلت هیجدهم: فاطمه زهرا سلام الله علیها کُفُو «شبیبه، نظیر، مثل، مانند» امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام می باشد، و این مقام و منزلت، مقام و منزلتی است انحصاری و استثنایی که مختص به فاطمه زهرا سلام الله علیها می باشد، ۱۶۷
- فهرست احادیث ۴۷۳
- منابع و مآخذ ۴۸۳

فضیلت شانزدهم

وجود مقدس فاطمه زهرا سلام الله علیها حُجَّةُ الله و وَليَّةُ الله است، لذا مانند ائمه معصومین علیهم السلام مخزن علم خداوند متعال می باشد، و به همین جهت به گذشته و آینده علم دارد و از آن آگاه است.

قبل از درج احادیث مربوط به فاطمه زهرا سلام الله علیها و این که آن حضرت مانند ائمه معصومین علیهم السلام مخزن علم خداوند متعال می باشد و به گذشته و آینده علم دارد، لازم است توضیحات مختصری در رابطه با علم ائمه معصومین علیهم السلام ارائه شود تا وقتی به علم حضرت زهرا سلام الله علیها اشاره شد مطلب برای همگان کاملاً روشن شود و اهمیت موضوع کاملاً تبیین گردد.

ذیل آیات شریفه فراوانی به علم ائمه معصومین علیهم السلام اشاره شده که به عنوان نمونه به سه آیه شریفه اشاره می شود و توضیحات مختصری ارائه می گردد.

۱- آیه ۸۹ سوره نحل:

خداوند متعال در این آیه شریفه «آیه ۸۹ سوره نحل» وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را مورد خطاب قرار داده و می فرماید:

نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِكُلِّ شَيْءٍ، یعنی:

خداوند متعال به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید:

ای پیامبر:

ما این کتاب را یعنی قرآن کریم را بر تو نازل کردیم که بیان همه چیز در

آن می باشد، یعنی:

همه چیز در قرآن کریم بیان شده است.^۱

مقصود از تَبَيَانًا لِكُلِّ شَيْءٍ، چیست؟

این قسمت از آیه شریفه می فرماید که:

قرآن کریم بیان کننده همه چیزها است، یعنی:

همه چیزها در قرآن کریم بیان شده است.

با توجه به این که قرآن کریم کتاب هدایت می باشد، لذا مقصود از بیان همه

چیزها، بیان همه چیزهایی است که به هدایت انسانها باز می گردد، یعنی:

آنچه که برای هدایت بشر لازم است در قرآن کریم آمده و چیزی فروگذار

نشده است، لذا:

هیچ چیزی وجود ندارد که از نظر دینی مورد نیاز و احتیاج مردم باشد ولی

قرآن کریم به آن اشاره نکرده باشد.^۲

توضیح:

الف: قرآن کریم ظاهری دارد و باطنی «ظَهْرِي دَارِد و بَطْنِي»،

ظاهر قرآن کریم تنزیل آن است،

و باطن قرآن کریم تأویل آن،

ظاهر قرآن کریم نیز ظاهر دیگری دارد،

۱. تفسیر نمونه، جلد یازدهم، صفحه ۳۹۳ «ذیل آیه ۸۹ سوره نحل».

۲. مجمع البیان، جلد چهاردهم، صفحه ۳۴ «ذیل آیه ۸۹ سوره نحل».

المیزان، جلد بیست و چهارم، صفحه ۲۳۵ و ۲۳۶ «ذیل آیه ۸۹ سوره نحل».

تفسیر نمونه، جلد یازدهم، صفحه ۳۹۳ «ذیل آیه ۸۹ سوره نحل».

و باطن قرآن کریم هم باطن دیگری،
و هر بطن آن بطنی دارد تا هفت بطن دیگر.^۱

ب: باطن آیات شریفه قرآن کریم «باطن آیات شریفه» و تأویل آیات شریفه قرآن کریم را جز خداوند متعال و جز راسخون در علم که ائمه معصومین علیهم السلام باشند هیچ کس نمی داند،
و غیر از وجود مقدس چهارده معصوم علیهم السلام احدی از مردم از تأویل آیات شریفه قرآن کریم اطلاعی ندارد،
و این موضوع در آیه هفتم سوره آل عمران آمده که خداوند متعال می فرماید:
هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخْرُ مُتَشَابِهَاتٌ،
فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ،
وَ مَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ، یعنی:
خداوند متعال به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید:
او است خدایی که قرآن کریم را بر تو نازل فرمود «خداوند متعال است که قرآن کریم را بر تو نازل فرمود»،
که برخی از آیات شریفه آن آیات محکم است «آیات صریح و روشن»،
که این آیات محکم، اصل و اساس قرآن کریم هستند،
و برخی از آیات شریفه قرآن کریم آیات متشابه هستند «در بدو امر پیچیده و مبهم به نظر می رسند»،
کسانی که در دلشان انحراف است «کسانی که دل آن‌ها تمایل به باطل دارد»
به دنبال آیات متشابه می روند «رفته»،

۱. المیزان، جلد پنجم، صفحه ۱۳۷ «ذیل آیه ۷ سوره آل عمران».

المیزان، جلد پنجم، صفحه ۱۴۱ «ذیل آیه ۷ سوره آل عمران».

تفسیر صافی، جلد اول، مقدمه چهارم، صفحه ۴۸، حدیث ۱ و ۳ و ۱۳ «ذیل آیه ۷ سوره آل عمران».

تفسیر برهان، جلد اول، گفتار اول، فصل اول، باب اول، صفحه ۳۶ و ۳۷.

تفسیر برهان، جلد دوم، مبحث هفتم، صفحه ۶۷ و ۶۸، حدیث ۱۰ و ۱۳.

تا با تأویل نمودن آیات شریفه قرآن کریم فتنه ایجاد کنند «مردم را گمراه کنند»

در حالی که تأویل آیات شریفه قرآن کریم را غیر از خداوند متعال و غیر از راسخون در علم هیچ کس نمی داند.^۱

ذیل این آیه شریفه «آیه هفتم سوره آل عمران» احادیثی از ائمه معصومین علیهم السلام نقل شده که مقصود از راسخون در علم وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه معصومین علیهم السلام و آل محمد علیهم السلام می باشند و غیر از این ذوات مقدسه، احدی از مردم از تأویل آیات شریفه قرآن کریم اطلاعی ندارد.^۲

۲- آیه ۴۹ سوره عنکبوت:

قرآن کریم که تَبَيَّنَا لِكُلِّ شَيْءٍ می باشد «قرآن کریم که بیان کننده همه چیزها است» در سینه ائمه معصومین علیهم السلام قرار دارد.

خداوند متعال در آیه ۴۹ سوره عنکبوت می فرماید:

بَلْ هُوَ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ فِي صُدُورِ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ، یعنی:

قرآن کریم آیات روشن و آشکاری است در سینه های کسانی که خداوند متعال به آنها علم داده است «قرآن کریم آیات روشن و آشکاری است که در

۱. مجمع البیان، جلد سوم، صفحه ۲۳۰ «ذیل آیه ۷ سوره آل عمران».

تفسیر نمونه، جلد دوم، صفحه ۵۰۲ «ذیل آیه ۷ سوره آل عمران».

تفسیر نورالثقلین، جلد اول، صفحه ۶۶۹ «ذیل آیه ۷ سوره آل عمران».

۲. اصول کافی، جلد اول، صفحه ۲۶۴، حدیث ۶ «حدیث ۴۷۹».

اصول کافی، جلد اول، صفحه ۳۰۸، حدیث ۱ «حدیث ۵۴۹».

اصول کافی، جلد اول، صفحه ۳۰۹، حدیث ۲ «حدیث ۵۵۰».

المیزان، جلد پنجم، صفحه ۱۲۹ و ۱۳۲ و ۱۳۳ «ذیل آیه ۷ سوره آل عمران».

تفسیر برهان، جلد سوم، صفحه ۱۴ تا ۱۹، حدیث ۲ و ۳ و ۴ و ۵ و ۷ و ۱۱ «ذیل آیه ۷ سوره آل عمران».

تفسیر نورالثقلین، جلد اول، صفحه ۶۷۹ و ۶۸۱، حدیث ۲۹ و ۳۳ و ۳۴ و ۳۵ «حدیث ۱۳۷۴ و ۱۳۷۸ و

۱۳۷۹ و ۱۳۸۰» «ذیل آیه ۷ سوره آل عمران».

سینه‌های صاحبان علم قرار دارد»^۱.

در کتاب شریف اصول کافی و در تفاسیر شریف صافی، برهان و نورالثقلین احادیثی از ائمه معصومین علیهم السلام نقل شده که مقصود این آیه شریفه «آیه ۴۹ سوره عنکبوت» ائمه معصومین علیهم السلام هستند که خداوند متعال قرآن کریم و آیات شریفه آن را در سینه‌های آن ذوات مقدسه قرار داده است.^۲

۳- آیه ۴۳ سوره رعد:

تمام علم کتاب نزد ائمه معصومین علیهم السلام می‌باشد.

خداوند متعال در آیه ۴۳ سوره رعد وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را مورد خطاب قرار داده و می‌فرماید:

وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسْتَ مُرْسَلًا، قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ، یعنی:

خداوند متعال به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید:

ای پیامبر:

کافران می‌گویند تو فرستاده خدا نیستی «کافران می‌گویند تو پیامبر نیستی»،

ای پیامبر:

۱. مجمع‌البیان، جلد نوزدهم، صفحه ۶۹، ۷۳ و ۷۴ «ذیل آیه ۴۹ سوره عنکبوت».

المیزان، جلد سی و یکم، صفحه ۲۲۳ و ۲۲۴ «ذیل آیه ۴۹ سوره عنکبوت».

۲. اصول کافی، جلد اول، صفحه ۳۱۰ - حدیث ۱ «حدیث ۵۵۲».

اصول کافی، جلد اول، صفحه ۳۱۰، حدیث ۲ «حدیث ۵۵۳».

اصول کافی، جلد اول، صفحه ۳۱۰ و ۳۱۱، حدیث ۳ «حدیث ۵۵۴».

اصول کافی، جلد اول، صفحه ۳۱۱، حدیث ۴ «حدیث ۵۵۵».

تفسیر صافی، جلد پنجم، صفحه ۲۱۷ «ذیل آیه ۴۹ سوره عنکبوت».

تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۲۱۶، حدیث ۱ و ۲ و ۳ و ۴ و ۵ و ۸ و ۹ و ۱۱ «ذیل آیه ۴۹ سوره عنکبوت».

تفسیر نورالثقلین، جلد پنجم، صفحه ۷۰۵، حدیث ۷۰ تا ۷۴ و ۷۶ تا ۷۹ «حدیث ۸۵۴۰ تا ۸۵۴۴ و ۸۵۴۶ تا ۸۵۴۸» «ذیل آیه ۴۹ سوره عنکبوت».

مجمع‌البیان، جلد نوزدهم، صفحه ۷۴ «ذیل آیه ۴۹ سوره عنکبوت».

المیزان، جلد سی و یکم، صفحه ۲۲۹ «بحث روایتی ذیل آیه ۴۹ سوره عنکبوت».

به آن‌ها بگو «به کافران بگو»:

شهادت خداوند متعال و شهادت کسی که علم کتاب نزد او است میان من و شما کافی است، یعنی:

ای پیامبر:

به کافران بگو:

شهادت و گواهی دادن خداوند متعال به رسالت من، و شهادت و گواهی دادن کسی که علم کتاب نزد او است برای صدق ادعای من کافی است.^۱

منظور و مراد از کتاب در این آیه شریفه «آیه ۴۳ سوره رعد» چیست؟ احتمالاً منظور از کتاب در این آیه شریفه «آیه ۴۳ سوره رعد» قرآن کریم است، گرچه احتمالات دیگری نیز داده شده، مثلاً گفته شده که:

ممکن است منظور از کتاب در این آیه شریفه، همه کتب آسمانی باشد «قرآن کریم، تورات، انجیل و...»،

ممکن است منظور از کتاب در این آیه شریفه، لوح محفوظ باشد، ممکن است منظور از کتاب در این آیه شریفه، اسم اعظم خداوند متعال باشد، و بالاخره ممکن است منظور از کتاب در این آیه شریفه، همه موارد فوق باشد.

به هر حال مراد و منظور از کتاب در این آیه شریفه «آیه ۴۳ سوره رعد» هر کدام از موارد فوق که باشد نتیجه این می‌شود که: کسانی که علم کتاب به طور تمام و کمال نزد آن‌ها است شاهد و گواه بر رسالت و نبوت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می‌باشند،

۱. مجمع‌البیان جلد سیزدهم، صفحه ۸۷، ۹۰ و ۹۱ «ذیل آیه ۴۳ سوره رعد».

و گواهی می دهند که حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم پیامبر خدا است،

و خداوند متعال آن حضرت را برای هدایت بشر فرستاده است. در بیان مقام و منزلت کسانی که علم کتاب به طور تمام و کمال نزد آنها است همین بس که خداوند متعال خودش و آنها را شاهد و گواه بر رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم معرفی فرموده است.^۱ در کتاب شریف اصول کافی و در تفاسیر شریف صافی، برهان و نورالتقلین احادیثی از ائمه معصومین علیهم السلام نقل شده که علم کتاب به طور تمام و کمال نزد ائمه معصومین علیهم السلام می باشد.^۲

ملاحظه فرمودید که:

طبق آیه ۸۹ سوره نحل، قرآن کریم تَبَيَّنًا لِكُلِّ شَيْءٍ می باشد، یعنی:

۱. مجمع البیان، جلد سیزدهم، صفحه ۸۸ تا ۹۱ «ذیل آیه ۴۳ سوره رعد».
- مجمع البیان، جلد هیجدهم، صفحه ۱۱۳ و ۱۱۴ «ذیل آیه ۴۰ سوره نمل».
- المیزان، جلد بیست و دوّم، صفحه ۳۰۶ تا ۳۰۸ و ۳۱۱ «ذیل آیه ۴۳ سوره رعد».
- المیزان، جلد سی ام، صفحه ۲۸۵ و ۲۸۶ «ذیل آیه ۴۰ سوره نمل».
- تفسیر نمونه، جلد دهم، صفحه ۲۹۸ «ذیل آیه ۴۳ سوره رعد».
- تفسیر نمونه، جلد پانزدهم، صفحه ۴۹۹ «ذیل آیه ۴۰ سوره نمل».
۲. اصول کافی، جلد اوّل، صفحه ۳۳۳، حدیث ۵ و ۶ «حدیث ۶۰۷ و ۶۰۸».
- اصول کافی، جلد اوّل، صفحه ۳۷۸، حدیث ۳ «حدیث ۶۵۹».
- تفسیر صافی، جلد سوّم، صفحه ۶۴۴ و ۶۴۵ «ذیل آیه ۴۳ سوره رعد».
- تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۴۶۵ تا ۴۶۹، حدیث ۱ تا ۷، حدیث ۹ تا ۱۲، حدیث ۱۴ و ۱۵ «ذیل آیه ۴۳ سوره رعد».
- تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۴۷۱ و ۴۷۲، حدیث ۱۹ و ۲۰ و ۲۵ «ذیل آیه ۴۰ سوره نمل».
- تفسیر نورالتقلین، جلد سوّم، صفحه ۸۱۷، حدیث ۲۰۷ «حدیث ۵۳۲۰».
- تفسیر نورالتقلین، جلد سوّم، صفحه ۸۱۹، حدیث ۲۰۸ و ۲۰۹ «حدیث ۵۳۲۱ و ۵۳۲۲».
- تفسیر نورالتقلین، جلد سوّم، صفحه ۸۲۱، حدیث ۲۱۱، ۲۱۳، ۲۱۴ «حدیث ۵۳۲۴ و ۵۳۲۶ و ۵۳۲۷».
- تفسیر نورالتقلین، جلد سوّم، صفحه ۸۲۳، حدیث ۲۱۸ و ۲۱۹ و ۲۲۰ «حدیث ۵۳۳۱ و ۵۳۳۲ و ۵۳۳۳».
- «ذیل آیه ۴۳ سوره رعد».
- تفسیر نورالتقلین، جلد پنجم، صفحه ۵۴۱، حدیث ۷۱ «حدیث ۸۲۶۹» «ذیل آیه ۴۰ سوره نمل».
- مجمع البیان، جلد سیزدهم، صفحه ۹۱ «ذیل آیه ۴۳ سوره رعد».
- المیزان، جلد بیست و دوّم، صفحه ۲۱۲ «بحث روایتی ذیل آیه ۴۳ سوره رعد».

قرآن کریم بیان کننده همه چیزها است، یعنی:

همه چیزها در قرآن کریم بیان شده است.

همچنین ملاحظه فرمودید که:

طبق آیه هفتم سوره آل عمران تأویل آیات شریفه قرآن کریم را جز خداوند

متعال و پیامبر اکرم و ائمه معصومین علیهم السلام هیچ کس نمی داند، یعنی:

غیر از وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السلام احدی از مخلوقات الهی

از تأویل آیات شریفه قرآن کریم اطلاعی ندارد.

همچنین ملاحظه فرمودید که:

طبق آیه ۴۹ سوره عنکبوت، قرآن کریم آیات روشن و آشکاری است که

خداوند متعال آن را در سینه مبارک پیامبر اکرم و ائمه معصومین علیهم السلام

قرار داده است، یعنی:

قرآن کریم در سینه‌های چهارده معصوم علیهم السلام قرار دارد.

همچنین ملاحظه فرمودید که:

طبق آیه ۴۳ سوره رعد، علم کتاب یعنی علم قرآن کریم به طور تمام و کمال

نزد وجود مقدّس پیامبر اکرم و ائمه معصومین علیهم السلام می باشد، یعنی:

علم قرآن کریم به طور تمام و کمال نزد وجود مقدّس چهارده معصوم

علیهم السلام می باشد، لذا:

آن ذوات مقدّسه از گذشته و آینده اطلاع کاملی دارند،

و از آنچه اتفاق افتاده و اتفاق خواهد افتاد آگاهی کامل دارند.

قبل از ذکر احادیث مربوط به وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها و

این که آن حضرت مخزن علم خداوند متعال است و از گذشته و آینده اطلاع

کاملی دارد به احادیثی اشاره می شود که ائمه معصومین علیهم السلام مخزن علم

خداوند متعال می باشند و از گذشته و آینده اطلاع کاملی دارند.

۱- وجود مقدّس امام صادق علیه السّلام از وجود مقدّس مولی الموحّدين امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام نقل می کند که آن حضرت فرمودند: در قرآن کریم است علم گذشته و علم آینده، و اگر از من بپرسید آن را به شما می آموزم.

این حدیث را مسعدة بن صدقه از امام صادق علیه السّلام نقل نموده است.^۱

۲- وجود مقدّس امام صادق علیه السّلام فرمودند:

من زاده رسول خدا هستم «من فرزند پیامبر اکرم می باشم»،

من عالم به کتاب الله هستم «من عالم به قرآن کریم هستم»،

و در قرآن کریم است آغاز خلقت و آنچه که تا روز قیامت روی خواهد داد،

من خبر آسمان و زمین و خبر بهشت و جهنّم و خبر گذشته و آینده را

می دانم،

همانطور که کف دستم را می بینم،

همانطور که خداوند متعال می فرماید:

تَبَيَّنَا لِكُلِّ شَيْءٍ، یعنی:

بیان همه چیز در قرآن کریم است.

این حدیث شریف را عبدالاعلی بن اعین از وجود مقدّس امام صادق

علیه السّلام نقل نموده است.^۲

۳- وجود مقدّس امام صادق علیه السّلام به تعدادی از اصحاب خویش

۱. اصول کافی، جلد اول، صفحه ۷۹، حدیث ۷ «حدیث ۱۸۵».

تفسیر نورالتقلین، جلد چهارم، صفحه ۱۶۵، حدیث ۱۸۱ «حدیث ۵۷۴۹» «ذیل آیه ۸۹ سوره نحل».

۲. اصول کافی، جلد اول، صفحه ۷۹، حدیث ۸ «حدیث ۱۸۶».

تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۷۲۵، حدیث ۱ «ذیل آیه ۸۹ سوره نحل».

تفسیر نورالتقلین، جلد چهارم، صفحه ۱۶۵، حدیث ۱۸۲ «حدیث ۵۷۹۵» «ذیل آیه ۸۹ سوره نحل».

تفسیر نورالتقلین، جلد چهارم، صفحه ۱۶۷، حدیث ۱۸۸ «حدیث ۵۸۰۱» «ذیل آیه ۸۹ سوره نحل».

المیزان، جلد بیست و چهارم، صفحه ۲۳۹ «بحث روایتی ذیل آیه ۸۹ سوره نحل».

فرمودند:

هر خبری که قبل از شما بوده،
و هر خبری که بعد از شما باشد «یعنی اخبار گذشته و آینده» در قرآن کریم
است، و ما آن را می دانیم.

این حدیث را اسماعیل بن جابر از امام صادق علیه السلام نقل نموده است.^۱
۴- وجود مقدس امام صادق علیه السلام فرمودند:
به خدا قسم:

من می دانم آنچه را که در آسمانها است،
می دانم آنچه را که در زمین است،
می دانم آنچه را که در بهشت است،
و می دانم آنچه را که در جهنم است، یعنی:
من اخبار آسمانها و زمین،
و اخبار بهشت و جهنم،
و اخبار آنچه را که بین آنها است می دانم.

راوی این حدیث شریف که حماد لحم می باشد می گوید:
من پس از شنیدن این فرمایش امام صادق علیه السلام مات و مبهوت شدم،
و با حالت بُهت و تحیر به آن حضرت نگاه می کردم که آن حضرت به من
فرمود:

ای حماد:

این مطلب در کتاب خداوند متعال «قرآن کریم» می باشد،
و آنگاه وجود مقدس امام صادق علیه السلام این آیه شریفه «تَزَّلْنَا عَلَيْكَ

۱. اصول کافی، جلد اول، صفحه ۷۹، حدیث ۹ «حدیث ۱۸۷».
تفسیر نورالثقلین، جلد چهارم، صفحه ۱۶۵، حدیث ۱۸۳ «حدیث ۵۷۹۷».

الْكِتَابِ تَبْيَانًا لِكُلِّ شَيْءٍ - آیه ۸۹ سوره نحل» را تلاوت فرمودند.^۱

۵- وجود مقدس امام صادق علیه السلام فرمودند:

وَ اللَّهُ إِنِّي لَأَعْلَمُ كِتَابَ اللَّهِ مِنْ أَوَّلِهِ إِلَى آخِرِهِ كَأَنَّهُ فِي كَفِّي،

فِيهِ خَيْرُ السَّمَاءِ وَ خَيْرُ الْأَرْضِ،

وَ خَيْرُ مَا كَانَ وَ خَيْرُ مَا هُوَ كَائِنٌ،

قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ:

فِيهِ تَبْيَانٌ كُلِّ شَيْءٍ، يَعْنِي:

وجود مقدس امام صادق علیه السلام فرمودند:

به خدا قسم:

من عالم به کتاب الله هستم «من عالم به قرآن کریم هستم»،

و از آغاز تا پایان آن را می دانم،

چنانکه گویی در کف دست من است.

در قرآن کریم است خبر آسمان و خبر زمین،

و خبر گذشته و خبر آینده،

همانطور که خداوند متعال می فرماید:

بیان همه چیز در قرآن است.

این حدیث شریف را عبدالاعلی مولى آل سام از وجود مقدس امام صادق

علیه السلام نقل نموده است.^۲

۱. تفسیر صافی، جلد چهارم، صفحه ۱۲۵ «ذیل آیه ۸۹ سوره نحل».

تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۷۳۰، حدیث ۱۵ «ذیل آیه ۸۹ سوره نحل».

تفسیر نورالتقلین، جلد چهارم، صفحه ۱۶۱، حدیث ۱۷۲ «حدیث ۵۷۸۵» «ذیل آیه ۸۹ سوره نحل».

المیزان، جلد بیست و چهارم، صفحه ۲۳۹ «بحث روایتی ذیل آیه ۸۹ سوره نحل».

۲. اصول کافی، جلد اول، صفحه ۳۳۳، حدیث ۴ «حدیث ۶۰۵».

تفسیر نورالتقلین، جلد چهارم، صفحه ۱۶۷، حدیث ۱۸۵ «حدیث ۵۷۹۸» «ذیل آیه ۸۹ سوره نحل».

۶- وجود مقدّس امام صادق علیه السلام فرمودند:

إِنِّي لَأَعْلَمُ خَبْرَ السَّمَاوَاتِ وَ خَبْرَ الْأَرْضِ،

وَ خَبْرُ مَا كَانَ وَ خَبْرُ مَا هُوَ كَائِنٌ كَأَنَّهُ فِي كَفِّي، یعنی:

وجود مقدّس امام صادق علیه السلام فرمودند:

من اخبار آسمانها و زمین،

و اخبار آنچه که بوده و آنچه که واقع خواهد شد «اخبار گذشته و آینده» را

می دانم،

گویی که در کف دستم نوشته شده است «گویی آن را در کف دستان

خویش دارم».

وجود مقدّس امام صادق علیه السلام در ادامه فرمایش خویش فرمودند:

این اخبار را از کتاب خدا «یعنی قرآن کریم» می دانم،

که خداوند متعال درباره قرآن کریم می فرماید:

فِيهِ تَبْيَانٌ كُلِّ شَيْءٍ، یعنی:

در قرآن کریم بیان همه چیز هست.

این حدیث را یونس و چند نفر از شیعیان امام صادق علیه السلام از آن

حضرت نقل نموده اند.^۱

۷- وجود مقدّس امام صادق علیه السلام فرمودند:

إِنِّي لَأَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَ مَا فِي الْأَرْضِ،

وَ أَعْلَمُ مَا فِي الْجَنَّةِ وَ أَعْلَمُ مَا فِي النَّارِ،

وَ أَعْلَمُ مَا كَانَ وَ مَا يَكُونُ،

ثُمَّ مَكَثَ هَنِيئَةً فَرَأَى أَنَّ ذَلِكَ كَبُرَ عَلَى مَنْ سَمِعَهُ مِنْهُ،

۱. تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۷۳۰، حدیث ۱۴ «ذیل آیه ۸۹ سوره نحل».

تفسیر نورالتقلین، جلد چهارم، صفحه ۱۶۱، حدیث ۱۷۴ «حدیث ۵۷۸۷». «ذیل آیه ۸۹ سوره نحل»

فقال:

عَلِمْتُ ذَلِكَ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ،
إِنَّ اللَّهَ يَقُولُ:

فِيهِ تَبْيَانُ كُلِّ شَيْءٍ، یعنی:

وجود مقدس امام صادق علیه السلام فرمودند:

من می دانم آنچه را که در آسمانها و آنچه که در زمین است،

و می دانم آنچه را که در بهشت است،

و می دانم آنچه را که در جهنم است،

و می دانم آنچه را که تاکنون بوده و آنچه را که تا قیامت خواهد بود «آنچه

را که از اول خلقت تا روز قیامت اتفاق افتاده و خواهد افتاد می دانم»، سپس

وجود مقدس امام صادق علیه السلام لحظه ای سکوت کردند و احساس نمودند

که مستمعین و شنوندگان از این قضیه متعجب شده اند و این موضوع برای

آنها گران آمده است،

آنگاه فرمودند:

همه اینها را از کتاب خداوند متعال «یعنی قرآن کریم» می دانم،

همانگونه که خداوند متعال درباره کتابش «قرآن کریم» فرموده:

فِيهِ تَبْيَانُ كُلِّ شَيْءٍ، یعنی:

بیان همه چیز در قرآن است.

این حدیث شریف را عده ای از شیعیان و اصحاب امام صادق علیه السلام

نقل نموده اند، از قبیل:

حارث بن مغیره،

ابو عبیده،

عبدالله بن بشر خثعمی و..^۱

ملاحظه فرمودید که:

قرآن کریم تَبَيَّنَا لِكُلِّ شَيْءٍ مِی باشد، یعنی:

قرآن کریم بیان کننده همه چیزها است،

و این قرآن کریم با این همه عظمت در سینه و قلب مبارک ائمه معصومین علیهم السلام جای دارد، و عِلْمُ الْكِتَابِ یعنی علم به قرآن کریم به طور تمام و کمال نزد آن ذوات مقدسه می باشد، لذا: به گذشته و آینده اطلاع کامل دارند،

و به آنچه که از اوّل خلقت اتفاق افتاده و تا روز قیامت اتفاق خواهد افتاد آگاهی کامل دارند،

و آنچه را که این قضایا اشراف دارند که گویی کف دستان مبارک خویش را می بینند.

انشاءالله تعالی در ادامه احادیث شریف که مکمل احادیث قبل می باشد ملاحظه خواهید فرمود که آن بزرگواران مخزن علم خداوند متعال می باشند، لذا به اخبار آسمانها و زمین و به اخبار بهشت و جهنم و به همه وقایعی که اتفاق افتاده و اتفاق خواهد افتاد اطلاع کامل و جامع دارند،

ضمن این که آن ذوات مقدسه مظهر اتم و اکمل قدرت خداوند متعال نیز می باشند، لذا:

قدرت انجام هر کاری را نیز دارند، و همه اینها را خداوند متعال به آن بزرگواران اعطا فرموده است که انشاءالله تعالی در ادامه بحث به آن اشاره

۱. اصول کافی، جلد اوّل، صفحه ۳۸۸، حدیث ۲ «حدیث ۶۷۳».

تفسیر صافی، جلد چهارم، صفحه ۱۲۵ «ذیل آیه ۸۹ سوره نحل».

تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۷۲۵، حدیث ۲ «ذیل آیه ۸۹ سوره نحل».

تفسیر نورالتقلین، جلد چهارم، صفحه ۱۶۷، حدیث ۱۸۶ «حدیث ۵۷۹۹» «ذیل آیه ۸۹ سوره نحل».

المیزان، جلد بیست و چهارم، صفحه ۲۴۰ «بحث روایتی ذیل آیه ۸۹ سوره نحل».

خواهد شد.

پس از ارائه توضیحات مختصری در رابطه با علم و قدرت وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم و ائمه معصومین علیهم السّلام می پردازیم به ادامه بخش حدیث، و نقل احادیث شریفی که بیان می دارند که ائمه معصومین علیهم السّلام مخزن علم خداوند متعال می باشند.

۸- وجود مقدّس امام سجّاد علیه السّلام فرمودند:

لَيْسَ بَيْنَ اللَّهِ وَ بَيْنَ حُجَّتِهِ حِجَابٌ،

فَلَا لِلَّهِ دُونَ حُجَّتِهِ سِتْرٌ،

نَحْنُ أَبْوَابُ اللَّهِ،

نَحْنُ الصِّرَاطُ الْمُسْتَقِيمُ،

نَحْنُ عَيْنُهُ عِلْمِهِ،

نَحْنُ تَرَاجِمُهُ وَ حَيِّهِ،

نَحْنُ أَرْكَانُ تَوْحِيدِهِ،

وَ نَحْنُ مَوْضِعُ سِرِّهِ، یعنی:

وجود مقدّس امام سجّاد علیه السّلام فرمودند:

میان خداوند متعال و حجّت او «یعنی وجود مقدّس چهارده معصوم

علیهم السّلام» حجاب و مانعی وجود ندارد،

و خداوند متعال در برابر حجّت خویش هیچ پوششی ندارد.

وجود مقدّس امام سجّاد علیه السّلام در ادامه فرمایش خویش فرمودند:

ما ابواب خداوند متعال هستیم «دروازه علم خدا، دروازه قدرت خدا، دروازه

حکمت خدا و...»،

مائیم صراط مستقیم،

مائیم مخزن علم خداوند متعال «ما مخزن علم خداوند متعال هستیم»،

ما ترجمان وحی خداوند متعال هستیم «ما بازگوکننده و شرح دهنده وحی خداوند متعال هستیم»،

ما ارکان توحید خداوند متعال هستیم «ما پایه توحید و استوانه توحید و یکتاپرستی هستیم»،

ما گنجینه و جایگاه اسرار خداوند متعال هستیم.^۱

۹- وجود مقدّس امام رضا علیه السّلام به ابن هذاب فرمود:

اگر به تو خبر دهم که همین روزها یکی از اقوام و خویشاوندان تو از دنیا خواهند رفت، آیا سخن مرا قبول می کنی و آن را می پذیری؟

ابن هذاب به امام رضا علیه السّلام عرض کرد:

خیر،

برای این که غیر از خداوند متعال هیچ کس غیب نمی داند.

وجود مقدّس امام رضا علیه السّلام به ابن هذاب فرمود:

مگر این خداوند متعال نیست که می فرماید:

عَالِمُ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلَى غَيْبِهِ أَحَدًا إِلَّا مَنِ ارْتَضَى مِنْ رَسُولٍ «یعنی خداوند متعال

عالم به غیب است، و خداوند متعال هیچ کس را به علم غیب خویش مطلع و

آگاه نمی سازد، مگر کسانی را که خداوند متعال پسندیده و برگزیده و به عنوان

نبی و رسول (به عنوان پیامبر) انتخاب فرموده است».

وجود مقدّس امام رضا علیه السّلام در ادامه فرمایش خویش به ابن هذاب فرمود:

بنابراین، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم که مورد پسند و رضایت

خداوند متعال است غیب می داند،

۱. معانی الأخبار شیخ صدوق، جلد اول، باب ۲۲، صفحه ۷۶، حدیث ۵.

تفسیر صافی، جلد اول، صفحه ۱۱۴ «ذیل آیه ۶ سوره حمد».

تفسیر برهان، جلد دوم، صفحه ۱۷۶، حدیث ۲۴ «ذیل آیه ۶ سوره حمد».

تفسیر نورالثقلین، جلد اول، صفحه ۶۷، حدیث ۹۷ «ذیل آیه ۶ سوره حمد».

المیزان، جلد اول، صفحه ۷۸ «بحث روایتی ذیل آیه ۶ سوره حمد».

و ما هم وارث پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم هستیم که خداوند متعال آن حضرت را هر مقدار که اراده فرموده از غیب خود آگاه نموده است، پس: ما «ائمه معصومین علیهم السّلام» می دانیم آنچه را که قبلاً اتفاق افتاده، و آنچه را که تا روز قیامت اتفاق خواهد افتاد.

این حدیث را محمد بن فضل هاشمی از وجود مقدّس امام رضا علیه السّلام نقل نموده است.^۱

۱۰- در زیارت نورانی و شریف جامعه کبیره که از ناحیه وجود مقدّس امام هادی علیه السّلام صادر شده و یک دوره کامل و جامع امام شناسی است و در واقع منشور امام شناسی می باشد هنگام زیارت اهل بیت گرانقدر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه معصومین علیهم السّلام «یعنی حضرت امیر و حضرت زهرا سلام الله علیهما و یازده امام معصوم از نسل آن دو بزرگوار» به محضر آن ذوات مقدّسه اینگونه عرض ادب و عرض سلام می کنیم:

السَّلَامُ عَلَیْكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ النَّبُوَّةِ،

و مَوْضِعِ الرَّسَالَةِ،

و مُخْتَلَفِ الْمَلَائِكَةِ،

و مَهْبِطِ الْوَحْيِ،

و مَعْدِنِ الرَّحْمَةِ،

و خُزَّانِ الْعِلْمِ، یعنی:

سلام بر شما ای اهل بیت نبوت، یعنی:

سلام بر شما ای اهل بیت گرانقدر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم.

ذیل اولین فضیلت از فضائل بی شمار وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله

۱. تفسیر صافی، جلد ششم، صفحه ۴۱۵ «ذیل آیه ۲۶ و ۲۷ سوره جن».

تفسیر نورالثقلین، جلد هشتم، صفحه ۷۱، حدیث ۶۰ «حدیث ۱۲۱۴۶» «ذیل آیه ۲۶ و ۲۷ سوره جن».

المیزان، جلد سی و نهم، صفحه ۲۲۸ «ذیل آیه ۲۶ و ۲۷ سوره جن».

علیها در این کتاب شریف فاطمی که در رابطه با عصمت آن علیا مخدّره بود به عرض رسید که:

وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها از اهل بیت گرانقدر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم است،

و بلکه آن بزرگوار محور اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم می باشد،

سلام بر شما ای اهل بیت نبوّت و اهل بیت رسالت،

سلام بر شما ای اهل بیت نبوّت و اهل بیت رسالت و محلّ تردّد ملائکه الهی،

سلام بر شما ای اهل بیت نبوّت و اهل بیت رسالت، که خانه شما محلّ تردّد ملائکه الهی است،

و خانه شما محلّ فرود آمدن وحی می باشد،

سلام بر شما اهل بیت گرانقدر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم که معدن رحمت می باشید، یعنی:

شما محل و مکان استقرار رحمت الهی هستید.

و در انتهای این قسمت از فرمایش امام هادی صلوات الله و سلامه علیه آمده که:

وَ خُزَّانَ الْعِلْمِ، یعنی:

سلام بر شما اهل بیت گرانقدر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم که خزینه داران علم خداوند متعال هستید.^۱

در کتاب شرح جامعه کبیره تألیف آیت الله سیّد محمد تقی نقوی، ذیل «وَ خُزَّانَ الْعِلْمِ» آمده که:

۱. شرح زیارت جامعه کبیره، تألیف آیت الله سیّد محمد تقی نقوی، صفحه ۳۵، ۴۵، ۴۶، ۵۳ و ۵۷.

خُزَّان جمع خازن است،

و خازن یعنی خزانهدار، و به معنای حفظ مال در خزانة است،

و اصطلاحاً اطلاق می شود بر حفظ هر چیزی،

چه مال باشد،

چه سِرِّ،

چه امانت،

چه علم و امثال ذلك، لذا:

معنی این قسمت از فرمایش امام هادی علیه السلام این می شود که:

سلام بر شما اهل بیت گرانقدر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم که

خزانة داران علم خداوند متعال هستید، پس:

علوم نزد شما مخزون است،

و هر کس بخواهد باید از شما بخواهد.

در ادامه بحث ذیل این قسمت از فرمایش امام هادی علیه السلام احادیثی

نقل شده «در کتاب شرح جامعه کبیره - تألیف آیت الله سید محمد تقی نقوی»

که طبق این احادیث شریف، اهل بیت گرانقدر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

و سلم خُزَّان علم خداوند می باشند که به عنوان نمونه به دو حدیث شریف

اشاره می شود.

۱- وجود مقدس امام باقر علیه السلام فرمودند:

وَاللّٰهُ اِنَّا لَخُزَّانِ اللّٰهِ فِي سَمَائِهِ وَ اَرْضِهِ،

لَا عَلٰی ذَهَبٍ وَلَا عَلٰی فَضَّةٍ اِلَّا عَلٰی عِلْمِهِ، یعنی:

وجود مقدس امام باقر علیه السلام فرمودند:

ما «اهل بیت گرانقدر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم» خُزَّانِ عِلْمِ

خداوند متعال در آسمان و زمین هستیم،

نه خزانة دار طلا و نقره،

بلکه خزانة دار علم خداوند متعال می باشیم.

۲- وجود مقدّس امام صادق علیه السّلام فرمودند:

نَحْنُ خُزَّانُ اللَّهِ عَلَى عِلْمِ اللَّهِ، یعنی:

ما «اهل بیت گرانقدر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم یعنی حضرت امیر و حضرت زهرا سلام الله علیهما و یازده امام معصوم از نسل آن دو بزرگوار» خزانة دار خداوند متعال هستیم بر عِلْمِ خداوند متعال.^۱

در کتاب شرح جامعه کبیره تألیف علامه سیّد حسین همدانی درود آبادی ذیل این قسمت از فرمایش امام هادی علیه السّلام «وَ خُزَّانُ الْعِلْمِ» آمده که: اهل بیت گرانقدر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم مظهر علم خداوند متعال هستند،

و آن ذوات مقدّسه «یعنی محمّد و آل محمّد علیهم السّلام» ظرف و خزینه های علم خداوند متعال می باشند.^۲

خازن = حافظ، نگهبان، نگهدارنده، خزانة دار، متصدّی خزانة «جمع خازن می شود خُزَّان و خَزَنَه».

خزانة = محلّی که در آن اموال و جواهرات را نگهداری می کنند.

مَخزُون = در خزانة نهاده شده.

مَخزَن = محلّ نگهداری اموال و اشیاء.^۳

در قسمت دیگری از زیارت نورانی و شریف جامعه کبیره به محضر مقدّس اهل بیت گرانقدر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم یعنی به محضر مقدّس

۱. شرح زیارت جامعه کبیره، تألیف آیت الله سیّد محمّد تقی نقوی، صفحه ۶۱ تا ۶۳ «ذیل عنوان: وَ خُزَّانُ الْعِلْمِ».

۲. شرح زیارت جامعه کبیره، تألیف علامه سیّد حسین همدانی درودآبادی، صفحه ۱۱۵ و ۱۱۶.

۳. مفردات راغب.

فرهنگ وام واژه های عربی، تألیف سیّد محمّد نقوی.

مولی الموحّدين امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام و فاطمه زهرا سلام الله علیها و یازده امام معصوم از نسل آن دو بزرگوار عرض می کنیم:
سلام بر شما اهل بیت گرانقدر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم و سلام بر شما ائمه معصومین علیهم السّلام که:

عَبِيَّةٌ عِلْمُهُ، یعنی:

سلام بر شما بزرگواران که مخزن علم خداوند متعال و موضع سرّ خداوند متعال می باشید، یعنی:

اسرار الهی در شما به ودیعت سپرده شده است،

و طبق احادیث شریفی که از ناحیه آن ذوات مقدّسه صادر شده آن بزرگواران عالم به ماکان و مایکون و ما هو کائن الی یوم القیامة می باشند، یعنی:
آن ذوات مقدّسه بر اسرار کائنات واقف هستند،

و آنچه را که اتفاق افتاده و تا روز قیامت اتفاق خواهد افتاد «یعنی اخبار گذشته و آینده» می دانند و چیزی بر آنان پوشیده و پنهان نیست.^۱

در قسمت دیگری از زیارت نورانی و شریف جامعه کبیره به محضر مقدّس اهل بیت گرانقدر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم یعنی به محضر مقدّس مولی الموحّدين امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام و وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها و یازده امام معصوم از نسل آن دو بزرگوار عرض می کنیم:
سلام بر شما بزرگواران که:

وَ اَرْتَضَاكُمْ لِغَيْبِهِ، یعنی:

سلام بر شما بزرگواران که خداوند متعال شما را برای آگاهی از غیبتش و آگاهی از اسرار عالم برگزید و پسندید.

این فرمایش امام هادی علیه السّلام اشاره به این دارد که ائمه معصومین

۱. شرح زیارت جامعه کبیره، تألیف آیت الله سید محمد تقی نقوی، صفحه ۲۲۱ و ۲۲۲ «ذیل عنوان: وَ حِزْبِهِ وَ عَبِيَّةٌ عِلْمُهُ».

علیهم السّلام عالم و آگاه هستند به آنچه که از حس و درک بشر مستور و پنهان است،

و به عبارت دیگر:

این قسمت از فرمایش امام هادی علیه السّلام مبین این مطلب است که: اهل بیت گرانقدر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم علم غیب دارند و عالم به غیب هستند.^۱

در قسمت دیگری از زیارت نورانی و شریف جامعه کبیره به محضر مقدّس اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم یعنی به محضر مقدّس مولی الموحّدین امیر المؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام و فاطمه زهرا سلام الله علیها و یازده امام معصوم از نسل آن دو بزرگوار عرض می کنیم:

سلام بر شما بزرگواران که:

حَفَظَةً لِّسِرِّهِ،

وَ خَزَنَةً لِّعِلْمِهِ،

وَ مُسْتَوْدِعًا لِّحِكْمَتِهِ، یعنی:

سلام بر شما بزرگواران که:

حافظین سرّ خداوند متعال،

و خازنین علم خداوند متعال،

و مکان و محلّ نگهداری برای حکمت خداوند متعال هستید، لذا:

حکمت خداوند متعال در سینه های مبارک شما به ودیعت سپرده شده است.

نظیر این کلمات در قسمت های دیگر این زیارت نورانی و شریف نیز آمده،

لذا:

تکرار این کلمات، برای تأکید مطلب است تا اهمیّت موضوع را بیان بفرماید،

۱. شرح زیارت جامعه کبیره، تألیف آیت الله سید محمدتقی نقوی، صفحه ۲۴۲ «ذیل عنوان: وَ ارْتَضَاكُمْ لِعِيبِهِ».

لیکن مطلب مهم تر این است که:
این کلمات شریف با لام تخصیص آمده‌اند،
و لام تخصیص، مفید اختصاص است، یعنی:
حفظ سِرِّ خداوند متعال مخصوص شما است،
خزانه دار بودن علم خداوند متعال مخصوص شما است،
و محلّ نگهداری کردن حکمت خداوند متعال مخصوص شما است، یعنی:
در این اوصاف کسی به پایه شما نمی‌رسد،
و به عبارت دیگر:
اگر سایر انبیاء و اوصیاء آنها متّصف به این صفات هستند در حدّ خودشان
است نه در حدّ شما.

عقلاً هم باید اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم یعنی وجود
مقدّس مولی الموحّدين امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام و فاطمه زهرا
سلام الله علیها و یازده امام معصوم از نسل آن دو بزرگوار در اتّصاف به این
صفات از تمام مخلوق برتر و بالاتر باشند، زیرا:
وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السلام نور واحد هستند و در زیارت
جامعه کبیره آمده که:
وَ اَنَّ اَرْوَاحَكُمْ وَ نُورَكُمْ وَ طَیْنَتَكُمْ وَاحِدَةٌ، یعنی:
ارواح شما و نور شما و سرشت شما چهارده معصوم علیهم السلام یکی
است، و در حقیقت این چهارده وجود مقدّس نور واحد می‌باشند،
و آن نور، صادر اوّل می‌باشد، یعنی:
نور مبارک وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم صادر اوّل
است، و حدیث مشهوری است که وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و
آله و سلم فرمودند:

أَوَّلُ مَا خَلَقَ اللهُ نُورِي، یعنی:

اولین چیزی که خداوند متعال خلق فرمود نور من بود، یعنی:
نور مبارک وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، اولین
مخلوق خداوند متعال می باشد و صادر اول است،
و معلوم است که صادر اول «مخلوق اول - اولین مخلوق» اشرف مخلوقات
می باشد و اقرب به خالق است،

و هر مخلوقی که اقرب به خالق است اکمل می باشد، لذا:
آنچه را که او دارد سایر مخلوق ندارند، لیکن:
آنچه را که همه مخلوق دارند صادر اول یعنی وجود مقدس پیامبر اکرم
صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت آن حضرت یعنی وجود مقدس چهارده
معصوم علیهم السلام به نحو اتم و اکمل دارا می باشند، زیرا:
سایر مخلوق به واسطه او «صادر اول یعنی وجود مقدس چهارده معصوم
علیهم السلام» خلق شده اند،

و آنچه که همه مخلوق دارند به وساطت آن ذوات مقدسه بوده است.^۱
قُرب = نزدیک شدن، نزدیکی.

قَرِيب = نزدیک.

أَقْرَب = نزدیک تر.

مقصود از قُرب به درگاه الهی، قُرب معنوی است، زیرا خداوند متعال جسم
نیست که افرادی به خداوند متعال نزدیک باشند و یا دور.

کامل = تمام.

اکمَل = کامل تر، تمامتر.

۱. شرح زیارت جامعه کبیره، تألیف آیت الله سید محمدتقی نقوی، صفحه ۲۶۴ و ۲۶۵ «ذیل عنوان: وَ حَفَظَتْهُ لِسِرِّهِ
وَ حَزَنَتْهُ لِعِلْمِهِ».

توضیح:

۱- علم غیب بالذات و بالاصاله مخصوص و مختص به خداوند متعال است، و احدی از مخلوقات الهی بالاصاله و بالذات علم غیب نمی داند حتی به مقدار اندک و ناچیز، ...

زیرا همانطور که عرض شد علم غیب بالاصاله فقط و فقط مختص به ذات اقدس اله است و بس،

و آیات شریفه ذیل صراحتاً این موضوع را بیان می فرمایند:

الف: وَ عِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ «آیه ۵۹ سوره انعام»، یعنی:

تمام کلیدهای غیب و تمام خزانه های غیب نزد خداوند متعال است، و غیر از خداوند متعال هیچ کس آن ها را نمی داند.

ب: لِلَّهِ غَيْبُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ «آیه ۱۲۳ سوره هود - آیه ۷۷ سوره نحل»،

یعنی:

غیب آسمان ها و زمین مخصوص خداوند متعال است «غیب آسمان ها و

زمین تنها از آن خداوند متعال است».

ج: قُلْ لَا يَعْلَمُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ الْغَيْبَ إِلَّا اللَّهُ «آیه ۶۵ سوره نمل»، یعنی:

خداوند متعال به پیامبر اکرم می فرماید:

ای پیامبر:

به مردم بگو هیچ کس در آسمان ها و زمین غیب نمی داند مگر خداوند متعال،

بنابراین:

علم غیب بالاصاله و بالذات و استقلالاً فقط و فقط مختص خداوند متعال

است،

و غیر از خداوند متعال هیچ کس بالاصاله و بالذات علم غیب نمی داند حتی

به مقدار بسیار اندک و ناچیز.

۲- خداوند متعال از علم غیب خویش به هرکس به هر اندازه که اراده فرموده اعطا نموده است.

افرادی که خداوند متعال به آنها از علم غیب خویش اعطا فرموده انبیاء و اوصیاء آنها می باشند،
بنابراین:

انبیاء الهی و اوصیاء آنها علم غیب می دانند، لیکن علم غیب آنها بالاصاله و ذاتی نیست، بلکه خداوند متعال به هر مقدار که اراده فرموده به آن بزرگواران علم غیب اعطا فرموده است.
قابل ذکر است که:

مقدار و میزان علم غیبی که خداوند متعال به انبیاء الهی و اوصیاء آنها اعطا فرموده یکسان و برابر نیست، همچنان که مقام و منزلت آنها نیز در پیشگاه خداوند متعال یکسان نمی باشد،
بنابراین:

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم و اهل بیت آن حضرت یعنی وجود مقدّس مولی الموحّدين امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام و فاطمه زهرا سلام الله علیها و یازده امام معصوم از نسل آن دو بزرگوار که مقرب ترین مخلوقات الهی در پیشگاه خداوند متعال می باشند بیشتر از همه انبیاء علم غیب می دانند، و همه آنها را خداوند متعال به آن ذوات مقدّسه اعطا فرموده است.

آیات شریفه ذیل اعطاء علم غیب از ناحیه خداوند متعال به پیامبران را صریحاً بیان می فرمایند.

الف: مَا كَانَ اللَّهُ لِيُظَلِّعَكُمْ عَلَى الْغَيْبِ، وَ لَكِنَّ اللَّهَ يَجْتَبِي مِنْ رُسُلِهِ مَنْ يَشَاءُ، یعنی:
خداوند متعال علم غیب را در اختیار شما نخواهد گذاشت،

لیکن خداوند متعال از میان رسولان خود هر کس را بخواهد برمی‌گزیند و به هر مقدار که اراده بفرماید علم غیب به او اعطا می‌کند «آیه ۱۷۹ سوره آل عمران».

ب: **عَالِمِ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلَىٰ غَيْبِهِ أَحَدًا** «آیه ۲۶ سوره جن»،

إِلَّا مَنِ ارْتَضَىٰ مِنْ رَسُولٍ «آیه ۲۷ سوره جن»، یعنی:

خداوند متعال عالم و آگاه به غیب است،

و هیچ کس را بر علم غیبش آگاه نمی‌سازد «آیه ۲۶ سوره جن»

مگر پیامبرانی را که آنان را برگزیده و به هر مقدار که اراده فرموده به آنها

علم غیب اعطا فرموده است «آیه ۲۷ سوره جن».

ج: **وَأَنْبِئُكُمْ بِمَا تَأْكُلُونَ وَمَا تَدْخِرُونَ فِي بُيُوتِكُمْ** «آیه ۴۹ سوره آل عمران»، یعنی:

عیسی بن مریم علیه‌السلام به بنی اسرائیل فرمود:

اگر بخواهید به شما خبر می‌دهم که چه خورده‌اید «چه می‌خورید»،

و چه چیزهایی در خانه‌های خویش ذخیره کرده‌اید «ذخیره می‌کنید».

د: **فَقَالَ تَمَتَّعُوا فِي دَارِكُمْ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ، ذَلِكُمْ وَعَدُّ غَيْرِ مَكْدُوبٍ** «آیه ۶۵ سوره هود»،

یعنی:

حضرت صالح پیامبر به قوم سرکش و عصیانگر خویش فرمود:

سه روز تمام در منازل خویش از هر نعمتی که می‌خواهید بهره‌مند شوید و

لذت ببرید،

و بدانید پس از این سه روز عذاب الهی خواهد رسید،

و بدانید که این یک وعده راست است،

و هرگز دروغ در آن راه ندارد.

پس از سه روز عذاب الهی نازل شد و قوم عصیانگر نابود شدند.

قابل ذکر است که:

نه فقط علم غیب بالاصاله و بالذات مختصّ خداوند متعال می باشد، بلکه همه صفاتی را که برای خداوند متعال می شناسیم و تحت عنوان صفات جلال و جمال از آن ها یاد می کنیم «از قبیل: علم، قدرت، عزّت و...» بالاصاله و بالذات متعلّق و مختص به خداوند متعال است،

و اگر در غیر خداوند متعال نیز این صفات را در حدّ بسیار محدود می بینیم بِالْعَرَضِ می باشند، یعنی:

انسان ها ذاتاً این صفات را نداشته اند، بلکه خداوند متعال به هر مقدار که اراده فرموده به آن ها اعطا نموده است، بنابراین:

انسان ها هر چه دارند «علم، قدرت، عزّت و...» بِالْعَرَضِ می باشد، یعنی آن صفات را خداوند متعال به آن ها اعطا فرموده است،

و لذا چنانچه لحظه ای فیض خداوند متعال نسبت به انسان ها قطع شود این انسان ها دیگر هیچ ندارند،

و در یک کلام:

خداوند متعال غنی بالذات است،

و جامع همه صفات جلال و جمال، آن هم بالاصاله و بالذات،

و انسان ها نیز همگی فقیر بالذات هستند، یعنی:

بالاصاله هیچ چیزی از خودشان ندارند،

و هر چه دارند اعطای خداوند متعال می باشد،

و هر زمانی که خداوند متعال اراده بفرماید همه آن ها را از انسان ها می گیرد،

لذا:

اگر انسان ها علم دارند،

قدرت دارند،

عزّت دارند و...

همه آنها اعطاء خداوند متعال می باشد،
و انسانها ذاتاً و بالاصاله هیچ چیزی از خودشان ندارند.
ملاحظه فرمودید که:

علم غیب بالاصاله مختص به خداوند متعال می باشد، لیکن خداوند متعال
از علم غیب خویش به هر مقدار که اراده فرموده به انبیاء و اوصیاء آنها اعطا
فرموده است.

طیّ ده حدیث شریفی که به عرض رسید ملاحظه فرمودید که وجود مقدّس
چهارده معصوم علیهم السّلام مخزن علم خداوند متعال می باشند، و علم الکتاب
نزد آن بزرگواران می باشد، لذا:

از آنچه که اتّفاق افتاده و اتّفاق خواهد افتاد مطلع و آگاه می باشند، یعنی:
آنچه را که از ابتدای خلقت تا روز قیامت اتّفاق افتاده و خواهد افتاد می دانند
و از آن آگاهی کامل دارند،

و همه اینها را خداوند متعال به آن ذوات مقدّسه اعطا فرموده است.
چنانچه در بعضی از آیات شریفه قرآن کریم به سخنان بعضی از پیامبران
اشاره شد که منکر علم غیب شده اند و اظهار داشته اند که من علم غیب نمی دانم
همه و همه مبین این مطلب است که این پیامبران خواسته اند به مردم بفهمانند
و تفهیم کنند که:

ما رسولان و انبیاء الهی بالاصاله و بالذّات و مستقل از خداوند متعال علم به
غیب نداریم نه این که اصلاً علم غیب نداریم،
بلکه علم غیب داریم، لیکن:

این علم غیب ما بِالْعَرَضِ می باشد، یعنی:
خداوند متعال این علم غیب را به ما اعطا فرموده و ما از پیش خودمان
چیزی نداریم.

ذیل دوّمین و سوّمین و چهارمین فضیلت از فضائل بی شمار وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها در این کتاب شریف فاطمی ملاحظه فرمودید که وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام:

۱- اشرف و افضل مخلوقات خداوند متعال می باشند.

۲- علّت غایی خلقت هستند.

۳- انبیاء الهی هنگام گرفتاری به آن ذوات مقدّسه توسّل پیدا می نمودند و خداوند متعال را به آن ذوات مقدّسه سوگند می دادند و خداوند متعال نیز به احترام وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام گرفتاری آن ها را برطرف می نمود، لذا:

وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام به عنوان اشرف و افضل مخلوقات الهی و به عنوان مقرب ترین مخلوقات الهی که علّت غایی خلقت می باشند مظهر اتمّ و اکمل صفات خداوند متعال می باشند، و مظهر اتمّ و اکمل علم و قدرت خداوند متعال هستند.

در رابطه با علم وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام توضیحات مختصری ارائه شد و احادیث شریفی نیز نقل شد که وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام آنچه را که از ابتدای خلقت تا روز قیامت اتّفاق افتاده و خواهد افتاد می دانند و از آن اطلاع کامل دارند و همه این ها را خداوند متعال به آن ذوات مقدّسه اعطا فرموده است.

به عرض رسید که وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام نه تنها مظهر اتمّ و اکمل علم خداوند متعال هستند، بلکه مظهر اتمّ و اکمل قدرت خداوند متعال نیز می باشند و قادر به انجام هر کاری هستند و این را نیز خداوند متعال به آن ذوات مقدّسه اعطا فرموده است.

در رابطه با قدرت وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام نیز توضیحات

مختصری ارائه می شود تا مطلب کاملاً روشن شود و نقطه ابهامی باقی نماند.
 خداوند متعال در آیه ۴۳ سوره رعد وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه
 و آله و سلم را مورد خطاب قرار داده و می فرماید:
 وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسْتَ مُرْسَلًا، قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ
 الْكِتَابِ، یعنی:

خداوند متعال به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید:
 ای پیامبر:

کافران می گویند که تو فرستاده خدا نیستی «کافران می گویند که تو پیامبر
 نیستی»،

ای پیامبر:

به آن‌ها بگو «به کافران بگو»:

شهادت خداوند متعال و شهادت کسی که علم کتاب نزد او است میان من
 و شما کافی است، یعنی:

شهادت و گواهی دادن خداوند متعال به رسالت من،

و شهادت و گواهی دادن کسی که تمام علم کتاب نزد او است «شهادت

دادن و گواهی دادن به رسالت من» برای صدق ادعای من کافی است.^۱

مراد و منظور از کتاب در این آیه شریفه «آیه ۴۳ سوره رعد» چیست؟

احتمالاً منظور از کتاب در این آیه شریفه «آیه ۴۳ سوره رعد» قرآن کریم

است،

گرچه احتمالات دیگری نیز داده شده،

مثلاً گفته شده که:

۱. مجمع البیان، جلد سیزدهم، صفحه ۸۷، ۹۰ و ۹۱ «ذیل آیه ۴۳ سوره رعد».

ممکن است منظور از کتاب در این آیه شریفه «آیه ۴۳ سوره رعد» همه کتب آسمانی باشد «قرآن کریم، تورات، انجیل و...»،

ممکن است منظور از کتاب در این آیه شریفه لوح محفوظ باشد، ممکن است منظور از کتاب در این آیه شریفه اسم اعظم خداوند متعال باشد، و بالاخره ممکن است منظور از کتاب در این آیه شریفه همه موارد فوق باشد. به هر حال مراد و منظور از کتاب در این آیه شریفه «آیه ۴۳ سوره رعد» هر کدام از موارد فوق که باشد نتیجه این می شود که:

کسانی که علم کتاب به طور تمام و کمال نزد آنها است شاهد و گواه بر رسالت و نبوت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می باشند، و شهادت و گواهی می دهند که حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم پیامبر خدا است،

و خداوند متعال آن حضرت را برای هدایت بشر فرستاده است. در بیان مقام و منزلت کسانی که علم کتاب به طور تمام و کمال نزد آنها است همین بس که خداوند متعال خودش و آنها را شاهد و گواه بر رسالت و نبوت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم معرفی فرموده است.^۱

در کتاب شریف اصول کافی و در تفاسیر شریف صافی، برهان و نور الثقلین ذیل این آیه شریفه «آیه ۴۳ سوره رعد» احادیثی از ائمه معصومین علیهم السلام نقل شده که مقصود از کسانی که علم کتاب «علم به قرآن کریم، علم به تمام کتب آسمانی، اسم اعظم خداوند متعال» به طور تمام و کمال نزد آنها می باشد

۱. مجمع البیان، جلد سیزدهم، صفحه ۸۸ تا ۹۱ «ذیل آیه ۴۳ سوره رعد».

مجمع البیان، جلد هیجدهم، صفحه ۱۱۳ و ۱۱۴ «ذیل آیه ۴۰ سوره نمل».

المیزان، جلد بیست و دوم، صفحه ۳۰۶ تا ۳۰۸ و ۳۱۱ «ذیل آیه ۴۳ سوره رعد».

المیزان، جلد سی ام، صفحه ۲۸۵ و ۲۸۶ «ذیل آیه ۴۰ سوره نمل».

تفسیر نمونه، جلد دهم، صفحه ۲۹۸ «ذیل آیه ۴۳ سوره رعد».

تفسیر نمونه، جلد پانزدهم، صفحه ۴۹۹ «ذیل آیه ۴۰ سوره نمل».

ائمه معصومین علیهم السلام می باشند،
و به همین جهت از اخبار گذشته و آینده «از ابتدای خلقت تا روز قیامت»
کاملاً آگاه می باشند،

و قدرت انجام هر کاری را دارند،
و همه این ها را خداوند متعال به آن ذوات مقدسه اعطا فرموده است.
جهت رعایت اختصار فقط به پنج حدیث شریف اشاره می شود.

۱- وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم درباره این آیه شریفه
«وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسْتَ مُرْسَلًا، قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَ مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ
الْكِتَابِ - آیه ۴۳ سوره رعد» فرمودند:

منظور از کسی که تمام علم کتاب نزد او است برادرم علی بن ابیطالب
می باشد.

این حدیث شریف را ابوسعید خدری از وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله
علیه و آله و سلم نقل نموده است.^۱

۲- وجود مقدس امام باقر علیه السلام فرمودند:
مقصود از مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ در این آیه شریفه «وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسْتَ
مُرْسَلًا، قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَ مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ - آیه ۴۳ سوره رعد»
وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام است،
و تمام علم کتاب نزد آن حضرت بود.

این حدیث شریف را هم ابو حمزه ثمالی و هم جابر از وجود مقدس امام

۱. تفسیر صافی، جلد سوم، صفحه ۶۴۴ «ذیل آیه ۴۳ سوره رعد».

تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۴۶۹، حدیث ۱۲ «ذیل آیه ۴۳ سوره رعد».

تفسیر نورالثقلین، جلد سوم، صفحه ۸۲۱، حدیث ۲۱۱ «حدیث ۵۳۲۴» «ذیل آیه ۴۳ سوره رعد».

المیزان، جلد بیست و دوم، صفحه ۳۱۲ «بحث روایتی ذیل آیه ۴۳ سوره رعد».

تفسیر نمونه، جلد دهم، صفحه ۲۹۹ «ذیل آیه ۴۳ سوره رعد».

باقر علیه السلام نقل نموده اند.^۱

۳- وجود مقدس امام باقر علیه السلام در پاسخ به سؤال برید بن معاویه که پرسیده بود مقصود از: مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ در این آیه شریفه «وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسْتَ مُرْسَلًا، قُلْ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ - آیه ۴۳ سوره رعد» چیست، فرمودند:

إِنَّا عَنِّي،

وَعَلَىٰ أَوْلَانَا وَافْضَلْنَا وَخَيْرُنَا بَعْدَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، یعنی:

وجود مقدس امام باقر علیه السلام فرمودند:

مقصود از کسانی که علم کتاب به طور کامل نزد آنها است ما هستیم، و امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام پس از وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، اول ما و افضل ما «برترین ما» و بهترین ما می باشد.^۲

۴- وجود مقدس امام صادق علیه السلام درباره این آیه شریفه «وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسْتَ مُرْسَلًا، قُلْ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ - آیه ۴۳ سوره رعد» فرمودند:

عِلْمُ الْكِتَابِ وَاللَّهُ كُلُّهُ عِنْدَنَا، یعنی:

وجود مقدس امام صادق علیه السلام فرمودند:

۱. تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۴۶۷، حدیث ۶ «ذیل آیه ۴۳ سوره رعد».

تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۴۶۷، حدیث ۷ «ذیل آیه ۴۳ سوره رعد».

تفسیر نورالثقلین، جلد سوم، صفحه ۸۲۳، حدیث ۲۱۸ «حدیث ۵۳۳۱» «ذیل آیه ۴۳ سوره رعد».

تفسیر نورالثقلین، جلد سوم، صفحه ۸۲۳، حدیث ۲۱۹ «حدیث ۵۳۳۲» «ذیل آیه ۴۳ سوره رعد».

المیزان، جلد بیست و دوم، صفحه ۳۱۲ «بحث روایتی ذیل آیه ۴۳ سوره رعد».

۲. اصول کافی، جلد اول، صفحه ۳۳۳، حدیث ۶ «حدیث ۶۰۷».

تفسیر صافی، جلد سوم، صفحه ۶۴۴ «ذیل آیه ۴۳ سوره رعد».

تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۴۶۵، حدیث ۱ «ذیل آیه ۴۳ سوره رعد».

تفسیر نورالثقلین، جلد سوم، صفحه ۸۱۷، حدیث ۲۰۷ «حدیث ۵۳۲۰» «ذیل آیه ۴۳ سوره رعد».

مجمع البیان، جلد سیزدهم، صفحه ۹۱ «ذیل آیه ۴۳ سوره رعد».

المیزان، جلد بیست و دوم، صفحه ۳۱۲ «بحث روایتی ذیل آیه ۴۳ سوره رعد».

به خدا قسم:

تمام علم کتاب نزد ما است «نزد ائمه معصومین علیهم السلام»،
و آن حضرت این جمله را دو بار تکرار فرمودند.

این حدیث را سدیر از امام صادق علیه السلام نقل نموده است.^۳

۵- وجود مقدس امام صادق علیه السلام دست مبارک خویش را بر سینه
خودشان گذاشته و فرمودند:

عِنْدَنَا وَ اللهُ عَلِمُ الْكِتَابِ كُلَّهُ، یعنی:

وجود مقدس امام صادق علیه السلام فرمودند:

به خدا قسم:

تمام علم کتاب نزد ما است.

این حدیث شریف را عبدالرحمن بن کثیر از وجود مقدس امام صادق
علیه السلام نقل نموده است.^۴

ملاحظه فرمودید که:

ائمه معصومین علیهم السلام علم به کتاب دارند،

و تمام علم کتاب به طور تمام و کمال و بی کم و کاست نزد آن بزرگواران
می باشد،

و به همین جهت از گذشته و آینده اطلاع کاملی دارند و از آن آگاه می باشند،
و طبق حدیث شریفی که از وجود مقدس امام صادق علیه السلام نقل

۳. اصول کافی، جلد اول، صفحه ۳۷۸، حدیث ۳ «حدیث ۶۵۹».

تفسیر صافی، جلد سوم، صفحه ۶۴۵ «ذیل آیه ۴۳ سوره رعد».

تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۴۶۵، حدیث ۲ «ذیل آیه ۴۳ سوره رعد».

تفسیر نورالثقلین، جلد سوم، صفحه ۸۱۹، حدیث ۲۰۸ «حدیث ۵۳۲۱» «ذیل آیه ۴۳ سوره رعد».

۴. اصول کافی، جلد اول، صفحه ۳۳۳، حدیث ۵ «حدیث ۶۰۶».

تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۴۶۷، حدیث ۵ «ذیل آیه ۴۳ سوره رعد».

تفسیر نورالثقلین، جلد پنجم، صفحه ۵۴۱، حدیث ۷۱ «حدیث ۸۲۶۹» «ذیل آیه ۴۰ سوره نمل».

مجمع البیان، جلد سیزدهم، صفحه ۹۱ «ذیل آیه ۴۳ سوره رعد».

شد «حدیث دوم و پنجم و ششم اوایل بحث»، ائمه معصومین علیهم السّلام تمام اخبار آسمان و زمین و تمام اخبار گذشته و آینده را می دانند و می بینند، همچنان که کف دستان مبارک خویش را می بینند.

انشاء الله تعالی در ادامه بحث به عرض خواهد رسید که آن ذوات مقدّسه مظهر اتمّ و اکمل قدرت خداوند متعال نیز می باشند و قادر به انجام هر کاری هستند،

و همه این ها را خداوند متعال به آن ذوات مقدّسه اعطا فرموده است. قابل ذکر است که:

ائمه معصومین علیهم السّلام مظهر اتمّ و اکمل همه اسماء و صفات خداوند متعال می باشند، لیکن در این بحث به مظهریت آن بزرگواران در رابطه با علم و قدرت خداوند متعال اشاره می شود.

در آیه چهارم سوره نمل صحبت از فردی است که علمی از کتاب دارد. این فرد آصف بن برخیا نام دارد که وصی و جانشین حضرت سلیمان بود که با داشتن علمی از کتاب «عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ» توانست تخت ملکه سبا را در مدّت چند ثانیه و در یک طرفه العین و در یک چشم به هم زدن از سرزمین یمن به سرزمین شام و فلسطین منتقل نماید.

جهت روشن شدن موضوع به خلاصه آن اشاره می شود.

آیه ۲۰ سوره نمل تا آیه ۴۴ این سوره در رابطه با حضرت سلیمان و ملکه سبا و آصف بن برخیا می باشد که خلاصه آن را ذیلاً ملاحظه می فرمایید.

حضرت سلیمان پس از پدرش همه مواهب پدرش حضرت داود را به ارث برد، یعنی:

علم و دانش و مال و حکومت را از پدرش حضرت داود به ارث برد، ضمن این که پیامبری بود که مردم را به سوی حق و به سوی پرستش خدای

یگانه دعوت می نمود.

از آیات شریفه سوره نمل و سوره سبأ استفاده می شود که:

مسئله حکومت حضرت سلیمان جنبه عادی نداشت،

بلکه توأم با خرق عادات و معجزات مختلفی بود که قسمتی از آنها از قبیل

حکومت حضرت سلیمان بر اجنّه و پرندگان و درک کلام و سخن مورچگان

و گفتگوی با هُدُهد در سوره نمل و سوره سبأ آمده است.

حضرت سلیمان در منطقه شام «سوریّه و فلسطین و لبنان فعلی» حکومت

داشت،

و یک روز هُدُهد برای او خبر آورد که من در سرزمین سبا «منطقه یمن»

زنی را دیدم که پادشاه آن کشور می باشد و در آنجا سلطنت می کند و به همراه

ملّت خویش خورشیدپرست می باشند و به جای پرستش خدای یگانه خورشید

را می پرستند.

حضرت سلیمان به ملکه سرزمین سبا که بلقیس نام داشت نامه ای نوشت و

آن را به هُدُهد داد و به او دستور داد تا نامه را به کشور سبا «کشور یمن فعلی»

برده و نامه را به قصر ملکه سبا یعنی به قصر بلقیس بیندازد تا آن ها این نامه را

بخوانند.

مضمون نامه حضرت سلیمان به ملکه سبا پس از حمد و ثنای خداوند متعال

این بود که:

در مقابل من «یعنی حضرت سلیمان» برتری جویی نکنید، و به سوی من

بیایید و تسلیم حق شوید «یعنی به خدای یگانه ایمان بیاورید».

ملکه سبا پس از خواندن نامه حضرت سلیمان با اطرافیان خویش مشورت

کرد و نهایتاً تصمیم گرفت تا به همراه عده ای از اشراف و بزرگان کشورش نزد

حضرت سلیمان بیاید و از نزدیک با دین و آیین حضرت سلیمان آشنا شود.

حضرت سلیمان مطلع شد که بلقیس «ملکه سبا» به همراه تعدادی از مسئولین بلندپایه کشورش به طرف شام «سوریّه و لبنان و فلسطین فعلی» عازم هستند تا با او دیدار نمایند.

حضرت سلیمان پس از اطلاع یافتن از این قضیه تصمیم گرفت تا قدرت نمایی کرده و با انجام یک کار شگرف و عظیم، ملکه سبا و اطرافیانش را با قدرت اعجاز خود آشنا نماید تا آنها به خدای یگانه ایمان بیاورند، لذا:

حضرت سلیمان به اطرافیان خویش گفت:

يا أَيُّهَا الْمَلَأُ:

اَيُّكُمْ يَأْتِينِي بِعَرْشِهَا قَبْلَ أَنْ يَأْتُونِي مُسْلِمِينَ «آیه ۳۸ سوره نمل»، یعنی:

حضرت سلیمان به اطرافیان خویش گفت:

ای گروه بزرگان:

کدام یک از شما می‌توانید تخت ملکه سبا را «تخت بلقیس را» برای من بیاورید قبل از این که آنها به حال تسلیم نزد من بیایند.

منظور حضرت سلیمان از این کار این بود که:

وقتی بلقیس تخت با عظمت خویش را پیش حضرت سلیمان ببیند و متوجه شود که تخت قبل از صاحبش به خدمت حضرت سلیمان آمده، از این عمل خارق العاده و از دیدن این معجزه به حضرت سلیمان و به خداوند یگانه ایمان بیاورد، که اینگونه نیز شد، یعنی:

وقتی بلقیس به خدمت حضرت سلیمان آمد و تخت خودش را نزد حضرت سلیمان دید از پرستش خورشید و از بت پرستی توبه نمود و به خدای یگانه ایمان آورد.

قابل ذکر است که:

ملکه سبا «بلقیس» تخت عظیم و بزرگ و بس گرانبهایی داشت که آن را

در قصر خویش در محلّ مخصوصی قرار داده بود و نگهبانان زیادی را مأمور نموده بود تا از آن تخت گرانها محافظت نمایند.

با این حال و با این وضعیّت وقتی بلقیس از سرزمین سبا به شام آمد و به خدمت حضرت سلیمان رسید و ملاحظه کرد که تخت او این مسافت طولانی را زودتر از او طی کرده و نزد حضرت سلیمان آورده شده، از بت پرستی توبه نمود و به خدای یگانه ایمان آورد.

علی ایّحال، حضرت سلیمان به اطرافیان خویش فرمود که چه کسی می تواند تخت بلقیس را نزد من بیاورد، قبل از این که بلقیس به اینجا برسد.

قَالَ عَفْرِيْتُ مِنَ الْجِنَّ:

أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ تَقُومَ مِنْ مَقَامِكَ «آیه ۳۹ سوره نمل»، یعنی:

یکی از اجنّه «دیو نیرومندی از طایفه جن» در پاسخ به فرمایش حضرت سلیمان به او عرض کرد:

قبل از این که مجلس تو پایان بگیرد،

و قبل از این که از مجلس قضاوت خود برخیزی تخت بلقیس را نزد تو حاضر می کنم.

گفته شده که:

حضرت سلیمان از صبح تا حوالی ظهر بر مسند قضاوت می نشست است،

یعنی:

این دیو نیرومند از طایفه جن قادر بود ظرف چند ساعت تخت بلقیس را از سرزمین سبا «کشور یمن فعلی» به منطقه شام «سوریّه و لبنان و فلسطین فعلی» منتقل نماید، یعنی:

این دیو نیرومند از طایفه جن می توانست تخت عظیم و بزرگ بلقیس را ظرف چند ساعت چند صد کیلومتر نقل مکان بدهد،

که این کار در نوع خودش عملی است شگفت و خارق العاده. پس از اظهارات این دیو نیرومند از طایفه جن، مردی از جای خود بلند شد و به حضرت سلیمان مطلبی عرض کرد که قرآن کریم در آیه ۴۰ سوره نمل آن را بیان می فرماید.

قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ، یعنی:

پس از اظهارات این دیو نیرومند از طایفه جن، کسی که علم محدود و بسیار مختصری از کتاب داشت به حضرت سلیمان عرض کرد:

أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ يَرْتَدَّ إِلَيْكَ طَرْفُكَ «آیه ۴۰ سوره نمل»، یعنی:

من تخت بلقیس را نزد تو حاضر می کنم قبل از آنکه چشم برهم زنی، یعنی: من قبل از یک چشم به هم زدن تخت بلقیس را نزد تو حاضر می کنم. در ادامه آیه شریفه «آیه ۴۰ سوره نمل» آمده که:

فَلَمَّا رَأَاهُ مُسْتَقِرًّا عِنْدَهُ،

قَالَ هَذَا مِنْ فَضْلِ رَبِّي، یعنی:

وقتی حضرت سلیمان موافقت خود را اعلام نمود، بلافاصله و در مدّت کمتر از یک چشم به هم زدن تخت بلقیس در کنار حضرت سلیمان بود، و هنگامی که حضرت سلیمان تخت بلقیس را نزد خویش دید زبان به شکر خداوند متعال گشود و گفت:

این از فضل پروردگار من است.

کسی که تخت با عظمت بلقیس را در مدّت کمتر از یک چشم به هم زدن یعنی در مدّت یکی دو ثانیه از سرزمین سبا به شام منتقل کرد و این تخت عظیم و بزرگ را در مدّت یکی دو ثانیه چند صد کیلومتر نقل مکان داد فردی بود به نام آصف بن برخیا که وزیر و جانشین حضرت سلیمان بود.

آصف بن برخیا عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ داشت نه عِلْمُ الْكِتَابِ، یعنی:

علم بسیار مختصر و محدودی از کتاب را داشت نه تمام علم کتاب را. آصف بن برخیا که عَلِمُ مِنَ الْكِتَابِ «علم مختصر و محدودی از کتاب نه تمام علم کتاب» داشت توانست قبل از یک چشم به هم زدن یعنی در ظرف یکی دو ثانیه تخت با عظمت و بزرگ بلقیس را چند صد کیلومتر نقل مکان بدهد و آن را از سرزمین سبا «کشور یمن فعلی» به سرزمین شام «سوریّه و لبنان و فلسطین فعلی» منتقل کند،

حال تصوّر بفرمایید کس و یا کسانی که تمام علم کتاب نزد آنها است چه قدرتی دارند.

در صفحات قبل به عرض رسید که:

منظور از کتاب در آیه ۴۳ سوره رعد و آیه ۴۰ سوره نمل ممکن است:

قرآن کریم باشد،

یا تمام کتب آسمانی باشد،

یا اسم اعظم خداوند متعال باشد،

و یا لوح محفوظ الهی باشد،

و ممکن است همه آنها منظور باشد،

به هر حال:

مقصود از کتاب هر کدام از موارد فوق که باشد، ائمه معصومین علیهم السلام

تمام علم کتاب را دارند و تمام علم کتاب نزد آنها است.

برای پی بردن به قدرت وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السلام که

عِلْمُ الْكِتَابِ نزد آنها است و تمام علم کتاب را دارند،

و برای پی بردن به قدرت وصی و جانشین حضرت سلیمان یعنی آصف بن

برخیا که عَلِمُ مِنَ الْكِتَابِ نزد او بود و علم مختصر و محدودی به کتاب داشت،

و برای مقایسه قدرت آنها با یکدیگر به چند حدیث شریف اشاره می شود

تا مطلب کاملاً روشن شود.

۱- وجود مقدس امام صادق علیه السلام به یکی از اصحاب خویش به نام

سدیر فرمود:

ای سدیر:

آیا می دانی کسی که علمی از کتاب داشت «اشاره به آصف بن برخیا وصی و جانشین حضرت سلیمان که خداوند متعال در آیه ۴۰ سوره نمل درباره او فرموده: الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ» چه اندازه از علم کتاب نزد او بود.

سدیر می گوید:

خدمت امام صادق علیه السلام عرض کردم:

یا بن رسول الله:

نمی دانم،

شما به من خبر دهید.

وجود مقدس امام صادق علیه السلام به سدیر فرمود:

ای سدیر:

به اندازه یک قطره آب نسبت به همه آب دریاها «یعنی علم آصف بن برخیا از کتاب به اندازه یک قطره بود در برابر آب تمام دریاها»،

آنگاه وجود مقدس امام صادق علیه السلام دست مبارک خویش را روی

سینه خودشان گذاشته و دو مرتبه این کلام را تکرار فرمودند که:

عِلْمُ الْكِتَابِ وَاللَّهِ كُلُّهُ عِنْدَنَا،

عِلْمُ الْكِتَابِ وَاللَّهِ كُلُّهُ عِنْدَنَا، یعنی:

به خدا قسم:

تمام علم کتاب به طور کامل نزد ما است «یعنی علم و قدرت آصف بن

برخیا که آن کار عظیم و خارق العاده را انجام داد در مقابل علم و قدرت وجود

مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام مثل یک قطره است در مقابل آب همه دریاها و اقیانوس‌ها.^۱

۲- از وجود مبارک امام صادق علیه السّلام سؤال شد که:

یا بن رسول الله:

آیا کسی که علمی از کتاب دارد «یعنی: الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ» اَعْلَم است «عالمتر است»؟

یا کسی که تمام علم کتاب نزد او است «یعنی کسی که: مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ»؟ وجود مقدّس امام صادق علیه السّلام فرمود:

علم و دانش کسی که علمی از کتاب دارد نسبت به علم و دانش کسی که تمام علم کتاب نزد او است مانند پشه‌ای است که بالهای خود را از آب دریا تر نماید «یعنی علم و قدرت کسی که تمام علم کتاب نزد او است مثل آب دریاها است، و علم و قدرت کسی که علمی از کتاب دارد مثل رطوبتی است که بال‌های پشه در تماس با آب دریا کسب می‌کند».

این حدیث را عمر بن اذینه از وجود مقدّس امام صادق علیه السّلام نقل نموده است.^۲

۳- وجود مقدّس مولی الموحّدین امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام در مسجد نشسته بودند که دو مرد برای رفع خصومت نزد آن حضرت آمدند. یکی از آن دو نفر از خوارج و نواصب بود و حکم حضرت امیر علیه السّلام نیز بر ضرر وی صادر شد.

۱. اصول کافی، جلد اوّل، صفحه ۳۷۸، حدیث ۳ «حدیث ۶۵۹».

تفسیر صافی، جلد سوّم، صفحه ۶۴۵ «ذیل آیه ۴۳ سوره رعد».

تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۴۶۵، حدیث ۲ «ذیل آیه ۴۳ سوره رعد».

تفسیر نورالتقلین، جلد سوّم، صفحه ۸۱۹، حدیث ۲۰۸ «حدیث ۵۳۲۱» «ذیل آیه ۴۳ سوره رعد».

۲. تفسیر صافی، جلد سوّم، صفحه ۶۴۵ «ذیل آیه ۴۳ سوره رعد».

تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۴۶۶، حدیث ۳ «ذیل آیه ۴۳ سوره رعد».

تفسیر نورالتقلین، جلد سوّم، صفحه ۸۱۹، حدیث ۲۰۹ «حدیث ۵۳۲۲» «ذیل آیه ۴۳ سوره رعد».

آن فرد ناصبی «دشمن حضرت امیر علیه السلام» به وجود مقدّس امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السلام گفت:

یا علی:

به خدا سوگند که به عدالت قضاوت نکردی و به عدالت رفتار نمودی. وجود مقدّس امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السلام به آن مرد ناصبی فرمود:

مسخ شو و دور شو ای دشمن خدا،

و در همان لحظه آن مرد ناصبی به یک سگ سیاه تبدیل شد،

و درحالی که اشک از چشمهایش سرازیر بود دم خود را تکان می داد.

وجود مقدّس امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السلام به حال آن مرد

ناصری که به سگ تبدیل شده بود رقت و دلسوزی نمود و دعا فرمود،

و آن مرد ناصبی که تبدیل به سگ سیاهی شده بود دوباره به صورت انسان

درآمد و آدم شد،

و درحالی که دستپاچه و وحشت زده بود از مسجد گریخت.

حاضرین در مسجد با حالت بُهت و حیرت به امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب

علیه السلام نگاه می کردند «از این معجزه حضرت امیر علیه السلام در بُهت و

حیرت بودند» که آن حضرت به حضار فرمود:

شما را چه می شود که اینگونه شگفت زده شده اید؟

حاضرین در مسجد به حضرت امیر علیه السلام عرض کردند:

چگونه تعجب نکنیم،

در حالی که دیدیم شما چه کردید.

وجود مقدّس امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السلام به آنها فرمود:

مگر نمی دانید که آصف بن برخیا که وصی و جانشین حضرت سلیمان بود

شبيهه به اين كار را انجام داد «معجزه و خرق عادت». وجود مقدس اميرالمؤمنين علي بن ابيطالب عليه السلام در ادامه فرمايش خویش فرمودند:

آصف بن برخيا كه وصی و جانشين حضرت سليمان بود فقط يك حرف از حروف اسم اعظم خداوند متعال را می دانست، و با همين يك حرف از حروف اسم اعظم خداوند متعال در کمتر از يك چشم به هم زدن تخت ملكه سبا را نزد حضرت سليمان آورد، در حالی كه ما «ائمه معصومين عليهم السلام» هفتاد و دو حرف از حروف اسم اعظم خداوند متعال را می دانيم، و يك حرف از حروف اسم اعظم را خداوند متعال نزد خود نگه داشته و آن را به کسی نياموخته است.^۱

۴- وجود مقدس امام باقر عليه السلام فرمودند: اسم اعظم خداوند متعال هفتاد و سه حرف است، و آصف بن برخيا فقط يکی از حروف اسم اعظم را می دانست و به وسيله آن يك حرف تخت بلقيس را نزد حضرت سليمان آورد، و اين عمل در مدت کمتر از يك چشم به هم زدن صورت گرفت، و اين درحالی است كه هفتاد و دو حرف از حروف اسم اعظم خداوند متعال نزد ما است، و يك حرف آن نزد خداوند متعال است كه آن را به خودش اختصاص داده است.

این حدیث را جابر از وجود مقدس امام باقر عليه السلام نقل نموده است.^۲

۱. تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۴۲، حدیث ۱ «ذیل آیه ۴۰ سوره نمل».

تفسیر نورالثقلین، جلد پنجم، صفحه ۵۴۵، حدیث ۷۸ «حدیث ۸۲۷۶» «ذیل آیه ۴۰ سوره نمل».

۲. اصول کافی، جلد اول، صفحه ۳۳۴، حدیث ۱ «حدیث ۶۰۸».

۵- وجود مقدّس امام عسکری علیه السّلام فرمودند:
 اسم اعظم خداوند متعال هفتاد و سه حرف است که یکی از آن‌ها نزد آصف
 بن برخیا بود،
 و با آن یک حرف بود که آصف بن برخیا در مدّت کمتر از یک چشم به هم
 زدن تخت بلقیس را نزد حضرت سلیمان حاضر کرد،
 درحالی که هفتاد و دو حرف از حروف اسم اعظم خداوند متعال نزد ما
 است «نزد ائمه معصومین علیهم السّلام»،
 و یک حرف نیز مخصوص خداوند متعال است و خداوند متعال آن را به
 خودش اختصاص داده است.
 این حدیث را علی بن محمّد نوفلی از وجود مقدّس امام عسکری علیه السّلام
 نقل نموده است.^۱

۶- جابر می گوید:

به وجود مقدّس امام باقر علیه السّلام عرض کردم:

یابن رسول الله:

درباره این آیه شریفه «قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ يَرْتَدَّ
 إِلَيْكَ ظَرْفُكَ - آیه ۴۰ سوره نمل» توضیح بفرمایید.

تفسیر صافی، جلد پنجم، صفحه ۱۱۴ «ذیل آیه ۴۰ سوره نمل».

تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۳۷، حدیث ۱ «ذیل آیه ۴۰ سوره نمل».

تفسیر نورالثقلین، جلد پنجم، صفحه ۵۴۱، حدیث ۷۲ «حدیث ۸۲۷۰» «ذیل آیه ۴۰ سوره نمل».

المیزان، جلد سی ام، صفحه ۲۹۶ «بحث روایتی ذیل آیه ۴۰ سوره نمل».

تفسیر نمونه، جلد پانزدهم، صفحه ۵۰۳ «ذیل آیه ۴۰ سوره نمل».

۱. اصول کافی، جلد اوّل، صفحه ۳۳۴، حدیث ۳ «حدیث ۶۱۰».

تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۳۸، حدیث ۲ «ذیل آیه ۴۰ سوره نمل».

تفسیر نورالثقلین، جلد پنجم، صفحه ۵۴۱، حدیث ۷۳ «حدیث ۸۲۷۱» «ذیل آیه ۴۰ سوره نمل».

المیزان، جلد سی ام، صفحه ۲۹۷ «بحث روایتی ذیل آیه ۴۰ سوره نمل».

وجود مقدّس امام باقر عليه السّلام فرمودند:

خداوند متعال اسم اعظم خویش را بر هفتاد و سه حرف قرار داد،
آن عالم «آصف بن برخیا» فقط یکی از آن حروف «یکی از حروف اسم
«اعظم» را می دانست،

و با آن یک حرف تخت بلقیس را نزد حضرت سلیمان حاضر کرد،
درحالی که هفتاد و دو حرف از حروف اسم اعظم خداوند متعال نزد ما
است،

و علم به یک حرف دیگر نزد خداوند متعال است که آن را در عالم غیب
حفظ فرموده است «فقط به خودش اختصاص داده است»^۱.

۷- وجود مقدّس امام صادق عليه السّلام فرمودند:

اسم اعظم خداوند متعال بر هفتاد و سه حرف استوار است،
و آصف بن برخیا فقط یکی از آن حروف را می دانست،
و با آن یک حرف در مدّت کمتر از یک چشم به هم زدن تخت بلقیس را
نزد حضرت سلیمان حاضر کرد،
درحالی که هفتاد و دو حرف از حروف اسم اعظم خداوند متعال نزد ما
است،

و یک حرف دیگر اسم اعظم را خداوند متعال از امور غیبی قرار داده است
«مخصوص خودش قرار داده است».

این حدیث شریف را سعد بن ابی عمر و جلاب از وجود مقدّس امام صادق
عليه السّلام نقل نموده است.^۲

عین این حدیث شریف را عمر حلال نیز از وجود مقدّس امام صادق

۱. تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۳۹، حدیث ۴ «ذیل آیه ۴۰ سوره نمل».

۲. تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۳۹، حدیث ۵ «ذیل آیه ۴۰ سوره نمل».

علیه السلام نقل نموده است.^۱

توضیح:

الف: آصف بن برخیا که وصی و جانشین حضرت سلیمان بود و طبق آیه ۴۰ سوره نمل «قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ، أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ يَرْتَدَّ إِلَيْكَ طَرْفُكَ» بخشی از علم کتاب را داشت و فقط یک حرف از حروف اسم اعظم خداوند متعال را می دانست و با همین یک حرف در مدت کمتر از یک چشم به هم زدن تخت ملکه سبا یعنی تخت بلقیس را از سرزمین سبا «کشور یمن فعلی» به شام «سوریّه و لبنان و فلسطین فعلی» انتقال داد، یعنی:

در مدت کمتر از یک چشم به هم زدن یعنی در ظرف یکی دو ثانیه تخت ملکه سبا را چند صد کیلومتر جابجا نمود و آن را در شام نزد حضرت سلیمان حاضر کرد.

ب: حداکثر حروف اسم اعظم را که خداوند متعال به پیامبران خویش اعطا فرموده است بیست و پنج حرف می باشد «غیر از وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم و اهل بیت آن حضرت» و این مطلب در اصول کافی «جلد اوّل، صفحه ۳۳۴، حدیث ۲ «حدیث ۶۰۹» و در تفسیر برهان «جلد هفتم، صفحه ۳۸، حدیث ۳، ذیل آیه ۴۰ سوره نمل» آمده است.

ج: وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم و اهل بیت آن حضرت یعنی وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السلام هفتاد و دو حرف از حروف اسم اعظم خداوند متعال را می دانند و طبق آیه ۴۳ سوره رعد «وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسْتَ مُرْسَلًا، قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَ بَيْنَكُمْ وَ مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ» تمام علم کتاب نزد آن ذوات مقدّسه می باشد.

۱. تفسیر نورالثقلین، جلد پنجم، صفحه ۵۳۹، حدیث ۶۹ «حدیث ۸۲۶۷» «ذیل آیه ۴۰ سوره نمل».

د: یک حرف از حروف اسم اعظم خداوند متعال اختصاص به ذات اقدس اله دارد و مخصوص خداوند متعال است.

هـ: عرض شد که:

وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام دارای علم کتاب هستند، و تمام علم کتاب نزد آن ذوات مقدّسه است، و هفتاد و دو حرف از هفتاد و سه حرف اسم اعظم خداوند متعال را می دانند،

در حالی که آصف بن برخیا علمی از کتاب را داشت و فقط بخش مختصری از علم کتاب نزد او بود،

و فقط یک حرف از هفتاد و سه حرف اسم اعظم خداوند متعال را می دانست. معنی مطالب فوق این نیست که علم و قدرت وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام سه برابر علم و قدرت پیامبری است که بیست و پنج حرف از حروف اسم اعظم خداوند متعال را می داند،

و یا علم و قدرت وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام هفتاد و دو برابر علم و قدرت آصف بن برخیا است که فقط یک حرف از حروف اسم اعظم خداوند متعال را می دانست، بلکه:

همانطور که در احادیث صادره از ناحیه ائمه معصومین علیهم السّلام آمده و به تعدادی از آنها اشاره شد، نسبت علم و قدرت آصف بن برخیا نسبت به علم و قدرت وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام مثل یک قطره است در مقابل آب تمام دریاها، و یا:

اگر پشه‌ای بر روی دریا حرکت کند و بال‌های خویش را به دریا بزند و آنها را خیس نماید، رطوبتی که بر بال‌های پشه حاصل می‌شود علم و قدرت آصف بن برخیا است،

و تمام آب دریا علم و قدرت و جود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام،
و به عبارت دیگر:

علم و قدرت آصف بن برخیا و سایر انبیاء الهی اصلاً قابل قیاس با علم و
قدرت و جود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام نمی باشد،
و همه اینها را خداوند متعال به آن ذوات مقدّسه اعطا فرموده است.
ملاحظه فرمودید که:

۱- طبق آیه ۸۹ سوره نحل «نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تَبْيَانًا لِكُلِّ شَيْءٍ» همه چیزها
در قرآن کریم بیان شده است، یعنی:
قرآن کریم بیان کننده همه چیزها است.
همچنین ملاحظه فرمودید که:

۲- طبق آیه ۴۹ سوره عنکبوت «بَلْ هُوَ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ فِي صُدُورِ الَّذِينَ أُوتُوا
الْعِلْمَ» قرآن کریم که بیان کننده همه چیزها است در سینه و قلب مبارک ائمه
معصومین علیهم السّلام قرار دارد.
همچنین ملاحظه فرمودید که:

۳- طبق آیه ۴۳ سوره رعد «وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسْتَ مُرْسَلًا، قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا
بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ»
تمام علم کتاب بی کم و کاست نزد ائمه معصومین علیهم السّلام است،
و عرض شد که:

طبق نظر مفسّرین محترم،
ممکن است منظور از کتاب در این آیه شریفه «آیه ۴۳ سوره رعد» قرآن
کریم باشد،

ممکن است منظور از کتاب در این آیه شریفه «آیه ۴۳ سوره رعد» همه کتب
آسمانی باشد،

ممکن است منظور از کتاب در این آیه شریفه «آیه ۴۳ سوره رعد» لوح محفوظ باشد،

ممکن است منظور از کتاب در این آیه شریفه «آیه ۴۳ سوره رعد» اسم اعظم خداوند متعال باشد،

و بالاخره ممکن است منظور از کتاب در این آیه شریفه «آیه ۴۳ سوره رعد» همه موارد فوق باشد.

به هر حال مراد و منظور از کتاب در این آیه شریفه «آیه ۴۳ سوره رعد» هر کدام از موارد فوق که باشد نتیجه این می شود که:

تمام علم کتاب به طور تمام و کمال نزد ائمه معصومین علیهم السلام می باشد. همچنین ملاحظه فرمودید که:

۴- هفتاد و دو حرف از هفتاد و سه حرف اسم اعظم خداوند متعال نزد ائمه معصومین علیهم السلام می باشد.

همچنین ملاحظه فرمودید که:

۵- طبق احادیث فراوانی که از ناحیه ائمه معصومین علیهم السلام صادر شده، آن ذوات مقدسه فرموده اند:

نَحْنُ عَيْبَةُ عِلْمِهِ،

نَحْنُ خَزَائِنُ اللَّهِ عَلَى عِلْمِ اللَّهِ، یعنی:

ما «ائمه معصومین علیهم السلام» مَخزن علم خداوند متعال هستیم، ما «ائمه معصومین علیهم السلام» خزانه دار خداوند متعال هستیم بر علم خداوند متعال، و در یک کلام:

ائمه معصومین علیهم السلام مظهر اتم و اکمل علم بی نهایت خداوند متعال هستند، لذا:

آن ذوات مقدسه فرموده اند که:

ما می دانیم اخبار آسمانها و زمین را،
 ما می دانیم اخبار بهشت و جهنم را،
 ما می دانیم اخبار گذشته و آینده را،
 همچنان که کف دست خودمان را می بینیم.

خازن = خزانه دار، متصدی خزانه، حافظ، نگهدارنده «جمع خازن می شود
 خُزَان و خَزَنَه».

مَخزن = محلّ نگهداری «محلّ نگهداری اموال و اشیاء».

به عنوان حسن ختام این بحث به فرمایش نورانی وجود مقدّس امام صادق
 علیه السّلام اشاره می شود که فرمودند:

اِنِّی لَأَعْلَمُ مَا فِی السَّمَاوَاتِ وَ مَا فِی الْأَرْضِ،
 وَ أَعْلَمُ مَا فِی الْجَنَّةِ وَ أَعْلَمُ مَا فِی النَّارِ،
 وَ أَعْلَمُ مَا كَانَ وَ مَا یَكُونُ، یعنی:

وجود مقدّس امام صادق علیه السّلام فرمودند:

من می دانم آنچه را که در آسمانها است،
 من می دانم آنچه را که در زمین است،
 من می دانم آنچه را که در بهشت است،
 من می دانم آنچه را که در جهنم است،
 من می دانم آنچه را که تاکنون بوده،

و من می دانم آنچه را که خواهد بود «یعنی اخبار گذشته و آینده را می دانم،
 و از آنچه که از اوّل خلقت اتفاق افتاده و تا روز قیامت اتفاق خواهد افتاد مطلع
 و آگاه هستم».

این حدیث شریف را عدّه‌ای از شیعیان و اصحاب امام صادق علیه السّلام
 نقل نموده‌اند، از قبیل:

حارث بن مغیره،

ابو عبیده،

عبدالله بن بشر ختعمی و...^۱

پس از ارائه توضیحاتی در رابطه با علم ائمه معصومین علیهم السلام می‌پردازیم به احادیث مربوط به علم وجود مقدس فاطمه زهرا سلام الله علیها، و این‌که:

وجود مقدس فاطمه زهرا سلام الله علیها حُجَّةُ الله و وَلِيَّةُ الله است، لذا: مانند ائمه معصومین علیهم السلام علم بما كان و ما يكون و بما هو كائن دارد، یعنی:

تمام اخبار گذشته و آینده از اول خلقت تا روز قیامت را می‌داند و از آن کاملاً آگاه است،

و مانند ائمه معصومین علیهم السلام مخزن علم خداوند متعال می‌باشد.

حدیث اول:

سلمان فارسی می‌گوید:

عَمَّارِ يَاسِرٍ بِهٖ مِنْ كَلِمَةٍ

ای سلمان:

آیا می‌خواهی مطلب شگفت و عجیبی را برای تو نقل نمایم؟

سلمان به عَمَّارِ يَاسِرٍ گفت:

آری،

۱. اصول کافی، جلد اول، صفحه ۳۸۸، حدیث ۲ «حدیث ۶۷۳».

المیزان، جلد بیست و چهارم، صفحه ۲۴۰ «بحث روایتی ذیل آیه ۸۹ سوره نحل».

تفسیر صافی، جلد چهارم، صفحه ۱۲۵ «ذیل آیه ۸۹ سوره نحل».

تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۷۲۵، حدیث ۲ «ذیل آیه ۸۹ سوره نحل».

تفسیر نورالتقلین، جلد چهارم، صفحه ۱۶۷، حدیث ۱۸۶ «حدیث ۵۷۹۹» «ذیل آیه ۸۹ سوره نحل».

آن را برای من نقل کن.

عمّار یاسر گفت:

امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السلام را دیدم که بر فاطمه زهرا سلام الله علیها وارد شد «به منزل فاطمه زهرا سلام الله علیها وارد شد».

هنگامی که فاطمه زهرا سلام الله علیها وجود مقدّس امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السلام را مشاهده نمود به آن حضرت عرض کرد:

أَدْنُ لِأَحَدِيكَ بِمَا كَانَ وَبِمَا هُوَ كَائِنٌ وَبِمَا لَمْ يَكُنْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ حِينَ تَقُومُ السَّاعَةُ،

یعنی:

وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها به امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب

علیه السلام عرض کرد:

نزدیک بیا «نزدیک من بیا»:

تا از آنچه که در گذشته به وقوع پیوسته،

و از آنچه که تا روز قیامت واقع خواهد شد،

و از آنچه که هرگز واقع نخواهد شد برای تو بگویم.

عمّار یاسر می گوید:

پس از این فرمایش فاطمه زهرا سلام الله علیها، وجود مقدّس امیرالمؤمنین

علیّ بن ابیطالب علیه السلام خدمت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم

شرفیاب شد،

و به محض این که وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم

امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السلام را مشاهده نمود به آن حضرت فرمود:

یا اباالحسن:

نزدیک تر بیا،

و سپس امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السلام نزد پیامبر اکرم رفت و کنار

آن حضرت نشست.

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم به امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام فرمود:

یا ابالحسن:

من قضیّه را بگویم یا تو می گویی «من داستان را نقل کنم یا تو می گویی؟»
امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم عرض کرد:

اگر شما بفرمایید نیکوتر و زیباتر است.

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم به امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام فرمود:

گویی من همراه تو بودم که بر فاطمه زهرا سلام الله علیها وارد شدی،
و او برای تو چنین و چنان گفت «گویا من نزد شما دو نفر بودم و دیدم و شنیدم که فاطمه زهرا سلام الله علیها به تو چه گفت».

وجود مقدّس امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام به پیامبر اکرم عرض کرد:

بله یا رسول الله.

عمّار یاسر می گوید:

امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام پس از گفتگوی کوتاهی با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم نزد فاطمه زهرا سلام الله علیها بازگشت.

وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها به امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام عرض کرد:

گویا نزد پدرم صلی الله علیه و آله و سلّم رفتی و آنچه را که به تو گفته بودم برای آن حضرت نقل نمودی.

وجود مقدّس امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام به فاطمه زهرا
سلام الله علیها فرمود:

بله،

همینطور است که می گویی،

و سپس وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها به امیرالمؤمنین علیّ بن
ایطالب علیه السّلام عرض کرد:

یا اباالحسن:

خداوند متعال نور مرا خلق کرد،

و نور من بلافاصله مشغول تسبیح خداوند متعال شد،

سپس خداوند متعال آن نور را به درختی از درخت های بهشت امانت داد

«به ودیعه نهاد»،

و هنگامی که پدرم صلّی الله علیه و آله و سلّم وارد بهشت شد «هنگام
معراج»، خداوند متعال به او فرمود تا از میوه های این درخت تناول نماید، و

پدرم نیز از میوه این درخت میل فرمود،

و بدین وسیله خداوند متعال مرا در صُلب پدرم قرار داد،

و سپس به رَحِم مادرم خدیجه منتقل فرمود تا این که من متولّد شدم.

وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها در ادامه فرمایش خویش فرمود:

وَ أَنَا مِنْ ذَلِكَ النَّوْرِ،

أَعْلَمُ مَا كَانَ وَ مَا يَكُونُ وَ مَا لَمْ يَكُنْ، یعنی:

وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها در ادامه فرمایش خویش به

امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام عرض کرد:

و من از همان نور هستم،

و از آنچه که در گذشته به وقوع پیوسته «آنچه را که بوده»،

و از آنچه که در آینده به وقوع خواهد پیوست «آنچه که خواهد بود»،
و از آنچه که هرگز واقع نشده «آنچه که نبوده است» با خبر هستم و از آن
اطلاع کامل دارم «یعنی از گذشته و حال و آینده، و از آنچه که بوده و هست و
خواهد بود مطلع هستم و از آن آگاهی کامل دارم».^۱
آیت الله میرجهانی در کتاب جُنَّة العاصمه در رابطه با این حدیث شریف
می نویسد:

وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها مانند پدر بزرگوارش و مانند شوهر
گرانقدرش عالم بما کانَ وَ ما یَکُونُ وَ ما هُوَ کائِنٌ بوده است، یعنی:
گذشته و حال و آینده را به علم موهوبی الهی می دانسته، لیکن در مواردی
که خداوند متعال می خواست آن حضرت اظهار می فرمود،
و آن حضرت هرچه را که می خواست بداند،
آن را اراده می فرمود و می دانست.^۲
موهوبی = خدادادی، خدا داده.

آیت الله میرجهانی در ذیل این حدیث شریف در رابطه علم فاطمه زهرا
سلام الله علیها می نویسد:

عمق دریای علم وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها به اندازه ای است

۱. فاطمه علیها سلام حلقه وصل رسالت و امامت، تألیف آیت الله وحید خراسانی، مجلس بیست و هفتم، صفحه ۳۹۲.
فضائل فاطمه زهرا سلام الله علیها، تألیف علامه امینی، موضوع یازدهم، صفحه ۲۶۵ تا ۲۶۸.
جُنَّة العاصمه، تألیف آیت الله سید محمدحسن میرجهانی، فصل سیزدهم، صفحه ۳۳۵ تا ۳۳۷.
جلوه نور، تألیف آیت الله سعادت پرور، فصل ۱، صفحه ۳۲، فصل ۱۲، صفحه ۹۹ و ۱۰۰.
فاطمه زهرا سلام الله علیها سرور دل پیامبر اکرم، تألیف آیت الله رحمانی همدانی، فصل ۱۹، صفحه ۳۶۷ و ۳۶۸،
حدیث ۴۶.

خصائص فاطمیّه، تألیف آیت الله شیخ محمد باقر کجوری مازندرانی، خصیصه یازدهم، صفحه ۳۴۳ «مورد شانزدهم».
قطره ای از دریای فضائل اهل بیت علیهم السلام، تألیف آیت الله سید احمد مستنبط، جلد اول، بخش سوم، صفحه ۴۰۲
و ۴۰۳، حدیث ۲/۲۵۳.

۲. جُنَّة العاصمه، تألیف آیت الله سید محمدحسن میرجهانی، فصل ۱۳، صفحه ۳۳۵ «ذیل عنوان: علم فاطمه زهرا
سلام الله علیها».

«به قدری عظیم است» که صاحبان ولایت جزئیّه نمی توانند به آن پی ببرند، و مقصود از فرمایش فاطمه زهرا در این حدیث شریف «حدیث اول که سلمان فارسی از عمّار یاسر نقل نموده» که آن حضرت علم به ما لَمْ یَكُنْ دارد «آنچه نبوده و نمی باشد» از اسراری است که نزد خداوند متعال مکنون و مخزون است،

و آن غیر از حوادث کونیّه و بیرون از محتویات لوح محفوظ و لوح محو و اثبات است که از خصائص صاحبان ولایت مطلقه می باشد.
«کون = هستی، وجود، به وجود آمدن، عالم، جهان».

آیت الله میرجهانی سپس دلائلی اقامه نموده که وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها علم به گذشته و حال و آینده دارد و هیچ چیز در مقابل آن حضرت مستور و پنهان نبوده است.
از جمله این دلایل این است که:

فاطمه زهرا سلام الله علیها در شکم مادر با مادر خویش سخن می گفت و از گذشته و آینده به مادر بزرگوارش حضرت خدیجه علیها سلام خبر می داد. فاطمه زهرا سلام الله علیها بلافاصله پس از تولّد شروع به سخن گفتن نموده و شهادتین بر زبان خویش جاری ساخته و بیان می فرماید که:

پدر بزرگوارش سید الانبیاء است،

شوهر گرانقدرش سید الاوصیاء است.

فاطمه زهرا سلام الله علیها بلافاصله پس از تولّد می دانست که شوهر او امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام است،
و می دانست که آن حضرت سید الاوصیاء می باشد.

فاطمه زهرا سلام الله علیها با زنانی که به امر خداوند متعال کنار بستر خدیجه کبری حاضر شده بودند تا هنگام وضع حمل او را یاری نمایند سخن می گفت،

و نام تک تک آن‌ها را بر زبان مبارک خویش جاری می‌ساخت، و دلایل دیگری که جهت رعایت اختصار از ذکر آن‌ها خودداری می‌شود، و همه این‌ها دلالت بر این دارند که وجود مقدس فاطمه زهرا سلام الله علیها علم بما کانَ وَ بِمَا هُوَ کائِنٌ وَ بِمَا لَمْ یَکُنْ دارد، یعنی:

آن حضرت تمام اخبار و وقایع گذشته و حال و آینده را می‌داند و از آن‌ها کاملاً آگاه است،

ضمن این که آن حضرت علم ما لَمْ یَکُنْ داشته که طبق گفته آیت الله میرجهانی این از اسراری است که نزد خداوند متعال، مکنون و مخزون است.^۱
واهب = بخشنده، عطا کننده.

موهوب = هر چیز بخشیده شده، عطا شده.

موهوبی = خدادادی، خدا داده.

مکنون = پوشیده، مستور، محفوظ.

مخزون = در خزانه نهاده شده.

علامه امینی در کتاب فضائل فاطمه زهرا سلام الله علیها در توضیح این حدیث شریف «حدیث اول که سلمان فارسی از عمار یاسر نقل نموده» در رابطه با علم فاطمه زهرا سلام الله علیها می‌نویسد:

وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه معصومین علیهم السلام و فاطمه زهرا سلام الله علیها از نوری خلق شده‌اند که غیر از خداوند متعال هیچ کس از کیفیت آن آگاه نیست، یعنی:

آن ذوات مقدسه از نوری خلق شده‌اند که آن نور طبق فرمایش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، مَخْرُوزٌ مَكُونٌ فِی عِلْمِ اللَّهِ می‌باشد،
و در اثر همین نور است که این ذوات مقدسه در رحم مادر:

۱. جُنَّة العاصمه، تألیف آیت الله سید محمدحسن میرجهانی، فصل سیزدهم، صفحه ۳۳۵ تا ۳۳۸ «علم فاطمه زهرا سلام الله علیها».

از همه جا باخبرند،
 بر همه جا احاطه دارند،
 و همه چیز را می دانند.
 وجود مقدّس صدّیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها نیز از این نور مبارک
 خلق شده است، لذا:

در رحم مادر:

از همه جا باخبر است،
 بر همه جا احاطه دارد،
 و همه چیز را می دانند.

مراتب مذکور که ملاحظه فرمودید از خصوصیات نبوّت و امامت نیست،
 بلکه از شئون ولایت و اوّلی به نفس بودن بر جمیع بشر است «ذیل
 دوازدهمین فضیلت از فضائل بی شمار وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها
 در این کتاب شریف فاطمی در رابطه با ولّیة الله بودن آن علیا مخدّره و در رابطه
 با اوّلی به نفس بودن وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام بر همه انسانها
 توضیحات کامل و جامعی ارائه شده است»،

و از برکت همین مقام است که «مقام ولایت و اوّلی به نفس بودن بر جمیع بشر»:
 وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها:
 هنگامی که در رحم مادر است،

و هنگامی که به دنیا می آید به همه چیز آگاه است، لذا:
 به محض تولّد:

به یگانگی خداوند متعال شهادت می دهد،

و از نبوّت و رسالت پدر بزرگوارش خبر می دهد.

علامه امینی اعلی الله مقامه الشریف در ادامه سخن خویش در رابطه با علم

فاطمه زهرا سلام الله عليها می افزاید:

علم و دانش وجود مقدس فاطمه زهرا سلام الله عليها در روز ولادتش با علم و دانش آن حضرت در هنگام شهادتش هیچ فرقی ندارد، لذا:

وجود مقدس فاطمه زهرا سلام الله عليها با این علم موهوبی و خدادادی:

از همه چیز آگاه است،

به اوضاع جهان بینا است،

از تمام قضایا با خبر است،

اسامی ملائکه الهی را می داند،

اسامی حورالعین را می داند،

اسامی اهل بهشت را می داند،

اسامی اهل جهنم را می داند،

اسامی محبتین خویش را می داند،

اسامی دشمنانش را می داند،

و در یک کلام:

از اولین و آخرین چیزی بر آن حضرت پوشیده نیست، یعنی:

وجود مقدس فاطمه زهرا سلام الله عليها تمام اخبار و وقایع دنیا و آخرت را

بی کم و کاست می داند و از آن اطلاع کامل دارد.

علامه امینی در ادامه سخن خویش می افزاید:

وجود مقدس فاطمه زهرا سلام الله عليها در رحم مادر بزرگوارش و هنگام

ولادتش دارای همان علم خدادادی بوده که پدر بزرگوارش و شوهر گرانقدرش

واجد آن بوده اند، لذا:

جای تعجب نیست که آن علیا مخدّره هنگام ولادتش به نبوت و رسالت

پدر بزرگوارش شهادت می دهد،

همان گونه که وجود مقدّس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام نیز هنگام ولادت خویش به نبوّت و رسالت وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم شهادت می دهد،

و همه این ها از شئون ولایت است، و در اثر آن نور مبارکی است که مایه آفرینش فاطمه زهرا سلام الله علیها بوده، نوری که طبق فرمایش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، مَخْزُونٌ مَكْنُونٌ فی عِلْمِ الله می باشد،

و غیر از خداوند متعال هیچ کس از کیفیت آن نور آگاه نیست، نوری که مانند آینه ای تمام نما همه عوالم ملکوت در آن منعکس می باشد. علامه امینی در ادامه سخن خویش درباره این حدیث شریف «حدیث اوّل که سلمان فارسی از عمّار یاسر نقل نموده» می گوید:

این حدیث شریف که به کیفیت خلقت وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و فاطمه زهرا سلام الله علیها و ائمه معصومین علیهم السلام اشاره نموده نشان می دهد که:

نور چهارده معصوم علیهم السلام نور واحد است، و علم خداداد آن ذوات مقدّسه نیز از همین نور سرچشمه می گیرد، نوری که نزد خداوند متعال مخزون و مکنون است، و غیر از خداوند متعال هیچ کس از کیفیت آن آگاه نیست، و علم اوّلین و آخرین در آن نور منعکس می باشد.^۱

حدیث دوّم:

وجود مقدّس امام صادق علیه السلام به یکی از اصحاب خویش به نام مفضّل

۱. فضائل فاطمه زهرا سلام الله علیها، تألیف علامه امینی، موضوع یازدهم، صفحه ۲۶۱ تا ۲۶۸ «ذیل عنوان: خلقت چهارده معصوم علیهم السلام از نور واحد».

فرمود:

ای مفضل:

آیا حضرت محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام را آن طور که باید شناخته‌ای،

و به حقیقت معرفت آن‌ها رسیده‌ای؟

مفضل می‌گوید:

خدمت امام صادق علیه السلام عرض کردم:

ای مولای من،

و ای سرور من:

حقیقت معرفت آن بزرگواران چگونه است؟

وجود مقدس امام صادق علیه السلام به مفضل فرمود:

هر کس آن بزرگواران را به حقیقت معرفت بشناسد مؤمن است و در درجات

بالای ایمان قرار دارد.

مفضل می‌گوید:

خدمت امام صادق علیه السلام عرض کردم:

ای مولای من،

و ای سرور من:

آن را به من بشناسان.

وجود مقدس امام صادق علیه السلام به مفضل فرمود:

ای مفضل:

بدان که:

آنها «محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین و دیگر ائمه معصومین

علیهم السلام» آنچه را که خداوند متعال خلق فرموده می‌دانند،

آن ذوات مقدّسه:

خزانه دار آسمانها و زمین و کوهها و صحراها و دریاها هستند،
 آنها «وجود مقدّس خمسه طیبه علیهم السّلام یعنی حضرت محمّد و علی و
 فاطمه و حسن و حسین علیهم السّلام، همچنین دیگر ائمّه معصومین علیهم السّلام»:

می دانند تعداد ستارهها را،

می دانند تعداد ملائکه را،

می دانند وزن کوهها را،

می دانند اندازه آب دریاها و رودخانهها و چشمهها را.

هر برگگی که از درختی می افتد آن ذوات مقدّسه آن را می دانند،

هر دانه‌ای که در تاریکی زمین قرار گرفته آن ذوات مقدّسه آن را می دانند.

ای مفضّل:

هیچ تر و خشکی نیست مگر این که در کتاب مُبین یعنی در علم آن ذوات

مقدّسه نقش بسته،

و آن ذوات مقدّسه آن را می دانند «یعنی از تمام عالم و از همه چیز مطلع و

آگاه می باشند، از اوّل خلقت تا روز قیامت».^۱

توضیح:

این حدیث شریف اشاره به آیه ۵۹ سوره انعام دارد که می فرماید:

هیچ تر و خشکی نیست مگر این که در کتاب مبین ثبت و ضبط شده است.

خداوند متعال در این آیه شریفه «آیه ۵۹ سوره انعام» می فرماید: وَ عِنْدَهُ مَفَاتِحُ

الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ، وَيَعْلَمُ مَا فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ، وَمَا تَسْقُطُ مِنْ وَرَقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا، وَلَا

حَبَّةٍ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ، وَلَا رَطْبٍ وَلَا يَابِسٍ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ، یعنی:

۱. قطره‌ای از دریای فضائل اهل بیت علیهم السّلام، تألیف آیت الله سیّد احمد مستنبط، جلد اوّل، بخش اوّل، صفحه

۸۹ و ۹۰، حدیث ۶.

خزانه‌های غیب نزد خداوند متعال است «کلیدهای غیب تنها نزد خداوند متعال است»،

و غیر از خداوند متعال کسی آن‌ها را نمی‌داند.
 خداوند متعال به آنچه که در خشکی و دریا است علم دارد «خداوند متعال آنچه را که در خشکی و دریا است می‌داند»،
 هیچ برگی از درختی نمی‌افتد مگر این‌که خداوند متعال از آن آگاه است.
 هیچ دانه‌ای در تاریکی‌های زمین، و هیچ تر و خشکی نیست مگر این‌که در کتاب مُبین است «مگر این‌که در کتاب مبین ثبت و ضبط می‌باشد».^۱

شرح لغات و توضیحات:

مَفْتَحٌ = کلید «مِفْتَاح = کلید».

مَفْتَحٌ = خزانه.

جمع مِفْتَحٌ و مِفْتَاح و مَفْتَحٌ می‌شود مَفَاتِح و مَفَاتِیح، لذا:

مَفَاتِح = ۱- خزانه‌ها؛ ۲- کلیدها.

غَیْبٌ = آنچه که از چشم انسان و از حواس انسان و از حیظه علم انسان پوشیده و پنهان باشد «غایب باشد».

غَیْبٌ در رابطه با انسان است نه در رابطه با خداوند متعال، زیرا برای خداوند متعال غیب و شهود یکسان است.

نقطه مقابل غَیْبٌ، شهود و شهادت است، یعنی:

شهود، شهادت = حضور توأم با مشاهده، خواه این مشاهده با چشم باشد، خواه از ادراک قلبی.

۱. مجمع‌البیان، جلد هشتم، صفحه ۱۱۷ «ذیل آیه ۵۹ سوره انعام».

المیزان، جلد سیزدهم، صفحه ۱۷۸ «ذیل آیه ۵۹ سوره انعام».

تفسیر نمونه، جلد پنجم، صفحه ۳۳۳ «ذیل آیه ۵۹ سوره انعام».

بَرّ = خشکی.

بَحْر = دریا «در اصل به معنای مکان وسیع و دارای آب می باشد».

سُقُوط = فرو افتادن چیزی از بالا به پایین.

وَرَقْ = برگ درخت.

مفرد وَرَق می شود وَرَقَه،

و جمع وَرَق می شود أَوْرَاق.

حَبّ = دانه گندم و جو و نظائر آن.

حَبّه = یک دانه گندم و یک دانه جو و نظائر آن.

رَطْب = تر «ضدّ خُشک».

یَابِس = خُشک «ضدّ تر»^۱.

کتاب مُبیین = مفسّرین محترم در رابطه با کتاب مُبیین احتمالات مختلفی داده اند، لیکن در تفسیر نمونه «جلد پنجم، صفحه ۳۳۸» عنوان شده که کتاب مُبیین همان مقام علم خداوند متعال است.

خداوند متعال در این آیه شریفه «آیه ۵۹ سوره انعام» می فرماید:

وَعِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ، یعنی:

تمام خزانه های غیب نزد خداوند متعال است،

و اَحَدی جز خداوند متعال و کسانی که خداوند متعال به آنها علم غیب

آموخته، از خزائن غیب آگاه نیستند،^۲

یا:

تمام کلیدهای غیب نزد خداوند متعال است،

و غیر از خداوند متعال کسی آنها را نمی داند.

۱. مفردات راغب.

۲. مجمع البیان، جلد هشتم، صفحه ۱۱۸ «ذیل آیه ۵۹ سوره انعام».

مراد از غیب در این آیه شریفه، غیب مطلق است.^۱
 ادامه آیه شریفه برای توضیح و تأکید بیشتر قسمت اول آیه شریفه بوده و
 می‌فرماید:

وَيَعْلَمُ مَا فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ، یعنی:

خداوند متعال آنچه را که در خشکی و دریا است می‌داند.
 این قسمت از آیه شریفه عمومیت علم خداوند متعال را می‌رساند،
 و به عبارت دیگر:

معنی این قسمت از آیه شریفه این می‌شود که:

خداوند متعال از آنچه که در خشکی‌ها و دریاها است آگاه می‌باشد، و این
 امر به معنی احاطه علم خداوند متعال بر همه چیزها می‌باشد، یعنی خداوند
 متعال از همه چیز آگاه است.^۲

ادامه آیه شریفه در تأکید مطالب قبل بوده و برای تأکید احاطه علمی خداوند
 متعال بر تمام عالم و بر تمام اشیاء می‌باشد که می‌فرماید:

وَمَا تَسْقُطُ مِنْ وَرَقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا، یعنی:

هیچ برگگی از درختی نمی‌افتد مگر این که خداوند متعال آن را می‌داند و از
 آن آگاه است.

برای این برگ درختان را بخصوص یاد فرموده که دلالت بر بی‌پایان بودن
 و بی‌نهایت بودن علم خداوند متعال نماید، زیرا کثرت برگ درختان به حدی
 است که انسان‌ها از شمردن آن‌ها نیز عاجز و ناتوان هستند تا چه رسد به این که
 بدانند در هر لحظه و هر ثانیه چند برگ از درختان جدا شده و به زمین افتاده‌اند
 و یا می‌افتند.

۱. المیزان، جلد سیزدهم، صفحه ۲۰۳.

۲. المیزان، جلد سیزدهم، صفحه ۲۰۳.

تفسیر نمونه، جلد پنجم، صفحه ۳۳۵.

ادامه آیه شریفه، در تأکید بر احاطه علمی خداوند متعال بر تمام چیزها و تمام اشیاء بوده و می فرماید:

وَلَا حَبَّةٌ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ، یعنی:

هیچ دانه‌ای در مخفیگاه زمین و داخل زمین قرار نمی‌گیرد مگر این‌که خداوند متعال آن را می‌داند و از خصوصیات آن آگاه است.

منظور از ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ «تاریکی‌های زمین» باطن زمین و درون تاریک زمین می‌باشد که بذر گیاهان در آن نشو و نما پیدا می‌کنند، و بعضی از دانه‌ها نیز آنجا می‌پوسند و از بین می‌روند،

و خداوند متعال به همه آن‌ها آگاه است.^۱

انتهای آیه شریفه نیز در تأکید مطالب قبل بوده و مبین احاطه علمی خداوند متعال بر تمام چیزها و تمام اشیاء می‌باشد و بیان می‌فرماید که:

وَلَا رَطْبٌ وَلَا يَابِسٌ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ، یعنی:

هیچ تر و خشکی نیست مگر این‌که در کتاب مبین ثبت است، یعنی:

هیچ تر و خشکی نیست مگر این‌که خداوند متعال به آن علم و آگاهی کامل دارد.

این قسمت از آیه شریفه با عبارتی کوتاه، وسعت بی‌انتهای علم خداوند متعال را به تمام موجودات و تمام اشیاء بیان می‌فرماید،

و خداوند متعال علم بی‌انتهای خویش را نسبت به همه اشیاء تعمیم می‌دهد، زیرا:

منظور از تر و خشک معنی لغوی آن نیست، بلکه این تعبیر معمولاً کنایه از عمومیت می‌باشد.

۱. مجمع‌البیان، جلد هشتم، صفحه ۱۱۹.

المیزان، جلد سیزدهم، صفحه ۲۰۳ و ۲۰۴.

تفسیر نمونه، جلد پنجم، صفحه ۳۳۵ و ۳۳۶.

به هر حال:

این قسمت از آیه شریفه با عبارتی کوتاه لیکن بسیار رسا، وسعت بی انتها و بی نهایت خداوند متعال را نسبت به همه مخلوقات و همه موجودات و همه اشیاء بیان نموده و می فرماید:

خداوند متعال از همه چیز آگاه است و هیچ استثنایی در کار نیست.^۱ منظور از کتاب مبین در این آیه شریفه «آیه ۵۹ سوره انعام» بیشتر به نظر می رسد همان مقام علم خداوند متعال باشد، یعنی: همه موجودات و همه مخلوقات در علم بی پایان خداوند متعال ثبت می باشند،

و تفسیر کتاب مبین به لوح محفوظ نیز قابل تطبیق بر همین معنا است، و منظور از لوح محفوظ نیز همان صفحه علم بی پایان خداوند متعال می باشد.^۲ در تفسیر المیزان راجع به کتاب مبین عنوان شده که: کتاب مبین کتابی است که جمیع موجودات و مخلوقات را برشمرده «شمارش و احصاء نموده»،

و آنچه که بوده و هست و خواهد بود را احصاء نموده است، بدون این که کوچک ترین موجود و مخلوقی را از قلم انداخته باشد.^۳

توضیح:

الف: اوائل این بحث به عرض رسید که:

۱. مجمع البیان، جلد هشتم، صفحه ۱۱۹ و ۱۲۰.
- المیزان، جلد سیزدهم، صفحه ۲۰۳ و ۲۰۴.
- تفسیر نمونه، جلد پنجم، صفحه ۳۳۷ و ۳۳۸.
۲. تفسیر نمونه، جلد پنجم، صفحه ۳۳۸ «ذیل آیه ۵۹ سوره انعام».
- جلد هشتم، صفحه ۴۰۱، «ذیل آیه ۶۱ سوره یونس».
۳. المیزان، جلد سیزدهم، صفحه ۲۰۲ «ذیل آیه ۵۹ سوره انعام».

علم غیب بالاصاله و بالذات و استقلالاً فقط و فقط مختص به خداوند متعال است و بس،

و غیر از خداوند متعال هیچ کس بالاصاله و بالذات علم غیب نمی داند حتّی به مقدار بسیار اندک و ناچیز. همچنین به عرض رسید که:

خداوند متعال از علم غیب خویش به هر کس به هر اندازه که اراده فرموده اعطا نموده است.

افرادی که خداوند متعال به آنها از علم غیب خویش اعطا فرموده انبیاء و اوصیاء آنها می باشند، بنابراین:

انبیاء الهی و اوصیاء آنها علم غیب می دانند، لیکن علم غیب آنها بالاصاله و ذاتی نیست،

بلکه خداوند متعال به هر مقدار که اراده فرموده به آن بزرگواران علم غیب اعطا نموده است.

قابل ذکر است که:

مقدار و میزان علم غیبی که خداوند متعال به انبیاء الهی و اوصیاء آنها اعطا فرموده یکسان و برابر نیست،

همچنان که مقام و منزلت آنها نیز در پیشگاه خداوند متعال یکسان و برابر نمی باشد،

بنابراین:

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم و اهل بیت آن حضرت یعنی وجود مقدّس مولی الموحّدین امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام و فاطمه زهرا سلام الله علیها و یازده امام معصوم از نسل آن دو بزرگوار که

مقربترین مخلوقات الهی در پیشگاه خداوند متعال می‌باشند بیشتر از همه انبیاء الهی علم غیب می‌دانند،
و بیشتر از همه انبیاء الهی قدرت دارند، و هفتاد و دو حرف از هفتاد و سه حرف اسم اعظم خداوند متعال را می‌دانند،
درحالی که سایر انبیاء الهی حداکثر بیست و پنج حرف از حروف اسم اعظم خداوند متعال را می‌دانند،
ضمن این که علم الکتاب به طور تمام و کمال نزد وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام می‌باشد،
و به همین جهت طبق احادیث شریفی که قبلاً به عرض رسید آن ذوات مقدّسه مخزن علم خداوند متعال هستند،
و مظهر اتمّ و اکمل علم و قدرت بی‌پایان خداوند متعال می‌باشند، و همه این‌ها را خداوند متعال به آن ذوات مقدّسه اعطا فرموده است و از پیش خود چیزی ندارند.

ب: در آیه ۵۹ سوره انعام ملاحظه فرمودید که:

هیچ برگی از درختی نمی‌افتد،

هیچ دانه‌ای در داخل زمین قرار نمی‌گیرد، و هیچ تر و خشکی نیست مگر

این که در کتاب مُبین ثبت شده و نوشته شده است، یعنی:

آنچه که بوده و هست و خواهد بود در کتاب مُبین ثبت و ضبط شده و

نوشته شده است.

در صفحات قبل راجع به کتاب مُبین توضیحات مختصری ارائه شد.

ج: در حدیث شریفی که از وجود مقدّس امام صادق علیه السّلام نقل شد

«حدیث دوّم» ملاحظه فرمودید که:

وجود مقدّس امام صادق علیه السّلام به مفضّل فرمود:

وجود مقدّس خمسه طیّبه یعنی حضرت محمّد و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السّلام «همچنین دیگر ائمه معصومین علیهم السّلام یعنی وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام»:

می دانند تعداد ستاره‌ها را،

می دانند تعداد ملائکه را،

می دانند وزن کوه‌ها را،

می دانند اندازه آب دریاها و رودخانه‌ها و چشمه‌ها را،

و در انتهای فرمایش امام صادق علیه السّلام آمده که:

هر برگگی که از درختی می افتد وجود مقدّس خمسه طیّبه «حضرت محمّد و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السّلام، همچنین دیگر ائمه معصومین علیهم السّلام» آن را می دانند،

هر دانه‌ای که در تاریکی زمین قرار گرفته آن ذوات مقدّسه آن را می دانند، و هیچ تر و خشکی نیست مگر این که در کتاب مُبین یعنی در علم آن ذوات مقدّسه نقش بسته و آن ذوات مقدّسه آن را می دانند «یعنی وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها و پدر بزرگوارش و شوهر گرانقدرش و یازده امام معصوم از نسل و ذریّه‌اش یکی از مصادیق بارز و آشکار کتاب مبین خداوند متعال می باشند، و به همین جهت اخبار و وقایع جهان از اوّل خلقت تا روز قیامت را می دانند و از گذشته و حال و آینده و از آنچه که بوده و هست و خواهد بود اطلاع کامل دارند، و همه این‌ها را خداوند متعال به آن ذوات مقدّسه اعطا فرموده است».

د: در رابطه با این که وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام مصداق بارز و آشکار کتاب مبین هستند و هیچ تر و خشکی در عالم نیست مگر این که آن ذوات مقدّسه از آن اطلاع کامل دارند «یعنی اطلاع کامل از گذشته و حال

و آینه و اطلاع کامل از آنچه که بوده و هست و خواهد بود» به یک حدیث شریف دیگر نیز اشاره می‌شود.

وجود مقدس امام صادق علیه السلام فرمودند:

خداوند متعال درباره حضرت موسی «موسی بن عمران» فرمود:

وَ كَتَبْنَا لَهُ فِي الْأَلْوَابِ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مَوْعِظَةً «آیه ۱۴۵ سوره اعراف»، یعنی:

خداوند متعال درباره حضرت موسی فرمود:

برای حضرت موسی در آن الواح از هرگونه پندی چیزی نوشتیم،

و خداوند متعال درباره حضرت موسی نفرمود که:

برای حضرت موسی هر موعظه و پندی را نوشتیم.

وجود مقدس امام صادق علیه السلام در ادامه فرمایش خویش فرمودند:

خداوند متعال درباره حضرت عیسی فرمود:

حضرت عیسی به قوم خویش و به امت خویش فرمود:

وَلَا يَبِينَ لَكُمْ بَعْضَ الَّذِي تَخْتَلِفُونَ فِيهِ «آیه ۶۳ سوره زخرف»، یعنی:

حضرت عیسی به قوم خویش و به امت خویش فرمود:

تا برخی از آنچه را که درباره آن اختلاف می‌کنید برای شما بیان کنم،

و حضرت عیسی به قوم خویش و به امت خویش نفرمود که:

تا آنچه را که درباره آن اختلاف می‌کنید برای شما بیان کنم.

وجود مقدس امام صادق علیه السلام سپس فرمودند:

اما خداوند متعال درباره امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام فرمودند:

۱- قُلْ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَ بَيْنَكُمْ وَ مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ «آیه ۴۳ سوره رعد»،

یعنی:

خداوند متعال درباره امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام به پیامبر اکرم

صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

ای پیامبر:

کافران می گویند که تو پیامبر نیستی،

ای پیامبر:

به کافران بگو:

خداوند متعال و کسی که تمام علم کتاب نزد او است گواهی و شهادت می دهند که من پیامبر هستم و رسول خدا می باشم، و شهادت خداوند متعال و شهادت کسی که تمام علم کتاب نزد او است کفایت کننده است «کافی است».

۲- لَا رَطْبٌ وَلَا يَابِسٌ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ «آیه ۵۹ سوره انعام»، یعنی:

هیچ تر و خشکی نیست مگر این که در کتاب مُبیین نوشته شده است، یعنی: تمام اخبار گذشته و حال و آینده و آنچه که بوده و هست و خواهد بود در کتاب مُبیین ثبت و ضبط شده و نوشته شده است.

وجود مقدّس امام صادق علیه السّلام در پایان فرمایش خویش فرمودند:

و علم این کتاب «کتاب ذکر شده در آیه ۴۳ سوره رعد و آیه ۵۹ سوره انعام»

نزد امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام می باشد.

این حدیث شریف را محمّد بن ابی عُمیر از عبدالله بن ولید سمان و او نیز

از وجود مقدّس امام صادق علیه السّلام نقل نموده است.^۱

توضیح:

۱- طبق این حدیث شریف، غیر از پیامبر اکرم به سایر انبیاء الهی و به انبیاء

اولوالعزم تمام علم کتاب آموخته نشده است «خداوند متعال تمام علم کتاب را

به طور تمام و کمال اعطا نفرموده است».

۱. احتجاج طبرسی، جلد دوم، احتجاج امام صادق علیه السّلام در انواع علوم دینی بر گروه های زیادی از مردم

با مذاهب و عقائد مختلف صفحه ۳۱۱ و ۳۱۲، حدیث ۲۵۴.

تفسیر صافی، جلد دوم، صفحه ۵۵۶ «ذیل آیه ۵۹ سوره انعام».

تفسیر نورالثقلین، جلد دوم، صفحه ۶۰۱، حدیث ۱۰۳ «حدیث ۳۱۱۲» «ذیل آیه ۵۹ سوره انعام».

و همچنان که قبلاً به عرض رسید،
حدّاکثر حروف اسم اعظم خداوند متعال که به انبیاء الهی اعطا شده و نزد
آن‌ها است بیست و پنج حرف می باشد.

۲- خداوند متعال هفتاد و دو حرف از حروف اسم اعظم شریف را به پیامبر
اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت آن حضرت اعطا فرموده و به آن
ذوات مقدّسه آموخته است،

همچنین تمام علم کتاب به طور تمام و کمال نزد آن بزرگواران می باشد.
۳- گرچه در این حدیث شریف نام مبارک امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب
علیه السلام ذکر شده،

لیکن با توجّه به این که این چهارده وجود مقدّس از یک نور واحد می باشند
لذا هر چهارده وجود مقدّس عالم به تمام علم کتاب می باشند، و هفتاد و دو
حرف از هفتاد و سه حرف اسم اعظم خداوند متعال نزد آن ذوات مقدّسه
است، و خزانه دار علم بی پایان خداوند متعال هستند، لذا از همه چیز باخبر
می باشند، از اوّل خلقت تا قیامت،

و همه این‌ها را خداوند متعال به آن بزرگواران اعطا فرموده است.
پس از ارائه توضیحاتی ذیل حدیث دوّم که مفضّل از وجود مقدّس امام
صادق علیه السلام نقل نموده، باز می گردیم به اصل بحث و نقل احادیث مربوط
به وجود مقدّس صدّیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها مبنی بر این که آن
علیا مخدّره و لَیْتَةُ الله و حُجَّةُ الله است، و مانند سایر ذوات مقدّسه معصومین
علیهم السلام مخزن علم خداوند متعال است،
و به گذشته و آینده اطلاع کامل دارد و از آن آگاه است.

حدیث سوّم:

وجود مقدّس امام صادق علیه السلام فرمودند:

خداوند متعال ارواح را دو هزار سال قبل از اجسام «جسم انسانها» خلق فرمود،

و ارواح حضرت محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام و دیگر ائمه معصومین علیهم السلام را عالی ترین و برترین و شریف ترین آن ارواح قرار داد،

و آنگاه ارواح این ذوات مقدسه را «ارواح چهارده معصوم علیهم السلام را» بر آسمانها و زمین و کوهها عرضه نمود و نور آن ذوات مقدسه همه جا را فرا گرفت،

و سپس خداوند متعال به آسمانها و زمین و کوهها فرمود:

هُؤْلَاءِ أَحِبَّائِي وَ أَوْلِيَائِي وَ حُجَجِي عَلَى خَلْقِي وَ أَيْمَّةُ بَرِيَّتِي،

مَا خَلَقْتُ خَلْقِي هُوَ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْهُمْ،

وَ لِمَنْ تَوَلَّاهُمْ خَلَقْتُ جَنَّتِي،

وَ لِمَنْ خَالَفَهُمْ وَ عَادَاهُمْ خَلَقْتُ نَارِي،

فَمَنْ ادَّعَى مَنَزِلَتَهُمْ مِنِّي وَ مَحَلَّهُمْ مِنْ عَظَمَتِي عَذَّبْتُهُ عَذَابًا لَا أُعَذِّبُهُ أَحَدًا مِنَ الْعَالَمِينَ وَ جَعَلْتُهُ مَعَ الْمُشْرِكِينَ فِي أَسْفَلِ دَرَكٍ مِنْ نَارِي،

وَ مَنْ أَقْرَبَ بَوْلَايَتِهِمْ وَ لَمْ يَدْعُ مَنَزِلَتَهُمْ مِنِّي وَ مَكَانِهِمْ مِنْ عَظَمَتِي جَعَلْتُهُ مَعَهُمْ فِي

رَوْضَاتِ جَنَّتِي وَ كَانَ لَهُمْ مَا يَشَاؤُنَ عِنْدِي،

فَوَلَا يَتُّهُمْ أَمَانَةٌ عِنْدَ خَلْقِي،

فَأَيُّكُمْ يَحْمِلُهَا بِأَثْقَالِهَا وَ يُدْعِيهَا لِنَفْسِهِ،

فَأَبَتِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ الْجِبَالِ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَ أَشْفَقْنَ مِنْهَا مَنْ ادَّعَى مَنَزِلَتَهَا وَ

تَمَنَّى مَحَلَّهَا مِنْ عَظَمَةِ رَبِّهِمْ، یعنی:

خداوند متعال به آسمانها و زمین و کوهها «یعنی به همه مخلوقات» فرمود:

اینها «وجود مقدس چهارده معصوم علیهم السلام»:

دوستان من،

اولیاء من،

و حجت های من بر مخلوقاتم می باشند،

و امامان و پیشوایان مخلوقات من هستند.

هیچ مخلوقی را نیافریده ام و خلق نکرده ام که بیشتر از این ها دوستش بدارم
«یعنی چهارده معصوم علیهم السّلام محبوب ترین مخلوق الهی نزد خداوند
متعال می باشند و خداوند متعال آن ذوات مقدّسه را از همه مخلوقاتش بیشتر
دوست می دارد»،

بهشت را برای آن ها و مُحبّین آن ها خلق کرده ام،

و جهنّم را برای دشمنان آن ها و مخالفین آن ها خلق نموده ام.

هرکس مقام و منزلتی را که آن ها نزد من دارند به خود نسبت بدهد،

و مقام و منزلت آن ها را ادّعا کند،

او را آنچنان عذاب کنم که احدی را آنگونه عذاب نکرده باشم،

و او را همراه با مشرکین در پائین ترین و بدترین نقطه جهنّم قرار می دهم.

هرکس به ولایت و امامت این ها اقرار نماید،

و مقام و جایگاه رفیع این ها را به خود منسوب نسازد «مقام رفیع آن ذوات

مقدّسه را ادّعا نکند»،

او را همراه آن ذوات مقدّسه در بهشت مأوا و منزل می بخشم،

و در بهشت هر چه که بخواهد برایش فراهم می سازم،

و او را در جوار خود جای می دهم.

ولایت و امامت این ها «وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام» امانتی

است که نزد مخلوقم می سپارم، پس:

کدام یک از شما «کدام یک از مخلوقات» می تواند بار این امانت را با

سنگینی های آن به دوش بکشد و آن را برای خویش ادّعا کند.

همه آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها از این‌که آن امانت را حمل کنند و بر دوش بکشند ایا و امتناع نمودند،

و روشن است که امتناع آن‌ها از حمل این امانت به جهت سرکشی و استکبار نبود،

بلکه به جهت ترس توأم با تواضع و فروتنی از عظمت خداوند متعال بود که مبادا به ناحق ادّعی چنین منزلتی را بنمایند و در سر پپرورانند، و چنین جایگاه رفیعی را برای خویش آرزو نمایند.

در ادامه فرمایشات امام صادق علیه‌السلام آمده است که:
وقتی خداوند متعال حضرت آدم و حوّا را در بهشت ساکن نمود به آن‌ها فرمود:

هر چه می‌خواهید از هر کجای بهشت بی‌هیچ زحمتی بخورید،
لیکن به این درخت نزدیک نشوید که از ستمکاران خواهید بود.
آدم و حوّا جایگاه رفیع و مقام و منزلت حضرت محمّد و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم‌السلام و امامان پس از آن‌ها را دیدند و مشاهده کردند که جایگاه آن ذوات مقدّسه بهترین و عالی‌ترین جایگاه‌های بهشت می‌باشد،
لذا از خداوند متعال سؤال کردند که این جایگاه رفیع از آن کیست؟
خداوند متعال به آدم و حوّا فرمود:

سرهای خودتان را بالا بگیرید و به ساق عرش من نگاه کنید.
آدم و حوّا به ساق عرش نگریسته و اسامی مبارک محمّد و علی و فاطمه و حسن و حسین و سایر ائمّه معصومین علیهم‌السلام را دیدند که با نوری از انوار خداوند جبار جَلّ جلاله نوشته شده است، پس:

به خداوند متعال عرض کردند:

خداوندا:

صاحبان این منزلت و جایگاه در درگاهت چه بسیار گرامی هستند،

و چه قدر نزد تو محبوب می باشند.

ادامه حدیث شریف که فرمایش خداوند متعال به آدم و حوا می باشد و به سؤال آن ها پاسخ می دهد در رابطه با علم موهوب و خداداد وجود مقدس فاطمه زهرا سلام الله علیها و پدر بزرگوارش و شوهر گرانقدرش و یازده امام معصوم از نسل و ذریه اش می باشد که به عنوان شانزدهمین فضیلت از فضائل بی شمار آن علیا مخدّره در این کتاب شریف فاطمی مورد بحث می باشد.

خداوند متعال در پاسخ به سؤال آدم و حوا در رابطه با مقام و منزلت رفیع چهارده معصوم علیهم السّلام فرمود:

لَوْلَاهُمْ مَا خَلَقْتُكُمْ،

هُؤُلَاءِ خَزَنَةُ عِلْمِي،

وَ أَمَنَائِي عَلَى سِرِّي،

إِيَّاكُمْ أَنْ تَنْظُرَ إِلَيْهِمْ بِعَيْنِ الْحَسَدِ،

وَ تَتَمَنَّىا مَنْزِلَتَهُمْ عِنْدِي وَ مَحَلَّهُمْ مِنْ كِرَامَتِي،

فَتَدُ خُلَا بِذَلِكَ فِي نَهْيِي،

فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ، یعنی:

خداوند متعال در رابطه با مقام و منزلت رفیع وجود مقدس چهارده معصوم

علیهم السّلام به آدم و حوا فرمود:

اگر این ها نبودند شما را خلق نمی کردم «یعنی شما را به خاطر این ذوات

مقدّسه خلق کردم»،

این ها خزانه داران علم من هستند،

این ها امینان سِرّ من هستند «این ها مورد اعتماد من برای سپردن اسرارم

هستند»،

بر حذر باشید از این که با چشم حسادت به آن ها نگاه کنید «مبادا با چشم

حسد به آن ها نگاه کنید»،

و مبادا مقام و منزلتی را که آن‌ها نزد من دارند آرزو کنید که در این صورت از ظالمین و ستمکاران خواهید بود.

در ادامه فرمایشات امام صادق علیه السلام آمده است که: شیطان، آدم و حوّا را فریب داد و در نتیجه آن دو نفر ترک اوّلی نمودند و از بهشت هبوط کردند.

آدم و حوّا پس از هبوط از بهشت به خداوند متعال عرض کردند: خداوندا:

از تو درخواست می‌کنیم به حقّ محمّد و علی و فاطمه و حسن و حسین و ائمه علیهم السلام توبه ما را بپذیری و به ما رحم نمایی،

و پس از این قضیه بود که خداوند متعال توبه آدم و حوّا را پذیرفت.

امام صادق علیه السلام در پایان فرمایش خویش فرمودند:

پس از این قضیه، پیامبران الهی همواره این امانت را نگهداری نمودند، و اوصیاء و جانشینان خویش، همچنین افراد مخلص از امت‌های خویش را از این امانت آگاه ساختند،

و همواره ابا داشتند که این امانت را به ناحق بردارند و به خود نسبت بدهند،

و همواره می‌ترسیدند از این‌که آن مقام را «مقام ولایت و امامت چهارده

معصوم علیهم السلام را» برای خویش ادّعا نمایند،

ولی آن شخص شناخته شده «یعنی فلانی» آن را به ناحق تصرف کرد، و تا

روز قیامت ریشه هر ظلم و ستم به او باز می‌گردد و از او است، و این است

معنی و تفسیر فرمایش خداوند متعال که می‌فرماید.

إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ، فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا
وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا «آیه ۷۲ سوره احزاب».

این حدیث شریف را مفضل بن عمر از وجود مقدّس امام صادق علیه السلام

نقل نموده است.^۱

توضیح:

ملاحظه فرمودید که:

وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها عیناً مانند پدر بزرگوارش و شوهر گرانقدرش و یازده امام معصوم از نسل و ذریّه اش خزانه دار علم بی پایان خداوند متعال می باشد،

و به همین جهت از تمام اخبار و وقایع گذشته و حال و آینده، و از آنچه که بوده و هست و خواهد بود «از اوّل خلقت تا روز قیامت» آگاه است و به آن علم دارد و از آن مطلع می باشد، و همه این ها را خداوند متعال به آن علیا مخدّره اعطا فرموده است.

مَخزن = محلّ نگهداری اموال و اشیاء.

خازن = حافظ، نگهبان، نگهدارنده، خزانه دار، متصدی خزانه.

جمع خازن می شود خُزّان و خَزَنه.

خزانه = محلّی که در آن محل، اموال و جواهرات را نگهداری می کنند.

قبل از درج حدیث چهارم که در رابطه با مُصحف شریف فاطمه زهرا سلام الله علیها و علم بما کانَ وَ ما یَکُونُ وَ ما هُوَ کائِنُ این مُصحف شریف می باشد، لازم است توضیح مختصری راجع به این مُصحف شریف و چگونگی نزول آن ارائه شود، و سپس در ادامه بحث مربوط به علم فاطمه زهرا سلام الله علیها، حدیث چهارم درج و نقل شود.

۱. معانی الأخبار شیخ صدوق، جلد اوّل، صفحه ۲۵۴، باب ۴۳، حدیث ۱.

تفسیر صافی، جلد پنجم، صفحه ۳۶۴ «ذیل آیه ۷۲ سوره احزاب».

تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۵۱۰، حدیث ۲ «ذیل آیه ۷۲ سوره احزاب».

تفسیر نورالتقلین، جلد ششم، صفحه ۱۷۷، حدیث ۲۵۹ «۹۰۸۶» «ذیل آیه ۷۲ سوره احزاب».

توضیحی پیرامون مُصحف فاطمه زهرا سلام الله علیها:

وجود مقدّس امام صادق علیه السّلام فرمودند:

وجود مبارک فاطمه زهرا سلام الله علیها بعد از رحلت پدر بزرگوارش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم هفتاد و پنج روز در دنیا بود، و طّیّ این مدّت از دوری و فراق پدر بزرگوار خویش به شدّت متأثر و اندوهگین بود، و در این مدّت کوتاه هفتاد و پنج روزه جبرئیل علیه السّلام خدمت فاطمه زهرا سلام الله علیها می آمد و آن حضرت را در مرگ پدر بزرگوارش تسلیت می داد و خوش دل می ساخت،

همچنین از احوالات و مقامات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم به فاطمه زهرا سلام الله علیها خبر می داد،

و از سرگذشت ذرّیه اش و اولادش و آنچه که بر سر ذرّیه اش خواهد آمد «ذرّیه حضرت زهرا سلام الله علیها» گزارش می داد، و وجود مقدّس امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام نیز این مطالب را می نوشت،

و این نوشته ها که دستخط مبارک امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام می باشد مُصحف فاطمه زهرا سلام الله علیها است.

احادیث مربوط به مُصحف فاطمه زهرا سلام الله علیها را رُوات متعدّدی از قبیل ابوبصیر، ابو عبیده، حماد بن عیسی، حسین بن ابی العلاء، سلیمان بن خالد، عبدالملک بن اعین و... از وجود مقدّس امام صادق علیه السّلام نقل نموده اند.^۱ قابل ذکر است که:

جبرئیل علیه السّلام که امین و وحی الهی است طّیّ این مدّت کوتاه هفتاد و پنج روزه «بعد از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم تا زمان شهادت فاطمه زهرا سلام الله علیها» به طور مکرّر به حضور حضرت زهرا سلام الله علیها

۱. اصول کافی، جلد اوّل، صفحه ۳۴۴ تا ۳۵۰، حدیث ۱ تا ۸ «حدیث ۶۲۹ تا ۶۳۶».

اصول کافی، جلد دوّم، صفحه ۳۵۵، حدیث ۱ «حدیث ۱۲۳۶».

می‌رسید و با آن حضرت مراوده داشت، و به امر خداوند متعال مطالبی را به آن حضرت می‌گفت،

و وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام آن مطالب را می‌نوشت،

و این مطالب که وحی خداوند متعال می‌باشد به نام مصحف فاطمه زهرا سلام‌الله علیها نامیده می‌شود که اخبار و وقایع گذشته و آینده از اوّل خلقت تا روز قیامت در این مُصحف فاطمی شریف وجود دارد که انشاءالله تعالی در حدیثی که ذیلاً ملاحظه خواهید فرمود بیان شده است.

حدیث چهارم:

وجود مقدس امام باقر علیه‌السلام درباره مُصحف فاطمه زهرا سلام‌الله علیها فرمودند:

فِيهِ خَيْرٌ مَا كَانَ وَ خَيْرٌ مَا يَكُونُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ،

وَ فِيهِ خَيْرٌ سَمَاءٍ سَمَاءٍ،

وَ عَدَدُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ مِنَ الْمَلَائِكَةِ وَ غَيْرِ ذَلِكَ،

وَ عَدَدُ كُلِّ مَنْ خَلَقَ اللَّهُ مُرْسَلًا وَ غَيْرَ مُرْسَلٍ وَ أَسْمَاؤُهُمْ وَ أَسْمَاءُ مَنْ أُرْسِلَ إِلَيْهِمْ،

وَ أَسْمَاءُ مَنْ كَذَّبَ وَ مَنْ أَجَابَ مِنْهُمْ،

وَ فِيهِ أَسْمَاءُ جَمِيعِ مَنْ خَلَقَ اللَّهُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْكَافِرِينَ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ،

یعنی:

وجود مقدس امام باقر علیه‌السلام درباره مُصحف فاطمه زهرا سلام‌الله علیها

فرمودند:

در مُصحف فاطمه زهرا سلام‌الله علیها است اخبار آنچه که تا به حال بوده،

و اخبار آنچه که تا روز قیامت خواهد بود.

در مصحف فاطمه زهرا سلام‌الله علیها است اخبار آسمان‌ها،

و تعداد ملائکه و موجودات دیگری که در آسمانها هستند.
 در مصحف فاطمه زهرا سلام الله علیها است تعداد همه انبیاء و فرستادگان
 خداوند متعال، اعم از پیامبران مُرسل و غیر مُرسل، و اسامی آنها و اسامی
 اقوامی که این پیامبران به آنها برانگیخته شدند،
 و اسامی کسانی که انبیاء الهی را تکذیب نمودند،
 و اسامی کسانی که به انبیاء الهی گرویدند و به آنها ایمان آوردند.
 در مُصحف فاطمه زهرا سلام الله علیها است اسامی تمام مؤمنین و تمام
 کافرین از آغاز خلقت تا پایان آفرینش.

وجود مقدّس امام باقر علیه السّلام در ادامه فرمایش خویش فرمودند:
 در مُصحف فاطمه زهرا سلام الله علیها است نام شهرها و ویژگی های آنها
 چه در شرق جهان و چه در غرب.
 در مُصحف فاطمه زهرا سلام الله علیها است تعداد مؤمنین هر شهر و تعداد
 کافرین آن، و خصوصیات و ویژگی های کسانی که انبیاء را تکذیب نمودند.
 در مصحف فاطمه زهرا سلام الله علیها است صفات اقوام گذشته و تاریخ
 آنها،

طاغوت هایی که به قدرت رسیده اند و مدّت سلطنت آنها.
 در مُصحف فاطمه زهرا سلام الله علیها است تعداد ائمه معصومین علیهم السّلام
 و مدّت امامت آن ذوات مقدّسه،

و موضوع رجعت ائمه معصومین علیهم السّلام.
 در مُصحف فاطمه زهرا سلام الله علیها است اسامی همه مخلوقات خداوند
 متعال از اوّل خلقت تا پایان آن و مدّت عمر آنها.

در مُصحف فاطمه زهرا سلام الله علیها است اسامی همه اهل بهشت «اسامی
 همه بهشتیان» و اسامی همه اهل جهنّم «اسامی همه جهنّمیان» و خصوصیات

و ویژگی های آن‌ها.

در مُصحف فاطمه زهرا سلام الله علیها است علم قرآن کریم به همان گونه‌ای که نازل شده است،
و علم تورات و انجیل و زبور «یعنی علم همه کتب آسمانی» همان گونه که نازل شده‌اند.

راوی این حدیث شریف که ابوبصیر است می گوید:
به محضر مقدّس امام باقر علیه السّلام عرض کردم:
یابن رسول الله:

پس از فاطمه زهرا سلام الله علیها «پس از شهادت آن حضرت» مُصحف فاطمه زهرا سلام الله علیها به چه کسی رسید؟

وجود مقدّس امام باقر علیه السّلام در پاسخ به سؤال ابوبصیر فرمود:
وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها این مُصحف شریف فاطمی را به وجود مقدّس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام تحویل داد «یعنی فاطمه زهرا سلام الله علیها در پایان عمر مبارک خویش این مُصحف شریف فاطمی را به امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام تحویل داد»،
پس از شهادت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام، مُصحف فاطمه زهرا سلام الله علیها به امام حسن مجتبی علیه السّلام رسید،
و پس از شهادت آن حضرت، این مُصحف شریف فاطمی به امام حسین علیه السّلام رسید،

و پس از شهادت آن حضرت به دیگر ائمه معصومین علیهم السّلام رسید،
تا این که آن ذوات مقدّسه این مُصحف شریف فاطمی را به صاحب این امر «یعنی وجود مقدّس بقیة الله الاعظم حجة بن الحسن القائم المهدي صلوات الله و

سلام علیه» و اگذار نمایند.^۱

ملاحظه فرمودید که:

علم بما كانَ وَ بما هُوَ كائِنٌ «علم به گذشته و آینده» در مُصحف فاطمه زهرا سلام الله علیها می باشد،^۲

و این مُصحف شریف در زمان حیات فاطمه زهرا سلام الله علیها نزد آن حضرت بود،

و پس از شهادت آن حضرت نزد ائمه معصومین علیهم السّلام بوده و می باشد. در صفحات قبل به عرض رسید که:

مُصحف شریف فاطمه زهرا سلام الله علیها وحی از ناحیه خداوند متعال بود و از ناحیه حق تعالی به سینه و قلب مبارک آن علیا مخدّره نازل شده بود و حقیقت این مُصحف شریف در سینه و قلب مبارک آن حضرت بود، و آن حضرت تمام مطالب آن مُصحف شریف را می دانست، گرچه این مُصحف شریف وجود خارجی نیز داشت که وجود مقدّس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام آن را نوشته بود و اکنون نیز نزد وجود مبارک امام زمان علیه السّلام می باشد.

قرآن کریم نیز اینگونه است، یعنی:

ظاهر قرآن کریم همین قرآن شریفی است که در دست مسلمانان است که آن را تلاوت می کنند و به اندازه علم و معرفت خویش از آن بهره می برند، لیکن حقیقت قرآن کریم در سینه و قلب مبارک حضرات معصومین

۱. جُنَّة العاصمه، تألیف آیت الله میرجهانی، فصل هفتم، صفحه ۱۸۹، حدیث اوّل، ذیل عنوان مُصحف فاطمه زهرا سلام الله علیها.

قطره‌ای از دریای فضائل اهل بیت علیهم السّلام، تألیف آیت الله سیّد احمد مستنبط، جلد دوم، بخش سوم، صفحه ۴۱۵ تا ۴۱۸، حدیث ۱۲/۹۰۱.

فاطمه علیها سلام سرور دل پیامبر اکرم، تألیف آیت الله رحمانی همدانی، فصل ۱۵، صفحه ۲۲۶، حدیث ۹.
۲. فاطمه علیها سلام حلقه وصل رسالت و امامت، تألیف آیت الله وحید خراسانی، مجلس بیست و هفتم «فاطمه علیها سلام گوهر مُلک و ملکوت و جامع غیب و شهود» صفحه ۳۹۲.

علیهم السَّلَام جای دارد، و آیه ۴۹ سوره عنکبوت و احادیث ذیل این آیه شریفه به وضوح این مطلب را بیان می فرماید.

خداوند متعال در آیه ۴۹ سوره عنکبوت می فرماید:

بَلْ هُوَ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ فِي صُدُورِ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ، یعنی:

قرآن کریم آیات روشن و آشکاری است در سینه های کسانی که خداوند

متعال به آنها علم اعطا فرموده است.^۱

صُدُور = جمع صَدْر، یعنی سینه ها.

احادیث شریف ذیل صراحتاً به این مطلب اشاره دارند که منظور از أُوتُوا

الْعِلْمُ در این آیه شریفه «آیه ۴۹ سوره عنکبوت» وجود مقدس چهارده معصوم

علیهم السَّلَام هستند که قرآن کریم در سینه و قلب مبارک آن ذوات مقدسه

جای دارد.

جهت رعایت اختصار به چند حدیث نورانی اکتفا می شود.

الف: وجود مقدس امام باقر علیه السَّلَام این آیه شریفه را «بَلْ هُوَ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ

فِي صُدُورِ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ، آیه ۴۹ سوره عنکبوت» تلاوت نموده و سپس به

ابابصیر فرمود:

ای ابابصیر:

به خدا قسم:

خداوند متعال نفرموده که قرآن آیه هایی است میان دو جلد قرآن.

ابابصیر می گوید:

خدمت امام باقر علیه السَّلَام عرض کردم:

یا بن رسول الله:

پس، قرآن کریم و آیات شریفه آن کجا واقع شده اند؟

۱. مجمع البیان، جلد نوزدهم، صفحه ۷۳ و ۷۴ «ذیل آیه ۴۹ سوره عنکبوت».

المیزان، جلد سی و یکم، صفحه ۲۲۳ و ۲۲۴ «ذیل آیه ۴۹ سوره عنکبوت».

وجود مقدّس امام باقر عليه السّلام به ابابصير فرمود:
در سینه چه کسانی غیر از ما می‌تواند باشد «توقع می‌رود که جز ما چه
کسانی باشند»^۱.

توضیح:

ملاحظه فرمودید که:

وجود مقدّس امام باقر عليه السّلام سوگند یاد کرده و به ابابصير فرمودند:
ای ابابصير:

خداوند متعال نفرموده که قرآن کریم آیات بینات و آیه‌های روشنی است که
میان دو جلد قرآن قرار گرفته، یعنی:

مقصود حقیقی و واقعی از قرآن کریم این قرآن نیست که الآن به صورت
یک کتاب تنظیم شده و از سوره مبارکه حمد تا سوره ناس در یک مجلد
گردآوری شده است،

چرا که در این صورت ممکن است عده‌ای از مسلمانان همین قرآن یک
جلدی و صحافی شده را به عنوان حجّت خداوند متعال به خودشان بدانند،
و خودشان را بی‌نیاز بدانند از مراجعه به امام معصوم و منصوب از ناحیه
خداوند متعال که مفسّر و مبین واقعی قرآن کریم است و تأویل آیات شریفه
آن را می‌داند.

متأسفانه این قضیه در صدر اسلام روی داد، یعنی:
عده‌ای ملحد مسلمان نما در جنگ صفین قرآن‌ها را بر سر نیزه‌ها نمودند
تا بدینوسیله به اهداف پلید خویش نائل شوند،

۱. اصول کافی، جلد اول، صفحه ۳۱۰، حدیث ۳ «حدیث ۵۵۴».

تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۲۱۶، حدیث ۳ «ذیل آیه ۴۹ سوره عنکبوت».

تفسیر نورالثقلین، جلد پنجم، صفحه ۷۰۵، حدیث ۷۲ «حدیث ۸۵۴۲» «ذیل آیه ۴۹ سوره عنکبوت».

تفسیر نورالثقلین، جلد پنجم، صفحه ۷۰۷، حدیث ۷۷ «حدیث ۸۵۴۷» «ذیل آیه ۴۹ سوره عنکبوت».

در صورتی که در همان حال وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب
علیه السلام ندا می فرمود که:

فرب این مُلحدین مسلمان نما را نخورید، زیرا:

أَنَا كَلَامُ اللَّهِ النَّاطِقُ، یعنی:

من قرآن ناطق هستم.^۱

و چیزی که شما روی نیزه های دشمن می بینید نوشته هایی است بر روی
پوست و یا کاغذ.

در جنگ نهروان نیز عدّه ای مُلحد مسلمان نما با سردادن شعار حُسْبُنَا كِتَابُ
الله با قرآن ناطق یعنی وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام
جنگیدند،

بنابراین:

این قرآن کریم که در ۳۰ جزء و ۱۱۴ سوره و در یک مجلد جمع آوری شده
قرآن کریم است و کلام الهی می باشد، و هرکس به اندازه درک و فهم و علم و
ایمان و معرفت خویش از آن بهره می برد،

لیکن جایگاه اصلی و واقعی قرآن کریم سینه و قلب مبارک کسانی است
که خداوند متعال به آن ها علم اعطا فرموده است، یعنی وجود مقدس چهارده
معصوم علیهم السلام،

بنابراین:

حقیقت قرآن کریم و آیات شریفه آن در سینه و قلب مبارک وجود مقدس
فاطمه زهرا سلام الله علیها و پدر بزرگوارش و شوهر گرانقدرش و یازده امام
معصوم از نسل و ذریّه اش می باشد،

همان ذوات مقدسه ای که طبق آیه هفتم سوره آل عمران «وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ

۱. فاطمه علیها سلام حلقه وصل رسالت و امامت، تألیف آیت الله وحید خراسانی، مجلس بیست و سوم، صفحه ۳۳۶.

إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ» و احادیث ذیل این آیه شریفه، و طبق آیه ۴۳ سوره رعد «قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَ بَيْنَكُمْ وَ مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ» و احادیث ذیل این آیه شریفه، هم تأویل آیات شریفه قرآن کریم را می دانند، و هم این که علم کتاب «قرآن کریم» به طور تمام و کمال نزد آن ها می باشد، و به همین جهت علم بما كَانَ وَ مَا يَكُونُ وَ مَا هُوَ كَائِنٌ نزد آن ذوات مقدسه است، لذا:

از اخبار و وقایع عالم از اول خلقت تا روز قیامت مطلع می باشند و از آن آگاهی کامل دارند.

ب: وجود مقدس امام باقر علیه السلام این آیه شریفه را «بَلْ هُوَ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ فِي صُدُورِ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ - آیه ۴۹ سوره عنكبوت» تلاوت نموده و سپس با دست مبارک خویش به سینه خودشان اشاره فرمودند «یعنی قرآن کریم در سینه ما چهارده معصوم علیهم السلام است،

و ما هستیم آن کسانی که خداوند متعال به آن ها علم اعطا فرموده است». این حدیث شریف را نیز ابوبصیر از وجود مقدس امام صادق علیه السلام نقل نموده است.^۱

ج: وجود مقدس امام صادق علیه السلام در رابطه با این آیه شریفه «بَلْ هُوَ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ فِي صُدُورِ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ - آیه ۴۹ سوره عنكبوت» فرمودند: آنها ائمه معصومین علیهم السلام هستند «مقصود از کسانی که قرآن کریم در سینه آن ها است ائمه معصومین علیهم السلام می باشند».

این حدیث شریف را عبدالعزیز عبدی از وجود مقدس امام صادق علیه السلام

۱. اصول کافی، جلد اول، صفحه ۳۱۰، حدیث ۱ «حدیث ۵۵۲».

تفسیر صافی، جلد پنجم، صفحه ۲۱۷ «ذیل آیه ۴۹ سوره عنكبوت».

تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۲۱۶، حدیث ۱ «ذیل آیه ۴۹ سوره عنكبوت».

تفسیر نورالثقلین، جلد پنجم، صفحه ۷۰۵، حدیث ۷۰ «حدیث ۸۵۴۰» «ذیل آیه ۴۹ سوره عنكبوت».

نقل نموده است.^۱

د: وجود مقدّس امام صادق علیه السّلام در رابطه با این آیه شریفه «بَلْ هُوَ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ فِي صُدُورِ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ - آیه ۴۹ سوره عنکبوت» فرمودند:
هُمُ الْاَيِّمَةُ خَاصَّةً، یعنی:

آنها فقط ائمه معصومین علیهم السّلام می باشند «کسانی که خداوند متعال به آنها علم اعطا فرموده «الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ» فقط و فقط ائمه معصومین علیهم السّلام و به عبارت دیگر وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام می باشند، و قرآن کریم فقط و فقط در سینه و قلب مبارک این ذوات مقدّسه می باشد».

این حدیث شریف را هارون بن حمزه از وجود مقدّس امام صادق علیه السّلام نقل نموده است.^۲

عین این حدیث شریف را محمّد بن فضیل نیز از وجود مقدّس امام صادق علیه السّلام نقل نموده است.^۳

ه: ابوبصیر می گوید:

خدمت امام باقر علیه السّلام عرض کردم:

یابن رسول الله:

آیا منظور این آیه شریفه «بَلْ هُوَ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ فِي صُدُورِ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ - آیه

۱. اصول کافی، جلد اول، صفحه ۳۱۰، حدیث ۲ «حدیث ۵۵۳».

تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۲۱۶، حدیث ۲ «ذیل آیه ۴۹ سوره عنکبوت».

تفسیر نورالتقلین، جلد پنجم، صفحه ۷۰۵، حدیث ۷۱ «حدیث ۸۵۴۱» «ذیل آیه ۴۹ سوره عنکبوت».

المیزان، جلد سی و یکم، صفحه ۲۲۹ «بحث روایتی ذیل آیه ۴۹ سوره عنکبوت».

۲. اصول کافی، جلد اول، صفحه ۳۱۱، حدیث ۴ «حدیث ۵۵۵».

تفسیر صافی، جلد پنجم، صفحه ۲۱۷ «ذیل آیه ۴۹ سوره عنکبوت».

تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۲۱۶، حدیث ۴ «ذیل آیه ۴۹ سوره عنکبوت».

تفسیر نورالتقلین، جلد پنجم، صفحه ۷۰۵، حدیث ۷۳ «حدیث ۸۵۴۳» «ذیل آیه ۴۹ سوره عنکبوت».

۳. اصول کافی، جلد اول، صفحه ۳۱۱، حدیث ۵ «حدیث ۵۵۶».

تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۲۱۷، حدیث ۵ «ذیل آیه ۴۹ سوره عنکبوت».

تفسیر نورالتقلین، جلد پنجم، صفحه ۷۰۵، حدیث ۷۴ «حدیث ۸۵۴۴» «ذیل آیه ۴۹ سوره عنکبوت».

۴۹ سوره عنكبوت» شما هستید؟

وجود مقدّس امام صادق علیه السلام در پاسخ به سؤال ابوبصیر فرمودند:
در حالی که ما الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ هستیم،
منظور این آیه شریفه «آیه ۴۹ سوره عنكبوت» جز ما چه کسانی می توانند
باشند، یعنی:

رَاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ فقط ما هستیم،
و مصداق آیه ۴۹ سوره عنكبوت نیز فقط ما می باشیم.^۱

توضیح:

الف: احادیث ذیل آیه ۴۹ سوره عنكبوت بیشتر از این است که ملاحظه
فرمودید، فقط به عنوان نمونه به پنج حدیث شریف اشاره شد.

ب: خداوند متعال در آیه هفتم سوره آل عمران می فرماید:
هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخْرُ مُتَشَابِهَاتٌ،
فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ،
وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ، یعنی:
خداوند متعال به پیامبر اکرم می فرماید:

ای پیامبر:

او «اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ» کسی است که این قرآن کریم را بر تو نازل فرمود،
که بخشی از آیات قرآن کریم از آیات محکم است «از محکمات آیات
است» که اساس و شالوده قرآن کریم است،

و بخشی از آیات قرآن کریم از متشابهاست «از آیات متشابه است»،
کسانی که در قلوبشان انحراف است به دنبال متشابهاست می روند «به دنبال

۱. تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۲۱۹، حدیث ۱۵ «ذیل آیه ۴۹ سوره عنكبوت».

آیات متشابه می‌روند» تا فتنه‌انگیزی کنند و مردم را گمراه سازند،
و تفسیر نادرستی برای آن می‌طلبند «آیات شریفه قرآن کریم را از پیش
خودشان تأویل می‌کنند»، در حالی که:

تأویل آیات شریفه قرآن کریم را جز خداوند متعال و جز راسخون در علم
أحدی نمی‌داند.

در کتاب شریف اصول کافی و تفاسیر شریف صافی، برهان و نورالتقلین
احادیثی از وجود مقدّس ائمه معصومین علیهم السّلام نقل شده که مقصود
از راسخون در علم وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم و
اهل بیت گرانقدر آن بزرگوار می‌باشند، «یعنی وجود مقدّس چهارده معصوم
علیهم السّلام»،

و غیر از این ذوات مقدّسه أحدی از مردم از تأویل آیات شریفه قرآن کریم
اطلاعی ندارد.

اوائل این بحث در این رابطه توضیحاتی ارائه شده است.

ملاحظه فرمودید که:

قرآن کریم که تَبَيَّنَا لِكُلِّ شَيْءٍ می‌باشد و بیان کننده همه چیزها است «آیه ۸۹

سوره نحل»،

و مُصْحَفِ فَاطِمَةَ زَهْرَةَ سَلَامِ اللَّهِ عَلَيْهَا که علم بما كانَ وَ مَا يَكُونُ وَ مَا هُوَ كَائِنٌ
در آن ثبت و ضبط است در سینه و قلب مبارک و وجود مقدّس چهارده معصوم
علیهم السّلام جای دارد،

و به همین جهت وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها عیناً مانند پدر
بزرگوارش و شوهر گرانقدرش و یازده امام معصوم از نسل و ذریّه‌اش از همه
چیز باخبر است و تمام اخبار و وقایع جهان خلقت از اوّل خلقت تا روز قیامت
را می‌داند و می‌بیند همچنان که کف دست مبارک خویش را می‌بیند.

حدیث پنجم:

در زیارت نورانی و شریف جامعه کبیره که از ناحیه وجود مقدس امام هادی علیه السلام صادر شده و یک دوره کامل و جامع امام شناسی است و در واقع منشور امام شناسی می باشد هنگام زیارت حضرات معصومین علیهم السلام به آن ذوات مقدسه عرض می کنیم:

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ النَّبُوَّةِ، یعنی:

سلام بر شما ای اهل بیت نبوت، یعنی:

سلام بر شما ای اهل بیت گرانقدر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، که: خُزَانَ الْعِلْمِ، یعنی:

سلام بر شما اهل بیت گرانقدر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم که خزانة داران علم خداوند متعال هستید،^۱ وَ عَيْبَةِ عِلْمِهِ، یعنی:

سلام بر شما اهل بیت گرانقدر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم که مخزن علم خداوند متعال و موضع اسرار علوم حق تعالی می باشید،^۲ وَ ارْتِضَاكُمْ لِعَيْبِهِ، یعنی:

سلام بر شما اهل بیت گرانقدر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم که خداوند متعال شما را برای آگاهی از غیث و آگاهی از اسرار عالم برگزید و پسندید،^۳

وَ خَزَنَةَ لِعِلْمِهِ، یعنی:

سلام بر شما اهل بیت گرانقدر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم که خازنین و خزانة داران علم خداوند متعال هستید.

۱. شرح زیارت جامعه کبیره، تألیف آیت الله سید محمد تقی نقوی، صفحه ۳۵ و ۶۴.

۲. شرح زیارت جامعه کبیره، تألیف آیت الله سید محمد تقی نقوی، صفحه ۲۲۲ و ۲۲۴.

۳. شرح زیارت جامعه کبیره، تألیف آیت الله سید محمد تقی نقوی، صفحه ۲۴۲.

در شرح زیارت جامعه کبیره تألیف آیت الله سیّد محمّد تقی نقوی ذیل این قسمت از فرمایش امام هادی علیه السّلام آمده که:
نظیر این کلمات نورانی در قسمت های دیگر زیارت شریف جامعه کبیره نیز آمده، لذا:
تکرار این کلمات نورانی برای تأکید مطلب است تا اهمیّت موضوع را بیان بفرماید،

لیکن مطلب مهم تر این است که:
این کلمات شریف با لام تخصیص آمده اند،
و لام تخصیص، مفید اختصاص است، یعنی:
حفظ سرّ خداوند متعال مخصوص شما است،
محلّ نگهداری کردن حکمت خداوند متعال مخصوص شما است،
خزانه دار بودن علم خداوند متعال مخصوص شما است، یعنی:
در این اوصاف کسی به پایه شما نمی رسد،
و به عبارت دیگر:
اگر سایر انبیاء و اوصیاء آنها متّصف به این صفات هستند در حدّ خودشان
است نه در حدّ شما.^۱

توضیح:

اگر در زیارت نورانی و شریف جامعه کبیره از حضرات معصومین علیهم السّلام به عنوان:

خُزَانَ الْعِلْمِ «خزانه داران علم خداوند متعال»،
عَبِيَّةِ عِلْمِهِ «مخزن علم خداوند متعال و موضع سرّ حق تعالی»،

۱. شرح زیارت جامعه کبیره، تألیف آیت الله سیّد محمّد تقی نقوی، صفحه ۲۶۴ و ۲۶۵ «ذیل عنوان: وَ حَفَظَةً لِسِرِّهِ وَ خَزَنَةً لِعِلْمِهِ».

خَزَنَةٌ لِعِلْمِهِ «خازنین و خزانه داران علم خداوند متعال» یاد می کنیم قطعاً و یقیناً این صفات و این فضائل شامل حال وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها نیز می شود،

و آن علیا مخدّره به طریق اولی مشمول مفاهیم نورانی زیارت شریف جامعه کبیره می شود، زیرا:

زیارت نورانی و شریف جامعه کبیره با سلام دادن به اهل بیت گرانقدر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم شروع می شود و مخاطب کلمات و جملات نورانی جامعه کبیره، اهل بیت گرانقدر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم می باشند که ما به عنوان زائرین آن ذوات مقدّسه در ابتدای این زیارت شریف به آن بزرگواران عرض می کنیم:

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ النَّبُوَّةِ، یعنی:

سلام بر شما ای اهل بیت نبوت، یعنی:

سلام بر شما ای اهل بیت گرانقدر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم. هر فضیلتی که در زیارت نورانی و شریف جامعه کبیره و سایر ادعیه و زیارات برای اهل بیت گرانقدر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم نقل شده وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها در اعلی درجه واجد آن صفات و آن فضائل می باشد، زیرا:

الف: وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها به طور قطع و یقین از اهل بیت گرانقدر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم است، و بلکه آن علیا مخدّره محور اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم می باشد که انشاء الله تعالی در ادامه بحث به آن اشاره خواهد شد.

ب: طبق فرمایش امام هادی علیه السلام در زیارت نورانی و شریف جامعه کبیره، وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السلام نور واحد می باشند، و ما

هنگام زیارت آن بزرگواران و هنگام خواندن زیارت نورانی و شریف جامعه کبیره به آن ذوات مقدّسه عرض می‌کنیم:

أَنَّ أَرْوَاحَكُمْ وَ نُورَكُمْ وَ طَيِّبَتَكُمْ وَاحِدَةٌ طَابَتْ وَ طَهَّرَتْ بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ، یعنی:

به درستی که ارواح شما و نور شما و طینت شما و طهرت شما «سرشت شما» یکی است و نیکو و پاکیزه است،

و فرقی میان شما نیست.^۱

انشاءالله تعالی در ادامه بحث توضیحات بیشتری ارائه خواهد شد.

ابتدا می‌پردازیم به بخش الف، یعنی:

الف: وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها به طور قطع و یقین از اهل بیت گرانقدر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم می‌باشد،

و بلکه آن بزرگوار محور اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم

است، لذا:

هر فضیلتی که در احادیث و روایات برای اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم نقل شده، وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها در اعلی درجه واجد آن صفات و فضائل می‌باشد،

همچنین در زیارت نورانی و شریف جامعه کبیره نیز هر فضیلتی که برای حضرات معصومین علیهم السّلام ذکر شده وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها واجد آن صفات و فضائل می‌باشد، زیرا:

زیارت نورانی و شریف جامعه کبیره نیز زیارت اهل بیت گرانقدر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم می‌باشد،

و شروع این زیارت نورانی و شریف و اولین جمله نورانی این زیارت شریف با عرض سلام و ادب به ساحت مقدّس اهل بیت گرانقدر پیامبر اکرم

۱. شرح زیارت جامعه کبیره، تألیف آیت الله سیّد محمدتقی نقوی، صفحه ۴۰۹ «ذیل عنوان: أَنَّ أَرْوَاحَكُمْ وَ نُورَكُمْ وَ طَيِّبَتَكُمْ وَاحِدَةٌ».

صلی الله علیه و آله و سلم شروع می شود،
 و ما به آن ذوات مقدّسه عرض می کنیم:
 السَّلَامُ عَلَیْكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ النَّبُوَّةِ وَ مَوْضِعِ الرَّسَالَةِ، یعنی:
 سلام بر شما اهل بیت نبوت و اهل بیت رسالت.^۱
 عرض شد که وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها از اهل بیت گرانقدر
 پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم است،
 و بلکه آن علیا مخدّره محور اهل بیت گرانقدر پیامبر اکرم صلی الله علیه و
 آله و سلم می باشد.

در شرح زیارت جامعه کبیره تألیف آیت الله سیّد محمّد تقی نقوی و شرح
 زیارت جامعه کبیره تألیف آیت الله جوادی آملی ذیل السَّلَامُ عَلَیْكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ
 النَّبُوَّةِ توضیحاتی ارائه شده که خلاصه ای از آن را ملاحظه می فرمائید.
 در شرح زیارت جامعه کبیره تألیف آیت الله سیّد محمّد تقی نقوی آمده که
 کلمه نبوت به اهل بیت اضافه شده و عنوان شده که:

السَّلَامُ عَلَیْكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ النَّبُوَّةِ،

تا معلوم گردد که ما اهل بیت نبوت را زیارت می کنیم، نه هر اهل بیتهای را،
 و مراد از اهل بیت نبوت، ائمه معصومین علیهم السلام می باشند و لاغیر،
 و وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها جزء آنها و بلکه اصل آنها
 می باشد.^۲

در شرح زیارت جامعه کبیره «ادب فنای مقربان» تألیف آیت الله جوادی آملی
 آمده که:

قرار گرفتن ترکیب أَهْلَ بَيْتِ النَّبُوَّةِ در ابتدای زیارت شریف جامعه کبیره،

۱. شرح زیارت جامعه کبیره، تألیف آیت الله سیّد محمّد تقی نقوی، صفحه ۴۵ «ذیل عنوان: وَ مَوْضِعِ الرَّسَالَةِ».

۲. شرح زیارت جامعه کبیره، تألیف آیت الله سیّد محمّد تقی نقوی، صفحه ۴۰ و ۴۱ «ذیل عنوان: السَّلَامُ عَلَیْكُمْ
 يَا أَهْلَ بَيْتِ النَّبُوَّةِ».

زمینه‌ساز مراحل بعدی و مقدمه برای شمارش کمالات دیگر اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می‌باشد، زیرا:

زائر در ابتدای زیارت شریف جامعه کبیره به اهل بیت گرانقدر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم عرض می‌کند:

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ النَّبُوَّةِ وَ مَوْضِعِ الرَّسَالَةِ، یعنی:

زائر اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به آن ذوات مقدسه عرض می‌کند که:

شما از خاندان رفیع و بلندمرتبه‌ای هستید که با دیگران تفاوت دارید، و خداوند متعال شما را بر دیگران برتری داده است، و شما اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم واجد همه کمالاتی هستید که در این زیارت نورانی و شریف آمده است. مراد از بیت نبوت و رسالت خانه‌ای است که رابط بین زمین و آسمان است، این خانه، خانه نبوت و ولایت است، و مصالح این خانه، فضائل و کمالات معنوی است که با ولایت تناسب دارد، بنابراین: اهل این خانه کسانی هستند که با این فضائل و کمالات ارتباط تام و کامل دارند.

وقتی که زائر به اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم عرض سلام می‌کند و می‌گوید:

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ النَّبُوَّةِ وَ مَوْضِعِ الرَّسَالَةِ، یعنی:

زائر به آن ذوات مقدسه عرض می‌کند که:

سلام بر شما باد، زیرا اهل بیت نبوت هستید،

سلام بر شما باد، زیرا موضع رسالت هستید،

سلام بر شما باد که مظهر خداوندی هستید که خود سلام است،
و آغاز و انجام سلام نیز همان ذات اقدس او خواهد بود.
شیعه و سنی اتفاق نظر دارد،

و نزد شیعه و سنی مسلم است که اصحاب کسا، یعنی وجود مقدس پیامبر
اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام و
فاطمه زهرا سلام الله علیها و امام حسن و امام حسین علیهما السلام که به خمسه
طیبه نیز مشهور هستند مشمول عنوان **أَهْلَ بَيْتِ النَّبُوَّةِ** می باشند که معمولاً برای
اختصار اهل البيت یا اهل بیت گفته می شود.

علاوه بر وجود مقدس خمسه طیبه «حضرت محمد، علی، فاطمه، حسن و
حسین علیهم السلام» بقیه ائمه معصومین علیهم السلام نیز داخل در این عنوان
«عنوان اهل بیت نبوت و رسالت» هستند هرچند دوران و زمان وجود مقدس
پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را درک نکرده بودند.^۱
موضع رسالت = جایگاه رسالت.

موضع، اسم مکان است به معنای قرار دادن چیزی در محلی خاص،
بنابراین:

موضع، یعنی محلّ قرار دادن.^۲

از نظر ادبی، این جمله «**مَوْضِعَ الرِّسَالَةِ**» و جملات بعدی زیارت نورانی و
شریف جامعه کبیره عطف بر **أَهْلَ بَيْتِ النَّبُوَّةِ** می باشند، یعنی:
جمله **السَّلَامُ عَلَیْكُمْ** که ابتدای زیارت شریف جامعه کبیره آمده، بر سر
تک تک جملات بعدی این زیارت شریف نیز می آید، لذا:

۱. شرح زیارت جامعه کبیره «ادب فنای مقربان»، تألیف آیت الله جوادی آملی، جلد اول، صفحه ۱۰۷ تا ۱۱۳
«ذیل عنوان: یا **أَهْلَ بَيْتِ النَّبُوَّةِ**».

۲. شرح زیارت جامعه کبیره «ادب فنای مقربان»، تألیف آیت الله جوادی آملی، جلد اول، صفحه ۱۱۴ «ذیل عنوان
و مَوْضِعَ الرِّسَالَةِ».

با ادای هر یک از فرازهای زیارت شریف جامعه کبیره، سلام و درود مجدد به محضر مقدّس اهل بیت نبوّت و رسالت «یعنی وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام» می فرستیم.^۱

ذیل اولین فضیلت از فضائل بی شمار فاطمه زهرا سلام الله علیها در این کتاب شریف فاطمی که در رابطه با عصمت آن علیا مخدّره می باشد توضیحات کامل و جامعی به عرض رسیده مبنی بر این که وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها از اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم می باشد، و خداوند متعال به آن علیا مخدّره و پدر بزرگوارش و شوهر گرانقدرش و یازده امام معصوم از نسل ذرّیه اش مقام عصمت اعطا فرموده و هرگونه رجس و پلیدی و گناه را از آن ذوات مقدّسه دور نموده است.

ذیل اولین فضیلت از فضائل بی شمار فاطمه زهرا سلام الله علیها در این کتاب شریف فاطمی ده حدیث شریف از طریق شیعه و نه حدیث نیز از طریق اهل سنّت نقل شده که فاطمه زهرا سلام الله علیها از اهل بیت پیامبر اکرم می باشد، و خداوند متعال به آن علیا مخدّره و پدر بزرگوارش و شوهر گرانقدرش و یازده امام معصوم از نسل و ذرّیه اش مقام عصمت اعطا فرموده و هرگونه رجس و پلیدی و زشتی و عیب و گناه را از آن ذوات مقدّسه دور نموده است. مفاد و مضمون این نوزده حدیث شریف که از بین صدها حدیث شریف انتخاب شد این است که:

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم، امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام و فاطمه زهرا سلام الله علیها و امام حسن و امام حسین علیهما السّلام را زیر کسا و عبای خویش جمع نمود به خداوند متعال عرض کرد:

اللّهُمَّ هُوَلاءِ أَهْلِ بَيْتِي وَ عِزَّتِي، فَادْهَبْ عَنْهُمْ الرِّجْسَ وَ طَهِّرْهُمْ تَطْهِيراً، یعنی:

۱. شرح زیارت جامعه کبیره «ادب فنای مقرّبان» تألیف آیت الله جوادی آملی، جلد اوّل، صفحه ۱۱۶ «ذیل عنوان: وَ مَوْضِعَ الرِّسَالَةِ».

خداوندا:

این‌ها «حضرت علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السَّلام» اهل بیت من و عترت و خاندان من هستند،

پس هرگونه رجس و پلیدی و ناپاکی و گناه را از آن‌ها دور کن، و آن‌ها را پاک و مطَّهَّر قرار بده، پاکِ کامل،

و پس از این دعای پیامبر اکرم بود که خداوند متعال این آیه شریفه را «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً» - آیه ۳۳ سوره احزاب، معروف به آیه تطهیر» نازل فرمود.

صدها روایت و حدیث از منابع شیعه و سنّی نقل شده که وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم، امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السَّلام و فاطمه زهرا سلام الله علیها و حسن و حسین علیهما السَّلام را زیر کسا و عبای خویش قرار داد و سپس دست به دعا برداشته و به خداوند متعال عرض کرد:

اللَّهُمَّ هُوَلاءِ أَهْلِ بَيْتِي وَ عِترَتِي، فَادْهِبْ عَنْهُمْ الرِّجْسَ وَ طَهِّرْهُمْ تَطْهِيراً،

و پس از این دعای پیامبر اکرم بود که خداوند متعال آیه ۳۳ سوره احزاب را که به آیه تطهیر معروف می‌باشد در شأن این پنج وجود مقدّس که به خمسه طیّبه نیز مشهور می‌باشند نازل فرمود.

قابل ذکر است که:

یکی از علمای معروف اهل سنّت به نام حاکم حسکانی در کتاب خویش به نام شواهد التّنزیل این قضیّه را نقل نموده و بیش از یکصد و سی حدیث با سندهای مختلف نقل نموده که آیه تطهیر «آیه ۳۳ سوره احزاب» در شأن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم و اهل بیت آن حضرت یعنی حضرت امیر، حضرت زهرا، امام حسن و امام حسین علیهم السَّلام نازل شده است.^۱

۱. مجمع البیان، جلد بیستم، صفحه ۱۱۰ و ۱۱۱ «ذیل آیه ۳۳ سوره احزاب».
تفسیر نمونه، جلد هفدهم، صفحه ۳۲۲ تا ۳۲۵ «ذیل آیه ۳۳ سوره احزاب».

به عنوان تیمن و تبرک به یک حدیث شریف اشاره می شود که اسامی مبارک اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم ذکر شده، ضمن این که در این حدیث شریف، وجود مقدس فاطمه زهرا سلام الله علیها به عنوان محور اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم قلمداد شده است.

حدیث شریف این است که:

وجود مقدس فاطمه زهرا سلام الله علیها فرمودند:

وقتی که پدرم حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم و شوهرم علی بن ابیطالب و دو فرزندم حسن و حسین و خودم زیر عبا قرار گرفتیم، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم طرفین عبا را گرفته و دست راست خویش را به طرف آسمان بلند نمود و به خداوند متعال عرض کرد:

اللَّهُمَّ إِنَّ هَؤُلَاءِ أَهْلُ بَيْتِي وَ خَاصَّتِي وَ حَامَّتِي،

لِحُمُّهُمْ لَحْمِي وَ دَمُهُمْ دَمِي،

يُؤَلِّمُنِي مَا يُؤَلِّمُهُمْ وَ يَحْزُنُنِي مَا يَحْزُنُهُمْ،

أَنَا حَرْبٌ لِمَنْ حَارَبَهُمْ وَ سَلَمٌ لِمَنْ سَأَلَهُمْ،

وَ عَدُوٌّ لِمَنْ عَادَاهُمْ وَ مُجِبٌّ لِمَنْ أَحَبَّهُمْ،

أَنْتَهُمْ مِنِّي وَ أَنَا مِنْهُمْ،

فَأَجْعَلْ صَلَوَاتِكَ وَ بَرَكَاتِكَ وَ رَحْمَتَكَ وَ غُفْرَانِكَ وَ رِضْوَانِكَ عَلَيَّ وَ عَلَيْهِمْ،

وَ أَذْهِبْ عَنْهُمْ الرِّجْسَ وَ طَهِّرْهُمْ تَطْهِيراً، یعنی:

پیامبر اکرم به خداوند متعال عرض کرد:

خداوندا:

اینها «علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام» اهل بیت من و خاصان

من و یاوران من هستند،

گوشت این‌ها گوشت من و خون این‌ها خون من است،

هرچه این‌ها را بیازارد مرا آزرده است،

و هر چه موجب رنجش این‌ها شود موجب رنجش من خواهد بود «هرچه

این‌ها را محزون و غمناک کند مرا هم محزون و غمناک می‌کند»،

هرکس با این‌ها بجنگد با من جنگیده است،

و هرکس با این‌ها در صلح و صفا باشد با من در صلح و صفا است،

هرکس با این‌ها دشمنی نماید با من دشمنی نموده،

و هرکس این‌ها را دوست بدارد مرا دوست داشته است،

من از این‌ها هستم و این‌ها از من هستند،

خداوندا:

سلام و درود و برکات و رحمت و آمرزش خود را بر من و بر این‌ها قرار

بده،

و هرگونه رجس و پلیدی و گناه را از این‌ها دور کن،

و این‌ها را پاک و مطهر گردان، پاکِ کامل،

پس از این دعای پیامبر اکرم، خداوند متعال، ملائکه و اهل آسمان‌ها را مورد

خطاب قرار داده و فرمود:

يَا مَلَائِكَتِي وَ يَا سُكَّانَ سَمَاوَاتِي:

أَنِّي مَاخَلَقْتُ سَمَاءَ مَبْنِيَّةً،

وَ لَا أَرْضاً مَدْحِيَّةً،

وَ لَا قَمَراً مُنِيرًا،

وَ لَا شَمْساً مُضِيَّةً، و..

إِلَّا فِي مَحَبَّةِ هَؤُلَاءِ الْخَمْسَةِ الَّذِينَ هُمْ تَحْتَ الْكِسَاءِ، یعنی:

خداوند متعال، ملائکه و اهل آسمانها را مورد خطاب قرار داده و فرمود:

ای ملائکه من و ای اهل آسمانهای من:

من آسمان را بر نیفراشتم،

و زمین را نگسترانیدم،

و ماه را روشن قرار ندادم،

و خورشید را درخشان نکردم، و...

مگر به خاطر دوستی و محبت این پنج نفر که در زیر این کسا و عبا هستند.

جبرئیل به خداوند متعال عرض کرد:

ای پروردگار من:

چه کسانی زیر عبا هستند؟

خداوند عزّ و جلّ فرمود:

هُمُ أَهْلُ بَيْتِ النَّبِيِّ وَ مَعْدِنُ الرَّسَالَةِ،

هُمُ فَاطِمَةُ وَ أَبُوهَا وَ بَعْلُهَا وَ بَنُوهَا، یعنی:

خداوند عزّ و جلّ در پاسخ به سؤال جبرئیل فرمود:

آن‌ها اهل بیت نبوت و معدن رسالت هستند،

آن‌ها:

فاطمه است و پدر فاطمه،

فاطمه است و شوهر فاطمه،

فاطمه است و دو فرزند فاطمه.

جبرئیل به خداوند متعال عرض کرد:

ای پروردگار من:

آیا به من اجازه می‌فرمایی که به زمین بروم و نفر ششم این پنج نفر باشم؟

خداوند متعال به جبرئیل فرمود:

به تو اجازه دادم.

جبرئیل پس از کسب اجازه از خداوند متعال به زمین فرود آمد و به محضر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم عرض کرد:

السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ،

جبرئیل پس از سلام دادن به پیامبر اکرم به آن حضرت عرض کرد: خداوند عَلِیِّ اَعْلٰی به تو سلام می‌رساند و می‌فرماید:

من آسمان را برنیفراشتم،

و زمین را نگسترانیدم،

و ماه را نور افشان قرار ندادم،

و خورشید را درخشان نکردم مگر به خاطر شما پنج نفر،

و خداوند متعال به من نیز اجازه فرمود که زیر عبا بیایم و یکی از شما باشم، و سپس جبرئیل به پیامبر اکرم عرض کرد:

فَهَلْ تَأْذَنُ لِي يَا رَسُولَ اللَّهِ، یعنی:

آیا به من اجازه می‌فرمایید که داخل شوم؟

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم جواب سلام جبرئیل را داده و به او فرمود:

ای امین وحی خدا:

به تو اجازه دادم.

جبرئیل پس از کسب اجازه از پیامبر اکرم داخل شد و زیر عبا قرار گرفت و به پیامبر اکرم عرض کرد:

خداوند متعال به شما وحی فرستاده و می‌فرماید:

اِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ اَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَ كُمْ تَطْهِيراً «آیه ۳۳ سوره

احزاب معروف به آیه تطهیر».

این حدیث شریف را جابر بن عبدالله انصاری از وجود مقدس فاطمه زهرا سلام الله علیها نقل نموده است.^۱

ملاحظه فرمودید که:

وجود مقدس فاطمه زهرا سلام الله علیها به طور قطع و یقین از اهل بیت گرانقدر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می باشد، و طبق این حدیث شریف که از وجود مقدس فاطمه زهرا سلام الله علیها نقل شد، آن علیا مخدّره محور اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می باشد،

و خداوند متعال در معرفتی اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم وجود مقدس فاطمه زهرا سلام الله علیها را محور قرار داده و در معرفتی اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرموده:

این پنج نفر که علّت غایی خلقت هستند و اگر به خاطر اینها نبود عالم را خلق نمی کردم عبارتند از:

هُمُ فَاطِمَةٌ وَأَبُوهَا وَبَعْطُلُهَا وَبَنُوهَا،

و این یعنی عظمت و وجود مقدس فاطمه زهرا سلام الله علیها، و قدر و منزلت آن علیا مخدّره در پیشگاه خداوند متعال،

۱. فاطمه علیها سلام حلقه وصل رسالت و امامت، تألیف آیت الله وحید خراسانی، صفحه ۱۵۴ «مجلس هشتم». شرح زیارت جامعه کبیره «ادب فنای مَقْرَبان»، تألیف آیت الله جوادی آملی، جلد هشتم، صفحه ۲۳۴ «ذیل عنوان: سَعَدَ مَنْ وَالَاكُمْ».

حدیث لَوْلَا فَاطِمَةُ، تألیف آیت الله محمدعلی گرامی، صفحه ۹۶ و ۹۷ «ذیل عنوان: محوریت فاطمه علیها سلام در حدیث کساء».

زندگانی فاطمه زهرا سلام الله علیها، تألیف آیت الله سید محمدکاظم قزوینی، صفحه ۶۱ تا ۶۳ «ذیل عنوان: حدیث کساء».

فاطمه زهرا سرور دل پیامبر اکرم، تألیف آیت الله رحمانی همدانی، فصل ۱۹، صفحه ۳۷۶ تا ۳۸۰، حدیث ۵۶ «ذیل عنوان: حدیث کساء».

خصائص فاطمیه، تألیف آیت الله شیخ محمدباقر کجوری مازندرانی، صفحه ۷۴۰ «ذیل عنوان: خصیصه چهل و دوم از پنجاه خصیصه قبل از شهادت حضرت زهرا سلام الله علیها».

و در واقع رجوع ضمائر به فاطمه زهرا سلام الله عليها خود مزید شرف است بر شرف.^۱

آیت الله گرامی در کتاب خویش «حدیث لَوْلَا فَاطِمَةُ» درباره محوریت فاطمه زهرا سلام الله عليها در حدیث کساء می گوید:

روایات مربوط به حدیث کساء، فاطمه زهرا سلام الله عليها را محور قرار داده است،

و اصل حدیث کساء حکایت از آن دارد که وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، حضرت علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام را زیر پارچه ای «کساء، عبا، رداء» جمع کرده و آنها را اهل بیت خویش معرفی فرموده و در حق آنها دعا نموده است.

این حدیث شریف از احادیث قطعی و مسلم است و شیعه و سنی همه نقل کرده اند.

بسیاری از احادیث و روایات، نزول آیه تطهیر «آیه ۳۳ سوره احزاب» را نیز در همین زمینه می دانند،

به نحوی که بیش از یکصد نفر از محدثین اهل سنت همین را گفته اند. در این احادیث شریف از این پنج وجود مقدس این چنین تعبیر می شود که: اینها، فاطمه و پدر بزرگوارش و شوهر گرانقدرش و دو پسرش هستند، یعنی:

در این تعبیر وجود مقدس فاطمه زهرا سلام الله عليها محور قرار گرفته است،

همچنین در بعضی از ادعیه نیز وجود مقدس فاطمه زهرا سلام الله عليها محور قرار گرفته و آمده است که:

۱. خصائص فاطمیة، تألیف آیت الله محمدباقر کجوری مازندرانی، خصیصه چهل و دوم از پنجاه خصیصه قبل از شهادت حضرت زهرا سلام الله عليها، صفحه ۷۴۰.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتُلْكَ بِفَاطِمَةَ وَ أَبَيْهَا وَ بَعْلِهَا وَ بَنِيهَا وَ السِّرِّ الْمُسْتَوْدَعِ فِيهَا، وَ يَا:
 إِلَهِي بِحَقِّ فَاطِمَةَ وَ أَبَيْهَا وَ بَعْلِهَا وَ بَنِيهَا وَ السِّرِّ الْمُسْتَوْدَعِ فِيهَا.^۱
 بنابراین:

هر فضیلتی که در احادیث و ادعیه و زیارات برای اهل بیت گرانقدر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده، وجود مقدس فاطمه زهرا سلام الله علیها که محور اهل بیت گرانقدر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می باشد در اعلى درجه آن فضائل را دارا می باشد.

زیارت نورانی و شریف جامعه کبیره با سلام به اهل بیت گرانقدر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم شروع می شود،
 و ما زائرین آن ذوات مقدسه به آن بزرگواران عرض می کنیم:
 السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ النَّبُوَّةِ وَ مَوْضِعِ الرَّسَالَةِ، یعنی:
 سلام بر شما ای اهل بیت نبوت و جایگاه رسالت، لذا:
 اگر در زیارت نورانی و شریف جامعه کبیره از اهل بیت گرانقدر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به عنوان:

خَزَانِ الْعِلْمِ «خزانه داران علم خداوند متعال»،
 عَيْبَةِ عِلْمِهِ «مخزن علم خداوند متعال و موضع اسرار علوم حق تعالی»،
 خَزَنَةَ لِعِلْمِهِ «خازنین و خزانه داران علم خداوند متعال»،
 وَ ارْتِضَاكُمْ لِغَيْبِهِ «آگاهی از غیب الهی با اذن و امر خداوند متعال»،
 یاد شده است،

وجود مقدس فاطمه زهرا سلام الله علیها که محور اهل بیت گرانقدر پیامبر

۱. حدیث لولا فاطمة، تألیف آیت الله محمدعلی گرامی، صفحه ۹۶ تا ۹۹ «ذیل عنوان: محوریت فاطمه زهرا سلام الله علیها در حدیث کساء».
 فاطمه علیها سلام حلقه وصل رسالت و امامت، تألیف آیت الله وحید خراسانی، صفحه ۷۰ و ۷۱ «مجلس سوم».

اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می باشد در اعلی درجه این فضائل و مناقب را دارا می باشد، یعنی:

عیناً مانند پدر بزرگوارش و شوهر گرانقدرش و یازده امام معصوم از نسل و ذریه اش مصداق اتم و اکمل خُرَّانُ الْعِلْمِ، عَيْبَةُ عِلْمِهِ، خَزَنَةُ لِعِلْمِهِ، وَ ارْتِضَاكُمْ لِعَيْبِهِ می باشد،

و به همین جهت است که وجود مقدس فاطمه زهرا سلام الله علیها طبق احادیث شریفی که اوائل بحث به عرض رسید،

علم بما كانَ و ما يَكُونُ و ما هُوَ كائِنٌ دارد،

همچنین آن علیا مخدّره علم بما كانَ و بما يَكُونُ و ما لَمْ يَكُنْ دارد،

لذا

از تمام اخبار و وقایع گذشته و حال و آینده «تمام اخبار و وقایع از اوّل خلقت تا قیامت» را می داند،

و از آنچه که بوده و هست و خواهد بود اطلاع کامل دارد،

و همه اینها را خداوند متعال به آن حضرت اعطا فرموده است.

پس از ارائه توضیحاتی در رابطه با بخش الف مبنی بر این که وجود مقدس فاطمه زهرا سلام الله علیها به طور قطع و یقین از اهل بیت گرانقدر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می باشد و هر فضیلتی که برای اهل بیت گرانقدر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در احادیث و روایات نقل شده آن علیا مخدّره آن فضائل را در اعلی درجه دارا می باشد، می پردازیم به بخش ب.

ب: طبق فرمایش امام هادی علیه السلام در زیارت نورانی و شریف جامعه

کبیره، وجود مقدس چهارده معصوم علیهم السلام نور واحد می باشند،

و ما هنگام زیارت آن بزرگواران و هنگام خواندن زیارت نورانی و شریف

جامعه کبیره به آن ذوات مقدسه عرض می کنیم:

أَنَّ أَرْوَاحَكُمْ وَ نُورَكُمْ وَ طَيِّبَتَكُمْ وَاحِدَةٌ، طَابَتْ وَ طَهَّرَتْ بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ، یعنی:

به درستی که ارواح شما و نور شما و طینت شما و طهرت شما «سرشت شما» یکی است و نیکو و پاکیزه است،

و فرقی میان شما نیست.^۱

در شرح زیارت جامعه کبیره تألیف آیت الله سید محمدتقی نقوی ذیل این قسمت از زیارت نورانی و شریف جامعه کبیره «أَنَّ أَرْوَاحَكُمْ وَ نُورَكُمْ وَ طَيِّبَتَكُمْ وَاحِدَةٌ، طَابَتْ وَ طَهَّرَتْ بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ» آمده که:

معنی اجمالی این جمله شریف از زیارت جامعه کبیره این است که:

به درستی که ارواح شما و نور شما و طینت و گل شما «سرشت شما»

معصومین علیهم السَّلام یکی است،

و نیکو و پاکیزه است،

و فرقی میان شما نیست.

این فرمایش نورانی امام هادی علیه السَّلام اشاره است به وحدت روح و نور

و طینت حضرات معصومین علیهم السَّلام،

و این که حساب آن ذوات مقدَّسه از نظر خلقت با سایر مردم جدا است،

زیرا:

على القاعدة در هر بدنی روحی است مغایر با روحی که در بدن دیگر است،

همچنین در هر انسانی طینتی است مغایر با طینت دیگری،

و به همین جهت است که روحیه‌ها و طبع‌ها در انسان‌ها مختلف است، مثلاً:

بعضی از افراد دارای روحی قوی هستند،

و بعضی برعکس از ضعف روحی برخوردارند،

بعضی شجاع و بعضی غیرشجاع،

۱. شرح زیارت جامعه کبیره - تألیف آیت الله سید محمدتقی نقوی، صفحه ۴۰۹، ذیل عنوان: أَنَّ أَرْوَاحَكُمْ وَ نُورَكُمْ وَ طَيِّبَتَكُمْ وَاحِدَةٌ ۱۰۴».

بعضی سَخی و بعضی بخیل،
بعضی رحیم و بعضی بی رحم،
و هکذا نسبت به سایر صفات،

و این تفاوت در انسانها دلیل است بر اختلافات روحی و طبعی، و به همین جهت شما نمی‌توانید در جامعه بشر عادی دو نفر را پیدا کنید که با یکدیگر تفاوت روحی نداشته باشند،

یا از نظر ذات و طبع و فطرت یکسان باشند،
و این مطلب مهم است،

لیکن درباره حضرات معصومین علیهم السّلام قضیه برخلاف این است،
زیرا این ذوات مقدّسه از نظر روح و طینت باهم فرقی ندارند، و ارواحشان پاک،

و طینت آن بزرگواران منزّه از خبثات و رذالت است،
و در حقیقت یک روح هستند در چهارده قالب،
و یک طینت هستند در چهارده صورت.^۱

ملاحظه فرمودید که:

وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها فرمودند:

خداوند متعال نور مرا خلق فرمود،

و نور من بلافاصله مشغول تسییح خداوند متعال شد،

سپس خداوند متعال آن نور را به درختی از درخت‌های بهشت امانت داد

«به ودیعه نهاد»،

و هنگامی که پدرم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم وارد بهشت شد

«هنگام معراج»،

۱. شرح زیارت جامعه کبیره، تألیف آیت الله سیّد محمدتقی نقوی، صفحه ۴۰۹ «ذیل عنوان: اَنَّ ارواحکم و نُورکم و طینتکم واحده».

خداوند متعال به او فرمود تا از میوه‌های این درخت تناول نماید،
و پدرم نیز از میوه این درخت میل فرمود،
و بدین وسیله خداوند متعال مرا در صُلب پدرم قرار داد،
و سپس به رَحْم مادرم حضرت خدیجه منتقل فرمود تا این که من متولد
شدم.

وجود مقدس فاطمه زهرا سلام الله علیها در ادامه فرمایش خویش فرمودند:

وَ اَنَا مِنْ ذَلِكَ النُّورِ،

أَعْلَمُ مَا كَانَ وَ مَا يَكُونُ وَ مَا لَمْ يَكُنْ، یعنی:

و من از همان نور هستم،

و از آنچه که در گذشته بوقوع پیوسته «آنچه را که بوده»،

و از آنچه که در آینده بوقوع خواهد پیوست «آنچه که می باشد»،

و از آنچه که هرگز واقع نشده «آنچه که نبوده است» با خبر هستم و از آن

اطلاع کامل دارم «یعنی از گذشته و حال و آینده، و از آنچه که بوده و هست و

خواهد بود مطلع هستم و از آن آگاهی کامل دارم».

این حدیث شریف اولین حدیث در رابطه با علم فاطمه زهرا سلام الله علیها

در این کتاب شریف فاطمی است که سلمان فارسی از عمّار یاسر و او از وجود

مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها نقل نموده است.

علامه امینی در کتاب فضائل فاطمه زهرا سلام الله علیها در توضیح و تفسیر

این حدیث شریف و در ذیل این حدیث نورانی در رابطه با علم فاطمه زهرا

سلام الله علیها می گوید:

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم و فاطمه زهرا سلام الله

علیها و ائمه معصومین علیهم السّلام از نوری خلق شده اند که غیر از خداوند

متعال هیچ کس از کیفیت آن آگاه نیست، یعنی:

این چهارده وجود مقدّس و معصوم از نوری خلق شده‌اند که آن نور طبق فرمایش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم، مَخْرُؤُنْ مَكْنُونٌ فِی عِلْمِ اللَّهِ می‌باشد،

و در اثر همین نور است که:

این ذوات مقدّسه «وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام» در رَحْمِ مادر:

از همه جا باخبرند،

بر همه جا احاطه دارند،

و همه چیز را می‌دانند.

وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها نیز از این نور مبارک خلق شده است، لذا:

وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها در رحم مادر:

از همه جا باخبر است،

بر همه جا احاطه دارد،

و همه چیز را می‌داند.

علامه امینی در ادامه سخن خویش می‌گوید:

مراتب مذکور که ملاحظه فرمودید از خصوصیات نبوّت و امامت نیست، بلکه از شئون ولایت و اوّلی به نفس بودن بر جمیع بشر است، و از برکت همین مقام است «مقام ولایت و اوّلی به نفس بودن بر جمیع بشر» که وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها:

هنگامی که در رحم مادر است،

و هنگامی که به دنیا می‌آید به همه چیز و همه کس آگاه است، لذا:

آن علیا مخدّره به محض تولّد:

به یگانگی خداوند متعال شهادت می دهد،
 و از نبوت و رسالت پدر بزرگوارش خبر می دهد.
 علامه امینی در ادامه سخن خویش در رابطه با علم فاطمه زهرا سلام الله
 علیها می افزاید: علم و دانش فاطمه زهرا سلام الله علیها در روز ولادتش با علم
 و دانش آن حضرت در هنگام شهادتش هیچ فرقی ندارد، لذا:
 وجود مقدس فاطمه زهرا سلام الله علیها با این علم موهوبی و خدادادی:
 از همه چیز آگاه است،
 به اوضاع جهان بینا است،
 از تمام قضایا با خبر است،
 اسامی ملائکه الهی را می داند،
 اسامی حورالعین را می داند،
 اسامی اهل بهشت را می داند،
 اسامی اهل جهنم را می داند،
 اسامی محبین خودش را می داند،
 اسامی دشمنانش را می داند،
 و در یک کلام:

از اولین و آخرین، چیزی بر آن حضرت پوشیده نیست، یعنی:
 وجود مقدس فاطمه زهرا سلام الله علیها تمام اخبار و وقایع دنیا و آخرت را
 بی کم و کاست می داند و از آن اطلاع کامل دارد.

علامه امینی در ادامه سخن خویش می افزاید:
 وجود مقدس فاطمه زهرا سلام الله علیها در رحم مادر بزرگوارش و هنگام
 ولادتش دارای همان علم خدادادی بوده که پدر بزرگوارش و شوهر گرانقدرش
 واجد آن بوده اند، لذا:

جای تعجب نیست که آن علیا مخدّره هنگام ولادتش به نبوّت و رسالت پدر بزرگوارش شهادت می دهد،

همانگونه که وجود مقدّس امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السلام نیز هنگام ولادت خویش به نبوّت و رسالت وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم شهادت می دهد،

و همه اینها از شئون ولایت است،
و در اثر آن نور مبارکی بوده که مایه آفرینش فاطمه زهرا سلام الله علیها بوده است،

نوری که طبق فرمایش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم، مَخْزُونٌ مَكْنُونٌ
فی علم الله می باشد،

و غیر از خداوند متعال هیچ کس از کیفیت آن نور آگاه نیست،
نوری که مانند آینه ای تمام نما همه عوالم ملکوت در آن منعکس می باشد.
علامه امینی در ادامه سخن خویش در ذیل این حدیث شریف «حدیثی که سلمان فارسی از عمّار یاسر و او از حضرت زهرا سلام الله علیها نقل نموده است» که به کیفیت خلقت وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم و کیفیت خلقت فاطمه زهرا سلام الله علیها و کیفیت خلقت ائمه معصومین علیهم السلام اشاره دارد اضافه نموده که:

این حدیث شریف و دهها حدیث نظیر این حدیث نورانی نشان می دهد که:
نور چهارده معصوم علیهم السلام نور واحد است،
و علم موهوبی و خدادادی آن ذوات مقدّسه نیز از همین نور سرچشمه می گیرد،

نوری که طبق فرمایش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم نزد خداوند متعال مخزون و مکنون است،

و غیر از خداوند متعال هیچ کس از کیفیت آن آگاه نیست،
و علم اولین و آخرین در آن نور منعکس می باشد.^۱
وَهَب = بخشیدن، بخشش.

واهب = بخشنده، عطا کننده.

موهوب = هر چیز بخشیده شده، هر چیزی که بدون عوض به کسی بدهند،
عطا شده.

موهوبی = خدادادی، خدا داده.

مخزون = در خزانه نهاده شده.

مکنون = پنهان داشته شده، پوشیده شده، پنهان.

طینت = سرشت، نخستین خمیرمایه آفرینش، خلقت.

ملاحظه فرمودید که:

نور وجود مقدس چهارده معصوم علیهم السلام نور واحد است،

و علم موهوبی و خدادادی آن ذوات مقدسه نیز از همین نور سرچشمه می گیرد،
و در واقع:

این چهارده وجود مقدس یک روح هستند در چهارده قالب،

و یک طینت هستند در چهارده صورت،^۲

و این همان کلام نورانی وجود مقدس امام هادی علیه السلام در زیارت

شریف جامعه کبیره است که هنگام زیارت وجود مقدس چهارده معصوم

علیهم السلام که همان اهل بیت نبوت و رسالت می باشند ابتدا به آن ذوات

مقدسه عرض سلام و ادب نموده و عرض می کنیم:

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ النَّبُوَّةِ وَ مَوْضِعِ الرَّسَالَةِ،

۱. فضائل فاطمه زهرا سلام الله علیها، تألیف علامه امینی موضوع یازدهم، صفحه ۲۶۱ تا ۲۶۸.

۲. شرح زیارت جامعه کبیره، تألیف آیت الله سید محمدتقی نقوی، صفحه ۴۰۹ «ذیل عنوان: أَنْ أَرْوَاكُمْ وَ نُورَكُمْ وَ طِينَتَكُمْ وَاحِدَةً».

و سپس عرضه می‌داریم:

أَنَّ أَرْوَاحَكُمْ وَ نُورَكُمْ وَ طِينَتَكُمْ وَاحِدَةٌ، طَابَتْ وَ طَهَّرَتْ بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ، يَعْنِي:

به درستی که ارواح شما و نور شما و طینت شما «نخستین خمیر مایه آفرینش

شما» یکی است،

و نیکو و پاکیزه است،

و فرقی میان شما نیست.

این فرمایش نورانی امام هادی علیه‌السلام اشاره است به وحدت روح و نور

و طینت وجود مقدس چهارده معصوم علیهم‌السلام،

و این‌که:

این ذوات مقدسه یک روح هستند در چهارده قالب،

و یک طینت هستند در چهارده صورت،^۱

لذا، هر فضیلت و منقبتی که در احادیث و ادعیه و زیارات و از جمله در

زیارت نورانی و شریف جامعه کبیره به اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

و سلم اختصاص یافته، این فضیلت و این منقبت و این فضائل و مناقب شامل

هر چهارده وجود مقدس و معصوم می‌شود،

و بدیهی است که وجود مقدس فاطمه زهرا سلام الله علیها که محور اهل

بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می‌باشد در اعلی درجه واجد همه

این فضائل می‌باشد و همه آن‌ها را دارا است.

در رابطه با نور واحد بودن وجود مقدس چهارده معصوم علیهم‌السلام و

اشتراک آن ذوات مقدسه در جمیع فضائل به چند حدیث شریف دیگر نیز

اشاره می‌شود.

۱- خداوند متعال به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

۱. شرح زیارت جامعه کبیره، تألیف آیت الله سید محمدتقی نقوی، صفحه ۴۰۹ «ذیل عنوان: أَنَّ أَرْوَاحَكُمْ وَ نُورَكُمْ وَ طِينَتَكُمْ وَاحِدَةٌ».

یا مُحَمَّدُ:

إِنِّي خَلَقْتُ عَلِيًّا وَ فَاطِمَةَ وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ وَ الْأَئِمَّةَ مِنْ نُورٍ وَاحِدٍ، يَعْنِي:
خداوند متعال به پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ فرمود:

ای مُحَمَّد:

من، علی و فاطمه و حسن و حسین و دیگر ائمه را از نور واحد خلق نمودم.^۱

۲- وجود مقدس پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ فرمودند:

خَلَقَنِي اللهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى وَ أَهْلَ بَيْتِي مِنْ نُورٍ وَاحِدٍ، يَعْنِي:

وجود مقدس پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ فرمودند:

خداوند متعال مرا و اهل بیت مرا از نور واحد خلق فرموده است.^۲

در توضیح ذیل این احادیث شریف عنوان شده که:

براساس ظاهر برخی احادیث و روایات، حضرات معصومین علیهم السَّلام «وجود مقدس چهارده معصوم علیهم السَّلام» در این عالم تعدد وجودی دارند، و هر کدام از این ذوات مقدسه به تناسب موقعیت و شرایط مکانی و زمانی خویش تکالیف ویژه‌ای دارند، و صفات و کمالات گوناگونی از آنان آشکار می‌شود،

لیکن در عالم آفرینش، روح و نور و سرشتِ نخستین آن ذوات مقدسه یکی

بوده،

و با وجود فضیلت ظاهری یکی بر دیگری، در مراتب وجود و کمالات

معنوی و قُرب به خداوند متعال یکسان می‌باشند.

اینگونه احادیث بیانگر یگانگی حضرات معصومین علیهم السَّلام است، به

۱. شرح زیارت جامعه کبیره «ادب فنای مَقْرَبان» تألیف آیت‌الله جوادی آملی،

جلد نهم، صفحه ۳۱ «ذیل عنوان: اَنَّ اَرْوَاحَكُمْ وَ نُورَكُمْ وَ طِبْتَكُمْ وَاحِدَةٌ».

جلد هفتم، صفحه ۲۰۵ «ذیل عنوان: مَنْ اِعْتَصَمَ بِكُمْ فَقَدْ اِعْتَصَمَ بِاللَّهِ».

۲. شرح زیارت جامعه کبیره «ادب فنای مَقْرَبان» تألیف آیت‌الله جوادی آملی، جلد هفتم، صفحه ۲۰۵ «ذیل

عنوان: مَنْ اِعْتَصَمَ بِكُمْ فَقَدْ اِعْتَصَمَ بِاللَّهِ».

نحوی که فضائل و کمالات وجودی هر یک از آن دیگری نیز شمرده شده و هیچگونه اختلافی میان آن بزرگواران دیده نمی شود.

در احادیث فراوانی از آفرینش روح و نور و طینت «سرشت» حضرات معصومین علیهم السّلام سخن به میان آمده، و بر یگانگی روح و نور ذوات مقدّسه تأکید شده است.

یگانگی روح و نور و طینت «سرشت» حضرات معصومین علیهم السّلام «چهارده معصوم علیهم السّلام» نشان دهنده عظمت ذاتی و ظرفیت وجودی آن ذوات مقدّسه برای ظهور صفات جلال و جمال خداوند متعال است، و به همین جهت این ذوات مقدّسه آینه تمام‌نمای خداوند متعال بوده و هرکدام از این ذوات مقدّسه نماد دیگری شمرده می شود.

مراد از یگانگی روح حضرات معصومین در زیارت جامعه کبیره «أَنَّ أَرْوَاحَكُمْ وَ نُورَكُمْ وَ طِينَتَكُمْ وَاحِدَةٌ» و سایر احادیث شریف «از جمله دو حدیث شریفی که ملاحظه فرمودید» حقیقت واحدی است که سرآغاز حیات ملکوتی این ذوات مقدّسه در عالم شده است،

و مراد از یگانگی نور این ذوات مقدّسه «وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام» یگانگی روشنگری و علم و کمالات این بزرگواران می باشد.^۱ افزون بر این، در جای خود ثابت شده است که حضرات معصومین علیهم السّلام یک نور هستند در چهارده رواق،

و فرمایش امام هادی علیه السّلام در زیارت نورانی و شریف جامعه کبیره مبین و موید این موضوع می باشد که:

أَنَّ أَرْوَاحَكُمْ وَ نُورَكُمْ وَ طِينَتَكُمْ وَاحِدَةٌ، طَابَتْ وَ طَهَّرَتْ بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ.^۲

۱. شرح زیارت جامعه کبیره «ادب فنای مَقْرَبَان» تألیف آیت‌الله جوادی آملی، جلد نهم، صفحه ۲۸ تا ۳۱ «ذیل عنوان: أَنَّ أَرْوَاحَكُمْ وَ نُورَكُمْ وَ طِينَتَكُمْ وَاحِدَةٌ».

۲. شرح زیارت جامعه کبیره «ادب فنای مَقْرَبَان» تألیف آیت‌الله جوادی آملی، جلد اول، صفحه ۳۳ «ذیل عنوان: حکمت و فلسفه زیارت».

۳- زید شحّام از وجود مقدّس امام صادق علیه السّلام پرسید:
یا بن رسول الله:

امام حسن علیه السّلام افضل است یا امام حسین علیه السّلام؟
وجود مقدّس امام صادق علیه السّلام در پاسخ به سؤال زید شحّام فرمود:

إِنَّ فَضْلَ أَوْلِنَا يَلْحَقُ فَضْلَ آخِرِنَا،
وَ فَضْلَ آخِرِنَا يَلْحَقُ فَضْلَ أَوْلِنَا،
نَحْنُ مِنْ شَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ بَرَأَنَا اللَّهُ مِنْ طِينَةٍ وَاحِدَةٍ،
فَضَّلْنَا مِنَ اللَّهِ،

وَ عَلَّمْنَا مِنَ عِنْدِ اللَّهِ،

خَلَقْنَا وَاحِدٌ،

عَلَّمْنَا وَاحِدٌ،

فَضَّلْنَا وَاحِدٌ،

وَ كُلُّنَا وَاحِدٌ عِنْدَ اللَّهِ، یعنی:

وجود مقدّس امام صادق علیه السّلام فرمودند:

فضل اوّل ما به آخر ما برمی گردد،

و فضل آخر ما به اوّل ما برمی گردد،

ما از شجره طیّبه‌ای هستیم، و خداوند متعال ما را از یک طینت و یک سرشت خلق فرموده است «وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام از یک طینت واحد هستند»،

فضل ما «چهارده معصوم علیهم السّلام» از ناحیه خداوند متعال است،

و علم ما «چهارده معصوم علیهم السّلام» از ناحیه خداوند متعال می‌باشد،

خلقت ما «چهارده معصوم علیهم السّلام» یکی است،

علم ما «چهارده معصوم علیهم السّلام» یکی است،

فَضْل ما «چهارده معصوم علیهم السَّلام» یکی است،
و همه ما «چهارده معصوم علیهم السَّلام» در پیشگاه خداوند متعال یکی
هستیم.^۱

در توضیح ذیل این حدیث شریف و نورانی عنوان شده که:

از این سخن گهربار امام صادق علیه السَّلام نکاتی سودمند بر می آید:

الف: همه حضرات معصومین علیهم السَّلام در فضائل «از قبیل: علم، کَرَم،
شجاعت، سخاوت، حِلْم و...» شریک و همسان می باشند،

گرچه یک فضیلت ویژه بر پایه ویژگی های زمانی هر کدام از معصومین
علیهم السَّلام در وجودش برجسته تر از دیگران نمودار گردد.

ب: خاستگاه علم و فضل حضرات معصومین علیهم السَّلام «وجود مقدَّس
چهارده معصوم علیهم السَّلام» ذات اقدس اله است،

ج: علم آن ذوات مقدَّسه لَدُنَّی است و برآمده از مخزن بی پایان علم خداوند
متعال است،

و سایر فضائل آن ذوات مقدَّسه نیز از موهبت و تربیت ویژه الهی سرچشمه
می گیرد،

د: حضرات معصومین علیهم السَّلام «وجود مقدَّس چهارده معصوم
علیهم السَّلام» از طینتی پاک آفریده شده اند «خلق شده اند»،

و علوم و فضائل آن ذوات مقدَّسه از یک منبع سرچشمه می گیرد،
از این رو آن بزرگواران در بارگاه الهی ولایت همسان دارند،

۱. شرح زیارت جامعه کبیره «ادب فنای مَقْرَبان» تألیف آیت الله جوادی آملی،

جلد اول، صفحه ۳۳ و ۳۴ «ذیل عنوان: حکمت و فلسفه زیارت».

جلد نهم، صفحه ۲۸ «ذیل عنوان: اَنْ اَرْوَا حَکْمَ وَ نُورَکُمْ وَ طِبَّتْکُمْ وَاِحْدَةً».

جلد نهم، صفحه ۲۱۱ و ۲۱۲ «ذیل عنوان: اَشْهَدُاللهُ وَ اَشْهَدُکُمْ اَنِّیْ مُؤْمِنٌ بِکُمْ».

جلد نهم، صفحه ۴۹۱ «پاورقی» «ذیل عنوان: مُسْتَشْفِعٌ اِلَى اللهِ عَزَّوَجَلَّ بِکُمْ».

هر چند شمارشان یکی نیست «هر چند تعداد آن‌ها یکی نیست».^۱

۴- وجود مقدس امام صادق علیه السلام فرمودند:

أَوْلْنَا دَلِيلٌ عَلَيَّ آخِرِنَا،

وَ آخِرُنَا مُصَدِّقٌ لِأَوْلِنَا،

وَ السُّنَّةُ فِينَا سَوَاءٌ، یعنی:

وجود مقدس امام صادق علیه السلام فرمودند:

نخستین فرد ما «وجود مقدس چهارده معصوم علیهم السلام» دلیل و نمایانگر

آخرین نفر ما است،

و آخرین فرد ما «وجود مقدس چهارده معصوم علیهم السلام» تصدیق کننده

نخستین فرد ما است،

و راه و روش ما «وجود مقدس چهارده معصوم علیهم السلام» یکی است.^۲

۵- وجود مقدس امام رضا علیه السلام فرمودند:

إِنَّ كَلَامَ آخِرِنَا مِثْلُ كَلَامِ أَوْلِنَا،

وَ كَلَامَ أَوْلِنَا مُصَدِّقٌ لِكَلَامِ آخِرِنَا.

این حدیث شریف نیز مانند سایر احادیث شریف، همگونی و هماهنگی

کامل سخنان حضرات معصومین علیهم السلام را بیان می‌فرماید و آن را تأکید

می‌کند.^۳

۱. شرح زیارت جامعه کبیره «ادب فنای مقربان»، تألیف آیت‌الله جوادی آملی جلد نهم، صفحه ۲۱۲ «ذیل عنوان: أَشْهَدُ اللَّهَ وَ أَشْهَدُكُمْ أَنِّي مُؤْمِنٌ بِكُمْ».

۲. شرح زیارت جامعه کبیره «ادب فنای مقربان» تألیف آیت‌الله جوادی آملی، جلد نهم، صفحه ۲۱۱ «ذیل عنوان: أَشْهَدُ اللَّهَ وَ أَشْهَدُكُمْ أَنِّي مُؤْمِنٌ بِكُمْ».

جلد دهم، صفحه ۸۶ «ذیل عنوان: مُؤْمِنٌ بِسِرِّكُمْ وَ عَلَانِيَتِكُمْ».

جلد دهم، صفحه ۳۶۴ «ذیل عنوان: فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لَا مَعَ عَدُوِّكُمْ».

۳. شرح زیارت جامعه کبیره «ادب فنای مقربان» تألیف آیت‌الله جوادی آملی، جلد نهم، صفحه ۲۱۱ «ذیل عنوان: أَشْهَدُ اللَّهَ وَ أَشْهَدُكُمْ أَنِّي مُؤْمِنٌ بِكُمْ».

۶- وجود مقدّس امام عسکری علیه السّلام فرمودند:

طَاعَةٌ آخِرِنَا كَطَاعَةِ أَوَّلِنَا،

وَ الْمُنْكَرُ لِآخِرِنَا كَالْمُنْكَرِ لِأَوَّلِنَا، یعنی:

وجود مقدّس امام عسکری علیه السّلام فرمودند:

اطاعت از آخرین فرد ما «وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام» مانند

اطاعت از اولین فرد ما می باشد،

و منکر آخرین فرد ما «وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام» مانند

منکر اولین فرد ما می باشد.^۴

۷- وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم به امیرالمؤمنین علی

بن ابیطالب علیه السّلام فرمود:

أَنَا سَيِّدُ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ،

وَ أَنْتَ يَا عَلِيُّ سَيِّدُ الْخَلَائِقِ بَعْدِي،

أَوَّلِنَا كَأَخِرِنَا،

وَ آخِرِنَا كَأَوَّلِنَا، یعنی:

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم به امیرالمؤمنین علی بن

ابطالب علیه السّلام فرمود:

من سیّد و آقا و سرور اولین و آخرین هستم «یعنی اشرف مخلوقات هستم»،

و ای علی، تو بعد از من سیّد و آقا و سرور همه مخلوقات هستی.

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم در ادامه فرمایش

خویش فرمودند:

اولین فرد ما «وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام» مثل آخرین فرد

۴. شرح زیارت جامعه کبیره «ادب فنای مقرّبان» تألیف آیت الله جوادی آملی،

جلد هشتم، صفحه ۳۹۸ «ذیل عنوان: أَشْهَدُ أَنَّ هَذَا سَابِقٌ لَكُمْ فِيمَا مَضَى».

جلد نهم، صفحه ۲۱۵ و ۲۱۶ «ذیل عنوان: أَشْهَدُ اللهُ وَ أَشْهَدُكُمْ أَنِّي مُؤْمِنٌ بِكُمْ».

ما است.

و آخرین فرد ما «وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام» مثل اولین فرد ما است.^۱

ملاحظه فرمودید که:

طبق این احادیث نورانی و شریف و دهها حدیث دیگر که جهت رعایت اختصار از نقل آنها خودداری شد، وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام:

یک روح هستند در چهارده قالب و در چهارده صورت،

یک نور هستند در چهارده قالب و در چهارده صورت،

یک طینت هستند در چهارده قالب و در چهارده صورت، یعنی:

روح چهارده معصوم علیهم السّلام روح واحد است،

نور چهارده معصوم علیهم السّلام نور واحد است،

و طینت چهارده معصوم علیهم السّلام طینت واحد می باشد.

همچنین ملاحظه فرمودید که:

علم وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام یکی است،

خلقت وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام یکی است،

و فضل وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام یکی می باشد،

و این فرمایش امام صادق علیه السّلام به زید شحام است «حدیث ۳» که:

كُنَّا وَاحِدٌ عِنْدَ اللَّهِ، یعنی:

همه ما «چهارده معصوم علیهم السّلام» در پیشگاه خداوند متعال یکی هستیم.

همچنین ملاحظه فرمودید که:

۱. نفّس نفیس خاتمیت، تألیف آیت الله وحید خراسانی، صفحه ۳۸۰، مجلس نوزدهم.

شرح زیارت جامعه کبیره «ادب فنای مقرّبان»، تألیف آیت الله جوادی آملی.

جلد نهم، صفحه ۲۱۱ «ذیل عنوان: أَشْهَدُ اللَّهَ وَ أَشْهَدُكُمْ أَنِّي مُؤْمِنٌ بِكُمْ».

جلد دهم، صفحه ۳۶۶ «ذیل عنوان: فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لَا مَعَ عَدُوِّكُمْ».

علم وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام یکی است،
 ضمن این که علم آن ذوات مقدّسه مِنْ عِنْدِ اللَّهِ است، یعنی:
 علم آن ذوات مقدّسه لَدُنِّي است «از ناحیه خداوند متعال می باشد»،
 و برآمده از مَخزن علم بی پایان خداوند متعال است، لذا:
 وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام مظهر اتمّ و اکمل علم بی پایان
 خداوند متعال هستند،

همچنین مظهر اتمّ و اکمل همه صفات جلال و جمال خداوند متعال.
 همچنین ملاحظه فرمودید که:
 کلام آخرین فرد از این چهارده وجود مقدّس و معصوم، کلام اوّلین فرد
 آنها است،
 اطاعت از آخرین فرد این چهارده وجود مقدّس و معصوم، اطاعت از اوّلین
 فرد آنها است،
 و انکار آخرین فرد این چهارده وجود مقدّس و معصوم، انکار اوّلین فرد
 آنها است.

همچنین ملاحظه فرمودید که:
 طبق حدیث شریف نبوی «حدیث ۷»:
 اوّلین فرد از این چهارده وجود مقدّس و معصوم مثل آخرین فرد آنها است،
 و آخرین فرد از این چهارده وجود مقدّس و معصوم مثل اوّلین فرد آنها است،
 بنابراین:
 وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها تمام این فضائل را در اعلى درجه
 دارا می باشد، زیرا:

وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها:
الف: از اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم می باشد،

و بلکه محور اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می باشد، و عیناً مانند پدر بزرگوارش و شوهر گرانقدرش و یازده امام معصوم از نسل و ذریه اش مقام عصمت دارد «اولین فضیلت از فضائل بی شمار فاطمه زهرا سلام الله علیها در این کتاب شریف فاطمی در رابطه با عصمت آن حضرت می باشد».

ب: عیناً مانند پدر بزرگوارش و شوهر گرانقدرش و یازده امام معصوم از نسل و ذریه اش حُجَّة الله می باشد «یازدهمین فضیلت از فضائل بی شمار فاطمه زهرا سلام الله علیها در این کتاب شریف فاطمی در رابطه با حُجَّة الله بودن آن حضرت می باشد».

ج: عیناً مانند پدر بزرگوارش و شوهر گرانقدرش و یازده امام معصوم از نسل و ذریه اش وَلیَّة الله می باشد «دوازدهمین فضیلت از فضائل بی شمار فاطمه زهرا سلام الله علیها در این کتاب شریف فاطمی در رابطه با وَلیَّة الله بودن آن حضرت می باشد».

د: عیناً مانند پدر بزرگوارش و شوهر گرانقدرش و یازده امام معصوم از نسل و ذریه اش واجب الاطاعة می باشد،

و خداوند متعال اطاعت از آن حضرت را بر همه مخلوقات واجب فرموده است «چهاردهمین فضیلت از فضائل بی شمار فاطمه زهرا سلام الله علیها در این کتاب شریف فاطمی در رابطه با واجب الاطاعة بودن آن حضرت می باشد»

ه: عیناً مانند پدر بزرگوارش و شوهر گرانقدرش و یازده امام معصوم از نسل و ذریه اش مخزن علم خداوند متعال و مظهر اتمّ و اکمل علم بی پایان خداوند متعال می باشد، و به همین جهت است که در احادیث شریفی که اواسط بحث به عرض رسید، وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها عیناً مانند پدر بزرگوارش و شوهر گرانقدرش و یازده امام معصوم از نسل و ذریه اش علم

بِمَا كَانَ وَ مَا يَكُونُ وَ مَا هُوَ كَائِنٌ دَارِدُ، وَ بَلَكِهْ اَن حَضْرَتِ عِلْمِ بِمَا كَانَ وَ مَا يَكُونُ
وَ مَا لَمْ يَكُنْ دَارِدُ «حَدِيثِ اَوَّلِ كِهْ سَلْمَانِ فَارَسِيْ اَزْ عَمَّارِ يَاسِرِ وَ اُوْ نِيْزِ اَزْ وَجُوْدِ
مَقْدَسِ فَاطِمِهْ زَهْرَا سَلَامِ اللهِ عَلَيْهَا نَقْلِ نَمُوْدِهْ اِسْت.»

آيت الله ميرجهانی در کتاب جُنَّةُ الْعَاصِمَةِ ذیل این حدیث شریف در رابطه با
علم فاطمه زهرا سلام الله عليها می نویسد:

عمق دریای علم وجود مقدس فاطمه زهرا سلام الله عليها به اندازه ای است
«به قدری عظیم است» که صاحبان ولایت جزئیّه نمی توانند به آن پی ببرند،
و مقصود فرمایش فاطمه زهرا در این حدیث شریف که آن حضرت علم
به مالم یکن دارد «علم به آنچه که نبوده و نمی باشد» از اسراری است که نزد
خداوند متعال مکنون و مخزون است «مکنون یعنی پوشیده شده، پنهان، پنهان
داشته شده، و مخزون یعنی در خزانه نهاده شده»،

و آن غیر از حوادث کونیّه و بیرون از محتویات لوح محفوظ و لوح محو و
اثبات است که از خصائص صاحبان ولایت مطلقه می باشد.^۱
«کون = وجود، هستی، بودن، به وجود آمدن، عالم، جهان»

۱. جُنَّةُ الْعَاصِمَةِ، تَأْلِيفِ آيَةِ اللهِ سَيِّدِ مُحَمَّدِ حَسَنِ مِيْرَجِهَانِي، فَصْلُ سِيْزْدَهْمِ، صَفْحَةُ ۳۳۵ تا ۳۳۸، «ذیل عنوان: علم
فاطمه زهرا سلام الله عليها».

فضیلت هفدهم

فاطمه زهرا سلام الله علیها حُجَّةُ الله و وَليَّةُ الله است، لذا در رحم مادر با مادر بزرگوار خویش سخن می گوید،
و مانند سایر ذوات مقدسه معصومین علیهم السَّلام بلافاصله پس از تولد،
شهادتین را بر زبان مبارک خویش جاری می سازد.
علامه امینی در کتاب خویش «فضائل فاطمه زهرا سلام الله علیها» در این
رابطه می گوید:

حضرت زهرا سلام الله علیها حُجَّةُ الله و وَليَّةُ الله است،
لذا در رحم مادر خویش با مادر بزرگوارش سخن می گوید،
و بلافاصله پس از تولد، شهادتین را بر زبان مبارک خویش جاری می نماید،
و این کیفیت سخن گفتن در رحم مادر،
و این کیفیت ولادت، فقط و فقط مخصوص کسانی است که دارای مقام
ولایت می باشند و اولی به نفس دیگران هستند،
و به همین جهت ائمه معصومین علیهم السَّلام نیز اینگونه بودند.^۱
به عرض رسید که:

۱. فضائل فاطمه زهرا سلام الله علیها، تألیف علامه امینی، صفحه ۲۶۲ تا ۲۶۴ «موضوع یازدهم، ذیل عنوان: خلقت پیامبر اکرم و حضرت زهرا و ائمه معصومین علیهم السَّلام از یک نور واحد». صفحه ۳۵۵ و ۳۵۶ «ذیل عنوان: چهل منقبت فاطمه زهرا سلام الله علیها».

وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله عليها در رحم مادر خویش با مادر بزرگوارش سخن می گفت،

همچنین به عرض رسید که:

وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله عليها بلافاصله پس از تولّد، شهادتین را بر زبان مبارک خویش جاری ساخت،

همچنین به عرض رسید که:

این کیفیت ولادت، فقط و فقط مخصوص کسانی است که دارای مقام ولایت هستند و اوّلی به نفّس دیگران هستند،

و به همین جهت ائمه معصومین عليهم السّلام نیز اینگونه بودند.

قبل از نقل حدیث مربوط به فاطمه زهرا سلام الله عليها «در رابطه با سخن گفتن آن حضرت با مادر بزرگوارش درحالی که در رحم مادر خویش بود، و در رابطه با جاری ساختن شهادتین بر زبان مبارک خویش بلافاصله پس از تولّد»، به سه حدیث شریف اشاره می شود که طبق این احادیث شریف، وجود مقدّس مولی الموحّدين امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام و وجود مقدّس بقية الله الاعظم حجة بن الحسن القائم المهدي علیه السّلام نیز پس از تولّد، شهادتین را بر زبان مبارک خویش جاری نمودند.

۱- وجود مقدّس امام صادق علیه السّلام فرمودند:

فاطمه بنت اسد بن هاشم بن عبد مناف مادر گرانقدر امیر المؤمنین علی بن ابیطالب بن هاشم بن عبد مناف در مسجد الحرام درد زایمان گرفت، و در همین حال به امر خداوند متعال دیوار کعبه شکافته شد و فاطمه بنت اسد وارد خانه شد «وارد کعبه شد»،

و سپس دیوار شکافته شده کعبه به حالت اوّل بازگشت، و فاطمه بنت اسد داخل کعبه وضع حمل نمود و وجود مقدّس امیر المؤمنین علی بن ابیطالب

علیه السَّلام را به دنیا آورد.

پس از سه روز فاطمه بنت اسد به همراه طفل سه روزه خویش یعنی امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السَّلام از داخل کعبه خارج شد.

پس از این که فاطمه بنت اسد و کودک سه روزه خویش یعنی امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السَّلام از داخل کعبه خارج شدند خدمت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم رسیدند «آن زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم سی سال سن داشتند و هنوز به رسالت مبعوث نشده بودند».

امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السَّلام که طفل سه روزه ای بود وقتی خدمت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم رسید به آن حضرت عرض کرد: السَّلامُ عَلَیْکَ یا رَسُوْلَ اللهِ وَ رَحْمَةُ اللهِ وَ بَرَکاتُهُ.

وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السَّلام پس از عرض سلام به محضر مبارک پیامبر اکرم، بسم الله الرحمن الرحیم را بر زبان مبارک خویش جاری ساخته و این آیات شریفه را «آیات شریفه سوره مبارکه مؤمنون» تلاوت فرمودند:

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ «آیه ۱»،

الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ «آیه ۲»،

وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ «آیه ۳»،

وَالَّذِينَ هُمْ لِلزَّكَاةِ فَاعِلُونَ «آیه ۴»،

وَالَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ «آیه ۵»،

إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ «آیه ۶»،

فَمَنْ ابْتَغَىٰ وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْعَادُونَ «آیه ۷»،

وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ «آیه ۸»،

وَالَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَوَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ «آیه ۹»،

أُولَئِكَ هُمُ الْوَارِثُونَ «آیه ۱۰»،

الَّذِينَ يَرِثُونَ الْفِرْدَوْسَ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ «آیه ۱۱»، یعنی:

به تحقیق و به طور قطع و یقین، مؤمنین رستگار و سعادت‌مند شدند «آیه ۱»،

آنان که در نماز خود خاضع و خاشع می‌باشند «آیه ۲»،

آنان که از کارهای لغو و بیهوده و سخنان باطل اعراض و احتراز می‌کنند

«آیه ۳»،

آنان که زکات اموال خویش را ادا می‌کنند «می‌پردازند» «آیه ۴»،

آنان که فروج «عورت‌ها» و بدن خودشان را از عمل حرام محافظت می‌کنند

«آیه ۵»،

آنان فقط با همسران و کنیزان خود آمیزش جنسی دارند و برای این کارشان

ملامت نمی‌شوند «آیه ۶»،

کسانی که غیر از این طریق «آمیزش با همسران و کنیزان» آمیزش جنسی

داشته باشند ستمکار هستند «آیه ۷»،

آنان که امانت‌ها و عهد و پیمان‌های خودشان را مراعات می‌کنند «آیه ۸»،

آنان که نمازهای خویش را محافظت می‌کنند «اوقات نماز و شرایط ظاهر

و باطن نماز» «آیه ۹»،

آری، چنین کسانی وارثان هستند «وارثان بهشت» «آیه ۱۰»،

این مؤمنین، فردوس را به ارث می‌برند «آری، این مؤمنین، فردوس را یعنی

بهشت برترین یعنی بهترین بهشت را به ارث می‌برند» «آیه ۱۱»^۱

«فلاح = رستگاری، رستگار شدن، رسیدن به آرزوها، رسیدن به سعادت».

۱. تفسیر صافی، جلد چهارم، صفحه ۵۴۰

تفسیر نمونه، جلد چهارم، صفحه ۲۱۱ و ۲۱۲، ذیل آیات اول تا یازدهم سوره مؤمنون.

پس از این که امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام که طفل سه روزه‌ای بودند این آیات شریفه را در محضر مبارک رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم تلاوت فرمودند، وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام فرمود:

یا عَلِيُّ:

قَدْ أَفْلَحُوا بِكَ،

أَنْتَ وَاللَّهِ أَمِيرُهُمْ،

أَنْتَ وَاللَّهِ دَلِيلُهُمْ،

بِكَ يَهْتَدُونَ، یعنی:

وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام که طفل سه روزه‌ای بودند و آیات شریفه سوره مبارکه مؤمنون را در محضر مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم تلاوت نموده بود فرمود:

ای علی:

مؤمنین به وسیله تو و با پذیرش امامت و ولایت تو رستگار و سعادتمند می‌شوند،

ای علی:

به خدا قسم، تو امیر و آقا و سرور مؤمنین هستی،

ای علی:

به خدا قسم، تو راهنمای مؤمنین هستی،

ای علی:

به خدا قسم، مؤمنین به وسیله تو و با پذیرش امامت و ولایت تو به راه

راست هدایت می‌شوند.^۱

توضیح:

الف: حدیث شریف مفصل‌تر از این است که ملاحظه فرمودید، فقط به قسمتی از حدیث شریف که به بحث ما مربوط می‌شد اشاره شد «سخن گفتن امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام پس از تولّد و تلاوت آیات شریفه سوره مؤمنون و سلام دادن به پیامبر اکرم به عنوان رسول الله».

ب: وقتی که امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام سوره مبارکه مؤمنون را در محضر مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم تلاوت فرمود و به پیامبر اکرم به عنوان رسول الله سلام داد و عرض ادب نمود فقط سه روز از عمر مبارکش می‌گذشت، و در آن زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم سی سال از عمر مبارکش می‌گذشت و هنوز به رسالت مبعوث نشده بود.

ج: وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در سن چهل سالگی مبعوث به رسالت شد، و هنگام بعثت پیامبر اکرم به رسالت، امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام ده ساله بود.

د: ملاحظه فرمودید که امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام در حالی که طفل سه روزه‌ای بود به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم اینگونه عرض سلام و ادب نمود و عرض کرد:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، یعنی:

امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام با عنوان رسول الله به پیامبر اکرم عرض سلام و ادب نمود، یعنی:

۱. امالی شیخ طوسی، جلد دوم، مجلس چهل و دوم، صفحه ۷۳۰، حدیث ۱ «حدیث ۱۵۱۰».
تفسیر برهان، جلد ششم، صفحه ۴۸۵، حدیث ۹ «ذیل آیات اوّل تا یازدهم سوره مؤمنون».
فضائل فاطمه زهرا سلام‌الله علیها، تألیف علامه امینی، صفحه ۲۶۴.
موضوع یازدهم، ذیل عنوان: خلقت چهارده معصوم علیهم‌السلام از نور واحد.

وجود مقدّس امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام با این جمله کوتاه ولی بسیار پر معنی شهادتین را بر زبان مبارک خویش جاری ساخته است، یعنی: در جمله السّلامُ عَلَیْكَ یا رَسُوْلَ اللهِ، هم توحید نهفته است و هم رسالت و نبوّت پیامبر اکرم،

ضمن این که امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام آیات شریفه سوره مؤمنون را تلاوت فرمود در حالی که هنوز وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم به صورت ظاهر مبعوث به رسالت نشده بود و قرآن کریم نیز به صورت ظاهر بر آن حضرت نازل نشده بود.

هـ: ملاحظه فرمودید که وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم پس از عرض سلام امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام و پس از تلاوت آیات شریفه سوره مؤمنون توسط آن حضرت، موضوع امیرالمؤمنین بودن آن حضرت و امارت آن حضرت بر مؤمنین را بیان فرمود، و شرط اصلی و اساسی رستگاری نجات و سعادت مؤمنین را پیروی و اطاعت از وجود مقدّس امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام عنوان نموده و به آن حضرت فرمود:

یا عَلِیُّ:

قَدْ أَفْلَحُوا بِكَ، یعنی:

ای علی:

مؤمنین به وسیله تو و با پذیرش امامت و ولایت تو رستگار و سعادتمند می شوند،

یا عَلِیُّ:

أَنْتَ وَاللّهِ أَمِیرُهُمْ، یعنی:

ای علی:

به خدا قسم:

تو امیر مؤمنین هستی، یعنی:

ای علی:

به خدا قسم تو امیرالمؤمنین هستی،

یا عَلِيُّ:

أَنْتَ وَاللَّهِ دَلِيلُهُمْ، یعنی:

ای علی:

به خدا قسم:

تو راهنمای مؤمنین هستی و آنها را به صراط مستقیم الهی راهنمایی و

دلالت می نمایی،

یا عَلِيُّ:

بِكَ يَهْتَدُونَ، یعنی:

ای علی:

به خدا قسم:

مؤمنین به وسیله تو و با پذیرش امامت و ولایت تو به راه راست هدایت

می شوند.

ملاحظه فرمودید که:

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم زمانی موضوع امامت

و ولایت و امیرالمؤمنین بودن حضرت امیر علیه السلام را بیان فرمود که آن

حضرت طفل سه روزه بود،

و وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم نیز هنوز به صورت

ظاهر مبعوث به رسالت نشده بود.

۲- جابر بن عبدالله انصاری از وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل می کند که آن حضرت فرمودند:

هنگامی که امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام به دنیا آمد سر به سجده گذاشت و این جملات را بر زبان خویش جاری نمود:

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ،

وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ،

وَ أَشْهَدُ أَنَّ عَلِيًّا وَصِيَّ مُحَمَّدٍ رَسُولُ اللَّهِ،

وَ أَنَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ، یعنی:

وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

هنگامی که امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام به دنیا آمد سر به سجده گذاشت و گفت:

شهادت می دهم که جز خداوند متعال خدایی نیست «شهادت می دهم که خدایی نیست جز الله»،

و شهادت می دهم که حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم رسول خدا است،

و شهادت می دهم که علی «علی بن ابیطالب علیه السلام» وصی و جانشین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می باشد،

و من «یعنی وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام» امیرالمؤمنین هستم.^۱

۳- حضرت حکیمه خاتون علیها سلام دختر گرانقدر امام جواد سلام الله علیه نقل می کند که:

۱. فضائل فاطمه زهرا سلام الله علیها، تألیف علامه امینی، صفحه ۲۶۴ «موضوع یازدهم، ذیل عنوان: خلقت چهارده معصوم علیهم السلام از نور واحد».

وجود مقدّس امام عسکری سلام الله علیه مرا احضار نموده و فرمود:
عمّه جان:

امشب افطار نزد ما باش که شب نیمه شعبان است، و خداوند متعال امشب
حجّت خود را که حجّت او در روی زمین است ظاهر می سازد.
حکیمه خاتون می گوید:

به امام عسکری علیه السّلام عرض کردم:
مادر او کیست؟

امام عسکری علیه السّلام فرمود:
نرجس «سلام الله علیها»

حکیمه خاتون علیها سلام می گوید:
به امام عسکری علیه السّلام عرض کردم:
اثر بارداری در نرجس «سلام الله علیها» نیست.

امام عسکری علیه السّلام به من فرمود:
همین است که به تو می گویم.

حکیمه علیها سلام می گوید:
در همین حال نرجس علیها سلام وارد شد و من به او گفتم:
دختر عزیزم:

خداوند متعال امشب به تو پسری عطا می فرماید که در دنیا و آخرت سیّد
و سرور است.

حکیمه علیها سلام می گوید:

شب مشغول نماز شب شدم، و در حالی که صبح نزدیک می شد آماده نماز
صبح می شدم لیکن اثری از وضع حمل در نرجس خاتون علیها سلام نمی دیدم،
و به همین جهت شک بر دلم عارض شد،

که بلافاصله وجود مقدس امام عسکری علیه السلام به من فرمود:
عمّه جان:

شتاب مکن که کار نزدیک شده است،
و در همین هنگام نرجس خاتون علیها سلام از خواب بیدار شد، و پس از
گذشت مدّت کوتاهی وضع حمل نمود،
و دیدم که نوزاد نرجس خاتون سر به سجده گذاشته است، و وقتی دقت
کردم دیدم که نوزاد نرجس خاتون کاملاً پاک و نظیف است و نیاز به تمیز
کردن ندارد.

در همین هنگام وجود مقدس امام عسکری علیه السلام به من فرمود:
عمّه جان:

پسرم را نزد من بیاور،
و من نیز نوزاد را خدمت آن حضرت بردم.
وجود مقدس امام عسکری علیه السلام وقتی پسر خویش حضرت مهدی
علیه السلام را در آغوش گرفت به او فرمود:
فرزندم سخن بگو،
و بلافاصله این نوزاد «یعنی حضرت مهدی علیه السلام» شروع به صحبت
نمود و گفت:

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ،

وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ،

وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ،

و سپس حضرت مهدی علیه السلام به امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب
علیه السلام و ائمه بعد از آن حضرت سلام و درود فرستاد تا این که به پدر
بزرگوارش امام عسکری علیه السلام رسید.

حکیمه علیها سلام می گوید:

امام عسکری علیه السَّلام به من فرمود:

عمّه جان:

پسرم را پیش مادرش ببر تا به مادرش سلام کند،

و من نیز همین کار را کردم،

و سپس امام عسکری علیه السَّلام به من فرمود:

عمّه جان:

روز هفتم ولادت پسرم حضرت مهدی نزد ما بیا،

و من نیز روز هفتم ولادت حضرت مهدی علیه السَّلام خدمت امام عسکری

علیه السَّلام رسیدم، و آن حضرت به من فرمود:

عمّه جان:

پسرم را نزد من بیاور،

و من نیز امثال امر نمودم و حضرت مهدی علیه السَّلام را که نوزاد هفت

روزه‌ای بود نزد امام عسکری علیه السَّلام بردم،

و آن حضرت به پسرش حضرت مهدی علیه السَّلام فرمود:

پسرم:

سخن بگو،

و بلافاصله حضرت مهدی علیه السَّلام شروع به صحبت نمود و گفت:

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ،

و سپس به پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ و امیرالمؤمنین عَلِيِّ بْنِ

أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَام و ائمه بعد از آن حضرت سلام و درود فرستاد تا رسید به

پدر بزرگوارش امام عسکری سلام الله علیه،

و به پدر بزرگوارش نیز مانند ائمه قبل از آن حضرت سلام و درود فرستاد

و سپس این آیات شریفه را تلاوت فرمود:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

و نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ
«آیه ۵ سوره قصص».

وَ نُمَكِّنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَ نُرِيَ فِرْعَوْنَ وَ هَامَانَ وَ جُنُودَهُمَا مِنْهُمْ مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ
«آیه ۶ سوره قصص».^۱

توضیح:

ائمه معصومین علیهم السلام حُجَّةُ الله و وِلِيُّ الله هستند، لذا:

بر همه مردم ولایت دارند،

و اولی به نفس دیگران هستند،

و بلافاصله پس از تولد شهادتین را بر زبان مبارک خویش جاری می‌سازند، که به عنوان نمونه به سه حدیث شریف اشاره شد که طبق این احادیث نورانی و شریف، وجود مقدس مولی الموحّدين امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام و وجود مقدس بقیة الله الاعظم حجة بن الحسن القائم المهدي علیه السلام بلافاصله پس از تولد شهادتین بر زبان مبارک خویش جاری نمودند،

و در رابطه با دیگر ائمه معصومین علیهم السلام نیز وضع همینگونه است. وجود مقدس فاطمه زهرا سلام الله علیها نیز که حُجَّةُ الله و وِلِيَّةُ الله می‌باشد بلافاصله پس از تولد شهادتین را بر زبان مبارک خویش جاری ساخته است، ضمن این که آن حضرت در رحم مادر خویش نیز با مادر بزرگوارش

۱. کمال الدین و تمام النعمه شیخ صدوق، جلد دوم، باب ۴۲، صفحه ۱۴۳ تا ۱۴۷، حدیث ۱.

تفسیر صافی، جلد پنجم، صفحه ۱۴۰ «ذیل آیه ۵ و ۶ سوره قصص».

تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۸۶ تا ۸۸، حدیث ۴ «ذیل آیه ۵ و ۶ سوره قصص».

تفسیر نورالثقلین، جلد پنجم، صفحه ۵۸۷، حدیث ۱۳ «حدیث ۸۳۴۹».

تفسیر نورالثقلین، جلد پنجم، صفحه ۵۸۷، حدیث ۱۶ «حدیث ۸۳۵۲» «ذیل آیه ۵ و ۶ سوره قصص».

سخن می گفته که انشاء الله تعالی در حدیث ذیل این موارد را ملاحظه خواهید فرمود.

حدیث:

مفضّل بن عمر می گوید:

خدمت امام صادق علیه السلام عرض کردم:

یا بن رسول الله:

ولادت فاطمه زهرا سلام الله علیها چگونه بوده است؟

وجود مقدّس امام صادق علیه السلام فرمود:

وقتی که حضرت خدیجه علیها سلام با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم ازدواج کرد، زن های مکه از او «حضرت خدیجه علیها سلام» دوری نموده و نزد او نمی رفتند و هنگام ملاقات با حضرت خدیجه از سلام کردن به او خودداری می کردند «به او سلام نمی کردند»، و به همین جهت قلب حضرت خدیجه را غم و وحشت فراگرفت «نه به جهت ترس از جان خودش»، به خاطر خطری که جان پیامبر اکرم را تهدید می کرد «توسط مشرکین قریش»، لیکن حضرت خدیجه این موضوع را «این راز را» از وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم پنهان می داشت.

هنگامی که حضرت خدیجه علیها سلام به فاطمه زهرا سلام الله علیها باردار شد، وجود مقدّس فاطمه زهرا در رحم مادر خویش با مادر بزرگوارش حضرت خدیجه علیها سلام سخن می گفت و حضرت خدیجه علیها سلام را به صبر و بردباری دعوت می فرمود،

و حضرت خدیجه سخن گفتن حضرت زهرا را از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم مخفی می داشت،

تا این که یک روز غفلتاً پیامبر اکرم وارد منزل شد و سخن گفتن فاطمه زهرا سلام الله علیها با حضرت خدیجه علیها سلام را شنید، لذا به حضرت خدیجه علیها سلام فرمود:

با چه کسی سخن می گفتی؟

حضرت خدیجه به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم عرض کرد: کودکی که در رحم من است با من حرف می زند و مونس من است. وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به حضرت خدیجه علیها سلام فرمود:

ای خدیجه:

هم اکنون جبرئیل به من بشارت می دهد «این جبرئیل است که مرا بشارت می دهد» که این کودک، دختر من است، و این دختر دارای نسلی پاک و پاکیزه و با برکت خواهد بود، و خداوند متعال نسل مرا از این دختر قرار می دهد، و از نسل این دختر امامانی را بوجود می آورد و آنها را خلیفه خودش در روی زمین قرار می دهد «از نسل این دختر است ائمه معصومین علیهم السلام که خلیفه و جانشین خداوند متعال در روی زمین می باشند».

فاطمه زهرا سلام الله علیها تا هنگام ولادت خویش در رحم مادر خویش با مادر بزرگوارش حضرت خدیجه علیها سلام سخن می گفت و مونس و هم صحبت مادر بزرگوارش بود تا زمانی که آثار ولادت آن حضرت ظاهر شد، لذا حضرت خدیجه علیها سلام به زنان قریش پیغام فرستاد تا نزد او بیایند و او را یاری نمایند.

زنان قریش به حضرت خدیجه علیها سلام پاسخ دادند که:

ای خدیجه:

چون تو در امر ازدواجت گفتار ما را قبول نکردی و از درخواست ما سرپیچی و نافرمانی نمودی، و با محمد بن عبدالله «صلی الله علیه و آله و سلم» ازدواج نمودی، ما نزد تو نمی آییم و تو را یاری نمی کنیم.

حضرت خدیجه علیها سلام از پاسخ زنان قریش و از شنیدن جواب رد آن‌ها غمگین و محزون شد،

و در همین حال چهار زن بر حضرت خدیجه علیها سلام وارد شدند «وارد منزل حضرت خدیجه علیها سلام شدند».

یکی از آن زن‌ها به حضرت خدیجه علیها سلام گفت:
ای خدیجه:

محزون و اندوهگین باش،

ما فرستاده‌های پروردگارت به سوی تو هستیم،

و خداوند متعال ما را به یاری تو فرستاده است،

من ساره هستم «همسر حضرت ابراهیم»،

این آسیه است،

این مریم است «مادر عیسی»،

و این کلثوم است «خواهر موسی بن عمران».

خداوند متعال ما را به سوی تو فرستاده تا تو را در این امر «وضع حمل» یاری نماییم.

یکی از این چهار زن در طرف راست حضرت خدیجه،

یکی از این چهار زن در طرف چپ حضرت خدیجه،

یکی از این چهار زن روبه‌روی حضرت خدیجه،

و یکی از این چهار زن در پشت سر حضرت خدیجه علیها سلام قرار گرفتند.

و در همین هنگام فاطمه زهرا سلام الله علیها در حالی که کاملاً پاک و پاکیزه بود «ظَاهِرَةٌ مَطَهَّرَةٌ» به دنیا آمد،

و هنگامی که وجود مقدس فاطمه زهرا سلام الله علیها متولد شد نوری از آن حضرت ساطع شد «نوری از آن حضرت تابید» که پرتو آن نور به تمام خانه‌های مکه وارد شد «تمام خانه‌های مکه روشن شد»، و در شرق و غرب زمین خانه‌ای نبود مگر این که آن نور در آن پرتو افشان شد «در همه روی زمین خانه‌ای نبود که از آن نور بی بهره باشد»،

و در همین حال ده نفر از حوری‌های بهشتی «ده حورالعین» بر حضرت خدیجه علیها سلام وارد شدند،

که در دست هر کدام از آنها طشت و ابریقی بود که از بهشت آورده بودند که داخل آن طشت‌ها و ابریق‌ها آب کوثر بود، سپس این حوری‌های بهشتی دو قطعه پارچه آوردند که از شیر سفیدتر و از مشک و عنبر خوشبوتر بود،

سپس فاطمه زهرا سلام الله علیها را با آب کوثر شستشو دادند «با این که آن حضرت کاملاً پاک و مطهر و پاکیزه بود»،

و سپس یکی از آن پارچه‌ها را دور حضرت زهرا علیها سلام پیچیدند، و پارچه دیگر را روی سر مبارک حضرت زهرا علیها سلام قرار دادند «مانند مقنعه‌ای بر سر مبارک آن حضرت قرار دادند»،

و سپس از وجود مقدس فاطمه زهرا سلام الله علیها تقاضا نمودند تا آن حضرت سخن بگوید.

وجود مقدس فاطمه زهرا سلام الله علیها شروع به صحبت نموده و فرمود:

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ،

وَأَنَّ أَبِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ سَيِّدُ الْأَنْبِيَاءِ،

وَ أَنْ بَعْلَى سَيِّدِ الْأَوْصِيَاءِ،

وَ وُلْدَى سَادَةِ الْأَسْبَاطِ، یعنی:

وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها لحظاتی پس از تولّد، شروع به صحبت نموده و فرمود:

شهادت می‌دهم که خدایی جز خدای یگانه نیست «شهادت می‌دهم که خدایی جز الله نیست»،

و این که پدرم رسول خدا است و سیّد و سالار همه پیامبران است،
و این که شوهرم «یعنی وجود مقدّس مولی الموحّدين امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام» سیّد و سالار همه اوصیاء است،
و این که فرزندانم «یعنی یازده امام معصوم از نسل و ذریّه آن حضرت» سیّد و سالار همه اسباط «نوادگان» هستند.

بانوانی که در محضر حضرت خدیجه علیها سلام بودند «آن چهار بانو» به حضرت خدیجه علیها سلام عرض کردند:

يَا خَدِيجَةُ:

خُذِيهَا طَاهِرَةً مَطْهَرَةً زَكِيَّةً مَيْمُونَةً،

بُورِكَ فِيهَا وَ فِي نَسْلِهَا، یعنی:

آن چهار بانو فاطمه زهرا سلام الله علیها را نزد حضرت خدیجه علیها سلام آورده و به حضرت خدیجه علیها سلام عرض کردند:

ای خدیجه:

این مولود را بگیر «دخترت فاطمه زهرا سلام الله علیها را بگیر»،

درحالی که پاک و پاکیزه و مطهّر و مبارک است،

و برکات بی پایان الهی در وجود او و در نسل او است «دخترت را بگیر

درحالی که پاک و پاکیزه و مطهّر و مبارک است او و نسل او».

حوریان بهشتی که آنجا حضور داشتند ولادت فاطمه زهرا سلام الله علیها را به یکدیگر تبریک و مبارک باد می گفتند،
و دامنه این سرور و نشاط به آسمانها نیز کشیده شد،
و اهالی آسمانها نیز ولادت فاطمه زهرا سلام الله علیها را به یکدیگر تبریک و مبارک باد می گفتند،
و با تولد فاطمه زهرا سلام الله علیها نور بسیار درخشانی در آسمانها ظاهر شد،

نور درخشانی که ملائکه الهی هرگز نظیر آن نور را مشاهده نکرده بودند.^۱

۱. امالی شیخ صدوق، مجلس هشتاد و هفتم، صفحه ۹۳۰ تا ۹۳۳، حدیث ۱. فضائل فاطمه زهرا سلام الله علیها، تألیف علامه امینی، صفحه ۲۵۶ تا ۲۶۲، موضوع یازدهم، ذیل عنوان: خلقت چهارده معصوم علیهم السلام از نور واحد. جَنَّةُ الْعَاصِمَةِ، تألیف آیت الله سید محمدحسن میرجهانی. صفحه ۱۱۰ تا ۱۱۴ «فصل چهارم، ذیل عنوان: ولادت حضرت زهرا سلام الله علیها». صفحه ۱۶۶ و ۱۶۷ «فصل ششم، خصیصه هشتم تا دوازدهم: ذیل عنوان: خصیصه های فاطمه زهرا سلام الله علیها». صفحه ۳۳۸ «فصل سیزدهم، دلیل سوم تا نهم، ذیل عنوان: در بیان علم حضرت زهرا سلام الله علیها». صفحه ۳۷۷ تا ۳۷۹ «فصل پانزدهم، ذیل عنوان: پاره های از مناقب حضرت زهرا سلام الله علیها در کتب عامه «کتب اهل سنت».
- تحقیقی درباره زندگانی حضرت زهرا سلام الله علیها، تألیف آیت الله سید محمدکاظم قزوینی، صفحه ۳۲ و ۳۳ جلوه نور، تألیف آیت الله سعادت پرور. صفحه ۴۳ و ۴۴ «فصل ۴، ذیل عنوان: خصوصیات ایام حمل حضرت زهرا سلام الله علیها». صفحه ۴۵ تا ۵۱ «فصل ۵، ذیل عنوان ولادت و خصوصیات ولادت حضرت زهرا سلام الله علیها». صفحه ۹۹، حدیث اول «فصل ۱۲، ذیل عنوان: علم و معرفت و سایر کمالات حضرت زهرا سلام الله علیها». فاطمه زهرا سرور دل پیامبر اکرم، تألیف آیت الله رحمانی همدانی: صفحه ۱۷۶، حدیث ۵ «فصل ۱۳، ذیل عنوان: همدمی حضرت زهرا سلام الله علیها با حضرت خدیجه علیها سلام». صفحه ۱۸۴، حدیث ۷ «فصل ۱۴، ذیل عنوان: میلاد حضرت زهرا سلام الله علیها، صفحه ۴۰۳، حدیث ۵، فصل ۱۹». خصائص فاطمیّه، تألیف آیت الله کجوری مازندرانی. صفحه ۲۳۹ تا ۲۴۱، خصیصه سوم از پنجاه خصیصه از ابتدای ولادت ذیل عنوان: سخن گفتن حضرت زهرا سلام الله علیها در شکم مادر. قطره ای از دریای فضائل اهل بیت علیهم السلام، تألیف آیت الله سید احمد مستنبت بخش سوم، صفحه ۴۱۸ تا ۴۲۰، حدیث ۱۳/۹۰۲.
- سوغنامه فدک، تألیف آیت الله سید محمدتقی نقوی، صفحه ۳۳ تا ۳۷ ذیل عنوان: کیفیت ولادت حضرت زهرا سلام الله علیها.

توضیح:

الف: علامه امینی در کتاب خویش «فضائل فاطمه زهرا سلام الله علیها» ذیل این حدیث شریف «حدیثی که مفضل بن عمر از امام صادق علیه السلام نقل نموده» می گوید:

آنچه که گفته شد صفات و خصوصیات بشری است که ولّی الله باشد، و این کیفیت ولادت، مخصوص اولیاء خدا است، و این شئون منحصر است به کسانی که دارای مقام ولایت هستند و اولی به نفس دیگران می باشند.

وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها از نوری خلق شده است که وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم و امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام از آن نور خلق شده اند، نوری که طبق فرمایش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم مَخْرُؤُنْ مَكْنُونٌ فِی عِلْمِ اللهِ می باشد،

و غیر از خداوند متعال هیچ کس از کیفیت آن آگاه نیست، و در اثر همین نور است که وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها و پدر بزرگوارش و شوهر گرانقدرش و یازده امام معصوم از نسل و ذریّه اش، در رحم مادر از همه جا باخبر هستند،

بر همه جا احاطه دارند،

و همه چیز را می دانند.

مراتب مذکور از خصوصیات نبوت و امامت نیست،

بلکه از شئون ولایت و اولی به نفس بودن بر جمیع بشر است،

و از برکات همین مقام است که وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها به

محض این که بر زمین فرود می آید از همه چیز آگاه است،

و از برکات همین مقام است که وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها در نخستین لحظات میلاد مبارکش شهادتین را بر زبان مبارک خویش جاری ساخته و از رسالت و نبوّت پدر بزرگوارش خبر می دهد.

علم و دانش فاطمه زهرا سلام الله علیها در روز ولادتش با علم و دانش آن علیا مخدّره در روز شهادتش هیچ فرقی ندارد، لذا:

آن علیا مخدّره:

از همه چیز آگاه است،

به اوضاع جهان بینا است،

از تمام قضایا باخبر است،

اسامی حورالعین را می داند،

اسامی اهل بهشت را می داند،

اسامی اهل جهنّم را می داند،

اسامی مُحبّین خویش را می داند،

اسامی دشمنانش را می داند،

اسامی تمام انبیاء را می داند،

و از اوّلین و آخرین، چیزی بر آن حضرت پوشیده و پنهان نیست.

وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها در رحم مادر و در روز ولادتش دارای همان علم خدادادی بوده است که پدر بزرگوارش و شوهر گرانقدرش واجد آن بوده اند،

و تمام این ها از شئون ولایت سرچشمه می گیرد،

و در اثر آن نوری بوده که طبق فرمایش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم

مَخْرُوزٌ مَكْنُونٌ فِی عِلْمِ اللَّهِ مِی بَاشَد،

و غیر از خداوند متعال، هیچ کس از کیفیت آن آگاه نیست،

نوری که مانند آینه‌ای تمام‌نما، همه عوالم ملکوت در آن منعکس است. اگر هنگام ولادت وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم از نور آن حضرت تمام خانه‌های مکه و تمام عوالم بالا و پایین روشن می‌شود و ملائکه الهی بشارت میلاد مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم را می‌دهند،

در میلاد فاطمه زهرا سلام الله علیها نیز دقیقاً اینگونه است، به نحوی که وقتی وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها متولّد شد نوری از آن حضرت ساطع شد که تمام خانه‌های مکه روشن شد، و در شرق و غرب زمین خانه‌ای نبود که از آن نور بی‌بهره باشد، حتی نوری در آسمان‌ها ظاهر شد که ملائکه الهی هرگز نظیر آن نور را مشاهده نکرده بودند،

و همین یک منقبت وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها ایجاب می‌کند که آن حضرت و آن علیا مخدّره مانند پدر بزرگوارش و مانند شوهر گرانقدرش و مانند یازده امام معصوم از نسل و ذریّه‌اش صاحب ولایت کبری بوده باشد.^۱ ذیل دوازدهمین فضیلت از فضائل بی‌شمار وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها در این کتاب شریف فاطمی به عرض رسید که:

وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها و لَیَّتَهُ اللهُ است و دارای مقام ولایت کلّیه می‌باشد و مانند پدر بزرگوارش و مانند شوهر گرانقدرش بر همه مخلوقات ولایت دارد.

ب: آیت الله سیّد محمّد حسن میرجهانی در کتاب خویش «جُنَّةُ الْعَاصِمَةِ» ذیل این حدیث شریف «حدیثی که مفضّل بن عمر از وجود مقدّس امام صادق علیه السّلام نقل نموده» می‌گوید:

چند نکته در فضیلت فاطمه زهرا سلام الله علیها از این حدیث شریف

۱. فضائل فاطمه زهرا سلام الله علیها، تألیف علامه امینی، صفحه ۲۶۲ تا ۲۷۵، موضوع یازدهم، ذیل عنوان: خلقت پیامبر اکرم و حضرت زهرا و ائمه معصومین علیهم السّلام از نور واحد.

استفاده می شود «به قرار ذیل»:

۱- سخن گفتن وجود مقدس فاطمه زهرا سلام الله علیها در شکم مادر قبل از آنکه از مادر متولد شود.

۲- عالم بودن آن درّه دریای عصمت در شکم مادر،

و به همین دلیل وقتی که در شکم مادر بزرگوارش بود مادر بزرگوارش را به صبر و شکیبایی امر می نمود،

زیرا مادر بزرگوارش به خاطر صدمات و زخم زبانهای زنان قریش و شماتت آنها غمگین و محزون بود،

همچنین در مورد اتفاقاتی که از زمان ازدواج حضرت خدیجه با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم رخ داده بود مادر بزرگوارش را دلداری می داد.

۳- در رحم مادر مُتَخَلَّق به اخلاق الله بود، یعنی:

همچنانکه خداوند متعال، پیامبر اکرم را طبق این آیه شریفه «فَاصْبِرْ كَمَا صَبَرَ أُولُو الْعَرْصِ مِنَ الرُّسُلِ - آیه ۳۵ سوره احقاف» به صبر و شکیبایی امر فرموده،

این وَلِيَّةُ الله نیز مادر بزرگوارش حضرت خدیجه علیها سلام را به صبر و شکیبایی امر می فرمود.

۴- قبل از آنکه فاطمه زهرا سلام الله علیها متولد شود، جبرئیل به پدر بزرگوارش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم مژده و بشارت داده که فاطمه

زهرا سلام الله علیها و نسل آن حضرت پاک و پاکیزه و مطهر و مبارک است، و پیامبر اکرم نیز به حضرت خدیجه علیها سلام این مژده و بشارت را داده است.

۵- جبرئیل از ناحیه خداوند متعال به پدر بزرگوارش خبر داده که نسل پیامبر اکرم از دخترش فاطمه زهرا سلام الله علیها می باشد، و از غیر فاطمه زهرا

سلام الله علیها برای پیامبر اکرم نسلی نخواهد بود.

- ۶- خداوند متعال، امامت را در نسل فاطمه زهرا سلام الله عليها قرار داده، چنانکه یازده امام معصوم عليهم السلام از نسل این علیا مخدّره می باشد.
- ۷- چهار زن نامی که به نصّ خود پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم بهترین زنان این جهان هستند هنگام وضع حمل خدیجه عليها سلام به امر خداوند متعال از بهشت به زمین فرستاده شدند تا به خدمتگزاری و قابله‌گری حضرت خدیجه عليها سلام اقدام نمایند.
- ۸- فاطمه زهرا سلام الله عليها طاهر و مطهّر از مادر متولّد شد و آلوده به هیچگونه پلیدی و آلودگی نبود.
- ۹- وقتی که فاطمه زهرا سلام الله عليها متولّد شد نوری از آن حضرت ساطع شد که به تمام خانه‌های مکه تابید.
- ۱۰- وقتی که فاطمه زهرا سلام الله عليها متولّد شد در شرق و غرب زمین جایی نماند که نور آن علیا مخدّره به آنجا نتابیده باشد.
- ۱۱- وقتی که فاطمه زهرا سلام الله عليها متولّد شد نوری از آن حضرت ساطع شد و به طرف آسمان‌ها رفت که ملائکه الهی هرگز شبیه و نظیر آن نور را ندیده بودند.
- ۱۲- هنگامی که فاطمه زهرا سلام الله عليها متولّد شد ده نفر از حوریّه‌های بهشتی «ده حورالعین» به زمین آمده و در آنجا حاضر شدند که در دست آن‌ها طشت و ابریقی بود، و همه ابریق‌ها و طشت‌ها از آب کوثر پر بود تا فاطمه زهرا سلام الله عليها را شست و شو بدهند.
- ۱۳- هنگامی که فاطمه زهرا سلام الله عليها متولّد شد، آن چهار زن و آن ده حورالعین فاطمه زهرا سلام الله عليها را با آب کوثر شست و شو و غسل دادند، و این قضیه مزید شرافت است،

زیرا فاطمه زهرا سلام الله علیها طاهره و مطهره بود، و طاهر و مطهر و پاک و پاکیزه به دنیا آمد.

۱۴- هنگامی که فاطمه زهرا سلام الله علیها متولد شد و نور آن حضرت به آسمانها رسید اهل آسمانها یکدیگر را به ولادت فاطمه زهرا سلام الله علیها مزده و بشارت دادند.

۱۵- هنگامی که فاطمه زهرا سلام الله علیها متولد شد بلافاصله پس از تولد به معارف حقّه تکلم فرمود، یعنی:

اول به یگانگی و یکتایی خداوند متعال شهادت داد،

سپس به رسالت و نبوت پدر بزرگوارش شهادت داد،

و فرمود که پدر بزرگوارش سَيِّدُ الْأَنْبِيَاءِ است، یعنی سید و سرور و سالار پیامبران است،

سپس شهادت داد که شوهرش امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام

سَيِّدُ الْأَوْصِيَاءِ است،

و سپس شهادت داد که فرزندانش سید و سالار همه اسباط «نوادگان»

می باشند،

و اینها دالّ بر این است که فاطمه زهرا سلام الله علیها به تمام مسائل و

قضایا علم و اطلاع کامل و جامع داشته است.^۱

ج: آیت الله سعادت پرور در کتاب خویش «جلوه نور» ذیل این حدیث

شریف «حدیثی که مفضل بن عمر از وجود مقدّس امام صادق علیه السلام نقل

نموده» می گوید:

سخن گفتن فاطمه زهرا سلام الله علیها از درون شکم با مادر بزرگوارش و

دعوت نمودن مادر بزرگوارش به صبر و بردباری، یکی از فضائل و کرامات

۱. جُنَّةُ الْعَاصِمَةِ، تألیف آیت الله سید محمدحسن میرجهانی، صفحه ۱۱۴ تا ۱۱۶ «فصل چهارم، ذیل عنوان: کیفیت ولادت حضرت زهرا سلام الله علیها».

فاطمه زهرا سلام الله علیها است که در کمتر نبی و ولیّی شبیه آن را سراغ داریم.^۱

د: آیت الله شیخ محمدباقر کجوری مازندرانی در کتاب خویش «خصائص فاطمیّه» ذیل این حدیث شریف «حدیثی که مفضّل بن عمر از وجود مقدّس امام صادق علیه السلام نقل نموده» می گوید:

در این حدیث شریف چند بشارت بزرگ است «به قرار ذیل»:

۱- تکلم فاطمه زهرا سلام الله علیها با مادر بزرگوارش در رحم مادر، آن هم به دفعات عدیده.

۲- مژده و بشارت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم و حضور جبرئیل در محضر پیامبر اکرم و بشارت دادن به این که فرزندی که در رحم حضرت خدیجه علیها سلام است دختر می باشد و نسل پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم از این دختر می باشد.

۳- آمدن آن چهار زن محترّات که بهتر از ایشان دیده نشده بود، و بشارت دادن آن چهار زن مبنی بر این که ما فرستادگان خداوند متعال می باشیم.

۴- ساطع شدن انوار فاطمیّه در خانه های مکه و شرق و غرب عالم.

۵- ظهور نور بدیع فاطمی در آسمان ها.

۶- بشارت دادن ملائکه به یکدیگر به خاطر تولّد حضرت زهرا سلام الله علیها.

۷- شهادتین گفتن آن علیا مخدّره بلافاصله پس از تولّد، و این که پدرش سیّد الانبیاء است و شوهرش سیّد الاوصیاء.^۲

۱. جلوه نور، تألیف آیت الله سعادت پرور، صفحه ۴۳ و ۴۴، «فصل چهارم، ذیل عنوان: خصوصیات ایّام حمل فاطمه زهرا سلام الله علیها».

۲. خصائص فاطمیّه، تألیف آیت الله شیخ محمدباقر کجوری مازندرانی، صفحه ۲۴۱ و ۲۴۲، خصیصه سوّم از پنجاه خصیصه از ابتدای ولادت، ذیل عنوان: سخن گفتن حضرت زهرا سلام الله علیها در شکم مادر.

هـ: این حدیث شریف را «حدیثی را که مفضل بن عمر از وجود مقدس امام صادق علیه السلام نقل نموده» شیخ صدوق در امالی، بحرانی در غایة المرام، ابن شهر آشوب در مناقب، قاضی نورالله شوشتری در احقاق الحق، مجلسی در بحار الانوار، شیخ حرّ عاملی در اثبات الهداة، فتال نیشابوری در روضة الواعظین، صبری در دلائل الامامة نقل نموده است.

این حدیث شریف را یکی از علمای معروف اهل تسنن نیز به نام قندوزی در کتاب خویش به نام ینابیع المودّه نقل نموده است.^۱

و: از جمله امتیازاتی که به فاطمه زهرا سلام الله علیها اختصاص دارد و خاصه و عامه «شیعه و سنی» در آن اتفاق نظر دارند این است که فاطمه زهرا سلام الله علیها در شکم مادرش با مادر بزرگوارش صحبت می کرد.

یکی از علمای اهل سنت به نام عبدالرحمن شافعی در کتاب خویش به نام نزّهة المجالس از وجود مقدس خدیجه کبری سلام الله علیها نقل می کند که آن حضرت فرمودند:

وقتی من به فاطمه زهرا سلام الله علیها حامله شدم دخترم که در شکم من بود با من صحبت می کرد.

دهلوی در تجهیزالجیش از کتاب مدح خلفاء الراشدین نقل می کند که: وقتی حضرت خدیجه علیها سلام به فاطمه زهرا سلام الله علیها حامله شد، حضرت فاطمه سلام الله علیها در درون شکم مادرش با مادر بزرگوارش سخن می گفت، لیکن حضرت خدیجه علیها سلام این قضیه را از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم پنهان می کرد،

تا این که یک روز پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بر حضرت خدیجه علیها سلام وارد شد و ملاحظه فرمود که حضرت خدیجه علیها سلام حرف

۱. سوگنامه فدک، تألیف آیت الله سید محمدتقی نقوی، صفحه ۳۵ «پاورقی»، ذیل عنوان: کیفیت ولادت حضرت زهرا سلام الله علیها.

می زند لیکن کسی همراه او نیست.

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم از حضرت خدیجه علیها سلام سؤال کرد که با چه کسی سخن می گوید و حرف می زند. حضرت خدیجه علیها سلام به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم عرض کرد:

با فرزندی که در شکم دارم سخن می گویم.

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم به حضرت خدیجه علیها سلام فرمود:
ای خدیجه:

به تو مژده و بشارت می دهم که خداوند متعال دختری را که در شکم داری مادر یازده خلیفه قرار می دهد که اوصیاء من و جانشینان من هستند، و بعد از من و بعد از پدرشان «یعنی وجود مقدّس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام» خواهند آمد.

شعیب بن سعد مصری در کتاب روض الفائق می گوید:

وقتی که کفّار و مشرکین قریش از وجود مقدّس پیامبر اکرم خواستند تا انشقاق ماه را به آنها نشان دهد «شقّ القمر یعنی دو نیمه شدن ماه را به آنها نشان دهد»، زمانی بود که حضرت خدیجه علیها سلام به فاطمه زهرا سلام الله علیها حامله بود.

حضرت خدیجه علیها سلام وقتی مخالفت کفّار و مشرکین را با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم دید و شنید با خود اظهار داشت:

زهی تأسّف و اندوه که کفّار و مشرکین قریش منکر رسالت و نبوّت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم می شوند، درحالی که آن حضرت بهترین فرستاده پروردگار من است.

در همین حال فاطمه زهرا سلام الله علیها که در شکم حضرت خدیجه علیها سلام بود مادر بزرگوارش را مورد خطاب قرار داد و فرمود:

مادر عزیزم:

محزون و غمگین نباش و نترس،

خداوند متعال با پدرم است.

وقتی که مدّت حمل به پایان رسید و فاطمه زهرا سلام الله علیها به دنیا آمد

نور جمالش دنیا را روشن و مزین کرد.^۱

۱. تحقیقی درباره زندگانی فاطمه زهرا سلام الله علیها، تألیف آیت الله سید محمد کاظم قزوینی، صفحه ۳۲ و ۳۳، ذیل عنوان: نگاهی گذرا بر امور ماورائی.

جَنَّة العاصمه، تألیف آیت الله سید محمد حسن میرجهانی، صفحه ۳۷۷ تا ۳۷۹، فصل ۱۵، حدیث شماره ۸ و ۹ و ۱۰، ذیل عنوان: پاره ای از مناقب حضرت زهرا سلام الله علیها از کتب عامه «اهل سنت».

فاطمه زهرا سرور دل پیامبر اکرم، تألیف آیت الله رحمانی همدانی

صفحه ۶۳، فضیلت چهاردهم، حدیث ۱۷، فصل ۳.

صفحه ۱۷۵ و ۱۷۶، حدیث ۲ و ۴، فصل ۱۳.

فضیلت هیجدهم

فاطمه زهرا سلام الله علیها کُفُو «شبیهِ، نظیر، مثل، مانند» امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام می باشد، و این مقام و منزلت، مقام و منزلتی است انحصاری و استثنایی که مختص به فاطمه زهرا سلام الله علیها می باشد،

زیرا در عالم خلقت فقط وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بر حضرت امیر علیه السلام تَفَوُّق و برتری دارد،

و حضرت امیر علیه السلام بعد از وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم مقرب ترین مخلوق خداوند متعال در پیشگاه الهی است و دوّمین شخصیت عالم خلقت می باشد و شبیه و نظیر ندارد مگر وجود مقدس صدیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها،

و به همین جهت است که وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در آخرین ساعات عمر مبارک خویش دست مبارک حضرت زهرا سلام الله علیها را در دست مبارک امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام قرار داد و به آن حضرت فرمود:

یا عَلِيُّ:

أَنْفِذْ لِي مَا أَمَرْتُكَ بِهِ فَاطِمَةَ، یعنی:

ای علی:

هر دستوری که فاطمه به تو داد انجام بده.^۱

البته این بدان معنا نیست که مقام حضرت زهرا سلام الله علیها برتر و بالاتر از مقام مولی الموحّدين امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام می باشد که می تواند به آن حضرت دستور دهد،

بلکه هر دو بزرگوار حُجَّةُ الله و وَلیَّةُ الله هستند «حُجَّةُ الله و وَلیَّةُ الله»،

اما بعد از وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام وصی و جانشین پیامبر اکرم و امام واجب اطاعه بود و همگان و از جمله حضرت زهرا سلام الله علیها موظف به اطاعت از آن حضرت بودند،

لیکن چون حضرت زهرا سلام الله علیها نیز مانند امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام حُجَّةُ الله و وَلیَّةُ الله و واجب اطاعه می باشد، و از طرفی چون آن حضرت کفو امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام می باشد، به همین جهت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در آخرین ساعات عمر مبارک خویش به امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام فرمود:

یا عَلِيُّ:

أَنْفِذْ لِمَا أَمَرْتُكَ بِهِ فَاطِمَةُ، یعنی:

ای علی:

هر دستوری که فاطمه به تو داد آن را انجام بده.

این مقام و این جایگاه، مقام و جایگاه استثنایی و انحصاری وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها می باشد که در عین حال که مأموم امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام می باشد و موظف به اطاعت از آن حضرت است، اما

۱. جَنَّةُ الْعاصِمَةِ، تألیف آیت الله میرجهانی، فصل هفدهم، صفحه ۴۷۷، حدیث دوم.

تحقیقی درباره زندگانی حضرت زهرا سلام الله علیها، تألیف آیت الله سید محمد کاظم قزوینی، صفحه ۱۸۱.

فاطمه زهرا سرور دل پیامبر اکرم، تألیف آیت الله رحمانی همدانی، فصل چهارم، صفحه ۹۲، حدیث ۳.

چون کفو «شبيهه، نظير، مثل، مانند» حضرت امير عليه السلام می باشد می تواند به آن حضرت دستور دهد و حضرت امير عليه السلام نیز موظف به اطاعت از آن علیا مخدّره می باشد.

قابل ذکر است که:

وجود مقدّس مولی الموحّدين امير المؤمنین علی بن ابیطالب عليه السلام دوّمین شخصیت عالم خلقت می باشد و بعد از وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله عليه و آله و سلّم مقرب ترین مخلوق خداوند متعال در پیشگاه الهی است و بر همه مخلوقات الهی ولایت دارد، و غیر از وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله عليه و آله و سلّم احدی از مخلوقات الهی حق ندارد به آن حضرت دستور دهد،

و بلکه احدی از مخلوقات الهی حق ندارد از دستورات آن بزرگوار سرپیچی نماید، و اگر احدی از مخلوقات الهی از دستورات آن حضرت سرپیچی نماید و با آن حضرت مخالفت نماید از دایره دین خارج می شود،

زیرا اطاعت از آن حضرت «همچنین اطاعت از دیگر ائمه معصومین علیهم السلام» اطاعت از خداوند متعال است،

و سرپیچی از دستورات آن حضرت «همچنین سرپیچی از دستورات دیگر ائمه معصومین علیهم السلام» سرپیچی از دستورات خداوند متعال می باشد،

و این موضوع، فرمایش امام هادی علیه السلام در زیارت نورانی و شریف جامعه کبیره است که هنگام زیارت هر کدام از حضرات معصومین علیهم السلام به آن ذوات مقدّسه عرض می کنیم:

مَنْ أَطَاعَكُمْ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ،

وَ مَنْ عَصَاكُمْ فَقَدْ عَصَى اللَّهَ، یعنی:

هر کس از شما «حضرات معصومین علیهم السلام» اطاعت کند خداوند متعال را اطاعت نموده است،

و هر کس از شما نافرمانی کند از خداوند متعال نافرمانی نموده است «هر کس از دستورات شما سرپیچی کند از دستورات خداوند متعال سرپیچی نموده است». این قضیه فقط یک استثناء دارد و آن استثناء نیز در رابطه با وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها می باشد، یعنی:

غیر از وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم که اشرف و افضل مخلوقات الهی است و اولین شخصیت عالم خلقت می باشد، احدی از مخلوقات الهی حق ندارد به امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام دستور دهد، و بلکه احدی از مخلوقات الهی حق ندارد از دستورات آن حضرت سرپیچی نماید که اگر مرتکب این گناه کبیره بشود از دایره ایمان و از دایره دین خارج می شود.

غیر از وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فقط فاطمه زهرا سلام الله علیها حق دارد به امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام دستور دهد، در عین حال که مأموم حضرت امیر علیه السلام است و مانند همه مردم موظف به اطاعت از آن حضرت می باشد، و سرّ و راز این قضیه نیز این است که:

وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها حُجَّةُ الله و وَلیَّةُ الله است، و کُفُو امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام می باشد.

کُفُو «کُفَاء» = مثل، مانند، همتا، شبیه، نظیر «مفردات راغب».

کُفُو در اصل به معنی همپراز در مقام و منزلت و قدر است، و سپس به هر گونه شبیه و مانند اطلاق شده است.^۱

ذیل یازدهمین و دوازدهمین و چهاردهمین فضیلت از فضائل بی شمار فاطمه زهرا سلام الله علیها در این کتاب شریف فاطمی در رابطه با حُجَّةُ الله بودن

۱. تفسیر نمونه، جلد بیست و هفتم، صفحه ۴۷۷، ذیل آیه چهارم سوره اخلاص.

و وَايَةُ اللَّهِ بَدُونِ وَ وَاجِبِ الْإِطَاعَةِ بَدُونِ حَضْرَةِ زَهْرَةَ سَلَامِ اللَّهِ عَلَيْهَا تَوْضِيحَاتٍ كَامِلَةٍ وَ جَامِعِيَّةٍ بِعَرَضٍ رَسِيدَةٍ.

ملاحظه فرمودید که:

كُفُوٌ يَعْنِي:

مثال، مانند، هم‌تراز، هم‌تا، شبیه، نظیر.

عَلَامَةُ امِينِي فِي رَابِطَةِ بَا كُفُوٌ بَدُونِ حَضْرَةِ زَهْرَةَ سَلَامِ اللَّهِ عَلَيْهَا بِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ

عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَيَّ كُوَيْد:

مَقْصُودُ رِيسَامِ أِكْرَمِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ أِزْ كُفُوٌ كَهْ فِي أَحَادِيثٍ وَ

رَوَايَاتٍ فِي شَأْنِ فَاطِمَةَ زَهْرَةَ سَلَامِ اللَّهِ عَلَيْهَا بَيَانِ شَدِّ حَيْسَتِ «كُفُوٌ بَدُونِ حَضْرَةِ

زَهْرَةَ سَلَامِ اللَّهِ عَلَيْهَا بِأَجُودِ مَقْدَسِ امِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ»؟

أَيَا مَنْظُورِ رِيسَامِ أِكْرَمِ، كُفُوٌ فِي مَالِ اسْتِ؟

أَيَا مَنْظُورِ رِيسَامِ أِكْرَمِ فِي كُفُوٌ بَدُونِ حَضْرَةِ زَهْرَةَ بَا حَضْرَةِ امِيرِ سَلَامِ اللَّهِ

عَلَيْهِمَا هَمَانْدِي فِي فِقْرِ وَ غِنَا اسْتِ؟

أَيَا مَنْظُورِ رِيسَامِ أِكْرَمِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ فِي كُفُوٌ بَدُونِ حَضْرَةِ زَهْرَةَ

بَا حَضْرَةِ امِيرِ سَلَامِ اللَّهِ عَلَيْهِمَا هَمْتَابِي فِي خَلْقَتِ ظَاهِرِي اسْتِ؟

بِهَ طُورِ قَطْعِ وَ يَقِينِ مَنْظُورِ رِيسَامِ أِكْرَمِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ فِي رَابِطَةِ بَا

كُفُوٌ بَدُونِ حَضْرَةِ زَهْرَةَ بَا حَضْرَةِ امِيرِ سَلَامِ اللَّهِ عَلَيْهِمَا اَيْنِ مَسَائِلِ وَ مَوْضُوعَاتِ

نَيْسَتِ،

بَلَكِهْ مَنْظُورِ رِيسَامِ أِكْرَمِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ فِي رَابِطَةِ بَا كُفُوٌ بَدُونِ

حَضْرَةِ زَهْرَةَ سَلَامِ اللَّهِ عَلَيْهَا بِأَحَضْرَةِ امِيرِ سَلَامِ اللَّهِ عَلَيْهِ، كُفُوٌ وَ هَمَانْدِي فِي

مَقَامِ وَايَةِ وَ صِفَاتِ وَ فِضَائِلِ اسْتِ،

أَرِي،

فَاعِمَةُ زَهْرَةَ سَلَامِ اللَّهِ عَلَيْهَا فِي شُؤْنِ وَايَةِ هَمْتَابِي امِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ

ایطالب علیه السلام می باشند «امیرالمؤمنین که سیدالاصیاء می باشد»،
همچنان که خود پیامبر اکرم چنین است،
یعنی:

همچنان که وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم:
رکن ایمان،
رکن اسلام،
رکن توحید،
رکن منطق و بیان،
و رکن حقیقت و شرف انسانی است،

به همان معنی و مفهوم، امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام و فاطمه
زهرا سلام الله علیها و دیگر ائمه معصومین علیهم السلام نیز رکن و اساس و
اصل و پایه و بنیاد می باشند.^۱

قبل از پرداختن به نقل احادیث شریفی که در رابطه با فاطمه زهرا سلام الله
علیها بوده و کفو بودن «مثل بودن، شبیه بودن، نظیر بودن، همانند بودن» آن
حضرت با امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام را بیان می فرماید، لازم
است به قطره ای از دریای بیکران فضائل و مناقب مولی الموحّدين امیرالمؤمنین
علی بن ابیطالب علیه السلام اشاره کنیم تا متوجه بشویم و بفهمیم که وجود
مقدس فاطمه زهرا سلام الله علیها مثل و مانند و شبیه و نظیر و همتا و همطراز
چه شخصیت استثنایی و بی نظیری می باشد،

با علم به این که هیچ کس قادر به شناخت واقعی فضائل و مناقب و مقامات
مولی الموحّدين امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام نیست،
و این موضوع، کلام و فرمایش نورانی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم

۱. فضائل حضرت زهرا سلام الله علیها، تألیف علامه امینی، صفحه ۲۰۱، موضوع هفتم، ذیل عنوان: مقام رُکنیت
حضرت زهرا سلام الله علیها نسبت به امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام.

می باشد که به امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام فرمود:

یا عَلِيُّ:

مَا عَرَفَ اللَّهُ إِلَّا أَنَا وَ أَنْتَ «مَا عَرَفَ اللَّهُ حَقَّ مَعْرِفَتِهِ غَيْرِي وَ غَيْرِكَ»

وَ مَا عَرَفَنِي إِلَّا اللَّهُ وَ أَنْتَ،

وَ مَا عَرَفَكَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَا «وَ مَا عَرَفَكَ حَقَّ مَعْرِفَتِكَ غَيْرُ اللَّهِ وَ غَيْرِي».

وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به امیرالمؤمنین علی بن

ابطالب علیه السلام فرمود:

ای علی:

خداوند متعال را کسی جز من و تو نشناخت،

مرا کسی جز خدا و تو نشناخت،

و تو را کسی جز خدا و من نشناخت «البته همه حضرات معصومین

علیهم السلام اینگونه هستند و رسیدن به حقیقت و گنه مقامات آن ذوات مقدسه

غیرممکن است، لیکن در این حدیث شریف به وجود مبارک پیامبر اکرم صلی

الله علیه و آله و سلم و امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام اشاره شده که

در صدر حضرات معصومین علیهم السلام واقع شده اند»^۱

۱. نفس نفیس خاتمیت، تألیف آیت الله وحید خراسانی، صفحه ۲۹۴، مجلس پانزدهم، علم امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام.

شرح جامعه کبیره «ادب فنای مقربان» تألیف آیت الله جوادی آملی.

جلد سوم، صفحه ۱۱۱، ذیل عنوان: وَ صِرَاطِهِ وَ نُورِهِ وَ بُرْهَانِهِ.

جلد هفتم، صفحه ۳۹۴، ذیل عنوان: وَ الرَّحْمَةُ الْمَوْصُولَةُ.

جلد هشتم، صفحه ۳۴، ذیل عنوان: الْآيَةُ الْمَخْرُوتَةُ.

جلد نهم، صفحه ۲۷۴، ذیل عنوان: مَطْبَعٌ لَكُمْ، عَارِفٌ بِحَقِّكُمْ.

شرح زیارت جامعه کبیره، تألیف آیت الله سید محمد تقی نقوی، صفحه ۵۲۲ «ذیل عنوان: لَا أُبَلِّغُ مِنَ الْمَدْحِ كُنْهَكُمْ».

شرح زیارت جامعه کبیره، تألیف علامه درودآبادی، صفحه ۱۷.

جَنَّةُ الْعَاصِمَةِ، تألیف آیت الله میرجهانی، صفحه ۳۱۶.

فصل دوازدهم، ذیل عنوان: ولایت کلیه فاطمه زهرا سلام الله علیها.

قطره ای از دریای فضائل اهل بیت علیهم السلام، تألیف آیت الله سید احمد مستنبت جلد اول، بخش دوم، صفحه

۳۵۷، حدیث ۱۵۳/۲۴۶.

آری،

وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها، کُفُو و همطراز و شبیه و نظیر و مثل و مانند وجود مبارک امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام می باشد که سیّد الاوصیاء و سیّد الوصیین است،

و بعد از وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم افضل و اشرف مخلوقات الهی است،

و دوّمین شخصیت عالم خلقت می باشد،

و غیر از خداوند متعال و پیامبر اکرم هیچ کس نمی تواند آنچنان که باید و شاید آن حضرت را بشناسد، یعنی:

رسیدن به حقیقت و کنه فضائل و مناقب و مقامات امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام غیر ممکن است.

قابل ذکر است که:

همه حضرات معصومین علیهم السلام اینگونه می باشند، یعنی:

رسیدن به حقیقت و کنه مقامات وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السلام غیر ممکن است،

و غیر از خداوند متعال و غیر از خود آن ذوات مقدّسه، هیچ کس نمی تواند به حقیقت و کنه فضائل و مناقب و مقامات آن بزرگواران برسد،

لیکن وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم، و بعد از آن حضرت، وجود مقدّس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام در صدر حضرات معصومین علیهم السلام واقع شده اند،

و لذا به طریق اولی رسیدن به حقیقت و کنه مقامات آن دو بزرگوار غیر ممکن است،

و فاطمه زهرا سلام الله علیها کُفُو و همطراز و همتا و شبیه و نظیر چنین

شخصیت عظیم الشانی است،

و به همین جهت است که رسیدن به حقیقت و کُنه مقامات آن علیا مخدّره نیز غیر ممکن است،

و این موضوع، مفاد و مضمون حدیث شریفی است که از وجود مقدّس امام صادق علیه السلام صادر شده که آن حضرت فرمودند:

إِنَّمَا سُمِّيَتْ فَاطِمَةَ لِأَنَّ الْخَلْقَ فُطِمُوا عَنْ مَعْرِفَتِهَا، یعنی:

وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها فاطمه نامیده شده،

زیرا تمام مخلوقات از شناختن آن حضرت بازگرفته شده و جدا شده‌اند،

یعنی:

به حقیقت و کُنه معرفت آن وجود مقدّس راه نیافته‌اند، و قادر به رسیدن به حقیقت و کُنه مقام آن علیا مخدّره نمی‌باشند.^۱

آیت الله میرجهانی در توضیح ذیل این حدیث شریف می‌گوید:

پس، پی بردن به کُنه مقام و حقیقت صاحبان ولایت مطلقه از محالات است، زیرا ملکه ولایت و اولوالامری غیر از ملکات عادی ظاهری است که اهل ظاهر بتوانند به کُنه آن برسند،

و فقط خود این ذوات مقدّسه و این چهارده وجود مقدّس که مخصوصین

۱. فاطمه زهرا سلام الله علیها حلقه وصل رسالت و امامت، تألیف آیت الله وحید خراسانی:

صفحه ۳۶ و ۳۷ «مجلس اوّل».

صفحه ۹۵ و ۹۶ «مجلس پنجم».

صفحه ۱۲۲ «مجلس ششم».

صفحه ۱۴۲ «مجلس هشتم».

سوگنامه فدک، تألیف آیت الله سید محمدتقی نقوی، صفحه ۷۹.

جَنَّة العاصمه، تألیف آیت الله میرجهانی، فصل دوازدهم، صفحه ۳۱۲.

جلوه نور، تألیف آیت الله سعادت پرور، فصل ۱۲، صفحه ۱۰۴، حدیث هشتم.

قطره‌ای از دریای فضائل اهل بیت علیهم السلام، تألیف آیت الله سید احمد مستنبت، جلد اوّل، بخش سوّم، صفحه

۴۱۳، حدیث ۱۸/۲۶۹.

خصائص فاطمیّه، تألیف آیت الله کجوری مازندرانی، خصیصه چهل و ششم، صفحه ۸۱۰.

فاطمه زهرا سرور دل پیامبر اکرم، تألیف آیت الله رحمانی همدانی، فصل ۱۵، صفحه ۱۹۴، حدیث ۳.

به این منصب خدایی هستند «دارا بودن ولایت مطلقه و اولی الامر بودن» می توانند به حقیقت و گنه مقامات یکدیگر پی ببرند.^۱

همانطور که ملاحظه فرمودید و انشاء الله تعالی در خاتمه بحث و در بخش حدیث ملاحظه خواهید فرمود، فاطمه زهرا سلام الله علیها کفو و همطراز و همتا و شبیه و نظیر و مثل و مانند مولی الموحّدين امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام می باشد که دوّمین شخصیت عالم خلقت است.

برای این که اهمیت قضیه روشن شود لازم است به قطره ای از دریای بیکران فضائل و مناقب مولی الموحّدين امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام اشاره شود تا معلوم گردد که فاطمه زهرا سلام الله علیها کفو و همطراز و همتا و هم رتبه چه شخصیت ممتاز و بی نظیری است «بعد از وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم».

* منقبت اول:

وجود مقدّس مولی الموحّدين امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام شاهد بر رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می باشد، و دو آیه شریفه ذیل به این مطلب اشاره دارند که به اختصار راجع به آنها توضیحاتی ارائه خواهد شد.

الف: آیه ۱۷ سوره هود «أَفَمَنْ كَانَ عَلَىٰ بَيْتَةٍ مِنْ رَبِّهِ وَ يُتْلُوهُ شَاهِدٌ مِنْهُ، وَ مِنْ قَبْلِهِ كِتَابٌ مُوسَىٰ إِمَامًا وَ رَحْمَةً، أُولَٰئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ، وَ مَنْ يَكْفُرْ بِهِ مِنَ الْأَحْزَابِ فَالنَّارُ مَوْعِدُهُ».

ب: آیه ۴۳ سوره رعد «وَ يَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسْتَ مُرْسَلًا، قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَ بَيْنَكُمْ وَ مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ».

۱. جَنَّةُ الْعاصِمِ، تَأْلِيفُ آيَاتِ اللَّهِ سَيِّدِ مُحَمَّدِ حَسَنِ مِيرْجَهَانِي، صَفْحَةُ ۳۱۱ تا ۳۱۶، فَصْلُ دَوَاذِمِ، ذَيْلُ عُنْوَانِ: وَ لَآيَةُ كَلْبِيَّةِ فَاطِمَةَ زَهْرَا سَلَامَ اللَّهِ عَلَيْهَا.

ابتدا می پردازیم به بخش الف «آیه ۱۷ سوره هود»، و پس از ارائه توضیحات مختصری راجع به این آیه شریفه «آیه ۱۷ سوره هود» به احادیث شریفی اشاره می کنیم که صراحتاً اعلام می کنند که وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام شاهد بر رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می باشد.

الف: آیه ۱۷ سوره هود

خداوند متعال در آیه ۱۷ سوره هود می فرماید:

أَفَمَنْ كَانَ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّهِ وَيَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِّنْهُ، وَمِن قَبْلِهِ كِتَابُ مُوسَىٰ إِمَامًا وَرَحْمَةً، أُولَٰئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ، وَمَنْ يَكْفُرْ بِهِ مِنَ الْأَحْزَابِ فَالنَّارُ مَوْعِدُهُ، یعنی:

خداوند متعال می فرماید:

آیا کسی که دلیل و برهان آشکاری از جانب پروردگار خود دارد،

و شاهد و گواهی نیز بر صدق گفته های خویش دارد،

و پیش از این نیز شاهد و گواهی بر صدق گفته های خود داشته، آیا:

این فرد و این شخص همانند کسی است که این صفات و این نشانه های

روشن و آشکار را ندارد،

آنها «افراد حقیقت طلب و حقیقت جو» به او ایمان می آورند «به کسی که

دارای دلیل و برهان روشن و آشکار از جانب خداوند متعال می باشد»، و هر

کس از گروه های مختلف به او کافر شود وعده گاه او آتش جهنم می باشد

«جایگاه او آتش جهنم است».^۱

شرح لغات و توضیحات

بَيِّنَةٌ = دلیل، برهان، دلیل روشن و آشکار، اعم از این که این دلیل روشن و

۱. مجمع البیان، جلد دوازدهم، صفحه ۲۸ «ذیل آیه ۱۷ سوره هود».

تفسیر نمونه، جلد نهم، صفحه ۷۰ «ذیل آیه ۱۷ سوره هود».

آشکار، دلیل روشن عقلی باشد یا دلیل روشن حسّی.

تَلُو = دنبال، پی.

تالی = دنباله‌رو، پیرو، تابع^۱.

در آیات قبل آمده که کفّار و مشرکین به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم تهمت می‌زدند که پیامبر اکرم قرآن کریم را به دروغ به خداوند متعال نسبت می‌دهد، یعنی:

نعوذ بالله قرآن کریم از جانب خداوند متعال نیست و پیامبر اکرم آن را به دروغ به خداوند متعال نسبت می‌دهد.

آنگاه خداوند متعال به پیامبر اکرم دستور می‌فرماید که:

ای پیامبر:

به کفّار و مشرکین بگو که:

اگر این قرآن ساختگی است «ساخته دست بشر است»، و به دروغ به خداوند متعال نسبت داده می‌شود، شما هم ده سوره ساختگی همانند سوره‌های قرآن کریم بیاورید.

پس از این قضایا خداوند متعال آیه ۱۷ سوره هود را نازل فرمود تا تسکینی باشد بر قلب مبارک پیامبر اکرم،

ضمن این‌که به آن حضرت بفرماید تا از گفته‌های دیگران بیم به خودش راه ندهد.

خداوند متعال در این آیه شریفه «آیه ۱۷ سوره هود» می‌فرماید:

أَفَمَنْ كَانَ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّهِ، یعنی:

آیا کسی که دلیل و برهان روشن و آشکاری از جانب پروردگارش دارد. مقصود از این فرد و این کس در این آیه شریفه وجود مقدّس پیامبر اکرم

صلی الله علیه و آله و سلم می باشد،

و مقصود از بینه «دلیل و برهان روشن و آشکار» در این آیه شریفه قرآن کریم است.

بنابراین:

معنی آیه شریفه تا اینجا این می شود که:

خداوند متعال می فرماید:

ایا حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم که بینه‌ای «دلیل و برهان روشن و آشکار» مانند قرآن کریم از جانب پروردگارش به همراه دارد.

و یَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِنْهُ، یعنی:

و شاهد و گواهی نیز بر صدق گفته‌های خویش دارد، یعنی:

پیامبر اکرم را کسی پیروی می کند که شاهد و گواه بر صدق گفته‌های پیامبر است.

انشاء الله تعالی در ادامه بحث و در بخش حدیث به عرض خواهد رسید که مقصود از کسی که شاهد و گواه بر صدق گفته‌های پیامبر اکرم می باشد وجود مقدس مولی الموحّدين امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام می باشد.

و مِنْ قَبْلِهِ كِتَابُ مُوسَى إِمَامًا وَ رَحْمَةً، یعنی:

و قبل از آن در کتاب حضرت موسی یعنی در تورات که امام و پیشوا است و رحمت خداوند متعال می باشد این قضیه آمده است.

یعنی:

تورات که امام و پیشوا است و رحمت خداوند متعال می باشد این مطلب را بیان می فرماید که:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به رسالت مبعوث خواهد شد، یعنی: در تورات، مژده و بشارت آمدن حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم

آمده است.

تا اینجا معنی آیه شریفه این می شود که:

خداوند متعال می فرماید:

آیا وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم که بیینه و دلیل روشن و آشکاری مانند قرآن کریم را به همراه دارد،

و امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام نیز شاهد و گواه بر صدق گفته های آن حضرت «یعنی پیامبر اکرم» می باشد،

و تورات نیز به رسالت و نبوت آن حضرت مژده و بشارت داده، آیا:

این پیامبر «یعنی پیامبر اکرم» با داشتن این اوصاف و صفات مانند کسی است

که این صفات را ندارد.

از اول آیه شریفه تا اینجا مبتدا است، یعنی:

أَفَمَنْ كَانَ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّهِ وَيَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِنْهُ وَمِنْ قَبْلِهِ كِتَابُ مُوسَىٰ إِمَامًا وَرَحْمَةً

مبتدا است و خبر آن محذوف است «حذف شده است».

خبر محذوف ممکن است كَمَنْ لَيْسَ كَذَلِكَ باشد،

یا ممکن است كَمَنْ يُرِيدُ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا باشد، یا نظیر این مطالب، و در این

صورت آیه شریفه با خبر محذوف آن اینگونه می شود که «تقدیر آن چنین

می شود که»:

أَفَمَنْ كَانَ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّهِ وَيَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِنْهُ وَمِنْ قَبْلِهِ كِتَابُ مُوسَىٰ إِمَامًا وَرَحْمَةً

كَمَنْ لَيْسَ كَذَلِكَ، یا:

أَفَمَنْ كَانَ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّهِ وَيَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِنْهُ وَمِنْ قَبْلِهِ كِتَابُ مُوسَىٰ إِمَامًا وَرَحْمَةً

كَمَنْ يُرِيدُ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا، یعنی:

آیا حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم که بیینه و دلیل روشن و

آشکاری مانند قرآن کریم را به همراه دارد،

و شخصی مانند امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام از آن حضرت پیروی می کند و شاهد و گواه بر صدق گفته های او است، و در تورات نیز مژده و بشارت آمدن او «یعنی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم» داده شده است،

آیا این شخص «یعنی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم» مانند کسی است که این صفات و مشخصات را ندارد، یا مانند کسی است که طالب دنیا است. خلاصه کلام این که:

آیا پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم با داشتن این اوصاف و این صفات: «۱- به همراه داشتن قرآن کریم و وحی الهی،

۲- داشتن شاهد و گواهی مانند امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام،

۳- بشارت داده شدن به آمدن آن حضرت و بشارت داده شدن به رسالت

آن حضرت در تورات»،

مانند کسی است که این اوصاف را ندارد،

یا مانند کسی است که طالب دنیا است.

قابل ذکر است که:

استفهام در این آیه شریفه استفهام انکاری است،

لیکن منظور آن تقریر مطلب می باشد، لذا:

معنی آیه شریفه این می شود که:

وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم با داشتن این سه صفت

و سه ویژگی:

«۱- به همراه داشتن قرآن کریم،

۲- داشتن شاهد و گواهی مانند امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام که

به رسالت و نبوت آن حضرت شهادت و گواهی می دهد،
 ۳- بشارت داده شدن به آمدن آن حضرت و بشارت داده شدن به رسالت
 آن حضرت در تورات»،

هرگز مانند کسی نیست که این سه صفت و سه ویژگی را ندارد،
 و یا:

هرگز مثل کسی نیست که طالب دنیا است.

در ادامه آیه شریفه «آیه ۱۷ سوره هود» آمده است که:
 أُولَئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ، یعنی:

افرد حقیقت جو و حقیقت طلب به چنین پیامبری ایمان می آورند، یعنی:
 افراد حق طلب و حقیقت جو به چنین پیامبری که این همه دلایل روشن و
 آشکاری به همراه دارد «سه صفت و سه ویژگی که در سطور قبل به آن اشاره
 شد» ایمان می آورند.

در ادامه آیه شریفه به سرنوشت منکرین رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و
 آله و سلم اشاره شده و آمده که:

وَمَنْ يَكْفُرْ بِهِ مِنَ الْأَحْزَابِ فَالنَّارُ مَوْعِدُهُ، یعنی:

هرکس از گروه های مختلف «اعم از یهود و نصاری و مشرکین و...» به
 پیامبر اکرم و رسالت آن حضرت ایمان نیاورد آتش جهنم جایگاه و وعده گاه
 او می باشد.

همانطور که ملاحظه فرمودید:

حَقَائِيتِ رسالت و نبوت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و صحّت و
 صدق فرمایش آن حضرت «مبنی بر این که رسول خداوند متعال می باشد و از
 جانب خداوند متعال مبعوث به رسالت شده تا مردم را به راه راست هدایت
 نماید» از سه طریق بیان شده و اثبات گردیده است، به قرار ذیل:

۱- اولین علامت و دلیل آشکار و روشن مبنی بر این که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم از جانب خداوند متعال مبعوث به رسالت شده قرآن کریم است، یعنی:

قرآن کریم بیّنه و دلیل روشنی است که از جانب خداوند متعال به وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نازل شده است، و این مطلب را خود قرآن کریم بیان نموده و در آیه ۸۸ سوره اسراء می فرماید:

قُلْ لِّئِنْ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَىٰ أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَلَا كُنَّا بِعَعْضِهِمْ لَبِئْسَ ظَهِيرًا، یعنی:

خداوند متعال به پیامبر اکرم می فرماید:

ای پیامبر:

به مردم بگو:

اگر تمام انسان‌ها و تمام اجنّه اجتماع و اتفاق کنند تا همانند این قرآن را بیاورند، هرگز قادر به این کار نخواهند بود، هر چند برای انجام این کار یکدیگر را کمک نمایند.

این آیه شریفه «آیه ۸۸ سوره اسراء» با صراحت هرچه تمام‌تر همه مردم جهان اعم از عرب، فارس، و...،

و همه دانشمندان و فلاسفه و ادبا و نوابغ و در یک کلام همه انسان‌ها را بدون استثناء دعوت به مقابله با قرآن نموده و می فرماید:

اگر فکر می کنید که قرآن کریم سخن و کلام خداوند متعال نیست و ساخته فکر و مغز بشر می باشد، شما هم انسان هستید پس شبیه و مانند قرآن کریم را بیاورید،

و هرگاه بعد از تلاش و کوشش همگانی، خودتان را ناتوان یافتید، این بهترین دلیل بر معجزه بودن قرآن کریم است،

و بهترین دلیل است که قرآن کریم از ناحیه خداوند قادر متعال به پیامبر اکرم نازل شده است.

این دعوت به مقابله که در اصطلاح علماء تحدی نامیده می شود مهم ترین رکن هر معجزه ای می باشد.

۲- دومین علامت و دلیل آشکار و روشن مبنی بر این که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم از جانب خداوند متعال مبعوث به رسالت شده این است که وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام به رسالت و نبوت آن حضرت شهادت و گواهی می دهد.

در علو مقام مولی الموحّدین امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام همین بس که خداوند متعال آن حضرت را شاهد و گواه بر رسالت و نبوت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم معرفی می فرماید.

۳- سومین علامت و دلیل روشن و آشکار مبنی بر این که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم از جانب خداوند متعال مبعوث به رسالت شده این است که در کتاب حضرت موسی یعنی در تورات، نشانه ها و مشخصات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم دقیقاً بیان شده و آمدن آن حضرت و مبعوث به رسالت شدن آن حضرت بشارت داده شده است.^۱

احادیث ذیل صراحتاً بیان می فرمایند که مقصود از شاهد «گواه» در این آیه شریفه «آیه ۱۷ سوره هود» وجود مبارک مولی الموحّدین امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام می باشد که شاهد و گواه بر رسالت و نبوت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بود «شاهد و گواه بر صدق فرمایشات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم».

۱. مجمع البیان، جلد دوازدهم، صفحه ۲۸ تا ۳۰ «ذیل آیه ۱۷ سوره هود».

المیزان، جلد نوزدهم، صفحه ۲۸۷ و ۲۸۸ «ذیل آیه ۱۷ سوره هود».

تفسیر نمونه، جلد نهم، صفحه ۷۰ تا ۷۲، ۷۵ و ۷۶ «ذیل آیه ۱۷ سوره هود».

حدیث:

۱- وجود مقدّس امام رضا علیه السّلام درباره این آیه شریفه «أَفَمَنْ كَانَ عَلَىٰ بَيْتَةٍ مِنْ رَبِّهِ وَيَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِنْهُ - آیه ۱۷ سوره هود» فرمودند:

مقصود از شاهد «گواه» در این آیه شریفه وجود مقدّس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام می باشد که شاهد و گواه بر رسالت و نبوت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم می باشد «شاهد و گواه بر صدق فرمایشات پیامبر اکرم»،

و مقصود از کسی که بینه و دلیل روشن و آشکاری از جانب خداوند متعال داشت وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم می باشد. این حدیث شریف را احمد بن عمر حلال از وجود مقدّس امام رضا علیه السّلام نقل نموده است.^۱

۲- وجود مقدّس مولی الموحّدین امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام فرمودند:

اگر مسند قضاوت را برای من بگسترانند «اگر به قدرت برسم و حکم و قضاوت از آن من باشد»،

در میان یهودیان با تورات،

در میان مسیحیان با انجیل،

در میان پیروان زبور با زبور،

و در میان پیروان قرآن «بین مسلمانان» براساس قرآن قضاوت می کنم،

آنچنان قضاوتی که مورد قبول ذات اقدس اله واقع شود.

۱. اصول کافی، جلد اول، صفحه ۲۷۰، حدیث ۳ «حدیث ۴۹۳».

تفسیر صافی، جلد سوم، صفحه ۴۳۹ «ذیل آیه ۱۷ سوره هود».

تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۱۴۰، حدیث ۲ «ذیل آیه ۱۷ سوره هود».

تفسیر نورالثقلین، جلد سوم، صفحه ۴۵۵، حدیث ۳۶ «حدیث ۴۶۴۱» «ذیل آیه ۱۷ سوره هود».

المیزان، جلد نوزدهم، صفحه ۳۰۵ و ۳۰۶ «ذیل آیه ۱۷ سوره هود».

وجود مقدّس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام در ادامه فرمایش خویش فرمودند:

به خدا قسم تک تک آیات شریفه قرآن کریم را می شناسم، و می دانم که درباره چه کسی نازل شده است.

در این هنگام مردی از جای خود برخاست و به امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام عرض کرد:

یا امیرالمؤمنین:

درباره شما «درباره خودت» چه آیه ای نازل شده است؟

وجود مقدّس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام این آیه شریفه را «أَمَّنْ كَانَ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّهِ وَيَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِنْهُ - آیه ۱۷ سوره هود» تلاوت نموده و فرمودند:

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم از جانب خداوند متعال بینه و دلیل روشن و آشکاری دارند «یعنی قرآن کریم»،

و من هم شاهد و گواه بر صدق فرمایشات آن حضرت می باشم «شاهد و گواه بر صدق فرمایشات پیامبر اکرم مبنی بر این که آن حضرت رسول خدا هستند».

این حدیث شریف را اصبع بن نباته از وجود مقدّس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام نقل نموده است.^۱

۱. تفسیر صافی، جلد سوم، صفحه ۴۴۰ «ذیل آیه ۱۷ سوره هود».

تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۱۴۰، حدیث ۳ «ذیل آیه ۱۷ سوره هود».

تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۱۴۱، حدیث ۴ «ذیل آیه ۱۷ سوره هود».

تفسیر نورالثقلین، جلد سوم، صفحه ۴۵۵، حدیث ۳۷ «حدیث ۴۶۴۲» «ذیل آیه ۱۷ سوره هود».

تفسیر نورالثقلین، جلد سوم، صفحه ۴۵۵، حدیث ۴۰ «حدیث ۴۶۴۵» «ذیل آیه ۱۷ سوره هود».

المیزان، جلد نوزدهم، صفحه ۳۰۶ «بحث روایتی ذیل آیه ۱۷ سوره هود».

۳- وجود مقدّس امام صادق علیه السّلام فرمودند:

وجود مبارک امام مجتبی علیه السّلام در جمعی که معاویه بن ابی سفیان نیز در آن جمع حاضر بود خطبه‌ای ایراد فرموده و طیّ بیانات نورانی خویش فرمودند: ای جماعت:

کلام مرا بشنوید و آن را به خاطر بسپارید،

و آنگاه امام مجتبی صلوات الله و سلامه علیه فرمودند:

ما اهل بیتی هستیم که خداوند متعال ما را برگزید و انتخاب فرمود،

و رجس و پلیدی را از ما دور کرد،

و ما را به خوبی تطهیر فرمود «اشاره به آیه ۳۳ سوره احزاب که به آیه تطهیر

معروف می‌باشد»،

خداوند متعال ما را از هر عیب و نقصی پاک نموده،

و وجود ما را پاک و مطهّر نموده است.

وجود مبارک امام مجتبی صلوات الله و سلامه علیه در ادامه فرمایش خویش

فرمودند:

خداوند متعال قرآن کریم را به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم نازل

فرموده و آن حضرت را مبعوث به رسالت نمودند،

و پدرم امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام اولین کسی بود که دعوت

خدا و رسول را اجابت نمود،

و اولین کسی بود که خدا و رسول خدا را تصدیق نمود.

وجود مبارک امام مجتبی سلام الله علیه آنگاه این آیه شریفه را «أَقَمْنُ كَانَ عَلِيّ

بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّهِ وَ يَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِنْهُ - آیه ۱۷ سوره هود» را تلاوت نموده و فرمودند:

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم دارای بینه است «یعنی

قرآن کریم را به همراه دارد»،

و پدرم امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام شاهد و گواه بر رسالت جدم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می باشد.
این حدیث را عبدالرحمن بن کثیر از وجود مقدس امام صادق علیه السلام نقل نموده است.^۱

۴ - عباد بن عبدالله نقل می کند که:

مردی از وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام سؤال کرد:
یا اباالحسن:

درباره این آیه شریفه «أَفَمَنْ كَانَ عَلَىٰ بَيْتَةٍ مِنْ رَبِّهِ وَ يُتْلُوهُ شَاهِدٌ مِنْهُ، آیه ۱۷ سوره هود» توضیح بفرماید.

وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام فرمود:
وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بینه و دلیل روشن و آشکاری از جانب خداوند متعال داشت «یعنی قرآن کریم»،
و من نیز شاهد و گواه آن حضرت هستم «من نیز شاهد و گواه بر رسالت آن حضرت هستم».^۲

۵- وجود مقدس امام باقر علیه السلام درباره این آیه شریفه «أَفَمَنْ كَانَ عَلَىٰ بَيْتَةٍ مِنْ رَبِّهِ وَ يُتْلُوهُ شَاهِدٌ مِنْهُ - آیه ۱۷ سوره هود» فرمودند:
منظور از کسی که از جانب خداوند متعال بینه و دلیل آشکاری دارد وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می باشد،
و منظور از کسی که شاهد و گواه بر رسالت پیامبر اکرم می باشد وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام است.

۱. تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۱۴۱، حدیث ۵ «ذیل آیه ۱۷ سوره هود».

المیزان، جلد نوزدهم، صفحه ۳۰۶ «بحث روایتی ذیل آیه ۱۷ سوره هود».

۲. تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۱۴۲، حدیث ۶ «ذیل آیه ۱۷ سوره هود».

المیزان، جلد نوزدهم، صفحه ۳۰۶ و ۳۰۷ «بحث روایتی ذیل آیه ۱۷ سوره هود».

این حدیث را برید بن معاویه عجلای از وجود مقدس امام باقر علیه السلام نقل نموده است.^۱

۶- وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام درباره این آیه شریفه «أَفَمَنْ كَانَ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّهِ وَ يُتْلُوهُ شَاهِدٌ مِنْهُ - آیه ۱۷ سوره هود» فرمودند: منظور از أَفَمَنْ كَانَ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّهِ وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می باشد، و منظور از يُتْلُوهُ شَاهِدٌ مِنْهُ من هستیم.

این حدیث را جابر بن عبدالله از امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام نقل نموده است.^۲

۷- ابن کوّاء از امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام سؤال کرد: یا اباالحسن:

خداوند متعال راجع به تو چه آیه ای نازل فرموده است؟

وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام در پاسخ به سؤال ابن کوّاء این آیه شریفه را «أَفَمَنْ كَانَ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّهِ وَ يُتْلُوهُ شَاهِدٌ مِنْهُ - آیه ۱۷ سوره هود» تلاوت فرمودند.^۳

۸- فردی به امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام عرض کرد: یا اباالحسن:

مرا از فضائل و مناقب خویش آگاه نما،

و مهم ترین و بالاترین آن ها را برای من بیان فرما.

۱. تفسیر صافی، جلد سوم، صفحه ۴۴۰ «ذیل آیه ۱۷ سوره هود».

تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۱۴۴، حدیث ۸ «ذیل آیه ۱۷ سوره هود».

تفسیر نمونه، جلد نهم، صفحه ۷۵ «ذیل آیه ۱۷ سوره هود».

۲. مجمع البیان، جلد دوازدهم، صفحه ۲۹ «ذیل آیه ۱۷ سوره هود».

المیزان، جلد نوزدهم، صفحه ۳۰۷ «بحث روایتی ذیل آیه ۱۷ سوره هود».

تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۱۴۵، حدیث ۱۲ «ذیل آیه ۱۷ سوره هود».

۳. تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۱۴۶، حدیث ۱۵ «ذیل آیه ۱۷ سوره هود».

وجود مقدّس امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام به او فرمود:
فضائل و مناقبی که در آیات شریفه قرآن کریم آمده است یا سایر فضائل؟
آن شخص به امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام عرض کرد:
یا اباالحسن:

خداوند متعال چه آیاتی را در شأن شما نازل فرموده است؟
وجود مقدّس امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام چند آیه از آیات
شریفه قرآن کریم را تلاوت فرمودند که یکی از آن آیات شریفه آیه ۱۷ سوره
هود «أَفَمَنْ كَانَ عَلَىٰ بَيْتَةٍ مِنْ رَبِّهِ وَ يُتْلُوهُ شَاهِدٌ مِنْهُ» بود،
و یک آیه شریفه دیگر آیه ۴۳ سوره رعد «وَ يَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسْتَ مُرْسَلًا،
قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَ بَيْنَكُمْ وَ مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ» بود که انشاء الله تعالی
در ادامه بحث و در بخش «ب» راجع به این آیه شریفه «آیه ۴۳ سوره رعد»
توضیحاتی ارائه خواهد شد.

این حدیث را سلیم بن قیس از امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام
نقل نموده است.^۱

۹- فردی از زنادقه از وجود مقدّس امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام
درباره آیات متشابه قرآن کریم و آیات شریفه‌ای که نیاز به تأویل دارند سؤال
نمود، که از جمله آنها این قسمت از آیه ۱۷ سوره هود می‌باشد که خداوند
متعال می‌فرماید:

وَ يُتْلُوهُ شَاهِدٌ مِنْهُ.

وجود مقدّس امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام در پاسخ به سؤال
فرد زندیق و در توضیح این قسمت از آیه ۱۷ سوره هود «وَ يُتْلُوهُ شَاهِدٌ مِنْهُ»

۱. احتجاج طبرسی، جلد اول، صفحه ۳۳۵، حدیث ۶۵.

تفسیر صافی، جلد سوم، صفحه ۴۴۰ و ۴۴۱ «ذیل آیه ۱۷ سوره هود».

تفسیر نورالثقلین، جلد سوم، صفحه ۴۵۷، حدیث ۴۲ «حدیث ۴۶۴۷» «ذیل آیه ۱۷ سوره هود».

فرمود:

مراد از شاهد در این آیه شریفه «آیه ۱۷ سوره هود» همان حَجَّت خداوند متعال است که خداوند متعال بر مخلوقات خویش اقامه فرموده و او را به مردم معرفی می فرماید و به مردم می فهماند که:

هیچ کس غیر از حَجَّت خداوند متعال شایستگی جانشینی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را ندارد «مقصود از شاهد در این آیه شریفه حَجَّت خداوند متعال است و فقط حَجَّت خداوند متعال شایستگی و صلاحیت جانشینی پیامبر اکرم را دارد»،

و فقط و فقط کسی می تواند جانشین و جایگزین پیامبر اکرم باشد که مانند آن حضرت مطهر و پاک باشد «یعنی مقام عصمت داشته باشد»، لذا: کسی که رجس و پلیدی و کفر و شرک و گناه دامن او را آلوده کرده باشد استحقاق و صلاحیت جانشینی پیامبر اکرم را نخواهد داشت.

حدیث شریف مفصل تر و طولانی تر از این است که ملاحظه فرمودید، و فقط به قسمتی از حدیث شریف که به آیه ۱۷ سوره هود مربوط می شد اشاره گردید.^۱
۱۰- وجود مقدس امام باقر و امام رضا سلام الله علیهما درباره این آیه شریفه «أَقْمَنُ كَأَن عَلَى بَيْتِي مِنْ رَبِّي وَ يَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِنْهُ - آیه ۱۷ سوره هود» فرمودند:

منظور از شاهد مِنْهُ در این آیه شریفه «آیه ۱۷ سوره هود» وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام می باشد که بر صدق گفتار پیامبر اکرم و بر حَقانیت رسالت آن حضرت گواهی و شهادت می دهد.^۲

۱. احتجاج طبرسی، جلد اول، صفحه ۵۲۹ تا ۵۷۸ «صفحه ۵۵۸» صفحه ۱۳۷ «احتجاج حضرت امیر علیه السلام بر فرد زندیق».

تفسیر صافی، جلد سوم، صفحه ۴۴۱ «ذیل آیه ۱۷ سوره هود».

۲. مجمع البیان، جلد دوازدهم، صفحه ۲۹ «ذیل آیه ۱۷ سوره هود».

تفسیر صافی، جلد سوم، صفحه ۴۳۹ «ذیل آیه ۱۷ سوره هود».

تفسیر نورالثقلین، جلد سوم، صفحه ۴۵۹، حدیث ۴۶ «حدیث ۴۶۵۱» «ذیل آیه ۱۷ سوره هود».

توضیح:

علمای اهل سنت نیز در کتب خویش نقل نموده‌اند که مقصود از شاهد در این آیه شریفه «آیه ۱۷ سوره هود» امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام می‌باشد که به عنوان نمونه به تعدادی از آن‌ها اشاره می‌شود.

۱- حافظ ابونعیم که از علمای معروف اهل سنت می‌باشد به سه طریق نقل نموده که:

امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام درباره این آیه شریفه «أَفَمَنْ كَانَ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّهِ وَيَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِنْهُ - آیه ۱۷ سوره هود» فرمودند:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بیّنه و دلیل آشکاری از جانب خداوند متعال دارد «یعنی قرآن کریم»،

و من شاهد و گواه بر آن حضرت هستم.^۱

۲- ابن مغزلی در تفسیر این آیه شریفه «أَفَمَنْ كَانَ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّهِ وَيَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِنْهُ - آیه ۱۷ سوره هود» می‌گوید:

امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام فرمودند:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم دارای بیّنه و دلیل آشکاری از جانب خداوند متعال بود «یعنی قرآن کریم»،

و من نیز شاهد و گواه بر آن حضرت هستم.^۲

۳- ثعلبی در تفسیر خویش نقل می‌کند که حضرت علی علیه السلام فرمودند: منظور از *يَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِنْهُ* در آیه ۱۷ سوره هود من هستم که شاهد و گواه بر

۱. تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۱۴۵، حدیث ۱۳ «ذیل آیه ۱۷ سوره هود».

المیزان، جلد نوزدهم، صفحه ۳۰۷ «بحث روایتی ذیل آیه ۱۷ سوره هود».

۲. تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۱۴۶، حدیث ۱۷ «ذیل آیه ۱۷ سوره هود».

المیزان، جلد نوزدهم، صفحه ۳۰۷ «بحث روایتی ذیل آیه ۱۷ سوره هود».

رسالت پیامبر اکرم می باشم.^۱

۴- ابن مغازلی از عباد بن عبدالله نقل می کند که:

شنیدم امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام فرمودند:
من همه آیات شریفه قرآن کریم را می دانم که چه زمانی نازل شده اند و در
رابطه با چه افرادی می باشند.

در این هنگام مردی از جای خود بلند شد و به آن حضرت عرض کرد:
یا امیرالمؤمنین:

درباره خودت چه آیه ای نازل شده است؟

وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام این آیه شریفه را
«أَقَمَنْ كَانَ عَلَى بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّهِ وَ يُتْلُوهُ شَاهِدٌ مِنْهُ - آیه ۱۷ سوره هود» تلاوت نموده
و فرمودند:

وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بینه و دلیل آشکاری از
جانب خداوند متعال به همراه داشت «یعنی قرآن کریم»،
و من نیز شاهد و گواه بر آن حضرت هستم.^۲

ملاحظه فرمودید که:

طبق این آیه شریفه «آیه ۱۷ سوره هود» و احادیث ذیل این آیه شریفه که
شیعه و سنی آن را نقل نموده اند منظور از يُتْلُوهُ شَاهِدٌ مِنْهُ در این آیه شریفه «آیه
۱۷ سوره هود» وجود مقدس مولی الموحّدين امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب
علیه السلام می باشد که شاهد و گواه بر رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله
و سلم و شاهد و گواه بر صدق فرمایشات آن حضرت می باشد.

۱. تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۱۴۷، حدیث ۲۱ «ذیل آیه ۱۷ سوره هود».

المیزان، جلد نوزدهم، صفحه ۳۰۷ «بحث روایتی ذیل آیه ۱۷ سوره هود».

۲. تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۱۴۸، حدیث ۲۳ «ذیل آیه ۱۷ سوره هود».

المیزان، جلد نوزدهم، صفحه ۳۰۷ «بحث روایتی ذیل آیه ۱۷ سوره هود».

در عظمت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام همین بس که خداوند متعال آن حضرت را شاهد و گواه بر رسالت و نبوت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم معرفی می فرماید.

پس از ارائه توضیحات لازم در رابطه با بخش «الف» و آیه ۱۷ سوره هود، می پردازیم به بخش «ب» که در رابطه با آیه ۴۳ سوره رعد می باشد.
ب: آیه ۴۳ سوره رعد.

خداوند متعال در آیه ۴۳ سوره رعد به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید:

وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسْتَ مُرْسَلًا، قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ، یعنی:

خداوند متعال به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید:
ای پیامبر:

کافران می گویند تو فرستاده خدا نیستی «کافران می گویند تو پیامبر نیستی»،
ای پیامبر:

به آنها بگو:

شهادت خداوند متعال،

و شهادت کسی که علم کتاب نزد او است میان من و شما کافی است، یعنی:
ای پیامبر:

به کافران بگو:

شهادت و گواهی دادن خداوند متعال به رسالت و نبوت من،

و شهادت و گواهی دادن کسی که علم کتاب نزد او است «به رسالت و نبوت من» برای صدق ادعای من کافی است.^۱

۱. مجمع البیان، جلد سیزدهم، صفحه ۸۷ و ۹۰ «ذیل آیه ۴۳ سوره رعد».

شرح لغات و توضیحات

رَسُول = فرستاده شده، کسی که مأمور رساندن پیام از کسی به کس دیگر باشد، سفیر، قاصد، پیامبر.

مُرْسِل = ارسال کننده، فرستنده، پیغام فرستنده.

مُرْسَل = فرستاده شده، پیغام آور، پیامبر، نبی.

مُرْسَلین = پیامبران.

شهِید = شاهد، گواه.^۱

خداوند متعال در این آیه شریفه «آیه ۴۳ سوره رعد» به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید:

وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسْتَ مُرْسَلًا، یعنی:

ای پیامبر:

کافران می‌گویند که تو پیامبر نیستی و از جانب خداوند متعال فرستاده نشده‌ای.

در ادامه آیه شریفه خداوند متعال پیامبر اکرم را مورد خطاب قرار داده و به آن حضرت می‌فرماید:

قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ، یعنی:

ای پیامبر:

به کافران بگو:

شهادت و گواهی خداوند متعال،

و شهادت و گواهی کسی که تمام علم کتاب نزد او است برای صدق ادعای پیامبری من کافی است.

به عبارت دیگر:

معنی این قسمت از آیه شریفه این می شود که:

خداوند متعال به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید:

ای پیامبر:

در جواب کافران که به تو می گویند تو فرستاده خدا نیستی و پیامبر نمی باشی

به آنها بگو:

من برای اثبات ادّعی پیامبری و رسالتم دو شاهد و دو گواه دارم،

و این دو شاهد و این دو گواه برای اثبات ادّعی رسالت من کافی است،

و این دو شاهد و این دو گواه من عبارتند از:

۱- خداوند متعال، یعنی:

خداوند متعال شهادت و گواهی می دهد که من پیامبر هستم و فرستاده

خداوند متعال می باشم برای هدایت بشر.

یکی از معانی شهادت دادن خداوند متعال به رسالت پیامبر اکرم این است

که:

چون قرآن کریم از جانب خداوند متعال به پیامبر اکرم نازل شده،

و همه جنّ و انس «اجنّه و انسانها» نمی توانند و نتوانسته اند و نخواهند

توانست مثل قرآن کریم، یا ده سوره مثل سوره های قرآن کریم و یا حتی یک

سوره مثل سوره قرآن کریم بیاورند، لذا:

آنچه که در قرآن کریم درباره تصدیق رسالت و نبوّت پیامبر اکرم آمده در

واقع گواهی و شهادت دادن خداوند متعال است بر رسالت و نبوّت پیامبر اکرم

و این که آن حضرت فرستاده خداوند متعال است.

۲- شاهد و گواه دوّم من «یعنی پیامبر اکرم» کسی است که تمام علم کتاب

نزد او است، یعنی:

کسی که علم کتاب به طور تمام و کمال نزد او می باشد شاهد و گواه دوّم

من است که من پیامبر هستم و خداوند متعال مرا برای هدایت انسان‌ها فرستاده است.

خلاصه کلام این که:

طبق این آیه شریفه «آیه ۴۳ سوره رعد»، وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم برای اثبات صدق گفته خویش و برای اثبات ادعای پیامبری خویش به دستور خداوند متعال دو شاهد و دو گواه ارائه می‌فرماید که عبارتند از:

۱- خداوند متعال.

۲- کسی که تمام علم کتاب نزد او است.

منظور و مراد از کتاب در این آیه شریفه «آیه ۴۳ سوره رعد» چیست؟

احتمالاً منظور از کتاب، قرآن کریم است،

گرچه احتمالات دیگری نیز داده شده است،

مثلاً گفته شده که:

ممکن است منظور از کتاب، علم به همه کتب آسمانی باشد «قرآن کریم،

تورات، انجیل و...»،

ممکن است منظور از کتاب، لوح محفوظ باشد،

ممکن است منظور از کتاب، اسم اعظم خداوند متعال باشد،

و بالاخره ممکن است منظور از کتاب در این آیه شریفه «آیه ۴۳ سوره رعد»

همه موارد فوق باشد.

به هر حال، مراد و منظور از کتاب در این آیه شریفه «آیه ۴۳ سوره رعد»

هر کدام از موارد فوق که باشد نتیجه این می‌شود که:

کسی که علم کتاب به طور تمام و کمال نزد او است شاهد و گواه بر رسالت

و نبوت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می‌باشد و گواهی و شهادت

می دهد که:

حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم رسول و فرستاده خداوند متعال است و پیامبر می باشد،

و خداوند متعال آن حضرت را برای هدایت بشر فرستاده است.

انشاء الله تعالی در بخش حدیث ملاحظه خواهید فرمود که منظور از کسی که تمام علم کتاب نزد او است، وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام می باشد که شاهد و گواه بر رسالت و نبوت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می باشد.

در علو مقام امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام همین بس که خداوند متعال خودش و او را شاهد و گواه بر رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم معرفی فرموده است،^۱

وجود مقدس فاطمه زهرا سلام الله علیها کفو و همطراز و همتا و هم رتبه چنین شخصیت بی نظیری است «بعد از وجود مقدس پیامبر اکرم».

احادیث ذیل صراحتاً بیان می فرمایند که کسی که تمام علم کتاب نزد او است وجود مقدس مولی الموحّدين امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام می باشد «همچنین دیگر ائمه معصومین علیهم السلام»،

که شاهد و گواه بر رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می باشد.

حدیث:

۱- وجود مقدس امام باقر علیه السلام در پاسخ به سؤال برید بن معاویه که

۱. مجمع البیان، جلد سیزدهم، صفحه ۸۸ تا ۹۱ «ذیل آیه ۴۳ سوره رعد».
- مجمع البیان، جلد هیجدهم، صفحه ۱۱۳ و ۱۱۴ «ذیل آیه ۴۰ سوره نمل».
- المیزان، جلد بیست و دوم، صفحه ۳۰۶ تا ۳۰۸، ۳۱۱ «ذیل آیه ۴۳ سوره رعد».
- المیزان، جلد سی ام، صفحه ۲۸۵ و ۲۸۶ «ذیل آیه ۴۰ سوره نمل».
- تفسیر نمونه، جلد دهم، صفحه ۲۹۸ «ذیل آیه ۴۳ سوره رعد».
- تفسیر نمونه، جلد پانزدهم، صفحه ۴۹۹ «ذیل آیه ۴۰ سوره نمل».

پرسیده بود مقصود از مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ در این آیه شریفه «وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسْتُ مُرْسَلًا، قُلْ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ - آیه ۴۳ سوره رعد» چیست فرمودند:

إِنَّا عَنَى،

وَعَلَىٰ أَوْلَانَا وَ أَفْضَلْنَا وَ خَيْرُنَا بَعْدَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ، یعنی:

مقصود از کسانی که علم کتاب به طور کامل نزد آنها است ما هستیم (یعنی ائمه معصومین علیهم السلام)،

و امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام پس از پیامبر اکرم، اول ما و افضل ما «برترین ما» و بهترین ما می باشد.^۱

۲- وجود مقدس امام صادق علیه السلام درباره این آیه شریفه «وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسْتُ مُرْسَلًا، قُلْ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ» فرمودند: به خدا قسم:

امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام بود که تمام علم کتاب را می دانست. این حدیث را عبدالله بن بکیر از امام صادق علیه السلام نقل نموده است.^۲

۳- وجود مقدس امام باقر علیه السلام درباره مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ در این آیه شریفه «وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسْتُ مُرْسَلًا، قُلْ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ - آیه ۴۳ سوره رعد» فرمودند:

کسی که تمام علم کتاب نزد او است امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام

۱. اصول کافی، جلد اول، صفحه ۳۳۳، حدیث ۶ «حدیث ۶۰۷».

مجمع البیان، جلد سیزدهم، صفحه ۹۱ «ذیل آیه ۴۳ سوره رعد».

المیزان، جلد بیست و دوم، صفحه ۳۱۲ «بحث روایتی ذیل آیه ۴۳ سوره رعد».

تفسیر صافی، جلد سوم، صفحه ۶۴۴ «ذیل آیه ۴۳ سوره رعد».

تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۴۶۵، حدیث ۱ «ذیل آیه ۴۳ سوره رعد».

تفسیر نورالثقلین، جلد سوم، صفحه ۸۱۷، حدیث ۲۰۷ «حدیث ۵۳۲۰» «ذیل آیه ۴۳ سوره رعد».

۲. تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۴۶۷، حدیث ۴ «ذیل آیه ۴۳ سوره رعد».

تفسیر نورالثقلین، جلد سوم، صفحه ۸۲۳، حدیث ۲۲۰ «حدیث ۵۳۳۳» «ذیل آیه ۴۳ سوره رعد».

می باشد.

این حدیث را ابو حمزه ثمالی از امام باقر علیه السلام نقل نموده است.^۱

۴- وجود مقدس امام باقر علیه السلام فرمودند:

مقصود از مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ در این آیه شریفه «وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسْتَ مُرْسَلًا، قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ - آیه ۴۳ سوره رعد» وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام می باشد.

این حدیث را جابر از وجود مبارک امام باقر علیه السلام نقل نموده است.^۲

۵- ابوسعید خدری می گوید:

از وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم درباره این آیه شریفه «وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسْتَ مُرْسَلًا، قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ - آیه ۴۳ سوره رعد» پرسیدم.

وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

منظور از مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ «منظور از کسی که تمام علم کتاب نزد او

است» برادر علی بن ابیطالب علیه السلام می باشد.^۳

۶- وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام درباره این آیه

شریفه «وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسْتَ مُرْسَلًا، قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ

۱. المیزان، جلد بیست و دوم، صفحه ۳۱۲ «بحث روایتی ذیل آیه ۴۳ سوره رعد».

تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۴۶۷، حدیث ۶ «ذیل آیه ۴۳ سوره رعد».

تفسیر نورالثقلین، جلد سوم، صفحه ۸۲۳، حدیث ۲۱۸ «حدیث ۵۳۳۱» «ذیل آیه ۴۳ سوره رعد».

۲. المیزان، جلد بیست و دوم، صفحه ۳۱۲ «بحث روایتی ذیل آیه ۴۳ سوره رعد».

تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۴۶۷، حدیث ۷ «ذیل آیه ۴۳ سوره رعد».

تفسیر نورالثقلین، جلد سوم، صفحه ۸۲۳، حدیث ۲۱۹ «حدیث ۵۳۳۲» «ذیل آیه ۴۳ سوره رعد».

۳. تفسیر صافی، جلد سوم، صفحه ۶۴۴ «ذیل آیه ۴۳ سوره رعد».

تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۴۶۹، حدیث ۱۲ «ذیل آیه ۴۳ سوره رعد».

تفسیر نورالثقلین، جلد سوم، صفحه ۸۲۱، حدیث ۲۱۱ «حدیث ۵۳۲۴» «ذیل آیه ۴۳ سوره رعد».

المیزان، جلد بیست و دوم، صفحه ۳۱۲ «بحث روایتی ذیل آیه ۴۳ سوره رعد».

تفسیر نمونه، جلد دهم، صفحه ۲۹۹ «ذیل آیه ۴۳ سوره رعد».

عِلْمِ الْكِتَابِ - آیه ۴۳ سوره رعد» فرمودند:

من همان کسی هستم که تمام علم کتاب نزد او است.

این حدیث را سلمان فارسی از امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام نقل نموده است.^۱

احادیث شریفی که در این رابطه از ائمه معصومین علیهم السلام صادر شده بیشتر از این است که ملاحظه فرمودید، فقط به عنوان نمونه به شش حدیث شریف اشاره شد.

اولین مورد از فضائل و مناقب و ویژگی‌های امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب که به اختصار به آن اشاره شد این بود که:

وجود مقدس مولی الموحّدين امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام شاهد و گواه بر رسالت و نبوت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می باشد، و آیه ۱۷ سوره هود و آیه ۴۳ سوره رعد و احادیث شریف ذیل این آیات شریفه صراحتاً این مطلب را بیان فرمودند.

پس از ارائه توضیحاتی در رابطه با اولین مورد از فضائل و مناقب امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام می پردازیم به دومین مورد از فضائل و مناقب و ویژگی‌های امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام.

* منقبت دوم:

وجود مقدس مولی الموحّدين امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام امام مبین است،

و آیه ۱۲ سوره مبارکه یس و احادیث شریف ذیل این آیه شریفه به این مطلب اشاره دارند که به اختصار راجع به آن توضیحاتی ارائه می شود.

۱. میزان، جلد بیست و دوم، صفحه ۳۱۲ «بحث روایتی ذیل آیه ۴۳ سوره رعد».
تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۴۶۸، حدیث ۱۱ «ذیل آیه ۴۳ سوره رعد».

خداوند متعال در آیه ۱۲ سوره مبارکه یس می فرماید:

وَ كُلُّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُّبِينٍ، یعنی:

خداوند متعال می فرماید:

ما «خداوند متعال» همه چیز را در امام مُبیین که همان لوح محفوظ باشد

شمرده ایم و احصاء کرده ایم، یعنی:

حقایق همه عالم، حوادث گذشته و آینده، و آنچه که خداوند متعال برای

مخلوقاتش مقرر فرموده با تمام جزئیاتش، همچنین همه کتب آسمانی در امام

مُبیین که همان لوح محفوظ باشد درج و ثبت است.^۱

لوح محفوظ چیست؟

در آیات ۲۱ و ۲۲ سوره بروج آمده که:

بَلْ هُوَ قُرْآنٌ مَّجِيدٌ «آیه ۲۱»،

فِي لَوْحٍ مَّحْفُوظٍ «آیه ۲۲»، یعنی:

این قرآن مجید و این قرآن با عظمت و بلند مقام است که در لوح محفوظ

جای دارد، و در لوح محفوظ ثبت و ضبط می باشد.

لَوْحٌ = صفحه عریضی است که چیزی بر آن می نویسند.

منظور از لوح محفوظ در این آیه شریفه «آیه ۲۲ سوره بروج» صفحه ای

است که قرآن مجید بر روی آن ثبت و ضبط است،

البته نه صفحه ای همچون صفحه ها و الواحی که در میان ما متداول است و

آن را می بینیم.

گفته شده که لوح محفوظ اگر به صفحه ای تشبیه شود که ما بتوانیم آن را

۱. مجمع البیان، جلد بیستم، صفحه ۳۷۷ «ذیل آیه ۱۲ سوره یس».

المیزان، جلد سی و سوم، صفحه ۱۰۷ «ذیل آیه ۱۲ سوره یس».

تفسیر نمونه، جلد هیجدهم، صفحه ۳۵۰ و ۳۵۵ «ذیل آیه ۱۲ سوره یس».

تفسیر صافی، جلد پنجم، صفحه ۴۳۰ «ذیل آیه ۱۲ سوره یس».

در فکر و ذهن خودمان مجسم کنیم صفحه و لوحی خواهد بود که طول آن فاصله بین آسمان و زمین و عرض آن به اندازه فاصله مشرق تا مغرب می باشد «فاصله بین شرق تا غرب عالم».

لذا به نظر می رسد که لوح محفوظ همان صفحه علم خداوند متعال باشد که شرق و غرب عالم را فراگرفته و همه چیز در آن آمده و همه حقائق عالم در آن ثبت و ضبط است.

قرآن کریم از این لوح محفوظ و از این معدن علم بی پایان و بی نهایت خداوند متعال سرچشمه گرفته است.

این دو آیه شریفه «آیه ۲۱ و ۲۲ سوره بروج» در واقع پاسخ محکمی است به کفار و مشرکین و منحرفین در همه زمانها و همه مکانها که بدانند قرآن کریم ساخته و پرداخته ذهن بشر نیست و سحر و جادو نمی باشد، بلکه کلام و سخن خداوند متعال است که از لوح محفوظ و از معدن علم بی پایان الهی سرچشمه گرفته و به پیامبر اکرم نازل شده است.

لوح محفوظ در قرآن کریم با عناوین اُمُّ الْکِتَاب، کتاب مُبیین، امام مُبیین و کتاب مکنون تعبیر شده است که انشاء الله تعالی در ادامه سخن به آنها اشاره خواهد شد و راجع به آنها به اختصار توضیحاتی ارائه خواهد گردید.^۱

الف: اُمُّ الْکِتَاب

در آیه ۴ سوره زخرف آمده که:

وَ اِنَّهٗ فِی اُمِّ الْکِتَابِ لَدٰیْنَا لَعَلٰی حَکِیْمٌ، یعنی:

قرآن کریم در اُمُّ الْکِتَاب یعنی در لوح محفوظ نزد ما «خداوند متعال»

بلندپایه و استوار است.

عَلٰی = والامقام.

۱. تفسیر نمونه، جلد بیست و ششم، صفحه ۳۶۵ و ۳۶۶ «ذیل آیه ۲۱ و ۲۲ سوره بروج».

حکیم = استوار، محکم، خلل ناپذیر.

حکیم معمولاً برای انسان به کار می‌رود، اما چون قرآن کریم معلّمی بزرگ و حکمت‌آموز است درباره قرآن به کار رفته است.

أم = در لغت به معنی اصل و اساس هر چیز است، و این که عرب به مادر أم می‌گوید به خاطر این است که ام «مادر» ریشه و پناهگاه خانواده است، بنابراین: أم الکتاب «کتاب مادر» که همان لوح محفوظ می‌باشد کتابی است که اصل و اساس همه کتب آسمانی است،

و این أم الکتاب یا لوح محفوظ، لوحی است «صفحه‌ای است» که نزد خداوند متعال از هر گونه تغییر و تبدیل و تحریف محفوظ است، و در واقع این لوح همان کتاب علم خداوند متعال است که همه حقائق عالم و همه حوادث گذشته و آینده و همه کتب آسمانی در آن لوح است.

در این آیه شریفه «آیه ۴ سوره زخرف» قرآن کریم، والامقام و بلندمرتبه و محکم و استوار توصیف شده است، چرا که از کتاب علم بی‌پایان و بی‌نهایت خداوند متعال یعنی از أم الکتاب یا همان لوح محفوظ سرچشمه گرفته است. همین علو مقام قرآن کریم است که باعث شده تا قرآن کریم بر تمام کتب آسمانی پیشین «از قبیل تورات، انجیل، زبور و...» پیشی گرفته و آنها را نسخ نماید،

ضمن این که قرآن کریم بالاترین و عالی‌ترین معجزه است برای همیشه تاریخ و تا روز قیامت.^۱

ب: کتاب مُبین

در آیه ۵۹ سوره انعام آمده که:

۱. تفسیر نمونه، جلد بیست و یکم، صفحه ۲۱ و ۲۲ «ذیل آیه ۴ سوره زخرف».
مجمع‌البیان، جلد بیست و دوم، صفحه ۱۸۱ «ذیل آیه ۴ سوره زخرف».

لَا رَطْبٌ وَلَا يَابِسٌ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ، یعنی:

هیچ تر و خشکی نیست مگر این که در کتاب مُبیین که همان لوح محفوظ می باشد ثبت شده است.

این آیه شریفه با این عبارت کوتاه، علم بی نهایت و نامحدود خداوند متعال را درباره همه مخلوقات بیان می فرماید و هیچ استثنایی نیز قائل نشده است، زیرا منظور از تر و خشک معنی لغوی آن نیست، بلکه تعبیر تر و خشک، عمومیت را می رساند، یعنی:

علم درباره همه مخلوقات و حقائق همه مخلوقات و حقائق همه عالم در کتاب مُبیین که همان لوح محفوظ می باشد موجود است.

همچنین در آیه ۶۱ سوره یونس آمده که:

وَمَا يَعْزُبُ عَنْ رَبِّكَ مِنْ مِثْقَالِ ذَرَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ وَلَا أَصْغَرَ مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْبَرَ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ، یعنی:

هیچ چیز در زمین و آسمان از پروردگار تو مخفی نیست حتی به اندازه سنگینی ذره بی مقدار، نه کوچک تر از این ذره و نه بزرگ تر از این ذره نیست مگر این که همه آن ها در کتاب مُبیین که همان لوح محفوظ باشد ثبت است. به عبارت دیگر:

کوچک ترین چیز در زمین و آسمان حتی به اندازه سنگینی یک ذره بی مقدار از علم پروردگار تو مخفی و غیب و پنهان نیست، چه کوچک تر از ذره باشد و چه بزرگ تر از ذره،

همه آن ها در کتاب مُبیین که همان لوح محفوظ باشد ثبت است.

همانطور که قبلاً نیز عرض شد مقصود از کتاب مُبیین یا همان لوح محفوظ، همان مقام علم خداوند سبحان است،

یعنی همه موجودات و همه مخلوقات در علم بی پایان و علم بی نهایت

خداوند متعال ثبت است.

ذَرَّة = جسم بسیار بسیار کوچک.

يَعْزُبُ = از ماده عزوب یعنی پنهان بودن، غایب بودن^۱.

ج: امام مُبیین:

در آیه ۱۲ سوره یس آمده که:

وَ كُلُّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُبِينٍ، یعنی:

ما «خداوند متعال» همه چیز را در امام مُبیین که همان لوح محفوظ باشد

شمرده‌ایم و احصاء کرده‌ایم، یعنی:

حقاتق همه عالم، حوادث گذشته و آینده، آنچه که خداوند متعال برای

مخلوقاتش مقرر فرموده با تمام جزئیاتش، و همه کتب آسمانی در امام مُبیین که

همان لوح محفوظ می‌باشد درج است.^۲

ملاحظه فرمودید که:

منظور از امام مُبیین در آیه ۱۲ سوره مبارکه یس، لوح محفوظ است، و این

مطلب در تفاسیر مجمع‌البیان، المیزان، صافی و نمونه با صراحت و با قاطعیت

بیان شده است.

انشاءالله تعالی در بخش حدیث ملاحظه خواهید فرمود که تأویل آیه ۱۲

سوره مبارکه یس و معنی باطنی آیه شریفه در رابطه با امیرالمؤمنین علی بن

ابیطالب علیه‌السلام می‌باشد، یعنی:

۱. تفسیر نمونه، جلد پنجم، صفحه ۳۳۷ و ۳۳۸ «ذیل آیه ۵۹ سوره انعام».
- تفسیر نمونه، جلد هشتم، صفحه ۳۹۷ و ۴۰۱ «ذیل آیه ۶۱ سوره یونس».
- مجمع‌البیان، جلد هشتم، صفحه ۱۲۰ «ذیل آیه ۵۹ سوره انعام».
- مجمع‌البیان، جلد یازدهم، صفحه ۳۱۹ «ذیل آیه ۶۱ سوره یونس».
۲. مجمع‌البیان، جلد بیستم، صفحه ۳۷۷ «ذیل آیه ۱۲ سوره یس».
- المیزان، جلد سی و سوم، صفحه ۱۰۷ «ذیل آیه ۱۲ سوره یس».
- تفسیر نمونه، جلد هیجدهم، صفحه ۳۵۰ و ۳۵۵ «ذیل آیه ۱۲ سوره یس».
- تفسیر صافی، جلد پنجم، صفحه ۴۳۰ «ذیل آیه ۱۲ سوره یس».

امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام امام مبین است.

د: کتاب مکنون

در آیه ۷۷ و ۷۸ سوره واقعه آمده که:

إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ «آیه ۷۷».

فی کتابِ مَكْنُونٍ «آیه ۷۸»، یعنی:

به درستی که آنچه که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم آورده قرآن کریم است که این قرآن کریم در کتاب مکنون «کتاب محفوظ - کتاب مستور» که همان لوح محفوظ باشد جای دارد.^۱

ملاحظه فرمودید که:

مقصود از اُمُّ الکتاب و کتاب مبین و امام مبین و کتاب مکنون همان لوح محفوظ است، لیکن:

کتاب مبین علاوه بر این که به لوح محفوظ تعبیر شده در چند آیه شریفه به عنوان قرآن کریم نیز آمده است، یعنی:

کتاب مبین شامل دو موضوع می شود:

۱- لوح محفوظ، که قبلاً راجع به آن بحث شد.

۲- قرآن کریم، که ذیلاً به دو آیه اشاره می شود.

در آیه ۱۵ سوره مائده آمده که:

قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَ كِتَابٌ مُبِينٌ، یعنی:

از طرف خداوند متعال، نور و کتاب مبین یعنی قرآن کریم به سوی شما

آمد.^۲

۱. تفسیر نمونه، جلد بیست و سوم، صفحه ۲۷۴ و ۲۷۸ «ذیل آیه ۷۷ و ۷۸ سوره واقعه».

تفسیر صافی، جلد ششم، صفحه ۲۵۱ و ۲۵۲ «ذیل آیه ۷۷ و ۷۸ سوره واقعه».

۲. تفسیر نمونه، جلد چهارم، صفحه ۴۱۰ و ۴۱۱ «ذیل آیه ۱۵ سوره مائده».

تفسیر صافی، جلد دوم، صفحه ۳۸۸ «ذیل آیه ۱۵ سوره مائده».

همچنین در آیه اول سوره یوسف آمده که:

الرَّتْلَکَ آیَاتُ الْکِتَابِ الْمُبِیْنِ، یعنی:

این‌ها آیات کتاب مُبیین یعنی آیات قرآن کریم هستند.^۱

همانطور که قبلاً نیز به عرض رسید منظور از امام مُبیین در این آیه شریفه «وَ کُلُّ شَیْءٍ أَحْصَیْنَاهُ فِیْ إِمَامٍ مُّبِیْنٍ - آیه ۱۲ سوره مبارکه یس» لوح محفوظ است، و این مطلب در تفاسیر مجمع‌البیان، المیزان، صافی و نمونه با صراحت و با قاطعیّت بیان شده است.

انشاء الله تعالی در بخش حدیث ملاحظه خواهید فرمود که تأویل آیه شریفه «آیه ۱۲ سوره یس» و معنی باطنی آیه شریفه در رابطه با امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام می‌باشد، یعنی:

وجود مقدّس مولی‌الموحّدین امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام امام مُبیین است،

و وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام‌الله علیها کفو و هم‌تراز و هم‌تا و هم‌رتبه و شبیه و نظیر چنین شخصیّت بی‌نظیری است «بعد از وجود مبارک پیامبر اکرم»، یعنی:

وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام‌الله علیها کفو و هم‌تراز و هم‌تا و هم‌رتبه و شبیه و نظیر امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام می‌باشد که امام مُبیین است و دوّمین شخصیّت عالم خلقت می‌باشد که انشاء الله تعالی در خاتمه بحث به آن اشاره خواهد شد «خاتمه بحث مربوط به فضائل و مناقب و ویژگی‌های مولی‌الموحّدین امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام».

حدیث:

۱- امام باقر علیه‌السلام فرمودند:

۱. تفسیر نمونه، جلد نهم، صفحه ۳۵۷ «ذیل آیه ۱ سوره یوسف».

هنگامی که آیه شریفه «وَكُلُّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُّبِينٍ - آیه ۱۲ سوره یس» به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نازل شد ابوبکر بن ابی قحافه و عمر بن الخطاب از جای خود بلند شده و به پیامبر اکرم عرض کردند:

یا رسول الله:

آیا منظور از امام مُبیین در این آیه شریفه تورات است؟
پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: خیر
ابوبکر و عمر به پیامبر اکرم عرض کردند:

آیا منظور از امام مُبیین در این آیه شریفه انجیل است؟
پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: خیر
ابوبکر و عمر به پیامبر اکرم عرض کردند:

آیا منظور از امام مُبیین در این آیه شریفه قرآن کریم است؟
پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: خیر

در همین حال وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام وارد شده و خدمت پیامبر اکرم رسیدند،

و وقتی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم چشمشان به امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام افتاد فرمود:

هُوَ هَذَا،

إِنَّهُ الْإِمَامُ الَّذِي أَحْصَى اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى فِيهِ عِلْمَ كُلِّ شَيْءٍ، یعنی:

امام مُبیین این مرد است «یعنی امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام»، او است امام مُبیین که خداوند متعال علم همه چیز را در او احصاء فرموده است «علی بن ابیطالب علیه السلام امام مُبیین است و خداوند متعال علم همه چیز را در او احصاء نموده و در او قرار داده است».

این حدیث را ابوجارود از امام باقر علیه‌السلام نقل نموده است.^۱
قابل ذکر است که این حدیث را ابن عباس نیز از وجود مبارک پیامبر اکرم
صلی الله علیه و آله و سلم نقل نموده است.^۲

۲- وجود مقدّس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام فرمودند:

أَنَا وَاللَّهِ الْإِمَامُ الْمُبِينُ،

أَبِينُ الْحَقِّ مِنَ الْبَاطِلِ، وَرِثَتُهُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، يَعْنِي:

وجود مقدّس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام فرمودند:

به خدا قسم:

من امام مُبین هستم که حق را از باطل جدا می‌کنم،

و این علم و این مقام را از وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و

سلم به ارث برده‌ام.

این حدیث را ابن عباس از امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام نقل

نموده است.^۳

۳- عمّار یاسر نقل می‌کند که من در خدمت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب

علیه‌السلام بودم و از بیابانی عبور می‌کردیم و تعداد زیادی مورچه در آن بیابان

۱. معانی الأخبار صدوق، جلد اول، باب ۳۵، صفحه ۲۲۴، حدیث ۱.

امالی شیخ صدوق، صفحه ۲۷۱، مجلس ۳۲، حدیث ۵.

تفسیر صافی، جلد پنجم، صفحه ۴۳۰ «ذیل آیه ۱۲ سوره یس».

تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۶۲۷، حدیث ۱۷ «ذیل آیه ۱۲ سوره یس».

تفسیر نورالثقلین، جلد ششم، صفحه ۳۲۵، حدیث ۲۷ «حدیث ۹۳۴۴» «ذیل آیه ۱۲ سوره یس».

المیزان، جلد سی و سوم، صفحه ۱۱۲ «بحث روایتی ذیل آیه ۱۲ سوره یس».

تفسیر نمونه، جلد هیجدهم، صفحه ۳۵۴ «ذیل آیه ۱۲ سوره یس».

۲. تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۶۲۹، حدیث ۲۲ «ذیل آیه ۱۲ سوره یس».

۳. تفسیر صافی، جلد پنجم، صفحه ۴۳۰ «ذیل آیه ۱۲ سوره یس».

تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۶۲۳، حدیث ۱۱ «ذیل آیه ۱۲ سوره یس».

تفسیر نورالثقلین، جلد ششم، صفحه ۳۲۵، حدیث ۲۸ «حدیث ۹۳۴۵» «ذیل آیه ۱۲ سوره یس».

المیزان، جلد سی و سوم، صفحه ۱۱۲ «بحث روایتی ذیل آیه ۱۲ سوره یس».

تفسیر نمونه، جلد هیجدهم، صفحه ۳۵۴ «ذیل آیه ۱۲ سوره یس».

دیده می شد.

خدمت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام عرض کردم:

یا امیرالمؤمنین:

آیا از بندگان خدا کسی هست که تعداد این مورچه‌ها را بداند؟

امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام فرمودند:

بله یا عمّار،

من کسی را می‌شناسم که آن شخص تعداد این مورچه‌ها را می‌داند، همچنین می‌داند که چه تعداد از این مورچه‌ها نر هستند و چه تعداد ماده.

عمّار یاسر می‌گوید:

خدمت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام عرض کردم:

یا امیرالمؤمنین:

این فرد کیست که همه این‌ها را می‌داند؟

وجود مقدّس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام فرمودند:

ای عمّار:

آیا این آیه شریفه را در سوره یس نخوانده‌ای که خداوند متعال می‌فرماید:

وَ كُلُّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُّبِينٍ «آیه ۱۲ سوره یس».

عمّار یاسر می‌گوید:

خدمت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام عرض کردم:

بله یا امیرالمؤمنین،

این آیه شریفه را خوانده‌ام.

امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام فرمودند:

منم آن امام مُبیین که خداوند متعال علم همه چیز را در او قرار داده است.^۱

۱. تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۶۲۹، حدیث ۲۱ «ذیل آیه ۱۲ سوره یس».

قابل ذکر است که:

نظیر و شبیه این حدیث شریف را ابوذر نیز از وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام نقل نموده است.^۱

۴- وجود مقدس امام صادق علیه السلام این آیه شریفه را «وَكُلَّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُّبِينٍ - آیه ۱۲ سوره یس» تلاوت نموده و فرمودند: این آیه شریفه در مورد امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام نازل شده است.

این حدیث را صالح بن سهل از وجود مقدس امام صادق علیه السلام نقل نموده است.^۲

۵- وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم روز هیجدهم ذیحجه سال دهم هجری پس از پایان مناسک حج و هنگام مراجعت از مکه به مدینه در محل غدیر خم و در حضور دهها هزار نفر از حجّاج بیت الله الحرام که در محضر آن حضرت بودند «جمعیت حجّاج حاضر در محضر مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم تا یکصد و بیست هزار نفر نیز گفته شده است» خطبه بسیار مهم و مفصلی ایراد فرموده و پس از حمد و ثنای خداوند متعال، قطره‌ای از دریای بیکران فضائل و مناقب مولی الموحّدین امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام را بیان فرموده و به دستور خداوند متعال آن حضرت را به عنوان وصی و جانشین خویش و به عنوان امام مسلمین معرفی و منصوب فرمودند.

وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در قسمتی از بیانات نورانی خویش فرمودند:

مَعَاشِرَ النَّاسِ:

۱. تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۶۲۹، حدیث ۲۰ «ذیل آیه ۱۲ سوره یس».

۲. تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۶۲۸، حدیث ۱۸ «ذیل آیه ۱۲ سوره یس».

مَا مِنْ عِلْمٍ وَقَدْ أَحْصَاهُ اللَّهُ فِيَّ،
 وَ كُلِّ عِلْمٍ عَلَّمْتُ فَقَدْ أَحْصَيْتُهُ فِي إِمَامِ الْمُتَّقِينَ،
 وَ مَا مِنْ عِلْمٍ إِلَّا عَلَّمْتُهُ عَلِيًّا وَ هُوَ الْإِمَامُ الْمُبِينُ، يَعْنِي:
 وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:
 ای مردم:

علمی نیست مگر این که خداوند متعال آن را به من آموخته و در سینه من به
 ودیعت نهاده است «خداوند متعال تمام علوم را به من آموخته است»، و من هم
 تمام آن علوم را به امام متقین علی بن ابیطالب آموخته‌ام، و هیچ علمی نیست
 مگر این که آن را به علی بن ابیطالب آموخته‌ام، و او امام مبین است.^۱

توضیح:

ملاحظه فرمودید که:

خداوند متعال در آیه ۱۲ سوره یس فرمودند:

وَ كُلِّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُّبِينٍ، يَعْنِي:

ما همه چیز را در امام مبین احصاء کرده و برشمرده‌ایم.

در توضیحات ذیل آیه شریفه به عرض رسید که:

مفسرین محترم اتفاق نظر دارند که مقصود از امام مبین در این آیه شریفه

«آیه ۱۲ سوره یس» لوح محفوظ می‌باشد.

همچنین ملاحظه فرمودید که:

طبق احادیث شریف ذیل آیه شریفه وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن

ابطالب علیه‌السلام امام مبین است،

۱. احتجاج طبرسی، جلد اوّل، صفحه ۱۱۸ تا ۱۴۶ «صفحه ۱۲۸ و ۱۲۹» حدیث ۳۲ «احتجاج پیامبر اکرم در غدیر».

تفسیر صافی، جلد پنجم، صفحه ۴۳۰ «ذیل آیه ۱۲ سوره یس».

تفسیر نورالتقلین، جلد ششم، صفحه ۳۲۷، حدیث ۲۹ «حدیث ۹۳۴۶» «ذیل آیه ۱۲ سوره یس».

و مقصود از امام مُبیین در این آیه شریفه «آیه ۱۲ سوره یس» وجود مقدّس امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام می باشد که خداوند متعال تمام علوم را «همه چیز را» در سینه مبارک آن حضرت احصاء فرموده و قرار داده است، لذا:

نتیجه بحث این می شود که:

وجود مقدّس امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام لوح محفوظ خداوند تبارک و تعالی می باشد، و خداوند سبحان چنین مقرر فرموده است.

در توضیح این قضیه به دو مطلب که در تفسیر نمونه و در شرح زیارت جامعه کبیره تألیف آیت الله سیّد محمّد تقی نقوی آمده اشاره می شود.

الف: در تفسیر نمونه آمده که:

گرچه بعضی از مفسّرین اهل سنّت از قبیل آلوسی از نقل اینگونه روایات از طریق شیعه وحشت کرده اند «که مقصود از امام مُبیین در آیه ۱۲ سوره مبارکه یس لوح محفوظ حق تعالی است، و امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام امام مبیین است، یعنی آن حضرت لوح محفوظ الهی است»،

لیکن با کمی دقّت روشن می شود که اینگونه احادیث و روایات منافاتی با تفسیر امام مُبیین به لوح محفوظ ندارد، زیرا:

قلب مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم در درجه اوّل، و قلب مبارک وصی و جانشین آن حضرت یعنی قلب مبارک امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام در درجه بعد آینه‌هایی هستند که لوح محفوظ را منعکس می کنند،

و قسمت عظیمی از آنچه که در لوح محفوظ الهی است از سوی خداوند متعال به آن ذوات مقدّسه الهام می گردد،

و به این ترتیب قلب مبارک آن دو بزرگوار «و سایر حضرات معصومین علیهم السَّلام» نمونه‌ای از لوح محفوظ خداوند متعال می‌باشند، و به هر حال در این که منظور از امام مُبین در آیه ۱۲ سوره مبارکه یس لوح محفوظ می‌باشد شکی نیست،

و طبق احادیث شریفی که از وجود مقدّس پیامبر اکرم و حضرت امیر علیهم السَّلام نقل شد، حضرت امیر علیه‌السَّلام امام مُبین می‌باشد، یعنی آن حضرت لوح محفوظ الهی است.^۱

ب: در شرح زیارت جامعه کبیره تألیف آیت‌الله سیّد محمّد تقی نقوی ذیل این قسمت از زیارت نورانی و شریف جامعه کبیره که ائمه معصومین علیهم السَّلام أَهْل الذِّكْرِ معرّفی و توصیف شده‌اند آمده است که: در قرآن کریم کلمه ذِکْر بسیار آمده و معنای آن هم مختلف است، و ائمه معصومین علیهم السَّلام با توجّه به تمام آن معانی، اهل ذکر می‌باشند. در ادامه بحث برای کلمه ذِکْر دوازده معنی بیان شده که یکی از آن‌ها لوح محفوظ می‌باشد.

در این کتاب شریف پس از بیان سه معنا برای ذکر، در صفحه ۲۱۱ این کتاب «شرح زیارت جامعه کبیره - تألیف آیت‌الله سیّد محمّد تقی نقوی» عنوان شده که:

چهارم:

ذِکْر به معنای لوح محفوظ آمده است.

خداوند متعال در آیه ۱۰۵ سوره انبیاء می‌فرماید:

وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ، یعنی:

خداوند متعال می‌فرماید:

۱. تفسیر نمونه، جلد هیجدهم، صفحه ۳۵۴ و ۳۵۵ «ذیل آیه ۱۲ سوره یس».

نوشتیم در زبور داود، بعد از آنچه در لوح محفوظ نوشته بودیم. سپس در توضیح ذیل این آیه شریفه «آیه ۱۰۵ سوره انبیاء» عنوان شده که: معلوم است که ائمه معصومین علیهم السَّلام عالم به لوح محفوظ هستند، بلکه لوح محفوظ، سینه امام است.^۱ خلاصه کلام این که:

۱- مقصود از امام مُبین در آیه ۱۲ سوره مبارکه یس لوح محفوظ الهی است «طبق گفته مجمع البیان، المیزان، صافی، نمونه، و دیگر تفاسیر».

۲- وجود مقدّس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السَّلام «همچنین سایر حضرات معصومین علیهم السَّلام» لوح محفوظ خداوند سبحان می باشد، و خداوند تبارک و تعالی همه حقائق عالم وجود را در سینه و قلب مبارک آن حضرت «همچنین در سینه و قلب سایر حضرات معصومین علیهم السَّلام» ثبت و ضبط فرموده،

و به همین جهت آن بزرگوار «و سایر حضرات معصومین علیهم السَّلام» از گذشته و حال و آینده انسانها و همه مخلوقات الهی مطلع و آگاه می باشند، و وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها کفو و همطراز و همتا و مثل و مانند و شبیه و نظیر امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السَّلام می باشد که امام مُبین است و سیّد الاوصیاء و سیّد الوصیّین می باشد.

پس از ارائه توضیحات مختصری در رابطه با دوّمین مورد از فضائل و مناقب و ویژگی های مولی الموحّدین امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السَّلام می پردازیم به سوّمین مورد از فضائل و مناقب و ویژگی های آن حضرت.

۱. شرح زیارت جامعه کبیره، تألیف آیت الله سیّد محمدتقی نقوی، صفحه ۲۱۰ تا ۲۱۳، ذیل عنوان «وَأَهْلِ الذِّكْرِ».

* منقبت سووم:

وجود مقدس مولی الموحّدين امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام کتاب مُبین است و علم کتاب مُبین نزد آن حضرت است^۱ و آیه ۵۹ سوره انعام و حدیث شریف ذیل این آیه شریفه به این مطلب اشاره دارد که به اختصار راجع به آن توضیحاتی ارائه می شود.

خداوند متعال در آیه ۵۹ سوره انعام می فرماید:

وَ عِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ، وَ يَعْلَمُ مَا فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ، وَ مَا تَسْقُطُ مِنْ وَرَقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا، وَ لَا حَبَّةٌ فِي ظُلْمَاتِ الْأَرْضِ، وَ لَا رَطْبٌ وَ لَا يَابِسٌ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ، یعنی: خزانة‌های غیب نزد خداوند متعال است «کلیدهای غیب تنها نزد خداوند متعال است»،

و غیر از خداوند متعال کسی آن‌ها را نمی داند،

خداوند متعال به آنچه که در خشکی و دریا است علم دارد «خداوند متعال آنچه را که در خشکی و دریا است می داند»،

هیچ برگی از درختی نمی افتد مگر این که خداوند متعال از آن آگاه است،
هیچ دانه‌ای در تاریکی زمین،

و هیچ تر و خشکی نیست مگر این که در کتاب مُبین است «مگر این که در کتاب مُبین ثبت و ضبط می باشد».^۲

۱. شرح زیارت جامعه کبیره، تألیف آیت الله سید محمدتقی نقوی، صفحه ۶۴، ذیل عنوان: «خُزَانَ الْعِلْمِ».

۲. مجمع البیان، جلد هشتم، صفحه ۱۱۷ «ذیل آیه ۵۹ سوره انعام».

المیزان، جلد سیزدهم، صفحه ۱۷۸ «ذیل آیه ۵۹ سوره انعام».

تفسیر نمونه، جلد پنجم، صفحه ۳۳۳ «ذیل آیه ۵۹ سوره انعام».

شرح لغات و توضیحات

مِفْتَحُ = کلید.

مِفْتَاحُ = کلید.

مَفْتَحُ = خزانة.

جمع مِفْتَحُ و مِفْتَاحُ و مَفْتَحُ می شود مَفَاتِحُ و مَفَاتِيحُ، لذا:

مَفَاتِحُ = ۱- خزانةها؛ ۲- کلیدها.

غَيْبُ = آنچه که از چشم انسان و از حواس انسان و از حیطة علم انسان

پوشیده و پنهان باشد «غایب باشد».

غَيْبُ در رابطه با انسان است نه در رابطه با خداوند متعال، زیرا برای خداوند

متعال غیب و شهود یکسان است.

نقطه مقابل غَيْبُ، شهود و شهادت است، یعنی:

شهود، شهادت = حضور توأم با مشاهده، خواه این مشاهده با چشم باشد

خواه با ادراک قلبی.

بَرٌّ = خشکی.

بَحْرٌ = دریا «در اصل به معنای مکان وسیع و دارای آب می باشد».

سَقُوطٌ = فرو افتادن چیزی از بالا به پائین.

وَرَقٌ = برگ درخت.

مفرد وَرَقٌ می شود وَرَقَةٌ،

و جمع وَرَقٌ می شود أَوْرَاقٌ.

حَبٌّ = دانه گندم و جو نظائر آن.

حَبَّةٌ = یک دانه گندم و یک دانه جو و نظائر آن.

رَطْبٌ = تر «ضد خشک».

يابس = خشک «ضد تر»^۱.

کتاب مبین = کتاب مبین همان مقام علم وسیع و بی پایان خداوند متعال است که گاهی از آن تعبیر به لوح محفوظ می شود.^۲
 خداوند متعال در این آیه شریفه «آیه ۵۹ سوره انعام» می فرماید:
 وَعِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يُعَلِّمُهَا إِلَّا هُوَ، یعنی:
 تمام خزانه های غیب نزد خداوند متعال است،
 و احدی جز خداوند متعال و کسانی که خداوند متعال به آنها علم غیب
 آموخته از خزائن غیب آگاه نیستند،^۳
 یا:

تمام کلیدهای غیب نزد خداوند متعال است،
 و غیر از خداوند متعال کسی آنها را نمی داند،
 و مراد از غیب در این آیه شریفه، غیب مطلق است.^۴
 ادامه آیه شریفه برای توضیح و تأکید بیشتر بر قسمت اول آیه شریفه بوده
 و می فرماید:

وَيَعْلَمُ مَا فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ، یعنی:

خداوند متعال آنچه را که در خشکی و دریا است می داند.
 این قسمت از آیه شریفه عمومیّت علم خداوند متعال را می رساند،
 و به عبارت دیگر:
 معنی این قسمت از آیه شریفه این می شود که:

۱. مفردات راغب.

۲. تفسیر نمونه، جلد پنجم، صفحه ۳۳۷ و ۳۳۸ «ذیل آیه ۵۹ سوره انعام».

تفسیر نمونه، جلد هشتم، صفحه ۳۹۷ و ۴۰۱ «ذیل آیه ۶۱ سوره یونس».

مجمع البیان، جلد هشتم، صفحه ۱۲۰ «ذیل آیه ۵۹ سوره انعام».

مجمع البیان، جلد یازدهم، صفحه ۳۱۹ «ذیل آیه ۶۱ سوره یونس».

۳. مجمع البیان، جلد هشتم، صفحه ۱۱۸ «ذیل آیه ۵۹ سوره انعام».

۴. المیزان، جلد سیزدهم، صفحه ۲۰۳ «ذیل آیه ۵۹ سوره انعام».

خداوند متعال از آنچه که در خشکی ها و دریاها است آگاه می باشد،
 و این امر به معنی احاطه علم خداوند متعال بر همه چیزها می باشد، یعنی:
 خداوند متعال از همه چیز آگاه است.^۱
 ادامه آیه شریفه در تأکید مطالب قبل بوده و برای تأکید احاطه علمی خداوند
 متعال بر تمام عالم و بر تمام اشیاء می باشد که می فرماید:
 وَمَا تَسْقُطُ مِنْ وَرَقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا، یعنی:
 هیچ برگگی از درختی نمی افتد مگر این که خداوند متعال آن را می داند و از
 آن آگاه است.
 برای این برگ درختان را به طور خاص یاد فرموده که دلالت بر بی پایان بودن
 و بی نهایت بودن علم خداوند متعال نماید،
 زیرا کثرت برگ درختان به حدی است که انسان ها از شمردن آن ها نیز عاجز
 و ناتوان هستند،
 تا چه رسد به این که بدانند در هر لحظه و هر ثانیه چند برگ از درختان جدا
 شده و به زمین افتاده اند و یا می افتند.
 ادامه آیه شریفه در تأکید بر احاطه علمی خداوند متعال بر تمام چیزها و تمام
 اشیاء بوده و می فرماید:
 وَلَا حَبَّةٌ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ، یعنی:
 هیچ دانه ای در مخفیگاه زمین و داخل زمین قرار نمی گیرد مگر این که
 خداوند متعال آن را می داند و از خصوصیات آن آگاه است.
 منظور از ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ «تاریکی های زمین» باطن زمین و درون تاریک
 زمین می باشد که بذر گیاهان در آن نشو و نما پیدا می کنند،
 و بعضی از دانه ها نیز آنجا می پوسند و از بین می روند، و خداوند متعال به

۱. المیزان، جلد سیزدهم، صفحه ۲۰۳ «ذیل آیه ۵۹ سوره انعام».
 تفسیر نمونه، جلد پنجم، صفحه ۳۳۵ «ذیل آیه ۵۹ سوره انعام».

همه آن‌ها آگاه است.^۱

انتهای آیه شریفه نیز در تأکید مطالب قبل بوده و مبین احاطه علمی خداوند متعال بر تمام چیزها و تمام اشیاء می‌باشد و بیان می‌فرماید که:

وَلَا رَطْبٌ وَلَا يَابِسٌ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ، یعنی:

هیچ تر و خشکی نیست مگر این که در کتاب مُبیین ثبت است، یعنی: هیچ تر و خشکی نیست مگر این که خداوند متعال به آن علم و آگاهی دارد. این قسمت از آیه شریفه با عبارتی کوتاه، وسعت بی‌انتهای علم خداوند متعال را به تمام موجودات و تمام اشیاء بیان می‌فرماید، و خداوند متعال علم بی‌نهایت و علم بی‌انتهای خویش را نسبت به همه اشیاء تعمیم می‌دهد، زیرا:

منظور از تر و خشک در این آیه شریفه «آیه ۵۹ سوره انعام» معنی لغوی آن نیست،

بلکه این تعبیر معمولاً کنایه از عمومیت می‌باشد،

و خلاصه کلام این‌که:

این قسمت از آیه شریفه با عبارتی کوتاه لیکن بسیار رسا، وسعت بی‌انتهای بی‌نهایت علم خداوند متعال را نسبت به همه مخلوقات و همه موجودات و همه اشیاء بیان نموده و می‌فرماید:

خداوند متعال از همه چیز آگاه است،

و هیچ استثنایی در کار نیست.^۲

۱. مجمع‌البیان، جلد هشتم، صفحه ۱۱۹ «ذیل آیه ۵۹ سوره انعام».

المیزان، جلد سیزدهم، صفحه ۲۰۳ و ۲۰۴ «ذیل آیه ۵۹ سوره انعام».

تفسیر نمونه، جلد پنجم، صفحه ۳۳۵ و ۳۳۶ «ذیل آیه ۵۹ سوره انعام».

۲. مجمع‌البیان، جلد هشتم، صفحه ۱۱۹ و ۱۲۰ «ذیل آیه ۵۹ سوره انعام».

المیزان، جلد سیزدهم، صفحه ۲۰۳ و ۲۰۴ «ذیل آیه ۵۹ سوره انعام».

تفسیر نمونه، جلد پنجم، صفحه ۳۳۷ و ۳۳۸ «ذیل آیه ۵۹ سوره انعام».

منظور از کتاب مُبین در این آیه شریفه «آیه ۵۹ سوره انعام و آیه ۶۱ سوره یونس که صفحات قبل به آن اشاره شد» همان مقام علم وسیع و بی پایان خداوند متعال است که گاهی از آن تعبیر به لوح محفوظ می شود، یعنی: همه موجودات و همه مخلوقات در علم بی پایان و بی نهایت خداوند متعال ثبت می باشند،

و تفسیر کتاب مُبین در این آیه شریفه «آیه ۵۹ سوره انعام» به لوح محفوظ نیز قابل تطبیق بر همین معنا است.^۱ در تفسیر المیزان راجع به کتاب مُبین در این آیه شریفه «آیه ۵۹ سوره انعام» آمده که:

کتاب مُبین کتابی است که جمیع موجودات و مخلوقات را برشمرده «شمارش و احصاء نموده»،

و آنچه که بوده و هست و خواهد بود را احصاء و شمارش نموده است، بدون این که کوچک ترین موجود و مخلوقی را از قلم انداخته باشد.^۲ انشاء الله تعالی در بخش حدیث ملاحظه خواهید فرمود که: مقصود از کتاب مُبین در این آیه شریفه «آیه ۵۹ سوره انعام» امام مُبین است. ذیل دوّمین مورد از فضائل و مناقب و ویژگی های مولی الموحّدین امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام که صفحات قبل راجع به آن بحث شد به عرض رسید که:

مقصود از امام مُبین در آیه ۱۲ سوره مبارکه یس «وَكُلَّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُّبِينٍ» لوح محفوظ الهی است، و امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام امام مُبین است، و خداوند متعال

۱. تفسیر نمونه، جلد پنجم، صفحه ۳۳۸ «ذیل آیه ۵۹ سوره انعام».

تفسیر نمونه، جلد هشتم، صفحه ۴۰۱ «ذیل آیه ۶۱ سوره یونس».

۲. المیزان، جلد سیزدهم، صفحه ۲۰۲ «ذیل آیه ۵۹ سوره انعام».

همه چیز را و همه علوم را در سینه و قلب مبارک آن حضرت قرار داده است
«احصاء فرموده است».

بنابراین:

الف: مقصود از کتاب مُبین در این آیه شریفه «آیه ۵۹ سوره انعام» امام مُبین است.

ب: مقصود از امام مُبین در آیه ۱۲ سوره مبارکه یس، لوح محفوظ خداوند متعال می باشد.

ج: مقصود از امام مُبین در آیه ۱۲ سوره مبارکه یس «تأویل آیه شریفه طبق احادیث شریفی که صفحات قبل ملاحظه فرمودید» وجود مقدّس امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السلام می باشد،

و به همین جهت آن بزرگوار از تمام وقایع گذشته و حال و آینده اطلاع کامل دارد و همه اینها را خداوند متعال به آن بزرگوار اعطا فرموده است.

د: منظور از کتاب مُبین وجود مقدّس امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السلام می باشد.^۱

حدیث:

۱- حسین بن خالد می گوید:

از وجود مقدّس امام کاظم علیه السلام سؤال کردم:

یا بن رسول الله:

منظور از کتاب مُبین در این آیه شریفه «وَلَا رَطْبٌ وَلَا يَابِسٌ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ

– آیه ۵۹ سوره انعام» چیست؟

وجود مقدّس امام کاظم علیه السلام فرمودند:

۱. فاطمه علیها سلام حلقه وصل رسالت و امامت، تألیف آیت الله وحید خراسانی، صفحه ۳۳۶، ذیل عنوان: کتاب تدوین و کتاب تکوین، مجلس بیست و سوم.

منظور از کتاب مُبین در این آیه شریفه امام مُبین است.^۱

توضیح:

الف: طبق این حدیث نورانی و شریف که از امام کاظم علیه السلام نقل شد معنی این قسمت از آیه شریفه «لَا رَطْبٌ وَلَا يَابِسٌ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ - آیه ۵۹ سوره انعام» این می شود که:

هیچ تر و خشکی نیست مگر این که در کتاب مُبین یعنی در امام مُبین ثبت شده است.

در صفحات قبل به عرض رسید که:

منظور از تر و خشک در این آیه شریفه «آیه ۵۹ سوره انعام» معنی لغوی آن نیست،

بلکه تعبیر تر و خشک، عمومیت را می رساند، یعنی:

علم درباره همه مخلوقات و حقایق همه مخلوقات و حقایق همه عالم در کتاب مُبین که همان امام مبین است موجود است.

ب: ذیل دومین مورد از فضائل و مناقب و ویژگی های امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام در این کتاب شریف فاطمی به عرض رسید که:

مقصود از امام مُبین در آیه ۱۲ سوره مبارکه یس «وَكُلُّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُبِينٍ» وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام می باشد «طبق تأویل آیه شریفه»، لذا آن حضرت، هم امام مُبین است و هم کتاب مُبین، بنابراین:

معنی آیه ۵۹ سوره انعام و آیه ۱۲ سوره یس «تأویل این دو آیه شریفه طبق

۱. تفسیر صافی، جلد دوم، صفحه ۵۵۶ «ذیل آیه ۵۹ سوره انعام».

تفسیر برهان، جلد چهارم، صفحه ۶۱ «ذیل آیه ۵۹ سوره انعام».

تفسیر نورالثقلین، جلد دوم، صفحه ۶۰۰ و ۶۰۱، حدیث ۱۰۱ «حدیث ۳۱۱۰» «ذیل آیه ۵۹ سوره انعام».

احادیث شریف ذیل این دو آیه شریفه» این می شود که:
 خداوند متعال حقایق همه عالم و علم همه چیزها را در امام مُبین و کتاب
 مُبین یعنی در سینه و قلب مبارک امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام قرار
 داده است «همچنین سایر حضرات معصومین علیهم السلام»،
 و به همین جهت وجود مقدّس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام
 «همچنین سایر حضرات معصومین علیهم السلام» از گذشته و حال و آینده
 همه انسانها و همه مخلوقات الهی مطلع و آگاه می باشند و از آن اطلاع کامل
 دارند.

۲- محمّد بن ابی عمیر از عبدالله بن ولید سَمّان نقل می کند که گفت:
 وجود مقدّس امام صادق علیه السلام به من فرمود:
 نظر مردم درباره اولوالعزم «پیامبران اولوالعزم» و امامتان امیرالمؤمنین علی بن
 ابیطالب علیه السلام چیست؟

عبدالله بن ولید سَمّان می گوید:

خدمت امام صادق علیه السلام عرض کردم:
 هیچ کس را بر پیامبران اولوالعزم مقدّم نمی دارند.
 وجود مقدّس امام صادق علیه السلام فرمود:
 خداوند تبارک و تعالی درباره حضرت موسی فرمود:
 وَ كَتَبْنَا لَهُ فِي الْأَلْوَابِحِ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مَوْعِظَةً «آیه ۱۴۵ سوره اعراف» «یعنی
 برای حضرت موسی در آن الواح از هرگونه پند و موعظه ای چیزی نوشتیم»،
 و خداوند متعال درباره حضرت موسی نفرمود که:
 برای حضرت موسی هر پند و موعظه ای را نوشتیم.
 وجود مقدّس امام صادق علیه السلام در ادامه فرمایش خویش فرمودند:
 حضرت عیسی به قوم خویش و به امت خویش فرمود:

وَلَا يَبِينُ لَكُمْ بَعْضَ الَّذِي تَخْتَلِفُونَ فِيهِ «آیه ۶۳ سوره زخرف» «یعنی تا برخی از آنچه را که درباره آن اختلاف می کنید برای شما بیان کنم»،
و حضرت عیسی به قوم و امت خویش فرمود که:
تا هرچه را که «تا آنچه را که» درباره آن اختلاف می کنید برای شما بیان کنم.

وجود مقدس امام صادق علیه السلام در ادامه فرمایش خویش به عبدالله بن ولید سمان فرمود:

أما خداوند متعال درباره امام شما امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام فرمود:

قُلْ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ «آیه ۴۳ سوره رعد»،
همچنین خداوند متعال درباره امام شما امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام فرمود:

وَكُلُّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُّبِينٍ «آیه ۱۲ سوره یس»،
همچنین خداوند متعال درباره امام شما امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام فرمود:

وَلَا رَطْبٍ وَلَا يَابِسٍ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ «آیه ۵۹ سوره انعام»، یعنی:
هیچ تر و خشکی نیست مگر این که در کتاب مبین ثبت شده و نوشته شده است «یعنی همه چیز در کتاب مبین ثبت شده و نوشته شده است»،
و سپس وجود مقدس امام صادق علیه السلام در پایان فرمایش خویش فرمودند:

وَعِلْمُ هَذَا الْكِتَابِ عِنْدَهُ، یعنی:
علم کتاب مبین نزد امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام می باشد «یعنی امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام به همه چیز آگاه است و از آن اطلاع

کامل دارد»^۱.

توضیح:

طبق این حدیث نورانی و شریف که از وجود مقدّس امام صادق علیه السّلام نقل شد معنی این قسمت از آیه شریفه «وَلَا رَطْبٌ وَلَا يَابِسٌ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ» - آیه ۵۹ سوره انعام» این می شود که:

هیچ تر و خشکی نیست مگر این که در کتاب مُبین ثبت شده است.

در صفحات قبل به عرض رسید که:

منظور از تر و خشک در این آیه شریفه «آیه ۵۹ سوره انعام» معنی لغوی آن

نیست،

بلکه تعبیر تر و خشک، عمومیت را می رساند، یعنی:

علم درباره همه مخلوقات و حقائق همه مخلوقات و حقائق همه عالم در

کتاب مُبین ثبت شده و موجود است،

و طبق فرمایش امام صادق علیه السّلام در این حدیث شریف «حدیث ۲ که

ملاحظه فرمودید» علم کتاب مُبین نزد امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام

می باشد، یعنی:

علم درباره همه مخلوقات و حقائق همه مخلوقات و حقائق همه عالم نزد

مولی الموحّدین امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام است که خَيْرُ الْخَلْقِ

«بهترین مخلوق خداوند متعال» بعد از وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه

و آله و سلّم می باشد،

و سیّد الاوصیاء و سیّد الوصیّین است، یعنی:

۱. احتجاج طبرسی، جلد دوّم، صفحه ۳۱۰ و ۳۱۱، حدیث ۲۵۴ «احتجاج امام صادق علیه السّلام در انواع علوم دینی».

تفسیر صافی، جلد دوّم، صفحه ۵۵۶ «ذیل آیه ۵۹ سوره انعام».

تفسیر نورالثقلین، جلد دوّم، صفحه ۶۰۰ و ۶۰۱، حدیث ۱۰۳ «حدیث ۳۱۱۲» «ذیل آیه ۵۹ سوره انعام»..

مقام آن حضرت از یازده امام معصوم علیهم السّلام برتر و بالاتر می باشد، و به طریق اولی مقام آن حضرت از تمام انبیاء الهی «غیر از وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم» برتر و بالاتر است، و در یک کلام: وجود مقدّس امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام بعد از وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم مقرب ترین مخلوق خداوند متعال در پیشگاه الهی است،

و به عبارت دیگر:

وجود مقدّس امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام دوّمین شخصیت عالم خلقت است و شبیه و نظیر و مثل و مانند ندارد مگر وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها که کفو و همطراز و همتا و شبیه و نظیر آن حضرت می باشد،

و این فضیلت و منقبت و این مقام و منزلت وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها مقام و منزلتی است استثنایی و بی نظیر، چرا که آن علیا مخدّره طبق احادیث شریفی که در انتهای بحث و پس از بیان فضائل و مناقب حضرت امیرعلیه السّلام ملاحظه خواهید فرمود، کُفو و همطراز و همتا و مثل و مانند و شبیه و نظیر حضرت امیر علیه السّلام می باشد و اگر خداوند متعال حضرت امیر علیه السّلام را خلق نمی فرمود احدی از مخلوقات الهی شایستگی و لیاقت همسری صدّیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها را نداشت.

پس از ارائه توضیحات مختصری در رابطه با سوّمین مورد از فضائل و مناقب و ویژگی های امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام می پردازیم به چهارمین مورد از فضائل و مناقب و ویژگی های آن حضرت.

* منقبت چهارم:

وجود مقدّس مولی الموحدین امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام خَیْرُ
الْبَرِیَّةِ است، یعنی:

وجود مقدّس امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام بعد از وجود مبارک
پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم بهترین مخلوق خداوند متعال است،
یعنی:

وجود مقدّس امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام بعد از وجود مبارک
پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم بهترین مخلوق خداوند متعال است و
مقام آن حضرت از مقام همه انبیاء الهی برتر و بالاتر است، و به عبارت دیگر:
وجود مقدّس امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام دوّمین شخصیت
عالم خلقت می باشد و شبیه و نظیر ندارد مگر وجود مقدّس فاطمه زهرا
سلام الله علیها که کُفُو و همطراز و همتا و شبیه و نظیر آن حضرت است که
انشاء الله تعالی در خاتمه بحث به آن اشاره خواهد شد.

خداوند متعال در آیه هفتم سوره بینه می فرماید:

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ، یعنی:

آنهایی که ایمان آوردند و عمل صالح انجام دادند آنها بهترین مخلوقات
خداوند متعال هستند.

این آیه شریفه خیریت را منحصر در مؤمنینی دانسته که اعمال صالح انجام
می دهند،

و این انحصار از آوردن ضمیر «هُم» استفاده می شود که خداوند متعال

می فرماید:

أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ، زیرا:

اگر خداوند متعال فرموده بود:

أَوْلَيْكَ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ، معنی آیه شریفه این می شد که:
کسانی که ایمان آورده و عمل صالح انجام داده‌اند، این‌ها بهترین مخلوقات
خداوند متعال هستند،

و این منافات نداشت با این که اشخاص دیگری نیز در زمره بهترین مخلوقات
خداوند متعال باشند، لذا:

آوردن ضمیر «هُم» این معنا را می‌رساند که:
فقط و فقط مؤمنینی که عمل صالح انجام می‌دهند «به واجبات عمل نموده و
از محرّمات اجتناب می‌نمایند» بهترین مخلوقات خداوند متعال هستند.
مؤمنین یعنی کسانی که:

به یگانگی و وحدانیت خداوند متعال و به رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه
و آله و سلم و به امامت دوازده امام معصوم و همچنین به روز قیامت اعتقاد و
ایمان دارند،

و اگر این مؤمنین عمل صالح انجام دهند «به واجبات عمل نموده و از
محرّمات اجتناب نمایند» بهترین مخلوقات خداوند متعال می‌باشند.^۱
بَرِيَّةٌ = مخلوق، آفریده.^۲

در تفاسیر شریف صافی، برهان و نورالثقلین احادیث شریفی از وجود
مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده که آن حضرت فرمودند:
این آیه شریفه «آیه هفتم سوره بینه» درباره امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب
علیه السلام و شیعیان آن حضرت می‌باشد، یعنی:

مصدق اتمّ و اکمل خَيْرُ الْبَرِيَّةِ «بهترین مخلوق خداوند متعال» بعد از وجود

۱. مجمع‌البیان، جلد بیست و هفتم، صفحه ۲۱۶ «ذیل آیات سوره بینه».

المیزان، جلد چهارم، صفحه ۳۴۳ «ذیل آیات سوره بینه».

تفسیر نمونه، جلد بیست و هفتم، صفحه ۲۳۰ و ۲۳۱ «ذیل آیات سوره بینه».

۲. مفردات راغب.

مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، وجود مقدّس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام می باشد، و شیعیان آن حضرت نیز به احترام آن حضرت مشمول این آیه شریفه می شوند.

به عنوان نمونه به تعدادی از این احادیث شریف اشاره می شود.

۱- جابر بن عبدالله انصاری می گوید:

من به همراه تعدادی از اصحاب رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم کنار خانه خدا در محضر مبارک پیامبر اکرم بودیم که امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام وارد شد.

هنگامی که چشم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام افتاد فرمود:

قَدْ أَتَاكُمْ أَخِي، یعنی:

برادر من نزد شما آمد.

آنگاه وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم رو به جانب کعبه نموده و فرمود:

وَ الَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ،

إِنَّ هَذَا وَ شِيعَتَهُ هُمُ الْفَائِزُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، یعنی:

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

قسم به کسی که جانم در دست او است «قسم به خداوند متعال»،

این مرد «علی بن ابیطالب علیه السلام» و شیعیانش در روز قیامت فائز و رستگار می باشند.

و اینجا بود که خداوند متعال این آیه شریفه را «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ - آیه ۷ سوره بینه» نازل فرمود.

جابر بن عبدالله انصاری می گوید:

پس از نزول این آیه شریفه «آیه هفتم سوره بینه» هر وقت اصحاب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام را می دیدند که به آنها وارد می شود می گفتند:

خَيْرُ الْبَرِيَّةِ أَمَدٌ «بهترین مخلوق خداوند متعال بعد از پیامبر اکرم آمد».^۱

توضیح:

الف: این حدیث شریف را علاوه بر منابع شیعه، دو نفر از علمای معروف اهل سنت نیز به نامهای حاکم حسکانی «در شواهد التنزیل» و سیوطی «در درالمنثور» نقل نموده اند.^۲

ب: قابل ذکر است که:

نزول این آیه شریفه «آیه هفتم سوره بینه» در کنار خانه خدا در مکه مکرمه منافات با مدنی بودن سوره بینه ندارد، زیرا:

ممکن است نزول این آیه شریفه «آیه ۷ سوره بینه» و نزول این سوره مبارکه «سوره بینه» از قبیل نزول مجدد و یا تطبیق بوده باشد،

ضمن این که بعید نیست نزول آیات شریفه سوره مبارکه بینه در سفرهایی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم از مدینه به مکه داشته اند صورت گرفته باشد.^۳

۱. امالی شیخ طوسی، جلد اول، صفحه ۵۵۲، حدیث ۴۰ «حدیث ۴۴۸» مجلس نهم.

تفسیر صافی، جلد ششم، صفحه ۵۵۳ «ذیل آیه ۷ سوره بینه».

تفسیر برهان، جلد نهم، صفحه ۶۳۰، حدیث ۹ «ذیل آیه ۷ سوره بینه».

تفسیر نورالثقلین، جلد هشتم، صفحه ۵۱۳، حدیث ۱۱ «حدیث ۱۳۰۵۲» «ذیل آیه ۷ سوره بینه».

۲. المیزان، جلد چهارم، صفحه ۳۴۴ و ۳۴۵ «بحث روایتی ذیل آیات سوره بینه».

تفسیر نمونه، جلد بیست و هفتم، صفحه ۲۳۴، حدیث ۲ «ذیل آیه ۷ سوره بینه».

تفسیر نمونه، جلد بیست و هفتم، صفحه ۲۳۴، حدیث ۳ «ذیل آیه ۷ سوره بینه».

۳. تفسیر نمونه، جلد بیست و هفتم، صفحه ۲۳۴ و ۲۳۵ «ذیل آیه ۷ سوره بینه».

۲- یعقوب پسر میثم تمّار نقل می کند که:

خدمت امام باقر علیه السّلام شرفیاب شدم و به آن حضرت عرض کردم:

یا بن رسول الله:

من در میان نامه های پدرم «یعنی میثم تمّار که از اصحاب امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام بود» نامه ای را دیدم که امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام به پدرم میثم فرموده که:

ای میثم:

دوست داشته باش کسانی را که آل محمّد علیهم السّلام را دوست می دارند هر چند آن ها بعضاً اهل گناه باشند،

و دشمن بدار کسانی را که دشمن آل محمّد علیهم السّلام هستند هر چند آن ها اهل تهجد و شب زنده داری باشند و فراوان روزه بگیرند، زیرا:

من «یعنی امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام» از وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم شنیدم که آن حضرت پس از تلاوت این آیه شریفه «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ - آیه ۷ سوره بینه» به من فرمود:

هُمُ وَاللَّهِ أَنْتَ وَشِيعَتِكَ يَا عَلِيُّ،

وَمِيعَادُكَ وَمِيعَادُهُمُ الْحَوْضُ غَدًا غُرًّا مَحَجَّلِينَ، یعنی:

به خدا قسم:

ای علی،

خَيْرُ الْبَرِيَّةِ تو و شیعیان تو می باشند،

و میعاد تو «وعده گاه و محلّ قرار تو» و شیعیانت در قیامت کنار حوض کوثر خواهد بود درحالی که پیشانی سفید «چهره نورانی» و شناخته شده اید «همه می فهمند که شما اهل بهشت هستید».

يعقوب بن میثم تمّار در ادامه سخن خویش افزود:
وجود مبارک امام باقر علیه السلام پس از شنیدن سخنان من «یعنی یعقوب
پسر میثم تمّار» عرائض بنده را تصدیق نموده و فرمودند:
مطلب همین است.^۱

توضیح:

عین این حدیث شریف را یکی از علمای معروف اهل سنت نیز به نام سیوطی
در کتاب خویش «درّ المنثور» از وجود مقدّس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب
علیه السلام نقل نموده است.^۲
قابل ذکر است که:

بسیاری از علمای معروف اهل سنت همین مضمون را در کتب خویش نقل
نموده‌اند که اسامی تعدادی از آنها را ذیلاً ملاحظه می‌فرمایید.

خطیب خوارزمی در مناقب

طبری در تفسیر معروفش

ألوسی در روح المعانی

ابونعیم اصفهانی در کفاية الخصام

ابن صباغ مالکی در فصول المهمّة

شوکانی در فتح القدير

ابن حجر در صواعق

شبلنجی در نورالابصار

۱. امالی شیخ طوسی، جلد دوم، صفحه ۴۲، حدیث ۵۷ «حدیث ۹۰۹» مجلس چهاردهم.

تفسیر صافی، جلد ششم، صفحه ۵۵۳ «ذیل آیه ۷ سوره بینه».

تفسیر برهان، جلد نهم، صفحه ۶۲۹، حدیث ۸ «ذیل آیه ۷ سوره بینه».

تفسیر نورالثقلین، جلد هشتم، صفحه ۵۱۵، حدیث ۱۳ «حدیث ۱۳۰۵۴» «ذیل آیه ۷ سوره بینه».

۲. تفسیر نمونه، جلد بیست و هفتم، صفحه ۲۳۶، حدیث ۵ «ذیل آیه ۷ سوره بینه».

قندوزی در ینابیع المودّه و..

خلاصه کلام این که:

حدیث فوق از احادیث بسیار معروف و مشهور می باشد و اکثر علمای اهل سنت «فقط اسم تعدادی از آنها ذکر شد» این حدیث شریف را از وجود مقدّس امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السلام نقل نموده اند، و این فضیلت قطره ای از دریای بیکران فضائل مولی الموحّدین امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السلام می باشد.^۱

۳- وجود مقدّس امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السلام فرمودند:

وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم در آخرین ساعات عمر خویش درحالی که سر مبارکش را به سینه من گذاشته بود این آیه شریفه را «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ - آیه ۷ سوره بینه» تلاوت نموده و به من فرمود:

علی جان:

منظور از خَيْرُ الْبَرِيَّةِ «بهترین مخلوق خداوند متعال» در این آیه شریفه تو و شیعیان تو هستند،

و وعده گاه من و شما کنار حوض کوثر می باشد،

و هنگامی که روز قیامت همه اُمّت ها برای حساب جمع می شوند شما را دعوت می کنند درحالی که چهره های شما زیبا و نورانی است.

این حدیث را یزید بن شراحیل انصاری از وجود مقدّس امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السلام نقل نموده و علاوه بر منابع شیعه در دو کتاب معروف اهل سنت به نام مناقب خطیب خوارزمی و شواهد التنزیل حاکم حسکانی نیز آمده است.^۲

۱. تفسیر نمونه، جلد بیست و هفتم، صفحه ۲۳۵ و ۲۳۶ «ذیل آیه ۷ سوره بینه».

۲. مجمع البیان، جلد بیست و هفتم، صفحه ۲۱۸ «ذیل آیه ۷ سوره بینه».

در ادامه این حدیث شریف آمده که:

پس از نزول این آیه شریفه «آیه ۷ سوره بینه» هرگاه وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام وارد مجلسی می شدند اصحاب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می گفتند:

خَيْرُ الْبَرِيَّةِ أَمَدٌ «بهترین مخلوق خداوند متعال بعد از پیامبر اکرم آمد»^۱.
قابل ذکر است که:

حاکم حسکانی از علمای معروف اهل سنت که در قرن پنجم هجری می زیسته در کتاب شواهد التنزیل و ذیل آیه هفتم سوره بینه بیش از بیست حدیث به اسناد مختلف نقل نموده که مقصود از خَيْرُ الْبَرِيَّةِ در این آیه شریفه «انَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ - آیه ۷ سوره بینه» وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام می باشد.^۲

۴- وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام فرمود:
أَنَا سَيِّدُ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ،
وَأَنْتَ يَا عَلِيُّ سَيِّدُ الْخَلَائِقِ بَعْدِي، یعنی:
وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام فرمود:

المیزان، جلد چهارم، صفحه ۳۴۵ «بحث روایتی ذیل آیات سوره بینه».
تفسیر برهان، جلد نهم، صفحه ۶۲۷، حدیث ۴ «ذیل آیه ۷ سوره بینه».
تفسیر برهان، جلد نهم، صفحه ۶۳۳، حدیث ۱۷ «ذیل آیه ۷ سوره بینه».
تفسیر برهان، جلد نهم، صفحه ۶۳۵، حدیث ۲۴ «ذیل آیه ۷ سوره بینه».
تفسیر نورالثقلین، جلد هشتم، صفحه ۵۱۳، حدیث ۱۰ «حدیث ۱۳۰۵۱» «ذیل آیه ۷ سوره بینه».
۱. تفسیر برهان، جلد نهم، صفحه ۶۳۳، حدیث ۱۶ «ذیل آیه ۷ سوره بینه».
۲. تفسیر نمونه، جلد بیست و هفتم، صفحه ۲۳۳ «ذیل آیه ۷ سوره بینه».
مجمع البیان، جلد بیست و هفتم، صفحه ۲۱۸ «ذیل آیه ۷ سوره بینه».
«پاورقی به قلم مترجم محترم حضرت حجة الاسلام والمسلمین حاج شیخ محمد رازی».

علی جان:

من سید و آقا و سرور اولین و آخرین هستم «یعنی افضل و اشرف مخلوقات می باشم»،
و تو بعد از من سید و آقا و سرور همه مخلوقات الهی هستی «یعنی حضرت امیر علیه السلام دوّمین شخصیت عالم خلقت می باشد».^۱

توضیح:

الف: دهها حدیث و روایت در منابع معروف و معتبر شیعه و سنی آمده که: وجود مقدّس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام بعد از وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم خَیْرُ الْبَرِیَّه است، یعنی: وجود مقدّس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام بعد از وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم بهترین مخلوق خداوند متعال است، و به عبارت دیگر:

وجود مقدّس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام دوّمین شخصیت عالم خلقت می باشد و کفو و شبیه و نظیر ندارد، مگر وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها که انشاء الله تعالی در خاتمه بحث به آن اشاره خواهد شد. جهت جلوگیری از طولانی شدن کلام به همین چهار حدیث شریف اکتفا می شود.

ب: ملاحظه فرمودید که:

وجود مقدّس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام بعد از وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم بهترین مخلوق خداوند متعال می باشد و

۱. نفس نفیس خاتمیت، تألیف آیت الله وحید خراسانی، صفحه ۳۸۰، مجلس نوزدهم. شرح زیارت جامعه کبیره «ادب فنای مقربان» تألیف آیت الله جوادی آملی: جلد نهم، صفحه ۲۱۱، ذیل عنوان: اَشْهَدُ اَللهُ وَ اَشْهَدُکُمْ اَنّی مُؤْمِنٌ بِکُمْ. جلد دهم، صفحه ۳۶۶، ذیل عنوان: فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لَا مَعَ عَدُوِّكُمْ.

افضل و اشرف مخلوقات الهی است، و هرکس در این قضیه شک کند یا آن را انکار نماید کافر است و در زمره کافرین می باشد،

و احادیث شریف ذیل با صراحت هرچه تمامتر این مطلب را بیان می فرمایند.

۱- وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به امیرالمؤمنین علی

بن ابیطالب علیه السلام فرمود:

یا عَلِيُّ:

أَنْتَ خَيْرُ الْبَشَرِ،

لَا يَشْكُ فَيْكَ إِلَّا كَافِرٌ، یعنی:

وجود مقدس پیامبر اکرم به حضرت امیر علیه السلام فرمود:

یا علی:

تو بهترین افراد بشر هستی،

و کسی درباره تو شک نکند جز کافر، یعنی:

وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام بعد از پیامبر اکرم

صلی الله علیه و آله و سلم بهترین مخلوق خداوند متعال می باشد، و هرکس در

این قضیه شک کند آن شخص کافر است.^۱

۲- وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

علِيُّ بن ابیطالب خَيْرُ الْبَشَرِ،

وَ مَنْ أَبَى فَقَدْ كَفَرَ، یعنی:

وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام بهترین مخلوق خداوند متعال

می باشد «بعد از وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم»،

۱. امالی شیخ صدوق، صفحه ۱۲۷، حدیث ۷ «مجلس هیجدهم».

عیون اخبار الرضا علیه السلام، جلد دوم، باب ۳۱، صفحه ۹۶، حدیث ۲۲۵.

شرح زیارت جامعه کبیره، تألیف آیت الله سیدمحمدتقی نقوی، صفحه ۴۹۴، شماره ۱۱۸، ذیل عنوان: الشَّاكِينِ فَيْكُمْ.

و هر کس در این قضیه شک کند و از پذیرش آن امتناع نماید کافر است. این حدیث را حدیفة بن یمان از وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل نموده است.^۱

۳- جابر بن عبدالله انصاری می گوید:

از وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم شنیدم که آن حضرت فرمودند:

عَلَى بَعْدَى خَيْرُ الْبَشَرِ،

فَمَنْ شَكَّ فِيهِ فَقَدْ كَفَرَ، یعنی:

وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام بعد از من بهترین بشر است «بهترین و برترین انسانها است»، و هر کس در این قضیه شک نماید کافر است.^۲

توضیح:

ملاحظه فرمودید که:

وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام بعد از وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بهترین مخلوق خداوند متعال است و افضل و اشرف مخلوقات الهی است، یعنی:

وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام دومین شخصیت

۱. امالی شیخ صدوق، صفحه ۱۲۷، حدیث ۵ «مجلس هیجدهم». شرح خطبه پیامبر اکرم در غدیر خم، تألیف آیت الله سیدمحمدتقی نقوی، صفحه ۱۷۳، «قسمت ۲۸ خطبه، ذیل عنوان: معاشر الناس انه امام من الله».

تحقیقی درباره زندگانی فاطمه زهرا سلام الله علیها، تألیف آیت الله سید محمدکاظم قزوینی، صفحه ۱۷. خصائص فاطمیة، تألیف آیت الله کجوری مازندرانی، صفحه ۸۱۶.

«خصیصه چهل و هفتم از پنجاه خصیصه قبل از شهادت حضرت زهرا سلام الله علیها». ۲. شرح زیارت جامعه کبیره، تألیف آیت الله سیدمحمدتقی نقوی، صفحه ۴۹۵، ذیل عنوان الشاکین فیکم.

عالم خلقت می باشد،

و هرکس در این قضیه شک کند کافر است.

احادیث فراوانی وارد شده که هرکس در بهترین بودن و برترین بودن امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام بر تمام مخلوقات الهی «بعد از وجود مبارک پیامبر اکرم» شک کند کافر است و سه حدیثی که ملاحظه فرمودید نمونه ای از این احادیث شریف بود.

این احادیث شریف را جابر بن عبدالله انصاری، عبدالله بن عباس، حذیفه بن یمان، عبدالله بن مسعود، ابو وائل، عایشه و... نقل نموده اند، و مفاد همه این احادیث شریف این است که:

وجود مقدّس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام بعد از وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم بهترین و برترین مخلوق خداوند متعال می باشد، و هرکس در این قضیه شک کند کافر است.

این احادیث شریف در بسیاری از منابع شیعه آمده که ذیلاً به اسامی تعدادی از آنها اشاره می شود:

عیون اخبار الرضا علیه السلام،

امالی شیخ صدوق،

امالی شیخ طوسی،

طرائف سید بن طاووس،

کشف الغمّه اربلی،

بحار الانوار مجلسی،

اثبات الهداة شیخ حرّ عاملی و...

این احادیث شریف در بسیاری از منابع اهل سنت نیز آمده که اسامی تعدادی از آنها را ذیلاً ملاحظه می فرمایید.

تاریخ بغداد خطیب،
 فرائد السّمطین حموینی،
 کفایة الطالب گنجی،
 کنز العمال متقی هندی،
 کتاب الفضائل احمد بن حنبل،
 ذخائر العقبی و ریاض النّضره محبّ الدّین طبری،
 نورالابصار شبلنجی و..^۱

خلاصه کلام این که:

وجود مقدّس مولی الموحّدین امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام بعد از وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم افضل و اشرف مخلوقات خداوند متعال است،

و به عبارت دیگر امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام دوّمین شخصیت عالم خلقت می باشد و کفو و شبیه و نظیر و همتا و همطراز ندارد، مگر وجود مقدّس صدیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها که انشاء الله تعالی در خاتمه بحث به آن اشاره خواهد شد.

پس از ارائه توضیحات مختصری در رابطه با چهارمین مورد از فضائل و مناقب و ویژگی های امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام، می پردازیم به پنجمین مورد از فضائل و مناقب و ویژگی های آن حضرت.

۱. شرح خطبه پیامبر اکرم در غدیر خم - تألیف آیت الله سید محمدتقی نقوی - صفحه ۱۷۳ و ۱۷۴ - قسمت ۲۸ خطبه شریف، ذیل عنوان: مَعَاشِرَ النَّاسِ: أَنَّهُ إِمَامٌ مِّنَ اللَّهِ.

* منقبت پنجم:

وجود مقدّس مولی الموحّدين امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام،
سیّدالاصیاء و سیّد الوصیّین است.

«سیّد = سرور، بزرگ، آقا».

ذیل دوّمین و سوّمین فضیلت از فضائل بی شمار فاطمه زهرا سلام الله علیها
در این کتاب شریف فاطمی به عرض رسید که:

وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام «یعنی وجود مقدّس پیامبر اکرم
صلی الله علیه و آله و سلّم و اوصیاء آن حضرت یعنی وجود مقدّس دوازده امام
معصوم و دختر گرانقدر آن حضرت یعنی وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله
علیها» بهترین و برترین مخلوقات خداوند متعال هستند و اشرف و افضل
مخلوقات الهی می باشند،

ضمن اینکه آن ذوات مقدّسه علّت غایی خلقت نیز هستند، یعنی خداوند
متعال همه عالم را به خاطر آن ذوات مقدّسه خلق فرموده است.

در بین این چهارده وجود مقدّس و معصوم، وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی
الله علیه و آله و سلّم مقام اوّل را دارا می باشد، یعنی:

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم اشرف و افضل مخلوقات
الهی است و اوّلین شخصیت عالم خلقت می باشد، و مقام آن حضرت از مقام
اوصیاء آن حضرت «یعنی دوازده امام معصوم و منصوب از ناحیه حق تعالی»
برتر و بالاتر می باشد، و بعد از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم اوصیاء آن
حضرت یعنی دوازده امام معصوم علیهم السّلام قرار گرفته اند.

در بین اوصیاء آن حضرت یعنی در بین دوازده امام معصوم علیهم السّلام
وجود مقدّس مولی الموحّدين امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام در
صدر قرار گرفته است، یعنی:

وجود مقدّس امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام سیدالاصیاء و سید الوصیّین است،

و مقام آن حضرت از مقام یازده امام معصوم از نسل و ذریّه اش برتر و بالاتر می باشد،

و احادیث شریفی را که ذیلاً ملاحظه خواهید فرمود مبین این مطلب می باشند،

و به عبارت دیگر:

وجود مقدّس امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام دوّمین شخصیت عالم خلقت می باشد،

و آن حضرت، سیدالاصیاء و سیدالوصیّین است، و شبیه و نظیر ندارد مگر وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها،

و در علوّ مقام فاطمه زهرا سلام الله علیها همین بس که آن علیا مخدّره کُفو و همتا و همطرز و شبیه و نظیر مولی الموحّدین امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام است، که آن حضرت دوّمین شخصیت عالم خلقت می باشد، و سیدالاصیاء و سیدالوصیّین است،

و پس از این دو بزرگوار «حضرت امیر و حضرت زهرا سلام الله علیهما» یازده امام معصوم از نسل این دو بزرگوار واقع شده اند، و پس از این ذوات مقدّسه انبیاء اولوالعزم و سپس سایر انبیاء الهی و اوصیاء آنها قرار گرفته اند.

احادیث شریف ذیل مُبیین این مطلب هستند که:

وجود مقدّس امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام، سیدالاصیاء و سیدالوصیّین است، و مقام آن حضرت از مقام یازده امام معصوم از نسل و ذریّه اش برتر و بالاتر می باشد، و وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها کفو و همتا و همطرز چنین شخصیت و الامقامی است که جز خدا و رسول و اوصیاء

رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ أَحَدِي قَادِرٌ نِيَسْتُ بِهِ حَقِيقَتَهُ وَ كُنْهُ مَقَامَاتِهِ
آن حضرت پی ببرد.

حدیث:

۱- برید بن معاویه می گوید:

از وجود مقدس امام باقر علیه السلام سؤال کردم:

یا بن رسول الله:

مقصود از مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ در این آیه شریفه «وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسْتَ
مُرْسَلًا، قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ - آیه ۴۳ سوره رعد»
چیست؟

وجود مقدس امام باقر علیه السلام فرمود:

إِنَّا عَنِّي،

وَعَلِيٌّ أَوْلَانَا وَ أَفْضَلُنَا وَ خَيْرُنَا بَعْدَ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، یعنی:

وجود مقدس امام باقر علیه السلام در پاسخ به سؤال برید بن معاویه فرمود:
مقصود از کسانی که علم کتاب به طور کامل نزد آنها است ما هستیم (یعنی
ائمه معصومین علیهم السلام)،

و امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام پس از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ
وَآلِهِ وَسَلَّمَ، اول ما، و افضل ما (برترین ما) و بهترین ما می باشد.^۱

۱. اصول کافی، جلد اول، صفحه ۳۳۳، حدیث ۶ «حدیث ۶۰۷».

تفسیر صافی، جلد سوم، صفحه ۶۴۴ «ذیل آیه ۴۳ سوره رعد».

تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۴۶۵، حدیث ۱ «ذیل آیه ۴۳ سوره رعد».

تفسیر نورالثقلین، جلد سوم، صفحه ۸۱۷، حدیث ۲۰۷ «حدیث ۵۳۲۰» «ذیل آیه ۴۳ سوره رعد».

مجمع البیان، جلد سیزدهم، صفحه ۹۱ «ذیل آیه ۴۳ سوره رعد».

المیزان، جلد بیست و دوم، صفحه ۳۱۲ «بحث روایتی ذیل آیه ۴۳ سوره رعد».

شرح زیارت جامعه کبیره «ادب فنای مقرران»، تألیف آیت الله جوادی آملی، جلد ششم، صفحه ۴۲۷ «ذیل
عنوان: وَ آيَاتُ اللَّهِ لَدَيْكُمْ».

توضیح:

ذیل اولین مورد از فضائل و مناقب و ویژگی های امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام در این کتاب شریف فاطمی «حضرت امیر علیه السلام شاهد بر رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می باشد» در رابطه با این آیه شریفه «وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسْتَ مُرْسَلًا، قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ - آیه ۴۳ سوره رعد» توضیحات کاملی ارائه شده است.

۲- هنگام ذکر صلوات و سلام بر امام حسن مجتبی علیه السلام در روز دوشنبه، عرض می کنیم:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْحَسَنِ بْنِ سَيِّدِ النَّبِيِّينَ وَ وَصِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ،
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ،
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ،
أَشْهَدُ أَنَّكَ يَا بَنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ أَمِينُ اللَّهِ وَابْنُ أَمِينِهِ، يَعْنِي:
خداوندا:

دروود فرست بر حسن بن علی «امام مجتبی علیه السلام» فرزند سید انبیاء و جانشین امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام، سلام بر تو ای پسر رسول خدا،

سلام بر تو ای پسر سیدالوصیین «سلام بر تو ای امام مجتبی که پسر سیدالوصیین هستی، یعنی سلام بر تو ای امام مجتبی که پدر بزرگوارت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام سیدالوصیین و سید الائمه علیهم السلام می باشد»،

شهادت و گواهی می دهم ای پسر امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام، که امین خداوند متعال و پسر امین خداوند متعال هستی «امین وحی الهی، امین غیب الهی، امین اسرار الهی».

صلوات بر وجود مقدّس چهارده معصوم عليهم السّلام از ناحیه وجود مقدّس امام عسکری علیه السّلام صادر شده و تحت عنوان «صلوات بر حجج طاهره عليهم السّلام» در مفاتیح الجنان نیز آمده است.

۳- وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم فرمودند:

ای مردم:

پس از من علی بن ابیطالب امام شما است.

علی بن ابیطالب وصی و جانشین من است،

ای مردم:

علی بن ابیطالب همسر دختر من و پدر فرزندان من است،

ای مردم:

هرکس از دستورات علی بن ابیطالب سرپیچی کند از دستورات من سرپیچی

نموده است،

و هرکس از دستورات من سرپیچی کند از دستورات خداوند متعال سرپیچی

نموده است،

ای مردم:

هرکس از علی بن ابیطالب اطاعت کند از من اطاعت کرده است،

و هرکس از من اطاعت کند از خداوند متعال اطاعت کرده است،

ای مردم:

هرکس علی بن ابیطالب را رد کند مرا رد کرده است،

و هرکس مرا رد کند خداوند متعال را رد کرده است،

ای مردم:

مُحِبِّ «دوستدار» علی بن ابیطالب مُحِبِّ من است،

و مُحِبِّ من مُحِبِّ خداوند متعال است،

ای مردم:

دشمن علی بن ابیطالب دشمن من است،
و دشمن من دشمن خداوند متعال است،

ای مردم:

علی بن ابیطالب سید الاوصیاء است،
و مولی و سرور مؤمنین می باشد.^۱

سید = سرور، بزرگ، آقا.

وصی = جانشین.

جمع وصی می شود اوصیاء.

اوصیاء = جانشینان.

مُولی = سرور، بزرگ، آقا، صاحب، سرپرست.

۴- وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

سَيَكُونُ بَعْدِي فِتْنَةٌ مُظْلِمَةٌ،

الْتَّاجِي مِنْهَا مَنْ تَمَسَّكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى.

فَقِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ:

وَمَا الْعُرْوَةُ الْوُثْقَى؟

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ:

وَلَايَةَ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ.

قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ:

وَمَنْ سَيِّدُ الْوَصِيِّينَ؟

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ:

أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ.

۱. تفسیر برهان، جلد دوم، صفحه ۲۹۷، حدیث ۶ «ذیل آیه ۴۰ سوره بقره».
تفسیر نورالتقلین، جلد اول، صفحه ۱۶۵، حدیث ۱۵۹ «حدیث ۲۷۳»، «ذیل آیه ۴۰ سوره بقره».

قيل يا رسول الله:

وَمَنْ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ؟

قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم:

مَوْلَى الْمُسْلِمِينَ وَ إِمَامُهُمْ بَعْدِي.

قيل يا رسول الله:

وَمَنْ مَوْلَى الْمُسْلِمِينَ وَ إِمَامُهُمْ بَعْدَكَ؟

قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم:

أَخِي عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ، يعني:

وجود مقدس پیامبر اکرم صلى الله عليه وآله وسلم فرمودند:

بعد از من فتنه‌ای تاریک و ظلمانی پدید می‌آید،

و فقط کسانی از این فتنه نجات پیدا می‌کنند که به عُرْوَةُ الْوُثْقَى تمسک نمایند

و چنگ بزنند.

اصحاب عرض کردند:

يا رسول الله:

عُرْوَةُ الْوُثْقَى چیست؟

وجود مقدس پیامبر اکرم صلى الله عليه وآله وسلم فرمودند:

مقصود از عُرْوَةُ الْوُثْقَى ولایت سید الوصیین است.

اصحاب عرض کردند:

يا رسول الله:

سید الوصیین کیست «سید و سرور اوصیاء تو چه کسی است»؟

وجود مقدس پیامبر اکرم صلى الله عليه وآله وسلم فرمودند:

سید الوصیین «سید و سرور اوصیاء و جانشینان من» امیر المؤمنین است.

اصحاب عرض کردند:

یا رسول الله:

امیر المؤمنین کیست «امیر المؤمنین چه کسی است»؟
وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:
مولا و سرور مسلمانان و امام مسلمین بعد از من.
اصحاب عرض کردند:

یا رسول الله:

مولا و سرور مسلمانان و امام مسلمین بعد از شما کیست؟
وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:
برادرم علی بن ابیطالب علیه السلام.^۱
عُرْوَه = دستگیره «مانند دستگیره کوزه، دسته دَلُو و امثال آن».

وَثِيقٌ = محکم، استوار.

أَوْثَقٌ = محکم تر، استوار تر.

وُثْقَى = محکم تر، استوار تر «وُثْقَى، موثّق می باشد».

۵- هنگام زیارت وجود مقدّس مولی الموحّدين امیر المؤمنین علی بن ابیطالب
علیه السلام که به زیارت صفوان جمّال معروف است عرض می کنیم:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ،

وَ صَلِّ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ،

عَبْدِكَ الْمُرْتَضَى،

وَ أَمِينِكَ الْأَوْفَى،

وَ عُرْوَتِكَ الْوُثْقَى،

وَ يَدِكَ الْعُلْيَا،

وَ كَلِمَتِكَ الْحُسْنَى،

۱. تفسیر برهان، جلد دوم، صفحه ۷۸۸، حدیث ۱۱ «ذیل آیه ۲۵۶ سوره بقره».

تفسیر نمونه، جلد هفدهم، صفحه ۷۹ «ذیل آیه ۲۲ سوره لقمان».

وَ حُجَّتِكَ عَلَى الْوَرَى،
وَ صِدِّيقِكَ الْأَكْبَرِ،
وَ سَيِّدِ الْأَوْصِيَاءِ، يَعْنَى:
خداوندا:

دروود فرست بر محمد و آل محمد عليهم السلام،
خداوندا:

دروود فرست بر امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام:
که بنده تو و امین تو و حلقه محکم تو است،
و حجّت تو بر مخلوقات است،

و سید و سالار اوصیاء و جانشینان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم
می باشد.

این زیارت شریف از ناحیه وجود مقدّس امام صادق علیه السلام صادر شده
و در مفاتیح الجنان نیز آمده است «زیارت ششم از زیارت مطلقه امیرالمؤمنین
علی بن ابیطالب علیه السلام».

۶- هنگام زیارت وجود مقدّس مولی الموحّدين امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب
علیه السلام در روز عید سعید غدیر به محضر مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و
آله و سلم و به محضر مبارک امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام اینگونه
عرض سلام و ادب می نمایم.

السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَ سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ،
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَ سَيِّدَ الْوَصِيِّينَ.

این زیارت شریف از ناحیه وجود مقدّس امام هادی علیه السلام صادر شده
و در مفاتیح الجنان نیز آمده است.

۷- هنگام زیارت وجود مقدّس امام حسین علیه السلام که به زیارت عاشورا

معروف است به محضر مبارک سیّد الشهداء سلام الله علیه اینگونه عرض سلام و ادب می نمائیم:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ،
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ،
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ ابْنَ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ.

این زیارت شریف از ناحیه وجود مقدّس امام باقر علیه السّلام صادر شده و در مفاتیح الجنان نیز آمده است.

ملاحظه فرمودید که:

وجود مقدّس مولی الموحّدين امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام سیّد الاوصیاء و سیّد الوصیّین است، یعنی:

وجود مقدّس امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام بر یازده امام معصوم از نسل و ذریّه اش برتری دارد،

و مقام آن حضرت از مقام یازده امام معصوم برتر و بالاتر می باشد، یعنی: وجود مقدّس امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام، سیّد الائمه و سیّد الاوصیاء می باشد و دوّمین شخصیت عالم خلقت است، و وجود مقدّس صدّیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها کفو و همطراز و همتا و شبیه و نظیر سیّد الائمه و سیّد الاوصیاء می باشد، لذا:

مقام آن علیا مخدّره از مقام یازده امام معصوم از نسل و ذریّه اش برتر و بالاتر می باشد که انشاء الله ذیل سی و پنجمین فضیلت از فضائل بی شمار فاطمه زهرا سلام الله علیها در این کتاب شریف فاطمی راجع به آن توضیحات بیشتر و کامل تری به عرض خواهد رسید.

پس از ارائه توضیحات مختصری در رابطه با پنجمین مورد از فضائل و مناقب و ویژگی های مولی الموحّدين امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام،

می‌پردازیم به ششمین مورد از فضائل و مناقب و ویژگی‌های آن حضرت.

* منقبت ششم:

وجود مقدس مولی‌الموحدین امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام نفس «روح - جان» پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می‌باشد.

خداوند متعال در آیه ۶۱ سوره آل عمران وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را مورد خطاب قرار داده و می‌فرماید:

فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ، فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَ ابْنَاتِكُمْ وَ نِسَاءَنَا وَ نِسَاءِكُمْ وَ أَنْفُسَنَا وَ أَنْفُسَكُمْ، ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَةَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ، یعنی:

خداوند متعال به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید:

ای پیامبر:

بعد از این‌که از طریق وحی به احوال عیسی بن مریم علم و آگاهی پیدا

کردی،

چنانچه کسانی در رابطه با حضرت عیسی با تو محاجه و ستیزه کنند به

آن‌ها بگو:

بیایید ما فرزندان خودمان را دعوت کنیم شما هم فرزندان خودتان را،

ما زنان خودمان را دعوت کنیم شما هم زنان خودتان را،

ما نفس‌های خودمان را دعوت کنیم و شما نفس‌های خودتان را، آنگاه:

مباهله کنیم و لعنت خدا را بر دروغگویان قرار دهیم.^۱

شرح لغات و توضیحات:

مُحَاجَّة = مخاصمه و جدال و ستیز دو نفر یا دو گروه با یکدیگر به منظور این‌که

۱. مجمع‌البیان، جلد چهارم، صفحه ۹۸ «ذیل آیه ۶۱ سوره آل عمران».

تفسیر نمونه، جلد دوم، صفحه ۶۷۱ «ذیل آیه ۶۱ سوره آل عمران».

طرف مقابل را از راه و دلیلش منصرف نماید.

تَعَالَوْا = بیایید.

دعو، دعا = خواندن، یاری خواستن، درخواست کردن، دعوت کردن.

ابْنُ = پسر.

جمع ابْنُ می شود «ابْناء» و «بَنُونَ».

نَفْس = جان، روح.

نِساء = زنان

ابْتِهَال = یکدیگر را لعن کردن، لعن و نفرین کردن برای هلاک یکدیگر.

مُبَاهَله = لعن و نفرین کردن دو نفر یا دو گروه برای هلاکت و نابودی

یکدیگر.^۱

شأن نزول آیه شریفه «آیه ۶۱ سوره آل عمران»:

گفته شده که:

حدود هشتاد آیه از آیات شریفه سوره آل عمران درباره مسیحیان نَجْران و نمایندگان آنها نازل شده که جهت تحقیق درباره دین اسلام به مدینه وارد شده بودند.

لازم به ذکر است که:

نَجْران محلی است در مناطق شمالی یمن که اراضی آن متعلق به قبیله هَمْدان بوده است.

مسیحیان نَجْران که به مدینه وارد شده بودند شصت نفر بودند که چهارده نفر از آنها از اشراف و سران نَجْران بودند و سه نفر از این چهارده نفر سمت ریاست داشتند.

۱. مجمع البیان، جلد چهارم، صفحه ۹۹ تا ۱۰۳ «ذیل آیه ۶۱ سوره آل عمران».

تفسیر نمونه، جلد دوم، صفحه ۶۷۱ «ذیل آیه ۶۱ سوره آل عمران».

مفردات راغب.

این گروه شصت نفره مسیحیان نجران به مدینه آمده و وارد مسجدالنبی شده و طبق مذهب خویش نماز به جای آوردند.
وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به آنها فرمود:
به آیین اسلام درآیید و تسلیم خداوند متعال شوید.
یکی از آن سه نفر به نمایندگی از طرف دیگر مسیحیان به پیامبر اکرم عرض کرد:

ما پیش از تو اسلام آورده ایم «قبل از تو تسلیم خداوند شده ایم».
وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به آنها فرمود:
شما چگونه بر آیین حق هستید،
و چگونه اظهار تسلیم بودن به پیشگاه خداوند متعال می نمایید، درحالی که اعمال شما خلاف گفته های شما را ثابت می کند، زیرا:

برای خداوند متعال فرزند قائل هستید،
و حضرت عیسی را پسر خداوند متعال می دانید،
و این مسئله خلاف آیین حق می باشد.
آنها به پیامبر اکرم عرض کردند:
پس شما ما را به چه چیز دعوت می کنید؟
وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به آنها فرمود:
شما را دعوت می کنیم:

۱- به سوی خداوند متعال و این که خدایی نیست جز خداوند یگانه،
۲- به این که من رسول خدا هستم،
۳- و این که حضرت مسیح «عیسی بن مریم» مخلوق خدا و بنده خدا بود
«است»، و حالات بشری داشت، یعنی:

می خورد و می آشامید و از او حدیث سر می زد «بول و غائط نمودن».

یکی از آن سه نفر به نمایندگی از طرف نصارای نَجْران به پیامبر اکرم عرض کرد:

اگر عیسی مسیح پسر خدا نیست پس پسر کیست «پس پدر او کیست»؟
پس از این سؤال بود که خداوند متعال آیه ۵۹ سوره آل عمران را نازل فرموده و جواب نصارای نجران را دادند.

خداوند متعال در این شریفه «آیه ۵۹ سوره آل عمران» فرمود «می فرماید):
إِنَّ مَثَلَ عِيسَىٰ عِنْدَ اللَّهِ كَمَثَلِ آدَمَ، خَلَقَهُ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ قَالَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ، یعنی:
مَثَلِ حضرت عیسی و کیفیتِ خلقت او نزد خداوند متعال همچون مَثَلِ حضرت آدم است و شبیه به کیفیتِ خلقت حضرت آدم می باشد که خداوند متعال او را «حضرت آدم را» از خاک آفرید و فرمود كُنْ «موجود باش»،
و حضرت آدم نیز بلافاصله موجود شد «خلق شد».

معنی قَالَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ این است که:
خداوند متعال در خلقت موجودات نیاز به اسباب ندارد.
خداوند متعال با این استدلال کوتاه لیکن بسیار قوی و محکم و منطقی به مسیحیان نجران فرمود:

اگر عیسی بدون پدر به دنیا آمد هیچ جای تعجب ندارد،
و این قضیه دلیل بر این نمی شود که شما مسیحیان، حضرت عیسی را پسر خدا و یا خود خدا بدانید، زیرا:

خلقت حضرت آدم نیز همینگونه بود بلکه شگفت انگیزتر، یعنی:
حضرت آدم نه پدر داشت و نه مادر، لذا:
اگر حضرت عیسی را پسر خدا می دانید باید حضرت آدم را نیز پسر خدا بدانید،

و اگر حضرت عیسی را خدا می دانید باید حضرت آدم را نیز خدا بدانید.

با توجّه به این که مسیحیان نسبت به حضرت آدم چنین تصوّری ندارند
 «یعنی حضرت آدم را نه خدا می دانند نه پسر خدا»، لذا:
 مسیحیان باید قبول کنند و بپذیرند که:

حضرت عیسی نیز نه خدا است و نه پسر خدا.

با نزول این آیه شریفه «آیه ۵۹ سوره آل عمران» و این استدلال قوی و
 محکم، متأسّفانه مسیحیان نَجْران حاضر به قبول حق نشده و کماکان به عقیده
 باطل خویش اصرار ورزیدند،

و اینجا بود که خداوند متعال آیه ۶۱ سوره آل عمران را نازل فرموده و به
 پیامبر اکرم دستور داد تا مسیحیان نَجْران را به مُباهله دعوت نماید «مباهله =
 لعن و نفرین کردن دو نفر یا دو گروه برای هلاک یکدیگر».

خداوند متعال در این آیه شریفه «آیه ۶۱ سوره آل عمران» به پیامبر اکرم
 صَلَّی اللهُ عَلَيْهِ وَ آله وَ سَلَّمَ فرمود:

فَمَنْ حَاجَّكَ، یعنی:

ای پیامبر:

هر کس با تو محاجّه و ستیز و جدل نماید.

فیه، یعنی:

درباره حضرت عیسی،

مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ، یعنی:

بعد از آنکه از طریق وحی به احوال حضرت عیسی علم و آگاهی پیدا
 کردی.

تا اینجا معنی آیه شریفه این شد که:

خداوند متعال به پیامبر اکرم صَلَّی اللهُ عَلَيْهِ وَ آله وَ سَلَّمَ می فرماید:

ای پیامبر:

بعد از این که از طریق وحی به احوالات حضرت عیسی علم پیدا کردی،
و بعد از این که کیفیت خلقت حضرت عیسی را بیان کردیم و گفتیم که
عیسی بنده خدا و مخلوق خدا می باشد، چنانچه:

مسیحیان نَجْران و سایر مسیحیان پس از شنیدن این حقایق و فهمیدن این
قضیه که حضرت عیسی بنده و مخلوق خدا است، به جای پذیرش حق و
تسلیم شدن در مقابل خداوند متعال با تو «پیامبر اکرم» به مخاصمه و ستیزه
برخواستند و به راه باطل خویش ادامه دادند آن ها را به مُباهله دعوت کن، یعنی:

ای پیامبر:

قُلْ، یعنی:

ای پیامبر:

به مسیحیان نَجْران بگو:

تَعَالَوْا = بیایید.

نَدْعُ = دعوت کنیم.

أَبْنَانًا = ما فرزندانمان را.

وَ أَبْنَائِكُمْ = و شما هم فرزندانمان را.

وَ نِسَائِنَا = ما زنان خویش را.

وَ نِسَائِكُمْ = و شما زنان خویش را.

وَ أَنْفُسَنَا = ما خودمان را - کسانی را که به منزله خودمان هستند.

وَ أَنْفُسَكُمْ = و شما خودتان را - کسانی را که به منزله خودتان هستند.

ثُمَّ نَبْتَلِهِمْ = سپس مباحله می کنیم «سپس مباحله کنیم».

فَنَجْعَلُ لَعْنَةَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ = و لعنت خدا را بر دروغگویان قرار می دهیم

«قرار دهیم».

معنی آیه شریفه تا اینجا این شد که:

خداوند متعال به پیامبر اکرم فرمود:

ای پیامبر:

اگر نصارای نَجْران تسلیم حق نشدند و با تو به محاجّه و ستیز برخاستند و به راه باطل خویش ادامه دادند،

و به جای این که عیسی را بنده خدا بدانند او را به عنوان خدا یا پسر خدا دانستند،

پس:

ای پیامبر:

آن‌ها را به مباحله دعوت کن، یعنی:

ای پیامبر:

به نصارای نجران بگو:

ما فرزندان خودمان و زنان خودمان و نَفْس خودمان «کسانی که به منزله جان ما هستند» را می آوریم،

شما هم فرزندان خودتان و زنان خودتان و نَفْس خودتان «یعنی عزیزترین فرد از خانواده خویش» را بیاورید، تا:

با یکدیگر مباحله نمائیم، یعنی:

همدیگر را لعن و نفرین کنیم و هلاکت او را از خداوند متعال بخواهیم،

یعنی:

لعنت خداوند را برای دروغگویان قرار دهیم.

به عبارت دیگر:

از خداوند متعال درخواست کنیم تا هرکس را که دروغ می گوید لعنت

نماید.

قابل ذکر است که:

منظور از مباحله این نبوده که:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت آن حضرت از یک طرف و مسیحیان نجران از طرف دیگر در یک محل جمع شده و یکدیگر را لعن و نفرین نموده و سپس متفرق شوند،

زیرا این عمل به تنهایی هیچ فایده و ثمری نمی توانست داشته باشد، بلکه: هدف واقعی و اصلی مباحله این بوده که:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت آن حضرت و مسیحیان نجران در یک محل جمع شده و یکدیگر را لعن و نفرین نمایند به نحوی که آثار نفرین ظاهر شده و آنهایی که دروغگو هستند و راه باطل را طی می کنند گرفتار عذاب الهی شده و به هلاکت برسند،

و در واقع مباحله آخرین حربه در نظر گرفته شده است، یعنی:

پس از این که منطق و استدلال موثر واقع نشد و مسیحیان نجران حق را نپذیرفتند، مباحله به عنوان آخرین حربه در نظر گرفته شد تا گروه دروغگو و گروه باطل به هلاکت برسد.

در حدیث است که:

وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

اگر مسیحیان نجران با من مباحله می کردند، بیابان بر مسیحیان نجران به وادی آتش تبدیل می شد و یک نفر از آنها جان سالم به در نمی برد و همگی آنها هلاک می شدند.^۱

ملاحظه فرمودید که:

وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم طبق دستور خداوند

متعال، مسیحیان نجران را به مباحله دعوت نموده و به آنها فرمود:

۱. تفسیر صافی، جلد دوم، صفحه ۲۸ و تفسیر برهان، جلد سوم، صفحه ۷۹، حدیث ۱۶، ذیل آیه ۶۱ سوره آل عمران.

تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا أَبْنَاءَكُمْ وَ نِسَاءَنَا وَ نِسَاءَكُمْ وَ أَنْفُسَنَا وَ أَنْفُسَكُمْ، یعنی:

بیایید ما فرزندانمان را بخوانیم «دعوت کنیم» و شما هم فرزندانتان را،

ما زنان خودمان را و شما زنان خودتان را،

ما نفس خودمان را و شما نفس خودتان را.

تمام مفسرین شیعه و بسیاری از مفسرین و علمای اهل سنت اجماع دارند

که:

مراد از ابناء رسول الله «فرزندان رسول الله» در این آیه شریفه «آیه ۶۱ سوره

آل عمران» وجود مقدس امام حسن مجتبی و امام حسین سلام الله علیهما

می باشند که همراه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در مباحله حاضر

شدند،

همچنین:

تمام مفسرین شیعه و کثیری از مفسرین و علمای اهل سنت اجماع دارند که:

مراد از نساءنا «زنان ما» در این آیه شریفه «آیه ۶۱ سوره آل عمران» وجود

مقدس فاطمه زهرا سلام الله علیها می باشد که همراه پیامبر اکرم صلی الله علیه

و آله و سلم در مباحله حاضر شد،

همچنین:

تمام مفسرین شیعه و کثیری از مفسرین و علمای اهل سنت اجماع دارند که:

مراد از أنفسنا «خود ما - جان ما - روح ما - کسانی که به منزله روح و

جان ما هستند» در این آیه شریفه «آیه ۶۱ سوره آل عمران» وجود مقدس

مولی الموحّدين امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام می باشد که همراه

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در مباحله حاضر شد.

مراد از أنفسنا در این آیه شریفه «آیه ۶۱ سوره آل عمران» به هیچ وجه

نمی تواند خود پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم باشد، زیرا:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم دعوت کننده است،
و معنی ندارد که انسان خودش را دعوت نماید،
و همیشه، داعی «دعوت کننده» غیر از مدعو «دعوت شده» است،
و دعوت کننده نمی تواند دعوت شده باشد «داعی نمی تواند مدعو باشد»،
بنابراین:

مراد از نَفْس پیامبر اکرم «روح پیامبر اکرم - جان پیامبر اکرم - کسی که به
منزله خود پیامبر اکرم می باشد» در این آیه شریفه «آیه ۶۱ سوره آل عمران»
وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام می باشد، زیرا:
در جریان مباحثه با نصاری نجران، غیر از امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب
علیه السلام و صدیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها و امام حسن و امام
حسین سلام الله علیهما افراد دیگری در محضر پیامبر اکرم نبودند، بنابراین:
وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام:

نَفْس پیامبر اکرم است، یعنی:

جان پیامبر اکرم است،

روح پیامبر اکرم است.^۱

احادیث فراوانی از ناحیه ائمه معصومین علیهم السلام صادر شده مبنی بر
این که منظور از اَنْفُسَنَا در این آیه شریفه «آیه ۶۱ سوره آل عمران» وجود مقدس
امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام است،

ضمن این که وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در
مقاطع زمانی مختلف امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام را نَفْس خویش

۱. مجمع البیان، جلد سوم، صفحه ۲۲۴ و ۲۲۵ «ذیل آیات اوّل تا پنجم سوره آل عمران».
المیزان، جلد پنجم، صفحه ۲۴ و ۲۵ «ذیل آیات اوّل تا ششم سوره آل عمران».
المیزان، جلد ششم، صفحه ۴۱ تا ۴۳ «ذیل آیات ۵۹ تا ۶۱ سوره آل عمران».
تفسیر نمونه، جلد دوم، صفحه ۴۸۰ و ۴۸۱ «ذیل آیات اوّل تا چهارم سوره آل عمران».
تفسیر نمونه، جلد دوم، صفحه ۶۶۸ و ۶۶۹ «ذیل آیات ۵۹ تا ۶۱ سوره آل عمران».

دانسته‌اند.

انشاء الله تعالی در بخش حدیث به تعدادی از این احادیث شریف اشاره خواهد شد.

حدیث:

۱- در جریان مناظره امام رضا علیه السلام با فرقه‌های مختلف اسلامی که با حضور علمای آن فرقه‌ها صورت گرفت و مأمون ملعون نیز در آن شرکت داشت در خصوص تفاوت بین اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم با سایر مسلمین بحث شد،

و در این مناظره از محضر مبارک امام رضا علیه السلام سؤال شد که آیا اهل

بیت پیامبر اکرم بر سایر مسلمان‌ها فضیلت و برتری دارند یا خیر؟

و آیا خداوند متعال در قرآن کریم موضوع اصطفاء «برگزیده شدن - این که آیا خداوند متعال عده‌ای از بندگانش را برگزیده و آن‌ها را به دیگران برتری داده است، مثل انبیاء» را شرح و تفسیر داده است یا نه؟

وجود مقدس امام رضا علیه السلام فرمودند:

غیر از آنچه که در باطن قرآن کریم «تأویل آیات شریفه قرآن کریم» راجع به اصطفاء و برگزیده شدن اولیاء خداوند متعال مطرح شده، در ظاهر قرآن کریم «آنچه که در ظاهر آیات شریفه آمده و همگان آن را به وضوح می‌فهمند» نیز این موضوع بیان شده است،

که یکی از آن موارد، آیه ۶۱ سوره آل عمران می‌باشد که خداوند متعال

بندگان پاک و مطهر خویش را از سایر مخلوقاتش جدا نموده و در آیه مباحله

«فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ، فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَ ابْنَاتِكُمْ وَ نِسَاءَنَا وَ

نِسَائِكُمْ وَ أَنْفُسَنَا وَ أَنْفُسَكُمْ، ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لِعَنَةِ اللَّهِ عَلَى الْكَافِرِينَ - آیه ۶۱ سوره آل

عمران» به پیامبرش حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم دستور فرموده

که به همراه آن‌ها با نصارای نجران مباحله نماید.

علمای فِرَق «فرقه‌ها» مختلف اسلامی که در جلسه حضور داشتند به امام رضا علیه‌السلام عرض کردند:

منظور از اَنْفُسَنَا در این آیه شریفه «آیه ۶۱ سوره آل عمران» خود پیامبر اکرم می‌باشد نه علی بن ابیطالب.

وجود مقدّس امام رضا علیه‌السلام به آن‌ها فرمود:

اشتباه کردید و خطا رفتید، زیرا:

مقصود از اَنْفُسَنَا در این آیه شریفه «آیه ۶۱ سوره آل عمران» فقط و فقط وجود مقدّس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام می‌باشد که نَفْس و جان پیامبر اکرم است و نه فرد دیگر، و دلیل این مطلب فرمایش پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ به بنو ولّیعه می‌باشد که فرمود:

اگر طایفه بنو ولّیعه دست از کارهای مجرمانه خویش بردارند، علی بن ابیطالب علیه‌السلام را که نَفْس و جان من است به سوی آن‌ها خواهم فرستاد «به جنگ با آنها خواهم فرستاد».

وجود مقدّس امام رضا علیه‌السلام در ادامه فرمایش خویش فرمودند:

مقصود از اَبْنَاء در آیه مباحله «آیه ۶۱ سوره آل عمران» امام حسن و امام حسین علیهما‌السلام هستند،

و مقصود از نِسَائِنَا در آیه مباحله «آیه ۶۱ سوره آل عمران» فاطمه زهرا سلام‌الله علیها می‌باشد.

وجود مقدّس امام رضا صلوات الله و سلامه علیه در ادامه فرمایشات خویش فرمودند:

این‌ها امتیازات و ویژگی‌های این ذوات مقدّسه است «خمس طیبه علیهم‌السلام» که هیچ‌کس بر آن‌ها سبقت و پیشی نخواهد گرفت،

و فضیلتی است که هیچ بشری به آن نخواهد رسید،
و شرافتی است که قبلاً نیز هیچ انسانی به آن نرسیده است،
و اینجا است که امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام نفس و جان پیامبر
اکرم صلی الله علیه و آله و سلم معرفی شده است.
این حدیث شریف را ریّان بن صلت از وجود مقدّس امام رضا علیه السلام
نقل نموده است.^۱

۲- وجود مقدّس امام کاظم علیه السلام فرمودند:
هارون الرّشید ملعون از من سؤال کرد که:
شما چگونه خودتان را از نسل و ذریّه پیامبر اکرم می دانید درحالی که پیامبر
اکرم بلاعقب بود «فرزند پسر نداشت که نسل او باقی بماند»،
زیرا:
ادامه نسل انسان از پسر است نه از دختر،
و شما فرزندان دختر پیامبر اکرم می باشید.
هارون الرّشید ملعون در ادامه صحبت خویش به امام کاظم علیه السلام
عرض کرد:

شما که ادّعا می کنید تأویل همه آیات شریفه قرآن کریم را می دانید و خودتان
را اَعْلَم «عالم تر» از همه علمای دیگر می دانید باید از قرآن کریم دلیل اقامه نمائید
که شما «ائمّه معصومین علیهم السلام» از نسل و ذریّه پیامبر اکرم می باشید، زیرا:
شما می گوئید که همه چیز در قرآن کریم آمده و بارها این آیه شریفه را «ما

۱. تفسیر برهان، جلد سوّم، صفحه ۷۵، حدیث ۷ «ذیل آیه ۶۱ سوره آل عمران».

تفسیر نورالثقلین، جلد اوّل، صفحه ۷۴۹، حدیث ۱۶۳ «حدیث ۱۵۰۸» «ذیل آیه ۶۱ سوره آل عمران».

المیزان، جلد ششم، صفحه ۶۸ «بحث روایتی ذیل آیه ۶۱ سوره آل عمران».

تفسیر نمونه، جلد دوّم، صفحه ۶۷۹ «ذیل آیه ۶۱ سوره آل عمران».

فَرَطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ - آیه ۳۸ سوره انعام» را تلاوت کرده و به آن احتجاج می‌کنید.

وجود مقدّس امام کاظم صلوات الله و سلامه عليه در پاسخ به سؤال هارون الرّشید ملعون به چند آیه از آیات شریفه قرآن کریم اشاره نموده و به آن آیات شریفه استناد نمودند که یکی از آنها آیه ۶۱ آل عمران است که مورد بحث ما می‌باشد.

وجود مقدّس امام کاظم صلوات الله و سلامه عليه آیه ۶۱ سوره آل عمران «فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ، فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَابْنَاتِكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَائِكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ، ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَةَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ» را تلاوت نموده و به هارون الرّشید فرمود:

هیچ کس ادعا نکرده که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم هنگام مباحله با نصاری نجران غیر از علی بن ابیطالب علیه السلام و فاطمه زهرا سلام الله علیها و امام حسن و امام حسین علیهما السلام افراد دیگری را همراه خود برده است، بنابراین:

مراد و منظور از ابْنَانَا در این آیه شریفه «آیه ۶۱ سوره آل عمران» حسن و حسین علیهما السلام هستند،

مراد و منظور از نِسَائِنَا در این آیه شریفه «آیه ۶۱ سوره آل عمران» فاطمه زهرا سلام الله علیها می‌باشد،

و مراد و منظور از أَنْفُسَنَا در این آیه شریفه «آیه ۶۱ سوره آل عمران» علی بن ابیطالب علیه السلام می‌باشد.^۱

۱. تفسیر صافی، جلد دوم، صفحه ۲۹ «ذیل آیه ۶۱ سوره آل عمران».
تفسیر برهان، جلد سوم، صفحه ۶۹، حدیث ۳ «ذیل آیه ۶۱ سوره آل عمران».
تفسیر برهان، جلد سوم، صفحه ۷۶، حدیث ۸ «ذیل آیه ۶۱ سوره آل عمران».
تفسیر نورالثقلین، جلد اول، صفحه ۷۴۷، حدیث ۱۶۲ «حدیث ۱۵۰۷» «ذیل آیه ۶۱ سوره آل عمران».
المیزان، جلد ششم، صفحه ۶۹ «بحث روایتی ذیل آیه ۶۱ سوره آل عمران».

۳- وجود مقدّس امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السلام فرمودند:
 وقتی که خداوند متعال آیه مباهله «فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ،
 فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَ ابْنَاءَكُمْ وَ نِسَاءَنَا وَ نِسَاءَكُمْ وَ أَنْفُسَنَا وَ أَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ
 لَعْنَةَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ - آیه ۶۱ سوره آل عمران» را نازل فرمود و به پیامبر اکرم
 صلی الله علیه و آله و سلم دستور داد تا با نصارای نجران مباهله نماید، وجود
 مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، من و همسر فاطمه زهرا و
 حسن و حسین «علیهم السلام» را برای مباهله همراه خودشان بردند،
 و در این آیه شریفه «آیه ۶۱ سوره آل عمران»:

نَفْسٌ مِنْ نَفْسِ رَسُولِ خِدا بود،

منظور از نِسَائِنَا فاطمه زهرا سلام الله علیها بود،

و منظور از ابْنَائِنَا حسن و حسین علیهما السلام بودند.^۱

۴- وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می خواستند مطلبی
 را به اصحاب خویش بفرمایند، لذا از اطرافیان خویش خواستند تا یکی از
 اصحاب به نزد آن حضرت برود.

افرادی که آنجا بودند به پیامبر اکرم عرض کردند:

یا رسول الله:

امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السلام حاضر است «یعنی حضرت علی
 علیه السلام در همین حوالی است، اگر اراده بفرماید او را صدا بزنیم».

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

من از نَفْسِ خودم نپرسیدم، یعنی:

من از شما خواستم یکی از اصحاب را نزد من حاضر کنید، نه علیّ بن

۱. خصال شیخ صدوق، جلد دوم، باب خصال چهل گانه و بیشتر، صفحه ۳۵۵ تا ۳۸۰ «صفحه ۳۶۲»، حدیث ۲۲،

سی و چهارمین منقبت از مناقب حضرت امیرعلیه السلام.

تفسیر نورالثقلین، جلد اول، صفحه ۷۵۱، حدیث ۱۶۶ «حدیث ۱۵۱۱» «ذیل آیه ۶۱ سوره آل عمران».

ابیطالب علیه السلام را، زیرا:

علی بن ابیطالب علیه السلام نَفْس من، روح من و جان من است، یعنی:
علی بن ابیطالب علیه السلام به منزله خود من «پیامبر اکرم» است.^۱

توضیح:

الف: صاحب مجمع البیان ذیل این آیه شریفه «آیه ۶۱ سوره آل عمران»
عنوان نموده که:

این که در این آیه شریفه «آیه ۶۱ سوره آل عمران» وجود مقدّس امیرالمؤمنین
علی بن ابیطالب علیه السلام نَفْس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم خوانده
شده دلالت دارد بر علوّ مکان و مقام امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام
و درجه آن حضرت که هیچ کس به آن راه نیافته، بلکه به نزدیک آن هم نرسیده
است.^۲

ب: وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها کُفُو و همطراز و همتا و شبیه
و نظیر این شخصیت بی نظیر است که وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه
و آله و سلّم آن حضرت را نَفْس خویش خوانده است.
انشاء الله تعالی در خاتمه بحث و در انتهای کلام ملاحظه خواهید فرمود که
وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم وجود مقدّس فاطمه زهرا
سلام الله علیها را نیز روح خویش خوانده است،
و این امر یکی از مصادیق کُفُو بودن فاطمه زهرا سلام الله علیها با
مولی الموحّدین امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام می باشد که انشاء الله
تعالی در خاتمه بحث به آن اشاره خواهد شد.

۵- وجود مقدّس امام باقر علیه السلام فرمودند:

۱. مجمع البیان، جلد چهارم، صفحه ۱۰۳ «ذیل آیه ۶۱ سوره آل عمران».
۲. مجمع البیان، جلد چهارم، صفحه ۱۰۳ «ذیل آیه ۶۱ سوره آل عمران»

هنگامی که زمان وفات عمر بن خطاب رسید او به شورایی متشکل از شش نفر مأموریت داد تا پس از فوت او در یک اطاق نشسته و پیرامون خلافت با یکدیگر مشاوره نموده و از بین خودشان یک نفر را به عنوان خلیفه مسلمین انتخاب نمایند،

و از آن مکان خارج نشوند تا با فردی که به عنوان خلیفه مسلمین انتخاب شده بیعت نمایند،

و چنانچه یک یا دو نفر که در اقلیت واقع شده‌اند از بیعت کردن با خلیفه‌ای که با رأی اکثریت به خلافت انتخاب شده خودداری نمایند باید کشته شوند. این شش نفر عبارت بودند از:

امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام،

زبیر بن عوّام «پسر عمّه پیامبر اکرم و حضرت علی علیهماالسلام»،

طلحة بن عبیدالله،

عثمان بن عفّان،

عبدالرحمن بن عوف،

و سعد بن ابی وقاص.

شورای شش نفره پس از مرگ عمر بن خطاب تشکیل شد و نهایتاً عثمان بن عفّان به عنوان خلیفه مسلمین انتخاب شد «قابل ذکر که فقط زبیر بن عوّام تمایل به خلافت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام داشت و سه نفر دیگر یعنی طلحة بن عبیدالله و عبدالرحمن بن عوف و سعد بن ابی وقاص طرفدار خلافت عثمان بودند و نهایتاً نیز عثمان بن عفّان به عنوان خلیفه انتخاب شد».

هنگامی که امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام تلاش جمع را در بیعت با عثمان بن عفّان دید، برای اتمام حجت و به منظور روشن شدن هرچه بیشتر

حقایق و برای این که بعدها نگویند ما از فضائل و مناقب آن حضرت بی اطلاع بودیم، به پا خاسته و جمع حاضر را مورد خطاب قرار داده و فرمودند:

کلام مرا بشنوید،

چنانچه حق بود آن را بپذیرید،

و چنانچه باطل بود آن را انکار کنید و نپذیرید «امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام این بیانات نورانی را زمانی ایراد فرمودند که هنوز رای گیری نشده بود و عثمان بن عفان به عنوان خلیفه انتخاب نشده بود».

وجود مقدس مولی الموحّدين امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام در جمع اعضاء شورا بیش از نود فضیلت از فضائل خویش را بیان فرمود که تماماً مورد قبول اعضاء واقع شد،

لیکن علیرغم اقرار به این همه فضائل به عثمان بن عفان رأی دادند و او به عنوان خلیفه مسلمین انتخاب شد.

یکی از مواردی که امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام آن را مطرح فرمود این بود که آن حضرت به اعضاء شورا فرمود:

شما را به خدا سوگند:

آیا غیر از من کسی هست که وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به او فرموده باشد:

أَنْتَ كَنَفْسِي،

حُبُّكَ حُبِّي،

و بُغْضُكَ بُغْضِي، یعنی:

وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام به اعضاء شورا فرمود:

شما را به خدا سوگند:

آیا غیر از من کسی هست که وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

و سلم به او فرموده باشد:

تو مانند خود من هستی و به منزله خود من می باشی،
دوستی با تو دوستی با من است،

و دشمنی با تو دشمنی با من می باشد.

اعضاء شورا به امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام عرض کردند:
خیر،

مخاطب کلام پیامبر اکرم شما بودید.

پس از بیانات نورانی امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام، اعضاء شورا
به شور و مشورت پرداخته و بین خودشان این چنین گفتند که:

ما مراتب فضل و عظمت و بزرگی علی بن ابیطالب علیه السلام را می دانیم،
و می دانیم که او از هر کس به خلافت شایسته تر است، لیکن:

علی بن ابیطالب مردی است که هیچ کس را بدون دلیل و بدون علت بر
دیگری تفضیل و برتری نمی دهد «پست و مقام و پول را به دوستان و آشنایان
خویش نمی دهد، بلکه به کسی می دهد که شرعاً باید به او بدهد و استحقاق
آن را دارد»،

و اگر او را خلیفه نمائیم، ما «اعضاء شورا» و دیگران را به یک چشم نگاه
می کند و اضافه بر حق خودمان چیزی عاید ما نمی شود، لذا:

بہتر است که خلافت را به عثمان بن عفان واگذار کنیم، زیرا او همان است
که ما می خواهیم «طبق خواسته ما رفتار خواهد کرد»،

و به همین لحاظ بود که اعضاء شورا خلافت را به عثمان بن عفان واگذار
کرده و او را خلیفه مسلمین نمودند.^۱

۱. احتجاج طبرسی، جلد اول، صفحه ۲۷۸ تا ۲۹۹ «صفحه ۲۹۳»، حدیث ۵۵ «احتجاج حضرت امیر علیه السلام بر اعضاء شورا».

توضیح:

سید بن طاووس در کتاب سعد السعود نقل می‌کند که:
خبر مربوط به مباحله پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت آن
حضرت با نصارای نجران «یعنی مباحله خمسه طیبه علیهم السلام با نصارای
نجران» به پنجاه و یک طریق از صحابه و غیر صحابه نقل شده است که اسامی
تعدادی از آنها بدین قرار است.

عثمان بن عفان،

سعد بن ابی وقاص،

عبدالرحمن بن عوف،

طلحة بن عبیدالله،

زبیر بن عوام،

عبدالله بن عباس و...^۱

قابل ذکر است که:

سعد بن ابی وقاص، عبدالرحمن بن عوف و طلحة بن عبیدالله و جوه مشترکی
دارند که ذیلاً ملاحظه می‌فرمایید:

الف: همانطور که ملاحظه فرمودید هر سه نفر یاد شده خبر مربوط به مباحله
پیامبر اکرم و اهل بیت آن حضرت «خمسه طیبه علیهم السلام» را با نصارای
نجران نقل نموده‌اند.

ب: هر سه نفر یاد شده عضو شورایی بودند که بعد از مرگ عمر بن خطاب
وظیفه تعیین خلیفه بر عهده آنها بود و هر سه نفر نیز به عثمان بن عفان رأی
دادند.

۱. المیزان، جلد ششم، صفحه ۷۷ «بحث روایتی ذیل آیه ۶۱ سوره آل عمران».

ج: پس از واقعه غدیر خم «هیجدهم ذیحجه سال دهم هجری» و انتصاب امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام به عنوان امام مسلمین، چهارده نفر تصمیم گرفتند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را هنگام مراجعت از مکه به مدینه به شهادت برسانند، لیکن موفق به این کار نشدند، و سه نفر یاد شده از اعضاء این گروه چهارده نفره بودند.^۱

قابل ذکر است که:

احادیث فراوانی نقل شده مبنی بر این که وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام نفس و جان و روح پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می باشد و به منزله خود پیامبر اکرم است، که به عنوان نمونه به پنج حدیث شریف اشاره شد.

پس از ارائه توضیحات مختصری در رابطه با ششمین مورد از فضائل و مناقب و ویژگی های مولی الموحدین امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام می پردازیم به هفتمین مورد از فضایل و مناقب و ویژگی های آن حضرت.

* منقبت هفتم:

وجود مقدس مولی الموحدین امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام یعنی خود ایمان «یعنی همه ایمان»، و این موضوع در آیات شریفه ذیل و احادیث شریف ذیل این آیات شریفه صراحتاً بیان شده است.

الف: خداوند متعال در آیه ۵ سوره مائده می فرماید:

وَمَنْ يَكْفُرْ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ، یعنی:

خداوند متعال می فرماید:

۱. شرح خطبه غدیریّه پیامبر اکرم، تألیف آیت الله سید محمدتقی نقوی، صفحه ۴۸۸ و ۴۸۹، «اجمالی از وقایع پس از غدیر».

هر کس به ایمان کُفر بورزد «هر کس ایمان را انکار کند»، اعمال او تباه و باطل می‌گردد،
و در آخرت از زیانکاران است.^۱

شرح لغات و توضیحات

کُفر = پوشاندن چیزی، نپنهان کردن، ستر کردن، مثلاً:

شب را کافر می‌گویند زیرا اشخاص را مستور می‌کند و می‌پوشاند.

کُفران نعمت و کُفر نعمت نیز پوشاندن و نپنهان کردن نعمت است به وسیله عدم شکرگزاری، یعنی:

کسی که در برابر نعمات بیکران الهی شکرگزاری نمی‌کند در واقع نعمات خداوند متعال را می‌پوشاند و آن‌ها را پنهان می‌کند،

و به این عمل گفته می‌شود کُفران نعمت یا کُفر نعمت.

بزرگ‌ترین کُفر، انکار و حدائیت «یگانگی» خداوند متعال و یا انکار رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می‌باشد.

کسی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را انکار کند شریعت اسلام را انکار نموده،

و کسی که مُنکر اسلام شود کافر است،

بنابراین:

کافر کسی است که خداوند متعال یا پیامبر اکرم و یا هر دو را مُنکر شود.

قابل ذکر است که:

کسی که:

خداوند متعال را به یگانگی بشناسد،

۱. المیزان، جلد دهم، صفحه ۳ «ذیل آیه ۵ سوره مائده».

تفسیر صافی، جلد دوّم، صفحه ۳۶۶ «ذیل آیه ۵ سوره مائده».

و به رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم ایمان داشته باشد مسلمان است،

بنابراین:

کسانی که امامت و ولایت ائمه معصومین علیهم السلام را انکار می کنند، و به امامت و ولایت آن ذوات مقدسه ایمان نمی آورند، در صورتی که به یگانگی خداوند متعال و به رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم ایمان داشته باشند مسلمان هستند و احکام اسلام بر آنها جاری است، یعنی:

نجس نیستند،

ازدواج با آنها اشکال شرعی ندارد،

ذبیحه آنها حلال است و...

لیکن در آخرت با کفار و مشرکین محشور خواهند شد.

قابل ذکر است که:

کلمه کُفْر معمولاً در مورد دین،

و کلمه کُفْران بیشتر در مورد انکار نعمت و ناسپاسی به کار می رود.

اگر واژه کافر به طور مطلق و بدون قید ذکر شود مقصود از آن، کسی است

که وحدانیت خداوند متعال یا رسالت پیامبر اکرم یا هر دو را انکار نماید.

حَبِطٌ = تباه شدن، زایل شدن، نابود شدن، از بین رفتن.

حَبِطَ عَمَلُهُ = عملش تباه شد، نتیجه کارش از بین رفت.

خُسْران = نقصان و کاستی در اصل سرمایه.

خاسر = زیانکار.^۱

۱. مجمع البیان، جلد ششم، صفحه ۲۱۶ و ۲۱۷ «ذیل آیه ۵ سوره مائده».

المیزان، جلد دهم، صفحه ۱۰ تا ۱۲ «ذیل آیه ۵ سوره مائده».

مفردات راغب.

خداوند متعال در این آیه شریفه «آیه ۵ سوره مائده» می فرماید:

وَمَنْ يَكْفُرْ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهُ، یعنی:

هرکس به ایمان کُفر بورزد، یعنی:

هرکس ایمان را انکار کند عمل صالحی که انجام داده حَبِط و نابود می شود،

یعنی:

اگر کسی به وحدانیت خداوند متعال «یگانگی خداوند متعال» و به رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم ایمان نداشته باشد اعمال صالحی که انجام داده «از قبیل صلّه رحم، کمک به فقرا و نیازمندان» حَبِط و نابود می شود، گویا اصلاً عملی انجام نشده است.

به عبارت دیگر:

اگر یک کافر «هر غیر مسلمانی اعم از یهود، نصاری و...» عمل صالحی انجام دهد، این عمل صالح روز قیامت برای او هیچ فایده‌ای نخواهد داشت، زیرا: اعمال صالح او حَبِط شده‌اند،

و در واقع کافر را عملی نیست که برای آن عمل استحقاق پاداش و ثوابی داشته باشد.

بنابراین:

شرط لازم برای این که اعمال انسان روز قیامت مفید فایده باشد این است که صاحب عمل به خداوند متعال و به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم ایمان داشته باشد،

در غیر این صورت گویا عملی انجام نشده که به او پاداشی تعلق بگیرد.

انشاءالله تعالی در بخش حدیث ملاحظه خواهید فرمود که:

شرط لازم دیگر برای قبولی اعمال، ایمان داشتن به امامت و ولایت ائمه

معصومین علیهم السلام می باشد،

همچنین در بخش حدیث ملاحظه خواهید فرمود که:
مقصود از ایمان در این آیه شریفه «آیه ۵ سوره مائده» وجود مقدّس
امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام و امامت و ولایت آن حضرت
می باشد، یعنی:

عدم اعتقاد به امامت و ولایت مولی الموحّدين امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب
علیه السلام به عنوان وصیّ بلافصل پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم
«همچنین عدم اعتقاد به امامت و ولایت دیگر ائمه معصومین علیهم السلام»
باعث حَبْط و تباه شدن اعمال شده و در نتیجه برای صاحب عمل فایده‌ای
نخواهد داشت.

در ادامه آیه شریفه به سرنوشت این افراد در روز قیامت اشاره شده و آمده
است که:

وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ، یعنی:

چنین شخصی روز قیامت در زمره زیانکاران و هلاک شوندگان است، یعنی:
اگر کسی به خداوند متعال و به پیامبر اکرم و به ائمه معصومین علیهم السلام
و یا به یکی از آنها ایمان نداشته باشد، همه اعمال صالحی که انجام داده حَبْط
و تباه می شوند،

و چون هیچ عمل صالحی در پرونده‌اش وجود ندارد لذا روز قیامت در زمره
زیانکاران است،

و چه خسران و زبانی از این بالاتر که انسان عمر جاوید و سعادت ابدی
جهان آخرت را با عمر هفتاد هشتاد ساله دنیا معاوضه نماید.

خسران یعنی نقصان و کاستی در اصل سرمایه،

بنابراین:

کسانی که به دلیل عدم اعتقاد به خداوند متعال و پیامبر اکرم و ائمه معصومین

علیهم السَّلَام «یا عدم اعتقاد به یکی از آن‌ها» اعمالشان حَبِط و تباہ می‌شود، روز قیامت خاسر و زیانکار هستند، یعنی:

سرمایه خودشان را از دست داده‌اند و به اصطلاح آه در بساط ندارند.^۱

حدیث:

۱- ابو حمزه می‌گوید:

از وجود مقدس امام باقر علیه‌السَّلَام درباره این آیه شریفه «وَمَنْ يَكْفُرْ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ - آیه ۵ سوره مائده» سؤال کردم.

وجود مقدس امام باقر علیه‌السَّلَام فرمودند:

تفسیر این آیه شریفه در بطن قرآن کریم است،

و آن این است که:

وَمَنْ يَكْفُرُ بِوِلَايَةِ عَلِيٍّ،

وَ عَلِيٌّ هُوَ الْإِيمَانُ، یعنی:

وجود مقدس امام باقر علیه‌السَّلَام فرمودند:

تأویل آیه شریفه و معنی باطنی آیه شریفه «آیه ۵ سوره مائده» این است که:

هرکس به امامت و ولایت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السَّلَام کُفَر

بورزد و امامت آن حضرت را انکار نماید اعمالش حَبِط و نابود می‌گردد،

و این شخص در آخرت از زیانکاران است، زیرا:

امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السَّلَام خود ایمان است «همان ایمان

است».^۲

۱. مجمع‌البیان، جلد ششم، صفحه ۲۱۶ «ذیل آیه ۵ سوره مائده».

۲. تفسیر صافی، جلد دوم، صفحه ۳۷۲ «ذیل آیه ۵ سوره مائده».

تفسیر برهان، جلد سوم، صفحه ۵۸۲، حدیث ۱ «ذیل آیه ۵ سوره مائده».

تفسیر نورالثقلین، جلد دوم، صفحه ۳۱۹، حدیث ۶۵ «حدیث ۲۶۲۵» «ذیل آیه ۵ سوره مائده».

المیزان، جلد دهم، صفحه ۲۹ «بحث روایتی ذیل آیه ۵ سوره مائده».

۲- جابر می گوید:

از وجود مقدّس امام باقر علیه السلام سؤال کردم:

یا بن رسول الله:

مقصود از کفر ورزیدن به ایمان و انکار نمودن ایمان در این آیه شریفه «وَمَنْ يَكْفُرْ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ - آیه ۵ سوره مائده» چیست؟

وجود مقدّس امام باقر علیه السلام فرمودند:

مقصود از کُفر ورزیدن به ایمان و انکار نمودن ایمان در این آیه شریفه «آیه ۵ سوره مائده» کُفر ورزیدن به امامت و ولایت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام و انکار امامت و ولایت آن حضرت می باشد، و کسی که امامت و ولایت آن حضرت را انکار نماید اعمالش حَبِط و نابود می شود،

و در آخرت از خاسرین و زیانکاران می باشد.^۱

ب: خداوند متعال در آیه ۲۳ سوره توبه می فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا آبَائِكُمْ وَ إِخْوَانَكُمْ أَوْلِيَاءَ، إِنَّ اسْتَحْبَبُوا الْكُفْرَ عَلَى الْإِيمَانِ، وَ مَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ، یعنی:

خداوند متعال مؤمنین را مورد خطاب قرار داده و می فرماید:

ای کسانی که ایمان آورده اید «ای مؤمنین»:

پدران و برادران خودتان را اولیاء «دوستان» خودتان قرار ندهید «آن‌ها را به دوستی انتخاب نکنید» اگر آن‌ها کُفر را بر ایمان ترجیح داده‌اند «اگر آن‌ها کُفر را برگزیده‌اند»،

۱. تفسیر برهان، جلد سوم، صفحه ۵۸۳، حدیث ۳ «ذیل آیه ۵ سوره مائده».

تفسیر نورالثقلین، جلد دوم، صفحه ۳۱۹، حدیث ۶۳ «حدیث ۲۶۲۳» «ذیل آیه ۵ سوره مائده».

هرکس از شما با آن‌ها دوستی نماید «هرکس از شما آن‌ها را دوست بدارد» از ظالمین و ستمکاران خواهد بود.^۱

شأن نزول آیه شریفه:

این آیه شریفه درباره فردی به نام حاطب بن ابی بلتعہ نازل شده است، و جریان از این قرار است که:

وقتی که وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم آهنگ فتح مکه نمودند، حاطب بن ابی بلتعہ به اقوام خویش در شهر مکه نامه‌ای نوشت تا آن‌ها را از تصمیم پیامبر اکرم مطلع نماید که این آیه شریفه نازل شد.^۲

این آیه شریفه «آیه ۲۳ سوره توبه» مؤمنین را از دوستی با کفار نهی نموده و به مؤمنین دستور می‌فرماید تا کفار را دوست نداشته باشند و آن‌ها را دوست خود ندانند، گرچه آن‌ها «کفار» اقوام و خویشاوندان مؤمنین باشند.

خداوند متعال در این آیه شریفه «آیه ۲۳ سوره توبه» می‌فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا، یعنی:

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، یعنی:

ای مؤمنین:

لَا تَتَّخِذُوا آبَاءَكُمْ وَ إِخْوَانَكُمْ أَوْلِيَاءَ، یعنی:

پدران و برادران خویش را به دوستی نگیرید «پدران و برادران خودتان را

دوستان خودتان قرار ندهید»،

إِنْ اسْتَحَبُّوا الْكُفْرَ عَلَى الْإِيمَانِ، یعنی:

اگر آن‌ها کفر را به ایمان ترجیح داده‌اند و کفر را برگزیده‌اند.

به عبارت دیگر:

۱. مجمع‌البیان، جلد یازدهم، صفحه ۴۷ «ذیل آیه ۲۳ سوره توبه».

المیزان، جلد هیجدهم، صفحه ۱۰ «ذیل آیه ۲۳ سوره توبه».

۲. مجمع‌البیان، جلد یازدهم، صفحه ۴۸ «ذیل آیه ۲۳ سوره توبه».

خداوند متعال در این آیه شریفه «آیه ۲۳ سوره توبه» به مؤمنین دستور می‌فرماید که:

ای مؤمنین:

با کفار «غیر مؤمنین» دوست و رفیق نباشید و آن‌ها را دوست نداشته باشید
گرچه پدران و برادران شما باشند.

پرواضح است که:

وقتی مؤمنین از دوست بودن و دوست داشتن پدر و برادر کافر خویش منع و نهی می‌شوند تکلیف بقیّه روشن است.

این آیه شریفه «آیه ۲۳ سوره توبه» معنی باطنی و تأویلی نیز دارد که انشاء الله تعالی در بخش حدیث به آن اشاره خواهد شد و مشخص خواهد شد که مقصود از کُفر و ایمان در این آیه شریفه چه می‌باشد که اگر شخصی از ایمان اعراض نموده و کُفر را به ایمان ترجیح دهد در آن صورت آن شخص نباید محبوب و مورد علاقه مؤمنین قرار بگیرد، و به عبارت دیگر:

مصدق اتمّ و اکمل کُفر و ایمان در بخش حدیث معرفّی خواهد شد و تکلیف مؤمنین روشن خواهد گردید.

حدیث:

۱- وجود مقدّس امام باقر علیه السلام فرمودند:

منظور از ایمان در این آیه شریفه «یا ایّها الذین آمنوا لاتتخذوا آباءکم و اخوانکم اولیاء، ان استحبوا الکفر علی الایمان، و من يتولّهم منکم فاولئک هم الظالمون - آیه ۲۳ سوره توبه» ولایت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام می‌باشد.

این حدیث شریف را ابوحمزه از وجود مقدّس امام باقر علیه السلام نقل

نموده است.^۱

۲- جابر می گوید:

از وجود مقدّس امام باقر علیه السلام درباره این آیه شریفه «یا ایُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا آبَائِكُمْ وَ إِخْوَانَكُمْ أَوْلِیَاءَ، إِنِ اسْتَحَبُّوا الْكُفْرَ عَلَى الْإِیمَانِ، وَ مَنْ یَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ» - آیه ۲۳ سوره توبه» و مقصود از کفر و ایمان در این آیه شریفه سؤال کردم.

وجود مقدّس امام باقر علیه السلام فرمودند:

مقصود از کُفر در این آیه شریفه «آیه ۲۳ سوره توبه» پذیرش ولایت ائمه ظلم و جور است،

و مقصود از ایمان در این آیه شریفه «آیه ۲۳ سوره توبه» پذیرش ولایت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام می باشد.^۲

توضیح:

معنی آیه ۲۳ سوره توبه «براساس ظاهر آیه شریفه» این می شود که:

خداوند متعال به مؤمنین دستور می فرماید که:

ای مؤمنین:

پدران و برادران خودتان را دوستان خودتان قرار ندهید و آنها را به دوستی انتخاب نکنید اگر آنها کُفر را به ایمان ترجیح داده و کُفر را برگزیده اند «پدران و برادران کافر خویش را دوست نداشته باشید و آنها را به دوستی انتخاب

۱. تفسیر برهان، جلد چهارم، صفحه ۵۶۶، حدیث ۲ «ذیل آیه ۲۳ سوره توبه».

المیزان، جلد هیجدهم، صفحه ۳۵ «بحث روایتی ذیل آیه ۲۳ سوره توبه».
شرح زیارت جامعه کبیره، تألیف آیت الله جوادی آملی، جلد هشتم، صفحه ۱۴۸، ذیل عنوان: مَنْ اتَاكُمْ نَجِی.

۲. تفسیر صافی، جلد سوم، صفحه ۲۶۰ «ذیل آیه ۲۳ سوره توبه».

تفسیر برهان، جلد چهارم، صفحه ۵۶۶، حدیث ۱ «ذیل آیه ۲۳ سوره توبه».

تفسیر نورالثقلین، جلد سوم، صفحه ۱۵۹، حدیث ۸۳ «حدیث ۴۱۰۱».

نکنید»، زیرا:

اگر هر کدام از شما مؤمنین آنها را دوست داشته باشید و با آنها دوستی نمایید در زمره ظالمین خواهید بود «به ظالمین هم در آیات شریفه فراوانی وعده عذاب الیم داده شده است».

معنی آیه ۲۳ سوره توبه «براساس تأویل آیه شریفه و معنی باطنی آن براساس احادیث شریفی که ملاحظه فرمودید» این می شود که:

خداوند متعال به مؤمنین دستور می فرماید که:

ای مؤمنین:

پدران و برادران خودتان را دوستان خودتان قرار ندهید و آنها را به دوستی انتخاب نکنید اگر آنها کُفر را یعنی ولایت ائمه ظلم و جور را به ایمان یعنی به ولایت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام ترجیح داده اند، زیرا:

اگر شما مؤمنین آنها را دوست داشته باشید و با آنها دوستی نمائید در زمره ظالمین قرار خواهید گرفت «و در آیات شریفه فراوانی به ظالمین وعده عذاب الیم داده شده است».

ملاحظه فرمودید که:

وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام و امامت و ولایت آن حضرت یعنی ایمان،

و ائمه ظلم و جور و رهبران ضلالت و گمراهی و ولایت آنها یعنی کُفر

و الحاد.

ج: خداوند متعال در آیه ۷ سوره حجرات می فرماید:

وَلَكِنَّ اللَّهَ حَبَّبَ إِلَيْكُمُ الْإِيمَانَ وَ زَيَّنَّهُ فِي قُلُوبِكُمْ، وَ كَرَّهَ إِلَيْكُمُ الْكُفْرَ وَ الْفُسُوقَ وَ

الْعِصْيَانَ أُولَئِكَ هُمُ الرَّاشِدُونَ، یعنی:

اما خداوند متعال، ایمان را محبوب شما قرار داده و آن را در دل های شما

زینت بخشیده،

و کفر و فسق و گناه را مورد تنفر شما قرار داده است،
کسانی که دارای این صفات هستند هدایت یافتگانند.^۱

شرح لغات و توضیحات

فِسْقُ = خارج شدن از حدود شرع، بنابراین:

فِسْقُ یعنی هرگونه گناه، زیرا:

گناه یعنی خروج از اطاعت خداوند متعال،

عُصیان = نافرمانی، ترک طاعت

در واقع، فِسْقُ و عُصیان هر دو به معنی گناه می باشند،

بنابراین:

آمدن عصیان بعد از فسوق به عنوان تأکید می باشد.

رُشد = هدایت، پیدا کردن راه راست.

نقطه مقابل رُشد، غَمٌّ می باشد یعنی گمراهی.^۲

خداوند متعال در ابتدای این آیه شریفه «آیه ۷ سوره حجرات» می فرماید:

وَاعْلَمُوا أَنِّي كُنتُمْ رَسُولَ اللَّهِ، یعنی:

ای مسلمانان:

بدانید و آگاه باشید که وجود مقدس رسول الله یعنی حضرت محمد صلی

الله علیه و آله و سلم در میان شما است.

خداوند متعال در این آیه شریفه به جای این که بفرماید:

أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ فِيكُمْ،

فرموده:

۱. تفسیر نمونه، جلد بیست و دوم، صفحه ۱۶۱ «ذیل آیه ۷ سوره حجرات».

۲. تفسیر نمونه، جلد بیست و دوم، صفحه ۷۰ «ذیل آیه ۷ سوره حجرات».

مفردات راغب.

أَنَّ فِيكُمْ رَسُولَ اللَّهِ،

و این به این خاطر است که انحصار را برساند و به مسلمانان بفهماند و تفهیم نماید که ای مسلمین:

این فقط شما هستید که چنین نعمتی در اختیارتان است، لذا: باید به این وجود مقدّس یعنی به وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم تمسّک نمائید و چنگ بزنید و از گمراهی و ضلالت اجتناب نمائید. همچنین این آیه شریفه می فهماند که:

حال که چنین نعمت بی نظیری در اختیار شما است، لذا به آن حضرت مراجعه نمائید و از آن بزرگوار اطاعت نمائید و به راه آن حضرت بروید تا هدایت شوید.

بنابراین:

این قسمت از آیه شریفه می فرماید که:

ای مسلمانان:

حال که شما مسلمین چنین توفیقی پیدا کرده‌اید که نعمت وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم که عالی‌ترین نعمت خداوند متعال می باشد در اختیار شما است، لذا:

بر شما واجب است که مطیع محض آن حضرت باشید،

و آنچه را که فرمان داد اجرا کنید،

و باید شما مسلمین با سایر اقوام و امّت‌ها که از چنین نعمتی برخوردار نیستند تفاوت داشته باشید.^۱

در انتهای این آیه شریفه «آیه ۷ سوره حجرات» به یکی دیگر از مواهب و الطاف الهی به مسلمین و مؤمنین اشاره شده و آمده که:

۱. المیزان، جلد سی و ششم، صفحه ۱۸۰، «ذیل آیه ۷ سوره حجرات».

وَلِكِنَّ اللَّهَ حَبَبَ الْإِيمَانِ وَ زَيْنَتُهُ فِي قُلُوبِكُمْ، یعنی:

خداوند متعال ایمان را محبوب شما قرار داده و آن را در دل‌های شما زینت

داده، و:

وَ كُفْرَهُ الْإِيمَانِ الْكُفْرَ وَ الْفُسُوقَ وَ الْعِصْيَانَ، یعنی:

و کُفْرَ و فِسْقَ و عِصْيَانَ را منفور شما قرار داده است «مورد تنفّر شما قرار

داده است»، یعنی:

خداوند متعال علاوه بر این که بر شما مَنّت گذاشته و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم را که عالی‌ترین نعمت خداوند متعال به بندگانش می‌باشد به سوی شما مسلمین فرستاده تا شما را هدایت کند، لطف ویژه دیگری نیز به شما نموده و آن این است که:

۱- ایمان را محبوب دل‌های شما قرار داده و آن را در دل‌های شما زینت

داده است «ایمان را در دل‌های شما زیبا جلوه داده است».

۲- کُفْرَ و فِسْقَ و عِصْيَانَ را مورد تنفّر و مورد نفرت شما قرار داده است.

به عبارت دیگر:

خداند متعال الطاف ویژه‌ای نصیب امت اسلام نموده که عبارتند از:

۱- فرستادن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم به عنوان اشرف انبیاء

جهت هدایت آن‌ها.

۲- ایمان را در دل آن‌ها محبوب قرار داده و کُفْرَ و فِسْقَ و عِصْيَانَ را منفور،

یعنی:

هر انسان سالمی باید ایمان را دوست داشته باشد،

و از کُفْرَ و فِسْقَ و عِصْيَانَ تنفّر داشته باشد، زیرا:

خداوند متعال این‌ها را در ذات و فطرت انسان قرار داده است،

و معنی ذاتی بودن و فطری بودن ایمان این است که:

انسان وقتی به دنیا می آید چنانچه انسان‌های منحرف و آلوده و محیط فاسد و آلوده او را آلوده و منحرف نکنند این انسان تازه تولد یافته وقتی بزرگ شود و به سنّ بلوغ برسد، حتماً:

۱- ایمان را دوست داشته و شیفته حق است.

۲- از کُفر و فسق و عصیان تنفّر دارد و از آن‌ها بیزار است، زیرا:

خداوند متعال، حق طلبی و عشق به حق، همچنین بیزاری و تنفّر از کُفر و فسق و عصیان و ظلم و بی عدالتی را در ذات و فطرت انسان‌ها قرار داده، و برای این که این عوامل ذاتی و فطری شکوفا بشوند پیامبران را نیز فرستاده تا فطرت انسان‌ها را بیدار نموده و آن‌ها را به طرف خداوند متعال هدایت کرده و از ضلالت و گمراهی نجات دهند، لذا:

کسانی که گمراه شده و به سوی کُفر و فسق و عصیان رفته و مرتکب معاصی و گناهان می شوند،

هم با تعالیم انبیاء عظام الهی مخالفت می کنند،

و هم با ذات و فطرت و سرشت خودشان، زیرا:

خداوند متعال عشق به حق و تنفّر از باطل را در دل و فطرت انسان‌ها قرار داده است.

همانطور که ملاحظه فرمودید در آیه ۷ سوره حجرات آمده که:

وَلَكِنَّ اللَّهَ حَبَبٌ إِلَيْكُمْ الْإِيمَانَ وَ... یعنی:

لیکن «آما» خداوند متعال ایمان را محبوب شما قرار داد، و کُفر و فسق و عصیان را منفور شما.

شاید آمدن کلمه وَلَكِنَّ «لیکن - آما» در این قسمت از آیه شریفه به این معنا باشد که:

اگر خداوند متعال، ایمان را محبوب شما قرار نمی داد،

و اگر خداوند متعال، کُفر و فسق و عصیان را منفور شما قرار نمی‌داد «اگر خداوند متعال، عشق به حق و تنفّر از باطل را در ذات و فطرت شما قرار نمی‌داد» ممکن بود هدایت نشوید،

لیکن «وَلَكِنَّ» خداوند متعال از باب لطف، عشق به حق و تنفّر از باطل «دوست داشتن ایمان و تنفّر از کُفر و فسق و عصیان» را در دل و ذات و فطرت و سرشت شما قرار داد،

و علاوه بر آن وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را نیز فرستاد تا شما را هدایت نموده و از گمراه شدن شما جلوگیری نماید.

در انتهای آیه شریفه آمده که:

أُولَئِكَ هُمُ الرَّاشِدُونَ، یعنی:

آنها هدایت یافتگانند، یعنی:

کسانی که ایمان در نظرشان محبوب است «ایمان را دوست دارند»، و کُفر و فسق و عصیان در نظرشان منفور است «از کُفر و فسق و عصیان تنفّر دارند»،

این افراد هدایت یافتگانند،

به عبارت دیگر:

کسانی که این صفات را داشته باشند «دوست داشتن ایمان و تنفّر از کُفر و فسق و عصیان» هدایت یافتگان واقعی می‌باشند،
لذا:

بر مؤمنین واجب است که دست از ایمان برنداشته و از کُفر و فسق و عصیان اجتناب نمایند تا به خاطر این دو عمل و این دو صفت رُشد یابند «هدایت شوند»^۱.

۱. المیزان، جلد سی و ششم، صفحه ۱۸۰ و ۱۸۱ «ذیل آیه ۷ سوره حجرات».
تفسیر نمونه، جلد بیست و دوم، صفحه ۱۶۸ تا ۱۷۰ «ذیل آیه ۷ سوره حجرات».

این که تأویل این آیه شریفه «آیه ۷ سوره حجرات» در رابطه با ایمان، همچنین در رابطه با کفر و فسق و عصیان چه می باشد، و مصداق اتمّ و اکمل ایمان و مصداق اتمّ و اکمل کُفر و فسق و عصیان چه کسانی می باشد انشاء الله تعالی در بخش حدیث خواهد آمد.

حدیث:

۱- وجود مقدّس امام صادق علیه السّلام فرمودند:
منظور از ایمان در این آیه شریفه «وَلَكِنَّ اللَّهَ حَبَّبَ إِلَيْكُمُ الْإِيمَانَ... آیه ۷ سوره حجرات» وجود مبارک امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام می باشد، و منظور از کُفر و فسق و عصیان در این آیه شریفه «وَكُرَّهَ إِلَيْكُمُ الْكُفْرَ وَالْفُسُوقَ وَالْعِصْيَانَ - آیه ۷ سوره حجرات» فلانی و فلانی و فلانی هستند «غاصبین حقوق امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام».
این حدیث شریف را محمّد بن اورمه از علی بن حسان و او از عبدالرحمن بن کثیر و او نیز از وجود مقدّس امام صادق علیه السّلام نقل نموده است.^۱

۲- وجود مقدّس امام صادق علیه السّلام فرمودند:
منظور از ایمان در این آیه شریفه «وَلَكِنَّ اللَّهَ حَبَّبَ إِلَيْكُمُ الْإِيمَانَ - آیه ۷ سوره حجرات» وجود مبارک امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام می باشد، و منظور از کُفر و فسق و عصیان در این آیه شریفه «وَكُرَّهَ إِلَيْكُمُ الْكُفْرَ وَالْفُسُوقَ وَالْعِصْيَانَ - آیه ۷ سوره حجرات» فلانی و فلانی و فلانی هستند «غاصبین حقوق امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام».
این حدیث شریف را یحیی بن زکریّا از علی بن حسان و او از عبدالرحمن

۱. اصول کافی، جلد دوّم، صفحه ۲۹۹، حدیث ۷۱ «حدیث ۱۱۵۰».

تفسیر برهان، جلد هشتم، صفحه ۴۴۰، حدیث ۲ «ذیل آیه ۷ سوره حجرات».

تفسیر نورالتقلین، جلد هفتم، صفحه ۱۲۹، حدیث ۱۵ «حدیث ۱۰۵۸۹» «ذیل آیه ۷ سوره حجرات».

بن کثیر و او نیز از وجود مقدّس امام صادق علیه السّلام نقل نموده است.^۱

۳- وجود مقدّس امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام ضمن ایراد خطبه‌ای که به خطبه وسیله معروف می‌باشد فرمودند:

در وجود من فضائل و مناقب فراوانی هست که اگر از آن‌ها یاد کنم جنجال بزرگی به پا می‌شود و زمانی طولانی می‌خواهد که مردم آن‌ها را بشنوند.

سپس وجود مقدّس امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام فرمودند:

بعد از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم آن‌ها پیراهن خلافت را پوشیده و با من منازعه کردند،

درحالی که آن‌ها در رابطه با خلافت حقّی نداشتند و به علّت ضلالت و گمراهی خلافت را غصب کردند و به نادانی خلافت را از آن خود دانستند.

یکی از این‌ها روز قیامت به دیگری خواهد گفت «می‌گوید»:

ای کاش من تو را به عنوان دوست برای خودم انتخاب نمی‌کردم،

ای کاش میان من و تو به اندازه شرق تا غرب عالم فاصله بود.

وجود مقدّس امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام در ادامه فرمایش خویش فرمودند:

أَنَا الذِّكْرُ الَّذِي عَنْهُ ضَلَّ،
وَالسَّبِيلُ الَّذِي عَنْهُ مَالَ،
وَالْإِيمَانُ الَّذِي بِهِ كَفَرَ،
وَالْقُرْآنُ الَّذِي آيَاهُ هَجَرَ،
وَالدِّينَ الَّذِي بِهِ كَذَبَ،
وَالصِّرَاطُ الَّذِي عَنْهُ نَكَبَ، يَعْنِي:

۱. تفسیر صافی، جلد ششم، صفحه ۱۳۵ «ذیل آیه ۷ سوره حجرات».

تفسیر برهان، جلد هشتم، صفحه ۴۴۱، حدیث ۶ «ذیل آیه ۷ سوره حجرات».

وجود مقدّس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام فرمودند:
 منم آن ذِکْرُ که آن‌ها «غاصبین خلافت» از آن گمراه شدند،
 منم آن سبیل و راهی که آن‌ها از آن اعراض کرده و به بیراهه رفتند،
 منم آن ایمان که آن‌ها به آن کُفر ورزیدند،
 منم آن قرآن که آن‌ها آن را مهجور داشتند «آن را کنار گذاشتند»،
 منم آن دین که آن‌ها آن را تکذیب کردند،
 منم آن صراط مستقیم و راه راستی که آن‌ها از آن انحراف پیدا کردند و
 منحرف شدند.^۱

خطبه شریف امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام مفصل تر و طولانی تر
 از این است که ملاحظه فرمودید،
 فقط به قسمتی از خطبه شریف اشاره شد که وجود مقدّس مولی الموحّدين
 امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام فرمودند:
 من همان ایمان هستم که غاصبین خلافت و پیروان آن‌ها به آن کُفر ورزیدند،
 من همان دین هستم که غاصبین خلافت و پیروان آن‌ها آن را تکذیب
 کردند.

۴- وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم در جنگ احزاب
 هنگام رفتن امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام برای نبرد با عمرو بن
 عبدود، فرمود:

بَرَزَ الْإِيمَانُ كُلَّهُ إِلَى الشِّرْكِ كُلِّهِ، یعنی:

۱. روضه کافی، صفحه ۴۷ تا ۵۹، شماره ۴ «خطبه امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام معروف به خطبه وسیله».
 تفسیر صافی، جلد پنجم صفحه ۱۷ و ۱۸ «ذیل آیات ۲۷ تا ۳۰ سوره فرقان».
 تفسیر برهان، جلد ششم، صفحه ۶۶۷، حدیث ۷ «ذیل آیات ۲۷ تا ۳۰ سوره فرقان».
 تفسیر نورالثقلین، جلد پنجم، صفحه ۱۸۵، حدیث ۹۹ «حدیث ۷۵۹۵» «ذیل آیه ۷۴ سوره مؤمنون».
 تفسیر نورالثقلین، جلد پنجم، صفحه ۳۶۹، حدیث ۴۱ «حدیث ۷۹۷۰» «ذیل آیات ۲۷ تا ۳۰ سوره فرقان».

همه ایمان به مبارزه همه شرک رفت.^۱

در توضیح ذیل این حدیث شریف آمده که:

چون دین و ایمان «عقیده و عمل» با تمام هستی و با تمام وجود امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام متحد شده،
لذا:

وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم از روی حقیقت و نه از روی مجاز و استعاره فرمودند:

همه ایمان به مبارزه همه شرک رفت.^۲

۵- وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به ابن عباس فرمود:
یا بن عباس:

لَا تَشْكُ فِي عَلِيٍّ،

فَإِنَّ الشُّكَّ فِيهِ يُخْرِجُ عَنِ الْإِيمَانِ،

و يُوجِبُ الْخُلُودَ فِي النَّارِ، یعنی:

وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به ابن عباس فرمود:
ای ابن عباس:

در علی بن ابیطالب علیه السلام «در امامت و ولایت و حقانیت آن حضرت» شک مکن، زیرا:

شک درباره امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام انسان را از دایره ایمان خارج می کند،

و موجب خلود در آتش جهنم می شود «موجب اقامت دائمی و همیشگی

۱. المیزان، جلد دهم، صفحه ۲۹ «ذیل آیه ۵ سوره مائده».

شرح زیارت جامعه کبیره «ادب فنای مقربان»، تألیف آیت الله جوادی آملی،

جلد هفتم، صفحه ۲۶۴، ذیل عنوان: أَنْتُمْ الصِّرَاطُ الْأَقْوَمُ.

جلد ششم، صفحه ۱۵۹، ذیل عنوان: وَ جَاهِدْتُمْ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ.

۲. شرح زیارت جامعه کبیره «ادب فنای مقربان»، تألیف آیت الله جوادی آملی، جلد هفتم، صفحه ۲۴۶، ذیل عنوان: أَنْتُمْ الصِّرَاطُ الْأَقْوَمُ.

در جهنم می شود»^۱.

پس از ارائه توضیحات مختصری در رابطه با هفتمین مورد از فضائل و مناقب و ویژگی های مولی الموحدین امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام می پردازیم به هشتمین مورد از فضائل و مناقب و ویژگی های آن حضرت.

* منقبت هشتم:

در علو مقام دوّمین شخصیت عالم خلقت یعنی امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام همین بس که:

حُبّ به امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام ایمان است،
و بغض به آن حضرت کُفر،
و در نتیجه:

هیچ مؤمنی امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام را دشمن نمی دارد،
و هیچ کافر و منافقی آن حضرت را دوست نمی دارد.
خداوند متعال در آیه ۹۶ سوره مریم می فرماید:

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا، یعنی:

کسانی که ایمان آوردند و عمل صالح انجام دادند، خداوند رحمان محبتی
برای آنان در دلها قرار می دهد.^۲

شرح لغات و توضیحات:

وُد = مودّت، محبّت.

مودّت = محبّت شدید.

۱. امالی شیخ طوسی، جلد اوّل، صفحه ۴۰۶ تا ۴۰۹، حدیث ۱۹ «حدیث ۳۱۷» مجلس هفتم.
شرح زیارت جامعه کبیره «ادب فنای مقربان»، تألیف آیت الله جوادی آملی، جلد هفتم، صفحه ۳۵۹ و ۳۶۰،
ذیل عنوان: وَ شُفَعَاءُ دَارِ الْبَقَاءِ.

۲. تفسیر نمونه، جلد سیزدهم، صفحه ۱۶۴ «ذیل آیه ۹۶ سوره مریم».

شأن نزول این آیه شریفه «آیه ۹۶ سوره مریم» در رابطه با وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام می باشد که انشاء الله تعالی در ادامه بحث به آن اشاره خواهد شد.

خداوند متعال در این آیه شریفه «آیه ۹۶ سوره مریم» به مؤمنینی که عمل صالح انجام می دهند وعده جمیل و زیبایی داده و فرموده:

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا، یعنی:

کسانی که ایمان آورده و اعمال صالح و شایسته انجام دهند «عمل کردن به واجبات و در صورت امکان به مستحبات، چرا که اعمال صالح و کارهای شایسته و نیکو یا در حوزه واجبات واقع شده اند یا در حوزه مستحبات»، خداوند متعال محبت آن ها را در دل افراد مؤمن و صالح قرار می دهد.

این آیه شریفه «آیه ۹۶ سوره مریم» شامل همه مؤمنین می شود، یعنی: هرکس ایمان بیاورد و اعمال صالح انجام دهد خداوند متعال نیز محبت او را در دل سایر مؤمنین و صالحین قرار می دهد،

و نتیجه این کار این می شود که:

مؤمنین یکدیگر را دوست می دارند،

و در دل خویش به دیگر مؤمنین محبت می ورزند.

پر واضح است که:

این محبت قلبی و باطنی، ظهور و بروز بیرونی نیز خواهد داشت که آن هم کمک نمودن مؤمنین به یکدیگر می باشد، مخصوصاً در مواقع ضرورت و نیاز.

انشاء الله تعالی در بخش حدیث ملاحظه خواهید فرمود که مصداق اتم و اکمل این آیه شریفه «آیه ۹۶ سوره مریم» پس از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام و دیگر ائمه معصومین علیهم السلام می باشند، لذا:

هرکس که مؤمن باشد در دل و قلب خویش دوستدار و مُحَبِّ این ذوات مقدّسه خواهد بود،

و اگر شخصی به این ذوات مقدّسه علاقه و محبّت نداشته باشد باید یقین کند که در زمره مؤمنین نمی باشد،

چرا که معیار و میزان سنجش ایمان انسانها مودّت و محبّت آنها به این ذوات مقدّسه می باشد، لذا:

اگر شخصی به این ذوات مقدّسه محبّت و مودّت داشت در زمره مؤمنین است،

و در غیر این صورت در زمره منافقین^۱.

شأن نزول آیه شریفه «آیه ۹۶ سوره مریم»:

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم به امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام فرمود:

یا علی:

از خداوند متعال مسئلت کن و بگو:

اللَّهُمَّ اجْعَلْ لِي فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ وَدًّا، یعنی:

خداوندا:

محبّت مرا در دل مؤمنین قرار بده.

امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام به دستور پیامبر اکرم صلی الله علیه

و آله و سلّم به درگاه خداوند متعال دعا کرد،

و بعد از این دعای حضرت امیر علیه السلام بود که خداوند متعال این آیه

شریفه را «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا، آیه ۹۶ سوره

۱. مجمع البیان، جلد پانزدهم، صفحه ۲۱۲، «ذیل آیه ۹۶ سوره مریم».

تفسیر نمونه، جلد سیزدهم، صفحه ۱۶۶ و ۱۷۰ «ذیل آیه ۹۶ سوره مریم».

مریم» نازل فرمود.^۱

حدیث:

۱- وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام فرمودند:

لَوْ ضَرَبْتُ خَيْشُومَ الْمُؤْمِنِ بِسَيْفِي هَذَا عَلَيَّ أَنْ يُبَغِّضَنِي مَا أَبْغَضَنِي،
وَلَوْ صَبَبْتُ الدُّنْيَا بِجُمْلَتِهَا عَلَيَّ الْمُنَافِقِ عَلَيَّ أَنْ يُحِبَّنِي مَا أَحَبَّنِي،
وَذَلِكَ أَنَّهُ قُضِيَ فَأَنْقَضِيَ عَلَيَّ لِسَانَ النَّبِيِّ أَنَّهُ قَالَ:
يَا عَلِيُّ:

لَا يُبَغِّضُكَ مُؤْمِنٌ،

وَلَا يُحِبُّكَ مُنَافِقٌ، یعنی:

وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام فرمودند:

اگر با این شمشیرم بر بینی مؤمن بزنم که مرا دشمن بدارد «تا با من دشمن شود» هرگز با من دشمن نخواهد شد،

و اگر همه دنیا را به منافق بدهم تا مرا دوست بدارد هرگز مرا دوست نخواهد داشت،

زیرا وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به صورت یک حکم قاطع و محکم به من فرموده است که:

یا علی:

هیچ مؤمنی تو را دشمن نخواهد داشت «هیچ مؤمنی با تو دشمن نمی شود»،

۱. مجمع البیان، جلد پانزدهم، صفحه ۲۱۲ «ذیل آیه ۹۶ سوره مریم».

المیزان، جلد بیست و هفتم، صفحه ۱۷۷ «ذیل آیه ۹۶ سوره مریم».

تفسیر صافی، جلد چهارم، صفحه ۳۶۸ «ذیل آیه ۹۶ سوره مریم».

تفسیر برهان، جلد ششم، صفحه ۲۲۰، حدیث ۲۳ و ۲۴ «ذیل آیه ۹۶ سوره مریم».

تفسیر نورالثقلین، جلد چهارم، صفحه ۷۴۱، حدیث ۱۶۶ «حدیث ۶۸۴۵» «ذیل آیه ۹۶ سوره مریم».

تفسیر نورالثقلین، جلد چهارم، صفحه ۷۴۳، حدیث ۱۶۸ «حدیث ۶۸۴۷» «ذیل آیه ۹۶ سوره مریم».

و هیچ منافقی تو را دوست نخواهد داشت.^۱
قابل ذکر است که:

این حدیث شریف را یکی از مفسرین معروف اهل سنت به نام آلوسی نیز در تفسیر خویش «روح المعانی» نقل نموده است.^۲

۲- وجود مقدس امام صادق علیه السلام درباره این آیه شریفه «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا، آیه ۹۶ سوره مریم» فرمودند:

این آیه شریفه «آیه ۹۶ سوره مریم» در حق امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام نازل شده است.

وجود مقدس امام صادق علیه السلام در ادامه فرمایش خویش فرمودند:

مَا مِنْ مُؤْمِنٍ إِلَّا وَفِي قَلْبِهِ حُبٌّ لِعَلِيِّ بْنِ أَبِيطَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ، یعنی:

هیچ مؤمنی نیست مگر این که محبت علی بن ابیطالب علیه السلام در دل و قلب او قرار دارد «یعنی هر کس محبت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام را در دل نداشته باشد مؤمن نیست».

این حدیث شریف را علی بن عبدالله بن عباس از امام صادق علیه السلام نقل نموده است.^۳

۳- مأمون از وجود مقدس امام رضا علیه السلام پرسید:
یا اباالحسن:

چرا و چگونه جدّ تو امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام قَسِيمُ الْجَنَّةِ وَ النَّارِ است «چرا و چگونه جدّ تو امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام

۱. مجمع البیان، جلد پانزدهم، صفحه ۲۱۲ «ذیل آیه ۹۶ سوره مریم».

تفسیر نورالثقلین، جلد چهارم، صفحه ۷۴۳، حدیث ۱۶۷ «حدیث ۶۸۴۶» «ذیل آیه ۹۶ سوره مریم».

تفسیر نمونه، جلد سیزدهم، صفحه ۱۷۰ «ذیل آیه ۹۶ سوره مریم».

۲. تفسیر نمونه، جلد سیزدهم، صفحه ۱۷۰، پاورقی «ذیل آیه ۹۶ سوره مریم».

۳. تفسیر برهان، جلد ششم، صفحه ۲۱۹، حدیث ۲۲ «ذیل آیه ۹۶ سوره مریم».

تقسیم کننده بهشت و جهنم است»،

و این قضیه چگونه اثبات می شود؟

وجود مقدس امام رضا علیه السلام در پاسخ به سؤال مأمون فرمود:

آیا این حدیث شریف نبوی را شنیده‌ای که وجود مقدس پیامبر اکرم صلی

الله علیه و آله و سلم فرمودند:

حُبُّ عَلِيٍّ اِيْمَانٌ،

و بُغْضُهُ كُفْرٌ، یعنی:

وجود مقدس امام رضا علیه السلام در پاسخ به سؤال مأمون فرمود:

آیا این حدیث شریف نبوی را شنیده‌ای که وجود مقدس پیامبر اکرم صلی

الله علیه و آله و سلم درباره امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام فرمود:

حُبُّ عَلِيٍّ بِنِ ابِيْطَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ اِيْمَانٌ اسْتِ وَ بُغْضُ اَنْ حَضْرَتِ كُفْرٌ

«دوستی علی بن ابیطالب علیه السلام ایمان است و دشمنی با آن حضرت کفر».

مأمون به امام رضا علیه السلام عرض کرد:

آری،

این حدیث را شنیده‌ام.

وجود مقدس امام رضا علیه السلام به مأمون فرمود:

پس معیار تقسیم بهشت و جهنم علی بن ابیطالب علیه السلام و حُبُّ اَنْ

حضرت می باشد، لذا علی بن ابیطالب علیه السلام تقسیم کننده بهشت و جهنم

می باشد «وقتی که حُبُّ عَلِيٍّ بِنِ ابِيْطَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ موجب بهشت است و

دشمنی با آن حضرت موجب جهنم، پس علی بن ابیطالب علیه السلام قَسِيْمٌ

الْجَنَّةِ وَ النَّارِ می باشد، یعنی تقسیم کننده بهشت و جهنم است».^۱

۱. عیون اخبار الرضا علیه السلام، جلد دوم، باب ۳۲، صفحه ۱۶۳، حدیث ۳۰ «پاسخ امام رضا علیه السلام به

سؤالات مختلف».

شرح زیارت جامعه کبیره «ادب فنای مَقْرَبَانِ»، تألیف آیت الله جوادی آملی، جلد ششم، صفحه ۴۰۸ و ۴۰۹،

ذیل عنوان: «وَ اِيَابُ الْخَلْقِ اِلَيْكُمْ».

۴- وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم درباره امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام فرمودند:

مَنْ أَحَبَّهُ كَانَ مُؤْمِنًا،

وَ مَنْ أَبْغَضَهُ كَانَ كَافِرًا،

وَ مَنْ جَحَدَ حَقَّهُ كَانَ مُشْرِكًا، یعنی:

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم درباره امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام فرمودند:

هر کس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام را دوست داشته باشد مؤمن است «مُحِبِّ حَضْرَتِ امیر علیه السلام مؤمن است»،

هر کس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام را دشمن بدارد کافر است «دشمن حَضْرَتِ امیر علیه السلام کافر است».

و هر کس حقّ امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام را انکار کند مُشْرک است «مُنْکِرِ اِمَامَتِ و وِلايَتِ حَضْرَتِ امیر علیه السلام مُشْرک است»^۱.

۵- وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم درباره امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام فرمودند:

لَا يُحِبُّ عَلِيًّا إِلَّا مُؤْمِنٌ،

وَ لَا يُبْغِضُهُ إِلَّا كَافِرٌ، یعنی:

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

علی بن ابیطالب علیه السلام را دوست ندارد مگر مؤمن «مُحِبِّ امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام مؤمن است»،

و علی بن ابیطالب علیه السلام را دشمن نمی‌دارد مگر کافر «دشمن

۱. شرح زیارت جامعه کبیره «ادب فنای مقربان»، تألیف آیت الله جوادی آملی، جلد هشتم، صفحه ۲۹۵ و ۲۹۶، ذیل عنوان: وَ ضَلَّ مَنْ فَارَقَكُمْ.

امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام کافر است»^۱.

۶- در حدیث معروفی از ابوسعید خدری نقل شده که می گوید:

كُنَّا نَعْرِفُ الْمُنَافِقِينَ عَلَيَّ عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ بِبُغْضِهِمْ عَلَيَّ
بن ابیطالب علیه السلام، یعنی:

ما در عصر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم منافقین را از طریق
عداوت با امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام می شناختیم «یعنی هر کس با
امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام عداوت و دشمنی داشت می فهمیدیم
که آن شخص منافق است، یعنی کافری است که تظاهر به اسلام می کند».

از روایات قطعی و مسلم است که:

علامت منافق دشمنی و بغض او با امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام
می باشد.

حدیثی که از ابوسعید خدری نقل شد علاوه بر منابع شیعه در بسیاری از
کتب معتبر اهل سنت نیز آمده که به عنوان نمونه به تعدادی از آنها اشاره
می شود:

احمد بن حنبل در فضائل الصّحابه

ابن عبدالبر در استیعاب

ذهبی در تاریخ اسلام

ابن اثیر در جامع الاصول

گنجی در کفایة الطّالب

محب الدّین طبری در ریاض النّضرة

سیوطی در درّ المثنور

۱. عیون اخبار الرضا علیه السلام، جلد دوم، باب ۳۱، صفحه ۱۱۰، حدیث ۲۶۷ «اخبار مجموعه».

آلوسی در روح المعانی و...^۱

ملاحظه فرمودید که:

طبق این احادیث شریف که از بین صدها حدیث به عنوان نمونه انتخاب شد، حُبّ به امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام ایمان است و بغض به آن حضرت کفر،

و به عبارت دیگر:

دوست نمی دارد حضرت امیر علیه السّلام را مگر مؤمن،

و دشمن نمی دارد آن حضرت را مگر کافر و منافق،

همچنین اگر شخصی امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام را به عنوان وصیّ بلافصل پیامبر اکرم صلیّ الله علیه و آله و سلّم نداند آن شخص نیز منافق است،

و منافق یعنی کافری که تظاهر به اسلام می کند در حالی که در دل و قلب خویش نه به خداوند متعال اعتقاد دارد نه به پیامبر اکرم صلیّ الله علیه و آله و سلّم.

به عنوان حُسن ختام این بحث به یک حدیث شریف که از ناحیه وجود مقدّس امام کاظم علیه السّلام صادر شده اشاره می شود.

وجود مقدّس امام کاظم علیه السّلام فرمودند:

خداوند متعال کسانی را که از پیامبر اکرم صلیّ الله علیه و آله و سلّم در امر وصی و جانشین آن حضرت «یعنی حضرت امیر علیه السّلام» اطاعت و پیروی

۱. تفسیر صافی، جلد ششم، صفحه ۱۰۰ «ذیل آیه ۲۵ و ۲۶ سوره مبارکه محمّد صلیّ الله علیه و آله و سلّم».

تفسیر برهان، جلد هشتم، صفحه ۳۷۳، حدیث ۴ «ذیل آیه ۲۵ و ۲۶ سوره مبارکه محمّد».

تفسیر نورالثقلین، جلد هفتم، صفحه ۵۳، حدیث ۸۱ «حدیث ۱۰۴۶۴» «ذیل آیه ۲۵ و ۲۶ سوره مبارکه محمّد».

مجمع البیان، جلد بیست و سوم، صفحه ۸۵ «ذیل آیه ۲۵ و ۲۶ سوره مبارکه محمّد».

المیزان، جلد سی و ششم، صفحه ۷۷ «بحث روایتی ذیل آیه ۲۵ و ۲۶ سوره مبارکه محمّد».

تفسیر نمونه، جلد بیست و یکم، صفحه ۴۹۸ و ۴۹۹ «ذیل آیه ۲۵ و ۲۶ سوره مبارکه محمّد».

نکردند منافق نامیده است،

و کسی که امامت و ولایت وصی و جانشین پیامبر اکرم را مُنکر شود، خداوند متعال او را مانند مُنکر حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم قرار داده است «یعنی کسی که امامت ائمه معصومین علیهم السّلام را انکار نماید مثل کسی است که رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را انکار نموده است، و چنین شخصی کافر است و روز قیامت با کفار و منافقین محشور خواهد شد، یعنی منکرین ائمه معصومین علیهم السّلام اگر شهادتین را بر زبان جاری ساخته باشند ظاهراً مسلمان هستند و احکام اسلام بر آن‌ها جاری است، لیکن روز قیامت با کفار و منافقین محشور خواهند شد»^۱.

پس از ارائه توضیحات مختصری در رابطه با هشتمین مورد از فضائل و مناقب و ویژگی‌های امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام می‌پردازیم به نهمین مورد از فضائل و مناقب و ویژگی‌های آن حضرت.

* منقبت نهم:

وجود مقدّس مولی الموحدین امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام قرآن ناطق است.

خداوند متعال در آیه ۱۰۳ سوره آل عمران می‌فرماید:

وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا، یعنی:

خداوند متعال در این آیه شریفه «آیه ۱۰۳ سوره آل عمران» همه مسلمانان

را مورد خطاب قرار داده و می‌فرماید:

همگی به ریسمان خداوند متعال چنگ بزنید و متفرّق و پراکنده نشوید.^۲

۱. اصول کافی، جلد دوم، صفحه ۳۱۱، حدیث ۹۱ «حدیث ۱۱۷۰».

تفسیر نورالثقلین، جلد هفتم، صفحه ۹۶۶، حدیث ۶ «حدیث ۱۱۶۵۳» «ذیل آیه سوّم سوره منافقون».

۲. مجمع البیان، جلد چهارم، صفحه ۱۸۳ «ذیل آیه ۱۰۳ آل عمران».

شرح لغات و توضیحات

اعتصام = تمسک نمودن، چنگ زدن

حَبْلُ = ریسمان

حَبْلُ اللهِ = ریسمان خدا

مقصود از حَبْلُ اللهِ چیزی است که انسان به واسطه آن به جوار الهی برسد
 («وسیله ارتباط با خداوند متعال»).

قابل ذکر است که:

انسان در شرایط عادی و بدون داشتن مربی و راهنما در قعر درّه طبیعت و
 چاه تاریک غرائز سرکش و جهل و نادانی باقی خواهد ماند، لذا:

برای نجات از این درّه و گودال خطرناک نیاز به طناب و ریسمان محکمی
 دارد تا به او تمسک نموده و به او چنگ زده و از این چاه بیرون آید.

این ریسمان محکم، همان ارتباط با خداوند متعال از طریق حُجج خداوند
 متعال و قرآن کریم می‌باشد که باعث نجات انسان می‌شود.^۱

انشاءالله تعالی در بخش حدیث ملاحظه خواهید فرمود که مقصود از حَبْلُ
 الله در این آیه شریفه «آیه ۱۰۳ سوره آل عمران» قرآن کریم و ائمه معصومین
 علیهم السّلام می‌باشند،

و خداوند متعال در این آیه شریفه «آیه ۱۰۳ سوره آل عمران» به همه مسلمین
 یعنی به امت اسلام دستور می‌فرماید که حول محور حَبْلُ اللهُ یعنی حول محور
 قرآن کریم و ائمه معصومین علیهم السّلام جمع شده و به آنها تمسک نمایند
 و هیچگاه از آنها جدا نشوند تا در دنیا و آخرت سعادت‌مند و کامیاب شوند.^۲

۱. مجمع‌البیان، جلد چهارم، صفحه ۱۸۶ «ذیل آیه ۱۰۳ سوره آل عمران».

تفسیر نمونه، جلد سوم، صفحه ۴۸ و ۴۹ «ذیل آیه ۱۰۳ سوره آل عمران».
 مفردات راغب.

۲. مجمع‌البیان، جلد چهارم، صفحه ۱۸۸ و ۱۸۹ «ذیل آیه ۱۰۳ سوره آل عمران».

المیزان، جلد ششم، صفحه ۲۸۰ «ذیل آیه ۱۰۳ سوره آل عمران».

حدیث:

الف: احادیثی که طبق آنها قرآن کریم حَبْلُ الله است.

۱- وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

حَبْلُ الله قرآن کریم است که از آسمان به سوی زمین کشیده شده است.

این حدیث شریف را ابی سعید خدری از وجود مقدس پیامبر اکرم صلی

الله علیه و آله و سلم نقل نموده است.^۱

۲- وجود مقدس امام رضا علیه السلام که در رابطه با عظمت قرآن کریم

صحبت می کردند فرمودند:

هُوَ حَبْلُ اللهِ الْمَتِينِ وَ عُرْوَتُهُ الْوُثْقَى، یعنی:

قرآن کریم ریسمان محکم الهی و دستگیره و دستاویز محکم الهی است.^۲

۳- وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

قرآن کریم وسیله‌ای است «ریسمانی است» که یک طرف آن به دست

خداوند متعال است،

و طرف دیگرش به دست شما «مسلمانان» می باشد، پس به این ریسمان

الهی چنگ بزنید و تمسک نمائید، که در این صورت نه گمراه می شوید و نه

دیگران را گمراه می کنید.

این حدیث را ابوشریح خزاعی نقل نموده است.^۳

ب: احادیثی که طبق آنها ائمه معصومین علیهم السلام حَبْلُ الله می باشند.

۱- عبدالله بن عباس می گوید:

روزی در محضر مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نشسته بودیم

۱. تفسیر صافی، جلد دوم، صفحه ۶۷ «ذیل آیه ۱۰۳ سوره آل عمران».

المیزان، جلد ششم، صفحه ۲۹۴ «بحث روایتی ذیل آیه ۱۰۳ سوره آل عمران».

تفسیر نمونه، جلد دوم، صفحه ۴۶ «ذیل آیه ۱۰۳ سوره آل عمران».

۲. تفسیر نورالثقلین، جلد اول، صفحه ۵۷۷، حدیث ۱۰۵۸ «حدیث ۱۱۷۴» «ذیل آیه ۲۵۶ سوره بقره».

۳. المیزان، جلد ششم، صفحه ۲۹۴ «ذیل آیه ۱۰۳ سوره آل عمران».

که یک نفر وارد مجلس شد و به پیامبر اکرم عرض کرد:

یا رسول الله:

شنیدم که فرمودید:

وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا،

سپس آن مرد به پیامبر اکرم عرض کرد:

یا رسول الله:

این حَبْلُ اللَّهِ «ریسمان الهی» چیست که باید به آن تمسک نمایم و به آن

چنگ بزنیم؟

وجود مقدس پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ دست مبارک خویش را

به دست امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام زده و فرمودند:

به این مرد تمسک نمائید و چنگ بزنید که حَبْلُ اللَّهِ است.^۱

۲- وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام فرمودند:

أَنَا حَبْلُ اللَّهِ الْمَتِينِ،

وَ أَنَا عُرْوَةُ اللَّهِ الْوُثْقَى، یعنی:

وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام فرمودند:

من حَبْلُ اللَّهِ هستم «من ریسمان محکم الهی هستم»،

و من عُرْوَةُ اللَّهِ الْوُثْقَى می باشم «من دستگیره و دستاویز محکم الهی هستم».^۲

۳- ابن یزید می گوید:

از وجود مقدس امام کاظم علیه السلام درباره این آیه شریفه «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ

اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» - آیه ۱۰۳ سوره آل عمران» سؤال نمودم.

وجود مقدس امام کاظم علیه السلام فرمودند:

امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام حَبْلُ اللَّهِ الْمَتِينِ می باشد «امیرالمؤمنین

۱. تفسیر برهان، جلد سوم، صفحه ۱۳۰، حدیث ۶ «ذیل آیه ۱۰۳ سوره آل عمران».

۲. تفسیر نورالتقلین، جلد اول، صفحه ۵۷۷، حدیث ۱۰۶۱ «حدیث ۱۱۷۷» «ذیل آیه ۲۵۶ سوره بقره».

علی بن ابیطالب علیه السّلام ریسمان محکم الهی است»^۱.

۴- وجود مقدّس امام سجّاد علیه السّلام فرمودند:

وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله و سلّم در مسجد مدینه نشسته بودند و امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام و تعدادی از اصحاب نیز در محضر آن حضرت بودند که شخصی وارد مسجد شد و ضمن تلاوت این آیه شریفه «وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» - آیه ۱۰۳ سوره آل عمران» به پیامبر اکرم عرض کرد:

یا رسول الله:

حَبْلُ اللَّهِ «ریسمان خداوند متعال» چیست و کیست که خداوند متعال امر

فرموده تا به او چنگ بزیم و از او جدا نشویم؟

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله و سلّم با دست مبارک خویش به امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام اشاره نموده و فرمودند:

علی بن ابیطالب علیه السّلام حَبْلُ اللَّهِ است،

و هرکس به او چنگ بزند و تمسک نماید در امن و امان است و گمراه

نخواهد شد.^۲

ملاحظه فرمودید که:

وجود مقدّس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام و یازده امام معصوم از نسل و ذریّه آن حضرت و قرآن کریم حَبْلُ اللَّهِ هستند که خداوند متعال امر فرموده تا مسلمانان به آنها «ائمه معصومین علیهم السّلام - قرآن کریم» تمسک نموده و چنگ بزنند تا در دنیا و آخرت فائز و رستگار باشند.

۱. تفسیر صافی، جلد دوم، صفحه ۶۷ «ذیل آیه ۱۰۳ سوره آل عمران».

تفسیر برهان، جلد سوم، صفحه ۱۳۰، حدیث ۷ «ذیل آیه ۱۰۳ سوره آل عمران».

تفسیر نورالثقلین، جلد اول، صفحه ۸۰۹، حدیث ۳۰۳ «حدیث ۱۶۴۸» «ذیل آیه ۱۰۳ سوره آل عمران».

۲. تفسیر برهان، جلد سوم، صفحه ۱۲۸، حدیث ۳ «ذیل آیه ۱۰۳ سوره آل عمران».

ائمه معصومین علیهم السلام و قرآن کریم یک حقیقت هستند، چرا که هر دو منسوب به خداوند متعال می باشند، یکی کلام الله است، و دیگری خلیفه الله و حُجَّة الله... و وُلَّیُّ الله، و هر دو نیز یک هدف دارند و آن نیز هدایت مخلوق می باشد. این دو حبل الہی «ائمه معصومین علیهم السلام - قرآن کریم» همواره باهم هستند و هیچگاه از یکدیگر جدا نمی شوند، و فرمایش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم که به حدیث ثَقَلَيْنِ معروف می باشد ناظر به همین موضوع است.

وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

اِنِّی تَارِکٌ فِیْکُمْ الثَّقَلَيْنِ «الثَّقَلَيْنِ»

کِتَابِ اللهِ عَزَّوَجَلَّ وَ عِثْرَتِیْ اَهْلِ بَیْتِی،

مَا اِنْ تَمَسَّکْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا اَبَدًا،

اِنَّهُمَا لَنْ یَفْتَرِقَا حَتَّیْ یَرِدَا عَلَیَّ الْحَوْضِ، یعنی:

وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

من بین شما دو متاع نفیس و گرانبها «دو چیز سنگین» به یادگار می گذارم،

یکی از آنها قرآن کریم است،

و دیگری اهل بیت خودم،

هرکس به این دو یادگار من چنگ بزند و تمسک نماید هرگز و ابداً گمراه

نمی شود،

و این دو یادگار من «قرآن کریم - اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

و سلم» هرگز و ابداً از یکدیگر جدا نمی شوند تا اینکه در کنار حوض کوثر به

من ملحق شوند.

تَقْلَیْنُ = دو متاع نفیس و گرانبها

تَقْلَیْنُ = دو شیء سنگین، دو چیز سنگین

این حدیث شریف را که به حدیث تَقْلَیْنُ معروف است وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم در زمانها و مکانهای مختلفی در حضور چند نفر تا چند هزار نفر بیان فرموده‌اند، از قبیل:

۱- روز عرفه

۲- مسجد خیف

۳- در خطبه غدیر «روز هیجدهم ذیحجه سال دهم هجری» در حضور هزاران نفر از حجاج بیت الله الحرام که تعداد آنها تا یکصد و بیست هزار نفر نیز گفته شده است.

۴- در خطبه‌ای که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم روز رحلت خویش بر فراز منبر بیان فرمودند.

۵- در بستر خویش و در آخرین روزهای عمر مبارک خویش در حضور عدّه‌ای از اصحاب، و..

حدیث شریف تَقْلَیْنُ از احادیث و روایات متواتری است که شیعه و سنی بر روایت آن اتفاق کرده‌اند، و شاید مشهورتر از حدیث شریف تَقْلَیْنُ حدیثی نباشد که وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم فرموده باشند، و علمای حدیث، راویان این حدیث شریف را تا سی و پنج نفر نیز عنوان نموده‌اند.

حدیث شریف تَقْلَیْنُ از وجود مقدّس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب، فاطمه زهرا، امام حسن مجتبی، امام باقر، امام صادق و امام رضا صلوات الله و سلامه علیهم اجمعین نقل شده است.

اسامی تعدادی از صحابه که این حدیث شریف را نقل کرده‌اند به قرار ذیل

می‌باشد:

انس بن مالک،

جابر بن عبدالله انصاری،

حذیفه بن یمان،

زید بن ارقم،

سلمان فارسی،

عبدالله بن عباس،

خزیمه بن ثابت،

ابوایوب انصاری،

ابو سعید خدری،

سعد بن ابی وقاص،

عبدالرحمن بن عوف،

عمر بن خطاب،

عمرو عاص،

ابو هریره و...

اسامی تعدادی از کتاب‌هایی که حدیث ثَقَلَيْنِ را نقل کرده‌اند عبارتند از:

معانی الاخبار شیخ صدوق

عیون اخبار الرضا علیه السلام شیخ صدوق

احتجاج طبرسی

اقبال سید بن طاووس

احقاق الحق قاضی نورالله شوشتری

تفاسیر شریف صافی، برهان، نورالثقلین و...

حدیث شریف ثَقَلَيْنِ را بسیاری از کتب معروف اهل سنت نیز نقل نموده‌اند

که اسامی تعدادی از آنها را ذیلاً ملاحظه می‌فرمایید.

صحیح مسلم
جامع الصحیحین ترمذی
مستدرک حاکم،
درالمشور سیوطی،
مناقب خطیب خوارزمی،
ینابیع المودّه قندوزی،
جامع الاصول ابن اثیر،
معجم الکبیر طبرانی،
حلیة الاولیاء ابونعیم و...

همانطور که ملاحظه فرمودید:

طبق حدیث شریف ثَقَلَيْنِ، این دو ثَقْلُ و این دو ثَقْلُ و این دو حَبْلُ الهی یعنی قرآن کریم و اهل بیت گرانقدر پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله و سلم یعنی ائمه معصومین علیهم السلام هرگز از یکدیگر جدا نمی شوند تا اینکه روز قیامت و کنار حوض کوثر به پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله و سلم ملحق شوند، و در واقع این دو حَبْلُ خداوند متعال یک حقیقت هستند و هر دو منسوب به خداوند متعال،

یکی کلام خداوند متعال است «یعنی قرآن کریم»،
و دیگری خلیفه خداوند متعال «جانشین خداوند متعال» و حَجَّتِ خداوند متعال بر مخلوقاتش «یعنی ائمه معصومین علیهم السلام»،
و به عبارت دیگر:

این دو حَبْلُ خداوند متعال،
و این دو یادگار گرانقدر پیامبر اکرم یعنی قرآن کریم و ائمه معصومین علیهم

۱. المیزان، جلد ششم، صفحه ۲۹۴ تا ۲۹۸ «ذیل آیه ۱۰۳ سوره آل عمران».

شرح خطبه پیامبر اکرم در غدیر خم، تألیف آیت الله سید محمد تقی نقوی، صفحه ۲۲۳ تا ۲۲۹.

السلام یک حقیقت می‌باشند در دو قالب،
و اساساً از یکدیگر جدا نیستند، و فقط به صورت ظاهر آنها را دو تا
می‌بینیم، یعنی:

در عالم معنا این دو حبل الهی یک حقیقت هستند،
زیرا قرآن کریم در سینه و قلب مبارک ائمه معصومین جای دارد،
یعنی:

قرآن کریم حقیقتی دارد و ظاهری،
ظاهر قرآن کریم همین کلمات نورانی است که روی کاغذ نوشته شده،
و همین مُصحف شریفی است که در اختیار مؤمنین می‌باشد و عموم مؤمنین
اعم از علما، فقها، مفسرین و... هر کدام به اندازه بضاعت خویش از آن بهره
می‌برند،

لیکن حقیقت قرآن کریم وحی الهی است که در سینه و قلب مبارک پیامبر
اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه معصومین علیهم السلام جای دارد،
که هم علم به تأویل آیات شریفه آن را دارند،
و هم علم کتاب یعنی علم قرآن کریم بطور کامل نزد آنها می‌باشد، و آیه ۷
سوره آل عمران و آیه ۴۳ سوره رعد و احادیث ذیل این آیات شریفه به این
مطلب اشاره دارند که قبلاً و ذیل شانزدهمین فضیلت از فضائل بی‌شمار فاطمه
زهرا سلام الله علیها که در رابطه با علم حضرت زهرا سلام الله علیها می‌باشد
راجع به آن توضیحات کاملی ارائه شد.

خداوند متعال در آیه ۴۹ سوره عنکبوت در رابطه با قرآن کریم و جایگاه
نزول آن می‌فرماید:

بَلْ هُوَ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ فِي صُدُورِ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ، یعنی:

قرآن کریم آیات روشن و آشکاری است در سینه‌های کسانی که خداوند
متعال به آنها علم داده است «قرآن کریم آیات روشن و آشکاری است که در

سینه‌های صاحبانِ علمِ قرار دارد».^۱

شرح لغات و توضیحات

صَدْر = سینه

جمع صَدْر می شود صُدُور

صُدُور = سینه‌ها

أُمِّ = درس نخوانده، استاد ندیده^۲

خداوند متعال در آیه قبل پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله و سلم را مورد

خطاب قرار داده و فرموده:

ای رسولِ ما:

تو قبل از مبعوث شدن به رسالت و نبوت و قبل از نزول قرآن کریم قادر به

خواندن و نوشتن نبودی، یعنی:

قبل از مبعوث شدن به رسالت و قبل از نزول قرآن کریم نمی توانستی

بخوانی و نمی توانستی بنویسی، زیرا اُمِّ بودی «یعنی درس نخوانده»،

و اگر غیر از این بود یاوه‌گویان و کسانی که در صدد ابطال نبوت تو

بودند بهانه به دست می آوردند و می گفتند که این قرآن را از کتابهای پیشین

جمع آوری کرده‌ای و بدینوسیله در ایمان مردم تشکیک می نمودند،

بنابراین:

مقصود آیه قبل «آیه ۴۸ سوره عنکبوت» این است که:

خداوند متعال به پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله و سلم می فرماید:

ای پیامبر:

تو قبل از مبعوث شدن به رسالت و قبل از نزول قرآن کریم نمی توانستی

۱. مجمع‌البیان، جلد نوزدهم، صفحه ۶۹ «ذیل آیه ۴۹ سوره عنکبوت».

۲. مفردات راغب.

مطلبی را بنویسی و یا بخوانی،

و اگر غیر از این بود یاوه‌گویان و مخالفین تو می‌گفتند که آنچه را که تو به عنوان آیات قرآن کریم به آنها تلاوت می‌کنی وحی نیست، بلکه تو آنها را از کتاب‌های پیشین یعنی از تورات و انجیل و زبور و ... جمع‌آوری کرده‌ای، اما مردم مکه تو را می‌شناسند و از بدو تولدت با تو آشنا هستند و می‌دانند که تو خواندن و نوشتن نمی‌دانی، لذا:

با این اوصاف باید یقین کنند که این قرآن از جانب خداوند متعال نازل شده است،

آن هم قرآنی که ادعا می‌کند که اگر همه جنّ و انس «همه اجنّه و همه انسان‌ها» جمع شوند نمی‌توانند نظیر آن را بیاورند،

حتّی نمی‌توانند یک سوره مانند قرآن بیاورند، پس:

۱- اُمّی بودن پیامبر اکرم «اُمّی یعنی درس نخوانده - استاد ندیده».

۲- عاجز بودن مردم مکه بلکه همه انسان‌ها در تمام قرون و اعصار از آوردن یک سوره مانند سوره‌های قرآن کریم، دلائل محکم و قاطعی هستند مبنی بر اینکه قرآن کریم از ناحیه خداوند متعال می‌باشد، بنابراین:

وقتی خداوند متعال خواندن و نوشتن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم را نفی نموده و فرموده:

ای پیامبر:

تو قبل از مبعوث شدن به رسالت و قبل از نزول قرآن، خواندن و نوشتن نمی‌دانستی، لذا:

از این فرمایش خداوند متعال همگان می‌فهمند که قرآن کریم کتابی نیست که جمع‌آوری شده باشد و با خطوط مختلف روی کاغذ نوشته شده باشد، لذا:

در ذهن انسان این سؤال پیش می آید که:

پس این قرآن چیست و در کجا است؟

خداوند متعال در آیه ۴۹ سوره عنکبوت این مطلب را بیان می فرماید که:

بَلْ هُوَ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ فِي صُدُورِ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ، یعنی:

بلکه قرآن کریم آیات روشن و آشکاری است در سینه های کسانی که

خداوند متعال به آنها علم اعطا فرموده است.^۱

انشاء الله تعالی در ادامه بحث و در بخش حدیث ملاحظه خواهید فرمود که

مقصود از الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ «کسانی که خداوند متعال به آنها علم اعطا فرموده»

در آیه ۴۹ سوره عنکبوت، وجود مقدس پیامبر اکرم و ائمه معصومین علیهم

السَّلام هستند که قرآن کریم در سینه و قلب آن ذوات مقدسه جای دارد.

حدیث:

۱- وجود مقدس امام باقر علیه السَّلام این آیه شریفه را «بَلْ هُوَ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ فِي

صُدُورِ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ - آیه ۴۹ سوره عنکبوت» تلاوت نموده و سپس با دست

مبارک خویش به سینه خودشان اشاره فرمودند «یعنی قرآن کریم در سینه ما

است و ما هستیم آن کسانی که خداوند متعال به آنها علم اعطا فرموده است».

این حدیث را ابوبصیر از وجود مقدس امام باقر علیه السَّلام نقل نموده

است.^۲

۲- وجود مقدس امام صادق علیه السَّلام در رابطه با این آیه شریفه «بَلْ هُوَ

۱. مجمع البیان، جلد نوزدهم، صفحه ۷۳ و ۷۴ «ذیل آیه ۴۹ سوره عنکبوت».

المیزان، جلد سی و یکم، صفحه ۲۲۳ و ۲۲۴ «ذیل آیه ۴۹ سوره عنکبوت».

۲. اصول کافی، جلد اول، صفحه ۳۱۰، حدیث ۱ «حدیث ۵۵۲».

تفسیر صافی، جلد پنجم، صفحه ۲۱۷ «ذیل آیه ۴۹ سوره عنکبوت».

تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۲۱۶، حدیث ۱ «ذیل آیه ۴۹ سوره عنکبوت».

تفسیر نورالثقلین، جلد پنجم، صفحه ۷۰۵، حدیث ۷۰ «حدیث ۸۵۴۰» «ذیل آیه ۴۹ سوره عنکبوت».

آیات بَيِّنَاتٌ فِي صُدُورِ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ - آیه ۴۹ سوره عنکبوت» فرمودند:
 آنها ائمه معصومین علیهم السلام هستند «قرآن کریم در سینه ائمه معصومین
 علیهم السلام است».

این حدیث را عبدالعزیز عبدی از وجود مقدس امام صادق علیه السلام نقل
 نموده است.^۱

۳- وجود مقدس امام صادق علیه السلام در رابطه با این آیه شریفه «بَلْ هُوَ
 آياتٌ بَيِّنَاتٌ فِي صُدُورِ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ - آیه ۴۹ سوره عنکبوت» فرمودند:
 هُمُ الْأَئِمَّةُ خَاصَّةً، یعنی:

آنها فقط ائمه معصومین علیهم السلام هستند «یعنی قرآن کریم فقط در سینه
 و قلب پیامبر اکرم و ائمه معصومین علیهم السلام جای دارد».
 این حدیث را هارون بن حمزه از وجود مقدس امام صادق علیه السلام نقل
 نموده است.^۲

۴- وجود مقدس امام صادق علیه السلام در پاسخ به سؤال محمد بن فضیل
 که از آن حضرت درباره این آیه شریفه «بَلْ هُوَ آياتٌ بَيِّنَاتٌ فِي صُدُورِ الَّذِينَ أُوتُوا
 الْعِلْمَ - آیه ۴۹ سوره عنکبوت» سؤال کرده بود فرمودند:
 هُمُ الْأَئِمَّةُ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ خَاصَّةً، یعنی:

کسانی که خداوند متعال به آنها علم اعطا فرموده و قرآن کریم در سینه و

۱. اصول کافی، جلد اول، صفحه ۳۱۰، حدیث ۲ «حدیث ۵۵۳».
 المیزان، جلد سی و یکم، صفحه ۲۲۹ «بحث روایتی ذیل آیه ۴۹ سوره عنکبوت».
 تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۲۱۶، حدیث ۲ «ذیل آیه ۴۹ سوره عنکبوت».
 تفسیر نورالثقلین، جلد پنجم، صفحه ۷۰۵، حدیث ۷۱ «حدیث ۸۵۴۱» «ذیل آیه ۴۹ سوره عنکبوت».
 ۲. اصول کافی، جلد اول، صفحه ۳۱۱، حدیث ۴ «حدیث ۵۵۵».
 تفسیر صافی، جلد پنجم، صفحه ۲۱۷ «ذیل آیه ۴۹ سوره عنکبوت».
 تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۲۱۶، حدیث ۴ «ذیل آیه ۴۹ سوره عنکبوت».
 تفسیر نورالثقلین، جلد پنجم، صفحه ۷۰۵، حدیث ۷۳ «حدیث ۸۵۴۳» «ذیل آیه ۴۹ سوره عنکبوت».

قلب آنها می باشد فقط و فقط ائمه معصومین علیهم السلام هستند.^۱
 عین این حدیث را حمران و حسن صیقل نیز از وجود مقدس امام صادق
 علیه السلام نقل نموده اند.^۲

۵- وجود مقدس امام باقر علیه السلام این آیه شریفه را «بَلْ هُوَ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ
 فِي صُدُورِ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ - آیه ۴۹ سوره عنكبوت» تلاوت نموده و سپس به
 ابابصیر فرمودند:

ای ابا بصیر:

به خدا قسم:

خداوند متعال فرموده که قرآن کریم آیه هایی است میان دو جلد قرآن.
 ابا بصیر می گوید:

خدمت امام باقر علیه السلام عرض کردم:

یا بن رسول الله:

پس قرآن کریم و آیات شریفه آن کجا واقع شده اند؟

وجود مقدس امام باقر علیه السلام فرمودند:

در سینه چه کسانی غیر از ما می تواند باشد «توقع می رود که جز ما چه
 کسانی باشند».^۳

ملاحظه فرمودید که:

۱. اصول کافی، جلد اول، صفحه ۳۱۱، حدیث ۵ «حدیث ۵۵۶».

تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۲۱۷، حدیث ۵ «ذیل آیه ۴۹ سوره عنكبوت».

تفسیر نورالثقلین، جلد پنجم، صفحه ۷۰۵، حدیث ۷۴ «حدیث ۸۵۴۴» «ذیل آیه ۴۹ سوره عنكبوت».

۲. تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۲۱۷، حدیث ۹ و ۱۰ «ذیل آیه ۴۹ سوره عنكبوت».

تفسیر نورالثقلین، جلد پنجم، صفحه ۷۰۷، حدیث ۷۸ و ۷۹ «حدیث ۸۵۴۸ و ۸۵۴۹» «ذیل آیه ۴۹ سوره

عنكبوت».

۳. اصول کافی، جلد اول، صفحه ۳۱۰ و ۳۱۱، حدیث ۳ «حدیث ۵۵۴».

تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۲۱۶، حدیث ۳ «ذیل آیه ۴۹ سوره عنكبوت».

تفسیر نورالثقلین، جلد پنجم، صفحه ۷۰۵، حدیث ۷۲ «حدیث ۸۵۴۲».

تفسیر نورالثقلین، جلد پنجم، صفحه ۷۰۷، حدیث ۷۷ «حدیث ۸۵۴۷» «ذیل آیه ۴۹ سوره عنكبوت».

وجود مقدّس امام باقر عليه السّلام سوگند یاد کرده و به ابا بصیر فرمودند:
ای ابا بصیر:

خداوند متعال نفرموده که قرآن کریم آیات بیّنات و آیات روشنی است که
میان دو جلد قرآن کریم قرار گرفته، یعنی:

مقصود حقیقی و واقعی از قرآن کریم این قرآن نیست که الان به صورت
یک کتاب تنظیم شده و از سوره مبارکه حمد تا سوره ناس در یک مجلّد
گردآوری شده است،

چرا که در این صورت ممکن است عده‌ای از مسلمانان همین قرآن یک
جلدی و صحافی شده را به عنوان حجّت خداوند متعال به خودشان بدانند و
خودشان را بی‌نیاز بدانند از مراجعه به امام معصومی که مفسّر واقعی قرآن کریم
است و تأویل آیات شریفه آن را می‌داند و در واقع قرآن مجسم می‌باشد.

بنابراین:

نتیجه کلام و نتیجه بحث این می‌شود که:

این قرآن کریم که در ۳۰ جزء و ۱۱۴ سوره و در یک مجلّد جمع‌آوری شده
قرآن کریم و کلام الهی است و مسّ کلمات نورانی آن بدون وضو جایز نیست،
و هرکس به اندازه فهم و درک و عقل و علم و ایمان خویش از این مُصحف
شریف و از این کلام الهی بهره‌مند می‌شود،

لیکن جایگاه اصلی و جایگاه حقیقی و واقعی قرآن کریم و آیات شریفه آن
سینه و قلب مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم و اهل بیت گرانقدر
آن حضرت می‌باشد «یعنی وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام» که
قرآن مجسم می‌باشند،

و انشاء الله تعالی در بخش حدیث ملاحظه خواهید فرمود که وجود مقدّس
امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام خودشان را قرآن و کلام الله الناطق

معرفی فرموده‌اند.

حدیث:

۱- وجود مقدس مولی الموحّدين امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام فرمودند:

أَنَا كَلَامُ اللَّهِ النَّاطِقُ.^۱

در کتاب فاطمه سلام الله علیها حلقه وصل رسالت و امامت تألیف آیت الله وحید خراسانی و در توضیح ذیل این فرمایش نورانی امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام آمده است که:

منظور از کتاب مُبین وجود مقدس مولی الموحّدين امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام می‌باشد.

کتاب الله اعظم، دو کتاب است:

کتاب تدوین،

و کتاب تکوین.

کتاب تدوین، قرآن کریم است،

و کتاب تکوین، وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام می‌باشد،

لذا آن حضرت فرمودند:

أَنَا كَلَامُ اللَّهِ النَّاطِقُ.

قرآن کریم که کتاب تدوین می‌باشد قرآن صامت است،

و امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام قرآن ناطق.

امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام باطن قرآن کریم است،

۱. فاطمه سلام الله علیها حلقه وصل رسالت و امامت، تألیف آیت الله وحید خراسانی، صفحه ۳۳۶، ذیل عنوان: کتاب تدوین و کتاب تکوین، مجلس بیست و سوم.

و قرآن مابین دفتین «بین دو جلد» ظاهر قرآن کریم.

و به عبارت دیگر:

ظاهر کتاب مبین همین قرآن کریم است که بین دو جلد قرار گرفته است

«که مسلمانان آن را تلاوت می کنند».

أما باطن کتاب مبین، نفس قدیس ولی الله اعظم است.^۱

همچنین در حدیث شریفی آمده است که:

وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله و سلم فرمودند:

عَلِيٌّ مَعَ الْقُرْآنِ وَالْقُرْآنُ مَعَ عَلِيٍّ،

لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضِ، یعنی:

وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله و سلم فرمودند:

علی بن ابیطالب علیه السلام با قرآن است،

و قرآن با علی بن ابیطالب علیه السلام است،

این دو از یکدیگر جدا نمی شوند تا کنار حوض کوثر بر من وارد شوند.^۲

در توضیح ذیل این حدیث شریف آمده است که:

وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام همراه با تمام بطون

قرآن کریم است.

در این حدیث شریف معیت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام

مطرح شده است.

باید در این نکته تأمل شود که قرآن چیست،

و آنگاه عظمت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام تا حدی روشن

۱. فاطمه سلام الله علیها حلقه وصل رسالت و امامت، تألیف آیت الله وحید خراسانی، صفحه ۳۳۶، ذیل عنوان:

کتاب تدوین و کتاب تکوین، مجلس بیست و سوم.

۲. امیرالمؤمنین علیه السلام نفس نفیس خاتمیت، تألیف آیت الله وحید خراسانی، صفحه ۷۷، ذیل عنوان: نسبت

حضرت امیر علیه السلام با قرآن کریم، مجلس سوم.

می شود.

قرآن کریم کلام خداوند متعال است و خداوند متعال در آیه ۸۹ سوره مبارکه نحل به پیامبر اکرم فرموده:

وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تَيِّمَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ، یعنی:

خداوند متعال به پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ می فرماید:
ای پیامبر:

ما این کتاب را «یعنی قرآن کریم را» بر تو نازل کردیم که بیان همه چیز در آن است «همه چیز در قرآن کریم بیان شده است».

قرآن کریم کتابی است که طبق فرمایش پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ:

لَهُ ظَهْرٌ وَ بَطْنٌ،

فَظَاهِرُهُ حُكْمٌ،

وَ بَاطِنُهُ عِلْمٌ،

ظَاهِرُهُ أَنِيقٌ،

وَ بَاطِنُهُ عَمِيقٌ،

لَا تُحْصَى عَجَائِبُهُ،

وَ لَا تُبْلَى غَرَائِبُهُ، یعنی:

قرآن کریم کتابی است که:

دارای ظاهری است و باطنی،

ظاهرش حکم است و دستور،

و باطنش علم است و دانش،

ظاهرش زیبا است،

و باطنش ژرف و عمیق،

شگفتی هایش به شماره در نیاید «شگفتی هایش قابل شمارش نیست»،
و عجایش کهنه نگردد.
امیرالمؤمنین با چنین قرآنی است «امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام
همراه با چنین قرآنی است»،
معیت و همراهی در همه مراتب عبارات و اشارات و لطائف و حقائق و
بطون سبعة قرآن کریم.

مسئله به اینجا ختم نمی شود که فقط بگوییم عَلِيٌّ مَعَ الْقُرْآنِ، یعنی:
مسئله اینجا تمام نمی شود که ما بگوییم امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه
السلام با قرآن و همراه قرآن است،
بلکه در ادامه حدیث شریف آمده که:
و الْقُرْآنُ مَعَ عَلِيٍّ، یعنی:
قرآن کریم با امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب است و همراه آن حضرت
می باشد، یعنی:

محال است معیت یک طرفی باشد، یعنی:
علی علیه السلام با قرآن است،
و قرآن کریم با علی علیه السلام می باشد، یعنی:
هر دو با هم و همراه هم هستند.
بطور مثال اگر گفته شود که فلانی با فلانی است،
این معیت و باهم بودن اعم است از اینکه یک طرف جلو باشد و یک طرف
عقب،

لیکن وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم برای متفکرین بشر
بادقت هرچه بیشتر وظیفه علمی را تمام کرد و فرمود:
عَلِيٌّ مَعَ الْقُرْآنِ «علی علیه السلام با قرآن است»،

لیکن برای اینکه بشر دچار توهم نشود که این معیت و همراهی، معیتی است که قرآن جلو است و حضرت علی علیه السلام عقب، لذا:
 برای اینکه بشر دچار چنین توهمی نشود فرمود:
 وَ الْقُرْآنُ مَعَ عَلِيٍّ «و قرآن با علی علیه السلام است» یعنی:
 قرآن و حضرت علی علیه السلام هر دو باهم و همراه هم هستند، یعنی:
 تمام رموز اسم اعظم الهی تا هر جا که هست علی علیه السلام تا آنجا رفته است،

ولی تنها این نیست، یعنی:

از آن طرف هم باید حساب شود، یعنی:

قرآن کریم هم همه جا با علی علیه السلام و همراه آن حضرت هست.

این توازن و تعادل از چه حکایت می کند؟

وقتی که خداوند متعال درباره قرآن کریم می فرماید:

لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ «آیه ۴۲ سوره فصلت» یعنی:

از پیش روی آن و از پشت سرش باطل به سویش نمی آید.

وقتی که خداوند متعال به پیامبر اکرم می فرماید:

و نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تَبْيَانًا لِكُلِّ شَيْءٍ «آیه ۸۹ سوره نحل»، یعنی:

ای پیامبر:

ما این کتاب را «یعنی قرآن کریم را» بر تو نازل کردیم که بیان همه چیز در

آن می باشد،

و وقتی که وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله و سلم می فرماید:

عَلِيُّ مَعَ الْقُرْآنِ وَ الْقُرْآنُ مَعَ عَلِيٍّ، یعنی:

وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام صاحب عصمت

کبری است، همان عصمتی که وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله و

سَلِّم دارد، همچنین:

وجود مقدّس امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام عالم به تمام علوم می باشد، یعنی:

جميع علوم نظام تکوین و تشریح در قلب مبارک امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام است، یعنی:

آنچه علم است همه بین دو قفسه سینه مبارک امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام است و فقط علم ربوبی مُستثنی است.

بنابراین:

نه تنها علوم اوّلین و علوم آخرین،
و نه تنها علم ماکان و ما هو کائن،

بلکه تمام علوم نظام تکوین و تمام علوم نظام تشریح، همه و همه در قلب مبارک امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام جای دارد، این قضیه تعصّب تشیع نیست بلکه مُرّ حق است،

و در مقابل این حق، خواه و ناخواه باید تسلیم شد و باید آن را پذیرفت.^۱ وجود مقدّس صدیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها، کفو یعنی همطراز و همتا و شبیه و نظیر امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام است که قرآن ناطق می باشد و سیّد الاوصیاء است و مقامش از مقام یازده امام معصوم از نسل و ذریّه اش برتر و بالاتر می باشد،
و در یک کلام:

وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها کفو یعنی همطراز و همتا و شبیه و نظیر دوّمین شخصیت عالم خلقت است،

۱. علیّ بن ابیطالب علیه السّلام نَفْس نفیس خاتمیّت، تألیف: آیت الله وحید خراسانی، صفحه ۷۷ تا ۸۱، ذیل عنوان: نسبت حضرت امیرعلیه السّلام با قرآن کریم، مجلس سوّم.

و پس از این دو بزرگوار، یازده امام معصوم از نسل و ذریّه آن دو بزرگوار واقع شده‌اند،

و پس از آن ذوات مقدّسه، انبیاء اولوالعزم و سایر انبیاء الهی قرار گرفته‌اند.
 ۲- وجود مقدّس امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام ضمن ایراد خطبه‌ای که به خطبه وسیله معروف است فرمودند:

در وجود من فضائل و مناقب فراوانی هست که اگر از آنها یاد کنم جنجال بزرگی به پا می‌شود و زمانی طولانی می‌خواهد که مردم آنها را بشنوند.
 سپس وجود مقدّس امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام فرمودند:
 بعد از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم آنها پیراهن خلافت را پوشیده و با من منازعه کردند،

درحالی که آنها در رابطه با خلافت حقّی نداشتند و به علّت ضلالت و گمراهی خلافت را غصب کردند و به نادانی خلافت را از آن خود دانستند.

یکی از اینها روز قیامت به دیگری خواهد گفت «می‌گوید»:

ای کاش من تو را به عنوان دوست برای خودم انتخاب نمی‌کردم،

ای کاش میان من و تو به اندازه شرق تا غرب عالم فاصله بود.

وجود مقدّس امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام در ادامه فرمایش

خویش فرمودند:

أَنَا الْإِيْمَانُ الَّذِي بِهِ كَفَرْتُ،

وَ الْقُرْآنُ الَّذِي إِتْيَاهُ هَجَرْتُ،

وَ الدِّينُ الَّذِي بِهِ كَذَّبْتُ، یعنی:

وجود مقدّس امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام فرمودند:

منم آن ایمان که آنها «غاصبین خلافت» از آن گمراه شدند،

منم آن قرآن که آنها «غاصبین خلافت» آن را مهجور داشتند «منم آن قرآن

که غاصبین خلافت آن را کنار گذاشتند»،

منم آن دین که آن‌ها «غاصبین خلافت» آن را تکذیب کردند.^۱

خطبه شریف امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام طولانی تر و مفصل تر

از این است که ملاحظه فرمودید،

فقط به قسمتی از خطبه شریف اشاره شد که آن حضرت فرمودند:

منم آن قرآن که غاصبین خلافت آن را کنار گذاشتند.

۳- در جریان جنگ صفین که سپاهیان معاویه قرآن‌ها را روی نیزه‌ها قرار

دادند تا با این حيله و نیرنگ از شکست خودشان جلوگیری کنند، وجود

مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام فرمودند:

أَنَا كِتَابُ اللَّهِ النَّاطِقُ،

وَ هَذَا كِتَابُ اللَّهِ الصَّامِتِ، یعنی:

وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام فرمودند:

من قرآن ناطق هستم «من کتاب ناطق خدا هستم»،

و قرآن کریم کتاب ساکت و خاموش خداوند متعال است.^۲

۴- وقتی که خیر غصب فدک به فاطمه زهرا سلام الله علیها رسید، آن

حضرت روسری بر سر افکند و خود را در چادری پیچید،

و به همراه عده‌ای از بانوان قومش به طرف مسجد «مسجد النبوی در شهر

مدینه» حرکت فرمود.

وقتی فاطمه زهرا سلام الله علیها وارد مسجد شد ابوبکر داخل مسجد بود و

۱. روضه کافی، صفحه ۴۷ تا ۵۹، شماره ۴ «خطبه معروف به خطبه وسیله».

تفسیر صافی، جلد پنجم، صفحه ۱۷ و ۱۸ «ذیل آیات ۲۷ تا ۳۰ سوره فرقان».

تفسیر برهان، جلد ششم، صفحه ۶۶۷، حدیث ۷ «ذیل آیات ۲۷ تا ۳۰ سوره فرقان».

تفسیر نورالثقلین، جلد پنجم، صفحه ۱۸۵، حدیث ۹۹ «حدیث ۷۵۹۵» «ذیل آیه ۷۴ سوره مؤمنون».

تفسیر نورالثقلین، جلد پنجم، صفحه ۳۶۹، حدیث ۴۱ «حدیث ۷۹۷۰» «ذیل آیات ۲۷ تا ۳۰ سوره فرقان».

۲. سوگنامه فدک، تألیف آیت الله سید محمدتقی نقوی، صفحه ۳۷۱، شماره ۱۸، ذیل عنوان: کِتَابُ اللَّهِ النَّاطِقُ.

عده‌ای از مهاجرین و انصار نیز آنجا حضور داشتند. داخل مسجد پرده‌ای آویخته شد و سپس وجود مقدس فاطمه زهرا سلام الله علیها در پشت پرده قرار گرفت و شروع به صحبت فرمود. وجود مقدس فاطمه زهرا سلام الله علیها پس از حمد و ثنای خداوند متعال و پس از فرستادن درود و صلوات بر پدر بزرگوارش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم رو به اهل مجلس و حاضرین در مسجد نموده و به آنها فرمود:

شما مسلمانان، بندگان خدا هستید،
 شما نگاهبانان حلال و حرام دین خدا هستید،
 شما حاملان دین و احکام دین هستید،
 شما امانت‌داران خداوند متعال و پیام‌آوران خداوند متعال به سوی امت‌ها هستید،

شما حقی از سوی خداوند متعال بر عهده دارید،
 و پیمانی را که با خداوند متعال بسته‌اید پذیرفته‌اید.
 وجود مقدس فاطمه زهرا سلام الله علیها در ادامه بیانات نورانی خویش فرمودند:

وَبَقِيَّةٌ اسْتَخْلَفَهَا عَلَيْكُمْ، یعنی:

اگر وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم از میان شما رفت بقیه نبوت را که عبارت از قرآن کریم می‌باشد در میان شما باقی گذاشت. مقصود از بقیه استخلفها علیکم کتاب ناطق خداوند متعال و کتاب صامت خداوند متعال می‌باشد که در ادامه فرمایش فاطمه زهرا سلام الله علیها آمده است.
 وجود مقدس فاطمه زهرا سلام الله علیها در ادامه فرمایش خویش فرمودند:

كِتَابُ اللَّهِ النَّاطِقُ،

وَالْقُرْآنُ الصَّادِقُ، یعنی:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم از میان شما رفت، و بقیه نبوت را در میان شما باقی گذاشت که به عنوان جانشینان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می باشند،

و مقصود از بقیه که به عنوان جانشین پیامبر اکرم بیان شده عبارت است از:

كِتَابُ اللَّهِ النَّاطِقُ، یعنی:

کتاب ناطق خداوند متعال، یعنی:

اهل بیت و عترت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم،
و بالاخص وصی و جانشین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم یعنی
وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام،
وَ الْقُرْآنُ الصَّادِقُ وَ النَّوْرُ السَّاطِعُ وَ الضِّيَاءُ اللَّامِعُ، یعنی:

و قرآن کریم که در گفته های خود صادق است،

در نورانیت خود ساطع است،

و در ضیاء خود لامع و درخشنده، یعنی:

مقصود از بقیه استخلفها علیکم که به عنوان جانشین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم یاد شده شامل دو چیز است:

۱- كِتَابُ اللَّهِ النَّاطِقُ، یعنی:

وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام.

دلیل بر این مدعا آن است که وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب

علیه السلام در جنگ صفین فرمودند:

أَنَا كِتَابُ اللَّهِ النَّاطِقُ، وَ هَذَا كِتَابُ اللَّهِ الصَّامِتُ.

۲- كِتَابُ اللَّهِ الصَّامِتُ، یعنی:

قرآن کریم.^۱

۱. سوگنامه فدک، تألیف آیت الله سید محمدتقی نقوی، صفحه ۲۵۱، ۲۴۵، ۳۶۷ تا ۳۷۱ «شماره ۱۷ و ۱۸».

پس از ارائه توضیحات مختصری در رابطه با نهمین مورد از فضائل و مناقب و ویژگی های امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام می پردازیم به دهمین مورد از فضائل و مناقب و ویژگی های آن حضرت.

* منقبت دهم:

وجود مقدّس مولی الموحّدين امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام قَسِیمُ الْجَنَّةِ وَ النَّارِ است، یعنی:

وجود مقدّس مولی الموحّدين امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام تقسیم کننده بهشت و جهنم می باشد.

احادیث فراوانی از ناحیه وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه معصومین علیهم السلام صادر شده که وجود مقدّس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام قَسِیمُ الْجَنَّةِ وَ النَّارِ است، یعنی:

وجود مقدّس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام تقسیم کننده بهشت و جهنم می باشد، یعنی:

مُحِبِّينَ خَوِيشَ رَا بَه بَهْشْتِ،

و دَشْمَنَانَ وَ مَنكِرِينَ اَمَامَتِ خَوِيشَ رَا بَه بَهْشْتِ مِی فَرَسْتَد.

به عنوان نمونه فقط به چند حدیث شریف اشاره می شود.

حدیث:

۱- یکی از اصحاب امام صادق علیه السلام به نام مفضل بن عمر از وجود مقدّس امام صادق علیه السلام سؤال کرد که:

یا بن رسول الله:

چرا و به چه علّت وجود مقدّس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام

قَسِیمُ الْجَنَّةِ وَ النَّارِ «تقسیم کننده بهشت و جهنم» است؟

وجود مقدّس امام صادق علیه السّلام فرمودند:
 برای اینکه حُبّ امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام «دوست داشتن
 امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام» ایمان است،
 و بُغض آن حضرت کُفر «بُغض داشتن به آن حضرت کُفر»،
 و چون بهشت خلق شده برای اهل ایمان «برای مؤمنین»،
 و جهنّم خلق شده برای اهل کُفر «برای کافرین»،
 به همین علّت:

وجود مقدّس امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام قَسِیمُ الْجَنَّةِ وَ النَّارِ
 است «وجود مقدّس امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام تقسیم کننده
 بهشت و جهنّم به اهل بهشت و جهنّم می باشد»، یعنی:

وجود مقدّس امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام مُحَبِّینِ خَوِیشِ رَا
 «دوستداران خویش را» به بهشت می فرستد،
 و دشمنان خویش را روانه جهنّم می نماید.

وجود مقدّس امام صادق علیه السّلام در ادامه فرمایش خویش فرمودند:
 داخل بهشت نمی شود مگر کسی که محبّت امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب
 علیه السّلام را در دل داشته باشد،

و داخل جهنّم نمی شود مگر کسی که بُغض امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب
 علیه السّلام را در دل داشته باشد.

وجود مقدّس امام صادق علیه السّلام در پایان فرمایش خویش فرمودند:
 وجود مبارک امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام قَسِیمُ الْجَنَّةِ وَ النَّارِ
 است،

و تقسیم کننده بهشت و جهنّم می باشد،
 و رضوان و مالک «یعنی نگهبان بهشت و نگهبان جهنّم» تحت فرمان آن

حضرت می باشند.^۱

۲- مأمون ملعون از وجود مقدّس امام رضا علیه السّلام پرسید:

یا اباالحسن:

چرا و چگونه جدّ تو امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام قَسِیمُ الْجَنَّةِ وَ النَّارِ است «چرا و چگونه جدّ تو امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام تقسیم کننده بهشت و جهنّم است»؟

و این قضیه چگونه اثبات می شود؟

وجود مقدّس امام رضا علیه السّلام در پاسخ به سؤال مأمون فرمود:

آیا این حدیث شریف نبوی را شنیده‌ای که وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی

الله علیه و آله و سلم فرمودند:

حُبُّ عَلِيٍّ اِيْمَانٌ،

وَ بُغْضُهُ كُفْرٌ، یعنی:

وجود مقدّس امام رضا علیه السّلام در پاسخ به سؤال مأمون فرمود:

آیا این حدیث شریف نبوی را شنیده‌ای که وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی

الله علیه و آله و سلم درباره امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام فرمودند:

حُبُّ عَلِيٍّ بِنِ ابِيطَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامِ اِيْمَانٌ اِسْتِ «دوست داشتن علیّ بن

ابطالب علیه السّلام ایمان است»،

و بغض به آن حضرت کُفْرٌ «دشمنی با آن حضرت کُفْرٌ».

مأمون به امام رضا علیه السّلام عرض کرد:

آری،

۱. علل الشّرايع شيخ صدوق، جلد اوّل، باب ۱۳۰، صفحه ۵۳۵، حدیث ۱.

تفسیر صافی، جلد ششم، صفحه ۱۵۵ «ذیل آیه ۲۴ سوره ق».

تفسیر برهان، جلد هشتم، صفحه ۴۹۵ تا ۴۹۸، حدیث ۲ و ۴ و ۵ و ۶ «ذیل آیه ۲۴ سوره ق».

تفسیر نورالتقلین، جلد هفتم، صفحه ۱۹۱، حدیث ۳۲ و ۳۴ «حدیث ۱۰۷۱۸ و ۱۰۷۲۰» «ذیل آیه ۲۴ سوره ق».

این حدیث را شنیده‌ام.

وجود مقدّس امام رضا علیه السّلام به مأمون فرمود:

پس معیار تقسیم بهشت و جهنّم علیّ بن ابیطالب علیه السّلام و حُبّ آن

حضرت می‌باشد، لذا:

علیّ بن ابیطالب علیه السّلام تقسیم کننده بهشت و جهنّم است «وقتی که حُبّ امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام موجب بهشت است و دشمنی با آن حضرت موجب جهنّم، پس امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام قَسِیمُ الْجَنَّةِ وَ النَّارِ می‌باشد، یعنی آن حضرت تقسیم کننده بهشت و جهنّم است»^۱.

۳- وجود مقدّس امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام فرمودند:

من به حضور پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم رسیدم درحالی که

ابوبکر و عمر و عایشه نیز در محضر آن حضرت بودند،

و من در کنار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم نشستم،

لیکن عایشه به این موضوع اعتراض کرد.

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم به عایشه فرمود:

ای عایشه:

ساکت باش و دست از این حرف‌ها بردار و مرا درباره علیّ بن ابیطالب

اذیّت نکن و آزار مده، زیرا:

آن حضرت، امیرالمؤمنین است،

و روز قیامت به دستور خداوند متعال کنار پل صراط می‌نشیند و دوستان و

۱. عیون اخبار الرضا علیه السّلام، جلد دوم، باب ۳۲، صفحه ۱۶۳، حدیث ۳۰ «پاسخ امام رضا علیه السّلام به سؤالات مختلف».

شرح زیارت جامعه کبیره «ادب فنای مقربان»، تألیف آیت‌الله جوادی آملی، جلد ششم، صفحه ۴۰۸ و ۴۰۹، ذیل عنوان: وَ اِبَابُ الْخَلْقِ اِلَيْكُمْ.

مُحِبِّينَ خُوَيْشِ رَا بَه بَهشتِ مِي فرستد،

و دشمنانِ خُوَيْشِ رَا روانه جهنّم مِي نمايد.

اين حديث را اسحاق بن عبدالله بن حارث از وجود مقدّس اميرالمؤمنين

علیّ بن ابيطالب عليه السّلام نقل نموده است.^۱

۴- وجود مقدّس پيامبر اکرم صلی الله عليه وآله و سلّم فرمودند:

أَيُّهَا النَّاسُ «ای مردم»:

خداوند متعال به من امر فرموده تا اميرالمؤمنين علیّ بن ابيطالب عليه السّلام

را به عنوان وصی و جانشين خودم و به عنوان امام مسلمين به شما معرفّي نمايم.

ای مردم:

اميرالمؤمنين علیّ بن ابيطالب عليه السّلام بعد از من باب هدايت است،

و دعوت کننده مردم به سوی خداوند متعال.

ای مردم:

امر و دستور علیّ بن ابيطالب عليه السّلام امر و دستور من است،

و نهی آن حضرت نهی من.

ای مردم:

اطاعت از علیّ بن ابيطالب عليه السّلام به شما واجب است،

و نافرمانی از آن حضرت حرام.

ای مردم:

اطاعت از علیّ بن ابيطالب عليه السّلام اطاعت از من است،

و نافرمانی از آن حضرت نافرمانی من می باشد.

ای مردم:

۱. امالی شيخ طوسی، جلد اول، مجلس يازدهم، صفحه ۶۴۱، حديث ۹ «حديث ۵۶۲».

تفسير برهان، جلد هشتم، صفحه ۵۰۱، حديث ۸ «ذيل آيه ۲۴ سوره ق».

علی بن ابیطالب علیه السلام حجت عظمی و آیت کبرای خداوند متعال است.

ای مردم:

علی بن ابیطالب علیه السلام قَسِيمُ الْجَنَّةِ وَ النَّارِ است «علی بن ابیطالب علیه السلام تقسیم کننده بهشت و جهنم است، یعنی مُحَبِّينِ خویش را به بهشت می برد و دشمنان خویش را روانه جهنم می سازد».

ای مردم:

مُحَبِّينِ «دوستداران» علی بن ابیطالب علیه السلام وارد جهنم نمی شوند، و دشمنان آن حضرت از جهنم نجات پیدا نمی کنند.

ای مردم:

دشمنان علی بن ابیطالب علیه السلام وارد بهشت نمی شوند، و مُحَبِّينِ آن حضرت از بهشت دور نمی شوند. این حدیث شریف را ابن عباس از وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل نموده است.^۱

۵- وجود مقدس امام باقر علیه السلام از وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام نقل می کند که آن حضرت فرمودند:

أَنَا قَسِيمُ الْجَنَّةِ وَ النَّارِ،

أَدْخِلُ أَوْلِيَائِي الْجَنَّةَ،

وَ أَدْخِلُ أَعْدَائِي النَّارَ، یعنی:

وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام فرمودند:

من تقسیم کننده بهشت و جهنم هستم،

دوستانم را وارد بهشت می کنم،

۱. امالی شیخ صدوق، مجلس هشتم، صفحه ۵۵، حدیث ۴.
تفسیر برهان، جلد نهم، صفحه ۹۵، حدیث ۱۳ «ذیل آیه ۴ سوره تحریم».

و دشمنانم را روانه جهنم می سازم.^۱

۶- وجود مقدس امام صادق علیه السلام فرمودند:

روز قیامت منبری در صحرای محشر نصب می شود که همه خلائق «همه

انسان هایی که محشور شده اند» آن منبر را می بینند.

و وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام بر روی منبر جلوس

می فرمایند،

و دو فرشته نیز در طرف راست و چپ آن حضرت می ایستند.

فرشته ای که در طرف راست امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام قرار

گرفته با صدای بلند ندا سر می دهد که:

ای خلائق:

این مرد که روی منبر جلوس فرموده امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه

السلام است که صاحب بهشت می باشد،

و هرکس را که بخواهد وارد آن می کند.

فرشته ای که در طرف چپ امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام قرار

گرفته با صدای بلند ندا سر می دهد که:

ای خلائق:

این مرد که روی منبر جلوس فرموده امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه

السلام است که صاحب جهنم می باشد،

و هرکس را که بخواهد داخل آن می کند.^۲

۷- وجود مقدس امام صادق علیه السلام فرمودند:

امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام مُزد دهنده مردم در روز قیامت

می باشد و تقسیم کننده بهشت و جهنم است،

۱. بصائر الدرجات، جلد دوم، صفحه ۵۲۶، حدیث ۲ «حدیث ۱۴۶۶».

۲. بصائر الدرجات، جلد دوم، صفحه ۵۲۵، حدیث ۱ «حدیث ۱۴۶۵».

و احدى داخل بهشت و جهنم نمی شود مگر به تقسیم آن حضرت،
و آن حضرت جدا کننده حق و باطل است.^۱

۸- وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام فرمود:

یا علی:

گوئی تو را در روز قیامت می بینم که عصایی در دست داری و قومی را به بهشت و قومی را به جهنم می فرستی.^۲

۹- وجود مقدس امام صادق علیه السلام از وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام نقل می کند که آن حضرت فرمودند:

أَنَا يَعْسُوبُ الْمُؤْمِنِينَ،

أَنَا خَلِيفَةُ رَسُولِ رَبِّ الْعَالَمِينَ،

أَنَا قَسِيمُ الْجَنَّةِ وَالنَّارِ، یعنی:

وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام فرمودند:

من رئیس و رهبر مؤمنین هستم،

من خلیفه رسول الله می باشم «من جانشین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم هستم».

سَلَّمَ هَسْتَم»،

من قَسِيمُ الْجَنَّةِ وَالنَّارِ می باشم «من تقسیم کننده بهشت و جهنم هستم».

این حدیث را مسعدة بن صدقه از وجود مقدس امام صادق علیه السلام نقل

نموده است.^۳

پس از ارائه توضیحات مختصری در رابطه با دهمین مورد از فضائل و

۱. بصائر الدرجات، جلد دوم، صفحه ۵۲۷، حدیث ۴ «حدیث ۱۴۶۸».

۲. مجمع البیان، جلد نهم، صفحه ۱۱۷ «ذیل آیات ۴۶ تا ۴۹ سوره اعراف».

۳. تفسیر برهان، جلد چهارم، صفحه ۲۵۷، حدیث ۲۳ «ذیل آیه ۴۶ تا ۴۹ سوره اعراف».

تفسیر نورالتقلین، جلد دوم، صفحه ۸۱۳، حدیث ۱۳۰ «حدیث ۳۵۲۵» «ذیل آیات ۴۶ تا ۴۹ سوره اعراف».

مناقب و ویژگی های امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام می پردازیم به یازدهمین مورد از فضائل و مناقب و ویژگی های آن حضرت.

* منقبت یازدهم:

در علو مقام مولی الموحّدين امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام به عنوان دوّمین شخصیت عالم خلقت همین بس، که:

اگر همه مردم و همه اهل زمین امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام را دوست می داشتند خداوند متعال جهنّم را خلق نمی کرد و احدی را عذاب نمی نمود.

در این رابطه احادیث فراوانی از وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم و ائمه معصومین علیهم السلام صادر شده که به عنوان نمونه به چند حدیث شریف اشاره می شود.

حدیث:

۱- وجود مقدّس امام صادق علیه السلام از وجود مبارک امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام نقل می کند که آن حضرت فرمودند که وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم به من فرمود:

ای علی:

وقتی من به آسمان عروج کردم «وقتی به معراج رفتم» ملائکه الهی در هر آسمان به من مژده و بشارت خیر دادند،

و در یکی از این ملاقات ها در معراج بود که جبرئیل از ناحیه خداوند متعال

به من گفت:

یا رسول الله:

اگر همه مردم حُبّ امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام را در دل

داشتند خداوند متعال جهنّم را خلق نمی کرد و آن را نمی آفرید.
وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم در ادامه فرمایش
خویش به امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام فرمود:
ای علی:

خداوند متعال در چند مکان تو را همراه من قرار داد تا قلبم به وجود تو آرام
بگیرد که یکی از آنها لیلہ معراج بود.
وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم در ادامه فرمایش
خویش به امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام فرمود:
ای علی:

خداوند متعال به مخلوق خویش نظر فرمود و از بین همه مردم مرا انتخاب
کرد و به همه مردم برتری داد،
خداوند متعال بار دوّم به مخلوق خویش نظر فرمود و تو را به همه مردم
برتری داد،

خداوند متعال بار سوّم به مخلوق خویش نظر فرمود و دخترم فاطمه را به
همه مردم برتری داد،

خداوند متعال برای بار چهارم به دنیا و به مخلوق خویش نظر فرمود و این
بار حسن و حسین و ائمّه معصومین از نسل حسین را به همه مردم برتری داد
«یعنی خداوند متعال وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام را به تمام
انسان‌ها و به تمام ملائکه برتری داده است».

این حدیث شریف را ابوبصیر از وجود مقدّس امام صادق علیه السّلام نقل
نموده است.^۱

۱. تفسیر صافی، جلد ششم، صفحه ۲۰۱ «ذیل آیات ۱۲ تا ۲۲ سوره نجم».

تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۸۰۵، حدیث ۳۵ «ذیل آیه ۱ سوره اسراء».

تفسیر نورالتقلین، جلد چهارم، صفحه ۲۵۷، حدیث ۳۱ «حدیث ۵۹۲۰» «ذیل آیه ۱ سوره اسراء».

۲- وجود مقدس امام صادق علیه السلام فرمودند:
وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به امیرالمؤمنین علی بن
ابیطالب علیه السلام فرمود:

يَا عَلِيُّ: وَ الَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ نَبِيًّا،
لَوْ أَحْبَبَكَ أَهْلُ الْأَرْضِ كَمَحَبَّةِ أَهْلِ السَّمَاءِ،
لَمَا عَذَّبَ اللَّهُ أَحَدًا بِالنَّارِ، يَعْنِي:

وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به امیرالمؤمنین علی بن
ابیطالب علیه السلام فرمود:
ای علی:

قسم به خداوندی که مرا به حق و رسالت مبعوث نمود،
اگر اهل زمین مانند اهل آسمان تو را دوست می داشتند، خداوند متعال
آحدی از آنها را عذاب نمی کرد.
این حدیث را ابوبصیر از وجود مقدس امام صادق علیه السلام نقل نموده
است.^۱

۳- وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به امیرالمؤمنین علی
بن ابیطالب علیه السلام فرمود:
ای علی:
به خدا قسم:

اگر همچنانکه اهل آسمان تو را دوست می دارند اهل زمین تو را دوست
بدارند خداوند متعال هیچ یک از آنها را با آتش جهنم عذاب نمی کند.

۱. امالی شیخ صدوق، صفحه ۵۹، حدیث ۵ «مجلس نهم».

تفسیر برهان، جلد نهم، صفحه ۷۶۷، حدیث ۲۳ «ذیل آیات شریفه سوره اخلاص».
قطره‌ای از دریای فضائل اهل بیت علیهم السلام، تألیف آیت الله سیداحمد مستنبط، جلد اول، بخش دوم، صفحه
۲۲۵، حدیث ۳۵/۱۲۸.

این حدیث شریف را علاوه بر منابع شیعه، یکی از علماء معروف اهل سنت نیز به نام خطیب خوارزمی در کتاب خویش «مناقب» نقل نموده است.^۱

۴- وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

قال الله جلّ جلاله:

لَوِ اجْتَمَعَ النَّاسُ كُلُّهُمْ عَلَى وِلايَةِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِيطَالِبٍ «عليه السلام» ما خَلَقْتُ النَّارَ، یعنی: خداوند جلّ جلاله می فرماید «فرمود»:

اگر همه مردم بر ولایت علی بن ابیطالب علیه السلام متفق می شدند من هرگز آتش را خلق نمی کردم «اگر همه مردم امامت و ولایت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام را می پذیرفتند و آن حضرت را دوست می داشتند هرگز آتش جهنم را خلق نمی کردم، و این موضوع کنایه از این است که هرگز احدی را عذاب نمی کردم».

این حدیث را ابن عباس از وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل نموده است.^۲

پس از ارائه توضیحات مختصری در رابطه با یازدهمین مورد از فضائل و مناقب و ویژگی های امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام می پردازیم به دوازدهمین مورد از فضائل و مناقب و ویژگی های آن حضرت.

* منقبت دوازدهم:

در علو مقام مولی الموحّدين امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام به عنوان دومین شخصیت عالم خلقت همین بس، که:

۱. تفسیر برهان، جلد نهم، صفحه ۷۶۷، حدیث ۲۳ «ذیل آیات شریفه سوره اخلاص».

۲. امالی شیخ صدوق، صفحه ۱۰۲۷، حدیث ۷ «مجلس ۹۴».

قطره ای از دریای فضائل اهل بیت علیهم السلام، تألیف آیت الله سیداحمد مستنبت، جلد اول، بخش دوم، صفحه ۳۴۷، حدیث ۳۳۱/۱۳۸.

اگر همه مردم و همه اهل زمین امامت و ولایت آن حضرت را انکار کنند خداوند متعال همه آنها را وارد جهنم خواهد کرد، و به طریق اولی دشمنان آن حضرت نیز چنین سرنوشتی دارند.

حدیث:

۱- وجود مقدس امام صادق علیه السلام فرمودند:
لَوْ جَدَّ امِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ بِنَ ابِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ جَمِيعٌ مِّنْ فِي الْأَرْضِ، لَعَذَّبَهُمُ اللَّهُ جَمِيعاً وَ ادَّخَلَهُمُ النَّارَ، یعنی:

وجود مقدس امام صادق علیه السلام فرمودند:
اگر همه اهل زمین امامت و ولایت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام را انکار کنند، خداوند متعال همه آنها را عذاب خواهد کرد و همه آنها را وارد جهنم خواهد نمود.

این حدیث را حسین بن ابی العلاء از وجود مقدس امام صادق علیه السلام نقل نموده است.^۱

در توضیح ذیل این حدیث شریف آمده که:
چون وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام نماد تمام‌نمای حق است،

لذا امام صادق علیه السلام نپذیرفتن ولایت و امامت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام را مایه استحقاق عذاب الهی و ورود به جهنم دانسته است

۱. ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، تألیف شیخ صدوق، صفحه ۴۶۸، حدیث ۱۳، باب: کيفر دشمنان امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام و منکرین امامت و ولایت آن حضرت.
شرح زیارت جامعه کبیره «ادب فنای مرقبان»، تألیف آیت الله جوادی آملی، جلد هشتم، صفحه ۱۳۸ و ۱۳۹، ذیل عنوان: مَنْ اتَاكُمْ نَجِي وَ مَنْ لَمْ يَأْتِكُمْ هَلِك.

هرچند همه اهل زمین باشند.^۱

۲- وجود مقدّس امام باقر علیه السّلام فرمودند:

إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى جَعَلَ عَلِيَّ بْنَ أَبِيطَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَمًا بَيْنَهُ وَ بَيْنَ خَلْقِهِ،
فَمَنْ تَبِعَهُ كَانَ مُؤْمِنًا،

وَ مَنْ جَحَدَهُ كَانَ كَافِرًا،

وَ مَنْ أَنْكَرَهُ كَانَ كَافِرًا،

وَ مَنْ شَكَّ فِيهِ كَانَ مُشْرِكًا، یعنی:

وجود مقدّس امام باقر علیه السّلام فرمودند:

خداوند تبارک و تعالی امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام را علامت

و نشانه‌ای میان خود و مخلوقات خویش قرار داده،

پس:

هرکس از آن حضرت پیروی نماید مومن است،

هرکس امامت و ولایت آن حضرت را انکار کند کافر است (و جایگاه ابدی

و همیشگی کافر نیز جهنّم می باشد)،

و هرکس درباره حضرت شک و تردید داشته باشد مشرک است.

این حدیث را مفضّل بن عمر از وجود مقدّس امام باقر علیه السّلام نقل

نموده است.^۲

در توضیح ذیل این حدیث شریف آمده که:

۱. شرح زیارت جامعه کبیره «ادب فنای مقربان»، تألیف آیت الله جوادی آملی، جلد هشتم، صفحه ۱۳۸ و ۱۳۹، ذیل عنوان: مَنْ آتَاكُمْ نَجِي وَ مَنْ لَمْ يَأْتِكُمْ هَلَك.

۲. ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، تألیف شیخ صدوق، صفحه ۴۶۷، حدیث ۱۱، باب: کیف دشمنان حضرت امیر علیه السّلام و منکرین آن حضرت.

شرح زیارت جامعه کبیره «ادب فنای مقربان»، تألیف آیت الله جوادی آملی،

جلد هشتم، صفحه ۱۳۸، ذیل عنوان: مَنْ آتَاكُمْ نَجِي وَ مَنْ لَمْ يَأْتِكُمْ هَلَك.

جلد هشتم، صفحه ۳۷۷، ذیل عنوان: مَنْ اتَّبَعَكُمْ فَالْجَنَّةُ مَأْوَاهُ وَ مَنْ خَالَفَكُمْ فَالنَّارُ مَثْوَاهُ.

وجود مقدس امام باقر علیه السلام در فرمایش خویش به مفضل بن عمر، وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام را یگانه پرچم راهنمای به حق یاد فرموده و هرگونه انکار یا تردید در این باره را سبب کفر و شرک دانسته است.^۱

۳- وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام فرمود:

یا عَلِيُّ:

لَوْ أَنَّ أُمَّتِي صَامُوا حَتَّى صَارُوا كَالْأَوْتَادِ،

وَصَلُّوا حَتَّى صَارُوا كَالْحَنَائِيَا،

ثُمَّ ابْغَضُوكَ،

لَا كَبَّهُمُ اللَّهُ عَلَى مَنَاخِرِهِمْ فِي النَّارِ، یعنی:

وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام فرمود:

یا علی:

اگر اُمت من آنقدر روزه بگیرند که مثل میخ باریک شوند «لاغر شوند»،

و آنقدر نماز بخوانند که کمرشان خمیده شود،

اما بغض تو را در دل داشته باشند خداوند متعال آنها را با صورت به داخل جهنم خواهد انداخت.

این حدیث را جابر بن عبدالله انصاری از وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل نموده است.^۲

۱. شرح زیارت جامعه کبیره «ادب فنای مَقْرَبَان»، تألیف آیت الله جوادی آملی، جلد هشتم، صفحه ۱۳۸، ذیل عنوان: مَنْ أَتَاكُمْ نَجِي وَ مَنْ لَمْ يَأْتِكُمْ هَلَك.

۲. مجمع البیان، جلد هیجدهم، صفحه ۱۵۲ «ذیل آیه ۸۹ و ۹۰ سوره نمل». تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۶۹، حدیث ۱۳ «ذیل آیه ۸۹ و ۹۰ سوره نمل».

۴- وجود مقدس امام صادق عليه السلام فرمودند:
جبرئیل بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نازل شد و به آن حضرت
عرض کرد:
یا رسول الله:

خداوند متعال به تو سلام می‌رساند و می‌فرماید:
اگر شخصی از روزی که آسمان‌ها و زمین را خلق کرده‌ام تا روز قیامت
در رکن و مقام «خانه خدا» مرا عبادت کند ولی منکر امامت و ولایت علی بن
ایطالب علیه السلام باشد او را با صورت به داخل جهنم خواهم انداخت.^۱

توضیح:

ملاحظه فرمودید که:

الف: منکرین امامت و ولایت امیرالمؤمنین علی بن ایطالب علیه السلام را
خداوند متعال با صورت به داخل جهنم می‌اندازد گرچه این افراد تمام عمر
خویش مشغول عبادت باشند،
ضمن اینکه تعبیر با صورت پرتاب شدن به داخل آتش جهنم کنایه از شدت
غضب خداوند متعال نسبت به منکرین امامت و ولایت امیرالمؤمنین علی بن
ایطالب علیه السلام می‌باشد،
زیرا وقتی شخصی وارد جهنم شد انواع عذاب‌ها را خواهد چشید، لذا فرقی
نمی‌کند که با صورت به داخل آتش پرتاب شود یا به نحو دیگر.
ب: احادیث در این باب زیاد است، فقط به عنوان نمونه به چهار حدیث
شریف اشاره شد.

پس از ارائه توضیحات مختصری در رابطه با دوازدهمین مورد از فضائل

۱. امالی شیخ صدوق، صفحه ۷۶۷، حدیث ۱۲ «مجلس هفتاد و سوم».

و مناقب و ویژگی های دوّمین شخصیت عالم خلقت یعنی امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام، می پردازیم به سیزدهمین مورد از فضائل و مناقب و ویژگی های آن حضرت.

* منقبت سیزدهم:

در رفعت مقام و منزلت مولی الموحّدين امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام همین بس، که:

هرکس امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام را با قلب و زبان خویش دوست داشته باشد و با دستش نیز آن حضرت را یاری نماید اجر و ثواب تمام بندگان خدا و تمام امت اسلام در نامه عمل او ثبت می شود و ایمان او کامل است. انشاء الله تعالی در بخش حدیث به این موضوع اشاره خواهد شد و توضیحاتی ارائه خواهد گردید.

حدیث:

۱- وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله و سلّم به امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام فرمود:

یا علی:

هرکس تو را قلباً دوست داشته باشد برای او است اجر و ثواب یک سوّم اعمال بندگان خدا،

هرکس تو را با قلب و زبانش دوست داشته باشد برای او است اجر و ثواب دو سوّم اعمال بندگان خدا،

و هرکس تو را با قلب و زبان و دستش دوست داشته باشد برای او است اجر و ثواب تمام اعمال بندگان خدا.

این حدیث شریف را ابن عبّاس از وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه

وآله و سلّم نقل نموده است.^۱

۲- وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم فرمودند:

هر کس علیّ بن ابیطالب علیه السّلام را به دل دوست داشته باشد خداوند متعال ثواب یک سوّم اّمّت را به او اعطا می فرماید،

هر کس علیّ بن ابیطالب علیه السّلام را با دلش و با زبانش دوست داشته باشد خداوند متعال ثواب دو سوّم اّمّت را به او اعطا می فرماید،

و هر کس علیّ بن ابیطالب علیه السّلام را با دلش و با زبانش و با دستش دوست داشته باشد خداوند متعال ثواب همه اّمّت را به او اعطا می فرماید.

این حدیث شریف را نعمان بن بشیر از وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم نقل نموده است.^۲

۳- امام باقر علیه السّلام فرمودند:

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم به امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام فرمود:

یا علی:

هر کس تو را قلباً دوست داشته باشد برای او است اجر و پاداش یک سوّم اّمّت،

هر کس تو را قلباً دوست داشته باشد و با زبانش نیز تو را یاری کند برای او

است اجر و پاداش دو سوّم اّمّت،

و هر کس تو را قلباً دوست داشته باشد و با زبانش نیز تو را یاری کند و با

شمشیرش تو را کمک کند برای او است اجر و پاداش همه اّمّت.

این حدیث را محمّد بن کثیر از وجود مقدّس امام باقر علیه السّلام نقل

۱. امیرالمؤمنین علیه السّلام نَفْسِ نَفِيسِ خَاتَمِيتِ، تَأْلِيفِ آيَةِ اللهِ وَحِيدِ خِرَاسَانِي، صَفْحَه ۲۶۸، مَجْلِسِ سِيزْدَهَم.

تَفْسِيرِ بَرَهَانَ، جِلْد نَهْم، صَفْحَه ۷۶۶، حَدِيثِ ۲۰ «ذِيلِ آيَاتِ شَرِيفَه سُوْرَه اِخْلَاصِ».

۲. تَفْسِيرِ بَرَهَانَ، جِلْد نَهْم، صَفْحَه ۷۶۶، حَدِيثِ ۲۱ «ذِيلِ آيَاتِ شَرِيفَه سُوْرَه اِخْلَاصِ».

نموده است.^۱

۴- امام صادق عليه السلام فرمودند:

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم به امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام فرمود:

یا علی:

هرکس تو را با زبانش دوست بدارد برای او کامل شود ثلث ایمانش «یک سوّم ایمانش کامل می شود»،

هرکس تو را با زبانش و با دلش دوست بدارد برای او کامل شود دو ثلث ایمانش «دو سوّم ایمانش کامل می شود»،

و هرکس تو را با زبانش و با دلش دوست بدارد و با دستش نیز تو را یاری نماید برای او کامل شود تمام ایمانش «ایمان او کامل می شود».

این حدیث را ابوبصیر از وجود مقدّس امام صادق علیه السلام نقل نموده است.^۲

توضیح:

الف: مقصود از دوست داشتن مولی الموحّدين امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام با قلب، یعنی اینکه انسان قلباً مُحَبِّ آن حضرت باشد و او را دوست داشته باشد،

بنابراین:

کسی که قلباً امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام را دوست می دارد

۱. تفسیر برهان، جلد نهم، صفحه ۷۶۷، حدیث ۲۲ «ذیل آیات شریفه سوره اخلاص».

۲. امالی شیخ صدوق، صفحه ۵۹، حدیث ۵، مجلس نهم.

تفسیر برهان، جلد نهم، صفحه ۷۶۷، حدیث ۲۳ «ذیل آیات شریفه سوره اخلاص».

شرح زیارت جامعه کبیره «ادب فنای مقربان»، تألیف آیت الله جوادی آملی، جلد هشتم، صفحه ۳۱۰ و ۳۱۱، ذیل عنوان: وَ ضَلَّ مَنْ فَارَقَكُمْ.

باید نسبت به دشمنان آن حضرت نیز بغض داشته باشد، زیرا این دو قضیه لازم و ملزوم یکدیگر می‌باشند،

و این امر یعنی تولّی و تبرّی.

ب: مقصود از دوست داشتن امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام با قلب و زبان، یعنی اینکه انسان باید علاوه بر محبّت قلبی، آن را با زبان خویش نیز ابراز نماید، از طرق مختلف، مثلاً:

فضائل و مناقب آن حضرت را به همسر و فرزندان و سپس به اقوام و خویشاوندان و سپس به دوستان و آشنایان خویش بیان نماید تا آنها نیز بیشتر با فضائل و مقامات آن بزرگوار آشنا بشوند،
و خلاصه کلام اینکه:

با زبان خویش اقدام به نشر و ترویج فضائل آن حضرت نماید، و در مقابل مخالفین و معاندین از آن بزرگوار و از حریم ولایت دفاع نماید.

ج: مقصود از دوست داشتن امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام با قلب و زبان و دست، یعنی اینکه علاوه بر محبّت قلبی و تبلیغ زبانی، باید با دست خویش این محبّت را نشان بدهد، یعنی محبّت خویش به آن حضرت را با عمل نیز نشان بدهد، مثلاً:

با صرف پول و ثروت خویش اعیاد آن ذوات مقدّسه از قبیل عید سعید غدیر و همچنین نیمه شعبان و سایر اعیاد را باشکوه‌تر نماید،

و در عزا و ماتم آن بزرگواران از قبیل بیست و یکم ماه مبارک رمضان، ایام فاطمیّه و دهه محرّم و دیگر مراسم عزا و ماتم آن بزرگواران عملاً شرکت داشته باشد، اعم از حضور پیدا کردن در مراسم عزای آن ذوات مقدّسه یا خرج کردن پول در این راه، و خلاصه اینکه در نشر معارف نورانی اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السّلام اهتمام جدّی داشته باشد و عملاً آن را نشان بدهد،

و در یک کلام:

مُحِبِّ امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام و شیعه آن حضرت باید خاصیت داشته باشد و صرفاً به محبت قلبی اکتفا نکند که هیچگونه هزینه و زحمتی ندارد، نه زحمت جسمی و جانی و نه هزینه مالی، ضمن اینکه محبت قلبی بدون اقدام عملی ممکن است ادعایی بیش نباشد، مگر اینکه انسان واقعاً قادر به انجام هیچ کاری نباشد.

پس از ارائه توضیحات مختصری در رابطه با سیزدهمین مورد از فضائل و مناقب و ویژگی های امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام می پردازیم به چهاردهمین مورد از فضائل و مناقب و ویژگی های آن حضرت.

* منقبت چهاردهم:

در علو مقام امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام همین بس، که: جز خداوند متعال و جز پیامبر اکرم و جز ائمه معصومین علیهم السلام هیچکس نمی تواند به حقیقت و به گنه مقامات آن حضرت پی ببرد. احادیث فراوانی در این رابطه از ناحیه وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه معصومین علیهم السلام صادر شده که به عنوان نمونه به دو حدیث شریف اشاره می شود.

حدیث:

۱- وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام فرمود:

یا عَلِيُّ:

مَا عَرَفَ اللَّهُ إِلَّا أَنَا وَ أَنْتَ،

وَ مَا عَرَفَنِي إِلَّا اللَّهُ وَ أَنْتَ،

وَمَا عَرَفَكَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَا، یعنی:

وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام فرمود:

یا علی:

خداوند متعال را کسی نشناخت جز من و تو،

مرا کسی نشناخت جز خداوند متعال و تو،

و تو را کسی نشناخت جز خداوند متعال و من.^۱

۲- وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام فرمود:

یا عَلِيُّ،

مَا عَرَفَ اللَّهُ حَقَّ مَعْرِفَتِهِ غَيْرِي وَ غَيْرِكَ،

وَمَا عَرَفَكَ حَقَّ مَعْرِفَتِكَ غَيْرُ اللَّهِ وَ غَيْرِي، یعنی:

وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام فرمود:

ای علی:

خداوند متعال را آنگونه که حق معرفت خداوند متعال است کسی جز من

و تو نشناخته است «کسی جز من و تو خداوند متعال را به شایستگی نشناخته است»^۲

و تو را نیز آنگونه که حق معرفت تو است کسی جز خداوند متعال و من

۱. امیرالمؤمنین علیه السلام نفس نفیس خاتمیت، تألیف آیت الله وحید خراسانی، صفحه ۲۹۴، مجلس پانزدهم. شرح زیارت جامعه کبیره، تألیف آیت الله سیدمحمدتقی نقوی، صفحه ۵۲۲، ذیل عنوان: وَلَا أْبْلُغُ مِنَ الْمُدْحِ كُنْهَكُمْ. جُنَّةُ الْعَاصِمَةِ، تألیف آیت الله سیدمحمدحسن میرجهانی، فصل دوازدهم، صفحه ۳۱۶. قطره‌ای از دریای فضائل اهل بیت علیهم السلام، تألیف آیت الله سیداحمد مستنبط، جلد اول، بخش دوم، صفحه ۳۵۷، حدیث ۱۵۳/۲۴۶.

شرح زیارت جامعه کبیره، تألیف علامه سیدحسین همدانی درودآبادی، صفحه ۱۷، ذیل عنوان: درباره شرح زیارت جامعه کبیره.

نشناخته است «کسی جز خداوند متعال و من، تو را به شایستگی نشناخته است»^۱.

توضیح:

ذیل دو حدیث شریفی که نقل شد آمده که:

الف: اگرچه ذات اقدس الهی نور آسمانها و زمین است و همه موجودات از برکت نور خداوند متعال ظهور و بروز می یابند، لیکن از باب تشبیه معقول به محسوس، می توان او را به خورشید تشبیه کرد که نگاه مستقیم و خیره شدن به آن مقدور هر چشمی نیست، لیکن: اگر آن نور پشت ابر قرار بگیرد و از شدت نور آن کاسته شود بسیاری از افراد می توانند او را ببینند، بنابراین:

مشاهده نور او به استعداد افراد و قدرت بینایی آنها بستگی دارد، و هرکس به مقدار توان خویش می تواند آن را مشاهده کند، به گونه ای که در حدیث شریف نبوی است که:

مَا عَرَفْنَاكَ حَقَّ مَعْرِفَتِكَ،

و بر همین قیاس، شناخت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام و دیگر ائمه معصومین علیهم السلام آنگونه که هستند مقدور همگان نمی باشد، زیرا این ذوات مقدسه مظهر «مظاهر» آن نور مطلق هستند «مظهر اتم و اکمل اسماء و صفات خداوند متعال»،

و به همین جهت است که وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و

۱. امیرالمؤمنین علیه السلام نفس نفیس خاتمیت، تألیف آیت الله وحید خراسانی، صفحه ۲۹۴، مجلس پانزدهم.

شرح زیارت جامعه کبیره «ادب فنای مَقْرَبَان»، تألیف آیت الله جوادی آملی،

جلد سوم، صفحه ۱۱۱، ذیل عنوان: وَ نُورِهِ وَ بُرْهَانِهِ.

جلد هفتم، صفحه ۳۹۴، ذیل عنوان: وَ الرَّحْمَةُ الْمَوْصُولَةُ.

جلد هشتم، صفحه ۳۴، ذیل عنوان: وَ الْآيَةُ الْمَخْرُوجَةُ.

سَلِّمْ بِهِ امِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَرَمُود:

يَا عَلِيُّ:

مَا عَرَفَ اللَّهُ حَقَّ مَعْرِفَتِهِ غَيْرِي وَ غَيْرِكَ،

وَ مَا عَرَفَكَ حَقَّ مَعْرِفَتِكَ غَيْرُ اللَّهِ وَ غَيْرِي،

و سرّ و راز تشابه در عدم شناخت «شناختن خداوند متعال آنگونه که حقّ معرفت خداوند متعال است، و شناختن پیامبر اکرم و ائمه معصومین علیهم السّلام آنگونه که حقّ معرفت آن ذوات مقدّسه می باشد»، در کلام نورانی مولی الموحّدين امير المؤمنين عليّ بن ابیطالب عليه السّلام می باشد که فرمودند:

مَعْرِفَتِي بِالنُّورَانِيَّةِ مَعْرِفَةُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ،

وَ مَعْرِفَةُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مَعْرِفَتِي بِالنُّورَانِيَّةِ،

و پیوند معرفت خداوند متعال با خلفاء خداوند متعال «جانشینان خداوند متعال» در این کلام نورانی امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام به نیکی بیان شده است.

البته دشواری معرفت و شناخت وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام به خاطر دشوار بودن معرفت و شناخت اسماء حسناى خداوند است که این ذوات مقدّسه مظهر اتمّ و اکمل آن هستند «مظهر اتمّ و اکمل اسماء و صفات خداوند متعال»،

زیرا صعب و دشوار بودن شناخت اسماء حسناى خداوند متعال مایه دشواری شناخت مظهر اسماء حسنی نیز خواهد بود.^۱

ب: وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام مظهر اتمّ و اکمل اسماء

۱. شرح زیارت جامعه کبیره «ادب فنای مقربان»، تألیف آیت الله جوادی آملی:

جلد دوّم، صفحه ۱۴۳، ذیل عنوان: السّلامُ عَلِيَّ مَحَالِّ مَعْرِفَةِ اللَّهِ.

جلد سوّم، صفحه ۱۱۰ و ۱۱۱، ذیل عنوان: وَ نُورِهِ وَ بُرْهَانِهِ.

جلد هفتم، صفحه ۳۹۳ و ۳۹۴، ذیل عنوان: وَالرَّحْمَةُ الْمَوْصُولَةُ.

جلد نهم، صفحه ۲۷۳ و ۲۷۴، ذیل عنوان: مُطِيعٌ لَكُمْ عَارِفٌ بِحَقِّكُمْ.

و صفات خداوند متعال، و مظهر اتمّ و اکمل ولایت الهی و جلوه تمام‌نمای حضرت حق هستند، لذا:

معرفت و شناخت این ذوات مقدّسه معرفت و شناخت خداوند متعال است، و جهل به این ذوات مقدّسه جهل به خداوند متعال می‌باشد، ایمان به این ذوات مقدّسه ایمان به خداوند متعال است، و کُفر به این ذوات مقدّسه کُفر به خداوند متعال می‌باشد، و زیارت این ذوات مقدّسه زیارت خداوند سبحان است، چنانکه وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم فرمودند:

مَنْ زَارَنِي فِي حَيَاتِي أَوْ بَعْدَ مَوْتِي فَقَدْ زَارَ اللَّهَ،

و مشابه این فرمایش نورانی نبوی درباره ائمه معصومین علیهم السلام نیز دیده می‌شود که زیارت آن ذوات مقدّسه، زیارت ذات اقدس الهی شمرده شده است.^۱

ج: مَدْح و ستایش مَمْدُوح «مَدْح شونده، کسی که مَدْح می‌شود» هنگامی کامل و تمام است که مادح «مَدْح کننده، کسی که مَدْح می‌کند» به حقیقت و به کُنّه ذات ممدوح واقف شود،

زیرا مَدْح هر ممدوحی در حدود شناخت و معرفت است، لذا: اگر ممدوح به طور کامل شناخته نشود چگونه به طور کامل مدح شود، و چون شناختن وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السلام به طور کامل برای ما مقدور نیست،

لذا مَدْح آن ذوات مقدّسه نیز بطور کامل غیر مقدور است، و به همین دلیل است که:

۱. شرح زیارت جامعه کبیره «ادب فنای مقرّبان»، تألیف آیت الله جوادی آملی: جلد نهم، صفحه ۴۲۹ و ۴۳۰، ذیل عنوان: مُسْتَجِيبٌ بِكُمْ زَائِرٌ لَكُمْ. جلد دهم، صفحه ۳۳۸ تا ۳۴۴، ذیل عنوان: فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لَا مَعَ عَدُوِّكُمْ.

مخلوق نمی تواند مدح و ثنای خداوند متعال را آنطور که هست به جای بیاورد، زیرا نمی تواند به حقیقت و به کُنه ذات خداوند متعال برسد، و به همین جهت وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم به امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام فرمود:

یا عَلِيُّ:

مَا عَرَفَ اللهُ إِلَّا أَنَا وَ أَنْتَ،

وَ مَا عَرَفَنِي إِلَّا اللهُ وَ أَنْتَ،

وَ مَا عَرَفَكَ إِلَّا اللهُ وَ أَنَا، یعنی:

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم به امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام فرمود:

ای علی:

خداوند متعال را کسی نشناخت جز من و تو،

مرا کسی نشناخت جز خداوند متعال و تو،

و تو را کسی نشناخت جز خداوند متعال و من،

بنابراین:

شناختن وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم و اهل بیت گرانقدر آن حضرت «یعنی شناختن وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام» آنگونه که حقّ معرفت آن ذوات مقدّسه است جز خداوند متعال و جز خودشان برای دیگران امکان ندارد.^۱

د: پی بردن به حقیقت و کُنه مقام صاحبان ولایت مطلقه از محالات است، و غیر از خود این ذوات مقدّسه چه کسی می تواند به تمام معنا عارف و واقف به کُنه حقایق و عظمت مقامات و مراتب این بزرگواران بشود،

۱. شرح زیارت جامعه کبیره، تألیف آیت الله سیّد محمد تقی نقوی، صفحه ۵۲۲، ذیل عنوان: وَ لَا أَبْلُغُ مِنَ الْمُدْحِ كُنْهُكُمْ.

زیرا ملکه ولایت مطلقه و اولی الامری غیر از ملکات عادی ظاهری است که اهل ظاهر بتوانند به حقیقت و به کُنه آن برسند، بنابراین:

پی بردن به حقیقت و کُنه مقامات صاحبان ولایت مطلقه از فهم بشر خارج است،

و فقط خود این ذوات مقدّسه می توانند به حقیقت و به کُنه مقام و منزلت یکدیگر پی ببرند،

و این مطلب و این موضوع، فرمایش وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم به امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام می باشد که به آن حضرت فرمود:

یا عَلِيُّ:

مَا عَرَفَ اللهُ إِلَّا أَنَا وَ أَنْتَ،

وَ مَا عَرَفَنِي إِلَّا اللهُ وَ أَنْتَ،

وَ مَا عَرَفَكَ إِلَّا اللهُ وَ أَنَا، یعنی:

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم به امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام فرمود:

ای علی:

خداوند متعال را کسی نشناخت جز من و تو،

مرا کسی نشناخت جز خداوند متعال و تو،

و تو را کسی نشناخت جز خداوند متعال و من.^۱

قابل ذکر است که:

این قضیه در رابطه با سایر حضرات معصومین علیهم السلام نیز جریان

۱. جُنَّة العاصمه، تألیف آیت الله سیدمحمدحسن میرجهانی، فصل دوازدهم، صفحه ۳۱۶.

دارد، یعنی:

مردم از رسیدن به حقیقت و کُنه معرفت و مقامات و فضائل وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام عاجز و ناتوان هستند، و البته وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم و امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام و فاطمه زهرا سلام الله علیها به ترتیب در صدر واقع شده‌اند.

پس از ارائه توضیحات مختصری در رابطه با چهاردهمین مورد از فضائل و مناقب و ویژگی‌های امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام می‌پردازیم به پانزدهمین مورد از فضائل و مناقب و ویژگی‌های آن حضرت.

*** منقبت پانزدهم:**

در علوّ مقام دوّمین شخصیت عالم خلقت یعنی وجود مقدّس مولی الموحّدين امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام همین بس، که:
اگر جنّ و انس جمع شوند نمی‌توانند فضائل و مناقب آن حضرت را احصاء «شمارش» نموده و بنویسند.

به عنوان نمونه به یک حدیث شریف اشاره می‌شود.

حدیث:

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم درباره امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام و غیرقابل شمارش بودن فضائل و مناقب آن حضرت فرمودند:

لَوْ أَنَّ الْغِيَاظَ أَقْلَامٌ،

وَالْبَحْرَ مِدَادٌ،

وَالْجِنَّ حُسَّابٌ،

وَ الْإِنْسِ كُتَابٌ،

مَا أَحْصَا فِضَائِلَ عَلِيٍّ بْنِ أَبِيطَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ، يَعْنِي:

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم فرمودند:

اگر همه درخت‌ها قلم شوند،

و همه دریاها مرکّب شوند،

و همه اجنّه «همه جن‌ها» حسابگر و حساب کننده شوند،

و همه انسان‌ها نویسنده و نگارنده شوند،

نمی‌توانند فضائل و مناقب علی بن ابیطالب علیه السّلام را بشمارند و احصاء

نمایند.^۱

توضیح:

الف: این حدیث شریف را ابن عباس از وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم نقل نموده است.

ب: این حدیث شریف را دو نفر از علمای معروف اهل سنت نیز در کتب خویش نقل نموده‌اند که ذیلاً ملاحظه می‌فرمائید.

خطیب خوارزمی در مناقب

قندوزی در ینابیع المودّه^۲

۱. سوگنامه فدک، تألیف آیت الله سیدمحمدتقی نقوی، صفحه ۲۲۹، ذیل عنوان: شمه‌ای از فضائل امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام.

شرح زیارت جامعه کبیره، تألیف آیت الله جوادی آملی، جلد نهم، صفحه ۲۸۵، ذیل عنوان: مُطِيعٌ لَكُمْ عَارِفٌ بِحَقِّكُمْ. جُنَّةُ الْعَاصِمَةِ، تألیف آیت الله سیدمحمدحسن میرجهانی، فصل نهم، صفحه ۲۷۰ و ۲۷۱، ذیل عنوان: مختصری از فضائل امیرالمؤمنین علیه السّلام.

قطره‌ای از دریای فضائل اهل بیت علیهم السّلام، تألیف آیت الله سیداحمد مستنبط، جلد دوم، بخش دوم، صفحه ۲۰۵، حدیث ۷/۸۲۴.

۲. سوگنامه فدک، تألیف آیت الله سیدمحمدتقی نقوی، صفحه ۲۲۹ «پاورقی».

جُنَّةُ الْعَاصِمَةِ، تألیف آیت الله سیدمحمدحسن میرجهانی، فصل نهم، صفحه ۲۷۰ «پاورقی».

قطره‌ای از دریای فضائل اهل بیت علیهم السّلام، تألیف آیت الله سیداحمد مستنبط، جلد دوم، صفحه ۲۰۵، حدیث ۷/۸۲۴ «پاورقی».

ج: شناخت ژرفای برتری و منزلت والای اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم «یعنی امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام و فاطمه زهرا سلام الله علیها و یازده امام معصوم از نسل و ذریه آن دو بزرگوار» و شمارش همه فضائل آن ذوات مقدسه هرگز در توان کسی نیست، زیرا این بزرگواران مظهر اتم و اکمل اسماء حسناى خداوند متعال هستند، و همچنانکه پی بردن به حقیقت و گنه ذات و صفات خداوند متعال ناشدنی و غیرممکن است، پی بردن به حقیقت و گنه فضائل و مناقب و مقامات چهارده معصوم علیهم السلام نیز ناشدنی و غیرممکن می باشد.^۱ پس از ارائه توضیحات مختصری در رابطه با پانزدهمین مورد از فضائل و مناقب و ویژگی های امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام می پردازیم به شانزدهمین مورد از فضائل و مناقب و ویژگی های آن حضرت.

* منقبت شانزدهم:

در علو مقام دوّمین شخصیت عالم خلقت یعنی وجود مقدّس مولی الموحّدين امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام همین بس، که: هرکس فضائل و مناقب مولی الموحّدين امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام را ذکر نماید درحالی که به آن اعتقاد دارد، خداوند متعال همه گناهان گذشته و آینده او را می بخشد، گرچه آن شخص با گناه جنّ و انس وارد قیامت شود.

۱. شرح زیارت جامعه کبیره «ادب فنای مقربان»، تألیف آیت الله جوادی آملی، جلد نهم، صفحه ۲۸۵، ذیل عنوان: مَطِيعٌ لَكُمْ عَارِفٌ بِحَقِّكُمْ.

حدیث:

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم فرمودند:
 خداوند تبارک و تعالی برای برادرم علیّ بن ابیطالب علیه السّلام فضائلی
 قرار داده است که غیر از خودش «غیر از خداوند متعال» هیچکس نمی تواند
 آنها را شمارش نماید.

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم در ادامه فرمایش خویش
 فرمودند:

هرکس به فضیلتی از فضائل امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام
 گوش کند درحالی که به آن اعتقاد و ایمان دارد، خداوند متعال گناهای را که
 او با گوشش مرتکب شده می بخشد.

هرکس به نوشته ای از فضائل امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام نگاه
 کند درحالی که به آن اعتقاد و ایمان دارد، خداوند متعال گناهای را که او با
 چشمش مرتکب شده می بخشد.

هرکس فضیلتی از فضائل امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام را
 بنویسد درحالی که به آن اعتقاد و ایمان دارد «درحالی که آن را پذیرفته»، تا
 زمانی که آن نوشته باقی است «تا زمانی که اثری از آن نوشته باقی است» ملائکه
 الهی پیوسته برای او طلب مغفرت می کنند «تمام ملائکه الهی پیوسته برای او
 طلب آمرزش می کنند».

هرکس فضیلتی از فضائل امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام را
 درحالی که به آن اقرار و ایمان دارد یاد کند «نقل کند»، خداوند متعال گناهان
 گذشته و آینده او را می بخشد، گرچه آن شخص با گناه جنّ و انس وارد قیامت
 شود «گرچه آن شخص با اندازه گناه جنّ و انس به محشر پا بگذارد».

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم در ادامه فرمایش

خویش فرمودند:

نگاه کردن به امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام عبادت است، و یاد کردن امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام عبادت می باشد. وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله و سلم در پایان فرمایش خویش فرمودند:

ایمان کسی جز با پذیرش ولایت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام و بیزاری از دشمنان آن حضرت پذیرفته نمی شود «خداوند متعال ایمان بنده ای را نمی پذیرد مگر اینکه آن شخص به امامت و ولایت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام ایمان داشته باشد و از دشمنان آن حضرت بیزار باشد»^۱.

توضیح:

این حدیث شریف علاوه بر منابع شیعه در منابع معتبر اهل سنت نیز آمده و علماء معروف اهل سنت نیز این حدیث شریف را نقل نموده اند که دو نمونه آنها را ذیلاً ملاحظه می فرمایید.

۱- خطیب خوارزمی در مناقب

۲- قندوزی در ینابیع المودّه^۲

پس از ارائه توضیحات مختصری در رابطه با شانزدهمین مورد از فضائل و مناقب و ویژگی های امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام، می پردازیم به هفدهمین مورد از فضائل و مناقب و ویژگی های آن حضرت.

۱. امالی شیخ صدوق، صفحه ۲۲۱، حدیث ۹ «مجلس بیست و هشتم».
جَنَّةُ الْعَاصِمَةِ، تألیف آیت الله سیدمحمدحسن میرجهانی، فصل نهم، صفحه ۲۷۱، حدیث دوم، ذیل عنوان: مختصری از فضائل امیرالمؤمنین علیه السلام.
قطره ای از دریای فضائل اهل بیت علیهم السلام، تألیف آیت الله سیداحمد مستنبط، جلد اول، صفحه ۲۸ و ۲۹، مقدمه مؤلف.

۲. جَنَّةُ الْعَاصِمَةِ، تألیف آیت الله سیدمحمدحسن میرجهانی، فصل نهم، صفحه ۲۷۱، «پاورقی ذیل حدیث دوم».

✽ منقبت هفدهم:

در علو مقام دوّمین شخصیت عالم خلقت یعنی وجود مقدّس مولی الموحّدين امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام همین بس، که:
ولایت آن حضرت ولایت خداوند متعال است.

قابل ذکر است که:

همه حضرات معصومین اینگونه هستند، یعنی:
ولایت همه حضرات معصومین علیهم السّلام ولایت خداوند متعال است،
لیکن وجود مقدّس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام بعد از وجود
مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم در صدر واقع شده است.
در این رابطه احادیث فراوانی از ناحیه وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله
علیه و آله و سلّم و ائمه معصومین علیهم السّلام صادر شده که به عنوان نمونه
فقط به یک حدیث شریف اشاره می شود.

حدیث:

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم درباره مظهریت ولایت
امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام فرمودند:

وَلَايَةُ عَلِيِّ بْنِ أَبِيطَالِبٍ وَلَايَةُ اللَّهِ،

وَحُبُّهُ عِبَادَةُ اللَّهِ،

وَإِتِّبَاعُهُ فَرِيضَةُ اللَّهِ،

وَأَوْلِيَاؤُهُ أَوْلِيَاءُ اللَّهِ،

وَأَعْدَائُهُ أَعْدَاءُ اللَّهِ،

وَحَرْبُهُ حَرْبُ اللَّهِ،

وَسَلْمُهُ سَلْمُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ، یعنی:

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم فرمودند:

ولایت علی بن ابیطالب علیه السلام ولایت خداوند متعال است،
 محبت علی بن ابیطالب علیه السلام عبادت خداوند متعال است،
 اطاعت از علی بن ابیطالب علیه السلام واجب الهی است،
 دوستان علی بن ابیطالب علیه السلام دوستان خداوند متعال هستند،
 دشمنان علی بن ابیطالب علیه السلام دشمنان خداوند متعال هستند،
 جنگ با علی بن ابیطالب علیه السلام جنگ با خداوند متعال است،
 و صلح با علی بن ابیطالب علیه السلام صلح با خداوند متعال است،^۱
 و وجود مقدس فاطمه زهرا سلام الله علیها کفو یعنی همتا و همپراز و شبیه
 و نظیر چنین شخصیت عظیم الشانی است.

پس از ارائه توضیحات مختصری در رابطه با هفدهمین مورد از فضائل و
 مناقب و ویژگی های امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام، می پردازیم به
 هجدهمین مورد از فضائل و مناقب و ویژگی های آن حضرت.

* منقبت هجدهم:

در علو مقام دومین شخصیت عالم خلقت یعنی وجود مقدس مولی الموحّدین
 امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام همین بس، که:
 خداوند متعال می فرماید:

ولایت علی بن ابیطالب «علیه السلام» قلعه و حصار و دژ محکم و نفوذناپذیر
 من است،

و هر کس داخل قلعه و حصار و دژ من بشود از عذاب من در امان است.
 انشاء الله تعالی در بخش حدیث و توضیحات ذیل حدیث شریف به این

۱. امالی شیخ صدوق، صفحه ۵۷، حدیث ۳ «مجلس نهم».

شرح زیارت جامعه کبیره «ادب فنای مقربان»، تألیف آیت الله جوادی آملی، جلد دهم، صفحه ۳۴۴، ذیل عنوان:
 فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لَا مَعَ عَدُوِّكُمْ.

مطلب اشاره خواهد شد.

حِصْنٌ = پناهگاه، قلعه، حصار، دژ،

حَصِينٌ = محکم، استوار،

حِصْنٌ حَصِينٌ = قلعه محکم و استوار، حصار محکم و استوار، دژ محکم و استوار.

حدیث:

۱- وجود مقدّس امام رضا علیه السّلام از وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم نقل می‌کند که آن حضرت فرمودند:
يَقُولُ اللهُ عَزَّوَجَلَّ:

وَلَايَةُ عَلِيِّ بْنِ أَبِيطَالِبٍ حِصْنِي،

فَمَنْ دَخَلَ حِصْنِي أَمِنَ مِنْ عَذَابِي، یعنی:

خداوند متعال می‌فرماید:

ولایت علی بن ابیطالب قلعه و حصار و دژ محکم من است،

و هرکس داخل این قلعه و حصار شود از عذاب ایمن خواهد بود.^۱

۲- وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم فرمودند:

جبرئیل از قول خداوند متعال به من خبر داد که خداوند متعال می‌فرماید:

وَلَايَةُ عَلِيِّ بْنِ أَبِيطَالِبٍ حِصْنِي،

فَمَنْ دَخَلَ حِصْنِي أَمِنَ مِنْ عَذَابِي، یعنی:

خداوند متعال می‌فرماید:

۱. عیون اخبار الرضا علیه السّلام، جلد دوم، باب ۳۸، صفحه ۳۰۱، حدیث ۱ «خبری درباره ولایت علی بن ابیطالب علیه السّلام».

شرح زیارت جامعه کبیره «ادب فنای مقرّبان»، تألیف آیت الله جوادی آملی:

جلد سوم، صفحه ۲۳، ذیل عنوان: وَ الدّآدَةُ الحُماة.

جلد هشتم، صفحه ۳۰۳، ذیل عنوان: وَ ضَلَّ مِنْ فارقكم.

جلد نهم، صفحه ۳۰۴، ذیل عنوان: مُحْتَمِلٌ لِعَلِمِكُمْ.

ولایت علی بن ابیطالب قلعه و حصار من است،
 و هر کس داخل این قلعه و حصار بشود از عذاب من ایمن است.
 این حدیث شریف را عبدالله بن عمر از وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله
 علیه و آله و سلم نقل نموده و یکی از علمای معروف اهل سنت به نام حاکم
 حسکانی در کتاب خویش «شواهد التنزیل» آورده است.^۱
 ۳- وجود مقدس امام رضا علیه السلام از وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله
 علیه و آله و سلم نقل می کند که خداوند متعال می فرماید:

أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا،
 خَلَقْتُ الْخَلْقَ بِقُدْرَتِي،
 فَاخْتَرْتُ مِنْهُمْ مَنْ شِئْتُ مِنْ أَنْبِيَائِي،
 وَ اخْتَرْتُ مِنْ جَمِيعِهِمْ مُحَمَّدًا حَبِيبًا وَ خَلِيلًا وَ صَفِيًّا،
 فَبَعَثْتُهُ رَسُولًا إِلَى خَلْقِي،
 وَ اضْطَفَيْتُ لَهُ عَلِيًّا،
 فَجَعَلْتُ لَهُ أَخًا وَ وَصِيًّا وَ وَزِيرًا وَ مُؤَدِّيًّا عَنْهُ مِنْ بَعْدِهِ إِلَى خَلْقِي وَ خَلِيفَتِي عَلَى
 عِبَادِي،

يُبَيِّنُ لَهُمْ كِتَابِي،
 وَ يَسِيرُ فِيهِمْ بِحُكْمِي،
 وَ جَعَلْتُهُ الْعَلَمَ الْهَادِيَ مِنَ الضَّلَالَةِ،
 وَ بَابِي الَّذِي أُوتِيَ مِنْهُ،
 وَ بَيْتِي الَّذِي مَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا مِنْ نَارِي،
 وَ حِصْنِي الَّذِي مَنْ لَجَأَ إِلَيْهِ حَصَّنَهُ مِنْ مَكْرُوهِ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ، يَعْنِي:
 خداوند متعال می فرماید:

۱. شرح زیارت جامعه کبیره، تألیف آیت الله سید محمد تقی نقوی، صفحه ۳۶۵، ذیل عنوان: مَنِ اعْتَصَمَ بِكُمْ فَقَدْ
 اعْتَصَمَ بِاللَّهِ.

منم معبود یکتا «منم خداوندی که معبودی جز من نیست»،
 که با قدرت خودم مخلوقات را آفریدم،
 و از میان آنها انبیاء خود را برگزیدم،
 و از میان انبیاء، محمد را حبیب و خلیل و صفی خودم انتخاب کردم،
 و او را به عنوان رسول به خلق مبعوث نمودم،
 و علی را برادر و وصی و وزیر او قرار دادم،
 و علی را به عنوان خلیفه خودم «جانشین خودم» برگزیدم تا قرآن را برای
 مردم بیان کند و دستوراتم را در میان آنها انجام دهد.
 علی را پرچم هدایت بندگانم قرار دادم تا از طریق او وارد خانه و درگاهم
 شوند،

خانه‌ای که هرکس وارد آن شود از عذاب من در امان است.
 علی قلعه و دژ من است که هرکس به او پناه ببرد از هر گزندى در امان
 است، چه گزند اُخروی و چه گزند دنیوی «حِصْنِي الَّذِي مَنْ لَجَأَ إِلَيْهِ حَصَّنَهُ مِنْ
 مَكْرُوهِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ».

در انتهای این حدیث شریف قدسی آمده که:

خداوند متعال به عزّت و جلال خویش سوگند یاد کرده و می‌فرماید:

فَبِعِزَّتِي حَلَفْتُ،

وَبِجَلَالِي أَقْسَمْتُ،

أَنَّهُ لَا يَتَوَلَّى عَلِيًّا عَبْدٌ مِنْ عِبَادِي إِلَّا زَحَزَحْتُهُ عَنِ النَّارِ وَأَدْخَلْتُهُ الْجَنَّةَ،
 وَلَا يُبْعِضُهُ عَبْدٌ مِنْ عِبَادِي وَ يَعْدِلُ عَنِّ وَلَا يَتَّبِعُهُ إِلَّا ابْغَضْتُهُ وَأَدْخَلْتُهُ النَّارَ وَ بئْسَ
 الْمَصِيرُ، یعنی:

خداوند متعال به عزّت و جلال خویش سوگند یاد کرده و می‌فرماید «فرمود»:

به عزّت خودم سوگند خورده‌ام،

و به جلالم قسم یاد کرده‌ام که:

هرکس علی بن ابیطالب را به عنوان ولی و سرپرست خود انتخاب کند «آن حضرت را امام خویش و وصی بلافضل پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بدانند» او را از آتش جهنم دور کرده و وارد بهشت می‌نمایم، و هرکس از ولایت علی بن ابیطالب اعراض کند «امامت و ولایت آن حضرت را نپذیرد» و با او دشمنی نماید من هم با او دشمنی کرده و او را داخل جهنم می‌کنم،

و جهنم بد جایگاهی است.^۱

ملاحظه فرمودید که:

خداوند متعال در این حدیث شریف قدسی، وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام را حِصْن و قلعه خویش دانسته و فرموده:

علی بن ابیطالب علیه السلام:

حِصْنِي الَّذِي مَنْ لَجَأَ إِلَيْهِ حَصَّنَهُ مَكْرُوهُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، يَعْنِي:

خداوند متعال می‌فرماید «فرمود»:

علی بن ابیطالب قلعه و حصار و دژ من است،

که هرکس به او پناه ببرد از هر گزند در امان است،

چه گزند اخروی و چه گزند دنیوی.

توضیح:

الف: حدیث شریف قدسی است که خداوند متعال می‌فرماید:

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حِصْنِي،

۱. عیون اخبار الرضا علیه السلام، جلد دوم، اخبار مجموعه، باب ۳۱، صفحه ۷۰ تا ۷۲، حدیث ۱۹۱.

امالی شیخ صدوق، صفحه ۳۵۰ تا ۳۵۳، حدیث ۱۰ «مجلس سی و نهم».

تفسیر صافی، جلد دوم، صفحه ۱۴۰ و ۱۴۱ «ذیل آیه ۱۸۵ سوره آل عمران».

تفسیر نورالثقلین، جلد اول، صفحه ۹۰۳، حدیث ۴۷۲ «حدیث ۱۸۱۵» «ذیل آیه ۱۸۵ سوره آل عمران».

فَمَنْ دَخَلَ حِصْنِي أَمِنَ مِنْ عَذَابِي، یعنی:

خداوند متعال می فرماید:

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ «یعنی توحید، یعنی اقرار به یگانگی خداوند متعال» قلعه و دژ محکم و استوار من است،

و هرکس داخل قلعه و دژ من بشود از عذاب من ایمن است، یعنی:

خداوند متعال می فرماید:

هرکس به یگانگی من اعتراف و اقرار کند،

وارد قلعه و دژ من شده است و از عذاب من ایمن است.^۱

ب: در احادیث شریف قدسی «حدیث ۱ و ۲ و ۳» ملاحظه فرمودید که:

خداوند متعال ولایت علی بن ابیطالب علیه السلام را حِصْن یعنی قلعه و دژ خویش دانسته و فرموده:

وَلَايَةُ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ حِصْنِي فَمَنْ دَخَلَ حِصْنِي أَمِنَ مِنْ عَذَابِي، یعنی:

ولایت علی بن ابیطالب قلعه و دژ محکم و استوار من است «یعنی خداوند متعال»،

و هرکس وارد قلعه و دژ من بشود از عذاب من ایمن است.

ملاحظه فرمودید که:

طبق این احادیث شریف قدسی،

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، یعنی اقرار به وحدانیت و یگانگی خداوند متعال قلعه و دژ

محکم و استوار خداوند متعال است،

و هرکس وارد این قلعه و این دژ بشود «یعنی قلعه و دژ توحید» از عذاب

۱. امالی شیخ صدوق، صفحه ۳۷۲ و ۳۷۳، حدیث ۸ «مجلس چهل و یکم».

عیون اخبار الرضا علیه السلام، جلد دوم، باب ۳۷، صفحه ۲۹۸ تا ۳۰۰، حدیث ۴ «فرمایشات امام رضا علیه السلام هنگام خروج از نیشابور».

شرح زیارت جامعه کبیره «ادب فنای مقربان»، تألیف آیت الله جوادی آملی، جلد هشتم، صفحه ۳۰۳، ذیل عنوان: وَ ضَلَّ مَنْ فَارَقَكُمْ.

خداوند متعال ایمن است.

همچنین ملاحظه فرمودید که:

ولایت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام «همچنین ولایت و امامت دیگر ائمه معصومین علیهم السّلام» قلعه و دژ محکم و استوار خداوند متعال است،

و هرکس وارد این قلعه و این دژ بشود «یعنی قلعه و دژ امامت و ولایت ائمه معصومین علیهم السّلام و در رأس آنها امامت و ولایت مولی الموحّدين امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام» از عذاب خداوند متعال ایمن است. در شرح زیارت جامعه کبیره تألیف آیت الله سیّد محمّد تقی نقوی و آیت الله جوادی آملی در این رابطه توضیحاتی ارائه شده است که به اختصار به آنها اشاره می شود.

در مجلّدات مختلف شرح جامعه کبیره «ادب فنای مقربان» تألیف آیت الله جوادی آملی به تناسب فرازهای مختلف زیارت نورانی و شریف جامعه کبیره به این دو حدیث شریف قدسی «۱- لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حِصْنِي فَمَنْ دَخَلَ حِصْنِي أَمِنَ مِنْ عَذَابِي؛ ۲- وَوَلَايَةُ عَلِيٍّ بْنِ أَبِيطَالِبٍ حِصْنِي فَمَنْ دَخَلَ حِصْنِي أَمِنَ مِنْ عَذَابِي» اشاره شده و راجع به آن توضیحاتی ارائه شده است که به اختصار به آنها اشاره می شود.

در جلد دوم این کتاب ارزشمند، ذیل این قسمت از فرمایش نورانی امام هادی علیه السّلام «وَذَوِي النَّهْيِ وَ أَوْلِيَا الْحِجْمِي» آمده که:

۱- اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله و سلّم «امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام و فاطمه زهرا سلام الله علیها و یازده امام معصوم از نسل و ذریه آن دو بزرگوار» خلیفه «جانشین» تامّ خداوند متعال می باشند، لذا:

در عالم امکان و در جهان هستی آیتی برتر از آن ذوات مقدّسه وجود ندارد.

۲- آنچه برای خداوند متعال بالاصاله و بالاستقلال ثابت است برای این

ذوات مقدّسه «وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام» نیز ثابت است، لیکن به صورت فرع و به نحو عَرَض و تَبَعی، مگر آنچه ویژه حضرت ربوبی باشد «یعنی این ذوات مقدّسه مظهر اتمّ و اکمل اسماء و صفات خداوند متعال هستند و همه اینها را خداوند متعال به آن ذوات مقدّسه اعطا فرموده است».

۳- هرچه برای این ذوات مقدّسه به عنوان خلفاء الهی «جانشینان خداوند متعال در عالم خلقت» ثابت است به این جهت است که آن بزرگواران مظاهر اتمّ و اکمل اسماء حسنیای خداوند متعال می باشند، نه در عرض اسماء و صفات خداوند متعال، زیرا:

موضوع مظهریّت خلیفه نسبت به مُستخلفُ عَنْهُ از سنخ قرار گرفتن چیزی در عرض چیز دیگر نیست.

۴- آنچه در دعای شریف جوشن کبیر برای خداوند متعال یاد شده است در زیارت نورانی و شریف جامعه کبیره برای خلفاء خداوند متعال «یعنی وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام» ثابت است، بنابراین:

اگر دعای شریف جوشن کبیر قلعه و دژ توحید است،

زیارت شریف جامعه کبیره قلعه و دژ ولایت است، یعنی:

دعای شریف جوشن کبیر مایه دخول در قلعه و دژ محکم توحید است، «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حِصْنِي فَمَنْ دَخَلَ حِصْنِي أَمِنَ مِنْ عَذَابِي» و نگهبان این دژ و این قلعه خداوند متعال است،

و زیارت شریف جامعه کبیره مایه دخول در قلعه و دژ محکم ولایت است «وَلَايَةُ عَلِيٍّ بْنِ أَبِيطَالِبٍ حِصْنِي فَمَنْ دَخَلَ حِصْنِي أَمِنَ مِنْ عَذَابِي»

و نگهبان این دژ و این قلعه، خلیفه خداوند متعال است «یعنی وجود مقدّس

مولی الموحِّدین امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السَّلام».

۵- چون حِصْن ولایت «قلعه و دژ ولایت» به منزله دهلیز یا دالان ورودی به حِصْن توحید «قلعه و دژ توحید» است، لذا:

نگهبان بودن امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السَّلام برای قلعه و دژ ولایت به مثابه خلافت و جانشینی از نگهبانی خداوند متعال است.^۱
توحید، حِصْن حَصین الهی است «توحید، قلعه و دژ محکم الهی است» و وارد شدن در داخل این قلعه باعث می‌شود تا انسان از هر گزند و از هرگونه عذابی محفوظ بماند و ایمن باشد «یعنی: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حِصْنِي فَمَنْ دَخَلَ حِصْنِي أَمِنَ مِنْ عَذَابِي».

لیکن حصین بودن این دژ «محکم بودن این قلعه» مشروط به ولایتمداری است، یعنی:

محکم بودن قلعه و دژ مشروط به ولایتمداری است، لذا:

اگر در تعبیری جداگانه از ولایت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السَّلام که در واقع ولایت اهل بیت گرانقدر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می‌باشد به عنوان قلعه و دژ یاد شده و آمده که «وَلَايَةُ عَلِيٍّ بْنِ أَبِيطَالِبٍ حِصْنِي فَمَنْ دَخَلَ حِصْنِي أَمِنَ مِنْ عَذَابِي»، ناظر به اشتراک توحید به ولایت است «ناظر به این است که پذیرش توحید مشروط به پذیرش ولایت ائمه معصومین علیهم السَّلام می‌باشد که در حدیث معروف سِلْسِلَةُ الذَّهَبِ آمده است «انشاء الله تعالی در ادامه بحث به حدیث شریف سِلْسِلَةُ الذَّهَبِ که از ناحیه وجود مقدس امام رضا علیه السَّلام صادر شده اشاره خواهد شد»،

و چون ائمه معصومین علیهم السَّلام خلیفه تام خداوند متعال هستند «جانشین

۱. شرح جامعه کبیره «ادب فنای مقرَّبان»، تألیف آیت الله جوادی آملی، جلد دوم، صفحه ۷۰ و ۷۱، ذیل عنوان: وَ ذَوِي النَّهْيِ وَ أَوْلَى الْحِجَى.

تامّ خداوند متعال هستند»، لذا:

ولایت آن ذوات مقدّسه قلعه و دژ الهی است،
و خود آن ذوات مقدّسه نگهبانان قلعه و دژ الهی هستند «ائمه معصومین
علیهم السّلام نگهبانان قلعه و دژ توحید هستند» که داخل شدن در آن قلعه
سبب مصونیت از هر آسیب و گزندى است.^۱
در جلد سوّم این کتاب ارزشمند، ذیل این قسمت از فرمایش نورانی امام
هادی علیه السّلام «وَ الذّادَةُ الحُماةُ» آمده که:

ولایت ائمه معصومین علیهم السّلام مانند توحید، قلعه و پناهگاه مستحکمی
است که هرکس وارد آن شود «هرکس به آن ایمان بیاورد و آن را بپذیرد» از
امنیت کامل برخوردار می شود و از عذاب الهی در امان می ماند،
و این موضوع، فرمایش خداوند متعال است که می فرماید:

وَلَايَةُ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ حِصْنِي،
فَمَنْ دَخَلَ حِصْنِي أَمِنَ مِنْ عَذَابِي، یعنی:
خداوند متعال می فرماید:

ولایت علی بن ابیطالب قلعه و دژ من است،
و هرکس داخل این قلعه و دژ بشود از عذاب من در امان می باشد «یعنی
هرکس امامت و ولایت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام را بپذیرد و
به آن ایمان بیاورد وارد قلعه و دژ محکم و استوار خداوند متعال شده است و
از عذاب الهی ایمن می باشد».^۲

در جلد هشتم این کتاب ارزشمند، ذیل این قسمت از فرمایش نورانی امام

۱. شرح جامعه کبیره «ادب فنای مقرّبان»، تألیف آیت الله جوادی آملی، جلد دوّم، صفحه ۸۲، ذیل عنوان: وَ كَهْفِ
الْوَرَى.

۲. شرح زیارت جامعه کبیره «ادب فنای مقرّبان»، تألیف آیت الله جوادی آملی، جلد سوّم، صفحه ۲۲ و ۲۳، ذیل
عنوان: وَ الذّادَةُ الحُماةُ.

هادی علیه السلام «وَضَلَّ مَنْ فَارَقَكُمْ وَ فَازَ مَنْ تَمَسَّكَ بِكُمْ وَ آمِنَ مَنْ لَجَأَ إِلَيْكُمْ»
آمده که:

خداوند متعال ولایت ائمه معصومین علیهم السلام را همانند ولایت خود دانسته و فرموده:

وَلَايَةُ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ حِصْنِي،

فَمَنْ دَخَلَ حِصْنِي آمِنَ مِنْ عَذَابِي،

و وجود مقدس امام رضا علیه السلام در حدیث معروف سِلْسِلَةُ الذَّهَبِ، پناهندگی در قلعه و دژ خداوند متعال را منوط به پذیرش ولایت و امامت ائمه معصومین علیهم السلام دانسته و فرموده:

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حِصْنِي فَمَنْ دَخَلَ حِصْنِي آمِنَ مِنْ عَذَابِي،

بَشْرُوطِهَا وَ أَنَا مِنْ شُرُوطِهَا، یعنی:

وجود مقدس امام رضا علیه السلام فرمودند:

خداوند متعال می فرماید:

توحید «اقرار به یگانگی و وحدانیت خداوند متعال» قلعه و دژ محکم من است،

و هرکس وارد قلعه و دژ من بشود «هرکس لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ بگوید و به توحید یعنی به یگانگی خداوند متعال ایمان بیاورد» از عذاب من «یعنی خداوند متعال» ایمن می باشد.

وجود مقدس امام رضا علیه السلام به عنوان خلیفة الله «خلیفه و جانشین تام خداوند متعال» پس از بیان این حدیث شریف قدسی «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حِصْنِي فَمَنْ دَخَلَ حِصْنِي آمِنَ مِنْ عَذَابِي» اضافه فرمودند:

بَشْرُوطِهَا وَ أَنَا مِنْ شُرُوطِهَا، یعنی:

اهل توحید «یعنی کسانی که به یگانگی و وحدانیت خداوند متعال ایمان

دارند» به شرطی از عذاب الهی ایمن هستند که ولایت و امامت مرا «همچنین ولایت و امامت سایر ائمه معصومین علیهم السلام» بپذیرند.

در واقع امام رضا علیه السلام در این حدیث شریف که به حدیث سلسله الذهب معروف می‌باشد، پناهندگی در قلعه امن الهی را وامدار پذیرش ولایت ائمه معصومین علیهم السلام دانسته است، لذا:

معنی فرمایش نورانی امام رضا علیه السلام در این حدیث شریف این می‌شود که:

هر کس لا اله الا الله بگوید، یعنی:

هر کس به وحدانیت و یگانگی خداوند متعال ایمان بیاورد،

و به ولایت و امامت دوازده امام معصوم علیهم السلام نیز معتقد باشد،

در این صورت وارد بهشت می‌شود و از عذاب الهی در امان است.^۱

در جلد نهم این کتاب ارزشمند، ذیل این قسمت از فرمایش نورانی امام هادی علیه السلام «مُوَالٍ لَكُمْ وَ لِأَوْلِيَائِكُمْ، مُبْعِضٌ لِأَعْدَائِكُمْ وَ مُعَادٍ لَهُمْ» آمده که:

همانطور که مدینه علم نبوت بابتی دارد و آن باب، امامت است «اشاره به

فرمایش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم که فرمودند:

«أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَ عَلِيٌّ بَابُهَا»، حصن توحید «قلعه و دژ توحید» هم شرایطی

دارد و امامت امام معصوم شرط آن است،

که وجود مقدس امام رضا علیه السلام در حدیث معروف سلسله الذهب

فرمودند که:

خداوند متعال می‌فرماید:

لا اله الا الله حصني فمن دخل حصني امن من عذابي،

و سپس وجود مقدس امام رضا علیه السلام اضافه فرمودند که:

۱. شرح زیارت جامعه کبیره «ادب فنای مرقبان»، تألیف آیت الله جوادی آملی، صفحه ۳۰۲ و ۳۰۳، ذیل عنوان: وَ صَلَّى مَنْ فَارَقَكُمْ وَ فَارَ مَنْ تَمَسَّكَ بِكُمْ وَ آمِنَ مَنْ لَجَأَ إِلَيْكُمْ.

بَشْرُوطِهَا وَ أَنَا مِنْ شُرُوطِهَا، یعنی:

ورود به قلعه و دژ توحید «معتقد شدن به وحدانیت و یگانگی خداوند متعال» باعث می شود تا انسان اهل بهشت شود و از جهنم نجات پیدا نماید،

لیکن این قضیه مشروط به این است که:

انسان پس از گفتن لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ و پس از ورود به قلعه و دژ توحید به امامت ائمه معصومین علیهم السَّلام «و در این حدیث شریف به امامت وجود مقدس امام رضا علیه السَّلام» ایمان بیاورد،

و همانطور که ورود به شهر علم فقط از طریق باب مدینه علم «درب شهر علم» میسر و مقدور است،

ورود در حصن توحید «قلعه توحید» نیز فقط از طریق پذیرش امامت و ولایت ائمه معصومین علیهم السَّلام که خلفاء الهی هستند میسر و مقدور می باشد.^۱

همانگونه که اقرار به وحدانیت و یگانگی خداوند متعال طبق این حدیث شریف قدسی «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حِصْنِي فَمَنْ دَخَلَ حِصْنِي أَمِنَ مِنْ عَذَابِي» قلعه و دژ استوار و ایمنی بخش برای موحدین «یکتاپرستان» و مؤمنین می باشد،

پذیرش ولایت و امامت ائمه معصومین علیهم السَّلام نیز طبق این حدیث شریف قدسی «وَلَايَةُ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ حِصْنِي فَمَنْ دَخَلَ حِصْنِي أَمِنَ مِنْ عَذَابِي» قلعه و دژ استوار و ایمنی بخش برای درماندگان و آسفتگان به شمار می رود.

در اهمیت ولایت و امامت ائمه معصومین علیهم السَّلام که خلفاء خداوند متعال «جانشینان خداوند» و حجت های خداوند متعال بر مخلوقات می باشند همین بس، که:

وجود مقدس امام صادق علیه السَّلام فرمودند:

۱. شرح زیارت جامعه کبیره «ادب فنای مقرران»، تألیف آیت الله جوادی آملی، جلد نهم، صفحه ۲۳۹، ذیل عنوان: مُوَالٍ لَكُمْ وَ لِأَوْلِيَائِكُمْ.

نَحْنُ الَّذِينَ فَرَضَ اللَّهُ طَاعَتَنَا،
 مَنْ عَرَفَنَا كَانَ مُؤْمِنًا،
 وَ مَنْ أَنْكَرَنَا كَانَ كَافِرًا، یعنی:

وجود مقدّس امام صادق علیه السّلام فرمودند:

ما «ائمه معصومین علیهم السّلام» کسانی هستیم که خداوند متعال اطاعت از ما را بر همه مخلوقات واجب فرموده است، هر کس ما را بشناسد «به عنوان امام معصوم و حجّت خداوند متعال» مومن است،

و هر کس ما را انکار کند «هر کس ولایت و امامت ما را انکار نماید» کافر است.^۱

در کتاب ارزشمند شرح زیارت جامعه کبیره تألیف آیت الله سیّد محمد تقی نقوی ذیل این قسمت از فرمایش نورانی امام هادی علیه السّلام «وَبِمُؤَالَاتِكُمْ تَمَّتِ الْكَلِمَةُ وَ عَظُمَتِ النِّعْمَةُ» آمده که:

کلمه توحید که عبارت از لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ می باشد به موالات شما «پذیرش امامت و ولایت شما ائمه معصومین علیهم السّلام» کامل شد و از نقص به کمال رسید، لذا:

توحید دیگران ناقص است و توحید شما کامل،
 بنابراین:

کسی که درس توحید را از شما ائمه معصومین علیهم السّلام آموخت در خداشناسی کامل است،

و اگر از دیگران آموخت توحید او ناقص می باشد، یعنی:
 توحید بدون ولایت ناقص است،

۱. شرح زیارت جامعه کبیره «ادب فنای مقربان»، تألیف آیت الله جوادی آملی، جلد نهم، صفحه ۳۰۴ تا ۳۰۶، ذیل عنوان: مُحْتَمِلٌ لِعِلْمِكُمْ مُحْتَجِبٌ بِذِمَّتِكُمْ

و توحید وقتی کامل می شود که با ولایت باشد،

و به عبارت دیگر:

ولایت، مکمل توحید است،

و به عبارت دیگر:

ولایت، شرط در توحید است، لذا:

وقتی که وجود مقدس امام رضا علیه السلام در نیشابور این حدیث شریف

قدسی را بیان فرمودند «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حِصْنِي فَمَنْ دَخَلَ حِصْنِي أَمِنَ مِنْ عَذَابِي»

برای آنکه مردم به حقیقت امر واقف گردند اضافه فرمودند که:

بِشُرُوطِهَا،

وَ أَنَا مِنْ شُرُوطِهَا، یعنی:

وجود مقدس امام رضا علیه السلام در نیشابور فرمودند:

اقرار به وحدانیت و یگانگی خداوند متعال قلعه و دژ محکم و استوار

خداوند متعال است و هرکس داخل این قلعه محکم و استوار بشود از عذاب

الهی در امان است، یعنی این شخص اهل بهشت می باشد،

و سپس وجود مقدس امام رضا علیه السلام اضافه فرمودند که:

اهل توحید «کسانی که به وحدانیت و یگانگی خداوند متعال ایمان دارند»

به شرطی از عذاب الهی ایمن هستند که امامت و ولایت مرا «همچنین امامت

و ولایت سایر ائمه معصومین علیهم السلام» بپذیرند.

وجود مقدس امام رضا علیه السلام با اضافه نمودن جمله بِشُرُوطِهَا وَ أَنَا مِنْ

شُرُوطِهَا به مردم اعلام فرمودند تا همگان بدانند که:

بدون ولایت نمی شود موحد بود، زیرا:

ولایت به منزله روح است،

و اسلام به منزله جسم و تن،

و جسم بی روح ارزشی ندارد،

و خلاصه کلام اینکه:

کمال و تمام توحید با پذیرش ولایت و امامت ائمه معصومین علیهم السلام می باشد.^۱

ملاحظه فرمودید که:

خداوند متعال می فرماید «فرمود»:

الف: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حِصْنِي،

فَمَنْ دَخَلَ حِصْنِي أَمِنَ مِنْ عَذَابِي، یعنی:

خداوند متعال می فرماید «فرمود»:

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ «یعنی توحید، یعنی اقرار به وحدانیت و یگانگی خداوند متعال»
قلعه و دژ محکم و استوار من است،
و هرکس داخل قلعه و دژ من بشود «هرکس وارد قلعه و دژ توحید بشود»
از عذاب من ایمن است.

همچنین ملاحظه فرمودید که:

خداوند متعال می فرماید «فرمود»:

ب: وَلَايَةُ عَلِيٍّ بْنِ أَبِيطَالِبٍ حِصْنِي فَمَنْ دَخَلَ حِصْنِي أَمِنَ مِنْ عَذَابِي، یعنی:

خداوند متعال می فرماید «فرمود»:

ولایت علی بن ابیطالب قلعه و دژ محکم و استوار من است،
و هرکس داخل قلعه و دژ من بشود «هرکس امامت و ولایت امیرالمؤمنین
علی بن ابیطالب علیه السلام را بپذیرد» از عذاب من ایمن است.

وجود مقدس فاطمه زهرا سلام الله علیها کفو یعنی همتا و همطراز و شبیه
و نظیر چنین شخصیت عظیم الشان و والامقامی است که بعد از وجود مبارک

۱. شرح زیارت جامعه کبیره، تألیف آیت الله سیدمحمدتقی نقوی، صفحه ۵۷۶، ذیل عنوان: وَ بِمُؤَلَاتِكُمْ تَمَّتِ
الْكَلِمَةُ وَ عَظُمَتِ التَّعَمُّةُ.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در صدر همه مخلوقات الهی قرار گرفته و بعد از آن حضرت، بهترین مخلوق خداوند متعال می باشد، و شبیه و نظیر ندارد مگر وجود مقدس فاطمه زهرا سلام الله علیها که انشاء الله تعالی در خاتمه بحث به این احادیث شریف اشاره خواهد شد.

پس از ارائه توضیحات مختصری در رابطه با هجدهمین مورد از فضائل و مناقب و ویژگی های امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام، می پردازیم به نوزدهمین مورد از فضائل و مناقب و ویژگی های آن حضرت.

* منقبت نوزدهم:

در علو مقام دوّمین شخصیت عالم خلقت یعنی وجود مقدس مولی الموحّدين امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام همین بس، که: وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در باره آن حضرت فرمودند: هر کس بعد از من با امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام مخالفت نماید کافر است.

انشاء الله تعالی در بخش حدیث به این موضوع اشاره خواهد شد.

حدیث:

۱- وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

الْمُخَالَفُ عَلِيَّ بْنِ ابِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ بَعْدِي كَافِرٌ، یعنی:

وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

مخالفت کننده با علی بن ابیطالب علیه السلام کافر است، یا:

هر کس بعد از من «یعنی پیامبر اکرم» با علی بن ابیطالب علیه السلام مخالفت

کند کافر است.^۱

۲- وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

مَنْ خَالَفَ عَلِيًّا حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ وَ جَعَلَ مَأْوَاهُ النَّارَ، یعنی:

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

هر کس با علی بن ابیطالب علیه السّلام مخالفت نماید، خداوند متعال بهشت را بر او حرام نموده است،

و جایگاه چنین شخصی جهنّم می باشد، یعنی:

خداوند متعال بهشت را بر مخالفین امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام حرام نموده است،

و جایگاه مخالفین علی بن ابیطالب علیه السّلام جهنّم می باشد.^۲

ملاحظه فرمودید که:

طبق این دو حدیث شریف که از بین دهها حدیث به عنوان نمونه انتخاب شد هر کس با وجود مقدّس مولی الموحّدين امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام مخالفت نماید کافر است و جایگاه او جهنّم می باشد، و خداوند متعال بهشت را بر مخالفین امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام حرام نموده، و جهنّم را جایگاه آنها قرار داده است.

نه تنها مخالفین امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام کافر قلمداد شده اند، بلکه منکرین امامت و ولایت آن حضرت نیز در زمره کافرین می باشند. در این رابطه «کافر بودن منکرین امامت و ولایت امیرالمؤمنین علی بن

۱. امالی شیخ صدوق، صفحه ۲۳، حدیث ۶ «مجلس سوّم».

شرح زیارت جامعه کبیره «ادب فنای مقربان»، تألیف آیت الله جوادی آملی، جلد ششم، صفحه ۲۵۷، ذیل عنوان: فَالْرَاغِبُ عَنْكُمْ مَارِقٌ.

۲. کمال الدین و تمام النعمه شیخ صدوق، جلد اوّل، باب ۲۴، صفحه ۴۸۹ و ۴۹۰، حدیث ۶، ذیل عنوان: احادیث پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در نصّ بر حضرت قائم علیه السّلام.

شرح زیارت جامعه کبیره «ادب فنای مقربان»، تألیف آیت الله جوادی آملی، جلد هشتم، صفحه ۲۹۵، ذیل عنوان: وَ ضَلَّ مَنْ فَارَقَكُمْ.

ابیطالب علیه السّلام» احادیث فراوانی از ناحیه وجود مقدّس ائمه معصومین علیهم السّلام صادر شده که به عنوان نمونه به دو حدیث شریف اشاره می شود.

۱- وجود مقدّس امام باقر علیه السّلام فرمودند:

إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ نَصَبَ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامَ عِلْمًا بَيْنَهُ وَبَيْنَ خَلْقِهِ،
فَمَنْ عَرَفَهُ كَانَ مُؤْمِنًا،

وَمَنْ أَنْكَرَهُ كَانَ كَافِرًا، یعنی:

وجود مقدّس امام باقر علیه السّلام فرمودند:

خداوند عزوجل امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام را علامت و

نشانه ای میان خود و مخلوقش قرار داد، پس:

هرکس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام را بشناسد «به عنوان امام اول مسلمین و وصی بلا فصل پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم» مؤمن است،

و هرکس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام را انکار نماید «انکار امامت و ولایت آن حضرت» کافر است.

این حدیث را فضیل بن یسار از وجود مقدّس امام باقر علیه السّلام نقل نموده است.^۱

۱. اصول کافی، جلد دوم، کتاب الحجّه، صفحه ۳۲۰، حدیث ۷ «حدیث ۱۱۷۸» «ذیل عنوان: روایات برگزیده و کلی راجع به امر ولایت.»

شرح زیارت جامعه کبیره «ادب فنای مقرّبان»، تألیف آیت الله جوادی آملی،

جلد هشتم، صفحه ۱۴۹، ذیل عنوان: «مَنْ أَتَاكُمْ نَجِيٌّ».

جلد هشتم، صفحه ۳۷۷، ذیل عنوان: مَنْ اتَّبَعَكُمْ فَأَلْجِئْتُمْ مَأْوَاهُ مِنْ خَالَفِكُمْ فَالْتَأَرُ مَثْوَاهُ.

جلد چهارم، صفحه ۳۴۵، ذیل عنوان: وَ أَعْلَامًا لِعِبَادِهِ وَ مَنَارًا فِي بِلَادِهِ.

جلد نهم، صفحه ۲۲۵، ذیل عنوان: أَشْهَدُ اللَّهَ وَ أَشْهَدُكُمْ أَنِّي مُؤْمِنٌ بِكُمْ.

۲- وجود مقدّس امام صادق علیه السّلام فرمودند:
 إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى جَعَلَ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامَ عَلَمًا بَيْنَهُ وَ بَيْنَ خَلْقِهِ،
 فَمَنْ تَبِعَهُ كَانَ مُؤْمِنًا،
 وَ مَنْ جَحَدَهُ كَانَ كَافِرًا،
 وَ مَنْ شَكَّ فِيهِ كَانَ مُشْرِكًا، یعنی:

وجود مقدّس امام صادق علیه السّلام فرمودند:
 خداوند تبارک و تعالی امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام را علامت
 و نشانه‌ای میان خود و مخلوقات خویش قرار داد، پس:
 هرکس از آن حضرت تبعیت و پیروی نماید مؤمن است،
 و هرکس آن حضرت را انکار نماید «هرکس امامت و ولایت آن حضرت
 را انکار نماید» کافر است،
 و هرکس درباره آن حضرت شک و تردید داشته باشد «هرکس درباره
 امامت و ولایت آن حضرت و حَقَانِیَّتِ آن حضرت شک و تردید داشته باشد»
 مُشْرک است.

این حدیث را مفضّل بن عمر از وجود مقدّس امام صادق علیه السّلام نقل
 نموده است.^۱

از سوی دیگر، چون وجود مقدّس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام،
 نماد تمام نمای حق می باشد، امام صادق علیه السّلام نپذیرفتن امامت و ولایت
 آن حضرت را مایه استحقاق عذاب الهی و ورود به آتش جهنّم دانسته است هر
 چند اگر همه اهل زمین باشند، و حدیث شریف این است که:

۱. عقاب الاعمال، تألیف شیخ صدوق، صفحه ۴۶۷، حدیث ۱۱، ذیل عنوان: کيفر دشمن امیرالمؤمنین علیه السّلام
 و منکر امامت و ولایت آن حضرت.

شرح زیارت جامعه کبیره «ادب فنای مَقْرَبَان»، تألیف آیت الله جوادی آملی،
 جلد هشتم، صفحه ۱۳۸، ذیل عنوان: مَنْ أْتَاكُمْ نَجِيٍّ وَ مَنْ لَمْ يَأْتِكُمْ هَلَكٌ.
 جلد دهم، صفحه ۳۵۹، ذیل عنوان: فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لَا مَعَ عَدُوِّكُمْ.

لَوْجَدَ امِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ جَمِيعَ مَنْ فِي الْأَرْضِ، لَعَذَّبَهُمُ اللَّهُ جَمِيعًا وَ أَدْخَلَهُمُ
النَّارَ^۱

توضیح:

در کتاب شرح زیارت جامعه کبیره «ادب فنای مَقْرَبان» تألیف آیت الله جوادی
آملی در رابطه با کافر بودن مخالفین و منکرین امامت و ولایت امیرالمؤمنین
علی بن ابیطالب علیه السلام «همچنین مخالفین و منکرین امامت و ولایت دیگر
ائمه معصومین علیهم السلام» آمده که:

الف: براساس احادیث شریف نبوی، کناره گیری از امامت و ولایت مولی
الموحدین امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام و پشتیبانی از دشمنان آن
حضرت خارج شدن از دین اسلام شمرده شده است،
که به عنوان نمونه به یک حدیث شریف اشاره می شود.

التَّارِكُونَ لِوَلَايَةِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ،
الْمُنْكَرُونَ لِفَضْلِهِ،

وَ الْمُظَاهِرُونَ أَعْدَائِهِ خَارِجُونَ عَنِ الْإِسْلَامِ، یعنی:

ترک ولایت و امامت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام، و انکار
فضائل و مناقب آن حضرت و پشتیبانی از دشمنان آن بزرگوار باعث خارج
شدن شخص از دین اسلام می شود.

بر این اساس، شیعه انکار امامت و ولایت ائمه معصومین علیهم السلام را
مایه کفر و ماندگاری در جهنم می داند.

بسیار روشن است که وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه
السلام نماد جریان امامت و ولایت دانسته شده است،

۱. شرح زیارت جامعه کبیره «ادب فنای مَقْرَبان»، تألیف آیت الله جوادی آملی، جلد هشتم، صفحه ۱۳۸ و ۱۳۹
ذیل عنوان: مَنْ آتَاكُمْ نَجَى وَ مَنْ لَمْ يَأْتِكُمْ هَلَكَ.

و این حقیقت درباره همه ائمه معصومین علیهم السَّلام جریان دارد.^۱
 بر این اساس، شیعیان واقعی و راستین ائمه معصومین علیهم السَّلام باید از
 دشمنان ائمه معصومین علیهم السَّلام و از کسانی که به ائمه معصومین علیهم
 السَّلام ظلم نمودند تبرّی بجویند،

و در این امر شک و تردید به خود راه ندهند، چرا که وجود مقدّس امام
 صادق علیه السَّلام فرمودند:

مَنْ شَكَّ فِي كُفْرِ أَعْدَائِنَا وَ الظَّالِمِينَ لَنَا فَهُوَ كَافِرٌ، یعنی:

وجود مقدّس امام صادق علیه السَّلام فرمودند:

هرکس در کافر بودن دشمنان ما و کافر بودن کسانی که به ما ظلم کردند
 تردید داشته باشد، خود آن شخص کافر است.

آری،

باید از کسانی که به ائمه معصومین علیهم السَّلام و اهل بیت پیامبر اکرم
 صلّی الله علیه وآله و سلّم ظلم نمودند تبرّی جست،

زیرا:

ظلم کنندگان به اهل بیت پیامبر اکرم صلّی الله علیه وآله و سلّم از رحمت
 الهی دور هستند و مورد لعن خداوند متعال می باشند.^۲

پس از ارائه توضیحات مختصری در رابطه با نوزدهمین مورد از فضائل و
 مناقب و ویژگی های امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السَّلام، می پردازیم به
 بیستمین مورد از فضائل و مناقب و ویژگی های آن حضرت.

۱. شرح زیارت جامعه کبیره «ادب فنای مقربان»، تألیف آیت الله جوادی آملی،

جلد هشتم، صفحه ۳۷۶ و ۳۷۷، ذیل عنوان: مَنْ اتَّبَعَكُمْ فَالْجَنَّةُ مَأْوَاهُ.

جلد هشتم، صفحه ۳۹۰، ذیل عنوان: فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لَا مَعَ عَدُوِّكُمْ.

۲. شرح زیارت جامعه کبیره «ادب فنای مقربان»، تألیف آیت الله جوادی آملی، جلد دهم، صفحه ۳۸۱، ذیل عنوان:
 فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لَا مَعَ عَدُوِّكُمْ.

* منقبت بیستم:

در علو مقام دوّمین شخصیت عالم خلقت یعنی وجود مقدّس مولی الموحّدين امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام همین بس، که:
وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله و سلّم درباره آن حضرت فرمودند:

ضَرْبَةُ عَلِيٍّ يَوْمَ الْخَنْدَقِ أَفْضَلُ مِنْ عِبَادَةِ الثَّقَلَيْنِ.

انشاءالله تعالی در بخش حدیث به این موضوع اشاره خواهد شد و توضیحاتی به عرض خواهد رسید.

حدیث:

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم فرمودند:

ضَرْبَةُ عَلِيٍّ يَوْمَ الْخَنْدَقِ أَفْضَلُ مِنْ عِبَادَةِ الثَّقَلَيْنِ، یعنی:

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم فرمودند:

یک ضربت شمشیر امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام در جنگ خندق «جنگ احزاب» افضل و برتر است از عبادت جنّ و انس، یعنی:
ثواب یک ضربت شمشیر مولی الموحّدين امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام در جنگ خندق «جنگ احزاب» که عمرو بن عبدود را به هلاکت رساند از ثواب عبادت جنّ و انس «همه اجنّه و همه انسانها» برتر و بالاتر است.^۱

توضیح:

۱- ثَقَلَيْنِ یعنی جنّ و انس «اجنّه و انسانها»،

۱. امیرالمؤمنین علیه السّلام نفّس نفیس خاتمیّت، تألیف آیت الله وحید خراسانی، صفحه ۱۶۱ و ۱۶۲، مجلس هفتم. فاطمه زهرا سلام الله علیها حلقه وصل رسالت و امامت، تألیف آیت الله وحید خراسانی، صفحه ۲۵۴، مجلس هفدهم شرح زیارت جامعه کبیره «ادب فنای مقرّبان»، تألیف آیت الله جوادی آملی، جلد هفتم، صفحه ۳۰۶ و ۳۰۷، ذیل عنوان: وَ شُهَدَاءُ دَارِ الْفَنَاءِ.

و از این دایره کسی از مکلفین خارج نیست، یعنی:
تمام عبادات مؤمنین اعم از اجته و انسانها در یک کفه،
و یک ضربت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام در جنگ خندق
که عمرو بن عبدود را به هلاکت رساند و باعث پیروزی مسلمین شد در کفه
دیگر،

با این توضیح که این یک ضربت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام
از عبادت تمام اجته و انسانها افضل است، یعنی:
ثواب این یک ضربت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام از ثواب
عبادت جن و انس برتر و بالاتر می باشد.^۱

۲- اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام نه تنها همگی از برترین
مجاهدین و شهیدان راه خدا بودند،
بلکه این ذوات مقدسه از ارزنده ترین نوع جهاد و شهادت برخوردار بودند
که همان حق جهاد است «جَاهَدْتَ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ»،

و به همین جهت است که وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و
سلم درباره یک ضربت شمشیر آن مجاهد بی نظیر تاریخ یعنی وجود مقدس
امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام فرمود:

ضَرْبَةُ عَلِيِّ يَوْمَ الْخَنْدَقِ أَفْضَلُ مِنْ عِبَادَةِ الثَّقَلَيْنِ،

و ارزنده ترین شهادت ها نیز از آن کسی است «یعنی وجود مقدس امیرالمؤمنین
علی بن ابیطالب علیه السلام» که با زبان روزه و در سجده نماز در محراب
مسجد کوفه به شهادت رسید.^۲

۳- وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در جنگ احزاب

۱. امیرالمؤمنین علیه السلام نفس نفیس خاتمیت، تألیف آیت الله وحید خراسانی، صفحه ۱۶۳، مجلس هفتم.
۲. شرح زیارت جامعه کبیره «ادب فنای مقربان»، تألیف آیت الله جوادی آملی، جلد هفتم، صفحه ۳۰۶ و ۳۰۷،
ذیل عنوان: وَ شُهَدَاءُ دَارِ الْفَنَاءِ.

«جنگ خندق» هنگام رفتن امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام برای نبرد

با عمرو بن عبدود فرمود:

بَرَزَ الْإِيْمَانَ كُلُّهُ إِلَى الشِّرْكِ كُلُّهُ، یعنی:

همه ایمان به مبارزه همه شرک رفت.^۱

در توضیح ذیل این حدیث شریف آمده که:

چون دین و ایمان و عقیده و عمل با تمام هستی و با تمام وجود امیرالمؤمنین

علی بن ابیطالب علیه السلام متحد شده، لذا:

وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم از روی حقیقت و نه از

روی مجاز و استعاره فرمودند:

بَرَزَ الْإِيْمَانَ كُلُّهُ إِلَى الشِّرْكِ كُلُّهُ، یعنی:

همه ایمان «یعنی وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام»

به مبارزه همه شرک رفت «یعنی عمرو بن عبدود».^۲

پس از ارائه توضیحات مختصری در رابطه با بیستمین مورد از فضائل و

مناقب و ویژگی‌های امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام، می‌پردازیم به

بیست و یکمین مورد از فضائل و مناقب و ویژگی‌های آن حضرت.

* منقبت بیست و یکم:

در علو مقام دوّمین شخصیت عالم خلقت یعنی وجود مقدس مولی الموحّدين

امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام همین بس، که:

حضرت ابراهیم علیه السلام که از پیامبران اولوالعزم الهی است از خداوند

۱. المیزان، جلد دهم، صفحه ۲۹ «ذیل آیه ۵ سوره مائده».

شرح زیارت جامعه کبیره «ادب فنای مقربان»، تألیف آیت‌الله جوادی آملی،

جلد هفتم، صفحه ۲۴۶، ذیل عنوان: أَنْتُمْ الصِّرَاطُ الْأَقْوَمُ.

جلد ششم، صفحه ۱۵۹، ذیل عنوان: وَ جَاهِدْتُمْ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ.

۲. شرح زیارت جامعه کبیره «ادب فنای مقربان»، تألیف آیت‌الله جوادی آملی،

جلد هفتم، صفحه ۲۴۶، ذیل عنوان: أَنْتُمْ الصِّرَاطُ الْأَقْوَمُ.

متعال درخواست می کند تا او را از شیعیان امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام قرار دهد.

حدیث:

۱- وجود مقدّس امام صادق علیه السلام فرمودند:
هنگامی که خداوند سبحان حضرت ابراهیم علیه السلام را خلق فرمود، او در کنار عرش نوری را مشاهده کرد و سپس به خداوند متعال عرض کرد:
خداوندا:

این نور چیست؟

خداوند متعال به حضرت ابراهیم فرمود:
این نور محمّد است که برگزیده مخلوقات من می باشد.
حضرت ابراهیم در کنار نور حضرت محمّد صلی الله علیه و آله و سلّم نور دیگری دید و به خداوند متعال عرض کرد:
خداوندا:

این نور چیست؟

خداوند متعال به حضرت ابراهیم فرمود:
این نور علی بن ابیطالب است که یاور دین من می باشد.
حضرت ابراهیم در کنار این دو نور «نور حضرت محمّد صلی الله علیه و آله و سلّم و نور علی بن ابیطالب علیه السلام» سه نور دیگر دید و به خداوند متعال عرض کرد:
خداوندا:

این نورها چیست؟

خداوند متعال به حضرت ابراهیم فرمود:
این نور فاطمه و نور دو فرزند او حسن و حسین است.

حضرت ابراهیم نُه نور دیگر را مشاهده کرد که این پنج نور را در میان گرفته بودند «یعنی نور حضرت محمّد و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السّلام».

حضرت ابراهیم به خداوند متعال عرض کرد:

خداوندا:

این نورهای نُه گانه چیست؟

خداوند متعال به حضرت ابراهیم فرمود:

ای ابراهیم:

این نُه نور، امامان از فرزندان حضرت علی و حضرت فاطمه می باشند.

حضرت ابراهیم به خداوند متعال عرض کرد:

خداوندا:

به حقّ آن پنج تن «به حقّ محمّد و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم

السّلام»،

این نُه نفر را به من معرفی بفرما.

خداوند متعال به حضرت ابراهیم فرمود:

ای ابراهیم:

اوّلین ایشان، علیّ بن حسین است «امام سجّاد علیه السّلام»،

دوّمین ایشان، محمّد بن علی است «امام باقر علیه السّلام»،

سوّمین ایشان، جعفر بن محمّد است «امام صادق علیه السّلام»،

چهارمین ایشان، موسی بن جعفر است «امام کاظم علیه السّلام»،

پنجمین ایشان، علیّ بن موسی است «امام رضا علیه السّلام»،

ششمین ایشان، محمّد بن علی است «امام جواد علیه السّلام»،

هفتمین ایشان، علیّ بن محمّد است «امام هادی علیه السّلام»،

هشتمین ایشان، حسن بن علی است «امام عسکری علیه السَّلام»،
و نهمین ایشان حَجَّت بن الحسن القائم است «امام زمان علیه السَّلام».
حضرت ابراهیم به خداوند متعال عرض کرد:
خداوندا:

نورهایی را می‌بینم که اطراف این چهارده نور «چهارده معصوم علیهم السَّلام»
حلقه زده‌اند و جز تو کسی نمی‌تواند آنها را بشمارد.
خداوند متعال به حضرت ابراهیم فرمود:
ای ابراهیم:

اینها شیعیان این چهارده نفر هستند،
اینها شیعه امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب هستند.
حضرت ابراهیم به خداوند متعال عرض کرد:
اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ شِيعَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ، یعنی:
حضرت ابراهیم به خداوند متعال عرض کرد:
خداوندا:

مرا از شیعیان امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السَّلام قرار بده.
این حدیث را جابر بن یزید جعفی از وجود مقدس امام صادق علیه السَّلام
نقل نموده است.^۱

۲- مردی به امام سجّاد علیه السَّلام عرض کرد:
یا بن رسول الله:

من شیعه مخلص و بی‌ریای شما هستم.
وجود مقدس امام سجّاد علیه السَّلام به او فرمود:
ای بنده خدا:

۱. تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۶۸۱ و ۶۸۲، حدیث ۳، ذیل آیه ۸۳ سوره صافات.

اگر چنین باشد، تو همانند ابراهیم خلیل هستی که خداوند متعال درباره او فرمود:

وَإِنَّ مِنْ شِيعَةِ إِبْرَاهِيمَ «آیه ۸۳ سوره صافات»،
إِذْ جَاءَ رَبُّهُ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ «آیه ۸۴ سوره صافات».

وجود مقدس امام سجّاد علیه السّلام در ادامه فرمایش خویش به آن مرد فرمود:

پس اگر دلت همچون دل حضرت ابراهیم است «اگر دارای قلب سلیم هستی» تو از شیعیان ما هستی،

و اگر دلت همچون دل ابراهیم نیست تو از محبّین و دوستان ما می باشی.^۱
حدیث شریف طولانی تر و مفصّل تر از این است که ملاحظه فرمودید، فقط به قسمتی از حدیث شریف که به بحث ما مربوط می شد اشاره گردید.

۳- وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

شبی که به معراج برده شدم وقتی به آسمان سوّم رسیدم منبری از نور برای من نصب گردید و من بر فراز آن منبر قرار گرفتم،
و حضرت ابراهیم یک درجه پایین تر از من نشست و سایر پیامبران در اطراف منبر نشستند.

در این هنگام امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام در حالی که بر مرکبی از نور سوار شده بود و چهره مبارکش همچون ماه می درخشید و پیروانش همانند ستارگان در گرداگرد آن حضرت بودند وارد شد.

حضرت ابراهیم پس از مشاهده این منظره به من گفت:

ای محمّد:

این شخص کدام پیامبر بزرگواری است؟

۱. تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۶۸۶، حدیث ۶ «ذیل آیه ۸۳ سوره صافات».

و یا کدام فرشته مقرب است؟

وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید:

به حضرت ابراهیم گفتم:

این شخص نه پیامبر است و نه فرشته مقرب،

این شخص، برادر من، پسر عموی من، داماد من، وارث علم من امیرالمؤمنین

علی بن ابیطالب علیه السلام می باشد.

حضرت ابراهیم علیه السلام به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم عرض

کرد:

افرادی که همچون ستارگان گرداگرد امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه

السلام حلقه زده اند چه کسانی هستند؟

وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید:

به حضرت ابراهیم گفتم:

افرادی که همچون ستارگان گرداگرد امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه

السلام حلقه زده اند شیعیان او هستند.

اینجا بود که حضرت ابراهیم علیه السلام به خداوند متعال عرض کرد:

اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ شِيَعَةِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ، یعنی:

اینجا بود که حضرت ابراهیم علیه السلام به خداوند متعال عرض کرد:

خداوندا:

مرا از شیعیان علی بن ابیطالب علیه السلام قرار بده.

پس از این تقاضای حضرت ابراهیم علیه السلام بود که جبرئیل نازل شد و

این آیه شریفه را آورد:

وَإِنَّ مِنْ شِيَعَةِ لِأَبِرَاهِيمَ «آیه ۸۳ سوره صافات» یعنی:

و از پیروان او، ابراهیم بود، یعنی:

حضرت ابراهیم علیه السّلام از شیعیان امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام بود.^۱

توضیح:

الف: ذیل دوّمین فضیلت از فضائل بی شمار فاطمه زهرا سلام الله علیها در این کتاب شریف فاطمی به عرض رسید که:
وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام اشرف و افضل مخلوقات الهی می باشند.

ب: ذیل سوّمین فضیلت از فضائل بی شمار فاطمه زهرا سلام الله علیها در این کتاب شریف فاطمی به عرض رسید که:
وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام علت غایی خلقت می باشند، یعنی خداوند متعال همه عالم را به خاطر این ذوات مقدّسه خلق فرموده است.
ج: ذیل چهارمین فضیلت از فضائل بی شمار فاطمه زهرا سلام الله علیها در این کتاب شریف فاطمی به عرض رسید که:

انبیاء الهی هنگام گرفتاری به وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام توسّل پیدا نموده و خداوند متعال را به حقّ آن بزرگواران سوگند می دادند و خداوند متعال نیز به احترام این چهارده وجود مقدّس و معصوم گرفتاری آنها را برطرف می نمود و حوائج آنها را برآورده می کرد، لذا اصلاً جای تعجب ندارد که حضرت ابراهیم علیه السّلام که از انبیاء اولوالعزم الهی می باشد از خداوند متعال درخواست نماید تا او را از شیعیان مولی الموحّدین امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام قرار دهد،

ضمن اینکه هیچ پیامبری مبعوث به رسالت نگردید مگر اینکه به ولایت

۱. قطره‌ای از دریای فضائل اهل بیت علیهم السّلام، تألیف آیت الله سیداحمد مستنبط، جلد دوّم، بخش دوّم، صفحه ۳۳۸ و ۳۳۹، حدیث ۶۷/۸۸۴.

وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام اقرار و اعتراف نمود که ذیلاً به آن اشاره خواهد شد و احادیث شریفی به عرض خواهد رسید.

۱- وجود مقدّس امام صادق علیه السّلام به مفضّل بن عمر فرمود:

یا مُفَضَّلُ:

وَ اللهُ:

مَا اسْتَوْجَبَ آدَمُ أَنْ يَخْلُقَهُ اللهُ بِيَدِهِ وَ يَنْفُخَ فِيهِ مِنْ رُوحِهِ إِلَّا بِوِلَايَةِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ،

وَ مَا كَلَّمَ اللهُ مُوسَى تَكْلِيمًا إِلَّا بِوِلَايَةِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ،

وَ لَا أَقَامَ اللهُ عِيسَى بِنَ مَرْيَمَ آيَةً لِلْعَالَمِينَ إِلَّا بِالْخُضُوعِ لِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ،

یعنی:

به خدا قسم:

آفرینش بی واسطه حضرت آدم علیه السّلام و مفتخر شدن او به پذیرش

روح الهی،

و تشرف حضرت موسی علیه السّلام به هم سخنی با خداوند سبحان،

و آیت جهانی بودن حضرت عیسی علیه السّلام، از برکات پذیرش ولایت

امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام و خضوع و خشوع در برابر عظمت

مقام آن حضرت می باشد.^۱

۲- وجود مقدّس امام رضا علیه السّلام فرمودند:

وَلَايَةُ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَكْتُوبَةٌ فِي جَمِيعِ صُحُفِ الْأَنْبِيَاءِ،

وَ لَنْ يَبْعَثَ اللهُ رَسُولًا إِلَّا بِبُيُوتَةِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ وَ وَصِيَّهُ عَلِيِّ بْنِ

أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ، یعنی:

وجود مقدّس امام رضا علیه السّلام فرمودند:

۱. شرح زیارت جامعه کبیره «ادب فنای مقربان»، تألیف آیت الله جوادی آملی، جلد نهم، صفحه ۱۷۱، ذیل عنوان: فَبَلَّغَ اللهُ بِكُمْ أَشْرَفَ مَحَلِّ الْمَكْرَمِينَ.

ولایت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام در همه کتب پیامبران نوشته شده است،

و خداوند متعال هیچ پیامبری را مبعوث به رسالت نفرمود مگر به اقرار و اعتراف آنها به نبوت حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم و جانشینی و وصایت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام.

این حدیث شریف را محمد بن فضیل از وجود مقدّس امام رضا علیه السّلام نقل نموده است.^۱

در توضیح ذیل این دو حدیث شریف در شرح زیارت جامعه کبیره تألیف آیت الله جوادی آملی آمده که:

آفرینش بی واسطه حضرت آدم علیه السّلام از سوی خداوند سبحان، و مفتخر شدن حضرت آدم علیه السّلام به پذیرش روح الهی، و تشرّف حضرت موسی کلیم الله به هم سخنی با خداوند سبحان، و آیت جهانی بودن حضرت عیسی بن مریم از برکات پذیرش ولایت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام و گرنش و تواضع آنها در برابر عظمت مقام آن حضرت می باشد،

و تنها راه جلب عنایت خداوند رحمان اطاعت و فرمانبرداری از امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام و دیگر ائمه معصومین علیهم السّلام است. همچنین:

طبق فرمایش نورانی امام رضا علیه السّلام «حدیث ۲»، ولایت مولی الموحّدين امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام سفارش فراگیر خداوند سبحان در همه کتب آسمانی است،

۱. اصول کافی، جلد دوم، صفحه ۳۲۰، حدیث ۶ «حدیث ۱۱۷۷».

شرح زیارت جامعه کبیره «ادب فنای مقربان»، تألیف آیت الله جوادی آملی، جلد نهم، صفحه ۱۷۱، ذیل عنوان: فَلْيَلِغِ اللَّهُ بِكُمْ أَشْرَفَ مَحَلِّ الْمَكْرَمِينَ.

و بنياد نبوت پیامبران پیشین اعتراف آنها به مقام ویژه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و جانشینی امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام بوده است، لذا:

امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام و دیگر ائمه معصومین علیهم السلام «حضرات معصومین علیهم السلام» محور جریان هدایت الهی در گذشته و آینده می باشند، و به همین جهت پذیرش و پای بندی ولایت ائمه معصومین علیهم السلام باعث سعادت است و گسست از آن سبب هلاکت.^۱

۳- وجود مقدس امام صادق علیه السلام فرمودند:

وَلَا يَتُّنَا وَلَا يَتُّنَا اللَّهُ الَّتِي لَمْ يُبْعَثْ نَبِيًّا قَطُّ إِلَّا بِهَا، یعنی:

وجود مقدس امام صادق علیه السلام فرمودند:

ولایت ما ولایت خداوند متعال است،

و اساس بعثت همه پیامبران است «خداوند متعال هیچ پیامبری را جز به آن مبعوث نساخت».

این حدیث را محمد بن عبدالرحمن از امام صادق علیه السلام نقل نموده است.^۲

توضیح:

در توضیحات قبل و بعد از این حدیث شریف در کتاب شرح زیارت جامعه کبیره تألیف آیت الله جوادی آملی آمده که:

الف: ولایت خداوند متعال بر بندگانش از راه ولایت پذیری اولیاء الهی به

۱. شرح زیارت جامعه کبیره «ادب فنای مقربان»، تألیف آیت الله جوادی آملی، جلد نهم، صفحه ۱۷۱، ذیل عنوان: قَبِّلَ اللَّهُ بِكُمْ أَشْرَفَ مَحَلِّ الْمَكْرَمِينَ.

۲. اصول کافی، جلد دوم، صفحه ۳۱۹، حدیث ۳ «حدیث ۱۱۷۴».

شرح زیارت جامعه کبیره «ادب فنای مقربان»، تألیف آیت الله جوادی آملی،

جلد هشتم، صفحه ۳۳۱، ذیل عنوان: مَنِ اتَّبَعَكُمْ فَالْجَنَّةُ مَاوَأَهُ،

جلد نهم، صفحه ۳۹۸، ذیل عنوان: أَخَذَ بِقَوْلِكُمْ عَامِلٌ بِأَمْرِكُمْ،

جلد دهم، صفحه ۱۹۴ و ذیل عنوان: وَ نُصْرَتِي لَكُمْ مُعَدَّةٌ.

فعلیت می رسد،

زیرا اولیاء معصوم علیهم السَّلام «وجود مقدَّس چهارده معصوم علیهم السَّلام» مظهر اتم و اکمل صفات خداوند متعال می باشند، و ولایت آن ذوات مقدَّسه تجلّی گاه ولایت خداوند سبحان است، لذا:

اطاعت و پیروی از ائمه معصومین علیهم السَّلام فرمان الهی و تکلیف همگانی است،

و وجود مقدَّس امام صادق علیه السَّلام با اشاره به یگانگی ولایت ائمه معصومین علیهم السَّلام با ولایت خداوند متعال، آن را اساس بعثت همه انبیاء الهی دانسته و فرموده:

وَلَا يُتَنَّا وَلَا يَتَنَا اللَّهُ الَّتِي لَمْ يُبْعَثْ نَبِيًّا قَطُّ إِلَّا بِهَا.^۱

ب: مردم موظف به اطاعت بی قید و شرط و بی چون و چرا از ائمه معصومین علیهم السَّلام می باشند.

لزوم اطاعت مطلق و بی قید و شرط از ائمه معصومین علیهم السَّلام برخاسته از ولایت مطلق این ذوات مقدَّسه می باشد، همان ولایت مطلقه و فراگیری که حکمت نبوت همه انبیاء الهی شمرده شده است،

و بر همین اساس است که وجود مقدَّس امام صادق علیه السَّلام ولایت ائمه معصومین علیهم السَّلام را ولایت خداوند متعال دانسته و آن را اساس بعثت همه پیامبران الهی عنوان نموده و فرموده:

وَلَا يُتَنَّا وَلَا يَتَنَا اللَّهُ الَّتِي لَمْ يُبْعَثْ نَبِيًّا قَطُّ إِلَّا بِهَا.^۲

ج: وجود مقدَّس پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله و سلّم و ائمه معصومین علیهم السَّلام پرچمدار اصلی جبهه حق در برابر کفر و شرک و استبداد می باشند

۱. ادب فنای مقرّبان، جلد هشتم، صفحه ۳۳۱.

۲. ادب فنای مقرّبان، جلد نهم، صفحه ۳۳۸.

و براساس معارف شیعی، معرفت و عبودیت و پرستش خداوند متعال در پرتو رهنمودها و تعلیمات آن ذوات مقدسه ممکن شده است، و این موضوع فرمایش امام باقر و امام صادق علیهما السلام می باشد که فرموده اند:

بِنَا عِبْدَ اللَّهِ وَ بِنَا عُرْفَ اللَّهِ «به دست ما و توسط ما خداوند متعال شناسانده شده و پرستش می شود»،

لَوْلَا مَا عُرِفَ اللَّهُ «اگر ما نبودیم و اگر هدایت های ما نبود خداوند متعال شناخته نمی شد».

نه تنها معرفت و عبودیت و پرستش خداوند متعال در پرتو رهنمودها و تعلیمات آن ذوات مقدسه و آن انوار مطهر ممکن شده است،

حتی دیگر انبیاء الهی نیز تحت اشراف و ولایت آن ذوات مقدسه «پیامبر اکرم و ائمه معصومین علیهم السلام» قرار دارند،

و این موضوع، فرمایش وجود مقدس امام صادق علیه السلام است که می فرماید:

وَلَا يَتُّنَا وَلَا يَتُّنَا اللَّهُ الَّتِي لَمْ يُبْعَثْ نَبِيًّا قَطُّ إِلَّا بِهَا، یعنی:

ولایت ما همان ولایت خداوند متعال است که خداوند متعال هیچ پیامبری را نفرستاد جز با پذیرش ولایت ما «چهارده معصوم علیهم السلام».^۱

ملاحظه فرمودید که:

ولایت ائمه معصومین علیهم السلام ولایت خداوند متعال می باشد، و هیچ پیامبری به رسالت مبعوث نشد، مگر بعد از اقرار و اعتراف به ولایت پیامبر اکرم

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ وَ ائِمَّةً مَعْصُومِينَ عَلَيْهِمُ السَّلَامَ،

۱. شرح زیارت جامعه کبیره «ادب فنای مَقْرَبَان»، تألیف آیت الله جوادی آملی،

جلد هشتم، صفحه ۳۳۱، ذیل عنوان: مَنْ اتَّبَعَكُمْ فَأَلْجَتْهُ مَأْوَاهُ.

جلد نهم، صفحه ۳۳۸، ذیل عنوان: آخِذْ بِقَوْلِكُمْ عَامِلٌ بِأَمْرِكُمْ.

جلد دهم، صفحه ۱۹۳ و ۱۹۴، ذیل عنوان: وَ نُضَرْتِي لَكُمْ مُعَدَّةً.

و به همین جهت است که حضرت ابراهیم علیه السّلام از خداوند متعال درخواست می‌کند تا او را شیعه سیّد الاوصیاء و سیّد الوصیّین یعنی شیعه مولی الموحّدین امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام قرار دهد که دوّمین شخصیت عالم خلقت می‌باشد، و شبیه و نظیر ندارد مگر وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها که انشاءالله تعالی در خاتمه بحث به این احادیث شریف اشاره خواهد شد.

ذیلاً به گوشه‌ای از مقامات حضرت ابراهیم علیه السّلام اشاره می‌شود تا در این موضوع تأمل نموده و بیشتر متوجّه اهمیت قضیه بشویم که چه موجود گرانقدری از خداوند متعال مسئلت می‌نماید تا خداوند متعال او را شیعه امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام قرار دهد.

۱- حضرت ابراهیم علیه السّلام پیامبر اولوالعزم الهی می‌باشد، و گفته شده که مقام آن حضرت غیر از وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم از مقام سه پیامبر اولوالعزم دیگر یعنی حضرت نوح، حضرت موسی و حضرت عیسی علیهم السّلام برتر و بالاتر می‌باشد.

۲- خداوند متعال حضرت ابراهیم علیه السّلام را به عنوان یک امّت دانسته و درباره او می‌فرماید:

إِنَّ إِبْرَاهِيمَ كَانَ أُمَّةً «آیه ۱۲۰ سوره نحل»، یعنی:

حضرت ابراهیم، خود یک امّت بود، یا:

حضرت ابراهیم به تنهایی یک امّت بود.

اینکه چرا از حضرت ابراهیم علیه السّلام به عنوان امّت یاد شده مفسّرین محترم مطالب مختلفی عنوان نموده‌اند که نمونه‌هایی از آن را ذیلاً ملاحظه می‌فرمایید:

الف: حضرت ابراهیم آنقدر شخصیت والایی داشت که به تنهایی امّت

محسوب می شد،

چرا که گاهی شعاع شخصیت انسان به حدی افزایش می یابد که از حدّ یک نفر و دو نفر و چند نفر فراتر می رود و شخصیتش معادل یک امت بزرگ می شود.

ب: حضرت ابراهیم، رهبر و مقتدا و معلّم بزرگ انسانیت بود به همین جهت به او امت گفته شده است،

زیرا امت به معنی اسم مفعولی به کسی گفته می شود که مردم به او اقتدا کنند و رهبری او را بپذیرند.

ج: در زمان حضرت ابراهیم در محیط آن حضرت، خداپرست و یگانه پرست وجود نداشت،

و حضرت ابراهیم تنها موحد و یکتاپرست در آن محیط بود، لذا: مشرکان منطقه محل سکونت حضرت ابراهیم یک امت محسوب می شدند، و حضرت ابراهیم به عنوان تنها فرد موحد و یکتاپرست منطقه و محل سکونتش به تنهایی به عنوان یک امت.

د: حضرت ابراهیم سرچشمه پیدایش امت موحد و یکتاپرست بود و به همین لحاظ نام امت بر او گذاشته شده است،

و هیچ اشکالی ندارد که کلمه امت تمام این معانی را در بر داشته باشد، همچنین معانی دیگری که جهت رعایت اختصار از ذکر آنها خودداری شد.^۱

۳- خداوند متعال مقام خلیل اللّهی را به حضرت ابراهیم اعطا نموده و در آیه ۱۲۵ سوره نساء می فرماید:

وَ اتَّخَذَ اللَّهُ اِبْرَاهِيمَ خَلِيلاً «آیه ۱۲۵ سوره نساء»، یعنی:

خداوند متعال حضرت ابراهیم را به عنوان خلیل خود انتخاب فرمود.

۱. تفسیر نمونه، جلد یازدهم، صفحه ۴۸۴ و ۴۸۵ «ذیل آیه ۱۲۰ سوره نحل».

خلیل ممکن است از ماده خُلَّتْ باشد «بر وزن حُجَّت» به معنی دوستی، ممکن است خلیل از ماده خَلَّتْ باشد «بر وزن ضَرَبَتْ» به معنی نیاز و احتیاج. بعضی از مفسرین معتقدند که معنی دوّم به حقیقت نزدیک تر است، زیرا حضرت ابراهیم علیه السّلام به خوبی احساس می کرد که در همه موارد بدون استثناء نیازمند به خداوند متعال است،

لیکن بیشترین مفسرین معنی اوّل را به حقیقت نزدیک تر می دانند، و عنوان می نمایند که:

چون خداوند متعال این مقام را «مقام خلیل اللّهی» به حضرت ابراهیم علیه السّلام اعطا فرموده است، لذا منظور از خلیل همان دوستی است، زیرا: اگر بگوییم خداوند متعال حضرت ابراهیم را به عنوان دوست خود انتخاب کرد به مراتب بهتر و مناسب تر از این است که بگوییم خداوند متعال حضرت ابراهیم را به عنوان نیازمند خود انتخاب نمود، چرا که همه مخلوقات به خداوند متعال نیاز دارند، و این قضیه اختصاص به حضرت ابراهیم ندارد. لازم به ذکر است که:

اگر خداوند متعال حضرت ابراهیم را به عنوان دوست خویش انتخاب نموده نه به خاطر این بوده که خداوند متعال به این موضوع نیاز داشته است، زیرا خداوند متعال از همگان بی نیاز است و طبق آیه ۱۵ سوره فاطر «یا ایّها النّاس انتم الفقراء الی الله» همه مردم نیازمند درگاه الهی می باشند، لذا:

انتخاب حضرت ابراهیم توسط خداوند متعال به عنوان دوست خداوند متعال به خاطر سجایا و صفات فوق العاده حضرت ابراهیم علیه السّلام بود.^۱

۴- خداوند متعال در آیه ۴۷ سوره ص درباره حضرت ابراهیم و اسحاق و یعقوب علیهم السّلام می فرماید:

۱. تفسیر نمونه، جلد چهارم، صفحه ۱۹۲ و ۱۹۳ «ذیل آیه ۱۲۵ سوره نساء».

وَ أَنَّهُمْ عِنْدَنَا لَمِنَ الْمُصْطَفَيْنِ الْأَخْيَارِ، یعنی:

آنها «حضرت ابراهیم و اسحاق و یعقوب» نزد ما از برگزیدگان و نیکانند.

۵- خداوند متعال در آیه ۱۲۲ سوره نحل درباره حضرت ابراهیم می فرماید:

إِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ، یعنی:

حضرت ابراهیم علیه السَّلام در آخرت از صالحین است.

در عظمت مقام صالحان همین بس که حضرت ابراهیم علیه السَّلام با اینکه

از سر سلسله صالحان بود، لیکن در عین حال از خداوند متعال درخواست

می کند که:

رَبِّ الْحَقْنَى بِالصَّالِحِينَ «آیه ۸۳ سوره شعرا»، یعنی:

خداوندا:

نظر صائب به من عطا کن،

و مرا از صالحان قرار بده

۶- خداوند متعال در آیه ۴۱ سوره مریم درباره حضرت ابراهیم می فرماید:

إِنَّهُ كَانَ صِدِّيقًا نَبِيًّا، یعنی:

حضرت ابراهیم علیه السَّلام صدیق بود و پیامبر الهی بود.

کلمه صدیق صیغه مبالغه از صدق می باشد یعنی بسیار راستگو،

همچنین گفته شده که صدیق کسی است که عملش تصدیق کننده سخن و

اعتقاد او است.

به هر حال، این صفت «صفت صدیق بودن» به قدری اهمیّت دارد که در این

آیه شریفه «آیه ۴۱ سوره مریم» قبل از صفت نبوت بیان شده است،

گویی صدیق بودن زمینه ساز شایستگی برای پذیرش نبوت است.^۱

۷- مراسم حج با آن همه عظمت و شکوهش به دستور خداوند متعال

۱. تفسیر نمونه، جلد سیزدهم، صفحه ۹۰، ذیل آیه ۴۱ سوره مریم.

به وسیله حضرت ابراهیم علیه السَّلام پایه گذاری شد، و به همین جهت نام حضرت ابراهیم علیه السَّلام و خاطره آن حضرت با تمام مراسم حج آمیخته است،

و انسان در هر موقف و برنامه‌ای از این مراسم بزرگ، به یاد این پیامبر اولوالعزم الهی می‌افتد و پرتو عظمت او را در دل خویش احساس می‌کند.^۱ حضرت ابراهیم این پیامبر اولوالعزم خداوند متعال با این همه مقام و عظمت از خداوند متعال درخواست می‌کند که:

اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ شِيعَةِ امِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ،

و در علو مقام وجود مقدس فاطمه زهرا سلام الله علیها همین بس که آن حضرت کفو یعنی همتا و هم‌تراز و شبیه و نظیر امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السَّلام می‌باشد که دوّمین شخصیت عالم خلقت است و پیامبر الوالعزمی مانند حضرت ابراهیم علیه السَّلام از خداوند متعال درخواست می‌نماید تا او را از شیعیان آن حضرت قرار دهد.

انشاءالله تعالی در پایان بحث به این احادیث شریف «کفو بودن فاطمه زهرا سلام الله علیها با امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السَّلام» اشاره خواهد شد. پس از ارائه توضیحات مختصری در رابطه با بیست و یکمین مورد از فضائل و مناقب و ویژگی‌های امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السَّلام، می‌پردازیم به بیست و دوّمین مورد از فضائل و مناقب و ویژگی‌های آن حضرت.

* منقبت بیست و دوّم:

در علو مقام دوّمین شخصیت عالم خلقت یعنی وجود مقدس مولی الموحّدين امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السَّلام همین بس، که: از ترس اینکه مبدا

۱. تفسیر نمونه، جلد دهم، صفحه ۴۶۳، انتهای سوره مبارکه ابراهیم علیه السَّلام، ذیل عنوان: مقام والای حضرت ابراهیم علیه السَّلام در قرآن کریم.

مسلمانان مانند مسیحیان مبتلا به تثلیث شوند «یعنی حضرت امیرعلیه السلام را نعوذ بالله خدا یا پسر خدا بدانند، و یا اینکه بگویند خدا در روح آن حضرت حلول نموده، همچنانکه مسیحیان درباره حضرت عیسی علیه السلام این مطالب کفرآمیز را مطرح کردند»، لذا وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم همه فضائل و مناقب امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام را بیان نفرموده است.

احادیث شریف ذیل با صراحت هرچه تمام تر این مطلب را بیان می فرمایند.

حدیث:

۱- وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام فرمود:

وَ اللهُ لَوْلَا أَنِّي أَشْفَقُ أَنْ تَقُولَ طَوَائِفٌ مِنْ أُمَّتِي فِيكَ مَا قَالَتِ النَّصَارَى فِي بَنِي مَرْيَمَ، لَقُلْتُ فِيكَ الْيَوْمَ مَقَالًا لَا تَمُرُّ بِأَحَدٍ مِنَ النَّاسِ إِلَّا أَخَذُوا التُّرَابَ مِنْ تَحْتِ قَدَمَيْكَ لِلْبِرْكََةِ، يَعْنِي:

وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام فرمود:
یا علی:

اگر نمی ترسیدم که گروه‌هایی از امت من درباره تو چیزی بگویند که نصرانی‌ها درباره عیسی بن مریم گفتند «خدا بودن حضرت عیسی، پسر خدا بودن حضرت عیسی، حلول خدا در وجود حضرت عیسی» مطالبی را می گفتم «فضائلی را از تو بیان می کردم» که هرکس آن را می شنید و تو بر او می گذشتی، خاک زیر پایت را به قصد تبرک برمی داشت.^۱

۱. شرح زیارت جامعه کبیره «ادب فنای مقرران»، تألیف آیت الله جوادی آملی، جلد اول، صفحه ۷۹، ذیل عنوان: اعتدال در ثناگویی.

۲- در حدیث شریف دیگری که جابر بن عبدالله انصاری آن را نقل نموده آمده است که:

جابر بن عبدالله انصاری می گوید:

وقتی که امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام بشارت فتح قلعه خیبر را به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم آورد،

وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به او فرمود:

لَوْلَا أَنْ تَقُولُ فَيْكَ طَوَائِفٌ مِنْ أُمَّتِي مَا قَالَتِ النَّصَارِيُّ لِلْمَسِيحِ عَيْسَى بْنِ مَرْيَمَ،
لَقُلْتُ فَيْكَ الْيَوْمَ قَوْلًا لَا تَمُرُّ بِمَلَأٍ إِلَّا أَخَذُوا التُّرَابَ مِنْ تَحْتِ رِجْلَيْكَ وَ مِنْ فَضْلِ
طَهْرِكَ يَسْتَشْفُوا بِهِ، یعنی:

وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام فرمود:

یا علی:

اگر گروهی از ائمتان آنچه را که نصاری «پیروان حضرت مسیح» درباره عیسی بن مریم گفتند «خدا دانستن حضرت عیسی - پسر خدا دانستن حضرت عیسی - حلول نمودن خدا در حضرت عیسی» به تو نسبت نمی دادند، امروز درباره تو چیزی می گفتم «فضیلتی از فضائل تو را به مردم می گفتم» که از هر محلی که عبور می کردی خاک زیر پایت را به عنوان تبرک برمی داشتند، و مازاد آب وضویت را برای شفا گرفتن می بردند.^۱

۳- در حدیث شریف دیگری آمده است که:

وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام فرمود:

۱. امالی شیخ صدوق، صفحه ۱۵۵، حدیث ۱ «مجلس بیست و یکم».
شرح زیارت جامعه کبیره «ادب فنای مقرران»، تألیف آیت الله جوادی آملی، جلد ششم، صفحه ۲۹۱، ذیل عنوان: فَالرَّاعِبُ عَنْكُمْ مَارِقٌ.

لَوْلَا أَنِّي أَخَافُ أَنْ يُقَالَ فِيكَ مَا قَالَتِ النَّصَارَى فِي الْمَسِيحِ،
لَقُلْتُ الْيَوْمَ فِيكَ مَقَالَةٌ لَا تَمُرُّ بِمَلَأٍ مِنَ الْمُسْلِمِينَ إِلَّا أَخَذُوا تُرَابَ نَعْلَيْكَ وَ فَضَلَ
وُضُوءِكَ يَسْتَشْفُونَ بِهِ، يَعْنِي:

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم به امیرالمؤمنین علیّ بن
ایطالب علیه السّلام فرمود:

یا علی:

اگر نمی ترسیدم که درباره تو همان چیزی گفته شود که پیروان حضرت
مسیح «نصاری» در مورد عیسی مسیح گفتند، سخنی درباره تو و فضائل و
مقامات تو می گفتم تا از کنار هر گروه و جمعیتی که گذر می نمودی خاک
کفش تو و آب وضویت را برای شفا می گرفتند.^۱

توضیح:

طبق این احادیث شریف آنچه که از فضائل و مناقب مولی الموحّدين
امیرالمؤمنین علیّ بن ایطالب علیه السّلام نقل شده در مقابل آنچه که نقل نشده
مانند قطره‌ای در مقابل دریا است،

یعنی:

اگر همه فضائل و مناقب مولی الموحّدين امیرالمؤمنین علیّ بن ایطالب
علیه السّلام به مردم گفته می شد ممکن بود عده‌ای از مردم درباره امیرالمؤمنین
علیّ بن ایطالب علیه السّلام همان حرف‌هایی را بزنند که نصرانی‌ها «پیروان
حضرت مسیح» درباره عیسی مسیح می زدند، یعنی:

اگر همه فضائل و مناقب امیرالمؤمنین علیّ بن ایطالب علیه السّلام به مردم
گفته می شد ممکن بود که عده‌ای از مردم آن حضرت را خدا بدانند،

۱. شرح زیارت جامعه کبیره «ادب فنای مقربان»، تألیف آیت‌الله جوادی آملی، جلد دهم، صفحه ۱۱۱، ذیل عنوان:
و مَفُوضٌ فِي ذَلِكَ كُلِّهِ إِلَيْكُمْ.

یا آن حضرت را پسر خدا بدانند،

و یا اینکه بگویند خداوند متعال در امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام حلول نموده است، همانطور که عده‌ای از پیروان حضرت مسیح «نصرانی‌ها» در مورد حضرت مسیح علیه السّلام این حرف‌های کفرآمیز را گفتند و یا می‌گویند،

و خلاصه کلام اینکه:

آنچه که در رابطه با فضائل و مناقب دوّمین شخصیت عالم خلقت یعنی وجود مقدّس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام گفته شده در مقابل آنچه که گفته نشده مانند قطره‌ای در مقابل دریا است،

و فاطمه زهرا سلام الله علیها کفو یعنی هم‌تا و هم‌تراز و شبیه و نظیر چنین شخصیت عظیم‌الشّانی است که در عالم خلقت بعد از وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم شبیه و نظیر ندارد.

انشاءالله تعالی در خاتمه بحث به این احادیث شریف «کفو بودن حضرت زهرا سلام الله علیها با حضرت امیر علیه السّلام» اشاره خواهد شد.

۴- منصور دوانیقی ملعون در جلسه‌ای که وجود مقدّس امام صادق علیه السّلام حضور داشت به آن حضرت عرض کرد:

تو می‌دانی که پیامبر اکرم «صلی الله علیه و آله و سلم» به پدرت علی بن ابیطالب «علیه السّلام» فرمود:

یا علی:

اگر نبود که طوائفی از امت من درباره تو همان چیزی را بگویند که نصاری درباره حضرت مسیح گفتند،

درباره تو چیزی را می‌گفتم که از هر گروه و جمعیتی که می‌گذشتی، مردم خاک زیر پایت را برای شفا برمی‌داشتند.

منصور دوانیقی پس از بیان این حدیث شریف نبوی به امام صادق علیه السلام عرض کرد:

حضرت عیسی در برابر غلّو پیروان خویش «مسیحیانی که حضرت عیسی را خدا و یا پسر خدا می دانستند و یا اینکه می گفتند خدا در عیسی حلول نموده است» سکوت نکرد،

و اگر حضرت عیسی در برابر غلّو پیروان خویش سکوت می کرد خداوند متعال او را عذاب می نمود.

منصور دوانیقی ملعون سپس به امام صادق علیه السلام عرض کرد:

تو می دانی که پیروان تو درباره تو می گویند که:

تو «یعنی وجود مقدّس امام صادق علیه السلام»:

عالم ترین و دانشمندترین مردم هستی،

حجّت خداوند متعال می باشی،

ترجمان وحی خداوند متعال هستی،

مخزن علم خداوند متعال می باشی،

چراغ روشنایی بخش خداوند متعال هستی.

منصور دوانیقی در ادامه صحبت خویش به امام صادق علیه السلام عرض کرد:

پیروان تو علاوه بر اینها می گویند که:

کسی که به مقام تو آگاه نباشد و یا آن را انکار نماید خداوند متعال عمل او را قبول نمی کند.

منصور دوانیقی سپس به امام صادق علیه السلام پیشنهاد کرد که در مقابل

این غلوکنندگان سکوت نکند و به مقابله با آنها برخیزد.

وجود مقدّس امام صادق علیه السلام که خود را مُتّصف به کمالات مذکور

در کلام منصور دوانیقی و بیش از آن می دانست در برابر جوسازی های منصور دوانیقی فضائل و کمالاتی دیگر از فضائل و مناقب و کمالات خویش را بیان فرمود «علاوه بر فضائل و کمالاتی که منصور دوانیقی درباره امام صادق علیه السلام بیان کرده بود» به نحوی که منصور دوانیقی ملعون مبهوت و متحیر ماند و در همان حال به اطرافیان خویش گفت:

او «یعنی امام صادق علیه السلام» مرا به دریای مواجی انداخت که نه به عمق آن دریا می توان رسید،

و نه به ساحل آن می توان دست یافت،

دریایی که عالمان و دانشمندان در آن حیران و سرگردانند،

و غواصان در آن غرق می شوند.

منصور دوانیقی که حرفی برای گفتن نداشت و مات و مبهوت شده بود در پایان جلسه از امام صادق علیه السلام درخواست نمود تا آن حضرت حدیثی در رابطه با فضائل و مناقب علی بن ابیطالب علیه السلام برای حاضرین در جلسه بیان فرماید.

وجود مقدّس امام صادق علیه السلام در پاسخ به تقاضای منصور دوانیقی حدیث شریفی را از وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرد که آن حضرت فرمودند:

هنگامی که مرا به معراج بردند خداوند متعال در رابطه با امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام سه مطلب به من بیان نمود و فرمود:

یا مُحَمَّدُ:

إِنَّ عَلِيًّا إِمَامُ الْمُتَّقِينَ،

وَقَائِدُ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ،

وَيَعْسُوبُ الْمُؤْمِنِينَ،

فَبَشِّرْهُ بِذَلِكَ، یعنی:

خداوند متعال در شب معراج به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

ای محمد:

علی بن ابیطالب امام متقین،

و پیشوای روسفیدان،

و رئیس و سرور مؤمنین است.

ای محمد:

این موضوع و این مطلب را به علی بن ابیطالب مژده و بشارت بده.

منصور دوانیقی که مات و مبهوت مانده بود گفت:

ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ.^۱

غُلُو = بالاتر بردن کسی از مقام واقعی او.^۲

احادیث شریفی را که ملاحظه فرمودید علماء اهل سنت نیز در کتب خویش

نقل نموده‌اند که به عنوان نمونه به دو حدیث اشاره می‌شود.

۱- در شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید و در کتاب ینابیع المودّه قندوزی

آمده که:

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به امیرالمؤمنین علی بن

ایطالب علیه السلام فرمود:

وَ الَّذِي نَفْسِي بِبَيْدِهِ،

لَوْلَا أَنْ تَقُولَ طَوَائِفٌ مِنْ أُمَّتِي فِيكَ مَا قَالَتِ النَّصَارَى فِي بَنِي مَرْيَمَ،

لَقُلْتُ الْيَوْمَ فِيكَ مَقَالًا لَا تَمُرُّ بِمَلَأٍ مِنَ الْمُسْلِمِينَ إِلَّا أَحَذُوا التُّرَابَ مِنْ تَحْتِ قَدَمَيْكَ

۱. امالی شیخ صدوق، صفحه ۹۵۸ تا ۹۶۳، حدیث ۹ «مجلس هشاد و نهم».

شرح زیارت جامعه کبیره «ادب فنای مقربان»، تألیف آیت الله جوادی آملی، جلد ششم، صفحه ۲۹۱ «پاورقی»، ذیل عنوان: فَالزَّاعِبُ عَنْكُمْ مَارِقٌ.

۲. ادب فنای مقربان، جلد ششم، صفحه ۳۰۲.

لِلْبَرَكَةِ، یعنی:

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم به امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام فرمود:

یا علی:

قسم به خداوندی که جانم در دست او است،

اگر نمی ترسیدم که مسلمانان درباره تو همان چیزی را بگویند که مسیحیان درباره حضرت عیسی گفتند «عده‌ای از مسیحیان گفتند که حضرت عیسی خدا است، عده‌ای از مسیحیان گفتند که حضرت عیسی پسر خدا است، عده‌ای از مسیحیان نیز گفتند که خدا در حضرت عیسی حلول نموده است»، امروز درباره تو چیزی می گفتم «فضائلی از فضائل تو را به مردم می گفتم» که وقتی از محلی عبور می کردی، مردم خاک زیر پای تو را به عنوان تبرک برمی داشتند.^۱

۲- در کتاب معجم الکبیر طبرانی و مجمع الزوائد هیشمی و مناقب خطیب خوارزمی آمده که:

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم به امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام فرمود:

وَ الَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ،

لَوْلَا أَنْ يَقُولَ فَيْكَ طَوَائِفُ مِنْ أُمَّتِي مَا قَالَتِ النَّصَارَى فِي عَيْسَى بْنِ مَرْيَمَ،
لَقُلْتُ فَيْكَ الْيَوْمَ مَقَالًا لَا تَمُرُّ بِأَحَدٍ مِنَ الْمُسْلِمِينَ إِلَّا أَخَذَ التُّرَابَ مِنْ أَثَرِ قَدَمَيْكَ
يَطْلُبُونَ بِهِ الْبَرَكَةَ، یعنی:

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم به امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام فرمود:

یا علی:

۱. امیرالمؤمنین علیه السّلام نفس نفیس خاتمیت، تألیف آیت الله وحید خراسانی، صفحه ۲۵۸، مجلس دوازدهم، ذیل عنوان: رمضان، ماه نزول قرآن صامت و صعود قرآن ناطق.

قسم به خداوندی که جانم در دست او است،
اگر نمی ترسیدم که مسلمانان درباره تو همان چیزی را بگویند که مسیحیان
درباره عیسی بن مریم گفتند،
امروز درباره تو چیزی می گفتم «فضیلتی از فضائل تو را می گفتم» که اگر از
کنار هر مسلمانی عبور می کردی خاک زیر پای تو را به عنوان تبرک بر می داشت.^۱

توضیح:

موضوع مورد بحث در مجلس دوازدهم این کتاب شریف «امیرالمؤمنین علیه
السَّلام نَفْسِ نَفِيسِ خَاتِمِيتٍ - تَأْلِيفِ آيَةِ اللهِ وَحِيدِ خِرَاسَانِي» در رابطه با ماه
مبارک رمضان و اهميت اين ماه می باشد که به خلاصه ای از آن که در رابطه با
وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السَّلام و فضائل آن حضرت
می باشد بطور اختصار اشاره می شود.

در قسمتی از این بحث آمده است که:

می دانید چرا ماه رمضان اینگونه شده؟

این اثر از کجا پیدا شده است؟

ریشه این اثر اینجا است که خداوند متعال در آیه ۱۸۵ سوره بقره می فرماید:
شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ.

آنچه که ماه رمضان را بین همه ماهها ممتاز نموده دو مطلب است،

و آن دو مطلب این است که:

در ماه مبارک رمضان، یک قرآن نازل شده است «قرآن صامت یعنی کلام

الله مجید»،

و یک قرآن صعود نموده است «قرآن ناطق یعنی امیرالمؤمنین علی بن

۱. امیرالمؤمنین علیه السَّلام نَفْسِ نَفِيسِ خَاتِمِيتٍ، تألیف آیت الله وحید خراسانی، صفحه ۲۵۹، مجلس دوازدهم،
ذیل عنوان: رمضان، ماه نزول قرآن صامت و صعود قرآن ناطق.

ايطالب عليه السلام که شب بیست و یکم ماه مبارک رمضان به شهادت رسید و به لقاء الله رفت».

نزول قرآن صامت و عروج قرآن ناطق، ماه مبارک رمضان را اکسیر آحمری نموده است که خاصیت قلب و انقلاب در او پیدا شده است. شب قدر در ماه مبارک رمضان شبی بود که قرآن کریم «قرآن صامت» نازل شد،

و شب قدر شبی بود که قرآن ناطق یعنی امیرالمؤمنین علی بن ایطالب علیه السلام شهید شد و عروج کرد و به لقاء الله رفت.

در این شب کسی به شهادت رسید که اولین بر او سبقت نگرفتند، و آخرین او را درک نمی کنند.

این کلمات چیست؟

اولین و آخرین بر او سبقت نگرفتند.

دایره اولین از کجا شروع می شود؟

دایره اولین از حضرت آدم و نوح و ابراهیم و موسی و عیسی علیهم السلام شروع می شود.

در شب قدر قرآن ناطق یعنی وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ایطالب علیه السلام به شهادت رسید و به لقاء الله رفت که اولین یعنی حضرت آدم و نوح و ابراهیم و موسی و عیسی علیهم السلام نتوانستند در این میدان بر آن حضرت «حضرت امیر علیه السلام» سبقت بگیرند، و از آخرین هم احدی آن حضرت را درک نمی کند «غیر از وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم که اولین شخصیت عالم خلقت می باشد».

در ادامه بحث به دو حدیث شریف که از طریق منابع معتبر اهل سنت نقل شده اشاره شده «حدیث ۱ و ۲ که در صفحات قبل ملاحظه فرمودید» و سپس

ذیل این دو حدیث شریف به عنوان توضیح آمده که:

معنی این دو حدیث شریف این است که:

اگر پرده از مقام مولی الموحّدين امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام بر داشته شود، همچنانکه مسیحیان به تثلیث مبتلا شدند «۱- عده‌ای از مسیحیان حضرت عیسی را خدا دانستند؛ ۲- عده‌ای از مسیحیان حضرت عیسی را پسر خدا دانستند؛ ۳- عده‌ای از مسیحیان نیز گفتند که خدا در حضرت عیسی حلول نموده است»، مسلمانان نیز به آن بلا گرفتار می شدند.

این دو حدیث شریف «حدیث ۱ و ۲ که از منابع اهل سنت نقل شد و در منابع شیعه نیز فراوان نقل شده است» نشان می دهد که آنچه از فضائل و مناقب مولی الموحّدين امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام گفته شده در مقابل آنچه که گفته نشده و کتمان شده ناچیز است.

در ادامه بحث در رابطه با مقام و منزلت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام حدیثی از احمد بن حنبل «از علمای معروف و معتبر اهل سنت» نقل شده که وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در رابطه با امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام فرمودند:

مَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى نُوحٍ فِي عَزْمِهِ،

وَ إِلَى آدَمَ فِي عِلْمِهِ،

وَ إِلَى إِبْرَاهِيمَ فِي حِلْمِهِ،

وَ إِلَى مُوسَى فِي فِطْنَتِهِ،

وَ إِلَى عِيسَى فِي زُهْدِهِ،

فَلْيَنْظُرْ إِلَى عَلِيِّ بْنِ أَبِيطَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ، یعنی:

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

هرکس می خواهد حضرت آدم را در علمش ببیند،

هرکس می‌خواهد حضرت ابراهیم را در حلمش ببیند،
 هرکس می‌خواهد حضرت موسی را در دانایی و هوشیاریش ببیند،
 هرکس می‌خواهد حضرت عیسی را در زهدش ببیند،
 به وجود مقدّس امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام نگاه کند.
 این حدیث شریف را علمای اهل سنّت از قبیل احمد بن حنبل در مُسَنَد،
 احمد بیهقی در صحیحہ، ابن ابی الحدید در شرح نهج البلاغہ و قندوزی در
 ینابیع المودّه نقل نموده‌اند.
 اگر آنچه از فضائل و مناقب امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام گفته
 شده این است،

پس ناگفته‌ها چیست؟

به اتّفاق تمام مسلمین، سادات و سرور عالم و وجود، انبیاء اولوالعزم می‌باشند.
 شاخصه هر کدام از این انبیاء الهی چیست؟
 شاخصه حضرت نوح، عزم و اراده حضرت نوح است،
 شاخصه حضرت ابراهیم، حلم و بردباری حضرت ابراهیم است،
 شاخصه حضرت موسی، فِطْنَت حضرت موسی است،
 شاخصه حضرت عیسی، زهد حضرت عیسی است.
 عصاره عالم قبل از بعثت پیامبر خاتم، این چهار پیامبر اولوالعزم می‌باشند،
 و عصاره این چهار پیامبر اولوالعزم الهی، وجود مقدّس مولی الموحّدین
 امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام است،
 این از طریق عامّه است «براساس منابع اهل سنّت»،
 از خاصّه بگذرد.

بالاترین جنایت و ظلم در تاریخ بشریت این اتّفاق ناگوار است که بین اولین
 شخصیت عالم وجود یعنی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم و دوّمین

شخصیت عالم و جود یعنی امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام به وسیله سه نفر فاصله انداخته اند،

و خلافت و جانشینی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را از آنچه که خداوند متعال معین و مقرر فرموده بود به مسیری دیگر کشاندند.

این از چهار پیامبر اولوالعزم،

اما پنجمین پیامبر اولوالعزم باقی مانده که آن شخص وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می باشد که نسبت آن حضرت با امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام را خداوند متعال در آیه ۶۱ سوره آل عمران بیان نموده و به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرموده:

فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ، فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَ ابْنَاتِكُمْ وَ نِسَاءَنَا وَ نِسَاءَكُمْ وَ أَنْفُسَنَا وَ أَنْفُسَكُمْ، ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَةَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ (آیه ۶۱ سوره آل عمران معروف به آیه مباحله که طبق این آیه شریفه وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام نفس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می باشد).^۱

عَزَم = اراده، اراده کردن، تصمیم گرفتن.

حِلْم = بردباری، صبر، شکیبائی، بردباری کردن، صبر کردن، شکیبائی کردن.

فِطْنَت = زیرکی، هوشیاری، دانایی، درک.

زُهْد = پرهیزکار، پارسایی، اعراض از دنیا.

نَفْس = روح، جان.

ذیل ششمین مورد از فضائل و مناقب و ویژگی های مولی الموحّدين امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام در این کتاب شریف فاطمی در رابطه با آیه شریفه مباحله «آیه ۶۱ سوره آل عمران» توضیحات کاملی ارائه شده و

۱. امیرالمؤمنین علیه السلام نفس نفیس خاتمیت، تألیف آیت الله وحید خراسانی، صفحه ۲۵۶ تا ۲۶۱، مجلس دوازدهم، ذیل عنوان: ماه رمضان ماه نزول قرآن صامت و صعود قرآن ناطق.

احادیثی نقل شده که طبق آن احادیث شریف، وجود مقدّس امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام نفس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم می باشد، یعنی:

وجود مقدّس امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام روح و جان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم است.

و به عبارت دیگر:

امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام به منزله خود پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلّم می باشد.

در کتاب ارزشمند نفس نفیس خاتمیّت تألیف آیت الله وحید خراسانی در رابطه با حدیث تشبیه و سرّ این حدیث شریف مطالبی عنوان شده که خلاصه‌ای از آن را ملاحظه می فرمایید.

حدیث شریف تشبیه با عبارات مختلفی از وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم نقل شده که یک نمونه آن را در صفحات قبل ملاحظه فرمودید،

و ذیلاً به دو حدیث شریف دیگر از منابع معتبر اهل سنّت آمده اشاره می شود.

۱- وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم فرمودند:

مَنْ أَرَادَ أَنْ يَرَى آدَمَ فِي عِلْمِهِ، وَ نُوحًا فِي طَاعَتِهِ، وَ إِبْرَاهِيمَ فِي خُلَّتِهِ، وَ مُوسَى فِي هَيْبَتِهِ، وَ عِيسَى فِي صَفْوَتِهِ،

فَلْيَنْظُرْ إِلَى عَلِيِّ بْنِ أَبِيطَالِبٍ، یعنی:

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم فرمودند:

هرکس می خواهد حضرت آدم را در علمش ببیند،

هرکس می خواهد حضرت نوح را در طاعتش ببیند،

هرکس می خواهد حضرت ابراهیم را در خُلَّتَش «مقام خلیل اللّهی» ببیند، هرکس می خواهد حضرت موسی را در هیبتش ببیند «هیبت = شکوه، عظمت، ترس و بیم که از دیدن کسی ایجاد شود»، هرکس می خواهد حضرت عیسی را در صفوتش ببیند «صفوت = خلوص، ویژگی، خالص، برگزیده، پاکیزگی»، پس باید به وجود مقدّس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام نگاه کند.

این حدیث شریف را یکی از بزرگ‌ترین مفسّرین اهل سنّت به نام فخر رازی در تفسیر خویش نقل نموده است.^۱

در توضیح ذیل این حدیث شریف تحت عنوان «سرّ حدیث تشبیه» آمده که: چرا وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم از حضرت آدم و از چهار پیامبر اولوالعزم یعنی حضرت نوح و ابراهیم و موسی و عیسی علیهم السّلام نام برد،

لیکن از خودش چیزی نفرمود؟

سرّ این که وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم در این حدیث شریف از خودش چیزی نفرمود این است که:

این مطلب را خداوند متعال در آیه ۶۱ سوره آل عمران عنوان نموده و امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام را نفّس «روح و جان» پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم دانسته و در این آیه شریفه که به آیه مباهله معروف است به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم فرموده:

فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَ ابْنَاتِكُمْ وَ نِسَاءَنَا وَ نِسَاءِكُمْ وَ أَنْفُسَنَا وَ أَنْفُسَكُمْ ...

که طبق این آیه شریفه، امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام، نفّس یعنی روح و جان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم و به منزله خود آن حضرت

۱. امیرالمؤمنین علیه السّلام نفّس نفیس خاتمیّت، تألیف آیت الله وحید خراسانی، صفحه ۹۲، مجلس سوّم، ذیل عنوان: نفّس خاتم صلی الله علیه و آله و سلّم و صاحب بطون قرآن، موضوع: سرّ حدیث تشبیه.

دانسته شده است.^۱

۲- ابی الحَمْرَاءِ از وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم نقل می کند که آن حضرت فرمودند:

مَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى آدَمَ فِي عِلْمِهِ، وَ إِلَى نُوحٍ فِي فَهْمِهِ،
وَ إِلَى إِبْرَاهِيمَ فِي حِلْمِهِ، وَ إِلَى يَحْيَى بْنِ زَكَرِيَّا فِي زُهْدِهِ، وَ إِلَى مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ
فِي بَطْشِهِ،

فَلْيَنْظُرْ إِلَى عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ، يَعْنِي:

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم فرمودند:

هرکس می خواهد حضرت آدم را در علمش ببیند،
هرکس می خواهد حضرت نوح را در فهمش ببیند «فَهْم» = درک کردن،
دریافت کردن، قوّه درک، قوّه فهم»،

هرکس می خواهد حضرت ابراهیم را در حِلْمش ببیند

هرکس می خواهد حضرت یحیی را در زهدش ببیند،

هرکس می خواهد حضرت موسی را در بطشش ببیند «بَطْشَت» = قدرت،
سطوت، اقتدار»،

پس باید به وجود مقدّس امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام نگاه کند.

این حدیث را یکی از علماء معروف اهل سنّت به نام ابن عساکر در کتاب

خویش به نام تاریخ مدینه دمشق نقل نموده است.^۲

توضیح:

حدیث تشبیه را بسیاری از منابع معتبر شیعه و اهل سنّت نقل نموده اند که ذیلًا

۱. امیرالمؤمنین علیه السّلام نفس نفیس خاتمیت، تألیف آیت الله وحید خراسانی، صفحه ۹۲ و ۹۳، مجلس سوّم، موضوع: سرّ حدیث تشبیه.

۲. امیرالمؤمنین علیه السّلام نفس نفیس خاتمیت، تألیف آیت الله وحید خراسانی، صفحه ۹۲ «پاورقی»، مجلس سوّم، موضوع: سرّ حدیث تشبیه.

اسامی تعدادی از آنها را ملاحظه می فرمایید.

منابع شیعه:

کمال الدین و تمام النعمه شیخ صدوق
 امالی شیخ مفید
 امالی شیخ طوسی
 مناقب ابن شهر آشوب
 کشف الیقین علامه حلی
 ارشاد القلوب دیلمی
 تفسیر منهج الصادقین ملاً فتح الله کاشانی
 تفسیر برهان سید هاشم بحرانی
 مدینه المعاجز سید هاشم بحرانی
 بحار الانوار مجلسی و...

منابع اهل سنت:

شواهد التنزیل حاکم حسکانی
 تاریخ مدینه دمشق ابن عساکر
 ذخائر العقبی طبری
 مناقب خطیب خوارزمی
 میزان الاعتدال ذهبی
 لسان المیزان ابن حجر
 فصول المهمه ابن صباغ
 ینابیع الموده قندوزی و...^۱

۱. امیرالمؤمنین علیه السلام نفس نفیس خاتمیت، تألیف آیت الله وحید خراسانی، صفحه ۹۲ و ۹۳ «پاورقی»، مجلس سؤم، موضوع: سرّ حدیث تشبیه.

توضیح:

قطره‌ای از دریای بیکران فضائل و مناقب مولی الموحّدين امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام را در این کتاب شریف فاطمی ذیل بیست و دو عنوان ملاحظه فرمودید.

در این بیست و دو عنوان که قطره‌ای از دریای بیکران فضائل و مناقب مولی الموحّدين امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام می‌باشد به عرض رسید که:

۱- وجود مقدّس مولی الموحّدين امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام شاهد بر رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم می‌باشد.

۲- وجود مقدّس مولی الموحّدين امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام امام مُبین است.

۳- وجود مقدّس مولی الموحّدين امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام کتاب مُبین است.

۴- وجود مقدّس مولی الموحّدين امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام خَیْرُ الْبَرِیِّه است، یعنی:

وجود مقدّس مولی الموحّدين امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام بعد از وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم بهترین مخلوق خداوند متعال است، یعنی:

وجود مقدّس مولی الموحّدين امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام دوّمین شخصیت عالم خلقت می‌باشد.

۵- وجود مقدّس مولی الموحّدين امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام سیّد الاوصیاء و سیّد الوصیین است، یعنی:

مقام مولی الموحّدين امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام از مقام

اوصیاء پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم برتر و بالاتر می باشد، یعنی:
مقام مولی الموحّدين امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام از مقام یازده
امام معصوم از نسل و ذریّه اش برتر و بالاتر می باشد،
یعنی:

وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم اشرف و افضل مخلوقات
الهی است و مقامش از همه مخلوقات الهی برتر و بالاتر می باشد،
و در یک کلام:

وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم اولین شخصیت عالم
خلقت است،

و امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام دومین شخصیت عالم خلقت
می باشد،

و بعد از وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم مقام آن
حضرت از مقام همه مخلوقات الهی برتر و بالاتر است و شبیه و نظیر ندارد
مگر وجود مقدّس صدیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها که کفو یعنی شبیه
و نظیر و همتا و همطراز آن حضرت است،

و پس از این دو بزرگوار یازده امام معصوم علیهم السّلام واقع شده اند.

۶- وجود مقدّس مولی الموحّدين امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام
نفس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم می باشد، یعنی:

وجود مقدّس مولی الموحّدين امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام
روح و جان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم می باشد و به منزله خود آن
حضرت است.

۷- وجود مقدّس مولی الموحّدين امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام
خود ایمان است،

و هرکس آن حضرت را انکار نماید «هرکس امامت و ولایت آن حضرت را انکار نماید» تمام اعمالش حَبْط و نابود می شود.

۸- در علو مقام دوّمین شخصیت عالم خلقت یعنی وجود مقدّس مولی الموحّدين امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام همین بس، که: حُبّ به آن حضرت ایمان است، و بغض به آن حضرت کُفر.

۹- وجود مقدّس مولی الموحّدين امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام قرآن ناطق است.

۱۰- وجود مقدّس مولی الموحّدين امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام قسیم الجنّة و النار است، یعنی:

وجود مقدّس مولی الموحّدين امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام تقسیم کننده بهشت و جهنّم به اهل بهشت و اهل جهنّم می باشد.

۱۱- در علو مقام دوّمین شخصیت عالم خلقت یعنی وجود مقدّس مولی الموحّدين امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام همین بس، که: اگر همه مردم و همه اهل زمین آن حضرت را دوست می داشتند خداوند متعال جهنّم را خلق نمی کرد و احدی را عذاب نمی نمود.

۱۲- در علو مقام دوّمین شخصیت عالم خلقت یعنی وجود مقدّس مولی الموحّدين امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام همین بس، که:

اگر همه مردم و همه اهل زمین امامت و ولایت آن حضرت را انکار کنند خداوند متعال همه آنها را وارد جهنّم خواهد نمود،

و به طریق اولی دشمنان آن حضرت نیز چنین سرنوشت شومی دارند.

۱۳- در علو مقام دوّمین شخصیت عالم خلقت یعنی وجود مقدّس مولی الموحّدين امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام همین بس، که:

هرکس آن حضرت را قلباً دوست داشته باشد،
و با زبان خویش آن را اعلام نماید،
و با دستش نیز آن حضرت را یاری نماید، اجر و ثواب تمام بندگان خدا
و اجر و ثواب تمام امت اسلام در نامه عمل او ثبت می شود و ایمان او کامل
است.

۱۴- در علو مقام دوّمین شخصیت عالم خلقت یعنی وجود مقدّس مولی
الموحدین امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام همین بس، که:
جز خداوند متعال و جز پیامبر اکرم و جز ائمه معصومین علیهم السّلام
هیچ کس نمی تواند به حقیقت و به کُنه مقامات آن حضرت پی ببرد و این قضیه
فرمایش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم به امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب
علیه السّلام است که به آن حضرت فرمود:
یا عَلِيُّ: مَا عَرَفَكَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَا.

۱۵- در علو مقام دوّمین شخصیت عالم خلقت یعنی وجود مقدّس مولی
الموحدین امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام همین بس، که:
اگر جنّ و انس جمع شوند نمی توانند فضائل و مناقب آن حضرت را احصاء
نموده «شمارش نموده» و بنویسند.

۱۶- در علو مقام دوّمین شخصیت عالم خلقت یعنی وجود مقدّس مولی
الموحدین امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام همین بس، که:
هرکس فضائل و مناقب آن حضرت را ذکر نماید «بیان نماید» درحالی
که به آن اعتقاد و ایمان دارد، خداوند متعال همه گناهان گذشته و آینده او را
می بخشد و می آمرزد،

گرچه آن شخص با گناه جنّ و انس وارد قیامت شود.

۱۷- در علو مقام دوّمین شخصیت عالم خلقت یعنی وجود مقدّس مولی

الموحدین امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام همین بس، که: طبق حدیث شریف نبوی، ولایت آن حضرت ولایت خداوند متعال است. ۱۸- در علوّ مقام دومین شخصیت عالم خلقت یعنی وجود مقدّس مولی الموحدین امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام همین بس، که: خداوند متعال می فرماید:

ولایت علی بن ابیطالب «علیه السّلام» قلعه و دژ محکم من است، و هرکس داخل قلعه و دژ من بشود از عذاب من در امان است. ۱۹- در علوّ مقام دومین شخصیت عالم خلقت یعنی وجود مقدّس مولی الموحدین امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام همین بس، که: وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله و سلّم درباره آن حضرت فرمودند:

هرکس بعد از من با امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام مخالفت نماید کافر است.

۲۰- در علوّ مقام دومین شخصیت عالم خلقت یعنی وجود مقدّس مولی الموحدین امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام همین بس، که: وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله و سلّم درباره آن حضرت فرمود:

یک ضربت شمشیر امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب در جنگ خندق «جنگ احزاب» از عبادت جنّ و انس برتر و بالاتر می باشد.

۲۱- در علوّ مقام دومین شخصیت عالم خلقت یعنی وجود مقدّس مولی الموحدین امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام همین بس، که: حضرت ابراهیم علیه السّلام که از پیامبران اولوالعزم الهی است از خداوند متعال درخواست می کند تا او را از شیعیان امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه

السَّلام قرار دهد.

۲۲- در علوِّ مقام دوّمین شخصیتّ عالم خلقت یعنی وجود مقدّس مولیّ الموحّدين امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السَّلام همین بس، که: وجود مقدّس پیامبر اکرم صلیّ الله علیه و آله و سلّم به امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السَّلام فرمود:

اگر نمی‌ترسیدم که گروه‌هایی از امت من درباره تو چیزی بگویند که مسیحیان درباره عیسی بن مریم گفتند «خدا دانستن حضرت عیسی - پسر خدا دانستن حضرت عیسی - حلول نمودن خدا در حضرت عیسی»، درباره تو چیزی می‌گفتم و فضیلتی از فضائل تو را بیان می‌کردم که از هر مکانی که عبور می‌کردی، مردم خاک زیر پایت را به عنوان تبرک بر می‌داشتند، و مازاد آب وضویت را برای شفا گرفتن می‌بردند.

معنی این حدیث شریف نبوی این است که:

آنچه که از لسان مبارک پیامبر اکرم صلیّ الله علیه و آله و سلّم و ائمّه معصومین علیهم السَّلام درباره فضائل و مناقب دوّمین شخصیتّ عالم خلقت یعنی وجود مقدّس مولیّ الموحّدين امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السَّلام صادر شده و بیان گردیده در مقابل آنچه که بیان نشده مانند قطره‌ای در مقابل دریا است،

و اگر همه فضائل و مناقب آن حضرت به مردم گفته می‌شد و پرده از مقام مولیّ الموحّدين امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السَّلام برداشته می‌شد، همچنانکه مسیحیان مبتلا به تثلیث شدند «یعنی: ۱- عده‌ای از مسیحیان حضرت عیسی را خدا دانستند ۲- عده‌ای از مسیحیان حضرت عیسی را پسر خدا دانستند ۳- عده‌ای از مسیحیان نیز گفتند که خدا در حضرت عیسی حلول نموده است»، ممکن بود عده‌ای از مسلمانان نیز مبتلا به تثلیث شوند، لذا:

آنچه که از فضائل و مناقب مولی الموحّدين امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام بیان شده قطره‌ای از دریای بیکران فضائل و مناقب آن حضرت می‌باشد که مردم ظرفیت شنیدن آن را داشته‌اند،
و خلاصه کلام اینک:

الف: جز خداوند متعال و پیامبر اکرم و ائمه معصومین علیهم السلام هیچکس نمی‌تواند به حقیقت و به گُنه مقامات امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام پی ببرد،

و این موضوع، فرمایش نورانی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به مولی الموحّدين امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام می‌باشد که به آن حضرت فرمود:

یا عَلِيُّ
مَا عَرَفَكَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَا، يَعْنِي:
یا علی:

تو را کسی نشناخت جز خداوند متعال و من.

ذیل چهاردهمین مورد از فضائل و مناقب امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام در این کتاب شریف فاطمی در این رابطه توضیحات کاملی ارائه شده است.

ب: اگر همه جنّ و انس جمع شوند نمی‌توانند فضائل و مناقب مولی الموحّدين امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام را احصاء نموده و شمارش نمایند،

و این موضوع، فرمایش نورانی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می‌باشد که فرمودند:

لَوْ أَنَّ الْغِيَاطَ أَقْلَامٌ،

وَ الْبَحْرَ مِدَادُ،

وَ الْجَنَّ حُسَابُ،

وَ الْإِنْسَ كُتَابُ،

مَا أَحْصَا فَضَائِلَ عَلِيِّ بْنِ أَبِيطَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ، يَعْنِي:

وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

اگر همه درختها قلم شوند،

و همه دریاها مرکب شوند،

و همه اجنه «همه جنها» حسابگر و حساب کننده شوند،

و همه انسانها نویسنده و نگارنده شوند،

نمی توانند فضائل و مناقب امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام را

بشمارند و آن را احصاء نمایند.

ذیل پانزدهمین مورد از فضائل و مناقب امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه

السلام در این کتاب شریف فاطمی در این رابطه توضیحات کاملی ارائه شده

است.

ج: وجود مقدس مولی الموحّدين امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام

بعد از وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم خَيْرُ الْبَرِيَّةِ است، یعنی:

وجود مقدس مولی الموحّدين امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام بعد

از وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بهترین مخلوق خداوند

متعال است،

و اشرف و افضل مخلوقات الهی می باشد،

و به عبارت دیگر:

وجود مقدس مولی الموحّدين امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام

دوّمین شخصیت عالم خلقت است و شبیه و نظیر ندارد مگر وجود مقدس

فاطمه زهرا سلام الله عليها که انشاء الله تعالی در ادامه بحث و در بخش حدیث به آن اشاره خواهد شد.

ذیل چهارمین مورد از فضائل و مناقب امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام در این کتاب شریف فاطمی در رابطه با خَيْرُ الْبَرِيَّةِ بودن آن حضرت «بعد از وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله و سلم» توضیحات کاملی ارائه شده است.

در علو مقام فاطمه زهرا سلام الله عليها همین بس، که: آن حضرت کفو یعنی همتا و همطراز و شبیه و نظیر امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام است که به عنوان هجدهمین فضیلت از فضائل بی شمار فاطمه زهرا سلام الله عليها در این کتاب شریف فاطمی مورد بحث می باشد. احادیث شریف ذیل کفو بودن یعنی همتا و همطراز بودن وجود مقدس صدیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله عليها با وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام را با صراحت هر چه تمام تر بیان می فرمایند.

حدیث اول:

وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله و سلم به امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام فرمود:

ای علی:

در مورد ازدواج دخترم فاطمه با تو بزرگانی از قریش مرا سرزنش کرده و به من گفتند:

ما فاطمه را از تو خواستگاری کردیم، ولی او را به ما ندادی بلکه به عقد علی بن ابیطالب علیه السلام درآوردی.

وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله و سلم در ادامه فرمایش خویش فرمودند:

من به آنان «بزرگان قریش» گفتم:

به خدا قسم:

من این کار را نکردم، بلکه:

خداوند متعال فاطمه را به شما نداد و او را به عقد علی بن ابیطالب علیه السلام در آورد.

وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در ادامه فرمایش خویش فرمودند:

جبرئیل از جانب خداوند متعال به من نازل شد و گفت:

ای محمد:

خداوند متعال می فرماید:

لَوْ لَمْ أَخْلُقْ عَلِيًّا لَمَا كَانَ لِفَاطِمَةَ ابْنَتِكَ كُفُوٌ عَلَيَّ وَجْهَ الْأَرْضِ،

آدمُ فَمَنْ دُونَهُ، یعنی:

خداوند متعال می فرماید:

ای محمد:

اگر علی بن ابیطالب را خلق نکرده بودم برای دخترت فاطمه در روی زمین از آدم تا روز قیامت کفو و همتایی نبود «هیچکس هم‌شان و هم‌تراز و هم‌رتبه فاطمه زهرا سلام الله علیها نبود تا لیاقت همسری آن علیا مخدّره را داشته باشد»^۱.

۱. عیون اخبار الرضا علیه السلام، جلد اول، باب ۲۱، صفحه ۴۶۳، حدیث ۲.

کلیات حدیث قدسی «ترجمه جواهر السنیه شیخ حرّ عاملی»، صفحه ۴۳۸، حدیث ۴۰۸، ۷۹.

فاطمه سلام الله علیها حلقه وصل رسالت و امامت، تألیف آیت الله وحید خراسانی، صفحه ۲۷۳ تا ۲۷۵، مجلس نوزدهم، ذیل عنوان: امیرالمؤمنین علیه السلام کفو و همتای فاطمه زهرا سلام الله علیها.

جنت العاصمه، تألیف آیت الله میرجهانی، فصل نهم، صفحه ۲۶۹ و ۲۷۰.

جلوه نور، تألیف آیت الله سعادت پرور، فصل ۱۴، صفحه ۱۱۸.

فاطمه زهرا سلام الله علیها سرور دل پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، تألیف آیت الله رحمانی همدانی، فصل ۶، صفحه ۱۱۲، حدیث ۵.

توضیح:

الف: در کتاب فاطمه زهرا عليها سلام حلقه وصل رسالت و امامت تألیف آیت الله وحید خراسانی ذیل این حدیث شریف عنوان شده که:

فهم این حدیث شریف مشکل است،
حدیث شریف در کتب مختلف آمده،
لیکن درایت و فهمش در کتب نیست.
دو مطلب در اینجا مهم است:
یکی اینکه:

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم سوگند یاد نموده و فرمودند:

به خدا قسم:

من این کار را نکردم،

من در این قضیه دخالتی ندارم.

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم که عقل کل است و اختیار تمام عالم امکان در دست او است بیانش این است که:

من در ازدواج امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام و دخترم فاطمه زهرا سلام الله علیها از خودم اختیاری ندارم،

فقط انتخاب از خداوند متعال است،

و کار هم کار خدا است.

بیان نورانی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم این است که:

عقد امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام و فاطمه زهرا سلام الله علیها را خداوند متعال بسته است،

و من که پدر فاطمه زهرا هستم در این قضیه دخالت ندارم.

این قضیه و این موضوع عقل را مبهوت می کند.

دوّم اینکه:

نکته‌ای که از این حدیث شریف برای اهلش استفاده می‌شود این است که:
خداوند متعال می‌فرماید:

امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام را خلق کردم که کُفو فاطمه زهرا
علیها سلام باشد،

این است مقام فاطمه زهرا سلام الله علیها.

این تعبیر محیرالعقول است که:

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله و سلّم فرمودند:

فَهَبْتُ عَلِيَّ جَبْرِيْلُ، یعنی:

جبرئیل بر من هبوط کرد و گفت که:

خداوند متعال می‌فرماید:

اگر امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام را خلق نمی‌کردم، برای فاطمه
علیها سلام کُفوی نبود «هم‌شان و همتایی نبود»، از آدم علیه السّلام تا روز
قیامت.

نکته‌ای که از این حدیث شریف استفاده می‌شود این است که:

خداوند متعال امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام را خلق فرمود تا
کُفو فاطمه زهرا سلام الله علیها باشد،

این است مقام فاطمه زهرا سلام الله علیها.^۱

ب: در کتاب جُنَّة العاصمه تألیف آیت الله سیّد محمّد حسن میرجهانی ذیل

این حدیث شریف عنوان شده که:

این حدیث شریف علاوه بر ده‌ها حدیث شریف دیگر که در منابع معتبر

خاصّه و عامّه «شیعه و سنی» نقل شده دلالت بر این دارد که:

۱. فاطمه سلام الله علیها حلقه وصل رسالت و امامت، تألیف آیت الله وحید خراسانی، صفحه ۲۷۴ و ۲۷۵، مجلس
نوزدهم، ذیل عنوان: امیرالمؤمنین علیه السّلام کُفو و همتای فاطمه زهرا سلام الله علیها.

مقام امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام و مقام فاطمه زهرا سلام الله علیها از مقام همه انبیاء و مرسلین غیر از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم برتر و بالاتر می باشد،

همچنین:

این حدیث شریف دلالت بر این دارد که:

أَحَدِي مِنْ أَنْبِيَاءِ وَ مُرْسَلِينَ مِنْ حَضْرَةِ آدَمَ تَابِعًا لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ غَيْرَ مِنْهُ وَ جُودَ مَبَارَكِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِيَاقَتِ كُفُوفًا وَ هَمْسَرِي بِأَوْلِيَّةِ اللَّهِ عَظْمَى فَاطِمَةَ زَهْرَةَ سَلَامَ اللَّهِ عَلَيْهَا رَا نَادِثَةً أَنْدًا.^۱
ج: در کتاب جلوه نور تألیف آیت الله سعادت پرور ذیل این حدیث شریف عنوان شده که:

این حدیث شریف بیانگر آن است که:

مقام و معنویت فاطمه زهرا سلام الله علیها در حدی است که غیر از وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام أَحَدِي لِيَاقَتِ هَمْسَرِي بَا او را ندارد.

توضیح آنکه:

امیرالمؤمنین هرچند نبی نیست «هرچند پیامبر نیست»، لیکن مقام ولایت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و تمام جهات معنوی آن حضرت «یعنی پیامبر اکرم» را دارا می باشد،

و لذا مقام امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام از مقام تمام انبیاء گذشته برتر و بالاتر می باشد،

و وجود مقدس فاطمه زهرا سلام الله علیها نیز غیر از جهات انتصابی «نبوت و وصایت» تمام کمالات معنوی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و

۱. جُنَّةُ الْعَاصِمَةِ، تَأْلِيفُ آيَةِ اللَّهِ سَيِّدِ مُحَمَّدِ حَسَنِ مِيرْجَهَانِي، فَصْل نَهْم، صَفْحَه ۲۷۰ و ۲۸۵.

امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام را دارا می باشد، لذا:
مقام فاطمه زهرا سلام الله علیها از مقام تمام انبیاء گذشته برتر و بالاتر
می باشد،
و آن حضرت کُفو و در ردیف امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام به
حساب می آید.^۱

حدیث دوم:

وجود مقدّس امام صادق علیه السلام فرمودند:
لَوْلَا أَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى خَلَقَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ لِفَاطِمَةَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ،
مَا كَانَ لَهَا كُفُوٌ عَلَى ظَهْرِ الْأَرْضِ مِنْ آدَمَ وَ مَنْ دُونَهُ، یعنی:
وجود مقدّس امام صادق علیه السلام فرمودند:
اگر خداوند تبارک و تعالی امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام را برای
فاطمه زهرا سلام الله علیها خلق نفرموده بود، کُفو و هم‌شانی برای همسری
فاطمه زهرا سلام الله علیها در روی زمین یافت نمی شد، از حضرت آدم تا روز
قیامت «اگر خداوند متعال امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام را خلق
نفرموده بود هیچکس از حضرت آدم تا روز قیامت لیاقت همسری فاطمه زهرا
سلام الله علیها را نداشت، یعنی غیر از امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام
هیچ کس کُفو و هم‌شان فاطمه زهرا سلام الله علیها نبود که لیاقت همسری آن
علیا مخدّره را داشته باشد».

این حدیث شریف را یونس بن ظبّیان از امام صادق علیه السلام نقل نموده
است.^۲

۱. جلوه نور، تألیف آیت الله سعادت پرور، فصل ۱۴، صفحه ۱۱۸.

۲. اصول کافی، جلد دوم، صفحه ۳۶۰، حدیث ۱۰ «حدیث ۱۲۴۵» «باب زندگانی فاطمه زهرا سلام الله علیها».

امالی شیخ طوسی، جلد اول، صفحه ۹۹، حدیث ۱۵ «حدیث ۴۶»، «مجلس دوم».

سوغنامه فدک، تألیف آیت الله سیدمحمدتقی نقوی، صفحه ۹۶، ذیل عنوان: حضرت زهرا سلام الله علیها در

توضیح:

الف: در کتاب ارزشمند سوگنامه فدک تألیف آیت الله سید محمد تقی نقوی در توضیح ذیل این حدیث شریف آمده که:

احادیث در این باب بسیار زیاد است،

و همه این احادیث شریف صراحت دارند که:

كُفُو به تمام جهات در آئین همسری میان انسان‌های کامل «میان معصومین علیهم السّلام» در عمر دنیا منحصر است به یک مورد و آن هم همین جا است «كُفُو بودن حضرت زهرا با حضرت امیر علیهما السّلام»،

و نسخه دوّم نداشته و ندارد،

و به این جهت است که می‌گوئیم:

همسری فاطمه زهرا سلام الله علیها با امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام در امر ازدواج یکی از امتیازات برجسته و منحصر به فرد امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام می‌باشد که نصیب هیچ انسان کاملی «هیچ انسان معصوم» از انبیاء و اوصیاء نشده است،

چنانکه وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام فرمود:

یا علی:

خداوند متعال به تو سه چیز اعطا فرموده که به احدی حتّی به من داده نشده

است،

و آن سه چیز این است که:

خانه شوهر.

جَنَّة العاصمه، تألیف آیت الله سید محمد حسن میرجهانی، فصل دوازدهم، صفحه ۳۱۸.

تحقیقی درباره زندگی حضرت زهرا سلام الله علیها، تألیف آیت الله سید محمد کاظم قزوینی، صفحه ۳۹، حدیث ۴.

فاطمه علیها سلام سرور دل پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، تألیف آیت الله رحمانی همدانی، فصل ۷،

صفحه ۱۲۱، حدیث ۴.

پدرزنی مثل من داری که من چنین پدرزنی نداشته‌ام، همسری مانند دخترم فاطمه صدیقه داری که من چنین همسری نداشته‌ام، پسرانی مثل حسن و حسین علیهما السّلام داری که من چنین پسرانی نداشته‌ام.^۱

ب: در کتاب ارزشمند جُنَّة العاصمه در توضیح ذیل این حدیث شریف آمده که:

از جمله آیات و نشانه‌هایی که دالّ بر ولایت کلیّه داشتن فاطمه زهرا سلام الله علیها می‌باشد این است که:

أَحَدِيْ از خَلْقِ عَالَمٍ «مخلوقات الهی» از حضرت آدم تا خاتم لیاقت همسر شدن با آن وَلِيَّةُ اللَّهِ عَظْمَى سلام الله علیها را نداشته است غیر از وجود مقدّس وَلِيُّ اللَّهِ اعْظَمُ امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام «غیر از امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام از حضرت آدم تا خاتم هیچ‌کس لیاقت همسر شدن با فاطمه زهرا سلام الله علیها را نداشته است»،

و اگر وجود مقدّس وَلِيَّةُ اللَّهِ عَظْمَى فاطمه زهرا سلام الله علیها دارای رتبه ولایت مطلقه نبود لیاقت نداشتن کسی جز امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام برای همسر شدن با آن علیا مخدّره و نفی لیاقت همسری انبیاء و اولیاء الهی با آن علیا مخدّره معنایی نداشت.^۲

این حدیث شریف را علمای اهل سنّت نیز در کتب خویش نقل نموده‌اند، از قبیل:

قندوزی در ینابیع المودّه
خوارزمی در مقتل الحسین

۱. سوگنامه فدک «شرح خطبه حضرت زهرا سلام الله علیها»، تألیف آیت الله سیّد محمد تقی نقوی، صفحه ۹۶ و ۹۷، ذیل عنوان: حضرت زهرا علیها سلام در خانه شوهر
۲. جُنَّة العاصمه، تألیف آیت الله سیّد محمد حسن میرجهانی، فصل دوازدهم، صفحه ۳۱۷ تا ۳۱۹، ذیل عنوان: ولایت کلیّه داشتن حضرت زهرا سلام الله علیها.

ابن شیرویه دیلمی و...^۱

حدیث سوّم:

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم فرمودند:

لَوْ لَمْ يَخْلُقَ اللهُ عَلِيَّ بْنَ أَبِيطَالِبٍ،

مَا كَانَ لِفَاطِمَةَ كُفُوًا، یعنی:

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم فرمودند:

اگر خداوند متعال امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام را خلق

نمی فرمود،

فاطمه زهرا سلام الله علیها کفو یعنی شبیه و نظیری در عالم نداشت.

این حدیث شریف را دو نفر از علمای معروف اهل سنت نیز به نام قندوزی

در ینابیع المودّه و خوارزمی در مقتل الحسین نقل نموده اند.^۲

حدیث چهارم:

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم به امیرالمؤمنین علی بن

ابطالب علیه السلام فرمود:

لَوْلَاكَ يَا عَلِيُّ،

لَمَا كَانَ لِفَاطِمَةَ كُفُوًا عَلِيٍّ وَجِهَ الْأَرْضِ، یعنی:

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم به امیرالمؤمنین علی بن

ابطالب علیه السلام فرمود:

۱. سوگنامه فدک، تألیف آیت الله سیّد محمد تقی نقوی، صفحه ۹۶ «پاورقی شماره ۱».

تحقیقی درباره زندگانی فاطمه زهرا سلام الله علیها، تألیف آیت الله سیّد محمد کاظم قزوینی، صفحه ۳۹، توضیحات ذیل حدیث چهارم.

۲. فضائل و مناقب فاطمه زهرا سلام الله علیها، تألیف علامه امینی، موضوع هفتم، صفحه ۲۰۰، ذیل عنوان: مقام رُکْنِیَّة فاطمه علیها السلام نسبت به حضرت امیر علیه السلام.

فاطمه علیها سلام سرور دل پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم، تألیف آیت الله رحمانی همدانی، فصل ۷، صفحه ۱۲۲، حدیث ۵.

يا على:

اگر تو نبودى «اگر خداوند متعال تو را خلق نمى فرمود»،
فاطمه در روى زمين شبيه و نظير و همتايى نداشت.^۱

توضیح:

در کتاب ارزشمند علامه امينى در توضیح ذیل این دو حدیث شریف آمده که:
مقصود پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله و سلم از کُفو که در این احادیث
شریف در شأن فاطمه زهرا سلام الله علیها بیان شده چیست؟
آیا منظور پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله و سلم از کُفو، همانندى و همتايى
در مال و ثروت و فقر و غنا است؟
آیا منظور پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله و سلم از کُفو، همانندى و همتايى
در خلقت ظاهرى است؟
بطور قطع و يقين مقصود از کُفو در این احادیث نورانى و شریف، همانندى
و همتايى در مقام ولایت،
و همانندى و همتايى در صفات و فضائل است.
آرى،
وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها در شئون ولایت همتا و همانند
امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام مى باشد.
تشخیص کُفو و همتا بودن انسانى با انسان دیگر مطلبى است که فهم بشر
از درک آن عاجز و ناتوان است،
و فقط خداوند متعال که از ضمائر مخلوقات خویش آگاه است مى داند و
مى تواند معین کند که چه کسى کُفو و همانند چه کسى است،

۱. فضائل و مناقب فاطمه زهرا سلام الله علیها، تألیف علامه امينى، موضوع هفتم، صفحه ۲۰۰ و ۲۰۱، ذیل
عنوان: مقام رُکنیت فاطمه علیها سلام نسبت به حضرت امیر علیه السلام.

و همتای هر موجودی در عالم کدام است، لذا:
 اختیار فاطمه زهرا سلام الله علیها برای همسری امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب
 علیه السّلام انتخابی الهی است،
 و خداوند متعال خود برای فاطمه زهرا سلام الله علیها همسری را که کُفو و
 همتای او است برمی‌گزیند، یعنی:
 خداوند متعال خودش امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام را که کُفو
 و همتای فاطمه زهرا سلام الله علیها می‌باشد برای همسری آن علیا مخدّره
 برمی‌گزیند،
 و در این عقد آسمانی خود خطبه می‌خواند،
 و شهود این ازدواج مقدّس جبرئیل و ملائکه الهی هستند،
 و باید نیز اینگونه باشد، زیرا:
 فقط خداوند متعال می‌داند که کُفو و همانند فاطمه زهرا سلام الله علیها چه
 کسی است،
 فاطمه‌ای که جز امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام، هیچ انسانی شبیه
 و نظیر و همانند او نیست،
 و به همین جهت است که وقتی بزرگانی از قریش خواستار ازدواج با فاطمه
 زهرا سلام الله علیها می‌شوند وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله و
 سلّم به آنها می‌فرماید:
 دخترم فاطمه زهرا سلام الله علیها از آن خداوند متعال است،
 و من در این مورد هیچگونه اختیاری ندارم،
 و فقط خداوند متعال که خالق دخترم فاطمه زهرا سلام الله علیها است
 می‌داند که کُفو و همتا و همانند دخترم چه کسی است و لیاقت و شایستگی
 همسری او را دارد.

من و دخترم فاطمه گرچه هر دو صاحب مقام ولایت هستیم،
لیکن خداوند متعال بر من و بر دخترم ولایت دارد، لذا:
انتخاب و تعیین همسر فاطمه زهرا سلام الله علیها امری است خدایی.^۱

حدیث پنجم:

وجود مقدس امام صادق علیه السلام فرمودند:

لَوْلَا أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى خَلَقَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ،

لَمْ يَكُنْ لِفَاطِمَةَ كُفُوٌ عَلَيَّ وَجْهَ الْأَرْضِ فَمَنْ دُونَهُ، یعنی:

وجود مقدس امام صادق علیه السلام فرمودند:

اگر خداوند متعال امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام را خلق نکرده بود،

هیچ کس در روی زمین از حضرت آدم تا روز قیامت کفو و همتا و همانند

فاطمه زهرا سلام الله علیها نبود.^۲

توضیح:

در کتاب ارزشمند شرح زیارت جامعه کبیره «ادب فنای مقربان» تألیف آیت الله

جوادی آملی در توضیح این حدیث شریف آمده که:

وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام براساس آیه ۶۱

سوره آل عمران که به آیه مباهله معروف است «فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَ أَبْنَاءَكُمْ وَ

نِسَاءَنَا وَ نِسَاءَكُمْ وَ أَنْفُسَنَا وَ أَنْفُسَكُمْ...» به منزله روح و جان پیامبر اکرم صلی الله

۱. فضائل و مناقب فاطمه زهرا سلام الله علیها، تألیف علامه امینی، موضوع هفتم، صفحه ۲۰۰ تا ۲۰۶، ذیل عنوان: مقام رُکْنِیَّتِ فاطمه علیها سلام به حضرت امیر علیه السلام.

۲. فضائل و مناقب فاطمه زهرا سلام الله علیها، تألیف علامه امینی، موضوع هفتم، صفحه ۲۰۴، ذیل عنوان: مقام رُکْنِیَّتِ فاطمه علیها سلام نسبت به حضرت امیر علیه السلام.

فاطمه سلام الله علیها حلقه وصل رسالت و امامت، تألیف آیت الله وحید خراسانی، صفحه ۲۵۲، مجلس هفدهم. شرح زیارت جامعه کبیره «ادب فنای مقربان»، تألیف آیت الله جوادی آملی، جلد پنجم، صفحه ۱۶۷، ذیل عنوان: عَصَمَكُمُ اللهُ مِنَ الرَّزْلِ.

علیه وآله و سلّم می باشد،
 و فاطمه زهرا سلام الله علیها کُفو و هم شأن جان پیامبر اکرم می باشد، یعنی
 وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها کُفو و هم شأن امیرالمؤمنین علی بن
 ابیطالب علیه السّلام است که آن حضرت به منزله جان پیامبر اکرم صلی الله
 علیه وآله و سلّم می باشد.

کفو بودن در این حدیث شریف مطلق است،
 و شامل همه شئون علمی، معنوی و روحانی می شود،
 و فقط مختصّات امامت از آن خارج است.^۱

حدیث نهم:

وجود مقدّس امام صادق علیه السّلام درباره فاطمه زهرا سلام الله علیها فرمودند:
 لَوْلَا أَنَّ امِيرَ الْمُؤْمِنِينَ تَزَوَّجَهَا،
 لَمَا كَانَ لَهَا كُفُوٌ عَلَيَّ وَجِهَ الْأَرْضِ، آدَمُ فَمَنْ دُونَهُ، یعنی:
 وجود مقدّس امام صادق علیه السّلام درباره فاطمه زهرا سلام الله علیها
 فرمودند:

اگر امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام با فاطمه زهرا سلام الله علیها
 ازدواج نمی کرد «اگر امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام فاطمه زهرا
 سلام الله علیها را تزویج نمی کرد»،
 در روی زمین از حضرت آدم تا نسل های بعد از او و تا روز قیامت هیچکس
 لیاقت همسری فاطمه زهرا سلام الله علیها را نداشت «آن حضرت کُفو و
 همانندی نداشت».^۲

۱. شرح زیارت جامعه کبیره «ادب فنای مقربان»، تألیف آیت الله جوادی آملی، جلد پنجم، صفحه ۱۶۷، ذیل عنوان
 : عَصَمَكُمُ اللهُ مِنَ الرَّزْلِ.

۲. امالی صدوق، صفحه ۹۲۹، حدیث ۱۸، مجلس هشتم و ششم.

عَلل الشرايع صدوق، جلد اول، باب ۱۴۲، صفحه ۵۸۵، حدیث ۳. ←

توضیح:

عَلَّامه امینی اعلی الله مقامه الشریف در کتاب خویش و در توضیح این حدیث شریف می گوید:

اگر غیر از این فرمایش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و غیر از این حدیث نورانی و شریف هیچ حدیث دیگری در رابطه با مقام و منزلت ویژه فاطمه زهرا سلام الله علیها نبود «گرچه صدها حدیث شریف از طریق شیعه و سنی نقل شده»،

همین یک حدیث شریف برای اثبات برتری فاطمه زهرا سلام الله علیها بر تمام انبیاء الهی «جز پدر بزرگوارش» کافی بود.^۱

حدیث هفتم:

وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

لَوْلَا عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ،

لَمْ يَكُنْ لِفَاطِمَةَ عَلَيْهَا سَلَامٌ كُفُوٌ، یعنی:

وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

اگر امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام نبود،

برای فاطمه زهرا سلام الله علیها کفو و همانندی نبود تا لیاقت همسری او

را داشته باشد.^۲

این حدیث شریف را علمای اهل سنت نیز در کتب خویش نقل نموده‌اند،

فضائل و مناقب فاطمه زهرا سلام الله علیها، تألیف عَلَّامه امینی، موضوع هفتم، صفحه ۲۰۴.

فاطمه زهرا سلام الله علیها سرور دل پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، تألیف آیت الله رحمانی همدانی، فصل ۷، صفحه ۱۲۲، حدیث ۷، و فصل ۱۵، صفحه ۱۹۳، حدیث ۱.

۱. فضائل و مناقب فاطمه زهرا سلام الله علیها، تألیف عَلَّامه امینی، موضوع هفتم، صفحه ۲۰۵ «پاورقی»، ذیل عنوان: مقام رُكْنِيَّة فاطمه علیها سلام نسبت به حضرت امیر علیه السلام.

۲. سوگنامه فدک، تألیف آیت الله سیدمحمدتقی نقوی، صفحه ۹۶، ذیل عنوان: حضرت زهرا علیها سلام در خانه شوهر.

از قبیل: قندوزی در ینابیع المودّه و خوارزمی در مقتل الحسین.^۱

حدیث هشتم:

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم فرمودند:

لَوْلَا أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَتَزَوَّجَ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا سَلَامٌ،

لَمَا كَانَ لَهَا كُفُوٌ عَلَيَّ وَجِهَ الْأَرْضِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، یعنی:

اگر نبود تزویج علی علیه السّلام به فاطمه علیها سلام، کُفو و همسری بر روی زمین تا قیامت برای فاطمه زهرا علیها سلام نبود «اگر امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام فاطمه زهرا سلام الله علیها را تزویج نمی نمود، بر روی زمین تا روز قیامت کُفو و همتایی برای فاطمه زهرا سلام الله علیها نبود تا شایستگی و لیاقت همسری آن علیا مخدّره را داشته باشد».^۲

در توضیح ذیل این حدیث شریف آمده که:

احادیث در این باب بسیار زیاد است،

و این احادیث شریف صراحت دارند بر اینکه:

کُفو به تمام معنا و کُفو به تمام جهات در آئین همسری میان انسان‌های کامل «یعنی معصومین علیهم السّلام» در عمر دنیا منحصر است به یک مورد و آن هم همین جا است و نسخه دوّم نداشته و نخواهد داشت،

و به همین جهت است که می‌گوییم همسری فاطمه زهرا سلام الله علیها با امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام یکی از امتیازات برجسته و منحصر به فرد امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام است که نصیب هیچکدام از انبیاء الهی و اوصیاء آنها نشده است.^۳

۱. سوگنامه فدک، تألیف آیت‌الله سیّد محمد تقی نقوی، صفحه ۹۶ «پاورقی».

۲. سوگنامه فدک، تألیف آیت‌الله محمد تقی نقوی، صفحه ۹۶، ذیل عنوان: حضرت زهرا سلام الله علیها در خانه شوهر.

۳. سوگنامه فدک «شرح خطبه حضرت زهرا سلام الله علیها»، تألیف آیت‌الله سیّد محمد تقی نقوی، صفحه ۹۶ و ۹۷.

توضیح:

احادیث فراوانی از ناحیه وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله و سلّم و ائمه معصومین علیهم السّلام صادر شده مبنی بر اینکه وجود مقدّس امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام و فاطمه زهرا سلام الله علیها کُفو یکدیگر می باشند،

و اگر خداوند متعال امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام را خلق نمی کرد از اوّل خلقت تا روز قیامت هیچکس کُفو و همتای فاطمه زهرا سلام الله علیها نبود،

لذا هیچکس شایستگی و لیاقت همسری آن علیا مخدّره را نداشت.

احادیث فراوانی در این رابطه از طریق شیعه و سنی نقل شده که به عنوان نمونه فقط به هشت حدیث شریف اشاره شد تا از طولانی شدن کلام جلوگیری شود.

ذیلاً به چند نمونه از مصادیق کُفو و همتایی و همانندی فاطمه زهرا سلام الله علیها با امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام اشاره می شود تا مطلب کاملاً روشن شود.

مصدق اوّل:

أحدی از مخلوقات الهی قادر به رسیدن به حقیقت و کُنه مقامات امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام نمی باشد.

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم به امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام فرمود:

یا علیّ:

ما عَرَفَكَ إِلَّا اللهُ وَ أَنَا، یعنی:

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله و سلّم به امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام فرمود:

یا علی:

تو را کسی نشناخت جز خداوند متعال و من.

همچنین در حدیث دیگری آمده که:

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله و سلّم به امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام فرمود:

یا عَلِيُّ:

مَا عَرَفَكَ حَقَّ مَعْرِفَتِكَ غَيْرُ اللَّهِ وَ غَيْرِي، یعنی:

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله و سلّم به امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام فرمود:

یا علی:

تو را آنگونه که حقّ معرفت تو است کسی جز خداوند متعال و من نشناخته

است «کسی جز خداوند متعال و من، تو را به شایستگی نشناخته است».^۱

ذیل چهاردهمین مورد از فضائل و مناقب بی شمار امیرالمؤمنین علی بن

۱. امیرالمؤمنین علیه السلام نفس نفیس خاتمیت، تألیف آیت الله وحید خراسانی، صفحه ۲۹۴، مجلس پانزدهم.

شرح زیارت جامعه کبیره «ادب فنای مقربان»، تألیف آیت الله جوادی آملی،

جلد سوّم، صفحه ۱۱۱، ذیل عنوان: وَ نُورِهِ وَ بُرْهَانِهِ.

جلد هفتم، صفحه ۳۹۴، ذیل عنوان: وَ الرَّحْمَةُ الْمَوْصُولَةُ.

جلد هشتم، صفحه ۳۴، ذیل عنوان: وَ الْآيَةُ الْمَخْرُوجَةُ.

شرح زیارت جامعه کبیره، تألیف آیت الله سید محمد تقی نقوی، صفحه ۵۲۲، ذیل عنوان: وَ لَا أْبْلُغُ مِنَ الْمَدْحِ كُنْهَكُمْ.

شرح زیارت جامعه کبیره، تألیف علامه سید حسین همدانی درود آبادی، صفحه ۱۷، ذیل عنوان: درباره شرح

زیارت جامعه کبیره.

جَنَّةُ الْعَاصِمَةِ، تألیف آیت الله سید محمدحسن میرجهانی، فصل دوازدهم، صفحه ۳۱۶، ذیل عنوان: در بیان ولایت

کلّیه فاطمه زهرا سلام الله علیها.

قطره ای از دریای فضائل اهل بیت علیهم السلام، تألیف آیت الله سیداحمد مستنبت، جلد اول، بخش دوّم، صفحه

۳۵۷، حدیث ۱۵۳/۲۴۶.

ايبطال عليه السلام در اين كتاب شريف فاطمی در اين رابطه توضیحات کاملی ارائه شده است.

مضمون دو حدیث شریفی که ملاحظه فرمودید این است که:

غیر از خداوند متعال و به اذن خداوند متعال غیر از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه معصومین علیهم السلام احدی از مخلوقات الهی قادر به رسیدن به حقیقت و کُنه مقامات و فضائل امیرالمؤمنین علی بن ايبطال عليه السلام نمی باشد.

این موضوع در رابطه با وجود مقدس فاطمه زهرا سلام الله علیها نیز که کفو و همتا و همانند و همطراز امیرالمؤمنین علی بن ايبطال عليه السلام می باشد دقیقاً صدق می کند، یعنی:

غیر از خداوند متعال و به اذن خداوند متعال غیر از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه معصومین علیهم السلام احدی از مخلوقات الهی قادر به رسیدن به حقیقت و کُنه مقامات و فضائل فاطمه زهرا سلام الله علیها نمی باشد، و این موضوع، مضمون و مفاد حدیث شریفی است که از ناحیه وجود مقدس امام صادق علیه السلام صادر شده که ذیلاً ملاحظه می فرمایید.

وجود مقدس امام صادق علیه السلام در رابطه با وجود مقدس فاطمه زهرا سلام الله علیها و علت نامگذاری آن حضرت به نام مبارک فاطمه، فرمودند:

أِنَّمَا سُمِّيَتْ فَاطِمَةَ،

لِأَنَّ الْخَلْقَ فُطِمُوا عَنْ مَعْرِفَتِهَا، یعنی:

وجود مقدس فاطمه زهرا سلام الله علیها، فاطمه نامگذاری شد، زیرا:

تمام مخلوقات از شناختن آن حضرت بازگرفته شده و جدا شده اند، یعنی:

تمام مخلوقات الهی از شناختن فاطمه زهرا سلام الله علیها بازگرفته شده و

جدا شده اند، یعنی:

مخلوقات الهی به حقیقت و به کُنه معرفت و وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها راه نیافته‌اند،

و قادر به رسیدن به حقیقت و کُنه مقام آن علیا مخدّره نمی‌باشند.^۱
ملاحظه فرمودید که:

طبق این حدیث شریف، وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها به عنوان سوّمین شخصیت عالم خلقت «بعد از وجود مبارک پیامبر اکرم و حضرت امیرعلیهما السّلام» دارای فضائل و مناقب و مقاماتی است که جز خداوند متعال و به اذن خداوند متعال جز پدر بزرگوارش و شوهر گرانقدرش و یازده امام معصوم از نسل و ذریّه‌اش احدی از مخلوقات الهی به آنها آگاهی و اطلاع ندارد،

و جز آن ذوات مقدّسه احدی از مخلوقات الهی قادر به شناختن آن حضرت و رسیدن به حقیقت و کُنه مقامات آن علیا مخدّره نمی‌باشد.

پس از ارائه توضیحاتی پیرامون اوّلین مصداق کُفو و همانندی فاطمه زهرا سلام الله علیها با امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام می‌پردازیم به دوّمین مصداق همانندی و همتایی آن دو بزرگوار.

۱. فاطمه علیها سلام حلقه وصل رسالت و امامت، تألیف آیت‌الله وحید خراسانی، صفحه ۳۶ و ۳۷، مجلس اوّل صفحه ۹۵ و ۹۶، مجلس پنجم.

صفحه ۱۲۲، مجلس ششم.

صفحه ۱۴۲، مجلس هشتم.

سوگنامه فدک، تألیف آیت‌الله سیدمحمدتقی نقوی، فضائل حضرت زهرا سلام الله علیها، ب: روایات خاصّه، صفحه ۷۹. جُنّة العاصمه، تألیف آیت‌الله سیدمحمدحسن میرجهانی، فصل دوازدهم، صفحه ۳۱۲.

قطره‌ای از دریای فضائل اهل بیت علیهم السّلام، تألیف آیت‌الله سیداحمد مستنبط، جلد اوّل، بخش سوّم، صفحه ۴۱۳، حدیث ۱۸/۲۶۹.

جلوه نور، تألیف آیت‌الله سعادت پرور، فصل ۱۲، صفحه ۱۰۴، حدیث هشتم.

خصائص فاطمیّه، تألیف آیت‌الله کجوری مازندرانی، خصیصه چهل و ششم، صفحه ۸۱۰ و صفحه ۱۶۳. فاطمه زهرا سلام الله علیها سرور دل پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم، تألیف آیت‌الله رحمانی همدانی، فصل ۱۵، صفحه ۱۹۴، حدیث ۳.

مصدق دوّم:

وجود مقدّس مولی الموحّدين امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام امام
مُبین است،

و خداوند متعال حقایق همه عالم و حوادث گذشته و آینده را با تمام
جزئیاتش در امام مُبین درج و ثبت فرموده است.

خداوند متعال در آیه ۱۲ سوره مبارکه یس می فرماید:

وَكُلَّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُّبِينٍ، یعنی:

خداوند متعال می فرماید:

ما «خداوند متعال» همه چیز را در امام مُبین که همان لوح محفوظ باشد

شمرده ایم و احصاء کرده ایم، یعنی:

حقایق همه عالم،

حوادث گذشته و حال و آینده،

آنچه که خداوند متعال برای مخلوقاتش مقرر فرموده،

و همه کتب آسمانی در امام مُبین که همان لوح محفوظ باشد درج و ثبت

است.^۱

ذیل دوّمین مورد از فضائل و مناقب مولی الموحّدين امیرالمؤمنین علی بن
ابطالب علیه السّلام در این کتاب شریف فاطمی توضیحات کاملی ارائه گردید،
و پنج حدیث شریف از وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و
سَلّم و ائمه معصومین علیهم السّلام نقل شد که مقصود از امام مُبین در آیه
دوازدهم سوره مبارکه یس «تأویل آیه شریفه» وجود مقدّس امیرالمؤمنین علی

۱. مجمع البیان، جلد بیستم، صفحه ۳۷۷ «ذیل آیه ۱۲ سوره یس».

المیزان، جلد سی و سوّم، صفحه ۱۰۷ «ذیل آیه ۱۲ سوره یس».

تفسیر نمونه، جلد هیجدهم، صفحه ۳۵۰ و ۳۵۵ «ذیل آیه ۱۲ سوره یس».

تفسیر صافی، جلد پنجم، صفحه ۴۳۰ «ذیل آیه ۱۲ سوره یس».

بن ابیطالب علیه السّلام می باشد که خداوند متعال علوم اوّلین و آخرین و همه حقائق عالم را در سینه و قلب مبارک آن حضرت ثبت و ضبط فرموده است، و به همین جهت آن بزرگوار «همچنین سایر حضرات معصومین علیهم السّلام» از گذشته و حال و آینده انسان ها و همه مخلوقات مطّلع و آگاه می باشند. جهت جلوگیری از طولانی شدن کلام فقط به یکی از این احادیث شریف اشاره می شود.

وجود مقدّس امام باقر علیه السّلام فرمودند:

هنگامی که این آیه شریفه «وَكُلَّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُّبِينٍ - آیه ۱۲ سوره یس» - به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم نازل شد، ابوبکر بن ابی قحافه و عمر بن خطّاب از جای خود بلند شده و به پیامبر اکرم عرض کردند:

یا رسول الله:

آیا منظور از امام مُبیین در این آیه شریفه «آیه ۱۲ سوره یس» تورات است؟ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم فرمودند: خیر.

ابوبکر و عمر به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم عرض کردند:

آیا منظور از امام مُبیین در این آیه شریفه «آیه ۱۲ سوره یس» انجیل است؟ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم فرمودند: خیر.

ابوبکر و عمر به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم عرض کردند:

آیا منظور از امام مُبیین در این آیه شریفه «آیه ۱۲ سوره یس» قرآن کریم است؟

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم فرمودند: خیر.

در همین حال وجود مقدّس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام وارد

شده و خدمت پیامبر اکرم رسیدند،

و هنگامی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم چشمشان به امیرالمؤمنین

علی بن ابیطالب علیه السلام افتاد فرمود:

هُوَ هَذَا،

إِنَّهُ الْإِمَامُ الَّذِي أَحْصَى اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى فِيهِ عِلْمَ كُلِّ شَيْءٍ، يَعْنِي:

وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله و سلم فرمودند:

امام مبین این مرد است «یعنی امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام»، او است امام مبین که خداوند متعال علم همه چیز را در او احصاء فرموده است «علی بن ابیطالب علیه السلام امام مبین است، و خداوند متعال علم همه چیز را در او احصاء فرموده است».

این حدیث شریف را ابو جارود از امام باقر علیه السلام نقل نموده است.^۱

قابل ذکر است که:

این حدیث شریف را ابن عباس نیز از وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله

علیه و آله و سلم نقل نموده است.^۲

ملاحظه فرمودید که:

طبق این حدیث شریف و چهار حدیث دیگر که ذیل دوّمین مورد از فضائل و مناقب امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام در این کتاب شریف فاطمی نقل شد،

خداوند متعال علوم اوّلین و آخرین و حقایق همه عالم را در سینه و قلب مبارک امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام ثبت و ضبط فرموده، لذا آن

۱. معانی الاخبار صدوق، جلد اوّل، باب ۳۵، صفحه ۲۲۴، حدیث ۱.

امالی صدوق، صفحه ۲۷۱، حدیث ۵ «مجلس سی و دوّم».

المیزان، جلد سی و سوّم، صفحه ۱۱۲ «بحث روایتی ذیل آیه ۱۲ سوره یس».

تفسیر صافی، جلد پنجم، صفحه ۴۳۰ «ذیل آیه ۱۲ سوره یس».

تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۶۲۷، حدیث ۱۷ «ذیل آیه ۱۲ سوره یس».

تفسیر نورالثقلین، جلد ششم، صفحه ۳۲۵، حدیث ۲۷ «حدیث ۹۳۴۴» «ذیل آیه ۱۲ سوره یس».

تفسیر نمونه، جلد هیجدهم، صفحه ۳۵۴ «ذیل آیه ۱۲ سوره یس».

۲. تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۶۲۹، حدیث ۲۲ «ذیل آیه ۱۲ سوره یس».

حضرت به تمام حقایق عالم آگاه است، و از گذشته و حال و آینده انسان‌ها و همه مخلوقات الهی اطلاع کامل دارد. این موضوع در رابطه با وجود مقدس فاطمه زهرا سلام الله علیها نیز که کُفو و هم‌تا و همانند و هم‌مطراز امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام می‌باشد دقیقاً صدق می‌کند، یعنی:

وجود مقدس فاطمه زهرا سلام الله علیها نیز مانند وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام از گذشته و حال و آینده انسان‌ها و همه مخلوقات الهی اطلاع کامل دارد و از آنها آگاه می‌باشد، و همه اینها را خداوند متعال به آن علیا مخدّره اعطا فرموده است.

ذیل شانزدهمین فضیلت از فضائل بی‌شمار وجود مقدس فاطمه زهرا سلام الله علیها در این کتاب شریف فاطمی به عرض رسید که:

وجود مقدس فاطمه زهرا سلام الله علیها حُجَّةُ الله و وَكِيَّةُ الله است، لذا مانند امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام و سایر حضرات معصومین علیهم السلام مخزن علم خداوند متعال است، و به همین جهت به گذشته و حال و آینده علم دارد و از آن آگاه است. همانطور که به عرض رسید،

ذیل شانزدهمین فضیلت از فضائل بی‌شمار فاطمه زهرا سلام الله علیها در این کتاب شریف فاطمی توضیحات کاملی در رابطه با علم حضرت زهرا سلام الله علیها ارائه شد و پنج حدیث شریف نیز نقل گردید، که جهت جلوگیری از طولانی شدن فقط به یکی از این احادیث شریف اشاره می‌شود.

سلمان فارسی می‌گوید:

عَمَّارِ یَاسِرِ بِهٖ مِنْ کَلِمَاتِ

ای سلمان:

آیا می خواهی مطلب عجیب و شگفت انگیزی را برای تو نقل نمایم؟
سلمان به عمّار یاسر گفت:

آری،

آن را برای من نقل کن.

عمّار یاسر گفت:

امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام را دیدم که بر فاطمه زهرا سلام
الله علیها وارد شد،

و هنگامی که فاطمه زهرا سلام الله علیها وجود مقدّس امیرالمؤمنین علیّ بن
ابطالب علیه السّلام را مشاهده نمود به آن حضرت عرض کرد:

أُذُنٌ لِأَحَدٍ ثَمَّ بِمَا كَانَ وَبِمَا هُوَ كَائِنٌ وَبِمَا لَمْ يَكُنْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ حِينَ تَقُومُ السَّاعَةُ،

یعنی:

وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها به امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب
علیه السّلام عرض کرد:

نزدیک بیا «نزدیک من بیا»،

تا از آنچه که در گذشته بوقوع پیوسته،

و از آنچه که تا روز قیامت واقع خواهد شد،

و از آنچه که هرگز واقع نخواهد شد برای تو بگویم.

عمّار یاسر می گوید:

پس از این فرمایش فاطمه زهرا سلام الله علیها، وجود مقدّس امیرالمؤمنین
علیّ بن ابیطالب علیه السّلام خدمت پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله و سلّم
شرفیاب شد،

و به محض اینکه وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله و سلّم

امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام را مشاهده نمود به آن حضرت فرمود:

یا ابالحسن:

نزدیک تر بیا،

و سپس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام نزدیک پیامبر اکرم رفت و کنار آن حضرت نشست.

وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام فرمود:

یا ابالحسن:

من قضیّه را بگویم یا تو می گویی «من داستان را نقل کنم یا تو می گویی»؟
امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم عرض کرد:

یا رسول الله:

اگر شما بفرمائید نیکوتر و زیباتر است.

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام فرمود:

گویی من همراه تو بودم که بر فاطمه زهرا سلام الله علیها وارد شدی،
و او برای تو چنین و چنان گفت «گویا من نزد شما دو نفر بودم و دیدم و شنیدم که فاطمه زهرا سلام الله علیها به تو چه گفت».

وجود مقدّس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم عرض کرد:

بله یا رسول الله.

عمّار یاسر می گوید:

امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام پس از گفتگوی کوتاهی با پیامبر

اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نزد فاطمه زهرا سلام الله علیها بازگشت.
وجود مقدس فاطمه زهرا سلام الله علیها به امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب
علیه السلام عرض کرد:

گویا نزد پدرم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم رفتی و آنچه را که به
تو گفته بودم برای آن حضرت نقل نمودی.

وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام به فاطمه زهرا سلام
الله علیها فرمود:

بله،

همینطور است که می گویی،

و سپس وجود مقدس فاطمه زهرا سلام الله علیها به امیرالمؤمنین علی بن
ابطالب علیه السلام عرض کرد:

یا اباالحسن:

خداوند متعال نور مرا خلق فرمود،

و نور من بلافاصله مشغول تسبیح خداوند متعال شد،

سپس خداوند متعال آن نور را به درختی از درخت های بهشت امانت داد

«به ودیعه نهاد»،

و هنگامی که پدرم صلی الله علیه و آله و سلم وارد بهشت شد «هنگام

معراج»، خداوند متعال به او فرمود تا از میوه های این درخت تناول نماید، و

پدرم نیز از میوه این درخت میل فرمود،

و بدینوسیله خداوند متعال مرا در صلب پدرم قرار داد،

و سپس به رحم مادرم حضرت خدیجه منتقل فرمود تا اینکه من متولد شدم.

وجود مقدس فاطمه زهرا سلام الله علیها در ادامه فرمایش خویش فرمود:

وَ أَنَا مِنْ ذَلِكَ التُّورِ،

أَعْلَمُ مَا كَانَ وَ مَا يَكُونُ وَ مَا لَمْ يَكُنْ، یعنی:

وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها در ادامه فرمایش خویش به امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام عرض کرد:

و من از همان نور هستم،

و از آنچه که در گذشته بوقوع پیوسته «آنچه را که بوده»،

و از آنچه که در آینده بوقوع خواهد پیوست «آنچه که خواهد بود»،

و از آنچه که هرگز واقع نشده «آنچه که نبوده»،

باخبر هستم و از آن اطلاع کامل دارم «یعنی از گذشته و حال و آینده، و از

آنچه که بوده و هست و خواهد بود مطلع هستم و از آن آگاهی کامل دارم»^۱.

علامه امینی در کتاب فضائل فاطمه زهرا سلام الله علیها در توضیح و تفسیر

این حدیث شریف و در ذیل این حدیث نورانی در رابطه با علم فاطمه زهرا

سلام الله علیها می گوید:

وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها و سایر حضرات معصومین علیهم

السّلام از نوری خلق شده‌اند که غیر از خداوند متعال هیچکس از کیفیت آن

آگاه نیست، یعنی:

وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام از نوری خلق شده‌اند که آن

نور طبق فرمایش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم، مَخْرُوزٌ مَكْنُونٌ فِی عِلْمِ

اللهِ می باشد،

۱. فاطمه علیها سلام حلقه وصل رسالت و امامت، تألیف آیت الله وحید خراسانی، صفحه ۳۹۲، مجلس بیست و هفتم.

فضائل فاطمه زهرا سلام الله علیها، تألیف علامه امینی، موضوع یازدهم، صفحه ۲۶۵ تا ۲۶۸.

جَنَّةُ الْعَاصِمَةِ، تألیف آیت الله سیدمحمدحسن میرجهانی، فصل سیزدهم، صفحه ۳۳۵ تا ۳۳۷.

جلوه نور، تألیف آیت الله سعادت پرور، فصل ۱ صفحه ۳۲، فصل ۱۲ صفحه ۹۹ و ۱۰۰.

فاطمه علیها سلام سرور دل پیامبر اکرم، تألیف آیت الله رحمانی همدانی، فصل ۱۹، صفحه ۳۶۷، حدیث ۴۶.

خصائص فاطمیّه، تألیف آیت الله کجوری مازندرانی، خصیصه یازدهم، مورد شانزدهم، صفحه ۳۴۳.

قطره‌ای از دریای فضائل اهل بیت علیهم السّلام، تألیف آیت الله سیداحمد مستنبت، جلد اوّل، بخش سوّم، صفحه

۴۰۲، حدیث ۲/۲۵۳.

و در اثر همین نور است که وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها «همچنین سایر حضرات معصومین سلام الله علیهم اجمعین» در رَحِمِ مادر:

از همه جا با خبر است،

بر همه جا احاطه دارد،

و همه چیز را می داند.

عَلَّامه امینی در ادامه سخن خویش می گوید:

مراتب مذکور که ملاحظه فرمودید از خصوصیات نبوّت و امامت نیست،

بلکه از شئون ولایت و اوّلی به نفس بودن بر جمیع بشر است،

و از برکت همین مقام است «مقام ولایت و اوّلی به نفس بودن بر جمیع

بشر» که وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها:

هنگامی که در رَحِمِ مادر است،

و هنگامی که به دنیا می آید به همه چیز آگاه است، لذا:

وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها به محض تولّد:

به یگانگی خداوند متعال شهادت می دهد،

و از نبوّت و رسالت پدر بزرگوارش خبر می دهد.

عَلَّامه امینی در ادامه سخن خویش در رابطه با علم فاطمه زهرا سلام الله

علیها می افزاید:

علم و دانش فاطمه زهرا سلام الله علیها در روز ولادتش با علم و دانش آن

حضرت در هنگام شهادتش هیچ فرقی ندارد، لذا:

وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها با این علم موهوبی و خدادادی:

از همه چیز آگاه است،

به اوضاع جهان بینا است،

از تمام قضایا باخبر است،

اسامی ملائکه الهی را می داند،
 اسامی حورالعین را می داند،
 اسامی اهل بهشت را می داند،
 اسامی اهل جهنّم را می داند،
 اسامی مُحَبِّین خویش را می داند،
 اسامی دشمنانش را می داند،
 و در یک کلام:

از اوّلین و آخرین چیزی بر آن حضرت پوشیده نیست، یعنی:
 وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها تمام اخبار و وقایع دنیا و آخرت
 را بی کم و کاست می داند و از آن اطلاع کامل دارد.

علامه امینی در ادامه سخن خویش می گوید:
 وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها در رَحْم مادر بزرگوارش و هنگام
 ولادتش دارای همان علم موهوبی و خدادادی بوده که پدر بزرگوارش و شوهر
 گرانقدرش واجد آن بوده اند، لذا:

جای تعجّب نیست که وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها هنگام
 ولادتش به نبوّت و رسالت پدر بزرگوارش شهادت می دهد،

همانگونه که وجود مقدّس امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام نیز
 هنگام ولادت خویش به نبوّت و رسالت وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله
 علیه وآله و سلّم شهادت می دهد،

و همه اینها از شئون ولایت است،
 و در اثر آن نور مبارکی بوده که مایه آفرینش فاطمه زهرا سلام الله علیها
 بوده است،

نوری که طبق فرمایش پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله و سلّم، مَخْرُوءٌ مَكْنُونٌ

فی عِلْمِ الله می باشد و غیر از خداوند متعال هیچکس از کیفیت آن آگاه نیست، نوری که مانند آینه‌ای تمام نما همه عوالم ملکوت در آن منعکس می باشد، و علم اوّلین و آخرین در آن نور منعکس است.^۱

وهب = بخشیدن - بخشش.

واهب = بخشنده - عطا کننده.

موهوب = هرچیز بخشیده شده - هر چیزی که بدون عوض به کسی بدهند.

موهوبی = خدادادی - خدا داده.

مخزون = در خزانه نهاده شده.

مکنون = پنهان داشته شده - پوشیده شده - پنهان.

طینت = سرشت - خلقت - نخستین خمیرمایه آفرینش.

آیت الله سید محمدحسن میرجهانی در کتاب *جَنَّة العاصمه* در رابطه با این حدیث شریف و در توضیح این حدیث شریف «حدیثی که سلمان فارسی از عمّار یاسر نقل نموده» می گوید:

وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها مانند پدر بزرگوارش و مانند شوهر گرانقدرش عالم بما كانَ و ما یكونُ و ما هو کائنُ بوده است، یعنی:

وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها عیناً مانند پدر بزرگوارش و عیناً مانند شوهر گرانقدرش تمام اخبار و وقایع گذشته و حال و آینده را به علم موهوبی «علم خدادادی» می دانسته،

لیکن در مواردی که خداوند متعال می خواست آن حضرت اظهار می فرمود، و آن علیا مخدّره هرچه را که می خواست آن را اراده می فرمود و از آن مطلع می شد.

عمق دریای علم وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها به اندازه‌ای است

۱. فضائل فاطمه زهرا سلام الله علیها، تألیف علامه امینی، موضوع یازدهم، صفحه ۲۶۱ تا ۲۶۸.

«به قدری عظیم است» که صاحبان ولایت جزئیّه نمی توانند به آن پی ببرند، و مقصود از فرمایش فاطمه زهرا سلام الله علیها در این حدیث شریف «حدیثی که سلمان فارسی از عمّار یاسر نقل نموده» که آن حضرت علم به ما لَمْ یَكُنْ دارد «علم به آنچه که نبوده و نمی باشد» از اسراری است که نزد خداوند متعال مکنون و مخزون است،

و آن غیر از حوادث کَوْنیّه و بیرون از محتویات لوح محفوظ و لوح محو و اثبات است که از خصائص صاحبان ولایت مطلقه می باشد.
«کَوْن = هستی - وجود - جهان - عالم - بوجود آمدن»^۱

مصدق سوّم:

وجود مقدّس مولی الموحدین امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام نفّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم می باشد.
«نَفّس = روح - جان»

خداوند متعال در آیه ۶۱ سوره آل عمران وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم را مورد خطاب قرار داده و می فرماید:

فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ، فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَابْنَاتِكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَائِكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ، ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَةَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ، یعنی:
خداوند متعال به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم می فرماید:
ای پیامبر:

بعد از اینکه از طریق وحی به احوال عیسی بن مریم علم و آگاهی پیدا کردی،

چنانچه کسانی در رابطه با حضرت عیسی با تو مُحاجّه و ستیزه کنند به آنها

۱. جُنّة العاصمه، تألیف آیت الله سید محمد حسن میرجهانی، صفحه ۳۳۵ تا ۳۳۸، فصل سیزدهم، ذیل عنوان: علم فاطمه زهرا سلام الله علیها.

بگو:

بیائید ما فرزندان خودمان را دعوت کنیم،

شما هم فرزندان خودتان را،

ما زنان خودمان را دعوت کنیم،

شما هم زنان خودتان را،

ما نفس‌های خودمان را دعوت کنیم «ما کسانی را دعوت کنیم که به منزله

روح و جان ما هستند و به منزله خود ما هستند»،

و شما هم نفس خودتان را دعوت کنید،

آنگاه مباحله کنیم و لعنت خدا را بر دروغگویان قرار دهیم.^۱

ذیل ششمین مورد از فضائل و مناقب بی‌شمار مولى الموحدین امیرالمؤمنین

علی بن ابیطالب علیه السلام در این کتاب شریف فاطمی توضیحات کاملی

ارائه شده و پنج حدیث شریف از ائمه معصومین علیهم السلام نقل شده که

منظور از آنفسنا در این آیه شریفه «آیه ۶۱ سوره آل عمران معروف به آیه

مباحله» وجود مقدس مولى الموحدین امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام

می‌باشد، یعنی:

وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام نفس پیامبر اکرم

صلی الله علیه وآله و سلم می‌باشد، یعنی:

وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام روح و جان پیامبر

اکرم صلی الله علیه وآله و سلم می‌باشد، یعنی:

وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام به منزله خود پیامبر

اکرم صلی الله علیه وآله و سلم می‌باشد.

جهت رعایت اختصار و جلوگیری از طولانی شدن کلام فقط به دو حدیث

۱. مجمع البیان، جلد چهارم، صفحه ۹۸ «ذیل آیه ۶۱ سوره آل عمران».

تفسیر نمونه، جلد دوم، صفحه ۶۷۱ «ذیل آیه ۶۱ سوره آل عمران».

شریف اشاره می‌شود.

۱- در جریان مناظره امام رضا علیه السلام با فرقه‌های مختلف اسلامی که با حضور علمای آن فرقه‌ها صورت گرفت و مأمون ملعون نیز در آن جلسه شرکت داشت، وجود مقدّس امام رضا علیه السلام در رابطه با مقام و منزلت ویژه اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم مطالبی بیان فرمود که یکی از موضوعات مطروحه توسط امام رضا علیه السلام در رابطه با آیه ۶۱ سوره آل عمران «معروف به آیه مباهله» می‌باشد که ذیلاً به اختصار به آن اشاره می‌شود.

وجود مقدّس امام رضا علیه السلام پس از تلاوت آیه ۶۱ سوره آل عمران «فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ، فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ آبْنَاءَنَا وَ ابْنَائِكُمْ وَ نِسَاءَنَا وَ نِسَاءَكُمْ وَ أَنْفُسَنَا وَ أَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لُغْنَةَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ» فرمودند:

مقصود از آنفُسَنَا در این آیه شریفه فقط و فقط وجود مقدّس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام می‌باشد که نفس و جان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم می‌باشد نه فرد دیگر، و دلیل این مطلب، فرمایش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم به طایفه بنو ولیعیه می‌باشد که فرمود:

اگر طایفه بنو ولیعیه دست از کارهای مجرمانه خویش برندارند، امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام را که نفس و جان من است به سوی آنها خواهم فرستاد «به جنگ با آنها خواهم فرستاد».^۱

۲- وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم می‌خواستند مطلبی

۱. عیون اخبار الرضا علیه السلام، جلد اول، باب ۲۳، صفحه ۴۶۸ تا ۴۶۹ «صفحه ۴۷۴»، حدیث ۱، ذیل عنوان: فرق بین عترت و امت.

المیزان، جلد ششم، صفحه ۶۸ «بحث روایتی ذیل آیه ۶۱ سوره آل عمران».

تفسیر برهان، جلد سوم، صفحه ۷۵ - حدیث ۷ «ذیل آیه ۶۱ سوره آل عمران».

تفسیر نور الثقلین، جلد اول، صفحه ۷۴۹. حدیث ۱۶۳ «حدیث ۱۵۰۸»، «ذیل آیه ۶۱ سوره آل عمران».

تفسیر نمونه، جلد دوم، صفحه ۶۷۹ «ذیل آیه ۶۱ سوره آل عمران».

را به اصحاب خویش بفرمایند، لذا:

از اطرافیان خویش خواستند تا یکی از اصحاب به نزد آن حضرت برود. افرادی که در محضر پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ بودند به آن حضرت عرض کردند:

یا رسول الله:

امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السَّلَام حاضر است «یعنی امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السَّلَام همین حوالی است، اگر اراده بفرمایید او را صدا بزنیم».

وجود مقدس پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمودند:

من از نفس خودم نپرسیدم، یعنی:

من از شما خواستم یکی از اصحاب را نزد من حاضر کنید، نه امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السَّلَام را، زیرا:

امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السَّلَام نفس من، روح من و جان من است، یعنی:

امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السَّلَام به منزله خود من است.^۱

توضیح:

صاحب مجمع البیان ذیل این آیه شریفه «آیه ۶۱ سوره آل عمران» عنوان نموده که:

اینکه در این آیه شریفه «آیه ۶۱ سوره آل عمران معروف به آیه مباهله» وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السَّلَام نفس پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ خوانده شده دلالت دارد بر علو مقام امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السَّلَام و درجه آن حضرت، که هیچکس به آن راه نیافته بلکه به نزدیک

۱. مجمع البیان، جلد چهارم، صفحه ۱۰۳ «ذیل آیه ۶۱ سوره آل عمران».

آن هم نرسیده است.^۱

ملاحظه فرمودید که:

وجود مقدّس مولی الموحّدين امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام نفس پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله و سلّم و روح و جان آن حضرت می باشد. این موضوع در رابطه با وجود مقدّس صدّیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها نیز که کفو و همتا و همانند و همطراز امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام می باشد دقیقاً صدق می کند، یعنی:

وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها نیز عیناً مانند امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام نفس و روح و جان پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله و سلّم می باشد و احادیث شریف ذیل صریحاً این مطلب را بیان می فرمایند.

۱- وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله و سلّم فرمودند:

وَأَمَّا ابْنَتِي فَاطِمَةَ،

فَإِنَّهَا سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ،

هِيَ بَضْعَةٌ مِنِّي،

هِيَ نُورٌ عَيْنِي،

هِيَ ثَمَرَةٌ فُؤَادِي،

هِيَ رُوحِي الَّتِي بَيْنَ جَنْبِي،

هِيَ حَوْرَاءُ الْأَنْسِيَّةِ،

مَتَى قَامَتْ فِي مِحْرَابِهَا بَيْنَ يَدَيَّ رَبِّهَا جَلَّ جَلَالُهُ،

زَهْرٌ نُورُهَا لِلْمَلَائِكَةِ السَّمَاءِ كَمَا يَزْهَرُ نُورُ الْكَوَاكِبِ لِأَهْلِ الْأَرْضِ،

وَيَقُولُ اللهُ عَزَّوَجَلَّ لِمَلَائِكَتِهِ:

أُنظَرُوا إِلَى أُمَّتِي فَاطِمَةَ سَيِّدَةَ إِمَائِي قَائِمَةً بَيْنَ يَدَيَّ،

۱. مجمع البیان، جلد چهارم، صفحه ۱۰۳ «ذیل آیه ۶۱ سوره آل عمران».

تَرْتَعِدُ فَرَائِصُهَا مِنْ خِيفَتِي،

وَ قَدْ أَقْبَلْتُ بِقَلْبِهَا عَلَى عِبَادَتِي، یعنی:

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

اما دخترم فاطمه سیده بانوان عالم از اولین و آخرین است «دخترم فاطمه

سیده و سرور بانوان عالم است از بدو خلقت تا روز قیامت»،

دخترم فاطمه پاره تن من است «دخترم فاطمه جزئی از من است»،

دخترم فاطمه نور چشم من است،

دخترم فاطمه میوه دل من است،

دخترم فاطمه روح من است در میان دو پهلوی من «دخترم فاطمه روح من

است که در درون من قرار دارد»،

دخترم فاطمه انسیه حوراء است «دخترم فاطمه حوریه‌ای است در قالب

انسان».

وقتی دخترم فاطمه در محراب عبادت در پیشگاه خداوند جلّ جلاله قرار

می‌گیرد «وقتی دخترم فاطمه به نماز می‌ایستد» نور او برای ملائکه آسمان

می‌درخشد،

همچنانکه نور ستارگان برای اهل زمین می‌درخشد،

و در همان حال، خداوند متعال به ملائکه خویش می‌فرماید:

ای ملائکه من،

به کنیز من فاطمه که سیده و سرور بانوان عالم و سیده و سرور کنیزان من

است نگاه کنید که چگونه در پیشگاه من به عبادت ایستاده،

و از ترس من بدنش به لرزه درآمده،

و درحالی که با قلب خود به من روی آورده به بندگی من مشغول است «با

توجه قلبی کامل مشغول عبادت من است».

این حدیث را ابن عباس از وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل نموده است.^۱
قابل ذکر است که:

این حدیث شریف را یکی از علمای معروف اهل سنت نیز به نام حموی در کتاب خویش «فرائد السمطين» نقل نموده است.^۲
۲- وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در حالی که دست مبارک فاطمه زهرا سلام الله علیها را در دست داشت از منزل خارج شد و سپس فرمود:

مَنْ عَرَفَ هَذِهِ فَقَدْ عَرَفَهَا،
وَمَنْ لَمْ يَعْرِفْهَا فَهِيَ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ «صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ»،
وَهِيَ بَضْعَةٌ مِنِّي،
وَهِيَ قَلْبِي وَرُوحِي الَّتِي بَيْنَ جَنْبَيْ،
فَمَنْ آذَاهَا فَقَدْ آذَانِي،
وَمَنْ آذَانِي فَقَدْ آذَى اللهُ، یعنی:

وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در حالی که دست مبارک

۱. امالی شیخ صدوق، مجلس بیست و چهارم، صفحه ۱۸۱، حدیث ۲.
- امیرالمؤمنین علیه السلام نفس نفیس خاتمت، تألیف آیت الله وحید خراسانی، مجلس هیجدهم، صفحه ۳۵۸.
- فاطمه علیها سلام حلقه وصل رسالت و امامت، تألیف آیت الله وحید خراسانی، مجلس دوم، صفحه ۵۳.
- مجلس بیست و یکم، صفحه ۳۰۵.
- شرح زیارت جامعه کبیره «ادب فنای مرقبان»، تألیف آیت الله جوادی آملی، جلد هفتم، صفحه ۳۱۵، ذیل عنوان: وَ شَهِدَاءُ دَارِ الْفَنَاءِ
- جَنَّةِ الْعَاصِمَةِ، تألیف آیت الله میرجهانی، فصل هفدهم، مبحث پنجم، صفحه ۶۵۰.
- تحقیقی درباره زندگانی فاطمه زهرا علیها سلام، تألیف آیت الله سیدمحمدکاظم قزوینی، صفحه ۷۷.
- فاطمه علیها سلام سرور دل پیامبر اکرم، تألیف آیت الله رحمانی همدانی، فصل ۱۸، صفحه ۲۷۳، حدیث ۷.
- خصائص فاطمیة، تألیف آیت الله کجوری مازندرانی، صفحه ۷۴۴، ذیل عنوان: عبادت بدون ولایت.
۲. فاطمه علیها سلام حلقه وصل رسالت و امامت، تألیف آیت الله وحید خراسانی، مجلس دوم، صفحه ۵۳ «پاورقی».
- مجلس بیست و یکم، صفحه ۳۰۵ «پاورقی».

فاطمه زهرا سلام الله عليها را در دست گرفته بود فرمود:
هرکس این دختر را می شناسد که می شناسد،
و هرکس که نمی شناسد بداند که او دختر محمّد است،
او «فاطمه زهرا سلام الله عليها» پاره تن من است،
او «فاطمه زهرا سلام الله عليها» قلب و روح من است،
هرکس او را بیازارد مرا آزرده است،
و هرکس مرا بیازارد خداوند متعال را آزرده است.^۱

توضیح:

الف: در کتاب شریف فاطمه زهرا سلام الله عليها حلقه وصل رسالت و امامت تألیف آیت الله وحید خراسانی در توضیح ذیل این حدیث شریف نبوی آمده که:
پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در حالی که دست فاطمه زهرا سلام الله عليها را در دست گرفته بود از منزل بیرون آمد و فرمود:
مَنْ عَرَفَ هَذِهِ فَقَدْ عَرَفَهَا.

تعبیرات را ببینید،

اینکه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم از منزل بیرون بیاید و دست فاطمه را در دست داشته باشد یعنی چه؟
این کار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نسبت به فاطمه زهرا سلام الله عليها

۱. فاطمه عليها سلام حلقه وصل رسالت و امامت، تألیف آیت الله وحید خراسانی، صفحه ۱۵۲، مجلس هشتم سوگنامه فدک، تألیف، آیت الله سید محمد تقی نقوی، صفحه ۷۲ و ۷۳.
جَنَّةُ الْعَاصِمَةِ، تألیف آیت الله میرجهانی، فصل پانزدهم، صفحه ۴۱۳ و ۴۱۴.
جلوه نور، تألیف آیت الله سعادت پرور، فصل ۱۰، صفحه ۹۱، حدیث هشتم.
فاطمه عليها سلام سرور دل پیامبر اکرم، تألیف آیت الله رحمانی همدانی، فصل ۳، فضیلت هیجدهم، صفحه ۶۶ «بخش ب» فصل ۱۵، صفحه ۲۳۹.
خصائص فاطمیه، تألیف آیت الله کجوری مازندرانی، صفحه ۸۴۳، ذیل عنوان: مقامات معنوی فاطمه عليها سلام.
تحقیقی درباره زندگانی حضرت زهرا عليها سلام، تألیف آیت الله سید محمد کاظم قزوینی، صفحه ۱۶.

علیها مشابه همان کاری است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم روز غدیر نسبت به امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام انجام داد «دست حضرت علی علیه السلام را در دست گرفت و آن حضرت را به دستور خداوند متعال به عنوان وصی خویش و به عنوان امام مسلمین معرفی و منصوب فرمود».

وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم کاری را که روز غدیر نسبت به یکتا مرد عالم انجام داد، همان کار را آن روز نسبت به یکتا زن عالم انجام داد و آن حضرت را معرفی نموده و فرمود:

مَنْ عَرَفَ هَذِهِ فَقَدْ عَرَفَهَا، یعنی:

هر کس او را می شناسد که می شناسد،

اما هر کس او را نمی شناسد بشناسد،

و سپس فاطمه زهرا سلام الله علیها را معرفی می فرماید،

چگونه معرفی می فرماید؟

مرتبه به مرتبه، یعنی:

مرتبه اول می فرماید:

بَضْعَةٌ مِنِّي،

و در مرتبه دوم می فرماید:

هِيَ قَلْبِي وَ رُوحِي الَّتِي بَيْنَ جَنْبَيَّ.

وقتی که وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم کلمه «من» را

می گوید غیر از کلمه «بدن من» است، زیرا:

«بدن» مُضَاف است،

و «من» مُضَاف إِلَيْهِ،

و اینجا تعبیرات این است:

بَضْعَه‌ای از من، قلب من، بین دو جَنب من.

دَقْتُ بفرماید به این نکته که:

بَضْعَه بدن من غیر از بضعه من است،

قلب بین دو پهلوی تن من غیر از قلب بین دو جَنب من است.

دو جَنب من از آن کسی است «یعنی پیامبر اکرم» که مبدأ و منشأ تمام فضائل

بشریّت است،

قلبی که بین دو جَنب چنین کسی است،

معنایش این است که:

اگر فاطمه زهرا سلام الله علیها را از من بگیرند من می مانم و یک بدن بی جان.

این بانوی بزرگوار به کجا رسیده است که چنین مقامی پیدا کرده است.

یک جَنب پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ عِلْم است،

عِلْمی که در آن تمام علوم انبیاء گم است،

و جَنب دیگر پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ عَمَل است،

عَمَلی که تمام اعمال اولیاء در آن محو است،

و قلبی که بین این دو جَنب واقع شده، یعنی:

قلبی که بین دو جنب عِلْم و عمل واقع شده وجود مقدّس صدیقّه کبری

فاطمه زهرا سلام الله علیها می باشد،

آن وقت روشن می شود که چرا خداوند متعال در معرفّی خمسه طیبیه در

حدیث شریف کساء می فرماید:

هُمُ فَاطِمَةُ وَ أَبُوهَا وَ بَعْلُهَا وَ بَنُوهَا.

تو چه کردی که شدی محور؟

تو چه کردی که شدی قُطب؟

تو چه کردی که شدی قُطب عالم وجود؟

تو همان کسی هستی که وجود مقدس امام صادق علیه السلام در شأن تو فرمود:

أَنَا سُمِّيْتُ فَاطِمَةَ لِأَنَّ الْخَلْقَ فَطِمُوا عَنْ مَعْرِفَتِهَا، یعنی:

طبیعت بشریت و کلّ خلق به گناه مقام تو «یعنی وجود مقدس فاطمه زهرا سلام الله علیها» نخواهند رسید.^۱

ب: این حدیث شریف را علاوه بر شیعه بسیاری از علمای معروف اهل سنت نیز در کتب خویش نقل نموده‌اند که اسامی تعدادی از آنها را ذیلاً ملاحظه می‌فرمایید:

ابن صباغ در فصول المهمّة «صفحه ۱۲۸»

شبلینجی در نورالابصار «صفحه ۵۲»

صفوری در نزّهة المجالس «جلد دوم - صفحه ۲۲۸»

سیوطی در جامع الصغیر «صفحه ۲۶۹ - چاپ مصر»

متقی هندی در کنز العمال و...^۲

قابل ذکر است که:

آیت الله سید محمدحسن میرجهانی در کتاب خویش به نام جُنَّة العاصمه نام بیست و دو نفر از علمای اهل سنت را ذکر نموده که در کتب خویش این حدیث شریف را به طرق مختلف و متعدد نقل نموده‌اند.^۳

۳- وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله و سلم به امیرالمؤمنین علی

۱. فاطمه علیها سلام حلقه وصل رسالت و امامت، تألیف آیت الله وحید خراسانی، مجلس هشتم، صفحه ۱۵۱ تا ۱۵۴، ذیل عنوان: میوه درخت طوبی.

۲. فاطمه علیها سلام حلقه وصل رسالت و امامت، تألیف آیت الله وحید خراسانی، مجلس هشتم، صفحه ۱۵۲ «پاورقی» سوگنامه فدک، تألیف آیت الله سید محمدتقی نقوی، صفحه ۷۳ «پاورقی».

جُنَّة العاصمه، تألیف آیت الله میرجهانی، فصل ۱۵، صفحه ۴۱۴ تا ۴۱۶.

فاطمه علیها سلام سرور دل پیامبر اکرم، تألیف آیت الله رحمانی همدانی، فصل ۳، صفحه ۶۷ «پاورقی».

فصل ۱۵، صفحه ۲۳۹ «پاورقی».

۳. جُنَّة العاصمه، تألیف آیت الله سید محمدحسن میرجهانی، فصل ۱۵، صفحه ۴۱۴ تا ۴۱۶.

بن ابیطالب عليه السّلام فرمود:

يا عَلِيُّ:

أَنْتَ نَفْسِي الَّتِي بَيْنَ جَنْبَيْ،

وَ فَاطِمَةُ رُوحِي الَّتِي بَيْنَ جَنْبَيْ، یعنی:

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله و سلّم به امیرالمؤمنین علیّ بن

ابطالب عليه السّلام فرمود:

يا علي:

تو نَفْس من هستی «نَفْس = روح - جان»،

و فاطمه روح من است.

با عنایت به اینکه وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله و سلّم به

فاطمه زهرا سلام الله علیها نسبت روح داده است،

و به امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب عليه السّلام نسبت نَفْس، لذا:

کسی نباید گمان کند که فاطمه زهرا سلام الله علیها افضل و اشرف است از

امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب عليه السّلام «کسی نباید گمان کند که مقام فاطمه

زهرا سلام الله علیها از مقام امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب عليه السّلام برتر و

بالا تر می باشد»، زیرا:

نَفْس و روح متّحدند بر معنی واحد.

طبق آیه مباهله «آیه ۶۱ سوره آل عمران» وجود مقدّس امیرالمؤمنین علیّ بن

ابطالب عليه السّلام نَفْس پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله و سلّم می باشد و نَفْس

نفیس آن حضرت است، لذا:

امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب عليه السّلام با پیامبر اکرم تساوی داشت مگر از

جهت نبوّت، به همین جهت حضرت امیر علیه السّلام بعد از پیامبر اکرم صلی

الله علیه وآله و سلّم اشرف و افضل مخلوقات الهی است،

همچنین:

وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها کفو و برابر و همانند امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام است مگر از جهت امامت، به همین جهت وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها بعد از پدر بزرگوارش و بعد از شوهر گرانقدرش اشرف و افضل مخلوقات الهی است، و بعد از این سه بزرگوار یازده امام معصوم علیهم السلام واقع شده‌اند.

علی ایحال این دو بزرگوار یعنی امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام و فاطمه زهرا سلام الله علیها با حقیقت محمدیه و حدتی حقّه و واقعیه داشته‌اند «یعنی هر دو بزرگوار روح و جان پیامبر اکرم بودند»، و وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها همان اولویّت نبویّه و مرتضویّه را نسبت به تمام مخلوقات و تمام انبیاء الهی دارا می‌باشد، یعنی همانطور که پیامبر اکرم و حضرت امیرعلیهما السلام بر تمام انبیاء الهی اولویّت و برتری دارند، وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها نیز مانند پیامبر اکرم و حضرت امیرعلیهما السلام بر تمام انبیاء الهی اولویّت و برتری دارد،

و همه این مطالب را از این حدیث شریف می‌توان استنباط کرد که:

لَوْلَا عَلِيٌّ لِفَاطِمَةَ،

مَا كَانَ عَلِيٌّ وَجْهَ الْأَرْضِ كُفُوًّا، یعنی:

اگر امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام نبود،

برای فاطمه زهرا سلام الله علیها در روی زمین کفو و همتا و همانندی نبود

که لیاقت همسری آن علیا مخدّره را داشته باشد.^۱

پس از ارائه توضیحات مختصری در رابطه با سؤمین مصداق از مصادیق

بارز کفو و همانندی و همتایی فاطمه زهرا سلام الله علیها با امیرالمؤمنین علی

۱. خصائص فاطمیه، تألیف آیت الله شیخ محمدباقر کجوری مازندرانی، صفحه ۳۲۲ تا ۳۲۴، ذیل عنوان: مساوات فاطمه علیها سلام با علی علیه السلام و صفحه ۸۹۸ و ۸۹۹، خسیصه پنجاهم، ذیل عنوان: از دریا به دریا.

بن ابیطالب علیه السّلام می پردازیم به چهارمین مصداق از مصادیق همتایی و همانندی آن دو بزرگوار.

مصداق چهارم:

هر کس وجود مقدّس امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام را زیارت نماید مثل این است که فاطمه زهرا سلام الله علیها را زیارت نموده است. همانطور که ملاحظه فرمودید:

هجدهمین فضیلت از فضائل بی شمار وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها در این کتاب شریف فاطمی در رابطه با برابری و همانندی و همتایی و همطرازی فاطمه زهرا سلام الله علیها با وجود مقدّس امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام می باشد،

و در این رابطه هشت حدیث شریف از وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم و ائمه معصومین علیهم السّلام نقل شد که طبق این احادیث نورانی و شریف، وجود مقدّس امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام و وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها کفو یعنی همتا و همانند و همطراز و شبیه و نظیر یکدیگر می باشند،

و اگر خداوند متعال امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام را خلق نمی فرمود برای حضرت زهرا سلام الله علیها از اوّل خلقت تا روز قیامت کفو و همتا و همانندی نبود که لیاقت همسری آن علیا مخدّره را داشته باشد.

به سه مصداق از مصادیق کفو بودن و برابری و همانندی این دو بزرگوار در صفحات قبل اشاره شد،

و اینک به چهارمین مصداق از مصادیق کفو بودن این دو حجّت خدا و این دو آیت عظمای خداوند متعال اشاره می شود، که:

فاطمه زهرا سلام الله عليها کفو و همتا و همانند امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام می باشد،

لذا هرکس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام را زیارت نماید مثل این است که فاطمه زهرا سلام الله عليها را زیارت نموده است،

و حدیث شریف ذیل صراحتاً این مطلب را بیان می فرماید. وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

فَمَنْ زَارَنِي بَعْدَ وَفَاتِي فَكَأَنَّمَا زَارَنِي فِي حَيَاتِي،
وَ مَنْ زَارَ فَاطِمَةَ فَكَأَنَّمَا زَارَنِي،

وَ مَنْ زَارَ عَلِيَّ بْنَ أَبِيطَالِبٍ فَكَأَنَّمَا زَارَ فَاطِمَةَ،

وَ مَنْ زَارَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ فَكَأَنَّمَا زَارَ عَلِيًّا، یعنی:

وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

هرکس مرا بعد از وفاتم زیارت کند مثل این است که مرا در حال حیات زیارت کرده است،

هرکس فاطمه را زیارت کند گویا مرا زیارت کرده است،

هرکس علی بن ابیطالب را زیارت کند گویا فاطمه را زیارت کرده است،

و هرکس حسن و حسین را زیارت کند گویا علی بن ابیطالب را زیارت کرده است.^۱

۱. شرح زیارت جامعه کبیره «ادب فنای مقربان»، تألیف آیت الله جوادی آملی، جلد اول، صفحه ۳۴ و ۳۵، ذیل عنوان: حکمت زیارت.

فضائل فاطمه زهرا سلام الله عليها، تألیف علامه امینی، موضوع پانزدهم، صفحه ۳۳۱ تا ۳۳۳، ذیل عنوان: فضیلت صلوات فرستادن بر فاطمه زهرا سلام الله عليها، بخش تعلیقات، صفحه ۵۸۶ تا ۵۹۰. تعلیق شماره ۷، ذیل عنوان: روایتی از جابر بن عبدالله انصاری در منقبت فاطمه زهرا سلام الله عليها. قطره‌ای از دریای فضائل اهل بیت علیهم السلام، تألیف آیت الله سیداحمد مستنبط، جلد دوم، صفحه ۱۷۳، حدیث ۸۷/۸۰۴.

جلد دوم، بخش سوم، صفحه ۴۱۳ و ۴۱۴، حدیث ۱۰/۸۹۹.

جلوه نور، تألیف آیت الله سعادت پرور، فصل ۲۷، صفحه ۱۹۸، حدیث سوم، ذیل عنوان: فضیلت زیارت فاطمه زهرا سلام الله عليها.

عنایت بفرماید:

اگر در حدیث شریف نبوی عنوان می‌شد که هرکس فاطمه زهرا سلام الله علیها را زیارت نماید مثل این است که امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام را زیارت نموده اصلاً جای تعجب نداشت، چرا که در احادیث فراوانی آمده که هرکس یکی از ائمه معصومین علیهم السلام را زیارت نماید مثل این است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را زیارت نموده است، و یا مثل این است که امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام را زیارت نموده است «همچنانکه در این حدیث شریف نبوی آمده که هرکس امام حسن و امام حسین علیهما السلام را زیارت نماید مثل این است که امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام را زیارت نموده است»، لیکن جای تعجب و شگفتی اینجا است که در این حدیث شریف نبوی آمده که:

هرکس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام را زیارت نماید مثل این است که فاطمه زهرا سلام الله علیها را زیارت نموده، و این امر حاکی از عظمت و مقام رفیع و وصف ناشدنی فاطمه زهرا سلام الله علیها است که هرکس سید الاوصیاء و سید الوصیین و بهترین مخلوق خدا بعد از پیامبر اکرم و دومین شخصیت عالم خلقت یعنی وجود مقدس مولی الموحّدين امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام را زیارت نماید مثل این است که فاطمه زهرا سلام الله علیها را زیارت نموده است، و اینجا معنی و مفهوم فرمایش نورانی امام صادق علیه السلام تا حدی روشن می‌شود که آن حضرت در رابطه با فاطمه زهرا سلام الله علیها فرمودند:

إِنَّمَا سُمِّيَتْ فَاطِمَةَ لِأَنَّ الْخَلْقَ فُطِمُوا عَنْ مَعْرِفَتِهَا.

ملاحظه فرمودید که:

هرکس فاطمه زهرا سلام الله علیها را زیارت نماید مثل این است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را زیارت نموده است، و هرکس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را زیارت نماید مثل این است که خداوند متعال را در عرش زیارت کرده است.

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:
 مَنْ زَارَنِي فِي حَيَاتِي أَوْ بَعْدَ مَوْتِي كَمَنْ زَارَ اللَّهَ جَلَّ جَلَالُهُ، یعنی:
 وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

هرکس مرا در زمان حیاتم یا بعد از وفاتم زیارت کند مثل این است که خداوند متعال را زیارت نموده است.^۱

و نتیجه احادیث شریفی که ملاحظه فرمودید این می شود که:

هرکس فاطمه زهرا سلام الله علیها را زیارت کند مثل این است که خداوند متعال را زیارت نموده است.

البته این قضیه در رابطه با ائمه معصومین علیهم السّلام نیز صدق می کند.^۲ پس از ارائه توضیحاتی در رابطه با هجدهمین فضیلت از فضائل بی شمار فاطمه زهرا سلام الله علیها در این کتاب شریف فاطمی «کفو بودن و همتایی و همانندی فاطمه زهرا سلام الله علیها با وجود مقدّس مولی الموحّدين امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام» می پردازیم به نوزدهمین فضیلت آن علیا مخدّره سلام الله علیها.

۱. شرح زیارت جامعه کبیره «ادب فنای مَقْرَبان»، تألیف آیت الله جوادی آملی، جلد اوّل، صفحه ۲۷، ذیل عنوان: حکمت زیارت.

جلد نهم، صفحه ۴۲۹ و ۴۳۰، ذیل عنوان: مُسْتَجِيرٌ بِكُمْ زَائِرٌ لَكُمْ.

۲. شرح زیارت جامعه کبیره «ادب فنای مَقْرَبان»، تألیف آیت الله جوادی آملی، جلد نهم، صفحه ۴۳۰، حدیث ۲ و ۳، ذیل عنوان: مُسْتَجِيرٌ بِكُمْ زَائِرٌ لَكُمْ.

فهرست احاديث

- ۱۹ وَ اللَّهِ إِنِّي لَأَعْلَمُ كِتَابَ اللَّهِ مِنْ أَوَّلِهِ إِلَى آخِرِهِ كَأَنَّهُ فِي كَفِّي،
- ۲۰ إِنِّي لَأَعْلَمُ خَبْرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَخَبْرَ مَا كَانَ وَ مَا هُوَ كَائِنٌ
- ۲۰ إِنِّي لَأَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَ مَا فِي الْأَرْضِ وَ أَعْلَمُ مَا كَانَ وَ مَا يَكُونُ،
- ۲۳ لَيْسَ بَيْنَ اللَّهِ وَ بَيْنَ حُجَّتِهِ حِجَابٌ،
- ۲۳ نَحْنُ الصِّرَاطُ الْمُسْتَقِيمُ،
- ۲۳ نَحْنُ عَيْنُهُ عِلْمِهِ وَ نَحْنُ مَوْضِعُ سِرِّهِ،
- ۲۵ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ النَّبُوَّةِ وَ مَوْضِعِ الرِّسَالَةِ،
- ۲۷ وَ اللَّهُ إِنَّا لَخَزَانِ اللَّهِ فِي سَمَائِهِ وَ أَرْضِهِ،
- ۲۸ نَحْنُ خَزَانُ اللَّهِ عَلَى عِلْمِ اللَّهِ،
- ۲۹ وَ ارْتِضَاكُمْ لِعَيْنِهِ،
- ۳۱ وَ أَنْ أَرْوَاكُمْ وَ نُورَكُمْ وَ طَيَّبْتَكُمْ وَاحِدَةً،
- ۳۲ أَوَّلُ مَا خَلَقَ اللَّهُ نُورِي،
- ۴۲ عَلَيَّ أَوْلْنَا وَ أَفْضَلْنَا وَ خَيْرْنَا بَعْدَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ،
- ۴۲ عِلْمُ الْكِتَابِ وَ اللَّهُ كُلُّهُ عِنْدَنَا،
- ۴۳ عِنْدَنَا وَ اللَّهُ عِلْمُ الْكِتَابِ كُلُّهُ،
- ۵۰ عِلْمُ الْكِتَابِ وَ اللَّهُ كُلُّهُ عِنْدَنَا،

- نَحْنُ عَيْبَةُ عَلَيْهِ، نَحْنُ خُزَّانُ اللَّهِ عَلَى عِلْمِ اللَّهِ، ٥٩
- إِنِّي لَأَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَأَعْلَمُ مَا كَانَ وَمَا يَكُونُ، ٦٠
- أُذُنٌ لِأُحَدِّثَكَ بِمَا كَانَ وَمَا هُوَ كَائِنٌ وَمَا لَمْ يَكُنْ ٦٢
- أَنَا مِنْ ذَلِكَ النُّورِ، أَعْلَمُ مَا كَانَ وَمَا يَكُونُ وَمَا لَمْ يَكُنْ، ٦٤
- هُؤُلَاءِ أَحِبَّائِي وَأَوْلِيَائِي وَحُجَجِي عَلَى خَلْقِي وَأَيُّمَةُ بَرِيَّتِي، ٨٤
- مَا خَلَقْتُ خَلْقِي هُوَ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْهُمْ، ٨٤
- مَنْ أَدْعَى مَنَزِلَتَهُمْ مِنِّي وَمَحَلَّتَهُمْ مِنْ عَظَمَتِي عَذَّبْتُهُ عَذَابًا لَا أُعَذِّبُهُ أَحَدًا مِنَ الْعَالَمِينَ.. ٨٤
- مَنْ أَقْرَبَ بَوْلَايَتِهِمْ جَعَلْتُهُ مَعَهُمْ فِي رَوْضَاتِ جَنَّاتِي ٨٤
- وَلَا يَتُّهُمْ أَمَانَةٌ عِنْدَ خَلْقِي، ٨٤
- لَوْلَاهُمْ مَا خَلَقْتُكُمْ، ٨٧
- هُؤُلَاءِ خَزَنَةُ عِلْمِي وَأَمْنَائِي عَلَى سِرِّي، ٨٧
- فِيهِ خَبْرٌ مَا كَانَ وَخَبْرٌ مَا يَكُونُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، ٩١
- فِيهِ أَسْمَاءُ جَمِيعِ مَنْ خَلَقَ اللَّهُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْكَافِرِينَ ٩١
- أَنَا كَلَامُ اللَّهِ النَّاطِقُ ٩٧
- أَنْ أَرَوْاحِكُمْ وَنُورَكُمْ وَطَيِّبَتُكُمْ وَاحِدَةً ١٠٥
- اللَّهُمَّ هُؤُلَاءِ أَهْلُ بَيْتِي وَعِزَّتِي، فَادْهَبْ عَنْهُمْ الرَّجْسَ ١٠٩
- اللَّهُمَّ إِنَّ هُؤُلَاءِ أَهْلُ بَيْتِي وَخَاصَّتِي وَحَامَّتِي، ١١١
- إِنِّي مَا خَلَقْتُ سَمَاءً مَبْنِيَّةً وَلَا أَرْضًا مَدْحِيَّةً إِلَّا فِي مَحَبَّةِ هُؤُلَاءِ الْخَمْسَةِ ١١٢
- هُمُ أَهْلُ بَيْتِ التُّبُوَّةِ وَمَعْدِنُ الرِّسَالَةِ، ١١٣
- هُمُ فَاطِمَةُ وَأَبُوهَا وَبَعْلُهَا وَبَنُوهَا، ١١٣
- اللَّهُمَّ إِنِّي اسْتَلَكُ بِفَاطِمَةَ وَأَبِيهَا وَبَعْلُهَا وَبَنِيهَا وَالسِّرِّ الْمُسْتَوْدَعِ فِيهَا، ١١٧
- الهِى بِحَقِّ فَاطِمَةَ وَأَبِيهَا وَبَعْلُهَا وَبَنِيهَا وَالسِّرِّ الْمُسْتَوْدَعِ فِيهَا، ١١٧
- أَنْ أَرَوْاحِكُمْ وَنُورَكُمْ وَطَيِّبَتُكُمْ وَاحِدَةً، ١١٩

- أَنَا مِنْ ذَلِكَ الثَّوْرِ، أَعْلَمُ مَا كَانَ وَ مَا يَكُونُ وَ مَا لَمْ يَكُنْ، ١٢١
- أَعْلَمُ مَا كَانَ وَ مَا يَكُونُ وَ مَا لَمْ يَكُنْ، ١٢١
- يَا مُحَمَّدُ: إِنِّي خَلَقْتُ عَلِيًّا وَ فَاطِمَةَ وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ وَ الْأَيْمَةَ مِنْ نُورٍ وَاحِدٍ، ١٢٧
- إِنِّي خَلَقْتُ عَلِيًّا وَ فَاطِمَةَ وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ وَ الْأَيْمَةَ مِنْ نُورٍ وَاحِدٍ، ١٢٧
- إِنَّ فَضْلَ أَوْلِنَا يَلْحَقُ فَضْلَ آخِرِنَا، ١٢٩
- فَضْلَ آخِرِنَا يَلْحَقُ فَضْلَ أَوْلِنَا، ١٢٩
- نَحْنُ مِنْ شَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ بَرَأَنَا اللَّهُ مِنْ طَيِّبَةٍ وَاحِدَةٍ، ١٢٩
- خَلَقْنَا وَاحِدٌ، ١٢٩
- عَلَّمْنَا وَاحِدٌ، ١٢٩
- فَضَّلْنَا وَاحِدٌ، ١٢٩
- كُنَّا وَاحِدٌ عِنْدَ اللَّهِ، ١٢٩
- أَوْلِنَا دَلِيلٌ عَلَى آخِرِنَا، وَ آخِرِنَا مُصَدِّقٌ لِأَوْلِنَا، ١٣١
- إِنَّ كَلَامَ آخِرِنَا مِثْلُ كَلَامِ أَوْلِنَا، ١٣١
- كَلَامَ أَوْلِنَا مُصَدِّقٌ لِكَلَامِ آخِرِنَا، ١٣١
- طَاعَةُ آخِرِنَا كَطَاعَةِ أَوْلِنَا، ١٣٢
- وَ الْمُنْكَرُ لِآخِرِنَا كَالْمُنْكَرِ لِأَوْلِنَا، ١٣٢
- أَنَا سَيِّدُ الْأَوْلِيَيْنِ وَ الْآخِرِينَ، ١٣٢
- أَنْتَ يَا عَلِيُّ سَيِّدُ الْخَلَائِقِ بَعْدِي، ١٣٢
- أَوْلِنَا كَأَخِرِنَا، وَ آخِرِنَا كَأَوْلِنَا، ١٣٢
- يَا عَلِيُّ: قَدْ أَفْلَحُوا بِكَ، بِكَ يَهْتَدُونَ، ١٤١
- يَا عَلِيُّ: أَنْتَ وَاللَّهُ أَمِيرُهُمْ، أَنْتَ وَاللَّهُ دَلِيلُهُمْ، ١٤١
- أَنَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ، ١٤٥
- أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ، ١٤٥

- أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ، ١٤٧
- أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَنَّ أَبِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ سَيِّدُ الْأَنْبِيَاءِ، ١٥٣
- يَا خَدِيجَةَ: خُذِيهَا طَاهِرَةً مَطَهَّرَةً ١٥٤
- يَا عَلِيُّ: أَنْفِذْ لِمَا أَمَرْتُكَ بِهِ فَاطِمَةُ، ١٦٧
- مَنْ أَطَاعَكُمْ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ، وَمَنْ عَصَاكُمْ فَقَدْ عَصَى اللَّهَ، ١٦٩
- يَا عَلِيُّ: مَا عَرَفَ اللَّهَ إِلَّا أَنَا وَ أَنْتَ ١٧٣
- يَا عَلِيُّ: مَا عَرَفَ اللَّهَ حَقَّ مَعْرِفَتِهِ غَيْرِي وَ غَيْرِكَ ١٧٣
- يَا عَلِيُّ: مَا عَرَفَنِي إِلَّا اللَّهُ وَ أَنْتَ، ١٧٣
- يَا عَلِيُّ: وَ مَا عَرَفَكَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَا ١٧٣
- يَا عَلِيُّ: مَا عَرَفَكَ حَقَّ مَعْرِفَتِكَ غَيْرَ اللَّهِ وَ غَيْرِي ١٧٣
- إِنَّمَا سُمِّيَتْ فَاطِمَةَ لِأَنَّ الْخَلْقَ فُطِمُوا عَنْ مَعْرِفَتِهَا، ١٧٥
- عَلِيُّ أَوْلُنَا وَ أَفْضَلُنَا وَ خَيْرُنَا بَعْدَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَسَلَّمَ، ١٩٩
- هُوَ هَذَا، إِنَّهُ الْإِمَامُ الَّذِي أَحْصَى اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى فِيهِ عِلْمَ كُلِّ شَيْءٍ، ٢٠٩
- إِنَّهُ الْإِمَامُ الَّذِي أَحْصَى اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى فِيهِ عِلْمَ كُلِّ شَيْءٍ، ٢٠٩
- أَنَا وَاللَّهُ الْإِمَامُ الْمُبِينُ، ٢١٠
- مَا مِنْ عِلْمٍ وَ قَدْ أَحْصَاهُ اللَّهُ فِيَّ، ٢١٣
- إِنَّ هَذَا وَ شِيعَتَهُ هُمُ الْفَائِزُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، ٢٣١
- هُمُ وَ اللَّهُ أَنْتَ وَ شِيعَتُكَ يَا عَلِيُّ، ٢٣٣
- أَنَا سَيِّدُ الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ، وَ أَنْتَ يَا عَلِيُّ سَيِّدُ الْخَلَائِقِ بَعْدِي، ٢٣٦
- يَا عَلِيُّ: أَنْتَ خَيْرُ الْبَشَرِ، لَا يَشُكُّ فِيكَ إِلَّا كَافِرٌ، ٢٣٨
- عَلِيُّ خَيْرُ الْبَشَرِ، مَنْ شَكَّ فِيهِ فَقَدْ كَفَرَ، ٢٣٩
- عَلِيُّ بَعْدِي خَيْرُ الْبَشَرِ، فَمَنْ شَكَّ فِيهِ فَقَدْ كَفَرَ، ٢٣٩
- عَلِيُّ أَوْلُنَا وَ أَفْضَلُنَا وَ خَيْرُنَا بَعْدَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَسَلَّمَ، ٢٤٤

- سَيَكُونُ بَعْدِي فِتْنَةٌ مُظْلِمَةٌ، النَّاجِي مِنْهَا مَنْ تَمَسَّكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى..... ٢٤٧
- مَا الْعُرْوَةُ الْوُثْقَى، وَلا يَتُّهُ سَيِّدُ الْوَصِيِّينَ..... ٢٤٧
- مَنْ سَيِّدُ الْوَصِيِّينَ، أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ..... ٢٤٧
- مَنْ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ، أَخِي عَلِيُّ بْنُ أَبِيطَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ،..... ٢٤٨
- السَّلَامُ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَ سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ،..... ٢٥٠
- السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَ سَيِّدَ الْوَصِيِّينَ..... ٢٥٠
- أَنْتَ كَنْفَسِي، حُبُّكَ حُبِّي وَ بُغْضُكَ بُغْضِي،..... ٢٦٩
- حُبُّكَ حُبِّي وَ بُغْضُكَ بُغْضِي،..... ٢٦٩
- عَلَيٌّ هُوَ الْإِيمَانُ،..... ٢٧٧
- وَ مَنْ يَكْفُرْ بِوَلَايَةِ عَلِيٍّ حَبِطَ عَمَلُهُ..... ٢٧٧
- أَنَا الذِّكْرُ الَّذِي عَنْهُ ضَلَّ،..... ٢٨٩
- أَنَا الْإِيمَانُ الَّذِي بِهِ كَفَرَ، وَالْقُرْآنُ الَّذِي إِيَّاهُ هَجَرَ،..... ٢٨٩
- بَرَزَ الْإِيمَانُ كُلَّهُ إِلَى الشِّرْكِ كُلِّهِ،..... ٢٩٠
- لَا تَشْكُ فِي عَلِيٍّ، فَإِنَّ الشَّكَّ فِيهِ يُخْرِجُ عَنِ الْإِيمَانِ،..... ٢٩١
- لَوْ ضَرَبْتُ خَيْشُومَ الْمُؤْمِنِ بَسَنِيْفِي هَذَا عَلَيَّ أَنْ يُبْغِضَنِي مَا ابْغَضَنِي،..... ٢٩٥
- وَ لَوْ صَبَبْتُ الدُّنْيَا بِجَمَلَتِهَا عَلَيَّ الْمُنَافِقِ عَلَيَّ أَنْ يُحِبَّنِي مَا أَحَبَّنِي،..... ٢٩٥
- يَا عَلِيُّ: لَا يُبْغِضُكَ مُؤْمِنٌ، وَ لَا يُحِبُّكَ مُنَافِقٌ،..... ٢٩٥
- مَا مِنْ مُؤْمِنٍ إِلَّا وَ فِي قَلْبِهِ حُبٌّ لِعَلِيِّ بْنِ أَبِيطَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ،..... ٢٩٦
- حُبُّ عَلِيٍّ إِيْمَانٌ، وَ بُغْضُهُ كُفْرٌ،..... ٢٩٧
- مَنْ أَحَبَّهُ كَانَ مُؤْمِنًا، وَ مَنْ أَبْغَضَهُ كَانَ كَافِرًا،..... ٢٩٨
- لَا يُحِبُّ عَلِيًّا إِلَّا مُؤْمِنٌ، وَ لَا يُبْغِضُهُ إِلَّا كَافِرٌ،..... ٢٩٨
- أَنَا حَبْلُ اللَّهِ الْاَمْتِينَ، أَنَا عُرْوَةُ اللَّهِ الْوُثْقَى،..... ٣٠٤
- إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ «الثَّقَلَيْنِ»..... ٣٠٦

- كِتَابِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَ عَثَرْتِي أَهْلَ بَيْتِي، ٣٠٦
- أَنَا كَلَامُ اللَّهِ النَّاطِقُ. ٣١٧
- عَلَيَّ مَعَ الْقُرْآنِ وَالْقُرْآنُ مَعَ عَلِيٍّ، ٣١٨
- أَنَا الْإِيمَانُ الَّذِي بِهِ كَفَرَ وَالْقُرْآنُ الَّذِي إِيَّاهُ هَجَرَ، ٣٢٣
- أَنَا كِتَابُ اللَّهِ النَّاطِقُ وَ هَذَا كِتَابُ اللَّهِ الصَّامِتِ، ٣٢٤
- حُبُّ عَلِيٍّ إِيْمَانٌ، وَ بُغْضُهُ كُفْرٌ، ٣٢٩
- أَنَا قَسِيمُ الْجَنَّةِ وَالنَّارِ، ٣٣٢
- أَنَا يَعْسُوبُ الْمُؤْمِنِينَ، أَنَا خَلِيفَةُ رَسُولِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، ٣٣٤
- يَا عَلِيُّ: لَوْ أَحْبَبَكَ أَهْلُ الْأَرْضِ كَمَحَبَّةِ أَهْلِ السَّمَاءِ، لَمَا عَذَّبَ اللَّهُ أَحَدًا بِالنَّارِ، ٣٣٧
- قَالَ اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ: لَوْ اجْتَمَعَ النَّاسُ كُلُّهُمْ عَلَى وَايَةٍ عَلِيٍّ بِنِ ابْنِ أَبِيطَالِبٍ «عَلَيْهِ السَّلَامُ» مَا خَلَقْتُ النَّارَ، ٣٣٨
- لَوْ جَدَّدَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٍّ بِنِ ابْنِ أَبِيطَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ جَمِيعُ مَنْ فِي الْأَرْضِ، لَعَذَّبَهُمُ اللَّهُ جَمِيعًا وَ أَدْخَلَهُمُ النَّارَ، ٣٣٩
- إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى جَعَلَ عَلِيًّا بِنِ ابْنِ أَبِيطَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَمًا بَيِّنَةً وَ بَيِّنَ خَلْقِهِ، فَمَنْ تَبِعَهُ كَانَ مُؤْمِنًا، وَ مَنْ جَدَّدَهُ كَانَ كَافِرًا، ٣٤٠
- يَا عَلِيُّ: لَوْ أَنَّ أُمَّتِي صَامُوا حَتَّى صَارُوا كَالْأَوْتَادِ، وَ صَلُّوا حَتَّى صَارُوا كَالْحَنَائِيا، ثُمَّ أَبْغَضُوكَ، لَأَكْبَهُمُ اللَّهُ عَلَى مَنَاخِرِهِمْ فِي النَّارِ، ٣٤١
- يَا عَلِيُّ: مَا عَرَفَ اللَّهُ إِلَّا أَنَا وَ أَنْتَ، ٣٤٧
- يَا عَلِيُّ: مَا عَرَفَنِي إِلَّا اللَّهُ وَ أَنْتَ، ٣٤٧
- يَا عَلِيُّ: مَا عَرَفَكَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَا، ٣٤٨
- يَا عَلِيُّ: مَا عَرَفَ اللَّهُ حَقَّ مَعْرِفَتِهِ غَيْرِي وَ غَيْرِكَ، ٣٤٨
- يَا عَلِيُّ: مَا عَرَفَكَ حَقَّ مَعْرِفَتِكَ غَيْرُ اللَّهِ وَ غَيْرِي، ٣٤٨
- مَعْرِفَتِي بِالثَّوْرَانِيَّةِ مَعْرِفَةُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ، ٣٥٠

- مَعْرِفَةُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ مَعْرِفَتِي بِالتُّورَاتِيَّةِ، ٣٥٠
- مَنْ زَارَنِي فِي حَيَاتِي أَوْ بَعْدَ مَوْتِي فَقَدْ زَارَ اللَّهَ، ٣٥١
- يَا عَلِيُّ: مَا عَرَفَ اللَّهَ إِلَّا أَنَا وَ أَنْتَ، ٣٥٢
- يَا عَلِيُّ: مَا عَرَفَنِي إِلَّا اللَّهُ وَ أَنْتَ، ٣٥٢
- يَا عَلِيُّ: مَا عَرَفَكَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَا، ٣٥٢
- لَوْ أَنَّ الْعِيَاظَ أَقْلَامَ، وَ الْبَحْرَ مِدَادَ، وَ الْجَنَّ حُسَابَ، وَ الْإِنْسَ كُتَّابَ، مَا أَحْصَوْا فَضَائِلَ عَلِيِّ بْنِ أَبِيطَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامَ، ٣٥٥
- وَ لَإِيَّةَ عَلِيِّ بْنِ أَبِيطَالِبٍ وَ لَإِيَّةَ اللَّهِ، ٣٥٩
- وَ لَإِيَّةَ عَلِيِّ بْنِ أَبِيطَالِبٍ حِصْنِي، فَمَنْ دَخَلَ حِصْنِي أَمِنَ مِنْ عَذَابِي، ٣٦١
- قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى: فَبِعِزَّتِي حَلَفْتُ، وَ بِجَلَالِي أَقْسَمْتُ، أَنَّهُ لَا يَتَوَلَّى عَلِيًّا عَبْدٌ مِنْ عِبَادِي إِلَّا زَحْرَحْتُهُ عَنِ النَّارِ وَ أَدْخَلْتُهُ الْجَنَّةَ، ٣٦٣
- لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حِصْنِي، فَمَنْ دَخَلَ حِصْنِي أَمِنَ مِنْ عَذَابِي، ٣٦٥
- لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حِصْنِي فَمَنْ دَخَلَ حِصْنِي أَمِنَ مِنْ عَذَابِي، بِشُرُوطِهَا وَ أَنَا مِنْ شُرُوطِهَا، ... ٣٧٠
- نَحْنُ الَّذِينَ فَرَضَ اللَّهُ طَاعَتَنَا، ٣٧٣
- مَنْ عَرَفَنَا كَانَ مُؤْمِنًا وَ مَنْ أَنْكَرَنَا كَانَ كَافِرًا، ٣٧٣
- الْمُخَالَفُ عَلَى عَلِيِّ بْنِ أَبِيطَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامَ بَعْدِي كَافِرٌ، ٣٧٦
- مَنْ خَالَفَ عَلِيًّا حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ وَ جَعَلَ مَأْوَاهُ النَّارَ، ٣٧٧
- إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ نَصَبَ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامَ عَلِمًا بَيْنَهُ وَ بَيْنَ خَلْقِهِ، فَمَنْ عَرَفَهُ كَانَ مُؤْمِنًا، وَ مَنْ أَنْكَرَهُ كَانَ كَافِرًا، ٣٧٨
- مَنْ عَرَفَهُ كَانَ مُؤْمِنًا، وَ مَنْ أَنْكَرَهُ كَانَ كَافِرًا، ٣٧٨
- مَنْ تَبِعَهُ كَانَ مُؤْمِنًا، وَ مَنْ جَحَدَهُ كَانَ كَافِرًا، ٣٧٩
- لَوْ جَحَدَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامَ جَمِيعُ مَنْ فِي الْأَرْضِ، لَعَذَّبَهُمُ اللَّهُ جَمِيعًا وَ أَدْخَلَهُمُ النَّارَ. ٣٨٠

- التَّارِكُونَ وِلَايَةَ عَلِيٍّ بِنِ أَبِيطَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ، خَارِجُونَ عَنِ الْإِسْلَامِ، ٣٨٠
- مَنْ شَكَّ فِي كُفْرِ أَعْدَائِنَا وَ الظَّالِمِينَ لَنَا فَهُوَ كَافِرٌ، ٣٨١
- ضَرْبَةُ عَلِيٍّ يَوْمَ الْخَنْدَقِ أَفْضَلُ مِنْ عِبَادَةِ الثَّقَلَيْنِ..... ٣٨٢
- بَرَزَ الْإِيْمَانِ كُلُّهُ إِلَى الشَّرِكِ كُلُّهُ، ٣٨٤
- اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ شِيعَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٍّ بِنِ أَبِيطَالِبٍ، ٣٨٧
- اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ شِيعَةِ عَلِيٍّ بِنِ أَبِيطَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامِ، ٣٨٩
- وَ مَا كَلَّمَ اللَّهُ مُوسَى تَكْلِيمًا إِلَّا بِوِلَايَةِ عَلِيٍّ بِنِ أَبِيطَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامِ، ٣٩١
- وَ لَا أَقَامَ اللَّهُ عِيسَى بِنِ مَرْيَمَ آيَةً لِعَالَمِينَ إِلَّا بِالْخُضُوعِ لِعَلِيٍّ بِنِ أَبِيطَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامِ، ٣٩١
- وِلَايَةُ عَلِيٍّ بِنِ أَبِيطَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامِ مَكْتُوبَةٌ فِي جَمِيعِ صُحُفِ الْأَنْبِيَاءِ، ٣٩١
- وَ لَا يَتَنَا وَ لَا يَتَنَا اللَّهُ الَّتِي لَمْ يُبْعَثْ نَبِيًّا قَطُّ إِلَّا بِهَا..... ٣٩٤
- بِنَا عِبْدَ اللَّهِ وَ بِنَا عَرَفَ اللَّهُ ٣٩٥
- لَوْلَا مَا عَرَفَ اللَّهُ ٣٩٥
- اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ شِيعَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٍّ بِنِ أَبِيطَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامِ، ٤٠٠
- وَ اللَّهُ لَوْلَا أَنِّي أَشْفَقُ أَنْ تَقُولَ طَوَائِفُ مِنْ أُمَّتِي فِيكَ مَا قَالَتِ النَّصَارَى فِي بِنِ مَرْيَمَ، لَقُلْتُ فِيكَ الْيَوْمَ مَقَالًا لَا تَمُرُّ بِأَحَدٍ مِنَ النَّاسِ ٤٠١
- لَوْلَا أَنْ تَقُولَ فِيكَ طَوَائِفُ مِنْ أُمَّتِي مَا قَالَتِ النَّصَارَى لِلْمَسِيحِ عِيسَى بِنِ مَرْيَمَ، لَقُلْتُ فِيكَ الْيَوْمَ قَوْلًا لَا تَمُرُّ بِمَالٍ ٤٠٢
- لَوْلَا أَنِّي أَخَافُ أَنْ يُقَالَ فِيكَ مَا قَالَتِ النَّصَارَى فِي الْمَسِيحِ، ٤٠٢
- يَا مُحَمَّدُ: إِنَّ عَلِيًّا إِمَامُ الْمُتَّقِينَ وَ يَعْسُوبُ الْمُؤْمِنِينَ، ٤٠٦
- لَوْلَا أَنْ تَقُولَ طَوَائِفُ مِنْ أُمَّتِي فِيكَ مَا قَالَتِ النَّصَارَى فِي بِنِ مَرْيَمَ، ٤٠٧
- لَوْلَا أَنْ يَقُولَ فِيكَ طَوَائِفُ مِنْ أُمَّتِي مَا قَالَتِ النَّصَارَى فِي عِيسَى بِنِ مَرْيَمَ، ٤٠٨
- مَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى نُوحٍ فِي عَزْمِهِ، وَ إِلَى إِبْرَاهِيمَ فِي حِلْمِهِ، ٤١١

- مَنْ أَرَادَ أَنْ يَرَى آدَمَ فِي عِلْمِهِ، وَ نُوحًا فِي طَاعَتِهِ، ٤١٤
- وَ إِبْرَاهِيمَ فِي خُلَّتِهِ، وَ مُوسَى فِي هَيْبَتِهِ، وَ عِيسَى فِي صَفْوَتِهِ، ٤١٤
- مَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى آدَمَ فِي عِلْمِهِ، وَ إِلَى نُوحٍ فِي فَهْمِهِ، ٤١٦
- وَ إِلَى إِبْرَاهِيمَ فِي حِلْمِهِ، وَ إِلَى يَحْيَى بْنِ زَكَرِيَّا فِي زُهْدِهِ، وَ إِلَى مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ فِي بَطْشِهِ، ٤١٦
- لَوْ لَمْ أَخْلُقْ عَلِيًّا لَمَا كَانَ لِفَاطِمَةَ ابْنَتِكَ كُفُوٌ عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ، ٤٢٧
- لَوْلَا أَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى خَلَقَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ لِفَاطِمَةَ عَلَيْهِمَا السَّلَامَ، ٤٣١
- لَوْ لَمْ يَخْلُقِ اللَّهُ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ، مَا كَانَ لِفَاطِمَةَ كُفُوٌ، ٤٣٤
- لَوْلَاكَ يَا عَلِيُّ، لَمَا كَانَ لِفَاطِمَةَ كُفُوٌ عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ، ٤٣٤
- لَوْلَا أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى خَلَقَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، لَمْ يَكُنْ لِفَاطِمَةَ كُفُوٌ عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ ... ٤٣٧
- لَوْلَا أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ تَزَوَّجَهَا، لَمَا كَانَ كُفُوٌ عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ، ٤٣٨
- لَوْلَا عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامَ، لَمْ يَكُنْ لِفَاطِمَةَ عَلَيْهَا سَلَامٌ كُفُوٌ، ٤٣٩
- لَوْلَا أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامَ لَتَزَوَّجَ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا سَلَامَ، لَمَا كَانَ لَهَا كُفُوٌ ٤٤٠
- يَا عَلِيُّ: مَا عَرَفَكَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَا، ٤٤١
- يَا عَلِيُّ: مَا عَرَفَكَ حَقَّ مَعْرِفَتِكَ غَيْرُ اللَّهِ وَ غَيْرِي، ٤٤٢
- أِنَّمَا سُمِّيَتْ فَاطِمَةَ، لِأَنَّ الْخَلْقَ فُطِمُوا عَنْ مَعْرِفَتِهَا، ٤٤٣
- إِنَّهُ الْإِمَامُ الَّذِي أَحْصَى اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى فِيهِ عِلْمَ كُلِّ شَيْءٍ، ٤٤٧
- أَدْنُ لِأَحَدِثِكَ بِمَا كَانَ وَ بِمَا هُوَ كَائِنٌ وَ بِمَا لَمْ يَكُنْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ حِينَ تَقُومُ السَّاعَةُ، ٤٤٩
- أَعْلَمُ مَا كَانَ وَ مَا يَكُونُ وَ مَا لَمْ يَكُنْ، ٤٥٢
- أَمَّا ابْنَتِي فَاطِمَةَ، فَإِنَّهَا سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ، ٤٦٠
- هِيَ بَضْعَةٌ مِنِّي، هِيَ نُورٌ عَيْنِي، هِيَ رُوحِي الَّتِي بَيْنَ جَنْبِي، ٤٦٠
- أَنْظُرُوا إِلَى أُمَّتِي فَاطِمَةَ سَيِّدَةِ أُمَّتِي ٤٦٠

- مَنْ عَرَفَ هَذِهِ فَقَدْ عَرَفَهَا، ٤٦٢
- مَنْ لَمْ يَعْرِفْهَا فَهِيَ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ «صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ»، ٤٦٢
- وَهِيَ قَلْبِي وَرُوحِي الَّتِي بَيْنَ جَنَبَيَّْ، ٤٦٢
- مَنْ آذَاهَا فَقَدْ آذَانِي، وَمَنْ آذَانِي فَقَدْ آذَى اللهُ، ٤٦٢
- هُمْ فَاطِمَةُ وَأَبُوهَا وَبَعْلُهَا وَبَنُوهَا ٤٦٥
- إِنَّمَا سُمِّيَتْ فَاطِمَةَ لِأَنَّ الْخَلْقَ فُطِمُوا عَنْ مَعْرِفَتِهَا، يَا عَلِيُّ: ٤٦٧
- يَا عَلِيُّ: أَنْتَ نَفْسِي الَّتِي بَيْنَ جَنَبَيَّْ، ٤٦٧
- لَوْلَا عَلِيُّ لِفَاطِمَةَ، مَا كَانَ عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ كُفُؤٌ، ٤٦٨
- مَنْ زَارَنِي بَعْدَ وَفَاتِي فَكَأَنَّمَا زَارَنِي فِي حَيَاتِي، ٤٧٠
- مَنْ زَارَ فَاطِمَةَ فَكَأَنَّمَا زَارَنِي، ٤٧٠
- مَنْ زَارَ عَلِيَّ بْنَ أَبِيطَالِبٍ فَكَأَنَّمَا زَارَ فَاطِمَةَ، ٤٧٠
- مَنْ زَارَ الْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ فَكَأَنَّمَا زَارَ عَلِيًّا، ٤٧٠
- مَنْ زَارَنِي فِي حَيَاتِي أَوْ بَعْدَ مَوْتِي كَمَنْ زَارَ اللهُ جَلَّ جَلَالُهُ، ٤٧٢

منابع و مأخذ

۱. تفسیر مجمع البیان

تألیف: امین الاسلام طبرسی
ترجمه: جمعی از علماء و فضلا
تهران: موسسه انتشارات فراهانی

۲. تفسیر المیزان

تألیف: علامه سید محمدحسین طباطبایی
ترجمه: جمعی از علما و فضلا
قم: انتشارات موسسه مطبوعات دارالعلم
تهران: کانون انتشارات محمدی

۳. تفسیر نمونه

تألیف: جمعی از علما و فضلا، زیر نظر آیت الله مکارم شیرازی
تهران: دارالکتب الاسلامیه

۴. تفسیر صافی

تألیف: عالم ربّانی آیت الله محمد محسن فیض کاشانی
ترجمه: جمعی از علما و فضلا، زیر نظر عبدالرحیم عقیقی بخشایشی
قم: نشر نوید اسلام

۵. تفسیر برهان

تألیف: علامه سید هاشم بحرانی

ترجمه: دکتر رضا ناظمیان، دکتر علی گنجیان و دکتر صادق خورشیا
تهران: نشر کتاب صبح با همکاری نهاد کتابخانه‌های عمومی سراسر کشور

۶. تفسیر نورالثقلین

تألیف: علامه حویزی
ترجمه: جمعی از علماء و فضلا، زیر نظر عبدالرحیم عقیقی بخشایشی
قم: نشر نوید اسلام

۷. اصول کافی

تألیف: محمد بن یعقوب کلینی
ترجمه: سید جواد مصطفوی
تهران: انتشارات علمیة اسلامیة

۸. احتجاج طبرسی

تألیف: ابومنصور احمد بن علی طبرسی
ترجمه: بهزاد جعفری
تهران: دارالکتب الاسلامیة

۹. عیون اخبار الرضا علیه السلام

تألیف: محمد بن علی بن بابویه «شیخ صدوق»
ترجمه: علی اکبر غفاری، حمید رضا مستفید
تهران: دارالکتب الاسلامیة

۱۰. معانی الاخبار

تألیف: محمد بن علی بن بابویه «شیخ صدوق»
ترجمه: عبدالعلی محمدی شاهرودی
تهران: دارالکتب الاسلامیة

۱۱. کمال الدین و تمام النعمه

تألیف: محمد بن علی بن بابویه «شیخ صدوق»
ترجمه: منصور پهلوان
قم: سازمان چاپ و نشر دار الحدیث

۱۲. خصال

تألیف: محمد بن علی بن بابویه «شیخ صدوق»
ترجمه: محمد باقر کمره‌ای
تهران: انتشارات کتابچی

۱۳. علل الشرایع

تألیف: محمد بن علی بن بابویه «شیخ صدوق»
ترجمه: سید محمد جواد ذهنی تهرانی
قم: انتشارات مؤمنین

۱۴. امالی

تألیف: محمد بن علی بن بابویه «شیخ صدوق»
ترجمه: کریم فیضی
قم: انتشارات چهارده معصوم علیهم السّلام

۱۵. امالی

تألیف: محمد بن حسن طوسی «شیخ طوسی»
ترجمه: صادق حسن زاده
قم: انتشارات اندیشه هادی

۱۶. امالی

تألیف: محمد بن محمد بن نعمان «شیخ مفید»
ترجمه: عقیقی بخشایشی
قم: انتشارات نوید اسلام

۱۷. ارشاد

تألیف: محمّد بن محمّد بن نعمان «شیخ مفید»
ترجمه: سیّد هاشم رسولی محلاتی
قم: دفتر نشر فرهنگ اسلامی

۱۸. ارشاد القلوب

تألیف: حسن بن ابی الحسن محمّد دیلمی
ترجمه: علی سلگی نهاوندی با تصحیح و پاورقی علامه شعرانی
قم: چاپ امین

۱۹. کلیّات حدیث قدسی «ترجمه کتاب جواهر السنّیه»

تألیف: شیخ حرّ عاملی
ترجمه: زین العابدین کاظمی خلخالی
تهران: انتشارات دهقان

۲۰. بصائر الدرّجات

تألیف: محمّد بن حسن صفار قمی
ترجمه: علیرضا زکی زاده رنانی
قم: انتشارات وثوق

۲۱. سوگنامه فدک «شرح خطبه فاطمه زهرا سلام الله علیها»

تألیف: آیت الله سیّد محمّد تقی نقوی
تهران: انتشارات قائن

۲۲. شرح زیارت جامعه کبیره

تألیف: آیت الله سیّد محمّد تقی نقوی
تهران: انتشارات قائن

۲۳. شرح زیارت جامعه کبیره «ادب فنای مقربان»

تألیف: آیت‌الله جوادی آملی

قم: مرکز نشر اسراء

۲۴. شرح زیارت جامعه کبیره «ترجمه کتاب شمس الطالعه»

تألیف: علامه سید حسین همدانی درودآبادی

ترجمه: محمدحسین نائیجی

قم: انتشارات مسجد مقدس جمکران

۲۵. شرح زیارت جامعه کبیره «حَبَلِ مَتِين»

تألیف: آیت‌الله سید محمد ضیاءآبادی

تهران: انتشارات بنیاد خیریه الزهراء سلام الله علیها

۲۶. فضائل فاطمه زهرا سلام الله علیها

تألیف: عبدالحسین امینی «علامه امینی»

تهران: نشر استقلال

ناشر دیجیتالی: مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

۲۷. امیرالمؤمنین علیه السلام نفس نفیس خاتمیت

تألیف: آیت‌الله وحید خراسانی

قم: مدرسه‌الامام باقرالعلوم علیه السلام

۲۸. فاطمه زهرا سلام الله علیها حلقه وصل رسالت و امامت

تألیف: آیت‌الله وحید خراسانی

قم: مدرسه‌الامام باقرالعلوم علیه السلام

۲۹. حدیث لولا فاطمة

تألیف: آیت‌الله محمدعلی گرامی

ناشر: دفتر آیت‌الله محمدعلی گرامی

۳۰. جُنَّةُ الْعَاصِمَةِ

تألیف: آیت‌الله سیّد محمّد حسن میرجهانی
تهران: موسّسه فرهنگی هنری شمس الضّحی

۳۱. فاطمه علیها سلام سرور دل پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم

تألیف: آیت‌الله رحمانی همدانی
ترجمه: مهدی جعفری
تهران: مرکز فرهنگی انتشارات منیر

۳۲. قطره‌ای از دریای فضائل اهل بیت علیهم السّلام

تألیف: آیت‌الله سیّد احمد مستنبط
قم: نشر الماس

۳۳. جلوه نور

تألیف: آیت‌الله سعادت پرور
تهران: شرکت انتشارات احیاء کتاب

۳۴. تحقیقی درباره زندگانی فاطمه زهرا سلام الله علیها

تألیف: آیت‌الله سیّد محمّد کاظم قزوینی
ترجمه: سیّد محمّد صالحی
تهران: نشر محمّد

۳۵. خصائص فاطمیّه

تألیف: آیت‌الله کجوری مازندرانی «معروف به ملاّ باقر واعظ تهرانی»
قم: انتشارات اندیشه هادی

۳۶. آل الله در کتاب الله «فضائل و مناقب چهارده معصوم علیهم السّلام در قرآن کریم»

تألیف: نیره السّادات علوی حسینی
قم: انتشارات طوبای محبّت